



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



پساروہ منصوم بر پیامبر اکرم

از دیدگاه قرآن و سنت



مؤلف:
ابن مالک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برتری چهارده معصوم علیه السلام بر پیامبران از دیدگاه قرآن و سنت

نویسنده:

عبدالرضا یوسفی پور

ناشر چاپی:

میراث ماندگار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	برتری چهارده معصوم علیهم السلام بر پیامبران از دیدگاه قرآن و سنت
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۲	مقدمه کتاب برتری ۱۴ معصوم بر پیامبران
۱۴	پیش گفتار
۲۲	هدیه کتاب
۲۳	فصل اول: آیات کلیدی برتری امامت حضرت علی علیه السلام بر پیامبران
۷۹	فصل دوم: آیه مباهله
۹۷	فصل سوم: پاسخ به دروغ و مغلطه
۱۱۰	فصل چهارم: دلایل متعدد آیات و روایات در باب برتری حضرت علی علیه السلام بر پیامبران
۱۶۶	فصل پنجم: آیه ۴۷ سوره حجر و فضیلت امام علی علیه السلام و دشمنی معاویه با وی
۱۹۲	فصل ششم: ائمه و امامان
۵۸۱	منابع و ماخذ
۵۸۵	درباره مرکز

برتری چهارده معصوم علیهم السلام بر پیامبران از دیدگاه قرآن و سنت

مشخصات کتاب

سرشناسه: یوسفی، عبدالرضا، ۱۳۶۲ -

عنوان و نام پدیدآور: برتری چهارده معصوم علیه السلام بر پیامبران از دیدگاه قرآن و سنت / نویسنده عبدالرضا یوسفی (ابن مالک).

مشخصات نشر: قم: میراث ماندگار، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۵۲۸ص.

شابک: ۲۸۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۲۱۳-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- امامت -- جنبه های قرآنی

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۰۰-۶۶۱ -- Imamate -- Qur'anic teaching

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- امامت -- نظر اهل سنت

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۰۰-۶۶۱ -- Imamate -- Views of sunnites

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- امامت -- نظر وهابیه

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۰۰-۶۶۱ -- Imamate -- Views of Wahhabiyah

موضوع: وهابیه -- دفاعیه ها و ردیه ها -- جنبه های قرآنی

موضوع: Wahhabiyah -- Apologetic works -- Qur'anic teaching

رده بندی کنگره: ۱۰۴BP/ع/۸۱ی ۱۳۹۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۷۳۴۸۲

بسم الله الرحمن الرحيم

برتری چهارده معصوم عليهم السلام بر پیامبران از دیدگاه قرآن و سنت

مؤلف: عبد الرضا یوسفی

ص: ۳

نام کتاب: برتری چهارده معصوم علیهم السلام بر پیامبران از دیدگاه قرآن و سنت

نویسنده: عبدالرضا یوسفی (ابن مالک)

ناشر: میراث ماندگار

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپخانه: ولیعصر

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۲۱۳-۸

مرکز پخش:

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۸۴

تلفن: ۳۷۷۳۰۳۶۵

ص: ۴

فهرست مطالب

فصل اول.. ۱۷

آیات کلیدی برتری امامت حضرت علی علیه السلام بر پیامبران.. ۱۷

فصل دوم. ۷۲

آیه مباحله. ۷۲

فصل سوم. ۸۹

فصل چهارم. ۱۰۲

دلایل متعدد آیات و روایات در باب برتری حضرت علی علیه السلام بر پیامبران.. ۱۰۲

فصل پنجم.. ۱۵۲

آیه ۴۷ سوره حجر و فضیلت امام علی علیه السلام و دشمنی معاویه با وی.. ۱۵۲

فصل ششم.. ۱۷۴

ص: ۵

- کتابی که در پیش روی شماست حاصل ۳ الی ۴ جلسه تماس تلفنی و مباحثه حقیر با یکی از رسانه های ماهواره ای منسوب به وهابیت است که از شهر مدینه النبی (عربستان) پخش می شود و از حمایت مادی استکبار جهانی تغذیه می شود و تمام فرق منسوب به اسلام را خصوصاً شیعه ۱۲ امامی را تکفیر می کند یکی از شبهاتی که مطرح کردند و می کنند و حقیر در آن موضوع با آنان گفتگو و مباحثه داشتم مبحث برتری ائمه شیعه بر انبیاء و خلائق بود که در بحث تلفنی بعثت تنگی وقت و قطع کردن تماس از سوی وهابیت و همچنین گستردگی مبحث بر این شدم بلطف باری تعالی این موضوع را بصورت کتابی مفصل و مستدل از دیدگاه قرآن- تفاسیر مربوطه؛ احادیث مستند شیعه- اهل سنت و سایت های مورد قبول وهابیت برتری ائمه هدی شیعه بر انبیاء را (غیر از رسول اسلام) ثابت کنم- شبکه های وهابی ها- تنها دلیلی که برای رد مقامات ائمه طاهرین شیعه آوردند و می آورند آیه ۸۶ سوره انعام است که حقیر مفصل و مستدل در بیش از ۵۴۰ صفحه جواب علمی و قرآنی و حدیثی داده ام. امیدوارم بلطف خداوند و کرامات حضرات ۱۴ معصوم این کتاب چراغی فروزنده برای تبیین حق از باطل باشد و ذخیره ای برای روز و انفسای ما در قبر و قیامت باشد- قرآن کریم در آیات متعدد برتری های افراد اعم از اولیای الهی و غیر اولیای الهی حتی در موجودات غیر بشری به تصویر بیان کشیده وقتی خداوند در قرآن به درجات افراد و موجودات از جهت فاضل و مفضول بودن اشاره فرموده خوب است از دیدگاه نورانی قرآن- تفاسیر و روایات موقعیت ۱۴ معصوم و ائمه ۱۲ گانه شیعه برای موافق و مخالف روشن شود- قرآن در سوره رعد آیه ۴ می فرماید بعضی از میوه ها بر بعضی دیگر برتری دارند و بفضل بعضها علی بعض فی الاکل-

قرآن می فرماید بعضی از افراد در رزق و روزی بر بعضی دیگر برتری دارند(۱)؛ والله فضل بعضکم علی بعض فی الرزق(۲) -
فضلنا بعضهم علی بعض - درجات افراد در آخرت و برتری بعضی بر بعضی(۳)؛

و للاحره اکبر درجات و اکبر تفضیلا -

۳۰/۰۵/۹۶ - مداح ابن مالک -

ص: ۷

۱- ۱. نحل آیه ۷۱

۲- ۲. اسراء آیه ۲۱

۳- ۳. اسراء آیه ۲۱

قبل از آنکه وارد خواندن کتاب شوید؛ بدانید عده ای از علمای سرشناس اهل سنت به صراحت و روشنی نوشته‌اند- امیر مؤمنان علی علیه السلام و سایر ائمه ۱۲ گانه شیعه- از پیامبران و مخلوقات (غیر از رسول اسلام)- افضل و برتر می‌باشند- برای نمونه علامه شمس‌الدین ابوالمظفر یوسف بن فرغلی (معروف به سبط بن جوزی نوه دختری حافظ ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی در کتاب معروفش تذکره الخواص بذكر الخصائص الائمة می‌نویسد: اسماء بنت عمیس می‌گوید: سر مبارک رسول اسلام در دامن علی بود- در حالی که به آرامی با آن حضرت سخن می‌گفت و این حالت تا غروب خورشید ادامه یافت و نماز عصر او قضا شد- رسول خدا فرمود: خدایا این عمل علی در راه طاعت تو و پیامبر تو بود. خداوندا- خورشید را به خاطر او برگردان- اسماء می‌گوید: خداوند خورشید را برگردانید... بلکه ما معتقدیم که خورشید از سیر معمولیش بازمانده است و اگر برآستی دوباره بازگشته نیز جای تعجب نیست زیرا در آن صورت معجزه ای برای نبی اسلام و کرامتی برای علی خواهد بود- و به اجماع علماء- خورشید برای یوشع متوقف شد و این از دو صورت بیرون نیست یا آنکه معجزه ای بوده است برای موسی و یا کرامتی برای یوشع اگر معجزه برای موسی بوده پیامبر ما بالاتر از موسی است و اگر کرامت برای یوشع بوده است- علی بالاتر از یوشع است- پیامبر فرمود: علمای امت من چون پیامبران بنی اسرائیل هستند این سخن پیامبر درباره یکایک علماست تا چه رسد به علی- رسول خدا فرمود: صدیقین سه نفر هستند: حزقیل مؤمن آل فرعون- حبیب نجار مؤمن آل یاسین و علی که از همه افضل است و حزقیل پیامبری از انبیای بنی اسرائیل همچون یوشع بوده- پس این خود دلیل بر فضل و برتری علی از پیامبران بنی اسرائیل است شرح حال و فضائل خاندان نبوت ترجمه تذکره الخواص مترجم محمدرضا عطائی ص ۷۵- سبط بن جوزی از علمای حنفی مذهب اهل سنت الفوائد البهیه در شرح

حال حنفیه ص ۲۳۰ الکنوی هندی- الجواهر المظیه فی طبقات الحنفیه ج ۲ ص ۲۳۰- شذرات الذهب ابن عماد حنبلی ج ۵ ص ۲۶۶ ضمن حوادث ۲۶۶- امام ربانی اهل سنت حضرت شیخ احمد سرهندی متوفی ۱۰۳۱- می نویسد: و راهی است که به قرب ولایت تعلق دارد... و پیشوای واصلان این راه و سرگروه اینها و منبع فیض این بزرگواران حضرت علی مرتضی است و این منصب عظیم الشان به ایشان تعلق دارد- انگارم که حضرت امیر قبل از نشاء عنصری نیز ملاذ و ملجاء این مقام بوده اند چنانچه بعد از نشاء عنصری این گونه اند.. (یعنی امام علی قبل از خلقت عناصر و موجودات و انبیاء مقام عظمی ولایت و امامت خاصه الهی داشته اند کتاب گزیده مکتوبات امام ربانی شیخ احمد سرهندی گردآوری و ترجمه: عبدالمجید مرادزی خاشی ناشر فاروق اعظم زهدان خ خیام روبروی مسجد مکی- نبی اکرم فرمود: صبح روزی- جبرئیل امین بر من نازل شد در حالی که بسیار خوشحال بود به او گفتم چرا تو را اینقدر خوشحال می بینم؟ گفت: چرا خوشحال نباشم به خاطر کرامتی که خداوند به برادرت و وصیت و امام امت داده است خداوند در شب گذشته در برابر ملائکه و حاملان عرش به امام علی مباحث کرده و فرمود: ای ملائکه من به حجت من بر بندگانم پس از پیامبر که چگونه صورت خودش را به خاک گذاشته و برای عظمت من چگونه تواضع می کند شاهد باشید که او امام کل خلائق (غیر از بر رسول اسلام) و مولی و سرپرست ایشان است

مناقب خوارزمی حنفی ح ۳۲۳ ص ۳۱۹ انه امام خلقی و مولی بریتی- طبق این روایت و اقرار امام ربانی اهل سنت احمد سرهندی- مولا علی بر تمام خلائق (غیر از رسول اسلام) امام و سرور و مولی است و پیامبران غیر از رسول اسلام نمی توانند بر او امام و افضل باشند- نبی اکرم فرمود: چون و من علی- فردای قیامت از کنار پیامبران عبور کنیم- انبیاء آرزوی مقامات من و علی می کنند و علی بدنبال من است و علی یک پله پائین تر از من قرار دارد بشاره المصطفی ص ۶۴ ح ۳۶ و علی اسفل منی بدرجه..... نبی اکرم فرمود: کسی را با علی همپایه قرار دهید که کافر و گمراه می شوید و کسی را بر او فضیلت و برتری ندهید که مرتد می شوید بشاره المصطفی ص ۱۲۸ ح ۶۳ ولا تفضلوا علیه احداً فترتدوا- نبی اکرم خطاب به مولا

علی فرمود: ای علی - خداوند به من کرامتی نداده جزء آنکه مانندش را بتو عطاء کرده... فضیلت تو از فضیلت من است و فضیلت من فضیلت تو است بشاره المصطفی حدیث ۳۴۸ ص ۴۷۱ و ما اکرمنی الله بکرامه الاوقدا کرمنک بمثلها.... و ان فضلك لمن فضلی لک فضل - خصائص علی ج ۱ ص ۱۵۶ - سنن الکبری نسایی ج ۵ ص ۱۵۱ و ما سالت لنفسی شیئاً الاسالت لک - بیهقی در کتاب المحاسن و المساوی خود ص ۱۸ می نویسد که سؤال شد از امام علی جواب داده شد از اصحاب پیامبر سؤال می کنید یا از نفس و جان پیامبر؟ علی نفس پیامبر است طبق آیه مباحله (۶۱ آل عمران) و در موقف و جایگاه پیامبر است فاین علی بن ابی طالب؟ قال یا هذا تستفتی عن اصحابه ام عن نفسه؟ قال: بل عن اصحابه قال: ان الله قل تعالوا اندع... و انفسنا و انفسکم فکیف یکون اصحابه مثل نفسه و عن عطاء قال: کان لعلی موقف من رسول الله - کمال الدین محمد بن طلحه شافعی متوفی ۶۵۲ هـ. در کتاب مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول ص ۸۱ درباره مقام بی نظیر مولا علی و برتری او بر خلائق و انبیاء بغیر از رسول اسلام ذیل آیه مباحله (۶۱ سوره آل عمران) می نویسد: منظور از انفسنا: علی مرتضی علیه السلام می باشند که نفس و جان پیامبر اکرم هستند - با این حال به این دلیل که خداوند بین نفس رسول اسلام و نفس حضرت علی - اتحاد و یگانگی ایجاد کرده است و نفس امام علی را به پیامبر خدا - نسبت داده و ضمیرش را به آن حضرت برگردانده «انفسنا» می فهمیم که براساس این حدیث هر حق و مقامی که پیامبر نسبت به مؤمنین داشتند امیرمؤمنان علی نیز دارا بوده و علی علیه السلام نیز تمام این منزلت ها و غیر آن را که همگی از لفظ مولی فهمیده می شود دارا بوده اند پس این مرتبه ای بزرگ و منزلتی والا و درجه ای بلند و جایگاهی بس رفیع و عالی برای آن حضرت به شماره می رود که بی شک مخصوص ایشان بوده و دیگران را در آن شراکت نیست والمراد نفس علی علیه السلام علی ماتقدم فان الله تعالی لما قرن بین نفس رسول الله و بین نفس علی و جمعها بضمیر مضاف الی رسول الله لنفس علی بهذا الحدیث ما هو ثابت لنفسه علی المؤمنین عموماً... و کل معنی امکان اثباته مما دل علیه لفظ المولی لرسول الله فقد جعله لعلی علیه السلام و هی مرتبه سامیه و منزله سامقه و درجه علیه و مکان رفیعه خصصه

بها دون غیره... - النصوص (احمد رضا آقاداتی) ص ۱۷۲ و ص ۱۷۳ ناشر دلیل ما- قم ۱۳۸۹- ابو جعفر اسکافی معتزلی ذیل حدیث منزلت می نویسد: جایگاه هارون برای موسی به اندازه ای کافی معروف و مشهور است اولین آنها این است که او در پیامبری با موسی شریک بوده است و در واقع هر دو پیامبر خدا بوده اند و دوم اینکه او برادر نسبی موسی بوده است و سوم اینکه او در نزد موسی از همه انسانها مقدم تر و نزدیک تر بوده است و این منزلت همان چیزی است که برای حضرت علی بن ابی طالب نیز واجب گشته است و الثالثه انه المقدم عند موسی علی جمیع البشر و هذه هی التی وجبت لعلی بن ابی طالب و هی منزلته من النبی المعیار و الموازنه ص ۲۱۹- (النصوص ص ۳۰۷)- این است اقرار و اعتراف علمای سرشناس اهل سنت راجع به مقامات بی نظیر مولا علی و هم پایه بودن او با نبی اسلام در فضایل و درجات عالیه معنوی و ملکوتی- ولی چشمان خفاشی و شب پره ای و هابیون خون آشام دنیاپرست و هواپرست- آفتاب جهان تاب حقانیت علوی را نمی توان درک کند و ببیند-

او کرامه لیوشع... و ان کان لیوشع فعلی افضل من یوشع قال (ص) علماء امتی کانبیا بنی اسرائیل و هذه فی حق الاحاد فما ظنک بعلی و الدلیل علیه ایضاً... و حز قیل کان نبیا من انبیا بنی اسرائیل مثل یوشع فدل علی فضل علی علیه السلام علی انبیا بنی اسرائیل (۱)

محمی الدین عربی می نویسد: هیچ مخلوقی در عالم آفرینش هم وزن و پایه اهل بیت پیامبر پدیده نیامده است آنان سزاوار سروری و سیادت هستند ← فتوحات مکیه ج ۴ ص ۱۳۹: فلا تعدل باهل البیت خلقاً... فاهل البیت هم اهل السیاده - شبروای از فقهای اهل سنت می نویسد: اهل بیت پیامبر تمامی فضائل را یکجا داشتند ← الاتحاف ص ۱۷: و جمع من محاسن فضائلهم خلاصه و لبالب- در زیارت شریف جامعه کبیره می خوانیم: هیچ کس به مقام آنان نرسد و هیچ خواهان برتری به آن راه نیابد و هیچ سبقت کننده ای به آن نرسد نه از اولین مخلوقات و نه از آخرین موجودات آنان مقامی دارند که کسی حق توقع و اشتها داشتن به آن مقام را ندارد ← حیث

ص: ۱۱

۱- ۱. تذکره الخواص ص ۵۵ چاپ منشورات الشریف الرضی- المطبعة: امیر قم- چاپ سال ۱۳۷۶- تذکره الخواص ص ۵۲ مکتبه نینوی- (سایت مکتبه فقاقت ج ۱ ص ۵۵)

لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق ولا يطمع في ادراكه طامع ← مفاتيح الجنان ج ١ ص ٦٥١ المقام الاول في الزيارت الجامعه (الزياره الثانيه) - امام صادق درباره برتری ١٤ معصوم بر انبياء فرمود: براستی نزد ما سری از اسرار خداوند و علمی از علم الهی است که نه ملک مقرب و نه نبی مرسل و نه مومن آزموده شده به ایمان توان دریافت آنرا ندارد و خداوند کسی را بدان مکلف نکرده است و احدی غیر ما؛ خداوند را بواسطه این علم پرستش ننموده است ← الکافی ج ١ ص ٤٢ و ج ٢ ص ٣٣٣ باب فيما جاء ان حديثهم صعب مستصعب ← ان عندنا و الله سرّاً من سرالله و علماً من علم الله و الله ما يحتمله ملك قرب و لاني مرسل و لا مومن امتحن الله قلبه للايمان و الله ما كلف الله ذلك احداً غيرنا و لا استعبد بذلك احداً غيرنا - اوائل المقالات مفيد ج ١ ص ١٧٧ ← القول ٤٦: بين الائمة والانبيا - كتاب تفضيل الائمة على الانبياء (على حسيني ميلاني) - كتاب تفضيل اميرالمومنين (مفيد) - الرساله العلويه في فضل اميرالمومنين على سائر البريه (الکراچکی) - امام باقر عليه السلام درباره علت برتری مولا علی برخلائق و انبياء غير از رسول اسلام می فرماید: هرچه امر کند باید انجام شود و هرچه نهی کند باید ترک گردد اطاعت از علی بعد از پیامبر اسلام واجب است ... کسی که خود را بر علی مقدم بدارد مانند کسی است که خود را بر خدا و پیامبر مقدم داشته و کسی که خود را برتر از علی بداند مثل کسی است که خود را از خدا و پیامبر برتر بداند - و این مقام برای ائمه نیز یکی پس از دیگری است ... مولا علی خودش فرمود: کسی برتر از من نیست مگر احمد (رسول اسلام) ← بصائر الدرجات ج ١ باب (٩) حدیث اول ← و لا يتقدم مني احداً الا احمد - امام صادق فرمود: اصل فضیلت از آن رسول خدا محمد است و اوست که بر همه خلائق برتری و تقدم دارد و هیچکس برایشان تقدم ندارد و امیرمومنان علی پس از ایشان تقدم دارد ← الفضل لمحمد و هو المقدم على الخلق جميعاً لا يتقدمه احد و على المتقدم من بعده ... و كذلك يجري للائمة بعده واحداً بعد واحد ← بصائر الدرجات ج ١ باب (٩) حدیث دوم - ترجمه محمد فرمودی - امام صادق عليه السلام فرمود: برای امام علی همان برتری و فضیلتی است که برای رسول خدا، محمد صلی الله علیه و آله است ← بصائر الدرجات ج ١ باب (٩) ص ٤٣٣ ح ٣ ← جری له من الفضل مثل ماجری لمحید - دلایلی که ائمه هدی برای برتری خود و مولا علی بر کل خلائق غیر از رسول اسلام بیان کرده اند به این شرح است طبق نقل متن حدیث بصائر الدرجات ← ارکان زمین هستند - واسطه فیض الهی هستند - هیچ کس راه راست هدایت نشود مگر بوسیله آنان - امینان خدا هستند - فاروق اکبر هستند - مولا علی فرمود: براستی تمام اوصیاء و انبياء به برتری من اقرار و اعتراف خواهند نمود مانند همان اقرار و اعترافی، که نسبت به

برتری رسول خدا محمد مصطفی نموده اند ← و لقد اقرت لی جمیع الاوصیاء و الانبیاء بمثل ما اقرت به لمحمد ← بصائر الدرجات باب ۹ ص ۴۲۱ ح ۲- نبی اکرم به مولا علی فرمود:

در هفت موطن همراه من بودی موطن پنجم در شب قدر است که خداوند ما را به برکت آن مخصوص و ممتاز گردانیده است و این امتیاز برای غیر ما نیست ← بصائر الدرجات ص ۴۶۴ ج ۱ باب (۳) بخش ۵ ← یا علی الم اشهدک معی سبعة مواطن؟ الموطن الخامس ليله القدر خصصنا ببرکتها البصائر الدرجات ص ۲۲۴ باب ۱۸ ح ۱۲ بخش دوم ← فقال: یا وصی محمد انا و جدنا فی کتب الانبیاء ان الاصلع وصی محمد خیر الناس... و قال علیه السلام: انا و الله ذلک یا هام- مولا علی فرمود: موجودات و اشیاء به واسطه اسم من موجود شدند و سایر پیامبران بواسطه اسم من دعا کردند ← باسمى تکونت الکائنات و الاشیاء و باسمى دعا سائر الانبیاء ← مشارق الانوار ص ۵۰۷- مولا علی فرمود: ای سلمان هرکس از انبیاء پیامبر شد و مبعوث به رسالت بوسیله ما اهل بیت به این مقام رسیدند ← بنا شرف کل مبعوث... مولا- علی بود: خداوند به من فضائلی عطاء کرده که توصیف کنندگان و عارفان نمی توانند به آن معرفت پیدا کنند ← واعطانی مالم یصفه الواصفون و لایعرفه العارفون- من بودم (امام علی) که نوح را در کشتی حمل کردم و مونس یونس در شکم ماهی بودم من بودم که با موسی در دریا گفتگو کردم. نبوت محمد با من کامل شده ← انا حملت نوحاً فی السفینه انا صاحب یونس فی بطن الحوت... و بی تمت نبوه محمد ← مشارق الانوار ترجمه سیف و سعید راشدی ص ۵۱۰- نبی اکرم به مولا- علی فرمود تو، کل مقامات من را دارای غیر از نبوت من - و من در دنیا و آخرت از تو بی نیاز نیستم- حضرت آدم و انبیاء پیرو تو زیر لوای حمد که در دست توست در قیامت حرکت می کنند ← انت کذلک منی فی کل مقام الا النبوه و انی لا استغنی عنک فی الدنيا و لا فی الاخره - مشارق الانوار ص ۶۰۵- مولا- علی فرمود: چه کسی می تواند ما را بشناسد یا می تواند به مقام ما برسد و یا منزلت ما را درک کند اهل بلاغت و خطیبان و شاعران ناتوان هستند ما را توصیف کنند شأن کسی که نقطه موجودات و قطب دایره ها و راز ممکن ها است شعاع جلال کبراء و شرافت زمین و آسمان است- مقام آل محمد بزرگتر از آن است که توصیف کنندگان بتوانند آن را توصیف کنند و این که احدی از جهانیان با آن ها مقایسه شود- چگونه در حالی که آنها نور اول هستند و کلمه ی عالی و نام روشنایی بخش و وحدانیت کبری هستند؛ چیزی که عده ای از آن روبر گرداند و پشت کردند آنها حجاب اعظم و اعلی خداوند هستند پس خوبان چگونه در کنار این ها می توانند قرار بگیرند؟ عقل ها چه جایگاهی در برابر این ها دارند؟ و چه کسی توانسته این ها را بشناسد و چه کسی را

شناخته است؟ و یا چه کسی آنها را توصیف کرده است؟ خیال کرده اند این صفات در غیر آل محمد است دروغ گفتند و قدم هایشان لغزید- گوساله را خدای خود قرار دادند و شیطان را حزب خود کردند و همه ی این ها از روی دشمنی با خاندان برگزیده پیامبر و بیت عصمت و از روی حسادت به معدن رسالت و حکمت است شیطان اعمال آنها را برایشان زینت داد پس وای بر آنها و نابود باشند چگونه یک امام جاهل را انتخاب کردند... در حالی که امام واجب است که عالم باشد و جهل نداشته باشد و هیچ شرافتی مافوق او وجود نداشته باشد... کسی با آل محمد در مقامات بی نظیر آنان شریک و مساوی نیست ... علم و دانش پیامبران در برابر علم آل محمد و اسرار اوصیاء در برابر اسرار آنها و عزت اولیای الهی در برابر عزت و بزرگی و مقامات آنها همانند قطره در برابر دریا و مانند ذره در برابر مشت است ... پس احدی از مخلوقات با آل محمد قابل مقایسه نیست زیرا آنان خواص خداوند و خالص برای او و راز خدای دیانت و کلمه ی او و دروازه ایمان و کعبه ی ایمان و حجت خداوند و استدلال او و بزرگان هدایت و پرچم هدایت و فضل و رحمت خداوند هستند و چشمه ی یقین و حقیقت یقین و صراط حق و عصمت حق و مبداء وجود و انتهای وجود و قدرت پروردگار و مشیت او و ام الكتاب و خاتمه ی کتاب و فصل الخطاب و راهنمای آن و مخزن وحی و معدن تنزیل و امانت دار ذکر و ستارگان عالی مقام و انوار عالی تابنده از خورشید عصمت فاطمی در آسمان عصمت محمدی هستند... و خداوند مخلوقی نیافرید مگر آنکه از او به وحدانیت و ولایت برای ذریه پاکیزه اعتراف گرفت... و عرش مستقر نشد مگر آنکه وقتی بانور بر آن نوشته شد: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله ← بحار الانوار ج ۲۵ ص ۱۷۰ ح ۳۸ - مشارق الانوار الیقین ص ۳۵۹ - مولا علی فرمود: امام معصوم ولی خداوند در آسمان و زمین است و خداوند برای او از همه بندگانش عهد گرفته پس هر کس بر او پیشی بگیرد به خداوند کافر شده ← مشارق الانوار ص ۳۵۶ ← اخذ له بذلك العهد علی جمیع عباده فمن تقدم علیه كفر بالله من فوق عرشه - فمن ذاینال معرفتنا اوینال درجتنا او یدرک منزلتنا؛ حارث الالباب و العقول و تاهت الافهام فیما اقول؛ تصاغرت العظماء و تقاصرت العلماء و کلت الشعراء و خرست البلغاء و لکننت الخطباء و عجزت الشعراء و تواضعت الارض و السماء عن وصف شان الاولیاء و هل یعرف او یوصف او یعلم او یفهم او یدرک او یملک شأن من هو نقطه الکائنات و قطب الدائرات و سر الممکنات و شعاع جلال الکبریاء و شرف الارض و السماء جل مقام آل محمد عن وصف الواصفین و نعت الناعتین و ان یقاس بهم احد من العالمین و کیف و هم النور الاول و الکلمه العلیاء و التسمیه البیضاء و الوحدانیه الکبری التي اعرض عنها من ادبر و تولى

و حجاب الله الاعظم الاعلى فان الخيار من هذا؟ و أين العقول من هذا و من ذا عرف من عرف؟ او وصف من وصف ظنوا أن ذلك في غير آل محمد كذبوا... و هذا كله لآل محمد لا يشاركهم فيه مشارك... علم الأنبياء في علمهم و سرّ الوصياء في سرهم و عز الاولياء في عزهم كالقطره في البحر و الذره في القفر... و ان الله لم يخلق خلقاً الا و اخذ عليه الاقرار بالوحدانيه و الولايه للذريه الزكيه... و ان العرش لم يستقر حتى كتب عليه بالنور: لا إله الا الله محمد رسول الله عليّاً ولي الله-

در ضمن وهابيت؛ دوست و دشمن؛ مخالف و موافق بدانند من (ابن مالک) نویسنده کتاب- روحانی و کارشناس زبده مذهبی نیستم ولی با مطالعه فراوان و تحقیقات شبانه روزی و کمک از اساتید فن این کتاب را تألیف کردم انشاءالله مورد مرضی پروردگار و حضرات ائمه معصومین قرار بگیرد-

- نوکر اهل بیت: ابن مالک- ذی الحجّه ۱۴۳۸- ۲۲/۰۶/۱۳۹۶

شعری در فضائل اهل بیت رسالت

بود احمد عصاره بهر عالم **** میان انبیاء او هست خاتم

به چارم چرخ او کرده است منزل **** نبوده است او از این آب و از این گل

از او حیدر تلمذ کرده دائم **** که تا از بهر دین گردیده قائم

علی آن اسوی علم و سیاست **** امام المتقین مرد عبادت (عدالت)

ز دامانش حسن؛ سبط پیمبر **** خلیق و محسن و هم اهل منبر (بر ماست سرور).

حسین بن علی آن مرد بطحا **** نموده زنده او اموات دنیا

حیات طیبه بخشیده است او **** که تا عالم احیاء کند معنی یا هو

علی بن الحسین آن زین عباد **** علیم و هم حلیم و بوده سجاد

محمد باقر است احیاء گر دین **** امیر علم و عرفان میرآیین

و جعفر؛ صادق است و حافظ دین **** کلامش نافذ و بل بهتر از این.

پس از وی موسی کاظم امام است **** به کظم غیظ او فردی همام است

رضا فرزند پاک کاظم است او **** که زینت بهر جن و آدم است او

محمد هم تقی دادند لقب را **** کلامش بوده شیرین چون رطب را

علی بعد از پدر سالار دین است **** چو خورشیدی درخشان بر زمین است.

حسن پور علی باب است مهدی **** که در علم و شجاعت نیست حدّی

پس از او مهدی آن نور ولایت **** که عالم از وجودش شد هدایت

ز داید ظلم از دامان انسان **** بیفزاید به او نیروی ایمان

کند احیاء هم او احکام قرآن **** به یمین رحمت محبوب یزدان

خداوندا تو (حامد) رهنما باش **** که با حسرت نگوید ای کاش

شعر از استاد محقق - حاج علی اکبر قربانی

تاریخ سرایش: ۱۰/۸/۱۳۹۶

هدیه کتاب

به پیشگاه مقدس ۱۴ نور مقدس الهی و ۱۲۴ هزار پیامبر و ارواح علمای ربّانی شیعه و شهدای انقلاب، جنگ تحمیلی، شهدای مدافع حرم، ارواح مؤمنین و مؤمنات، بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله و پدر بزرگوارم شهدی رضا یوسفی بوشهری و غلامحسین نوری و مادر بزرگم سیده مدینه هاشمی آب انباری و فاطمه تشکری و جمیع ارواح کسانی که خدمت کردند به آستان و پیشگاه منور اهل بیت علیهم السلام.

خداوندا شهادت در راه اهل بیت علیهم السلام و قرآن نصیب ما بفرما

آمین یا رب العالمین

فصل اول : آیات کلیدی برتری امامت حضرت علی علیه السلام بر پیامبران

ص: ۱۷

قال علی علیه السلام : اسعد الناس من عرف فضلنا

خوشبخت ترین مردم کسی است که برتری ما را بداند. (۱)

پاسخی به شبهه و مغلطه شبکه سلفی اموی وصال حق جناب محمد انصاری مدیر شبکه

در ابتدا این شبکه ماهواره ای یک فیلم و کلیپ از استاد سید حسن احمدی اصفهانی پخش کرد که ایشان داشتند برتری مولا علی علیه السلام را بر انبیاء و حضرت عیسی علیه السلام بیان می داشتند که مولا علی در خانه کعبه به دنیا آمده و خدا این اجازه را به مادر او داده ولی خداوند به مادر عیسی خطاب نموده از بیت المقدس خارج بشو اینجا عبادتگاه است نه زایشگاه و این یکی از دلایل افضلیت مولا علی بر انبیاء خصوصاً بر حضرت عیسی علیه السلام است.

ولی شبکه وهابی وصال باطل با آیه ۸۴ الی ۸۶ سوره انعام خصوصاً آنجا که قرآن می فرماید «و کلاً فضلنا علی العالمین» ما این پیامبران را که در این ۲ آیه ذکر کرده برتری دادیم بر کل مردم عالم. به خیال وهابی ها فضیلت مولا علی بر انبیاء را رد کرد. پس طبق این آیه چون مولا- علی پیامبر نیست بر پیامبران هم افضل نیست و این حدیثی که جناب احمدی اصفهانی خوانده نعوذ بالله دروغه و اصلاً بدنیا آمدن مولا علی در کعبه دروغه و دلیل برتری او بر پیامبران نیست؟!!!!

مداح ابن مالک جواب می دهد:

ص: ۱۸

اولاً: مولا علی علیه السلام فرمود: خوشبختترین مردم کسی است که آشنایی به برتری ما بر سایرین داشته باشد «اسعد الناس من عرف فضلنا» (۱).

حضرت مهدی علیه السلام طبق منابع اهل سنت برابر با بعضی از پیامبران و بالاتر از بعضی از آنان هست .

الفتن ابن حماد ج ۱ ص ۳۵۶ ح ۱۰۲۷ المهدی خیرا و ابوبکر و عمر قال : هوا خیر منهما و يعدل النبی - لوامع الانوار البهیه ج ۲ ص ۸۵ - قد کاد یفضل الانبیاء - تاریخ الخمیس الدیار بکری ج ۲ ص ۲۸۹ - عقد الدرر ج ۱ ص ۲۲۲ - قد کان یفضل علی بعض الانبیاء - ارشیف ملتقی اهل الحدیث ج ۵۷ ص ۳۷۱ - ان المهدی المنتظر خیر من ابی بکر و عمر و جاء عن احد کبرائهم بسند صحیح انه کان یفضل علی بعض الانبیاء ... الفتن نعیم بن حماد ج ۱ ص ۳۵۸ ح ۱۰۳۶ - قد کان یفضل علی بعض الانبیاء - العرف الوردی فی اخبار المهدی (سیوطی) حدیث ۱۷۵ - الاشاعه فی اشرط الساعه (البرزنجی) باب تنبیه آخر ص ۲۱۷ مکتبه وقفیه الاسلامیه -

جاء عن ابن سیرین : ان المهدی خیر من ابی بکر و عمر قیل : یا ابابکر ؛ خیر من ابی بکر و عمر ؟! قال : قد کان یفضل علی بعض الانبیاء ... قال الشیخ علی القاری فی المشرب الوردی فی مذهب المهدی : و مما یدل علی افضلیته : ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم : سماه : خلیفه الله و ابوبکر لا یقال له الا : خلیفه رسول الله - مصنف ابن ابی شیبہ ج ۷ ص ۵۱۳ ح ۳۷۶۵۰ یكون فی هذه الامه خلیفه لا یفضل علیه ابوبکر و لا عمر - ابن سیرین و سیوطی و ملا علی قاری به سند صحیح نقل کرده اند که حضرت مهدی از ابوبکر و عمر افضل تر است بلکه بالاتر از پیامبران و یا بعضی از پیامبران زیرا او خلیفه خدا می باشد - المهدی خیر من ابی و عمی قد کاد یفضل علی بعض الانبیاء و صح عنه : لا یفضل علیه ابوبکر و عمر ؛

ابن حجر می نویسد : علت برتری حضرت مهدی بر بعضی و برخی از پیامبران از قول و نظر ابن سیرین بخاطر نماز خواندن عیسی پشت سر مهدی است - و کان این

ص: ۱۹

سیرین اراد بقوله : كاد ان يفضل على بعض الانبياء انه يوم عيسى و للامام فضل ما على الماموم من حيث التبعه - محمد بن سیرین و لد في خلافه عثمان بن عفان من الفقهاء الثقات - تاريخ بغداد ج ٥ ص ٣٣١ النجوم الزاهره ج ١ ص ٢٦٨ - القول المختصر في علامات المهدي المنتظر - ابن حجر مكي چاپ مكتبه القرآن القايره - (سير اعلام النبلاء ذهبى حالات محمد بن سیرین ص ٦٠٦ ج ٤) - القول المختصر في علامات المهدي المنتظر ص ٣٤ - الاربعون : ينزل عيسى بن مريم و يصلى خلفه - نزول عيسى و الاعتراف بامارته - الحاديه و الاربعون - ص ٣٥ - صلاته بيت المقدس - امامته لعيسى في الصلاه - الرابعه و الاربعون - ص ٧٤ - ص ٧١ و ص ٧٢.

طبق نقل روایتی از كتاب عقد الدرر ج ١ ص ٨٤ و ص ٢٣٣ - حضرت مهدی مقامش از حضرت موسى كلیم الله برتر است - حضرت موسى وقتى مقامات ملكوتى امام زمان را مشاهده كرد بخداوند عرض كرد مرا قائم آل محمد قرار بده خداوند فرمود او از ذریه محمد است (٣) بار عاجزانه از خداوند درخواست كرد كه مقام مهدى آل محمد نصيبش شود ولى جواب رد شنيد - نظر موسى فى السفر الاول الى ما يعطى قائم آل محمد فقال موسى : رب اجعلنى قائم آل محمد فقیل له : ان ذلك من ذریه احمد ... محى الدين عربى مى نویسد : حضرت مهدى در آفرینش همانند نبى اکرم و در اخلاق يك درجه پایین تر از اوست - اليواقى الجواهر ج ٢ ص ٥٦٢ - در روایات صحیح شيعه و سنی آمده - حضرت مهدى در اخلاق و خلقت شبیه و هم رتبه پیامبر است - و سيخرج من صلبه رجل يسمى باسم نبيكم يشبهه فى الخلق و لا يشبهه فى الخلق - جمع الفوائد من جامع الاصول ج ٤ ص ١٨٥ - سنن ابى داود ح ٤٢٩٠ (صحیح) با تحقيق محمد محى الدين عبدالحميد - المهدي من ولدى اسمه اسمى و كنيته كنىته اشبه الناس بى خلقا و خلقا - بحار الانوار ج ٥١ ص ٧١ ح ١٣ - مخفى نماند اكثر صوفيان اهل سنت قائلند مقام ولى الله بالا-تر از انبياء است ولى نبى اسلام هم ولى بوده و هم نبى و مقام ولى بودن او بالا-تر از نبوت اوست - شرح الطحاويه الراجحى ج ١ ص ٣٧٥ - تاريخ الخميس الديار البكرى ج ١ ص ١٦ - روح المعانى ج ٦ ص ١٦٧ - بحر المحيط ج ٣ ص ١٩٠ - شرح الطحاويه

لسفر الحوالی ج ۱ ص ۱۶۹۴ و - و ذهب بعض الصوفیه الی تفضیل الاولیاء علی الانبیاء ... و یقولون : الولی افضل من النبی ...
الاولیاء افضل من الانبیاء فالولایه اعلی درجه من النبوه ... ولایه نبی افضل من جهه النبوه ...

ثانیاً: جناب وهابی در منابع معتبر اهل سنت آمده حضرت مهدی علیه السلام معادل و برابر با یک پیامبر است حافظ نعیم بن حماد به استاد اسماعیل بخاری در کتاب الفتن ص ۳۵۶-ح ۱۰۲۷- می نویسد: حضرت مهدی معادل یک پیامبر است-

قیل: له المهدی خیر او ابوبکر و عمر قال: هو خیر منهما یعدل بنبی. در بعضی منابع روایی معتبر اهل سنت آمده حضرت مهدی از بعضی پیامبران افضل است.

قد کان یفضل علی بعض الانبیاء. قلت: هذا اسناد صحیح: العرف الوردی فی اخبار المهدی. (۱)

ومما یدل علی افضلیته ان النبی سماه خلیفه الله...

ثالثاً: خود علمای اهل سنت و وهابیت عده ای از افراد عادی را برابر با پیامبر می دانند؟

نویسنده وهابی: عبدالله بن جارالله در کتابش الجامع الفرید ص ۵ می نویسد:

خداوند این امام (شیخ محمد بن عبدالوهاب) را در بین اهالی نجد به مقام نبوت برگزید و او را با امرای عادل آل سعود یاری کرد

-فاقام الله هذا؛ الامام فی اهل نجد مقام النبی وایده بالامراء العادلین والائمة المهدیین من آل سعود وعلی راسهم الامام محمد بن سعود؛

بن باز مفتی سابق آل سعود می نویسد: اگر نبوت ختم نمی شد قطعاً می گفتیم ابن تیمیه؛ پیامبر است. (۲)

لولم نخبر بختام النبوه ان ابن تیمیه نبی؛

ابن کثیر مفسر معروف وهابی در البدایه و النهایه ج ۶ ص ۲۵۹ می نویسد:

معجزه صحابه پیامبر علاء بن زیاد که درغزوه ای آب رودخانه را یخ و جامد کرد تا صحابه بتوانند از آن عبور کنند از معجزه حضرت موسی که آب را با عصاء شکافت و

ص: ۲۱

۱- ۱. (سیوطی) ص ۱۱۸ ح ۱۷۷؛ الاشاعه فی اشراف الساعه ص ۱۷۵ البرزنجی

۲- ۲. دروس و مواقف و عبرص ۱۳۳ الامام ابن باز

کشتی نوح که بر طوفان آب قرار گرفت؛ بالا-تر و افضل تر است؛ یعنی ابن کثیر وهابی این صحابه و معجزه اش را بالا-تر از پیامبرانی چون نوح و موسی می داند.

ابلق من ركوب السفينه...وابلق من فلق البحرلموسی...

عده ای از علمای اهل سنت؛ معاویه بن ابوسفیان را از حضرت عیسی بالا-تر و افضل تر میدانند؛ می گویند: وکاتب وحی پیامبر بود او را با پیامبر نصاری نباید مقایسه کرد.

ایهما افضل؛ معاویه ابی سفیان ام عیسی بن مریم؟ فقال: لا والله ما ادری... فقال الثالث:

یاکشخان تقیس کاتب الوحی الی نبی النصاری؟ (۱)

سیوطی درباره غزالی می نویسد: اگر پس از پیامبر قرار بود کسی پیامبر شود؛ غزالی بود

او کان نبی لکان الغزالی-التنبئه بمن یبعثه الله علی راس کل مائه؛ (۲)

ذهبی می نویسد: احمد بن حنبل مقام پیامبران دارد و اگر در بین بنی اسرائیل بود آیت و نشانه ای برای آنان بود

قام احمد مقام الانبیاء لوکان احمد بن حنبل فی بنی اسرائیل لکان آیه (۳)

ابوزرعه الرازی و جهوده فی السنه النبویه ج ۳ ص ۹۸۱؛ علمای اهل سنت به سند حسن و صحیح نقل کرده اند:

اگر قرار بود بعد از رسول اسلام پیامبری بیاید؛ آن پیامبر، عمر ابن الخطاب بود.

لو کان بعدی نبی لکان عمر ابن الخطاب. (۴)

اهل سنت نقل کرده اند:

اگر ابراهیم فرزند رسول اسلام بعد از پیامبر زنده می ماند پیامبر می شد.

لو عاش ابراهیم لکان صدیقاً نبیا. (۵)

اهل سنت نقل کرده اند که ابوبکر همانند حضرت ابراهیم، عمر همانند حضرت موسی و عثمان همانند حضرت هارون است،

ص: ۲۲

۱- ۱. الطیوریات؛ النسفی ج ۱ ص ۱۱۳ ح ۹۰

۲- ۲. سیوطی ص ۱۱۲ التنبئه بمن یبعثه الله علی راس کل مائه

٣-٣. سير اعلام النبلاء ج ١١ ص ٢٠٢

٤-٤. مستدرک حاکم ح-٤٥٥١-مساله ١٧٦٣ کتاب معرفه الصحابه هذا حديث صحيح الاسناد باسنن الترمذی مساله ٣٦٨٦ کتاب

المناقب؛فتح الباری ابن حجر کتاب فضائل الصحابه مساله ٣٤٨٦

٥-٥. الجامع الصغير ج ٢ ص ٤٣٣ ح ٧٤٥٣؛کنز العمال ج ١١ ص ٤٦٩ ینایع الموده ج ٣ ص ٢٢٦ باب ٥٦

اهل سنت به سند صحیح نقل کرده اند: همانا خداوند بندگان دارد که پیامبر نیستند ولی فردای قیامت پیامبران و شهداء به مقام آنان غبطه می خورند اگر آن عبادالله که پیامبران غصه، مقامات آنان را می خورند مقامشان از پیامبران کمتر بود معنا نداشت پیامبران به مقام آنان غصه بخورند.

ان الله ليسوا بانبياء ولا شهداء يغبطهم الشهداء والنيون لقربهم من الله: مستدرک حاکم نیشابوری ج ۴ ص ۱۸۸ کتاب البر و الصله ح- ۷۳۱۸ هذا حديث صحيح، تفسير ابن ابي حاتم ح ۶۹۱۵ ذیل آیه ۱۰۱ سوره مائده صحیح ابن حبان کتاب البر و الاحسان ح ۵۷۸ ذیل آیه ۶۲ یونس صحیح الجامع آلبنی ج ۲ ص ۷۹۵ ح ۴۳۱۲ صحیح الترغیب ح ۳۰۱۹: المتحابون فی جلالی لهم منايرمن نور يغبطهم النبيون و الشهداء روایت دیگری به سند صحیح منابع اهل سنت نقل کرده اند که از آن برداشت می شود عده ای از پیامبران و فرشتگان افضل و برتر هستند نبی اکرم فرمود: عجیب ترین و با افضل ترین افراد که ایمانشان از ملائکه و انبیاء افضل و عجیب هست کسانی هستند که مرا ندیده اند و به من ایمان آورده اند و مرا تصدیق کرده اند و آنان برادران من هستند و ایمان آنها افضل از ملائکه و انبیاء است چون با ندیدن حقائق، ایمان آورده اند: اقوام یاتون من بعدی فی اصلا ب الرجال فیومنون بی ولم یرونی و یجدون الورق المعلق فیعلمون بما فیہ فهولاء افضل الايمان ايماننا: مستدرک حاکم رقم الحدیث ۷۰۴۴- حدیث مرفوع- صحیح الاسناد- کتاب معرفه الصحابه، ذکر فضائل القبائل، معجم اسامی شیوخ ابی بکر ح ۱۷۵، الاحادیث المختاره مقدسی ح ۳۸۲۴؛ البحر الزخار حدیث ۲۷۷۸، مسند ابی یعلی ح ۱۵۲ مسند عمر ابن الخطاب؛ در ضمن روایاتی با سند صحیح و فراوان از کتب اهل سنت و شیعه رسیده که مولاعلی و ائمه طاهرین، افضل از تمام خلایق و انبیاء هستند بغیر از بر رسول اسلام، امام حسن مجتبی فرمود: ای مردم، دیروز، مردی (امام علی) از میان

ص: ۲۳

۱- ۱. الفردوس الدیلمی ج ۴ ص ۳۳۶ ح ۶۵۱۴، کنز العمال ج ۱۱ ص ۷۵۷ ح ۳۳۶۸۷ - ینابع الموده ح ۴ ص ۲۸ باب ۵۶-
الغدیر امینی ج ۱۰ ص ۱۰۸- ریاض النضره ج ۱ ص ۵۰

شما رفت که نه اولین خلائق از او سبقت و پیشی گرفتند و نه آخرین افراد پس از او- لقد فارقمک امس رجل ماسبقه الاولون و لا یدرکه الاخرون: مصنف ابن ابی شیبہ کوفی ج ۱۷ ص ۱۱۹ و ص ۱۲۰ چاپ دار القبلة حدیث ۳۲۷۶۸، محقق وهابی، محمد عوامه این روایت را تحسین کرده، علامه احمد محمد شاکر، محقق کتاب مسند احمد حنبل ج ۲ ص ۳۴۴، دو سند این روایت را صحیح دانسته، ناصرالدین آلبانی در سلسله الاحادیث الصحیحه آن را، قبول کرده- سلسله الاحادیث الصحیحه ج ۵ ص ۶۶۰ الی ص ۶۶۵ التعليقات الاحسان علی صحیح ابن حبان ج ۱۰ ص ۷۴ ح ۶۸۹۷، المطالب العالیه ج ۱۸ ص ۲۴۲

محقق سعید بن ناصر الششری؛ مجمع الزوائد ج ۹ ص ۲۰۲؛ السنن الکبری نسایی ج ۷ ص ۴۱۶ ح ۸۳۵۴ صحیح ابن حبان ج ۱۰ ص ۷۴؛ مسند احمد ج ۳ ص ۲۴۶ ح ۱۷۱۹؛ فضائل الصحابه ج ۱ ص ۱۷۴؛ الذریه الطاهره النبویه دولابی ص ۷۸؛ السنه الخلال ج ۲ ص ۳۵۳ و ... لقد فارقمک رجل بالامس لم یسبقه الاولون بعلم و لا یدرکه الاخرون؛

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا خداوند پیامبران مرسل را بر فرشتگان مقرب، برتری داد و من را بر جمیع پیامبران و برتری بعد از من از آن علی ابن ابی طالب است: بحار الانوار ج ۱۱ ص ۱۳۹؛ نبی اکرم فرمود: علی ابن ابی طالب، بالاترین و بهترین مخلوق خداوند است بغیر از بر من

مائه منقبه دوم، - ان الله فضل انبیائه المرسلین علی الملائکه المقربین و فضلنی علی جمیع النبین و المرسلین و الفضل بعدی لک یا علی ان علی ابن طالب افضل خلق الله غیری

نبی اکرم فرمود: خداوند بر دنیا توجهی کرد، و مرا بر مردان دنیا برگزید، سپس در توجه دومش خداوند علی ابن ابی طالب را انتخاب کرد و برگزید و در توجه سوم امامانی که از فرزندان تو هستند و در مرتبه چهارم؛ فاطمه زهرا، را ینابیع الموده ج ۴ ص ۱۰۲ باب ۵۶؛ موده القربی موده ۱۴، بحار الانوار- ج ۴۳ ص ۲۶ ح ۲۴ ان الله اشرف علی الدنیا فاخترنی علی رجال العالمین ثم اطلع الثانیه فاخترک علی رجال العالمین ثم اطلع الثالثه فاختر الائمه من ولدک علی رجال العالمین ثم اطلع الرابعه

فاختار فاطمه علی نساء العالمین: ابن مسعود می گوید: ۷۰ سوره از دهان رسول اسلام، قرائت کردم و بقیه قرائت را از داناترین و بهترین مردم بعد از پیامبر، علی ابن ابی طالب فرا، گرفتم، تاریخ دمشق ج ۳۳ حدیث ۱۰۶۰ - مناقب خوارزمی ح ۹۰ - مجمع الزوائد ج ۹ ص ۲۸۸؛ اموده القربی موده ۱۵؛ ینایع الموده ج ۴ ص ۱۰۶ با نبی اکرم به حضرت فاطمه فرمود: همانا خداوند توجهی به اهل زمین نمود و پدیرت را بعنوان پیامبر خاتم برگزید و در نظر دوم - شوهرت علی را برگزید - یعنی مولا علی بعد از نبی اسلام؛ بهترین مخلوق خداوند است چگونه پیامبران، غیر از رسول اسلام بر او برتری دارند. معجم الکبیر طبرانی ح ۳ ص ۵۷ رقم الحدیث ۲۶۰۷ - معجم الاوسط ح ۶۷۲۸، معجم الکبیر باب الخاء ح ۳۹۴۲ - المعجم الکبیر - من اسمہ عبد الله ح - ۱۰۹۹۳ - معرفه الصحابه ابی نعیم ج ۴ حدیث ۴۹۶۲ - کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۰۵، هیشمی در مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۶۵ این حدیث را نقل کرده و فقط به یک روای آن، الهیثم بن حبیب، ایراد وارد کرده ولی مزی در تهذیب الکمال و ذهبی در میزان الاعتدال ج ۴ ص ۳۲۰ و ابن حبان در الثقات ج ۷ ص ۵۷۶ ش ۱۱۵۴۷، این روای را توثیق کرده اند - قرأت البقیه علی اعلم هذه الامه بعد نبینا - علی ابن ابی طالب - ان الله عزوجل اطلع الی الارض اطلاعه فاختار منها اباک فبعث برسالته ثم اطلع اطلاعه فاختار منها بعلک و اوحی الی ان انحک اياه ... و وصی خیرالا وصیا و احبهم الی الله و هو بعلک، ثم اطلع الثانیه فاختار بعلک فاوحی الی فانحکته و اتخذته وصیاً - اما ترضین ان یکون الله اطلع الی الارض فاختار منها رجلین جعل احدهما اباک و الاخر زوجک - در روایات صحیحی که اهل سنت درباره اوتاد الارض و ابدال نقل کرده اند آمده که قلوب و باطن آن افراد همانند قلب و باطن، حضرت ابراهیم خلیل الرحمن هست در یقین و ایمان به خدا، آیا طبق این روایات صحیح اهل سنت درباره ابدال و اوتاد الارض، آنان ابدال و اوتاد الارض را همانند و مساوی با حضرت ابراهیم این پیامبر عظیم الشان الهی قرار نداده اند؟! تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۱، ص ۳۰۴ و هم اوتاد الارض قلوب ثلاثین منهم علی مثل یقین ابراهیم - الدر المنثور ج ۱، ص ۷۶۷، نوادر الاصول ج ۱ ص ۲۶۲ تفسیر قرطبی ج ۳ ص ۲۶۰، الاولیاء لابن ابی الدنیا ج ۱ ص ۲۷ صفات الابدال و ...

در روایتی از منابع سنی ها آمده که ابوبکر و عمر و عثمان، از حضرت آدم افضل و برتر هستند ریاض النضره طبری ج ۱ ص ۵۱ ذکر ان ابابکر و عمر خلقا من طینه واحده - فلما عصی آدم ربه قال: رب بحرمة اولئک الاشباح الخمسه الذین فضلتم، جالب است که در این روایت جعلی مقام ابوبکر و عمر و عثمان در ردیف مقام و رتبه نبی اکرم ذکر شده است؟! الصواعق المحرقة علی اهل الرفض و الضلال و الزندقه، ابن حجر هیثمی ج ۱ ص ۲۳۷، جالب و خنده دار؛ در کتب اهل سقیفه بنی ساعده آمده که معاویه، می توانست به درجه پیامبری برسد و پیامبر مبعوث شود بخاطر علم زیاد و اعتماد و یقینش به کلام خداوند؟! مختصر تاریخ دمشق ج ۲۵ ص ۶، الغدیر ج ۵ ص ۳۰۸ و ص ۴۹۴، مدرسه امامت ۲۹۵ و ص ۲۹۶ نوشته دکتر مجید حیدری فر- و کاذب ان یبعث معاویه نبیاً کثره علمه و ائتمانه علی کلام ربی- از امام صادق سوال شد، امام علی افضل هست یا پیامبران؟ امام ششم فرمود: خداوند، پیامبران اولوالعزم را بوسیله علم و دانششان بر سایر پیامبران برتری داده است و ما علم آنان را به ارث بردیم و به رسول اسلام، علومی آموخت که به سایر پیامبران نیاموخت و ما را هم به علم رسول اسلام، آگاه کرد و او تمام علوم را به ما آموخت باز شما می گویند امام علی افضل است یا پیامبران؟

الخرائج و الجرائح راوندی ج ۲ ص ۷۹۷ ان الله فضل اولی العزم من الرسل بالعلم علی الانبیاء و ورثنا علمهم و فضلنا علیهم فی فضلهم و علم رسول الله ما لایعلمون و علمنا رسول الله- الخرائج و الجرائح، ابن هبه الله الروانندی ج ۲ ص ۷۹۷ ح ۶

امام صادق فرمود: آب های کم را می جوئید و نه‌های بزرگ را، رها می کنید؟ پرسیدند: منظورتان چیست؟ فرمود: خداوند تمام علوم پیامبران را به پیامبر اسلام وحی کرد و پیامبر هم آن را به علی سپرد، پرسیدند: علی افضل و اعلم است یا بعضی از پیامبران؟ فرمود: خدا، هر کس را بخواهد شنوای (حقائق) می کند من می گویم، رسول خدا، علوم تمام پیامبران را داشت و علاوه بر آن، خداوند، چیزهایی را به او آموخته بود که به دیگران نیاموخته بود، او هم تمام این علوم را نزد علی گذاشت باز شما می گویند، علی اعلم و افضل است یا پیامبران، ... از امام باقر روایت شده که فرمود: موسی از خضر، مساله ای را پرسید ولی او پاسخ آن را ندانست، عالم (خضر)

هم از موسی مساله ای را پرسید که موسی نتوانست پاسخ آن را بگوید من اگر آنجا حاضر بودم، پاسخ هر دو را می دادم و چیزی از آن دو می پرسیدم که از پاسخ آن عاجز بودند، عبدالله بن ولیدسمن می گوید: امام باقر از من پرسید: ای عبدالله درباره علی و موسی و عیسی چه می گویی؟ گفتم: درباره آنان چه می توانم بگویم، فرمود: او (علی) بخدا قسم از آن دو اعلم بود سپس فرمود: مگر شما نمی گوید آنچه را که پیامبر اسلام دارد علی هم دارد گفتم: آری ولی مردم انکار می کنند

الخرائج و الجرائح راوندی ج ۲ ص ۷۹۶ ح ۹۶ ج ۲ ص ۷۹۷ و ص ۷۹۸ و ص ۷۹۹- و قال علیه السلام : تمصون الرواضع و تدعون النهر العظيم؟ فقیل: ما تعنی بذلك؟ قال: ان الله اوحى الى رسول الله، علم النبیین باسره و اسره الى امیرالمومنین فقیل: علی علیه السلام اعلم او بعض الانبیاء؟ فقال: ان الله يفتح مسامع من يشاء اقول: ان رسول الله حوى علم جميع النبیین و علمه الله ما لم يعلمهم و انه جعل ذلك كله عند علی فتقول: علی اعلم او بعض الانبیاء و تلاء: قال الذی عنده علم الكتاب - ولسالتهما مساله لم یکن عندهما جواب- قال الباقر: یا عبدالله ما تقول فی علی و موسی و عیسی؟ قلت: ما عسی ان اقول فیهم؟! قال: هو و الله اعلم منهما ثم قال: الستم تقولون ان لعلی ما لرسول الله من العلم؟ قلت: نعم و الناس ینکرون ...

امام باقر علیه السلام فرمود: بخدا قسم، خداوند در آیه ۴۳ سوره رعد ما را قصد کرد و علی نخستین ما و افضل ما و بهترین ما بعد از نبی اسلام می باشد- الخرائج و الجرائح ج ۲ ص ۷۹۹، بحار الانوار ج ۴۰ ص ۲۱۱، مختصر البصائر ج ۱ ص ۳۰۱، مظهری از علمای اهل سنت در تفسیر مظهری ج ۴ ص ۳۸۳ الی ص ۳۸۴ ذیل آیه ۱۷ سوره هود می نویسد: علی علیه السلام قطب کمالات ولایت و سایر اولیاء حتی صحابه در مقام ولایت، پیروان اویند... معنی آیه این است که مراد از بینه یعنی حجت و دلیل آشکار و قاطع که مراد نبی اسلام است که آن بزرگوار از طرف خداوند دارای حجت آشکار بود که انسان یقین می کرد او پیامبر خداست و این معجزات اوست، علوم رسول الله مستند به وحی است و مراد از یتلوه شاهدمنه، علی است که در راس هرم اولیاء قرار دارد، ان علیا کان قطب کمالات الولایه و سائر الاولیاء حتی الصحابه رضوان الله علیهم اتباع له فی مقام الولایه و یتلوه شاهد من الله علی صدق و هو علی من شاکله اولیاء؛ علامه

صدق زهاوی (شاعر و نویسنده عراقی) می نویسد: موسس وهابیت (شیخ محمدبن الوهاب) اخبار مدعیان نبوت مانند، مسیلمه کذاب، سجاح، اسود عنسی و طلیحه و امثال آنها را مطالعه می کرد و در، درون خود ادعای نبوت داشت هرچند در ظاهر پنهان می کرد، فجر الصادق فی الرد علی منکری التوسل و الکرامات و الخوارق ص ۱۱ و ص ۱۲ - من ادعی النبوه کاذبا کمسیلمه الکذاب و سجاح و الاسود العنسی و طلیحه الاسدی و اضرابهم فکان یضمرفی نفسه دعوی النبوه الا انه لم یتمکن من اظهارها؛

آیا وهابيون حاضرند محمدبن عبدالوهاب را تکفیر کنند که مدعی نبوت بوده و عده ای او را پیامبر می دانستند آنها را هم خارج از اسلام بدانند؟! - نبی اکرم فرمود:

خداوند، علی را سرور و پیشوا و بزرگ گذشتگان و آیندگان و پیامبران و فرستادگان قرار داده است، علی، رکن، مقام، حوض، زمزم و مشعر اعلی است، خداوند به او بتول عذراء داده که به احدی از پیامبران نداده، به او حسن و حسن داده که همانند آن دو به احدی نداده، به او پدر زنی همانند من داده که به احدی همچو او پدر زنی نداده، به او حوض کوثر و تقسیم اهل بهشت و جهنم عطاء کرد که به ملائکه این داده نشده و برادری همچون من به او داده شده است و کسی را برادری چون من نداده - (۱)

جعلہ سیدالاولین و الاخرین و النبین و المرسلین و هو الرکن و المقام و الحوض و زمزم و المشعر الاعلی و اعطی له فاطمه العذراء البتول و لم یعط ذلك احداً من النبین و اعطی الحسن و الحسین و لم یعط احداً مثلهما و اعطی صهراً مثلی... برترین مردم نزد خداوند نزد خداوند کسی است که در قبرش بخوابد در حالی که شک نداشته باشد که علی و فرزندان بهترین مردمان هستند (۲)

افضل البریه عندالله من نام فی قبره و لم یشک فی علی و ذریته انهم خیرالبریه، نبی اکرم به ابوبکر فرمود: به علی و ۱۱ فرزندش ایمان بیاور آنان همانند من هستند

ص: ۲۸

۱-۱. ینابیع الموده ج ۴ ص ۱۶۸ باب ۵۱-

۲-۲. ینابیع الموده ج ۴ ص ۱۰۸ باب ۵۶

مگر در نبوت- یا ابابکر آمن بعلی و باحد عشر من ولده انهم مثلی الالنبوه - (۱)

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ۱۲ امام معصوم هم درجه و هم منزل من در بهشت هستند- معی فی درجتی (۲)

امام صادق فرمود: کمترین درجه شناخت امام این است که بدانی او هم تراز و هم رتبه با نبی اسلام است بجزء در نبوت (خاتم) (۳) ادنی معرفه الامم انه عدل النبى الا درجه النبوه و وارثه و ان طاعته طاعه الله و طاعه رسول الله- یکی از آیاتی که در قرآن اشاره به افضلیت و برتری حضرات ۱۴ معصوم بر تمام خلایق و انبیاء دارد آیه ۷۲ سوره احزاب است؛ امام صادق علیه السلام در ذیل تفسیر این آیه فرمود: خداوند ارواح را (۲) هزار سال قبل از کالبدها خلق کرد و عالی ترین و شریف ترین آنها را، ارواح نبی اسلام و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان بعد از ایشان قرار داد... خداوند فرمود به تمام مخلوقات؛ هر کس منزلت و مقامی را که ایشان نزد من دارند به خود نسبت دهد و جایگاه بلندی را که آنان در آستان عظمت من دارند برای خود، وانمود کند او را چنان با شدتی شکنجه نمایم که احدی از جهانیان را آنچنان کیفر نکرده باشم، چون آدم و حوا در بهشت به گشت و گذار پرداختند و مقام و منزل ۱۴ معصوم را دیدند، پس گفتند: ای خدای ما، این جاه و مقام از آن کیست؟ خداوند فرمود: سرتان را سوی ساق عرش من بلند کنید؛ چون آدم و حوا، سر برداشتند، مشاهده نمودند که نام محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و بقیه امامان بعد از ایشان به نوری از انوار خداوند بر ساق عرش نوشته شده است، عرض کردند: بارالها، صاحبان این منزلت چه بسیار گرامیند در درگاهت، خداوند فرمود: آری چنین است و اگر بخاطر ایشان نبود شما را خلق نمی کردم «خداوند به آدم و حوا فرمود: مبادا به دیده حسادت به مقام آنان نگاه کنید؛ هر کس به ۱۴ معصوم ظلم کند به نفس خود ظلم کرده و ظلم به ۱۴ معصوم این است که مدعی مقام ایشان شود... و بعد از آن همواره، پیامبران این امانت (ولایت و مقام ۱۴ معصوم) را نگهداری می نمودند و اوصیاء و

ص: ۲۹

۱- ۱. الکافی ج ۱ ص ۵۳۳ ح ۱۳

۲- ۲. حدیقه الشیعه ص ۴۸۲

۳- ۳. کفایه الاثر ص ۲۵۱؛ بحارج ۴ ص ۵۵-۳۴

مخلصان از امت های خویش را از این امانت آگاه و با خبر می ساختند؛ پس اباء داشتند که امانت را به ناحق برداشته و به خود نسبت دهند و ترسیدند که برای خویش ادعای مقام آنان را بنمایند(۱).

ان الله خلق الارواح قبل الاجساد بالفی عام، فجعل اعلاها و اشرفها ارواح محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين و الائمة بعدهم ... فمن ادعی منزلتهم منی و محلهم من عظمتی عذابه لا اعذبه به احداً من العالمین ... قالوا: ربنا و من الظالمون؟ قال المدعون المنزلتهم بغير حق ... فلم یزل انبیاء الله بعد ذلك یحفظون هذه الامانه و یخبرون بها اوصیاء هم و المخلصین من اممهم فیابون حملها و یشفقون من ادعائها ... یکی دیگر از آیات قرآن که دلیل بر، برتری ۱۴ معصوم بر پیامبران دارد، آیه ۱۷۲ سوره اعراف است، علامه مجلسی در حیاه القلوب ج ۲ ص ۶۳۳ کتاب دوم، تاریخ پیامبر اسلام به سندهای معتبر از امام صادق روایت کرده که از نبی اسلام، سوال کردند، به چه دلیل بر --- پیامبران سبقت گرفتی؟ و از همه برتر و افضل شدی در حالی که بعد از همه مبعوث شدی؟ فرمود: زیرا من اولین کسی بودم که به پروردگار اقرار کرد و نخستین کسی که پاسخ داد، در وقتی که خداوند، میثاق پیامبران را گرفت و ایشان را بر خود، گواه گرفت و گفت: الست بر بکم، آیا من خدای شما نیستم؟ همه ارواح پیامبران گفتند: بله و من اولین پیامبری بودم که پاسخ دادم بدین گونه در اقرار کردن به خدا، برایشان سبقت گرفتم، در حدیث معتبر دیگری از آن حضرت روایت شده است، چون خداوند، ارواح را آفرید، ایشان را نزد خود، سپس به آنان خطاب فرمود: خدای شما کیست؟ در این هنگام اولین کسی که حرف زد، نبی اسلام و علی و امامان از فرزندان ایشان بودند، ایشان گفتند: تویی خدای ما، آنگاه خداوند، علم و دین خود را به ایشان داد و به فرشتگان گفت: ایشان حاملان دین و علم من و امینان من در میان خلق هستند، علوم مرا باید از ایشان پرسید، سپس به فرزندان آدم، خطاب فرمود: برای خدا به پروردگاری اقرار نمایید و برای این گروه به

ص: ۳۰

اطاعت و ولایت و محبت، ایشان گفتند: بله، پروردگارا، اقرار کردیم، آنگاه خداوند به ملائکه فرمود: گواه باشید ملائکه گفتند: گواه هستیم سپس امام ششم فرمود: و الله ولایت ما را در میثاق روز الست بر پیامبر تاکید کردند؛ امام علی فرمود: منم بنده ی خدا و برادر رسول خدا و بسیار تصدیق کننده در روز اول همانا به او ایمان آوردم و، وی را تصدیق نمودم در هنگامی که هنوز، روح آدم به بدن او تعلق نگرفته بود... پس ما یم پیشی گیرندگان در اول و آخر، امام صادق فرمود: در روز الست؛ خداوند از ارواح پیامبران، پیمان و اقرار گرفت که به نبی اکرم ایمان بیاورید و علی امیرمومنان را یاری کنید و امت های خود را خیر بدهید به نبوت نبی اسلام که به او، ایمان بیاوردند و او، امامان از نسل او را یاری کنند- (۱)

بای شی سبقت الانبیاء و فضلت علیهم و انت بعثت آخرهم و خاتمهم قال انی کنت اول من اقر بر بی و اول من اجاب... فکنت اول نبی قال: بلی فسبقتهم الی الاقرار بالله- ثم قال لهم من ربکم فاول من نطق رسول الله و امیرالمومنین و الائمة فقالوا انت ربنا فحملهم العلم و الدین ثم قال للملائکه هولاء حمله دینی و علمی و امنائی فی خلقی و هم المسئولون... یا داود و لایتنا موکده علیهم فی الميثاق- فقال الصادق: کان الميثاق ما خوداعلیهم لله بالرئوبیة و لرسوله بالنبوه و لامیرالمومنین و الائمة بالامه فقال: الست بر بکم و محمدنیکم و علی امامکم و الائمة الهادیة ائمتکم؟ ... فاول ما اخذ الله عزوجل الميثاق علی انبیاء له بالرئوبیة ... ثم اخذ بعد ذلك ميثاق رسول الله علی الانبیاء بالایمان به و علی ان ینصروا، امیرالمومنین- یکی دیگر از آیاتی که در قرآن اشاره دارد، ۱۴ معصوم از تمام پیامبران برتر هستند آیه ۸۷ سوره حجر می باشد، در این آیه خداوند خطاب نبی اسلام می فرماید: همانا، ما به تو سبع مثانی و قرآن عظیم، عطاء کردیم، مفسران سنی و شیعه گفته اند: منظور از سبع مثانی، سوره حمد هست و اهل بیت عصمت فرموده اند: منظور از سبع مثانی ما اهل بیت پیامبر هستیم، هر مسلمانی سوره حمد در نمازهای واجب و مستحب خود نخواند، نمازش باطل است و سوره حمد بزرگترین سوره ای بوده که به پیامبر نازل شده،

ص: ۳۱

۱- ۱. مدنیة المعاجز ج ۱ ص ۵۹، بحار الانوار ج ۵ ص ۲۳۶، علل الشرایع ج ۱ ص ۱۲۴؛ باب ۱۰۵، التوحید صدوق ج ۱ ص ۳۲۰؛ باب ۴۹، تفسیر قمی ج ۱ ص ۲۴۶، امالی مفید ص ۶

مرحوم علامه طباطبایی در المیزان ج ۱۲ ص ۳۸۳ ذیل این آیه می نویسد: و دراینکه فرموده، سبعامن المثنانی و القرآن العظیم، تعظیمی از سوره فاتحه و همه قرآن کرده است که بر کسی مخفی نیست، اما تعظیم قرآن است برای اینکه از ناحیه ساحت عظمت و کبریایی خدای عزوجل به وصف عظیم توصیف شده و اما تعظیم فاتحه است برای اینکه نکره آوردن کلمه سبع و بدون وصف آوردن آن؛ خود دلیل بر عظمت قدر جلالت شان است و این معنا بر اهل ادب پوشیده نیست علاوه براینکه یک سوره در قبال قرآن قرار گرفته و حال آنکه خودش سوره ای از قرآن است به هیچ پیامبری از پیامبران کتابی همانند قرآن که عظیم ترین کتاب الهی و آسمانی است داده نشده و همچنین هیچ سوره ای همانند سوره حمد که آیاتی از آن در شأن ائمه طاهرین نازل شده و مخصوص به آنان است، تفضل و عطاء نشده پس اهل بیت عطا بی نظیر خداوند به امت اسلام و بشریت هستند و به این دلیل، انبیاء نمی توانند بر ۱۴ معصوم برتری و افضلیت داشته باشند امام صادق فرمود: ما سبع مثنانی هستیم که خداوند ما را به پیامبر عطاء فرمود (۱) - نحن والله السبع المثنانی ... نحن المثنانی اعطاها الله نبینا - لم يعط الانبياء الامحمد و هم السبعة الاثمه الذين يدور عليهم الفلك و القرآن العظیم محمد - عن الصدوق رحمه الله: انه قال قوله نحن المثنانی ای نحن الذين قرنا النبي الى القرآن و اوصی بالتمسك بالقرآن و بنا قرطبی از مفسران نامی اهل سنت در ذیل فضیلت سوره حمد از نبی اکرم روایت کرده: همانند مادر قرآن که هفت آیه سوره حمد در تورات و انجیل نازل نشده این سوره بزرگترین سوره قرآن و اساس قرآن است.

ما انزل الله فی التوراه و لافی الانجیل مثل ام القرآن و هی السبع المثنانی الم تقل لاعلمنك سوره هی اعظم سوره فی القرآن؟ قال: الحمد لله رب العالمین هی السبع المثنانی و القرآن العظیم الذی اوتيته ... عليك باساس القرآن فاتحه الكتاب ... و اساس الكتب القرآن و اساس القرآن الفاتحه، شوکانی مفسر وهابی در فتح القدير ذیل آیه ۸۷ سوره حجر می نویسد: جمهور مفسران قرآن؛ اعتقاد دارند منظور از سبع

ص: ۳۲

۱ - ۱ - تفسیر فرات کوفی ج ۱ ص ۲۳۱، تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۵۰ تفسیر نورالثقلین ج ۳ ص ۲۸، بحارالانوار ج ۲۴ ص ۱۱۵، سفینه البحار ج ۱ ص ۵۱۸

مثانی، سوره فاتحه می باشد فقال جمهور المفسرین: انها الفاتحه، نبی اکرم فرمود: فضیلت قرآن به جزء خدا، از همه چیز بالاتر است - مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۲۳۶، مراه الکمال مامقانی ج ۳ ص ۲۸(۱) - القرآن افضل کل شیء دون الله - نبی اکرم فرمود: نماز قبول نمی شود مگر به خواندن سوره حمد - لاصلاه الابفاتحه الکتاب - تفسیر مظهری ج ۱۰ ص ۱۱۷، امام صادق فرمود: اگر کسی سوره حمد را ۷۰ بار بر صاحب دردی بخواند، درد او ساکت می شود - (۲)، نبی اکرم در خطبه غدیر خم فرمود: ای مردم من همان صراط مستقیم هستم که خداوند به شما امر کرده از آن پیروی کنید و بعد از من علی و سپس فرزندان من از صلب او، آنان صراط مستقیم هستند و بعد نبی اکرم سوره حمد را از اول تا پایان آن قرائت فرمود و سپس گفتند: سوره حمد در حق من و علی و ۱۱ فرزندان نازل شده است - احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۳۷

اثبات ولایت امیرالمومنین از قرآن و سنت ج ۱ ص ۱۵ الی ص ۲۲ عبدالصمد ساکی، یکی از آیات قرآن اشاره دارد، ۱۴ معصوم بر تمام موجودات و انبیاء برتری دارند آیه ۳۴ سوره بقره است، در تفسیر این آیه از امام عسکری و رسول اسلام روایت رسید، که فرموده اند: فرشتگان آدم را سجده نکردند بلکه بخاطر تعظیم انوار وجود ما که آدم حامل آن انوار بود، نبی اسلام فرمود: اگر سجده کردن برای غیر خدا، جایز بود امر می کردم که مردم، علی را سجده کنند بواسطه علم و دانشی که خداوند به او عطاء فرموده زیرا علی بهترین خلق خدا، بعد از من است - (۳) ثم ان الله تبارک و تعالی، خلق آدم فاودعنا صلبه و امر الملائکه بالسجود له تعظیماً لنا و اکراماً و کان سجودهم لله عزوجل عبودیه و لآدم اکراماً و طاعه لکوننا فی صلبه - ثم قال الله: فلذلک فاسجدوا لآدم لما کان مشتملاً علی انوار هذه الخلائق الافضلین و لو امرت احد ان یسجد لغير الله لامرت ضعفاً شیعتنا و سائر المکلفین من

ص: ۳۳

-
- ۱- ۱. مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۲۳۶، مراه الکمال مامقانی ج ۳ ص ۲۸
 - ۲- ۲. تفسیر البرهان ج ۱ ص ۴۱، سفینه البحار ج ۲ ص ۴۱۷، البرهان ج ۱ ص ۹۸
 - ۳- ۳. علل الشرایع ج ۱ ص ۴۲ الی ص ۴۴، تفسیر امام عسکری ص ۳۸۳ و ص ۲۱۸، حیاة القلوب مجلسی ج ۱ ص ۶۲ الی ص ۶۴.

شیعتنا ان یسجدو لمن توسط فی علوم وصی رسول الله و محض و داد خیر خلق الله علی بعد محمد رسول الله .

سیدرضا الهندی از علمای عراق می گوید: ای علی تو را با دیگران مقایسه کردند ولی مگر ذره را با کوه می سنجند؟ چگونه تو را با دشمنانت برابر داشتند؟! مگر آنان را می توان با کفش خدمت قنبر مقایسه کرد- (۱)، ابوالقاسم الزاهی (۳۱۸-۳۵۲) می گوید: کسی که شما را با دیگران مقایسه کند در واقع آب گوارا، را با آب کدر و آلوده قیاس کند و مانند کسی است که کوه را با سنگر یزه و دریا را با قطره قیاس کند- الغدیرج ۳ ص ۳۹۲، مولا- علی در نامه ای به معاویه ملعون نوشت، شگفتا از روزگار، کسی را همتای من می دانند که چون من گام برنداشته و سابقه درخشانی مانند من ندارد، سابقه ای که احدی نیز مدعی آن نیست مگر آن مدعی که من او را نشناسم و نپندارم که خدا هم او را بشناسد- نهج البلاغه نامه ۹- در جایی دیگر می فرماید: من در روزگار نبی اسلام؛ بسان عضوی از او بودم مردم به من مانند ستاره ای در افق آسمان نگاه می کردند ولی روزگار، چندان از قدر من کاست که همتای فلان و فلان شدم و سپس در کنار ۵ نفری قرار گرفتم که بهترینشان، عثمان بود و گفتم: افسوس افسوس و روزگار به این هم بسنده نکرد و تا آنجا مرا فرود آورد که نظیر پسر هند جگر خوار (معاویه ملعون) و پسر نابغه (عمر و عاص) قرار داد راستی که کودکان حتی شیرخوارگان هم دندان در آورده اند- (۲)- فیما عجباً للدهراذصرت یقرن بی من لم یسمع بقدمی و لم تکن له کسابقتی التی لایدلی (یدنی) احد بمثلها الا ان یدعی مدع ما لا اعرفه و لا یظن الله یعرفه... - کنت فی ایام رسول الله کجزء من رسول الله ینظر الی الناس کما ینظر الی الکواکب فی افق السماء ثم غض الدهر منی فقرن بی فلان و فلان ثم قرنت بخسمة امثلهم عثمان فقلت و اذفره ثم لم یرض الدهر لی بذلک حتی ارذلنی فجعلنی نظیراً؛ لا- بن هند و ابن النابغه لقد استنتت الفصال حتی القرعی- نبی اکرم فرمود: هر کس دیگران و سایرین را با علی، مقایسه کند به من ظلم و ستم کرده زیرا علی از من و من از علی هستم، خداوند برای من کتاب آشکارا فرستاده تا

ص: ۳۴

۱- ۱. شرح الاخبار ج ۲ ص ۴۲۳

۲- ۲. شرح نهج البلاغه ج ۲۰ ص ۳۲۶

احکامش را به مردم بیان کنم جزء علی،^(۱) - فمن قاسه بغيره فقد جفانی و من جفانی آذانی و من آذانی فعلیه لعنه ربی... ان الله انزل علی کتابا مبینا و امرنی ان ابین للناس ما نزل الیهم ما خلا- علی ابن ابی طالب فانه لم یحتج الی بیان لان الله جعل فصاحتہ، کفصاحتی و درایتہ کدرایتی- یکی از علل هایی که دکتر محمدتیجانی تونسسی از اهل سنت بودن دست برداشت و به مذهب حقہ تشیع مشرف شد از قول خودش این بود که کتب اهل سنت روایاتی در کوچک و خفیف شمردن مقامات عالیہ اهل بیت رسالت در برابر سایرین خصوصاً کوچک شمردن مقام الهی نبی اسلام در مقابل سایر انبیاء است که به شمه ای و گوشه ای از نوشته های دکتر تیجانی شیعه شده، اشاره می کنم؛ از احادیث متناقضی که در صحاح پیدا می شود این است که در جایی رسول خدا بر تمام پیامبران برتری می دهند و احادیث دیگری، حضرت موسی را آنقدر بالا می برند که از مقام نبی اسلام، نیز بالاتر می رود، اسماعیل بخاری در کتاب صحیحش کتاب التوحید باب فی المشیئہ و الارادہ از ابوهریره نقل کرده که نبی آدم فرمود: مرا بر حضرت موسی، تفضیل و برتری ندهید چرا که در روز قیامت مردم مدهوش می شوند، نخستین کسی که به هوش می آید من خواهم بود ولی نگاه می کنم می بینم، موسی در کنار عرش ایستاده پس نمی دانم که او هم از هوش رفته بوده و پیش از من به هوش آمده با اینکه خداوند او را از دیگران مستثنی نموده است-^(۲) - لایقولن احدکم انی خیر من یونس بن متی- لاتخیر و نی علی موسی فان الناس یصعقون یوم القیامہ فاصعق معہم فاکون اول من یفیک فاذا موسی باطش جانب العرش فلا ادری اکان فیمن صعق فاقاق قبلی اوکان ممن استثنی الله. و لا اقول ان احداً افضل من یونس بن متی- ماینبغی لعبدان یقول انی خیر من یونس بن متی-

در این ۲ آیه ۸۴ الی ۸۶ سوره انعام نام ۱۷ پیامبر را، قرآن ذکر می کند بعد در پایان آیه ۸۶ می گوید {و کلاً فضلنا علی العالمین} ما آنان را بر تمام عالمیان

ص: ۳۵

-
- ۱- ۱. احقاق الحق ج ۴ ص ۵۰۲، مقتل الحسین خوارزمی ج ۱ ص ۱۰۰ فرائد السمطین ج ۲ ص ۶۸ ح ۳۹۲
 - ۲- ۲. صحیح بخاری ج ۸ ص ۱۹۲ و ج ۵ ص ۱۹۶، ترجمه کتاب از آگاهان پرسید ج ۲ ص ۲۱۱ الی ص ۲۱۹ ترجمه سیدجواد مهری نوشته دکتر محمد تیجانی سماوی تونسسی؛ نشر بنیاد معارف اسلامی- قم- چاپ اسفند ۱۳۹۰ - صحیح بخاری ج ۳ ص ۱۲۰ ح ۲۴۱۱ و ج ۴ ص ۱۵۹ باب قول الله تعالی و ان یونس لمن المرسلین (صافات ۱۳۹)

آیا در این اسامی ۱۷ پیامبر که می گوید بر تمام مردم جهان آنان را برتری دادیم نام مقدس خاتم الانبیاء است؟! حضرت محمد صلی الله علیه و آله که بر تمام خلایق از جن و انس و ملک افضل است پس طبق این قائده این پیامبران در زمان خودشان افضل از ناس بوده اند. (ان شاء الله در صفحات بعدی اقوال مفسران اهل سنت راجع به این آیه ذکر می شود)

ابن کثیر وهابی در البدایه و النهایه ج ۶، ص ۲۵۹ می نویسد: معجزه صحابه پیامبر، علاء بن زیاد که در غزوه ای با آب رودخانه را جامد کرد تا صحابه بتوانند از آن عبور کنند از معجزه موسی که آب را شکافت و کشتی نوح که بر طوفان آب قرار گرفت افضل تر هست. ابلغ من رکوب السفینه... و ابلغ من فلق البحر لموسی.

قرآن در سوره بقره آیه ۲۵۳، اسراء ۵۵ می فرماید:

بعضی از پیامبران بر بعضی دیگر افضل هستند همه آنان در یک رتبه و مقام و درجه نیستند. {ولقد فضلنا بعض النبین علی بعض}

تازه آیه ادامه دارد در سوره انعام بعد از آیه ۸۶ {ومن ابائهم و ذریاتهم و اخوانهم و هدیهم الی صراط مستقیم} که ان شاء الله بعد بررسی می شود این ذریه و اخوان و هدایت شدگان بعد از پیامبر چه کسانی هستند که افضل از مردم و خلایق عالم هستند.

در منابع اهل سنت هست که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل» یا «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل» که دانشمندان و عالم دین امت من همانند پیامبران بنی اسرائیل و یا بالاتر از پیامبران بنی اسرائیل هستند. (۱)

و آن عالم دین از امت پیامبر یک عالم دین معمولی نیست که افضل حضرت موسی کلیم الله و افضل انبیاء بنی اسرائیل است بلکه او کسی است که پیامبر اکرم در شان مقام و علم او فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها». و انت اخی و وارثی قال: ما ارث منک یا نبی الله؟ قال: ما ورث الانبیاء قبلی، قال: و ما ورث الانبیاء

ص: ۳۶

قبلک؟ قال: کتاب الله و سنه نبیهم و انت معی فی قصری فی الجنه. (۱)

خوب است افضلیت مولی علی بر تمام پیامبران بغیر از خاتم الانبیاء از لسان شریف خودش توجه کنیم.

«صعصه بن صوحان از اصحاب مولا علی است از ایشان سؤال کرد شما افضلید یا حضرت آدم؟» «خبرنی انت افضل ام آدم» حضرت فرمودند: «تزکیه المرء لنفسه قبیح» زشت است که مرد خود را تعریف کند «ولکن از باب واما بنعمه ربک فحدث» نعمت هایی که خدا به شما داده ذکر کنید، می گویم: «انا افضل من آدم» من از آدم بالاتر هستم. «صعصه بن صوحان» عرض کرد: «ولم ذلک یا امیرالمومنین» به چه دلیل افضل از آدم هستی؟ حضرت علی علیه السلام فرمود: خدا در بهشت برای آدم همه نعمت ها را فراهم کرده فقط گفته بود نزدیک فلان شجره مشو، ولی خداوند مرا از خوردن گندم منع نکرده بود و من به میل و اراده خود چون دنیا را قابل توجه نمی دانستم از گندم نخوردم.

عرض کرد: «انت افضل ام نوح؟» قال علیه السلام «انا افضل من نوح» شما افضل هستید یا نوح فرمود من عرض کرد چرا؟ حضرت فرمود: نوح چون قومش او را زیاد اذیت کردند درباره آنان نفرین کرد. «رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا» اما من بعد از وفات پیامبر اکرم با آن همه صدمات و اذیت های زیاد که از این امت دیدم ابداً درباره آنها نفرین نکردم و کاملاً صبر کردم. «صبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی»

عرض کرد «انت افضل ام ابراهیم؟» قال: «انا افضل من ابراهیم» شما بالاتر است مقامتان یا ابراهیم حضرت فرمود من. عرض کرد چگونه؟ حضرت فرمود: ابراهیم از خدا خواست زنده شدن مردگان را به او نشان دهد خداوند فرمود مگر باور نداری عرض کرد باور دارم ولی می خواهم دلم آرام گیرد. حضرت علی فرمود: ولی ایمان من به جایی رسیده که گفتم: «لو کشف الغطاء ما ازددت یقیناً» اگر پرده ها بالا رود و کشف حجب شود یقین من افزوده نمی شود من به یقین و ایمان کامل رسیده ام.

ص: ۳۷

عرض کرد شما افضل هستید یا موسی فرمود: من افضل هستم عرض کرد به چه دلیل؟ فرمود: وقتی خداوند او را مأمور کرد به دعوت فرعون که به مصر برود عرض کرد «رب انی قتلت منهم نفساً فاخاف ان یقتلون» خدایا من از فرعونیان یک نفر را کشته ام، می ترسم مرا بکشند. اما من وقتی پیامبر از جانب خدا مأمورم کرد که بروم در مکه بالای بام کعبه آیات اول سوره توبه را بر کفار قریش بخوانم با آنکه کمتر کسی از اهل مکه بود که برادر یا پدر یا عمو یا دایی یا یکی از اقارب و خویشانش به دست من در راه خدا کشته نشده باشند ولی من ابداً خوف نکردم تنها رفتم مأموریت خود را انجام دادم آیات سوره براءت را بر آنها خواندم و مراجعت کردم.

عرض کرد قال: «انت افضل ام عیسی؟» قال علیه السلام: «انا افضل من عیسی قال لم ذلک» شما افضل هستید یا عیسی؟ فرمود من عرض کرد برای چه؟ فرمود: پس از آنکه مریم بواسطه دمیدن جبرئیل در گریبان او حامله شد همین که موقع وضع حمل رسید وحی شد به مریم که «اخرجی عن البیت فان هذه بیت العباده لا بیت الولاده» از خانه بیت المقدس بیرون شو زیرا که این خانه محل عبادت است نه زایشگاه فلذا از بیت المقدس بیرون رفت در میان صحرا پای نخل خشکیده عیسی به دنیا آمد اما من وقتی مادرم فاطمه بنت اسد هاشمی را درد زائیدن گرفت در حالتی که وسط مسجد الحرام بود به مستجار کعبه متمسک گردیده و عرض کرد: الهی به حق این خانه و به حق آنکسی که این خانه را بنا کرده این درد زائیدن را بر من آسان کن همان ساعت دیوار خانه شکافته شد مادرم فاطمه را با ندای غیبی دعوت به داخل نمودند که «یا فاطمه ادخلی البیت» فاطمه مادرم وارد شد و من در همان خانه کعبه به دنیا آمدم. (۱)

مولا- علی علیه السلام با اینکه افضل از تمام پیامبران بوده غیر از حضرت محمد صلی الله علیه و آله جمیع صفات و کرامات آنان را هم دارا بوده که منابع فراوان تفسیری، روایی و تاریخی اهل سنت نقل و تاکید کرده اند. «من اراد أن ینظر الی نوح فی عزمه و الی آدم فی علمه و الی ابراهیم فی حلمه و الی موسی فی فطنه و الی عیسی فی زهده فلینظر

ص: ۳۸

۱- ۱. اللعنه البیضاء التبریزی الانصاری ص ۲۲۰، انوارالنعمانیه ج ۱ ص ۲۷، و من الجوار اکتشف الحقیقه هشام آل قطیط ص ۱۱۳، شب های پیشاور ص ۷۸۱، حکایات و مناظرات ص ۴۳۲

الى على بن ابي طالب» قال الشيخ محي الدين و كان اقرب الناس اليه في ذلك الهباء على بن ابي طالب رضى الله تعالى الجامع الاسرار الانبياء اجمعين» (١).

من اراد منكم ان ينظر الى آدم في علمه والى نوح فى الحكمة والى ابراهيم فى حلمه فلينظر الى على بن ابي طالب ان تنظروا الى آدم فى علمه و نوح فى همه و ابراهيم فى خلقه و موسى فى مناجاته و عيسى فى سنته و محمد فى هديه و حلمه فانظروا الى هذا المقبل (٢) من اراد ان ينظر الى آدم فى علمه و الى نوح فى فهمه و الى موسى فى مناجاته و الى عيسى فى سمته و الى محمد فى تمامه و كماله و جماله فلينظر الى هذا الرجل المقبل. قال: فتناول الناس باعناقهم فاذاهم بعلى. (٣)

«من اراد أن ينظر الى آدم فى علمه و الى نوح فى فهمه و الى يحيى بن زكريا فى زهده و الى موسى بن عمران فى بطشه فلينظر الى على بن ابي طالب، من اراد أن ينظر الى ابراهيم فى حلمه و الى نوح فى حكمه و الى يوسف فى جماله فلينظر الى على بن ابي طالب من اراد أن ينظر... الى محمد و خلقه فلينظر الى على، من اراد أن ينظر الى اسرافيل فى هيئته و الى ميكائيل فى رتبته و الى جبرئيل فى جلالته... والى يعقوب فى حزنه... الى ايوب فى صبره... والى يونس فى ورعه... فلينظر الى على فان فيه تسعين خصله من خصال الانبياء جمعها الله فيه و لم يجمعها أحد غيره» (٤)

ص: ٣٩

١- ١. ليوأقيت و الجواهر، شعرانى ج ٢ ص ١٨؛ الرابع من فوائد ابي عثمان البحرى، ح ٤٩؛ سايت مكتبه الاسلاميه

٢- ٢. معجم الادباء، ج ١٧، ص ٢٠٠؛ التبر المذاب، حسيني شافعى، ص ٣٣

٣- ٣. مناقب ابن شهر آشوب، ج ٣، ص ٥٧

٤- ٤. شرح نهج البلاغه ابن ابي الحديد معتزلى ج ٩ ص ١٦٨، خطبه ١٥٤، تفسير الكبير فخر رازى ج ٨ ص ٨١، ينابيع الموده ج ١ ص ٣٦٣، الفصول المهمه ابن صباغ مالكى ج ١ ص ٥٧١، مطالب السوول بن طلحه شافعى ص ٩٧ باب ١، كفايت الطالب گنجى ص ١٢٢ باب ٢٣، مناقب خوارزمى ص ٨٣ ج ٧، رياض النضره طبرى ج ٣ ص ١٩٦ باب ٤، ذخائر العقبى طبرى ٩٣، شواهد التنزيل حسانى ج ١ ص ١٣٧، فرائد السمطين حموينى ج ١ ص ١٧٠، تاريخ دمشق ابن عساكر ج ٤٢ ص ٣١٣، نور الابصار شبلنجى ص ٢٠ باب ١، شرح المواقف ج ٨ ص ٣٦٩، شرح المقاصد تفتازانى ج ٥ ص ٢٩٦، لسان الميزان ابن حجر ج ٦ ص ٦٩٣، موده القربى موده ٨، شرح عينيه عبدالباقي عمرى ص ٢٧ آلوسى، ميزان الاعتدال ذهبى ج ٤ ص ٩٩ ح ٨٤٦٩، مناقب مرتضوى ص ٨١، مناقب ابن مغازلى شافعى ص ٢٠٠ ح ٢٥٦، مناقب ابن مردويه ص ١٤٧ الى ص ١٤٩، امالى خميسيه ص ١٣٣ جرجانى، زين الفتى ج ١ ص ١٢٤، اللائى المصنوعه ج ١ ص ٣٥٥، فضائل الخلفاء ابي نعيم ص ٥٩، شرح المذاهب اهل السنه ابن شاهين ص ١٠٧، البدايه و النهايه ج ٧ ص ٣٩٢ باب حديث طير، توضيح الدلائل ص ٢٣٢، الوسيله ابو حفص ص ١٦٨، نزاهه المجالس ج ٢ ص ٢٤٠، هدايه المرتاب ص ١٤٦ سيد احمد قادين)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس می خواهد نظر کند به علم آدم به حکمت نوح به حلم ابراهیم به زهد یحیی به زیبایی یوسف، به حزن یعقوب، به صبر ایوب، به تقوی یونس، به خلق حسن پیامبر اسلام، به هیبت اسرافیل و به رتبه میکائیل و جلالت جبرئیل به علی علیه السلام نظر و نگاه کند.

جابر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود:

«فان فيه تسعين خصله من خصال الانبياء جمعها الله فيه و لم يجمعها في احد غيره» پس به درستی ۹۰ خصلت از خصال و اخلاق پیامبران خداوند در علی جمع کرده نه در غیر او. و بعد پیامبر اکرم می فرماید: «وتعلو هذه الصفات الى اوج العلی حیث شبهها بهؤلاء الانبياء المرسلين من الصفات المذكوره» بلند می کند این اوصاف حمیده علی را به منتهای درجه رفعت زیرا که پیغمبر تشبیه کرده است آن حضرت (مولا علی) را به انبیای مرسلین. مطالب (۱).

احمد حنبل می گفت: «ما جاء لاحد من الصحابه من الفضائل مثل ما لعلی بن ابی طالب» (۲) نیامده است از برای احدی از اصحاب پیامبر آن چیزی که برای علی ابن ابی طالب آمده از کثرت فضائل.

۳۰۰ آیه قرآن در شان و منقبت مولا علی از سوی خدا نازل شده چند آیه در فضل حضرت عیسی علیه السلام و سایر انبیاء در قرآن که آخرین نسخه الهی و معجزه جاوید بهترین پیامبر و بهترین مخلوق خدا است نازل شده و این دلیل فضل والای مولا علی و اولاد مطهرش می باشد. عن ابن عباس قال: «نزلت فی علی ثلاثمائة آیه» ابن عباس می گوید: ۳۰۰ آیه از قرآن کریم در شان علی نازل شده است. (۳) ما نزل فی احد

ص: ۴۰

-
- ۱- ۱. السوول بن طلحه شافعی ص ۹۷ باب ۱، فصل ۶
 - ۲- ۲. کفایه الطالب ص ۲۵۳ باب ۲، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۴۱۸، المستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۱۶، الکشف البیان ثعلبی ج ۴ ص ۸۱، صواعق المحرقه ص ۱۲۰، ابن اثیر در کامل ج ۳ ص ۳۹۹، سیره الحلییه ج ۲ ص ۲۰۷، تاریخ خلفاء سیوطی ص ۱۶۸، شواهد التنزیل حسکانی ج ۱ ص ۲۶، نظم درالسمطین زرنندی ص ۸۰، فرائد السمطین ج ۱ ص ۳۷۹، تاریخ اسلام ذهبی ج ۳ ص ۶۳۸، مطالب السوول ص ۱۲۶، مناقب خوارزمی ص ۳۴
 - ۳- ۳. تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۶۴، تاریخ بغداد ج ۶ ص ۲۲۱ ابوبکر خطیب بغدادی، صواعق المحرقه ص ۱۷۷

من كتاب الله ما نزل في علي (١) ما جاء لاحد من اصحاب رسول الله من الفضائل ما جاء لعلي ابن ابي طالب (٢)

ما لاحد من الصحابه من الفضائل بالاسانيد الصاح مثل ما العلي (٣)

يكي از آيات محكم قرآن كريم كه دليل بر تری اميرمومنان علي عليه السلام بر تمام پيامبران است آيه ٦١ سوره آل عمران معروف به آيه مباهله است كه قرآن جان و نفس مولا- علي را با نفس پيامبر اكرم يكي می داند. يعني از جهات مشتركات و صفات اخلاقي و معنوي و الهی شريك و همانند هستند يعني مولا علي از جهت معجزات، كرامات، فضائل همانند نبی اكرم است فقط رسول اكرم از جهت نبوت خاصه خاتم الانبياء از مولا علي امتياز دارد. انفسنا و انفسكم، و اكابر و مفسرين منصف اهل سنت هم قبول دارند شان و علت نزول اين آيه در شان مولا علي نازل شده. (٤)

فضيلته في المباهله و ان الرسول باهل بعلی و فاطمه زوجته و الحسن و الحسين و جعله منها كنفسه و جعل ... و قد ثبت انه ليس احد من خلق الله يشبه رسول الله فوجب له من الفضل ما و جب له الا- النبوه فهذه خصوصيه لا- يتقدمهم فيها احد و فضل لا يلحقهم فيه بشر و شرف لا يسبقهم اليه خلق اذ جعل نفس علي كنفسه (٥)

این ویژگی است که هیچکس در آن از اینان پیشی نمی گیرد و فضیلتی است که هیچ انسانی در آن به ایشان نمی رسد و افتخاری است که هیچ آفریده ای از آنان

ص: ٤١

١-١. (صواعق المحرقة ص ٧٦)

٢-٢. (مستدرک حاکم ج ٣ ص ١٠٧)

٣-٣. (مناقب احمد ص ١٦٣، استيعاب ج ٣ ص ٥١)

٤-٤. (تفسير الكبير رازی ج ٨ ص ٨٠، الكشف والبيان ثعلبی ج ٣ ص ٨٥، در المنثور سيوطی ج ٢ ص ٦٩، انوار التنزيل بيضاوی ج ١ ص ٢٦١، تفسير الكشاف زمخشری ج ١ ص ٣٦١، صحيح المسلم ج ٤ ص ١٨٧١ حديث ٣٢، مناقب ابن مغزلی ص ٣١٨ ح ٣٦٢، فصول المهمه ابن صباغ مالکی ج ١ ص ١٢٧، فرائد السمطين ج ٢ ص ٢٣، مناقب خوارزمی ص ١٥٩، ينابيع الموده ج ١ ص ٤٣، تذکره الخواص ص ٢٤، مطالب السوول شافعی ص ٨٠، كفايه الطالب ص ٢٨٨، صواعق المحرقة ص ١٤٥، اسباب النزول واحدی ص ٦٨، احكام القرآن جصاص ج ٢ ص ٢٩٥، ترمذی جامع الصحيح ص ٧٩٨، فتح الباری ج ٧ ص ٧٤، نظم درالسمطين ص ١٠٨، سنن الكبرى بیهقی ج ٧ ص ٦٣، جامع الاصول ابن اثیر ج ٩ ص ٤٧٠، اسدالغابه ج ٤ ص ٢٦، شبلنجی در نورالابصار ص ٢٢٣، شواهد التنزيل ج ١ ص ١٥٥، جامع البيان طبری ج ٣ ص ٤٠٨، تفسير القرآن ابن کثیر ج ١ ص ٣١٩، جامع لاحكام القرآن قرطبی ج ٤ ص ١٠٤، فتح القدير شوکانی ج ١ ص ٣٤٧، زاد المسیر ابن جوزی ج ١ ص ٣٣٩، تاريخ اسلام ذهبی ص ٦٢٧)

٥-٥. (ينابيع الموده ج ١ ص ٢٨٠، عيون الاخبار ج ١ ص ٢٧)

جلوتر نمی باشد زیرا خداوند نفس علی را همانند نفس پیامبرش قرار داده.

قال جابر: «انفسنا و انفسکم رسول الله و علی» حاکم نیشابوری در معرفه الحدیث ص ۵۰ نوع ۱۷ می نویسد: و قد تواترت الاخبار فی التفاسیر عن عبدالله ابن عباس و غیره ان رسول الله اخذ یوم المباهله بیدعلی و حسن و حسین و جعلوا فاطمه ورائهم ثم قال هولاء ابنائنا... به تواتر و زیادی تفاسیر و روایات رسیده در ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران معروف به آیه مباهله پیامبر اسلام در مباهله و نفرین کردن برای مسیحیان نجران گرفت دست علی و حسن و حسین و قرار داد فاطمه در پشت سر و فرمود اینها هستند زنان و فرزندان و کسی که به منزله جان و نفس من است. زمخشری در تفسیر کشاف ج ۱ ص ۳۶۳ می نویسد «و فی دلیل لا شیء اقوی منه علی فضل اصحاب الکساء» هیچ دلیلی قوی تر از فضل ۵ تن آل عبا قوی تر و محکم تر از آیه ۶۱ سوره آل عمران معروف به آیه مباهله نیست. هیچ پیامبری همانند نفس و جان پیامبر اسلام نبود و نخواهد بود ولی آیه شریفه می گوید علی علیه السلام نفس، جان و روح پیامبر اسلام است. یعنی تمام خصائص و اشتراکات روحی که در روح، نفس و باطن پیامبر اسلام است در نفس و جان مولا علی هم وجود دارد و روایات زیادی در این باب هم از منابع روایی سنی ها آمده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «علی منی و انا منه، علی منی و انا من علی، و لا یودی عنی الا انا و علی، لحمه من لحمی و دمه من دمی و هو منی بمنزله هارون من موسی هذا علی سیدالمسلمین علی منی کنفسی طاعته طاعتی و معصيته معصیتی» علی از من است و من از علی هستم. گوشت او گوشت من، خون او خون من است، علی نسبت به من چون جان من است اطاعت از او اطاعت از من و تخلف از او تخلف از دستورات من است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به هیات ثقیف هنگامی که نزد وی آمده بودند فرمودند: سوگند به خدا یا تسلیم می شوید و یا کسی از خودم و مثل خودم را بسوی شما روانه می کنم که گردنتان را بزند و بعد رو به علی کرد و ۲ بار فرمود: این آن مرد است. - ان رسول الله قال لتنتهین یا بنی ولیعه او لابعثن الیکم رجلاً کنفسی... فالتفت الی علی فاخذه

عرض کردیم بیش از ۳۰۰ آیه در قرآن درباره مولا- علی و برتری او بر تمام انبیاء غیر از پیامبر اسلام نازل شده که حتی ابن حجر مکی در ص ۱۲۷ باب ۹ فصل ۳، مناقب ابن مردویه ص ۲۱۷ ح ۳۰۰، نورالابصار شبلنجی ص ۱۶۴ باب ۱، سیره الحلبیه ج ۲ ص ۲۰۷ نقل کرده اند و حتی ابن مردویه از قول مجاهد نقل کرده در مناقب ص ۲۱۷ ح ۳۰۱، «ما نزل من القرآن فی علی» هفتاد آیه در قرآن برای علی مخصوص و ویژه نازل شده که احدی با او در آن آیات شریک و برابر نیست. «عن مجاهد قال نزلت فی علی سبعون آیه لم یشرک فیها احد» از جمله عالمان سنی که درباره آیاتی که در قرآن درباره مولا علی نازل شده کتاب نوشته اند بطور خلاصه از این قرارند: «ما نزل من القرآن فی امیرالمومنین (محمد بن میمون قزوینی)، ما نزل من القرآن فی علی (ابوالفرج اصفهانی)، ما نزل من القرآن فی علی (حکم بن مسلم حبری)، ما نزل من القرآن فی علی (ابونعیم اصفهانی)، ما نزل من القرآن فی علی (ابوبکر شیرازی)، ما نزل من القرآن فی علی (مظفر ابن ابی بکر احمد حنفی رازی)، ما نزل من القرآن فی علی (یحیی بن احمد جلودی)، الایات النازله فی اهل بیت (حسن بن محمد مقرئ شافعی)، ابانه ما فی التنزیل من مناقب آل الرسول (ابو العباس طوسی)، ما نزل من القرآن فی امیر المومنین (ابوبکر بن مردویه)، ما نزل من القرآن فی علی عمر بن عبدالعزیز مجاشعی (شواهد التنزیل حاکم ابوالقاسم حسکانی).

ولایه علی مکتوبه فی صحف جمیع الانبیاء و لن یبعث الله رسولا الا بنوه محمد و وصیه علی (۲)

ما خلق الله احدا من خلقه و لا بعث احد من رسله الا لیدعوهم الی ولایه محمد و

ص: ۴۳

۱- ۱. (فضائل صحابه احمد حنبل ج ۲ ص ۵۹۳، ذخائر العقبی ص ۶۴، المصنف صنعانی ج ۱۱ ص ۲۲۶، الاستیعاب ابن عبدالبر ج ۳ ص ۱۱۰۹، انساب الاشراف بلاذری ص ۱۲۳، السیره الحلبیه ج ۲ ص ۷۳۳، جواهرالمطالب ابن دمشقی ج ۱ ص ۶۰، آل محمد حسام الدین حنفی ص ۱۸۴، انتها الافهام بصری ص ۲۱۳، سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۴، الجامع الصحیح ترمذی ص ۹۷۹ ح ۳۷۲۸، صواعق المحرقه ص ۱۲۲ ح ۶، مسند احمد حنبل ج ۴ ص ۱۶۴، مناقب ابن مغزلی ص ۲۲۱ ح ۲۶۷) سایر مفسرین عامه که آیه ۶۱ آل عمران را در شان مولا علی ذیل انفسنا و انفسکم می دانند. (تفسیر البغوی ج ۱ ص ۳۱۰، تفسیرالسمعانی ج ۱ ص ۳۲۷، تفسیر سمرقندی ج ۱ ص ۲۴۵، تفسیر ابن حاتم ج ۲ ص ۶۶۷، تفسیر العزین عبدالسلام ج ۱ ص ۲۶۵، حقائق التنزیل زمخشری ج ۱ ص ۴۳۴، تفسیر النسفی ج ۱ ص ۱۵۷)

۲- ۲. بحار ج ۳۸ ص ۴۷، تفسیر امام عسکری ص ۳۷۹

علی و خلفائه، ولایتنا ولایت الله التي لم یبعث نبیاً قط الا بها(۱)

از جمله آیات دیگر قرآن کریم که افضلیت مولا- علی بر تمام عالمیان حتی پیامبران، فرشتگان بغیر از رسول اسلام ثابت می کند و می گوید اصلاً تمام ۱۲۴ هزار پیامبر؛ ارسال رسل و انزل کتب برای شناخت توحید، نبوت و امامت علی و اولادش امجدش بوده. آیه ۴۵ سوره مبارک زخرف تاکید دارد انبیاء برای تبلیغ ولایت و امامت مولا علی آمدند. (وسئل من ارسلنا من قبلک من رسلنا) ای رسول اکرم از پیامبران دیگر سوال کن. که ثعلبی در تفسیر خود ج ۴ ص ۳۳۵ الکشف و البیان عن تفسیر القرآن ج ۸ ص ۳۳۷، ابن بطریق در خصائص الوحی المبین حدیث ۱۱۶ فصل ۱۱ ص ۹۸، اخطب خوارزمی حنفی ج ۳۵ فصل ۱۹ در المناقب ص ۲۲۱، شرح ابن ابی الحدید در شرح علی المختار ۴۳ ج ۱ ص ۵۷۰، شواهد التنزیل حاکم حنفی ص ۲۹۶ حدیث ۸۵۵، تنزیه الشعریه ج ۷۰۳ فصل ۳، مختصر تاریخ دمشق ابن منظور ج ۱۷ ص ۳۶۰، فرائد السمطین ج ۱ ص ۹۲ ح ۵۲، معرفه العلوم الحدیث حاکم ص ۹۶ ح ۲۲۲ ص ۳۱۶، ینابیع الموده ج ۱ ص ۲۴۳، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۲۴۱، الدر النظیم ابن حاتم العاملی ص ۷۹۴، تفسیر غرائب القرآن نظام الدین نیشابوری ج ۶ ص ۹۳.

فقلت: معاشر الرسل علی ماذا بعثکم ربی قبلی؟ فقلت الرسل: عن نبوتک و ولایه علی بن ابی طالب.

ابن عباس علقمه و ابن مسعود از رسول اسلام روایت کرده اند در ذیل همین آیه ۴۵ سوره زخرف که چون شب معراج مرا به آسمانها و عوالم غیب بردند خداوند ارواح پیامبران را جمع کرد و من با ایشان نشستم فرشته ای آمد و گفت خداوند می فرماید که از ارواح این پیامبران بپرس که چرا آنها را بسوی مردم فرستادم و اصلاً آنها را پیغمبر کردم پیامبر اسلام به آنها خطاب کرد که علی ما بعثتم، شما برای چه هدفی مبعوث به رسالت شدید گفتند: «علی ولایتک و ولایه علی بن ابی طالب» ما بر اساس ولایت و امامت تو و علی پسر ابوطالب برای هدایت بشر در دنیا رفتیم. آقای انصاری سلفی وقتی که ۱۲۴ هزار بلند گوی توحید و رجال الهی اهداف تبلیغشان رساندن، توحید، نبوت پیامبر و امامت علی علیه السلام است چگونه از مولا علی

ص: ۴۴

افضل تر هستند اصلاً آنها برای تبلیغ از پیامبر اکرم و علی بسوی بشر طبق این آیه و تفسیر آیه ۴۵ سوره زخرف آمدند و رفتند آنها مفضول بودند که از فضلاء و اشرف مخلوقات حضرت محمد و حضرت علی علیه السلام اجمعین دفاع و تبلیغ کردند چگونه بر آنان برتری و فضیلت دارند؟!!!!

هم الانبياء الذين جمعوا له ليله اسرى به بيت المقدس... لما اسرى بالنبي صلى خلفه تلك اللية كل نبى كان ارسل فقيل للنبي و ارسال ... عن عبدالله بن مسعود قال قال رسول الله اتانى ملك فقال يا محمد و اسال من ارسلنا قبلك من رسلنا على ما بعثوا قال قلت على ما بعثوا قال على ولايتك و ولايه على بن ابى طالب.

امام صادق فرمود: هیچ پیامبری منزلت پیامبری نیافت مگر پس از اینکه به حق ما معرفت یافت و برتری ما را بر غیر ما پذیرفت. ما نبی قط الا بمعرفه حقنا و بفضلنا على من سوانا- ما من نبى و لا من رسول ارسل الا ولايتنا و تفضيلنا على من سوانا. (۱)

از جمله آیات دیگر قرآن که افضلیت و برتری مولا علی را بر انبیاء غیر از حضرت محمد صلی الله علیه و آله تأکید و اشاره دارد آیه ۷ و ۸ سوره مبارکه بینه است. {اولئك هم خير البريه} طبق نقل و قول مفسران معتبر و شهیر اهل سنت این آیه در حق و فضیلت مولا علی و شیعیانش نازل شده. (۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ذیل تفسیر این آیه فرمود:

«على خير البريه، على خير البشر من ابى فقد كفر و رضى فقد شكر، على خير البشر فمن ابى فقد كفر، على خير البشر لا يشك فيه الاكافر، قالت عائشه، ذاك خير البشر و لا يشك فيه الا منافق» (۳)

علی بهترین مردم است علی بهترین بشر است هر که درباره او شک کند کافر و

ص: ۴۵

۱- ۱. (بحار ج ۲۶ ص ۲۶۷ و ص ۲۸۱)

۲- ۲. مراجعه شود به منابع و کتابهای تفسیر در المنتور ابوبکر سیوطی ج ۶ ص ۳۷۹، شواهد التنزیل ج ۲ ص ۴۵۹، مناقب خوارزمی ح ۱۱ فصل ۹ ص ۶۲، بلاذری در انساب و الاشراف ج ۲ ص ۱۰۳، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۲ ص ۴۴۳، فرائد السمطين ج ۱ ص ۱۵۵، شبلنجی در نور الابصار ص ۷۰، فتح القدير شوکانی ج ۵ ص ۴۷۷، النهایه ابن اثیر ج ۴ ص ۱۰۶، کنز العمال هندی ج ۱۵ ص ۱۳۷ ح ۳۹۸، نظم در السمطين زرنندی ص ۹۲، ابن حجر در صواعق ص ۱۵۹، ۱۶۱ و ۹۶، فضائل الصحابه احمد حنبل ش ۹۴۹، ح ۱۱۴۶ ذاک من خیر البشر)

۳- ۳. (مناقب ابن مردویه ج ۴ ص ۳۵۷)

منافق است. پس طبق این آیه و تفسیر منصفین از علمای اهل سنت علی بهترین بشر است بعد از پیامبر اسلام. چگونه می گویی آقای سلفی انبیاء از او افضلند؟!!!!

از جمله آیات دیگر که فضیلت مولا علی علیه السلام بر تمام خلائق، انبیاء، بغیر از حضرت رسول اسلام را نشان می دهد آیه ۴۷ سوره حجر است. «اخوانا علی سرر متقابلین» برادرانه رو به روی هم روی تخت های بهشتی قرار می گیرند این قسمت آیه راجع به مولا- علی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که در دنیا و آخرت برادر مخصوص دینی و معنوی بودند و هستند، که منابع تفسیری و روایی اهل سنت نقل کرده اند و حدیث مواخاه در منابع متعدد معتبر حدیثی سنی ها آمده است(۱) در همین آیه محمد انصاری وهابی باز وقتی این آیه را در فضیلت مولا علی برایش خواندم شبهه انداخت که عبارت قبل آیه {اخوانا علی سرر متقابلین}، آیه می گوید {و نزعنا ما فی صدورهم من غل} خدا می گوید آنچه کینه و خواطر نفسانی در سینه و افکار اهل بهشت هست زودوده و پاک می کنیم آیا مگر بین پیامبر اسلام و امام علی کینه و عدواتی بوده که این آیه را جهت فضیلت آوردی؟!!!!

اولاً- آیه تطیهر بهترین دلیل قرآنی است که نفس پیامبر و مولا- علی از تمام رجس و پلیدی ها و آلودگی های گناه باطنی و ظاهری منزّه و مبرا بوده است. «لیذهب عنکم رجس» علمای اخلاق یک نکته بسیار لطیف در این باب زدودند و پاک کردن کینه ها از دل اهل بهشت بیان می کنند اولاً قرآن در سوره شعراء ۸۸ الی ۹۰ می فرماید کسی نمی تواند لیاقت بهشتی شدن داشته باشد مگر با قلب سلیم و سالم بسوی خدا و بهشت رود(۲) علمای اخلاق می گویند بهشتی های غیر معصوم در بهشت نسبت به درجات عالیه افراد بهشتی دیگر بخاطر اینکه دچار غبطه و غصه و حسادت نشوند خدا دل های آنان را از این خطر فکری و اندوه روحی با لطف و رحمتش مذهب و پاک می کند و خود مولا علی علیه السلام در ازمنه و امکانه متعدد به این موضوع اخوت و برادری اش با پیامبر اکرم تصریح فرموده «انا عبدالله واخو رسول الله... لا یقولها بعدی الا کذاب

ص: ۴۶

-
- ۱- ۱. (مسند احمد حنبل ج ۳ ص ۱۳، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۴۱۹، بخاری در الرقاق باب ۴۸، تفسیر طبری ج ۷ ص ۵۲۰، تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر ج ۴ ص ۴۶۳، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۴۷۴، تهذیب التهذیب ج ۱ ص ۲۶۱)
 - ۲- ۲. الا من اتی الله بقلب سلیم

... حتی حضرت فرمود من برادر پیامبرم و هر کس ادعا کند او هم برادر پیامبر اسلام است دروغگوست. (۱) «مکتوب علی باب الجنه محمد رسول الله علی اخو رسول الله قبل ان یخلق الله السموات بالفی عام» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بر در بهشت نوشته شده است محمد پیامبر خداست و علی برادر رسول خداست و این مطلب نوشته شده ۲ هزار سال قبل از خلقت آسمانهاست. (۲)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی تو در دنیا و آخرت برادر من هستی «انت اخی فی الدنیا والاخره» (۳) «یا علی انت اخی بمنزله هارون من موسی غیر انه لا نبی بعدی» (۴) «انت اخی وانا اخو ک فان ذاکرک احد فقل انا عبدالله واخو رسول الله لا یدعیها بعدک الا کذاب» (۵) «والذی بعثنی بالحق نبیا ما اخترتک الا لنفسی وانت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لانبی بعدی وانت اخی و وارثی»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی تو برادر منی و من هم برادر تو هستم کسی این برادری را ادعا نمی کند مگر فرد کذاب و دروغگو هیچ پیامبری این افتخار بزرگ را در دنیا و آخرت نصیبش نمی شود و نخواهد شد و نشد به جزء مولا علی که با پیامبر برادر معنوی، الهی و روحانی بوده و هست درباره حدیث مواخاه از روایت عامه ۲۳ حدیث واز طریق شیعه ۵ حدیث در اینکه مولا علی علیه السلام برادر پیامبر اسلام است از روایت سنی ها ۳۸ حدیث واز شیعه ۳۴ حدیث وارد شده است

از جمله آیات دیگر که می تواند به راحتی افضلیت مولا علی را بر تمام خلائق غیر از رسول اسلام ثابت کند آیه ۵۶ سوره احزاب و آیه ۱۳۰ سوره صافات است در قرآن سوره مریم آیه ۳۲ عیسی بر خودش صلوات و درود می فرستد ولی خداوند در آیه ۵۶ سوره احزاب خودش و فرشتگان صلوات بر پیامبر می فرستد و پیامبر در تفسیر آیه می گوید بر آل و خانواده مطهر من هم صلوات بفرستید ودر آیه ۱۳۰ سوره

ص: ۴۷

-
- ۱- ۱. (صحیح ابن ماجه ص ۱۲، مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۱، تاریخ طبری ج ۲ ص ۵۶، کنز العمال هندی ج ۶ ص ۳۹۴، ابن اثیر در اسد الغابه ج ۴ ص ۱۸، ریاض النضره طبری ج ۲ ص ۱۶۵)
 - ۲- ۲. (المناقب ابن مغزلی ص ۹۱، ذخائر العقبی ص ۶۶)
 - ۳- ۳. « (صحیح ترمذی ج ۲ ص ۲۹۹)
 - ۴- ۴. (ریاض النضره محب الدین طبری ج ۲ ص ۲۰۱)
 - ۵- ۵. (مسند احمد حنبل ص ۴۵، مناقب احمد حنبل ج ۲ ص ۱۶۸)

صافات بطور علنی بر آل پیامبر اکرم صلوات می فرستد خود خداوند متعال، در قرآن خداوند بر آل هیچ پیامبری درود و صلوات نفرستاده جزء اهل بیت عصمت و طهارت که مولا- علی جزء آن است در ذیل آیه ۱۳۰ صافات اکثر مفسرین علمای منصف اهل سنت تاکید دارند درباره آل و اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله است که مولا علی سرور آنان است. «عن مجاهد عن ابن عباس فی قوله تعالی (سلام علی آل یس) قال هم آل محمد وقال ابوالقاسم الفارسی نحن هم آل محمد وقال الحارثی: علی آل محمد» (۱)

از مولا علی علیه السلام سوال شد در معنای آل یاسین، حضرت فرمود که یس حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و ما آل یاسین هستیم. (۲)

ابن حجر در کتاب صواعق المحرقة ص ۱۴۶ باب ۱۱ فصل ۱ آیه ۲۸، از کعب بن عجره نقل می کنند که چون آیه {ان الله و ملائکته یصلون علی النبی} (۳) نازل شد یعنی همانا خدا و فرشتگان بر پیامبر اسلام صلوات و درود می فرستند صحابه از پیامبر سوال کردند سلام را بر شما فهمیدیم چگونه صلوات بر شما بفرستیم؟ کیف نصلی علیک، پیامبر اسلام فرمود: به این طریق صلوات بفرستید «اللهم صل علی محمد و آل محمد» و در روایات دیگر، «کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید». امام فخر رازی در تفسیر الکبیر ج ۲۵ ص ۲۲۷ نقل می نماید که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سوال نمودند چگونه صلوات بر شما بفرستیم فرمودند بگویند: «اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم و بارک علی محمد و آل محمد کما بارک علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید».

شافعی می گوید: ای اهل بیت پیامبر دوستی شما را خدا در قرآن واجب نموده و در بزرگی مقام شما اهل بیت همین بس که هر کسی بر شما صلوات نفرستد نمازش باطل است. «یا اهل بیت رسول الله حکم فرض من الله فی القرآن انزله، کفاکم من

ص: ۴۸

- ۱ - ۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ج ۲ ص ۱۶۵، مناقب ابن مردویه ص ۳۱۲ ح ۵۱۴، صواعق المحرقة ابن حجر ص ۱۴۸ باب ۱۱ فصل ۱، تفسیر روح المعانی آلوسی ج ۱۲ ص ۱۳۵، تفسیر الکبیر رازی ج ۲۶ ص ۱۶۲، تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر ج ۴ ص ۲۱، درالمنثور سیوطی ج ۵ ص ۵۳۹، الجامع لاحکام القرآن قرطبی ج ۱۵ ص ۱۱۹
- ۲ - ۲. شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۶۸
- ۳ - ۳. سوره احزاب، آیه ۵۶

عظیم القدر انکم، من لم یصل علیکم لاصلاه له»^(۱)

«لاتصلوا علی الصلاه البتراء، فقالوا: وما الصلاه البتراء؟ قال تقولون: اللهم صل علی محمد و تمسکون بل قالوا اللهم صل علی محمد و آل محمد» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود صلوات ناقص و بریده بر من نفرستید گفتند صلوات ناقص چیست پیامبر فرمود: اللهم صل علی محمد بلکه بگویید: اللهم صل علی محمد و آل محمد. (حتی صحیح بخاری ج ۷ ص ۴۳۴ حدیث ۱۲۲۶، کتاب الدعوات باب الصلاه علی النبی، صحیح مسلم ج ۱ ص ۳۰۵ حدیث ۶۵) نقل کرده اند.

عن ابی سعید الخدری فی قوله: وقفوهم انهم مسئولون قال: عن امامه علی بن ابی طالب.^(۲)

قال رسول الله: اذا كان يوم القيامة اوقف انا و علی علیه السلام، علی صراط فما یمر بنا احد الاسالناه عن ولایه علی.^(۳)

از جمله آیات دیگر که افضلیت مولا- علی علیه السلام را بر تمام انبیاء در قرآن نشان می دهد آیه ۲۴ سوره صافات است، {وقفوهم انهم مسئولون} در صحرای قیامت آنان را متوقف کنید که مسئولند. در منابع معتبر تفسیری اهل سنت ذکر شده است که برای ولایت و امامت مولا علی تمام خلائق را نگه می دارند در موقف قیامت جهت بازخواست و سوال برای هیچ پیامبری از پیامبران مثل حضرت عیسی علیه السلام فردای قیامت مردم را نگه نمی دارند و مورد سوال قرار نمی دهند جزء مولا علی وقتی علی علیه السلام اینچنین عظمت و مقام در خانه خدا دارد که برای امامت او تمام مردم را که انبیاء هم جزء آن هستند نگه می دارند چگونه انبیاء از او نعوذ بالله افضل هستند. «عن ابی سعید الخدری عن النبی فی قوله تعالی: وقفوهم انهم مسئولون، قال عن ولایه علی بن ابی طالب.»^(۴)

ص: ۴۹

۱-۱. صواعق المحرقة ابن حجر ص ۱۴۶ باب ۱۱

۲-۲. شواهد التنزیل ح ۷۸۶

۳-۳. شواهد التنزیل ح ۷۸۹، بحر المناقب ص ۱۵۵، علامه درویش برهان، الامام المهاجر ص ۲۱۴ علامه عبدالله الجیانجوری

۴-۴. شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۶۰، مناقب ابن مردویه ص ۳۱۲ ج ۵۱۲، صواعق المحرقة ص ۱۴۹ باب ۱۱، نظم درر السمطین زرندی

ص ۱۰۹

قال رسول الله في قوله وقوفهم انهم مسئولون عن الاقرار بولايه علي. (۱)

و اولی هذه الاقوال ان السؤال عن العقائد و الاعمال و راس ذلك لا اله الا الله و من اجله ولايه علي كرم الله وجهه... / فلا يمر احد من خلق الله الا سالناه عن ولايه علي بن ابی طالب. (۲) قال علي: انا عم يتسالون عن ولايتي يوم القيامة - (۳)

از جمله آیات دیگر در قرآن که افضلیت مولا علی را خصوصاً بر حضرت عیسی علیه السلام نشان می دهد آیه ۲۰۷ سوره بقره معروف به آیه ليله المیت است. زمانی که پیامبر برای حفظ جاننش از مکه هجرت کرد مولا علی در بستر ایشان خوابید و جان شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را حفظ و حراست کرد. «و من الناس من یشتری نفسه ابتغاء مرضات الله» مولا علی نفس و جاننش را برای رضایت خدا فروخت و هیچ مزدی و اجری از خدا و رسول انتظار نداشت ولی عیسی و موسی و ذکریا برای حفظ جانشان و هر انسان عاقل دیگر از دست دشمن فرار کردند ولی مولا علی حیدر کرار غیر فرار است. حیدر است یعنی شجاع و قوی دل.

منابع روایی و تفسیری فراوانی از اهل سنت این آیه را در شان و منقبت مولا علی می دانند. (۴)

از جمله آیات دیگر که در افضلیت مولا علی علیه السلام بر جمیع پیامبران و خود رسول اسلام در تفسیر آن تاکید و تائید دارد که مولا علی افضل است از پیامبران آیه ۳۶ سوره نور است ﴿فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمہ﴾ از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم سوال کردند این خانه ها چه خانه هایی است که خدا اجازه داد ذکر و یاد او در آن بلند

ص: ۵۰

-
- ۱- ۱. تاریخ بغداد ج ۸ ص ۹۵، تذکره الخواص ص ۲۶، تاریخ اصبهان ابونعیم ج ۱ ص ۲۸۱، لسان المیزان ج ۴ ص ۲۱۱، الفردوس دیلمی ج ۱ ص ۸۹، روح المعانی آلوسی ج ۳ ص ۸۰
 - ۲- ۲. بشاره المصطفی ص ۴۹۲ ح ۳۵۷، آل محمد ص ۲۸۲ المردی حنفی، کفایه الطالب باب ۶۲ ص ۲۴۷، الامالی جرجانی ج ۱ ص ۱۵۸، مناقب علی علامه عینی ص ۵۷
 - ۳- ۳. ارجح المطالب ص ۴۳
 - ۴- ۴. معجم الکبیر طبرانی ج ۳ ص ۳۸۹ ح ۲۸۳۶، ج ۱۱ ص ۳۲۲، اسد الغابه ابن اثیر ج ۴ ص ۲۵، الکشف والبیان ثعلبی ج ۲ ص ۱۲۵، غرائب القرآن نیشابوری ج ۲ ص ۲۹۱، مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۳۴۸، تفسیر کبیر رازی ج ۵ ص ۲۰۴، تاریخ طبری ج ۲ ص ۱۰۰، احیاء العلوم غزالی ج ۳ ص ۳۷۹، سیره النبویه ابن هشام ج ۲ ص ۱۲۶، درالمنثور ج ۳ ص ۳۲۷، مستدرک حاکم ج ۳ ص ۴۲۶۳، فتح الباری ج ۷ ص ۲۳۶، تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر ج ۲ ص ۲۶۳، البدایه والنهایه ج ۳ ص ۲۲۱، فتح القدر شوکانی ج ۲ ص ۳۰۴، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۶۷، نورالابصار شبلنجی ص ۱۷۵ و...

و رفیع شود و صبح و شام متصل ذکر الهی شود نبی اکرم فرمود خانه پیامبران است ابوبکر بلند شد صدا زد ای پیامبر آیا بیت و خانه مولا علی و مولاتی فاطمه علیهم السلام جزء این خانه های قدسی است؟ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود بله بلکه بالا-تر و افضل تر، وقتی خانه مولا- علی و حضرت زهرا+ از بیوت و خانه های انبیاء افضل تر باشد چگونه پیامبران از مولا علی افضل تر هستند؟! «عن انس بن مالک و عن بریده قالاً قرأ رسول الله هذه الاية - في بيوت اذن الله... فقام رجل فقال اي بيوت هذه يا رسول الله؟ فقال: بيوت الانبياء فقام اليه ابوبكر فقال: يا رسول الله هذا البيت منها لبيت علي و فاطمه قال: نعم من افضلها» (۱)

از جمله آیات دیگر در مورد افضلیت و بالا-تر بودن مقام مولا علی در برابر پیامبران «خلقنی الله و اهل بیتی من نور واحد» (۲) آیه ۳۵ سوره مبارکه نور است {الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشکاه...} که منظور مشکاه در این آیه حضرت فاطمه - مصباح امام حسن و امام حسین و فاطمه کوکب و ستاره درخشانده است. نور علی نور هم به معنای امامی بعد از امامی است. {یهدی الله لنوره من یشاء} مولا- علی است خداوند که نور نیست خالق و آفریننده نور است و در آیه ۷۴ سوره نحل هم می فرماید {فلا تضربوا الله الامثال} برای وجود و کیفیت خدا مثال نزنید و در این آیه خداوند مثال می زند برای مردم که برای خدا در آسمانها و زمین نور است که منظور وجود نوری اهل بیت است که خداوند قبل از خلقت آدم بصورت نور آنها را آفرید و در بعضی از روایات ۲ هزار سال قبل از آفرینش آسمانها و زمین ها (۳) که از علمای اهل سنت هستند نقل کرده اند «كنت انا و علی نوراً بین یدی الله عزوجل قبل ان یخلق آدم باربعه عشر الف عام... مکتوب علی باب الجنة لا اله الا الله محمد بن عبد الله رسول الله علی ابن ابی طالب اخو رسول الله قبل ان یخلق الله السموات و الارض بالفی عام» اما آیه ۳۵ نور که ذکر شد از منابع اهل سنت (۴) نقل کرده اند یعنی اهل

ص: ۵۱

-
- ۱- ۱. تفسیر روح المعانی ج ۹ ص ۳۶۷، مناقب ابن مردویه ص ۲۸۴ ح ۴۴۷، الکشف والبیان ثعلبی ج ۷ ص ۱۰۷، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۵۳۱، درالمنثور ج ۵ ص ۹۱
- ۲- ۲. علل الشرایع ج ۱ ص ۱۳۴
- ۳- ۳. ابن بطریق درالمعده ص ۴۴، محب الدین طبری در ریاض النضره ج ۲ ص ۱۶۴، اخطب خوارزمی حنفی در المناقب ص ۱۷۸
- ۴- ۴. ابن بطریق در عمده ص ۳۵۶، المناقب ابن مغزلی ص ۲۶۳

بیت پیامبر خصوصاً مولا علی قبل از خلقت تمام پیامبران غیر از رسول اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بوجود آمده و بصورت نور بوده خلقت ابتدائی ایشان و پیشگام در تسبیح و تقدیس خداوند بوده اند.

درباره اشتراک خلقت نورانی مولا علی با نبی اکرم در منابع روایی اهل سنت روایاتی ذکر شده است (۱) «ان رسول الله و علیاً من نور واحد» «خلقت انا و علی من نور واحد» «كنت انا و علی بن ابی طالب نوراً بین یدی الله» (۲)

و در بعضی روایات فوق و مذکور آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من و علی از یک نور آفریده شدیم قبل از آنکه خلق شود عالم بمدت ۱۴ هزار سال پس از آنکه حضرت آدم آفریده شد من و علی که بصورت نور بودیم وارد صلب و کمر او شدیم و پیوسته از صلب پیامبری به پیامبری منتقل می شدیم تا آنکه در کمر عبدالمطلب از هم جدا شدیم و در روایات شیعه آمده است که خداوند به احترام و محبت به اهل بیت عالم را آفرید از نور پیامبر عرش را آفرید از نور علی ملائکه را آفرید از نور فاطمه آسمانها و زمین را آفرید از نور حسن خورشید و ماه را آفرید و از نور حسین بهشت را آفرید. (۳)

از جمله آیات دیگر که برتری مولا علی را بر تمام پیامبران غیر رسول اسلام نشان می دهد آیه ۴۳ سوره رعد است «و عنده علم الكتاب» مطلق و تمام علم، دانش و اسرار کتب آسمانی نزد امیر مومنان علی علیه السلام است که منابع تفسیری و روایی اهل سنت هم به این مطلب مهم اشاره دارند حضرت عیسی عالم به کتاب انجیل و تورات بود و هر پیامبری علمش به پایه علم نبی اسلام نمی رسد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم می فرماید من

ص: ۵۲

۱ - ۱. فضائل الصحابه احمد حنبل نقل ۶۶۲ ص ۲، فضائل علی ابن ابی طالب الفردوس دیلمی ج ۳ ص ۲۸۳ ح ۴۸۵۱، فرائد المسمطین ج ۱ ص ۴۲ حدیث ۶، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۹ ص ۱۷۱ خطبه ۱۵۴، موده القربی همدانی موده ۸، ینابیع الموده ج ۸ ص ۳۰۸ ح ۸۸۱، مناقب ابن مغازلی ص ۸۸ ح ۱۳۰، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۶۷، مناقب ابن مردویه ص ۲۸۵ ح ۴۰۵، جواهر المطالب ابن دمشقی ص ۶۱ باب ۱۰، مناقب خوارزمی ص ۱۴۵ ح ۱۶۹، مقتل الحسین خوارزمی ص ۸۴ ح ۳۸، تذکره الخواص ابن جوزی ص ۵۱ باب ۲

۲ - ۲. کفایه الطالب گنجی ص ۳۱۵ باب ۸۷

۳ - ۳. در این باب به کتاب علل شرایع صدوق ص ۴۳ و تفسیر نورالثقلین ج ۱ ص ۵۸ مراجعه شود.

شهر علم هستم ولی دروازه شهر علم من علی است. (۱) {و کل شیء احصیناه فی امام مبین} (۲) فاقبل الیه ابی فقال هو هذا الامام الذی احصى الله فیہ علم کل شیء. (۳)

از جمله آیات دیگر قرآن که برتری مولا علی را بر تمام پیامبران غیر از پیامبر اسلام می‌رساند آیه ۱۰۹ سوره کهف است {قل لو کان البحر مداداً لکلّمات ربی لنفذ البحر قبل ان تنفذ کلمات ربی} قرآن در این آیه می‌گوید اگر دریاها مرکب شوند بخواهند کلمات پروردگار را بنویسند دریاها تمام می‌شود ولی کلمات پروردگار تمام نمی‌شود.

و در ذیل این آیه روایاتی رسیده شبیه به همین مضمون آیه که پیامبر اکرم به مولا علی فرمود اگر دریا مرکب شود و درختها قلم گردد و بنی آدم نویسند و اجنه حساب کننده نمی‌توانند شماره و احصاء کنند فضایل و کرامات تو را ای ابالحسن «لوان البحر مداد والریاض اقلام والانس کتاب والجن حساب ما احصوا فضائلک یا ابالحسن» (۴) تاریخ بغداد درباره زیادی فضائل مولا علی علیه السلام می‌گوید «وفضائله اکثر من ان تحصر» خوبی‌ها و فضائل علی آنقدر زیاد است که نمی‌توان آنرا نوشت و ابن عساکر در تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۱۴ رقم ۴۹۳۳، شبیه عبارت خطیب بغدادی را نقل کرده است

از جمله آیات دیگر قرآن که برتری و بزرگی مولا علی را بر تمام پیامبران به غیر از پیامبر اسلام می‌رساند آیه ۳۷ سوره بقره است زمانی که حضرت آدم ترک اولی انجام داد و از آن میوه ممنوعه خورد خداوند به آدم کلماتی را القاء و تلقین کرد که بگو تا من توبه تو را قبول کنم و آن کلمات نام ۵ تن آل عبا حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین بوده است و مفسرین شیعه و سنی در این باب بطور اکثر اتفاق نظر دارند

ص: ۵۳

۱- ۱. شواهد التنزیل ج ۱ ص ۴۰۰، مناقب ابن مردویه ص ۲۶۸ ح ۴۱۵، مناقب ابن مغزلی ص ۳۱۳ ح ۳۵۸، الجامع الاحکام القرآن قرطبی ج ۹ ص ۳۳۶، الکشف والبیان ثعلبی ج ۵ ص ۳۰۳، الدر المنثور ج ۴ ص ۶۹، ابن بطریق در خصائص الوحی المبین ص ۱۲۴ و ۱۵۲

۲- ۲. سوره یس آیه ۱۲

۳- ۳. ینابیع الموده ج ۱ ص ۷۵ باب ۱۴، اثبات الوصیه مسعودی ص ۹۲

۴- ۴. مناقب اخطب خوارزمی حنفی ص ۳۲۸ ج ۳۴ فصل ۱۹، ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۶۴ ج ۵ باب ۴۰، کفایه الطالب گنجی ص ۲۵۲، موده القربی همدانی موده ۵، فرائد السمطین ج ۱ ص ۱۶، خطیب بغدادی در ج ۱ ص ۱۳۳

وقتی که توبه انبیاء مثل آدم با توسل به مولا- علی و پیامبر و... قبول می شود چگونه پیامبران از مولا علی افضل هستند. (۱)
«اللهم انی اسئلك بحق محمد وآل محمد لما غفرت لی» «اللهم انی اسئلك بحق محمد وآل محمد سبحانک لا اله الا انت عملت سوء وظلمت نفسی فاغفر لی انک انت الغفور الرحیم فهؤلاء الکلمات التی تلقی آدم».

حضرت زهراؑ فرمودند «یتغی من فی السموات والارض الیه الوسيله ونحن وسيلته فی خلقه» تمام آنچه در آسمانها وزمین است برای تقرب به خدا دنبال وسیله هستند وما وسیله و واسطه خداوند در میان خلقش هستیم. (۲)

مرحوم علامه محمد باقر مجلسی توسل حضرت آدم به حضرات چهارده معصوم را سند معتبر و متواتر می داند - (۳)

حافظ ابن البطریق در کتابی که راجع به مناقب و فضائل امام علی به اسناد صحیح به قول خودش نوشته روایت توسل حضرت آدم به ائمه معصومین شیعه را ذکر کرده است - عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار ج ۱ ص ۳۷۹ ح ۷۴۵؛ بعضی از اکابر و بزرگان اهل سنت روایت توسل حضرت آدم به ۵ تن آل عبا (یعنی رسول اسلام و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام) بعنوان فضیلت نقل کرده اند - (۴)؛ جالب است یکی از علمای اهل سنت بنام الشیخ النادی البدری روایت

ص: ۵۴

۱- ۱. مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۴۱۹، مناقب ابن مغزالی ص ۶۳، کنز العمال متقی هندی ج ۱ ص ۲۳۴، در المنثور سیوطی ج ۱ ص ۶۰، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۱۰۱، دلائل النبوه بیهقی ج ۱ ص ۲۱۵، ابن عساکر علی ما تفسیر لوامع ج ۲ ص ۲۱۵، مولی معین کاشفی در معارج النبوه ستون ۲ ص ۹

۲- ۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۶ ص ۲۱۱، بلاغات النساء بغدادی ص ۱۴

۳- ۳. حیاة القلوب ص ۷۶ و ص ۷۷ کتاب اول تاریخ انبیاء، بحار الانوار ج ۱۱ ص ۱۷۷ ح ۲۳ و ۲۴ - حیاة القلوب ص ۸۵ و ص ۸۴ - قصص الانبیاء ج ۱ ص ۵۱ ح ۲۶ قطب الدین راوندی؛ روضه کافی کلینی ج ۸ ص ۳۰۴ ح ۴۷۲،

۴- ۴. سمط النجوم العصامی ج ۱ ص ۹۷؛ ثم ابصرت الحقیقه ج ۱ ص ۱۲۶ محمد سالم الخضر؛ نزهة المجالس و منتخب النفائس صفوری ج ۲ ص ۱۷۸؛ مناقب علی؛ ابن مغزالی ج ۱ ص ۱۱۵ ح ۸۹؛ اتحاف السائل بمالفاطمه من المناقب و الفضائل؛ مناوی ج ۱ ص ۷۶ و بعضی از علمای وهابی و سنی این حدیث را جعلی و موضوع تلقی کرده اند بخاطر راویان شیعه مذهب با اینکه در کتب رجال اهل سنت؛ توثیق شده اند - تذکره الموضوعات الفتنی ج ۱ ص ۹۸؛ تنزیه الشریعه ابن عراق ج ۱ ص ۴۱۳؛ الموضوعات فی کتب التفسیر ج ۱ ص ۱۸۱ محمد ابو شهبه، الانصاف فی حقیقه الاولیاء صنعانی ج ۱ ص ۹۷؛ فتح الربانی شوکانی ج ۱ ص ۲۸۸؛ دلیل الواعظ ج ۲ ص ۳۴ شحاته صقر؛ الموضوعات ابن جوزی ج ۲ ص ۳؛ تلخیص کتاب الموضوعات ذهبی ج ۱ ص ۱۵۲؛ صیانه الانسان؛ محمد بشیر ج ۱ ص ۱۲۴؛ اللالی المصنوعه سیوطی ج ۱ ص ۳۶۹؛ الفوائد المجموعه شوکانی ج ۱ ص ۳۹۴؛ بیان و الاشهار ج ۱ ص ۳۶۴؛ المنتقی من منهاج الاعتدال ذهبی ج ۱ ص ۴۳۸؛ منهاج السنه ابن تیمیه ج ۷ ص ۱۳۰

توسل حضرت آدم را تأیید و قبول می کند ؛ فیلم و کلیپ ایشان در فضای آپارات و اینترنت موجود است کلیپ - توسل نبی
الله آدم علیه السلام یا حمید بحق محمد یا عالی بحق علی یا فاطر بحق فاطمه یا محسن بحق الحسن و الحسین و منك الاحسان
-

بحار الانوار ج ۱۰۹ ص ۸۵؛ الصحيح من مقتل سيد الشهداء و اصحابه ، ری شهری ج ۱ ص ۱۳۸۵ اللهم انا نسالک بحث
الاکرمین علیک محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و الائمه الاتبت علینا و رحمتنا - الدر الثمین حافظ رجب بررسی ص
۳۴ و ۳۵ - حدیقه الشیعه مقدس اردبیلی ص ۷۴ به نقل از رساله حاویه (از تصانیف اهل سنت) - یکی دیگر از دلایل و
براهین برتری مولا علی بر پیامبران و خلائق غیر از رسول اسلام ؛ آیه شریفه ۱۷ سوره مبارکه هود است در تفاسیر شیعه و سنی
آمده منظور از ویتلوه شاهد منه ؛ امیر مومنان علی است ؛ از امام علی ؛ سوال شد بهترین فضیلت شما چیست ؟ حضرت فرمود :
آیه ۱۷ سوره هود ؛ مقصود و منظور از شاهد در این آیه من هستم - احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۲۳۲ ؛ آیات الفضائل ص ۳۰۷
ح ۶ ؛ سیمای امیر مومنان در قرآن ص ۲۳۵ سید جواد رضوی - سئل امیرالمومنین عن افضل منقبه له ؛ فتلا هذه الایه و قال : انا
الشاهد من رسول الله - انس بن مالک در ذیل تفسیر آیه ۱۷ سوره هود گفت منظور از شاهد منه ؛ علی ابن ابی طالب است او
بخدا قسم زبان پیامبر خدا بر اهل مکه بود هنگامی که آنان پیمان خود را با رسول خدا شکستند - شواهد التنزیل ص ۱۵۸ ح
۳۸۳ - کان و الله لسان رسول الله الی اهل مکه - مدرسه امامت ص ۱۴۴ دکتر مجید حیدری فر -

به اعتقاد ما این شاهد و گواه بر نبوت پیامبر اسلام آنقدر با اهمیت است که اگر فرضاً نبی اسلام هیچ دلیل دیگری بر نبوت
خویش نداشت جزء شهادت علی ابن ابی طالب کافی بود - آیات ولایت در قرآن ص ۳۲۳ آیت الله ناصر مکارم شیرازی -

تأیید بر تفسیر این آیه ؛ آیه ۴۳ سوره رعد است که مرحوم علامه مجلسی به سند صحیح در کتاب حیاة القلوب ص ۱۵۳۵ از بصائر الدرجات ص ۲۱۵ و تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۲۰ نقل کرده است .

جناب وهابی یزیدی اموی مسلک ؛ مولا علی دلیل و برهان بر اثبات نبوت نبی اسلام است ؛ آیا پیامبران دیگر همانند مولا علی که قرآن در سوره هود آیه ۱۷ و سوره رعد آیه ۴۳ ؛ دلیل و شاهد و گواه محکم بر نبوت نبی اسلام بوده ؛ بوده اند چون نبوده اند پس بر مولا علی برتر نیستند - بدان ای وهابی یزیدی اموی مسلک ؛ مولا علی در نامه ای به ارباب و دانی شما معاویه ابن ابوسفیان نوشت : ای معاویه تو منکر امامت و خلافت من هستی آیا آیه ۳۳ سوره آل عمران را نخواندی که خداوند آل ابراهیم را بر عالمیان برتری داده بی شک ما آل ابراهیم و مشمول این آیه هستیم ؛ آیا خیال می کنی تو جزو عالمین نیستی و یا ما از آل ابراهیم نیستیم؟! بحارالانوار ج ۳۳ ص ۱۴۰ ح ۴۲ - وانکرت امامتی و ملکی فهل تجد فی کتاب الله قوله لآل ابراهیم : و اصطفاهم علی العالمین فهو فضلنا علی العالمین ... او تزعم انا لسنا من آل ابراهیم - مدرسه امامت ص ۱۵۶ فصل ۳ دکتر مجید حیدری فر - یعنی مولا علی با استدلال به آیه ۳۳ سوره آل عمران خود را از برترینان و بزرگ مخلوقات بعد از نبی اکرم می داند .

از جمله آیاتی که در قرآن دال بر برتری مولا علی بر انبیاء و خلائق دارد بغیر از بر نبی اسلام آیه ۸۰ سوره مبارکه اسراء است - واجعل لی من لدنک سلطناً نصیراً : ابن شهر آشوب ذیل آیه از ابن عباس روایت کرده گفت این آیه در روز فتح مکه هنگام ورود بمکه نازل شده و مراد از سلطناً نصیراً : دعای پیغمبر است که خداوند آن را اجابت فرمود و به پیغمبر علی ابن ابیطالب را عطاء نمود که سلطانی باشد و حضرتش را برای غلبه بر دشمنان یاری کند - چون انبیاء و پیامبران دیگر سلطناً نصیراً برای نبی اسلام همانند علی ابن ابی طالب نبودند پس بر مولا علی برتری و افضلیت ندارند -

مناقب آل ابی طالب ج ۱ ص ۳۴۱ - والله لقد استجاب الله لنینا دعاءه فاعطاه علی بن ابی طالب سلطناً ینصره علی اعدائه - شواهد التنزیل حاکم حسانی حنفی

ص ۱۸۹ ح ۴۷۹؛ یکی دیگر از آیات کریمه قرآن که برتری مولا علی بر انبیاء غیر از رسول اسلام را ترسیم می کند آیه ۶۲ سوره انفال است آیه شریفه می فرماید: اوست خدایی که تو را (نبی اسلام) با یاری خود و مومنان نیرومند گردانید و تأیید نمود؛ در تفسیر شیعه و سنی آمده منظور از مومنان که پیامبر اسلام را نصرت و تأیید در نبوتش نمود؛ مولا علی است جناب وهابی آیا پیامبران سلف همانند مولا علی وارث و وزیر نبی اکرم توانستند پیامبر را نصرت دهند و تأیید کنند؟

ابو هریره در تفسیر این آیه از نبی اکرم نقل که فرمود: شبی که مرا به معراج عروج دادند دیدم که بر عرش نوشته شده؛ معبودی جزء من نیست و شریکی ندارم و محمد بنده و رسول من هست و او را بوسیله علی تأیید کردم - شواهد التنزیل ص ۱۳۱ و ص ۱۳۲ ح ۲۹۹ و ۳۰۰ الی ۳۰۴ - رایت لیلہ اسری بی الی السماء علی العرش مکتوباً: لا اله الا انا وحدی لا شرک لی و محمد عبدی و رسولی ایدته بعلی فذلک قوله: (هو الذی ایدک بنصره و بالمومنین)

کترالعمال هندی ج ۱۱ ص ۶۲۴ ح ۳۳۰۴۱ - شرح الشفاء ملا علی قاری ج ۱ ص ۳۸۳؛ تنزیه الشریعه ج ۱ ص ۴۰۲ و ص ۴۰۳؛ منهاج السنه ابن تیمیه ج ۷ ص ۱۹۴؛ سلسله الاحادیث الضعیفه آلبانی ج ۱۰ ص ۵۴۴ - العلیل المتناهیة ابن جوزی ج ۱ ص ۲۳۵؛ تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۳۶؛ الریاض النضره فی مناقب العشره ج ۳ ص ۱۳۱ طبری؛ ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی؛ طبری ج ۱ ص ۶۹؛ سمط النجوم ج ۳ ص ۳۹؛ تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۵۰۳؛ جامع الاحادیث سیوطی ج ۱۳ ص ۹۳ فتح البیان فی مقاصد القرآن ج ۵ ص ۲۰۷؛ مناقب ابن مغزلی ج ۱ ص ۲۶۳ ح ۸۵؛ تفسیر در المنثور ج ۴ ص ۱۰۰؛ معجم الصحابه ج ۳ ص ۲۰۲ ابن قانع؛ در المنثور ج ۵ ص ۲۱۹؛ معجم الکبیر طبرانی ج ۲۲ ص ۲۰۰ ح ۵۲۶؛ حلیه الاولیاء ج ۳ ص ۲۷؛ الشفاء قاضی عیاض ج ۱ ص ۱۷۴ - نزهه المجالس ج ۲ ص ۱۶۱ - شرح البخاری السفیری ج ۲ ص ۱۶۵ - از جمله آیات قرآن کریم که اشاره دارد مولا علی از تمام انبیاء برتری دارد غیر از بر رسول اسلام آیه ۶۴ سوره انفال است؛ در تفسیر اهل بیت رسالت مذکور است که مراد از من اتبعک من المؤمنین در خصوص مولا علی است؛ و ظاهر اخبار شاهد این

قول است که نصرتی که به تأیید الهی از مولا علی نسبت به نبی اکرم ظهور یافت از هیچ کس دیگر ظاهر نشده -

شواهد التنزیل حسکانی ح ۳۰۵ و ج ۳۰۶ ص ۱۳۳؛ تأویل الایات ج ۱ ص ۱۹۶ و ص ۲۴۱ - و هذه فضیله لم یئلها احد غیر امیرالمومنین - تفسیر البرهان ج ۲ ص ۷۰۹

جناب وهابی ریشه نبوت پیامبران به اقرار آنان به ولایت و امامت مولا علی بوده است؛ امام ششم و امام یازدهم می فرمایند: حضرت آدم مستوجب این نشد که خدا او را بیافریند و از روح الهی در او بدمد و او را بیمارزد و به بهشت بازگردد مگر به اقرار نبوت نبی اسلام و مولا- علی؛ به حضرت ابراهیم ملکوت آسمان و زمین از سوی خدا؛ ارائه داده نشده مگر به اقرار ابراهیم بولایت علی؛ ابراهیم خلیل خداوند نشد مگر به اقرار کردن او درباره امامت مولا علی؛ خداوند؛ حضرت موسی را کلیم خاص خودش نکرد مگر به اقرار موسی به امامت علی؛ حضرت عیسی آیه ای برای جهانیان بیان نکرد مگر به نبوت من و معرفت به علی بعد از من - تفسیر قمی ج ۱ ص ۲۴۳ - اصول کافی ج ۱ ص ۴۳۷؛ الاختصاص شیخ مفید ج ۱ ص ۲۵۰ -

و الله ما استوجب آدم ان یخلقه الله بیده و ینفخ فیه من روحه الابولایه علی علیه السلام و ما کلم الله موسی تکلیما الابولایه علی و لا- اقام الله عیسی ابن مریم آیه للعالمین الا بالخضوع لعلی علیه السلام - بحار الانوار ج ۴۰ ص ۹۶ - و الذی نفسی بیده ما استوجب آدم ان یخلقه الله و ینفخ فیه من روحه و ان یتوب علیه و یرده الی جنته الا بنبوتی و الولایه لعلی بعدی و الذی نفسی بیده ما اری ابراهیم ملکوت السماوات و الارض و لا اتخذه خلیلا الا بنبوتی و الاقرار لعلی بعدی و الذی نفسی بیده ما کلم الله موسی تکلیما ... الا بنبوتی و معرفه علی بعدی ...

از جمله آیاتی که در قرآن برتری ۱۴ معصوم بر انبیاء را در تفسیرش ترسیم می کند آیه ۱۳ سوره قمر است در کتب خطی قدیمی اهل سنت و شیعه در تفسیر این آیه از نبی اکرم روایت شده که ایشان فرمود: ما اهل بیت به منزله دسر و میخ برای الواح و کشتی حضرت نوح بودیم اگر ما در صلب نوح نبودیم کشتی حرکت نمی کرد و از طوفان بزرگ سالم نمی ماند و اکثر بشریت و انبیاء بعد از آدم از صلب و نسل

نوح نبی هستند که به برکت انوار مقدس اهل بیت که در صلب نوح بودند نبود انبیاء هم از صلب و کمر نوح به عرصه وجود و عالم دنیا نمی آمدند وقتی ۱۴ معصوم سبب حفظ بشریت و انبیاء هستند . چگونه می توانند پیامبران بر ۱۴ معصوم افضل و برتر باشند -

و نحن الدرر لولانا مسارت السفینه باهله - بحار الانوار ج ۲۶ ص ۳۳۲ ح ۱۴- الامان من اخطار الاسفار و الا زمان ج ۱ ص ۱۱۸ فصل الرابع (سید ابن طاووس) - احقاق الحق و ازهاق الباطل ج ۹ ص ۲۰۵- ذیل اللالی ص ۶۸ سیوطی

به نقل از شیخ محمد نجار از بزرگان اهل حدیث در نزد همه مذاهب اسلامی که در میان روایات نبوی در ذیل کتاب تاریخ خطیب آورده - رساله ایلیا نوشته حکیم محمود سیالکوتی ترجمه سید محمد مختاری (تحت عنوان علی و پیامبران چاپ تابستان ۱۳۷۰ مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)-

کتاب علی پیشوای رو سفیدان نوشته سید فخرالدین موسوی ص ۱۵۵ باب علی در ادیان سابقه نشر محدثه - نوح علیه السلام از تنه درخت بزرگی ۱۲ تخته بنام ۱۲ امام جدا کرد ؛ نوح از جبرئیل امین پرسید آیا این دوازده نفر پیامبر هستند ؟ جبرئیل گفت : این ها اهل بیت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم پیغمبر آخر الزمان هستند - (به نقل از کتاب داستان کشتی نوح نوشته محمد عباد زاده کرمانی قاضی دادگستری (نشر انتشارات رجبی - تهران ؛ ناصر خسرو تاریخ چاپ : ۱۳۷۰ چاپ دوم ؛ چاپخانه شعبانی)

چوب نخستین را که نوح خواست بردارد جبرئیل گفت بنام محمد چوب دوم گفت بنام علی ؛ چوب سوم بنام فاطمه تا رسید به نام حجت بن الحسن ... وقتی که خواست میخ ها را بکوبد میخ اول را که کوبید نوری آشکار شد حضرت نوح پرسید این چیست ؟ جبرئیل گفت : نور محمد است ؛ میخ دوم گفت : همین طور نور علی است تا نور چهاردهم که گفت : نور حضرت حجه بن الحسن عسکری است -

کتاب حقایقی از قرآن (تفسیر سوره قمر) شهید آیت الله دستغیب شیرازی ص ۷۳ البكاء الحسین آیت الله میر جهانی اصفهانی ص ۱۵۸ حدیث ششم -

مجله هفتگی ویکلی میرر لندن شماره ۲۸ دسامبر ۱۹۵۳- مجله استار انگلیسی

لندن کانون دوم ۱۹۵۴- روزنامه سن لایت منچستر کانون دوم ۱۹۵۴- روزنامه ویکلی میرر تاریخ یکم شباط ۱۹۵۴ روزنامه الهدی قاهره مصر ۳۰ مارس ۱۹۵۳- امام هفتم علیه السلام فرمود: ما یم ذریه ابراهیم و ما یم که با حضرت نوح در کشتی حمل شدیم - تاویل الایات ج ۱ ص ۳۰۵- البرهان ج ۳ ص ۷۲۳- و نحن المحمولون مع نوح - ممکن است وهابیون تکفیری بگویند این کفر است که اهل بیت عصمت سبب نجات کشتی نوح و به منزله و تد و میخ برای حفظ کشتی نوح بودند ولی خود علمای اهل سنت اعتقاد دارند اولیاء و دوستان خدا به منزله میخ و وتد برای خیمه دنیا و حفظ عالم هستی هستند - تفسیر روح البیان (اسماعیل حقی) ج ۸ ص ۲۳۳ - اوتاد الارض فی الصورة و الاولیاء ...

کشف اصطلاحات الفنون و العلوم ج ۱ ص ۴۶۵ التها نوی - فیض القدیر مناوی ج ۳ ص ۱۶۸ ح ۳۰۳۳ - لاین النبیاء کانوا اوتاد الارض ...

الحاوی للفتاوی سیوطی ج ۲ ص ۳۰۲؛ تفسیر در المنثور ج ۱ ص ۷۶۷- تفسیر قشیری ج ۲ ص ۵۰۰ ذیل آیه ۳۱ انبیاء - مختصر تاریخ دمشق ابن منظور ج ۱ ص ۱۱۷- التبصره ابن جوزی ج ۲ ص ۱۱۳ تاریخ دمشق ج ۱ ص ۳۰۴- شرح الزرقانی ج ۷ ص ۴۸۰- الاولیاء ابن ابی الدنیا ج ۱ ص ۲۷؛ خصائص الکبری ج ۲ ص ۳۷۲- سبل الهدی و الرشاد ج ۱۰ ص ۳۷۰؛ مجموعه رسائل ابن رجب حنبلی ج ۳ ص ۲۲۰ الفتاوی الحدیثیه ابن حجر ج ۱ ص ۲۳۰؛ مجموعه الفتاوی ابن تیمیه ج ۱۱ ص ۴۴۰ و ...

یکی دیگر از ادله حدیثی ما در باب برتری و افضلیت مولا- علی بر انبیاء و مخلوقات (غیر از رسول اسلام) خلیفه و جانشین بودن امام علی است؛ با سند معتبر در کتب اهل سنت آمده که نبی اکرم فرمود: ای علی همانا تو خلیفه و جانشین من هستی یعنی خلیفه بر کل مومنان بعد از من - و انت خلیفتی فی کل مومن من بعدی - السنه ج ۲ ص ۶۰۲ عمر بن ابی عاصم الضحاک الشیبانی تحقیق ناصرالدین آلبانی چاپ مکتبه الاسلامی بیروت الطبعة الاولى ۱۴۰۰ هـ .

خصائص علی ابن ابی طالب ج ۱ ص ۵۰ احمد بن شعیب نسایی - خلیفه در لغت بر کسی اطلاق می شود که به جای دیگری قرار می گیرد - خلیل بن احمد

فراهیدی می گوید : خلیفه کسی است که به جای کسی که قبل از اوست قرار گرفته و قائم مقام او گردد -

ترتیب کتاب العین ماده خلف - روایت فوق و مذکور در منابع دیگر عامه نقل شده - نضره النعیم فی مکارم اخلاق الرسول الکریم ج ۵ ص ۱۸۲۰ - ارشیف ملتقی اهل الحدیث ج ۵۳ ص ۴۳۵ - غایه المقصد فی زوائد المسند ج ۳ ص ۳۶۰ نورالدین هیشمی ؛ المنتقی من منهاج الاعتدال ذهبی ج ۱ ص ۳۱۰ - مسند احمد بن حنبل ج ۵ ص ۱۷۸ ح ۳۰۶۱ - آلبنانی وهابی در السنه ابن ابی عاصم ج ۲ ص ۵۶۵ ح ۱۱۸۸ روایت را حسن نامیده و رجال حدیثی این حدیث رجال موثق و از رجال صحیح مسلم و بخاری دانسته -

اسناد حسن و رجاله ثقات رجال الشیخین - مختصر تاریخ دمشق ابن منظور ج ۱۷ ص ۳۲۹ - سنن الکبری نسایی ج ۷ ص ۴۱۷ ح ۸۳۵۵ - علمای وهابی در سند این روایت بیشتر به ابوبلج یحیی بن سلیم بن بلج ؛ ایراد وارد کرده اند که طبق کتب رجالی اهل سنت موثق است - مزی در تهذیب الکرمال ج ۳۳ ص ۱۶۲ می نویسد : یحیی بن معین گفته او ثقه است ابو حاتم گفته : حدیثش صالح و در خود او اشکالی نست ؛ الکاشف ج ۲ ص ۴۱۴ رقم ۶۵۵ لسان المیزان ج ۷ ص ۴۳۲ رقم ۵۲۰۹ -

کتاب العین ج ۴ ص ۲۶۷ - و الخلیفه : من استخلف مکان من قبله و یقوم مقامه - لسان العرب ابن منظور ج ۹ ص ۸۳ - و استخلف فلانامن فلان : جعله مکانه - المفردات فی غریب القرآن ج ۱ ص ۲۹۴ الراغب اصفهانی - و خلف فلان فلانا قام بالامر عنه - روایت جالبی امام ابو حامد غزالی از علمای بزرگ اهل سنت در باب خلافت و امامت مولا علی نقل کرده که خدمت موافق و مخالف عرضه می شود ؛ نبی اکرم ؛ خاتم و انگشتر ؛ حضرت سلیمان (که به ارث معنوی) به او رسیده بود به مولا - علی عطاء کرد و مولا - علی در دست خودش قرار داد و هنگام نماز ظهر ؛ حضرت جبرئیل امین فرشته واسطه وحی که بصورت گداز و سائل بین صفوف نماز می گشت آمد در کنار مولا علی در حالتی که حضرت در حال رکوع بود ؛ مولا علی اشاره کرد بوسیله دستش و جبرئیل از دست یدالله (مولا علی) گرفت ؛ ضجه فرشتگان از روی تعجب بلند شد و جبرئیل گفت اینان (مولا علی و نبی اکرم) از اهل یتی هستند که

خداوند به آنان کرامت ویژه کرده و آیه تطهیر در شان والای آنان نازل فرموده - کتاب مجموعه رسائل امام غزالی ص ۵۴۵
فصل فی اعاجیب الفنون و الاسفار از کتاب سرالعالمین چاپ مکتبه التوفیقه القاہره مصر -

حدیقه الشیعہ مقدس اردبیلی ص ۵۳ انتشارات دلشاد - علم الیقین کاشانی ج ۱ ص ۳۴۹ - احقاق الحق ج ۳۳ ص ۲۴۵ - ثم امرنی فنزعت خاتم سلیمان فجئتک به فاخذہ رسول اللہ فاعطاه علیاً فوضعه فی اصبعہ ... فلما کانوا فی صلاہ الظہر تصور جبرائیل بصورہ سائل طائف بین الصفوف فیما ہم فی الركوع اذا وقف السائل من وراء علی علیہ السلام طالباً فاشار علی بیدہ فطار الخاتم الی السائل فضجت الملائکہ تعجباً فجاء جبرائیل مہیناً و هو یقول انتم اهل بیت انعم اللہ علیکم - (لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و يطهرکم تطهیراً) - در روایات شیعه ہم آمده آن سائل و گدایی کہ از مولا علی تقاضا کرد از ملائکہ بود و آن ها کہ از ائمه اولادش سؤال و گدایی کنند از فرشتگان هستند یعنی جبرئیل و فرشتگان مقرب الہی گدای کوی ائمه ہدی هستند و از کثرت فضایلی کہ خداوند بہ ۱۴ معصوم دادہ دچار تحیر و تعجب شدہ اند آیا چنین فضیلتی در سایر مخلوقات و انبیاء معظم بودہ کہ آنان بخواهند نعوذباللہ از ۱۴ معصوم برتر و بالاتر باشند؟! -

و السائل الذی سأل امیرالمومنین من الملائکہ و الذین یسالون الائمہ من اولادہ یکنونون من الملائکہ - تفسیر نورالثقلین ج ۱ ص ۶۴۳ ح ۲۵۷ - اصول کافی ج ۲ ص ۱۲ - الاربعین محقق بحرانی ج ۱ ص ۱۸۴ - غایہ المرام ج ۲ ص ۱۵ - وسایل الشیعہ ج ۶ ص ۳۳۴ و ... نبی اکرم فرمود :

ای علی ؛ فرشتگان و ملائکہ خادم و خدمتگذار ما هستند - عیون الاخبار الرضا ج ۲ ص ۲۳۷ ح ۲۲ احقاق الحق ج ۵ ص ۹۱ - بحار ج ۱۸ ص ۳۴۵ و ج ۲۶ ص ۲۳۵ و ج ۶۰ ص ۳۰۳ - ینابیع المودہ قندوزی ج ۳ ص ۳۷۷ - فان الملائکہ من خدا منا - من مثلک یا علی فی لیلته و جبرئیل یخدمہ - ینابیع المودہ ج ۱ ص ۴۲۸ - ان للہ ملائکہ سیاحین فی الارض قد و کلو بمعانہ آل محمد - ینابیع المودہ ج ۲ ص ۴۶۵ -

ممکن است و ہایون بگویند اگر شیعه امامیہ معتقد است آیه ۵۵ مائدہ معروف بہ

آیه ولایت در شان مولا علی علیه السلام نازل شده یک روایت صحیح السند در این باب در ذیل آیه بیاورند؟! اما جواب: (۱) شعیب نسائی از علمای بزرگ اهل سنت بنا بر نقل ابن اثیر از رزین صاحب کتاب «الجمع بین الصحاح الستة نقل فرموده - رزین همان رزین بن معاویه است که به امام و محدث توصیه شده است - جامع الاصول ج ۹ ص ۴۷۸- سیر اعلام النبلاء ج ۲۰ ص ۲۰۴ حاکم نیشابوری در معرفه علوم الحدیث ص ۱۰۲ با سند صحیح نقل کرده آیه ولایت را در شأن مولا علی - بررسی سند روایت (۱) محمد بن عبدالله صفار - ذهبی او را شیخ - امام - محدث و الکو توصیف کرده -

سیر اعلام النبلاء ج ۱۵ ص ۴۳۷- راوی دوم - ابن سلم - عبدالرحمن بن محمد - ذهبی این گونه او را معرفی می کند حافظ - علامه - مفسر - سیر اعلام النبلاء ج ۱۳ ص ۵۳۰- راوی سوم: یحیی بن ضریس - سیر اعلام النبلاء ج ۹ ص ۴۹۹ ش ۱۸۹- امام و حافظ و اشکالی ندارد - راوی چهارم: عیسی بن عبدالله - ابن حبان در الثقات ج ۸ ص ۴۹۲ بعنوان فرد ثقه ذکر شده است -

راوی پنجم: محمد بن عمر - از رجال صحاح سته به شمار می آید - تقریب التهذیب ج ۲ ص ۱۹۴- الکاشف ذهبی ج ۱ ش ۲۹۶۴ و ج ۲ ص ۲۰۵ ش ۵۰۷۳- راوی ششم: عمر بن علی - الکاشف ج ۲ ص ۶۷ ش ۴۰۹۷- در بعضی جاها عیسی بن عبدالله - منکر الحدیث می دانند اولاً ابن حیان او را ثقه دانسته اند و در این صورت مختلف فیه می شود و روایتش حسن می شود -

نصب الرایه ج ۴ ص ۱۲۱ زیعلی - و ابو معشر هذا مختلف فیه فمنهم من یضعفه و منهم من یوثقه فالحدیث من اجله حسن - ثانیاً: منکر الحدیث بودن جرح مفسر نیست (یعنی چه دلیلی داشته که حدیث او شناخته شده نبوده؟! - الرفع و التکمیل فی الجرح و التعدیل ص ۲۹- لایقبل الجرح الامفسرا - طبری در جامع البیان ج ۶ ص ۱۸۶ با سند صحیح آیه ولایت را درباره مولا علی نقل کرده - بررسی سند روایت - اسماعیل بن اسرائیل رملی - سمعانی او را مورد وثوق دانسته و از او به صدوق تعبیر کرده - الانساب ج ۵۵ ص ۵۸۵- ایوب بن سوید: از رجال نسایی و ابن ماجه و ابی داود است و ابن حجر او را صدوق نامیده -

تقریب التهذیب ج ۱ ص ۶۹۰- عتبه بن ابی حکیم از رجال مسلم و بخاری است و ابن حجر او را صدوق نامیده - تقریب التهذیب ج ۲ ص ۴- الانساب ج ۱۳ ص ۴۲۶- تفسیر طبری ج ۹ ص ۸۷ ح ۳۶ ۱۰۲ -

اسماعیل بن اسرائیل الدلال الرملی ابو محمد ثقه من شیوخ ابن ابی حاتم تفسیر طبری ج ۱۱ ص ۱۴۵ ح ۱۲۸۶۲ تحقیق شاکر - و ایوب بن سوید الرملی ثقه متکلم فیہ مضی برقم ۱۲۲۱۳- تفسیر طبری ج ۱۱ ص ۱۴۵- و عتبه ابن ابی حکیم الشعبانی الهمدانی ثم الاردنی ثقه - میزان الاعتدال ذهبی ج ۳ ص ۲۸ ش ۵۴۶۹ قال ابو حاتم : صالح ... تهذیب الکمال مزى ج ۱۹ ص ۳۰۳- و قال ابو القاسم الطبرانی : عتبه بن ابی حکیم من ثقات المسلمین - ابن کثیر شاگرد ابن تیمیه ملعون در تفسیرش ذیل آیه ۵۵ مائده با سند صحیح آیه ولایت را درباره امام علی نقل کرده است -

تفسیر ابن کثیر ج ۳ ص ۱۲۶ (۱) ابن ابی حاتم - سیر اعلام النبلاء ج ۱۳ ص ۲۴۷ و ص ۲۴۶ (۲) ابو سعید اشج - تقریب التهذیب ج ۱ ص ۴۱۹ (۳) فضل بن دکین - تقریب التهذیب ج ۲ ص ۱۱۰ (۴) موسی بن قیس حضرمی - تقریب التهذیب ج ۲ ص ۲۸۷ (۵) سلمه بن کهیل - تقریب التهذیب ج ۱ ص ۳۱۸- سیر اعلام النبلاء الجزء الثالث عشر ص ۲۶۸- عبدالرحمن بن ابی حاتم ثقه حافظ - (سایت مکتبه اسلام ویب) -

تقریب التهذیب ج ۱ ص ۳۰۵ ش ۳۳۵۴- عبدالله ابن سعید ابن حصین الکندی ابو سعید الاشج الکوفی ثقه - تقریب التهذیب ج ۱ ص ۴۴۶ ش ۵۴۰۱- الفضل بن دکین الکوفی ... ثقه ... و هو من کبار شیوخ البخاری - تقریب التهذیب ج ۱ ص ۵۵۳ ش ۷۰۰۳- موسی ابن قیس الحضرمی ابو محمد الفراء الکوفی یلقب عصفور لجنه صدوق - تهذیب الکمال مزى ج ۱۱ ص ۳۱۵- سلمه بن کهیل متقن للحديث الكوكب الدراری فی شرح صحیح البخاری - (کرمانی) ج ۱۰ ص ۷۹ من اکبار التابعین - سلمه بن کهیل راوی مسلم و بخاری است - صحیح بخاری ج ۳ ص ۱۱۶ ح ۲۳۹۰ و ۲۳۹۲ و ... صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۳۵۰ ح ۱۷۲۳ و ... ابن حاتم رازی در تفسیرش با سند صحیح آیه ولایت را در شان مولا علی نقل فرموده -

الكاشف ذهبی ج ۱ ص ۵۵۸ - ابو سعید اشج قال ابو حاتم ثقه ... موسی بن قیس حضرمی - الكاشف ج ۲ ص ۳۰۷ - ثقه ... تفسیر ابن ابی حاتم ج ۴ ص ۱۱۶۲ - ربیع بن سلیمان - تقریب التهذیب ج ۱ ص ۲۰۶ ثقه - ایوب بن سوید - تقریب التهذیب ج ۱ ص ۱۱۸ - صدوق - (در برنامه آپارات اینترنت آیه ولایت و اثبات امامت بلا فصل امام علی) - (فیلم اثبات ولایت امام علی آیه ی ۵۵ سوره مائده - آیت الله سید محمد قزوینی حسینی) - (نزول آیه ولایت درباره حضرت علی با سند صحیح از کتب اهل سنت)

ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق خود به سند صحیح و معتبر آیه ولایت را در شان مولا علی نقل کرده - تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۵۶ و ص ۳۵۷ بررسی سند : ابو علی حداد که همان حسن بن احمد بن اصفهانی است به تصریح سمعانی - عالم ؛ ثقه و صدوق است - سیر اعلام النبلاء ج ۱۹ ص ۳۰۳ - ابو نعیم حافظ همان ابو نعیم اصفهانی است که نزد اهل سنت احتیاج به توثیق ندارد -

سلیمان بن احمد همان طبرانی حافظ مشهور نزد اهل سنت که احتیاج به توثیق ندارد بقیه سند هم در توثیق حاکم تشریح شد - عبدالرحمن بن مسلم (ابو مسلم خراسانی) - کان من اکبر ملوک فی الاسلام کان ذاشان عجیب ... (سیر اعلام النبلاء) (به نقل از امام شناسی رضوانی ص ۲۱۶ ج ۱ - سیوطی در لباب النقول فی اسباب النزول ج ۱ ص ۸۱ می نویسد :

این ها شواهدی است که برخی از آن ها برخی دیگر را تقویت می کند - مثله فهذه شواهد یقوی بعضها - در کتب شیعه آیه ولایت با سند صحیح و معتبر نیز از ائمه معصومین روایت و نقل شده است - اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۹ - عن ابی جعفر قال امرالله عزوجل رسوله بولایه علی و انزل علیه : انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا ... علامه مجلسی در مرآة العقول ج ۳ ص ۲۵۰ ح ۴ این روایت را حسن و نیکو نامیده است -

بررسی سند روایت (۱) علی ابن ابراهیم بن هاشم - معجم رجال الحدیث ج ۱۲ ص ۲۱۲ رقم ۷۸۳۰ - ثقه فی الحدیث ، ثبت ؛ معتمد ؛ صحیح المذهب ؛

(۲) ابراهیم بن هاشم - معجم الرجال ج ۱ ص ۲۹۱ رقم ۳۳۲ - محمد ابن ابی

عمیر - معجم الرجال ج ۱۵ ص ۲۹۱ - ص ۲۹۲ رقم ۱۰۰۴۳ - عمر ابن اذنیه - معجم الرجال ج ۱۴ ص ۲۱ رقم ۸۷۱۴ - برید بن معاویه - معجم الرجال ج ۴ ص ۱۹۴ الی ص ۱۹۵ رقم ۱۶۸۱ - عقیل بن عقل وهابی می گوید: اگر امام علی در حالت رکوع به فقیر؛ خاتم داده رکوعش مشکل پیدا می کند زیرا یک دست از زانو برداشته و واجبه شرعیه دو دست روی زانو در حال رکوع باشد؛ ثانیاً در باب هدیه و زکات دادن شرط قبول و ایجاب است و فقیر حق ندارد بدون اجازه امام علی؛ انگشتر از دست مبارک حضرت خارج کند اگر بدون اجازه این کار کرده فقیر سارق است مگر این که فقیر علم غیب داشته یا منظور حضرت علی دانسته که اشاره به او کرده است!!؟

اما جواب: سوال جناب وهابی اگر ما بخواهیم به فقیری کمک کنیم حتماً باید به او بگوئیم من به شما کمک می کنم و شما قبول فرما و فقیر هم کمک ما را بپذیرد و بگوید قبول کردم آیا واقعاً این مسائل شرط است که همچنین شبهه ای بی عقلانه می افکنی ای وهابی بی عقل؛ ثانیاً: ثابت کن این فقیر تارک الصلاه بوده اگر قائلی که این مسکین تارک نماز بوده طعن و کفر به صحابه پیامبر وارد کردی چون این فقیر؛ پیامبر را دیده و بقول شما هر کس پیامبر را ببیند صحابی محسوب می شود و نماز امام علی نماز تطوع و مستحبی بوده است آیا باید قائل شوی این فقیر بی نماز بوده!!؟-

بدان دو دست گذاشتن روی زانو در حالت رکوع مستحب و مندوب است نه سنت - کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۲۳۵ باب مبحث شرح بعض سنن الصلاه - المالکيه قالوا: ان وضع یدیه علی رکتبه و ابعاد عضدیه عن جنبیه مندوب لاسنه - در اسلام تاکید شده صدقه بصورت مخفی باشد ثوابش بیشتر است - امام احمد حنبل در المغنی ج ۴ ص ۴ می نویسد: در معاملات و صدقه و هدیه لازم نیست ایجاب و قبولی باشد - و كذلك الحكم فی الايجاب و القبول فی الهبه و الهدیه و الصدقه و لم ينقل عن النبی ولا عن احد من اصحابه استعمال ذلك فیه - ممکن است وهابی ها بگویند منظور از ولایت در آیه ولایت دوستی است؛ جالب است محمد بن صالح العثیمین عالم و آخوند معروف وهابی در کتاب القول المفید علی

خداوند اولیائی دارد که متولی امر او هستند و دین او را اقامه می کنند - فلله اولیاء یتولون امره و یقیمون دینه و در مجموعه الفتاوی و رسائل فضیله الشیخ محمد بن صالح العثیمین ج ۳ ص ۱۳۷ ؛ دو گونه ولایت است ولایت مطلقه الهی و ولایت مفیده که مخصوص غیر خداست و منظور من کنت مولاه فعلی مولاه ولی امور است - القسم الثانی : ولایه مقیده مضافه فهذه تكون لغير الله و لها فی اللغة معان كثيرة منها الناصر و المتولی للامور ... و قال صلی الله علیه و سلم : من کنت مولاه فعلی مولاه و قال صلی الله علیه و آله : انما الولاء لمن اعتق - جناب وهابی بدان طبق روایات سنی و شیعه ؛ فقیر خودش آمد سوی مولا علی و طلب نیاز کرد و مولا علی دستش را دراز کرد و فقیر از دست حضرت بیرون آورد - شواهد التنزیل ص ۹۲ ح ۲۲۱ و ص ۹۸ ح ۲۳۵ - فاقبل نحوه فقال : یا ولی الله بالذی یصلی له ان تتصدق علی بما امکنک ... و اشاره الی السائل بنزعه فترعه ... ممکن است وهابی ها بگویند چگونه مولا - علی حواسش به نمازش نبوده اما جواب : خداوند در سوره آل عمران آیه ۳۹ بوسیله ملائکه به حضرت زکریا ؛ سلام می کند در حالتی که او در نماز بوده و صدای سلام ملائکه را می شنیده راجع به بشارت فرزند اگر این بشارت مضر به نماز بوده در مورد آیه ولایت نیز چنین خواهد بود .

شریعت اسلام با معرفی مولا علی و اعلان ولایت و امامت او در روز غدیر خم تازه تکمیل و به اتمام رسید به دلیل بخشی از آیه ۳ سوره مائده {الیوم اکملت لکم دینکم} اسلام با امامت الهیه علی علیه السلام کامل می شود چگونه انبیاء غیر از رسول اسلام بر او فزونی دارند؟! که به بعضی از منابع تفسیری و روای اهل سنت که اعتقاد دارند این آیه در روز غدیر خم با معرفی مولا علی و امامت او نازل شده اشاره می شود. (۱) «عن ابی سعید خدری ان النبی دعا الناس الی علی فی غدیر خم... فقم وذلك یوم الخمیس فدعا علیاً فاخذ بضبعیه فرفعهما حتی نظر الناس الی بیاض ابطی رسول الله ثم لم یتفرقا حتی نزلت هذه الایه، الیوم اکملت لکم دینکم».

ص: ۶۷

۱ - ۱. تذکره الخواص ص ۳۷، در المنثور ج ۲ ص ۴۵۷، الاتقان سیوطی ج ۱ ص ۷۵، تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر ج ۲ ص ۱۵، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۲۰۷، تاریخ بغداد ج ۸ ص ۲۹۰، فرائد السمطین ج ۱ ص ۷۳، مناقب ابن مغازلی ص ۱۹ ج ۲۴، مناقب خوارزمی ص ۱۳۵ ح ۱۵۲

از جمله بالا- بودن مقام الهی و آسمانی مولا- علی علیه السلام بر تمام گروه شریف انبیاء عظام به غیر از رسول اسلام آیه ۶۷ سوره مائده معروف به آیه ابلاغ است {یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالته} ای پیامبر ابلاغ کن آنچه که خدا به تو نازل کرده که اگر تبلیغ رسالت نکنی زحمات ۲۳ سال پیامبری تو و تبلیغ جمیع رجال الهی گذشته بر باد فناء می رود. وقتی که نرساندن امر امامت مولا علی بوسیله آخرین و بهترین پیامبر حضرت مصطفی این تهدید و خطر را برای او دارد و وقتی رسالت پیامبر اکرم قبولی و مکملش منوط و بستگی دارد به امامت الهی مولا- علی چگونه پیامبران دیگر مثل حضرت عیسی بر او فزونی و فضل و زیادتی دارد از جمله منابع موثق علمای اهل سنت که عقیده دارند که آیه ۶۷ سوره مائده درباره مولا علی در غدیر خم نازل شده بطور اختصار به این شرح می باشد. (۱) «عن ابی سعید الخدری قال نزلت هذه الایه (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک) علی رسول الله یوم غدیر خم فی علی ابن ابی طالب»

عن علی: ان الصراط المستقیم محبتنا اهل البیت. (۲)

از جمله ادله برای برتری مولا- علی علیه السلام بر تمام پیامبران بغیر نبی معظم اسلام آیه ۶ سوره حمد است {اهدنا الصراط المستقیم} صراط مستقیم مولا علی و اولاد اطهارش هستند وقتی که صراط دین خدا مولا علی و ۱۱ فرزند معصومش هست صراط پیامبران دیگر هم تحت شعاع صراط علوی است و صراط پیامبران دیگر برای امت بغیر رسول اسلام قابل پیروی و متابعت نیست به جزء صراط محمد و آل محمد و چون صراط و راه محمد و آل محمد بهترین راه و مسیر بسوی جنت و تقرب به خداست پس آنها افضل هستند از تمام پیامبران به غیر از رسول اسلام، پیامبر اسلام به مولا علی فرمود تو راه واضح و تو صراط مستقیم و تو یعسوب و سرور مومنان هستی «عن ابن عباس قال رسول الله لعلی بن ابی طالب: انت الطریق الواضح وانت الصراط

ص: ۶۸

۱- ۱. درالمنثور ج ۲ ص ۵۲۸، تفسیر القرآن العظیم ابن ابی حاتم رازی ج ۴ ص ۱۱۷۲، مناقب ابن مردویه ص ۲۳۹ ح ۳۴۵، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۲۵۶ ح ۲۴۹، فتح القدیر شوکانی ج ۲ ص ۶۰، الکشف والبیان ج ۴ ص ۹۲، تفسیر الکبیر رازی ج ۱۲ ص ۴۹، روح المعانی آلوسی ج ۳ ص ۳۵۹، اسباب النزول واحدی ص ۱۳۵، غرائب القرآن نظام الدین نیشابوری ج ۶ ص ۱۲۹، فصول المهمه ابن صباغ ج ۱ ص ۲۴۵، مطالب السوول بن طلحه شافعی ص ۷۹ باب ۱، فرائد السمطین ج ۱ ص ۱۵۸

۲- ۲. مناقب ابن مردویه ص ۸۶

المستقیم وانت یعسوب الدین»(۱) لا- یوجز احد الصراط الامن کتب له علی الجواز، ان علی الصراط لعقبه لا- یجوز احد الا بجواز من علی بن ابی طالب.(۲)

چون فضائل مولا- علی بسیار است و قلم ها کوتاه است در باب مناقب حضرتش قلم فرسائی کند به مناظره شیر زنی از زنان شیعه بنام حره که در مقابل حجاج بن یوسف ثقفی در مورد برتری مولا علی بر انبیاء داشته خدمت موافق و مخالف عرضه می شود. حجاج به حره گفت تو چگونه علی علیه السلام را برتر از پیامبرانی چون آدم، نوح، لوط، ابراهیم، موسی، داود، سلیمان و عیسی می دانی؟ حره گفت من نیستم که مولا- علی را از این پیامبران بالا-تر می دانم قرآن اشاره دارد قرآن درباره آدم در سوره طه آیه ۱۲۱ می فرماید: {و عصى آدم ربه فغوى} آدم معصیت خدا کرد و از پاداش او محروم شد ولی درباره مولا علی در سوره انسان آیه ۲۲ می گوید {وکان سعیکم مشکورا} سعی و تلاش شما مورد قدر دانی است. حجاج گفت چگونه علی را بر نوح برتر می دانی گفت به دلیل آیه ۱۰ سوره تحریم که زن نوح اهل جهنم شد ولی همسر مولا علی سرور زنان اهل بهشت، برتری علی بر ابراهیم به سبب آیه ۲۶۰ بقره است که ابراهیم از خدا خواست زنده شدن مردگان را ببیند ولی مولا علی فرمود اگر پرده عالم دنیا جلو چشمانم عقب رود بر یقینم افزوده نمی شود برتری مولا- علی بر موسی این است وقتی موسی اطلاع پیدا کرد که او را می خواهند بکشند از فرعونیان فرار کرد ولی مولا علی در بستر پیامبر در آن خطر خوابید تا ایشان هجرت کند و برتری علی بر داود در یک قضیه حکم و قضاوت خداوند فهم را به او عطاء کرد ولی علی می فرماید از من سوال کنید تا مرا از دست ندادید سلیمان از خدا ملک خواست ولی علی دنیا را ۳ طلاقه کرد وقتی غلو کنندگان عیسی را خدا دانستند و نامیدند عقوبت آنان را به قیامت واگذار کرد ولی مولا علی درباره فرقه نصیریة گروهی از آنان را که

ص: ۶۹

-
- ۱- ۱. الکشف والبیان ثعلبی ج ۱ ص ۱۲۰، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۷۴، مجمع الزوائد هیشمی ج ۹ ص ۱۱۲، ابن حجر در الاصابه ج ۲ ص ۱۳۰، التهذیب ابن عساکر ج ۲ ص ۸۵، المناوی در کنوز حقائق ص ۲۰۲، ذخائر العقبی ص ۱۸، الرياض النضره ج ۲ ص ۲۰۹
 - ۲- ۲. تاریخ بغداد ج ۱۰ ص ۳۵۵، تاریخ دمشق ج ۴۴ ص ۲۵۴

احمد حنبل در مسندش ج ۲ ص ۳۴۴ نقل می کند امام حسن بعد از شهادت مولا علی فرمود: دیروز، مردی از میان شما رفت که گذشتگان در دانش بر او پیشی نگرفته و آیندگان نیز به او نخواهند رسید. لقد فارقکم رجل امس، ما سبقه الاولون بعلم و لا- ادرکه الاخرون، ح ۱۷۱۹، اسناده صحیح ح ۱۷۲۰، اسناده صحیح، آلبانی در سلسله الاحادیث الصحیحه روایت را صحیح اعلام کرده، و این روایت افضلیت مولا علی را بر تمام پیامبران بغیر از رسول اکرم خصوصاً در علم، ثابت می کند؛ پیامبر اکرم فرمود: ان الله فضل الانبيائه المرسلين على الملائكة المقربين و فضلنى على جميع النبيين و المرسلين و الفضل بعدى لك يا على. (۲)

فخر رازی می گوید: جزء این نیست که این روایت بر برتری علی علیه السلام بر دیگر پیامبران دلالت دارد پس فردی که از همه پیامبران غیر از پیامبر اسلام افضل است و صاحب برتری و فضل همه پیامبران می باشد چنین فردی لایق جانشینی سرور رسل می باشد، زیرا این حدیث دلالت دارد که علی از همه پیامبران جز پیامبر ما افضل است، در تایید این استدلال به آیه شریفه حدیثی است که مورد قبول موافق و مخالف است و آن سخن پیامبر: و یوید الاستدلال بهذه الایه الحدیث المقبول عند الموافق و المخالف و هو قوله علیه السلام من اراد ان یری آدم فی علمه و نوحا فی طاعته و ابراهیم فی خلقه و موسی فی هیئته و عیسی فی صفوته فلینظر الی علی ابن ابی طالب، فالحدیث دل علی انه اجتمع فیه ما کان متفرقاً فیهم و ذلك یدل علی ان علیاً رضی الله عنه افضل من جمیع الانبیاء سوی محمّد (۳)؛ زمانی که ابوبکر، ابو عبید جراح را فرستاد دنبال مولا علی به او گفت: تو امین این امت هستی تو را دنبال کسی می فرستم که در مرتبه کسی بود که دیروز از دست دادیم (یعنی پیامبر). یا اباعبیده انت امین هذه الامه ابعثک الی من هو فی مرتبه من فقدناه بالامس. (۴) نویسنده وهابی عبدالله بن جارالله در کتابش الجامع الفرید می نویسد: خداوند این امام (محمد

ص: ۷۰

۱- ۱. بحار الانوار ج ۴۶ ص ۱۳۴

۲- ۲. بحار ج ۱۱ ص ۱۳۹

۳- ۳. تفسیر کبیر ذیل آیه مباحله ج ۸ ص ۷۲ دارالکتب العلمیه

۴- ۴. الغدیر ج ۱ ص ۲۹۷

بن عبدالوهاب) را در بین اهالی نجد به مقام نبوت برگزید و او را با امرای عادل آل سعود یاری کرد. فاقام الله هذا الامام في اهل نجد مقام نبی و ایده بالامراء العادلین و الائمه العهیدین من آل سعود من راسهم الامام محمد بن سعود.

اگر نبوت ختم نمی شد قطعاً می گفتیم ابن تیمیه، پیامبر است. (۱)

یکی دیگر از آیاتی که دلیل برتری مولا علی بر انبیاء غیر از رسول اسلام است آیه ۴ سوره رعد می باشد. یا علی الناس من شجر شتی و انا و انت یا علی من شجره واحده ثم قرأ النبی: و جنات من اعناب و زرع و نخیل صفوان و غیر صفوان. (۲)

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی مردم از درختان گوناگون آفریده شده اند ولی من و تو از یک درخت هستیم

ص: ۷۱

-
- ۱- ۱. دروس و مواقف و عبر ص ۳۳، الامام البن باز لو لم نخبر بختم النبوه ان ابن تیمیه نبی
 - ۲- ۲. تفسیر در المنثور ذیل آیه، مناقب ابن مردویه، مستدرک حاکم کتاب ج ۲ ص ۲۶۳، التفسیر هذا حدیث صحیح ح ۲۹۴۹، کتر العمال ج ۱۱ ص ۶۰۸ ح ۳۲۹۴۴

پاسخی به شبهه و مغلطه آقای انصاری مدیر شبکه سلفی وصال باطل

آیه مباحله (۱) فضیلت و برتری مولا علی را ثابت نمی کند به دلیل آیه ۱۲۸ سوره سوره توبه {لقد جاء کم رسول من انفسکم}

مداح و قاری قرآن ابن مالک بلطف حق پاسخ می دهد:

بیضاوی در تفسیرش می نویسد: آیه مباحله دلیل بر نبوت پیامبر و فضیلت اهل بیت پیامبر است

هو دلیل علی نبوته و فضل من اتی بهم من اهل بینه (۲)

در صحیح ترین کتاب اهل سنت صحیح مسلم نیشابوری؛ آیه مباحله در مورد امام علی و فاطمه و حسن و حسین نازل شده را نقل کرده (۳)

ولما نزلت هذه الآیه ندع ابنائنا و ابناء کم: دعا رسول الله علیا و فاطمه و حسنا و حسینا فقال: اللّهم هولاء (۴)

امام صادق از قول امام حسن فرمود: پیامبر اکرم از خود «ها» انفسنا - پدرم علی را به همراه خویش بیرون آورد و از پسران من و برادرم حسین را و از زنان فاطمه مادرم را، پس ما مییم اهل بیت او، گوشت و خون و خود او ما از او هستیم و او از ما (۵)

فاخرج جدی معه من الانفس ابی و من البنین انا و اخی الحسین و هو من النساء فاطمه امی فحن اهله و دمه و نفسه و نحن منه و هو منا

اولاً رسول اکرم این آیه را در بخش انفسنا و انفسکم تفسیر و روشن نموده اند در قالب روایات مستند اهل سنت؛ پیامبر اکرم فرمود: علی منی و انا منه (۶)

ص: ۷۳

۱- ۱. ۶۱ آل عمران

۲- ۲. انوار التنزیل ج ۲ ص ۲۱

۳- ۳. صحیح مسلم ج ۱ ص ۴۴۸ کتاب الفضائل

۴- ۴. اهلی ج ۴ ص ۱۸۷۱ ح ۳۲

۵- ۵. ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۴۶ باب ۷- امالی طوسی ج ۲ ص ۱۷۷، غایت المرام ص ۳۰۴

۶- ۶. مسند احمد ج ۴ ص ۱۶۴، مناقب ابن مغزلی ص ۲۲۱، تاریخ اسلام ذهبی ج ۳ ص ۶۳۰، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۱۱ -

مجمع الکبیر ج ۱۲ ص ۱۴ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۴، الجامع الصحیح ترمذی ص ۹۷۹، خصائص نسائی ص ۸۷، تاریخ

دمشق ج ۱ ص ۳۶۵، کفایه الطالب ص ۱۶۷ باب ۳۷، المواعظ العددیه، امالی صدوق مجلس ۲۰ ح ۱ و مجلس ۹ ح ۱۰ ص ۶۴

علی منی و انا من علی - ولا- یودی عنی الا- انا و علی لحمه من لحمی و دمه من دمی و هو منی بمنزله هارون من موسی هذا علی سید المسلمین - علی منی کنفسی طاعته طاعتی و معصيته معصیتی. (۱)

ان علیا منی وانا من علی - روحه من روحی. (۲)

و در حدیث دیگر با صراحت می فرماید: علی همانند من است سؤال؟ در چه چیزی؟ همانند در صفات نفسانی باطنی از جهت خصائص عالیه انسانی و الهی و ملکوتی

نبی اکرم فرمود: ای بنی ولیعه بسوی شما مردی می فرستم که همانند من است

«ان رسول الله قال لتنتهین یا بنی ولیعه اولاً بعثن الیکم رجلاً کنفسی ... فالتفت الی علی فاخذہ بیده و قال هو هذا مرتین» (۳)

قال رسول الله: ما من نبی الا وله نظیر فی امته و علی نظیری. (۴)

نبی اکرم فرمود: علی همانند نظیر من است

قال رسول الله علی هو نفسی و انا نفسه. (۵)

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: علی نفس من و من نفس او هستم

قال رسول الله علی نفسی فمن رایته یقول فی نفسه شیئا. (۶)

ص: ۷۴

-
- ۱- ۱. المواعظ العیدیه امالی صدوق م ۲۰ ح ۱
 - ۲- ۲. آل محمد اسامه الدین مردی حنفی ص ۱۸۴
 - ۳- ۳. تفسیر غرئب القرآن ج ۶ ص ۳۴۲، المعرفه والتاریخ ج ۱ ص ۱۲۱، تفسیر کشاف ج ۴ ص ۳۶۲، سنن الکبری نسایی ج ۵ ص ۱۲۷ ح ۸۱۳۸ ح ۸۴۵۷، خصائص نسائی ج ۱ ص ۸۹ ح ۷۲، المصنف ابن ابی شیبہ ج ۶ ص ۳۶۹، فضائل الصحابه احمد ج ۲ ص ۵۹۳، سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۴، صحیح ترمزی ص ۹۷۹ ح ۳۷۲۸، معجم الوسط ج ۴ ص ۱۳۳ باب العین ح ۳۹۲۳، انساب الشراف ح ۸۱۴ - مطالب العلیه ج ۱۶ ص ۶۸ ح ۴۰۵۳، مسند ابی یعلی ج ۲ ص ۱۶۵، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۴۲ ح ۴۴۵۱۸۰، امالی جرجانی ج ۱ ص ۱۸۵ ح ۵۰۰ ممسد بزار ج ۳ ص ۲۵۹ ح ۱۰۵۰ و ح ۹۶۲، المقصد العلی فی زوائد ابی یعلی ح ۱۱۹۵، کشف الستار ح ۲۴۶۲، نسخه عمر بن زرارہ ح ۲۹، اخبار مکة للقاکی ح ۱۸۸۸، مستدرک حاکم ج ۲ ص ۱۳۱ صواعق المحرقه ص ۱۷۵... و فیہ رجل اختلف فی ترضیعه وبقیه رجاله ثقات اتحف المهره حدیث ۱۲۸۷۹
 - ۴- ۴. ذخائر العقبی طبری ص ۶۴
 - ۵- ۵. مناقب خوارزمی ص ۹۰
 - ۶- ۶. مناقب خوارزمی ح ۱۷۳ اللالی المصنوعه سیوطی ج ۱ ص ۳۸۲

پیامبر اکرم فرمود: علی همانند نفس من است و چه کسی درباره خودش بد می گوید. ان هذا ليسا—عن النفس (۱)

قال النبي ليعثن الله رجلاً مني او قال مثل نفسي. (۲)

قال النبي و هولاء انفسنا لعلی و نفسه. علی نفسی و اخی اطيعوه — (۳)

پیامبر فرمود: منظور انفسنا من و علی هستیم.

قال رسول الله و ان علیاً منی بمنزله النفس من النفس. (۴)

پیامبر فرمود: نفس علی به منزله نفس من است.

قال علی و ان الذي جعل الله نفسی نفس محمد. (۵) عن عطاء قال: كان لعلی موقف من رسول الله — المحسن و المساوی بیهقی

ص ۱۸

مولا علی فرمود: من کسی هستیم که خدا نفس من را همانند نفس پیامبر قرار داد. فاین علی ابن علی ابی طالب قال یا هذا تستفتی من اصحابه ام عن نفسه؟ فکیف یکون اصحابه مثل نفسه

قال علی: هل فيکم احد قال له رسول الله انت کنفسی. (۶)

قاضی ایجی در شرح المواقف ج ۸ ص ۳۶۷ و ص ۳۹۹ المقصد الخامس: الفضل بعد رسول الله می نویسد: انسان نفس خودش را نمی خواند بلکه منظور نفس در آیه مباحله، علی است

لا يدعو نفسه بل المراد به علی دلت علیه الاخبار الصحیحه و الروایات الثابته عند اهل النقل انه علیه السلام، دعا علیا الی ذالك المقام و ليس نفس علی نفس محمد حقیقه مالمراد المساواه فی الفضل و الکمال ... فیساوی النبی فی کل فضیله سوی النبوه (۷)

ایها الناس انی لکم فرط و انی اوصیکم بعترتی خیرا موعدا کم الحوض و الذی نفسی بیده لتقیمن الصلاه و لتوتون الزکاه اولاً بعثن رجلاً منی او کنفسی فلیضربن اعناق مقاتلهم و لیسبین ذراریهم قال: فرای الناس انه یعنی ابابکر و عمر فاخذ بید

ص: ۷۵

۱- ۱- کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۴۲ ح ۳۶۴۴۶

۲- ۲- مناقب خوارزمی ح ۱۵۳

۳- ۳- ینابع المده ج ۱ ص ۴۲۳

۴- ۴- الموسوعه الکلمات الرسول ج ۴ ص ۳۷۰

۵- ۵- فخرالنبی صدیق عربانی مجمع النورین مرندی ص ۴۵

۶-۶. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۲۹۳

۷-۷. مستدرک حاکم نیشابوری مساله ۱۰۶۱ ح ۲۶۰۵

علی فقال هذا هذا - حدیث صحیح الاسناد (۱) - اللهم انا او کنفسیثم اخذ بید علی - قال عبدالله ابن عمر: علی من ...

مولا علی فرمود: آیا در میان شما کسی هست که پیامبر درباره او فرموده باشد تو همانند نفس منی.

قال عبدالله ابن عمر: علی من اهل البیت لا یقاس به احد هو مع رسول الله فی درجته. (۲)

پسر عمر می گوید: علی از اهل بیت پیامبر است و کسی با او قابل قیاس نیست و او هم درجه پیامبر است.

ان الله یقول والذین آمنوا واتبعتم ذریتهم ففاطمه مع رسول الله فی درجته و علی معهما - قال النبی رجلا له عندالله منزله کمزلتی و مقام کمقامی الا النبوه. (۳)

پیامبر فرمود: علی مردی است که درجه اش و منزلتش همانند من است الا در نبوت خاصه.

پیامبر در خطبه غدیر خم فرمود: ای مردم علی ابن ابیطالب در میان شما به منزله من در میان شماست، و هو فیکم بمنزلتی فیکم. (۴)

عن رسول الله: قال علی کنفسی لا فرق بینی و بینه الا النبوه. (۵)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: علی همچون جان من است، بین من و او جز پیامبری فرقی نیست. (۶)

قاری در المرقاه فی شرح مشکاه می نویسد: منزله منزله نفسهما من القرابه والاخوه. (۷)

پس پیامبر علی ابن ابیطالب را در جایگاه نفس خویش قرار داد بخاطر قرابت و اخوتی که میان ایشان بود.

ص: ۷۶

۱- ۱. المصنف ابی شیبه ج ۷ ص ۴۹۸ ح ۲۳ و ص ۴۹۹ ح ۳۰

۲- ۲. جواهرالمطالب ابن دمشقی ج ۱ ص ۲۲۴ باب ۳۶- شواهدالتنزیل ج ۲ ص ۲۷۱، ینابیع الموده ج ۲ ص ۲۹۷ ح ۸۵۰- موده القربی موده ۷

۳- ۳. الموسوعه کلمات رسول ج ۴ ص ۳۷۰

۴- ۴. احتجاج ج ۱ ص ۳۳۴ ح ۵۶

۵- ۵. صراط مستقیم ج ۱ ص ۲۵۲

۶- ۶. سیمای امیرالمؤمنان در قرآن (سیدجواد رضوی ص ۷۲)

۷- ۷. قاری المرقاه ج ۵ ص ۵۸۹

قال النبي: انت منى كروحي. (۱)

پیامبر به علی فرمود: تو همانند روح من هستی.

لا- یزال یمكن للرافضه ان یستدلوا بافضلیه علی رضی الله علی الانبیاء بل علی اولوالعزم لان النبی افضل و اکمل من الانبیاء قد سعا الله تعالی نفس النبی و لا معنی لهذه التسمیه الا لمشهابه و المماثله التامه فاذا یكون هو افضل و اکمل من الانبیاء. (۲)

قرآن، نفس ها و باطن افراد بشر را تقسیم بندی کرده؛ نفس مطمئنه، نفس لوامه، نفس اماره.

نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشرف مخلوقات از کدام نفوس مذکوره بوده، آیا معنای آیه ۱۲۸ سوره توبه این است که رسول خدا، ۳ حالت نفسانی داشته و با نفوس سایر بشر مساوی بوده؟

قرآن به نفس و جان پیامبر اکرم سوگند خورده، این نفس عظیم و نورانی در چنین مقام و رتبه ای بزرگ نزد خداست آیا به نفس کفار، مشرکین، منافقین، مجرمان، مومنین عادی هم سوگند یاد کرده و آیا جناب وهابی شما چنین نفس شریف را موازی نفوس عادی بشر قرار می دهی {لعمرك انهم لفي سكرتهم یعمهون} (۳)

ابن عباس می گوید خداوند، کسی را که از حضرت محمد صلی الله علیه و آله در نزدش گرامی تر باشد خلق نکرده و من نشنیده ام که خداوند به جان کسی جزء جان او قسم خورده باشد. (۴) قال ابن عباس: ما خلق الله و ما ذراء و ما براء نفساً اکرم علیه محمد و ما سمعت الله اقسام بحیاه احد غیره. (۵)

منظور آیه ۱۲۸ سوره توبه که می فرماید از خودتان پیامبری فرستاد منظور نوع و جنس بشری مثل خودتان در جسم، بدن، ظاهر، خوردن، آشامیدن، نکاح کردن و تمایلات و غرائز فطری و طبیعی است که خود قرآن در لابلای آیات کریمه اشاره

ص: ۷۷

۱- ۱. بحار الانوار ج ۳۵ ص ۲۵۷

۲- ۲. تفسیر نیشابوری

۳- ۳. سوره حجر آیه ۷۲

۴- ۴. مجمع البیان ج ۶ ص ۱۴۲

۵- ۵. مجمع الزوائد ج ۷ ص ۶۴

فرموده {قل انما انا بشر مثلکم} (۱) {وما جعلناهم جسداً لایاکلون الطعام و ماکانوا خالدین} (۲)

روح و نفوس افراد مومن عادی با سایر نفوس بشر که اهل ایمان نیستند مساوی و برابر نیست چگونه نفس پیامبر با دیگران مساوی باشد. (۳) {وما یتوی الاعمی والبصیر...وما یتوی الاحیاء ولا الاموات... لا یتوی اصحاب النار واصحاب الجنة} (۴) {افمن کان مومنا کمن کان فاسقا لایتون} (۵)

امام صادق از قول امام حسن فرمود: جدم پیامبر اکرم از خود ما پدرم (علی) را به همراه خویش بیرون آورد و از پسران من و برادران حسین را و از زنان فاطمه مادرم را، پس ما ایم اهل بیت او با گوشت خون و خود او، ما از او هستیم و او از ما.

فاخرج جدی معه من الانفس ابی و من البنین انا و اخی الحسین و من النساء فاطمه امی، فنحن اهل و لحمه و دمه و نفسه و نحن منه و هو منا. (۶)

اگر منظور آیه ۱۲۸ سوره توبه که می فرماید از خودتان و نفس های شما پیامبری فرستاد ارواح و شخصیت باطنی ناس و مردم باشد پس باید تمام مردم با پیامبران مساوی و برابر باشند و همه مردم نیز پیامبر باشند!!! پس دیگر نیازی به پیامبران نبود؟

لکن الاجماع دل علی ان محمداً افضل من سائر الانبیاء فکذا علی علیه السلام قال: و یوکده ما یرویه المخالف و الموافق انه قال: من اراد ان یری آدم فی علمه و نوحا فی طاعته و ابراهیم فی خلقه و موسی فی قربته و عیسی فی صفوته فلینظر الی علی ابن ابی طالب.

اجماع دلالت می کند که پیامبر اسلام افضل از پیامبران است و علی همانند اوست و موید این مطلب شباهت علی به خصال انبیاء است که موافق و مخالف نقل کرده اند. (۷)

ص: ۷۸

۱-۱. سوره کهف آیه ۱۱۰

۲-۲. سوره انبیاء آیه ۸

۳-۳. سوره فاطر آیات ۱۹ الی ۲۴

۴-۴. سوره حشر، آیه ۲۰

۵-۵. سوره سجده، آیه ۱۸

۶-۶. ینابیع الموده ج ۱ باب ۷ ص ۳۴۶، امالی طوسی ج ۲ ص ۱۷۷، غایه المرام ص ۳۰۴

۷-۷. تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان علامه نظام الدین نیشابوری ج ۲ ص ۱۷۹

قرآن در سوره روم آیه ۲۱ می فرماید: از نشانه های قدرت خدا این است که خلق کرد از نفس شما زوج و همسرانی آیا منظور آیه این است که زن و مرد یک روح دارند در ۲ جسد؟ آیا زن و مرد مساوی و برابرند در خلقت و صفات اخلاقی؟ آیه می خواهد بگوید از جنس شما بشر زوج برای شما آفریده نه اینکه زن و مرد همانند یکدیگر هستند.

آقای انصاری سلفی شما که عقیده داری انفسکم در آیه ۱۲۸ سوره توبه منظور نفس مردم و نفس پیامبر اکرم است نه جنس بشری مردم و پیامبر، پیامبر رحمت للعالمین است، پیامبر معلم بشر است، پیامبر بشیر، نذیر و شاهد است، پیامبر اطاعتش برابر اطاعت خداست، قلب پیامبر مهبط و نزول وحی است، فضل عظیم خدا بر پیامبر است آیا مردم و نفوس ذاتی بشر عادی هم همین طور ذات نفوسشان است؟ {ما ارسلناک الا رحمه للعالمین} (۱) {ثم تولوا عنه و قالوا معلم مجنون} (۲) {انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعياً الی الله باذنه و سراجاً منيراً} (۳) {و بشرالمومنین بان لهم من الله فضلاً کبیراً} (۴) {ان فضله کان علیک کبیراً} (۵) {من یطع الرسول فقد اطاع الله (نساء ۸۰) نزل به الروح الامین علی قلبک لتکون من المنذرين} (۶)

پیامبر اکرم احواء و زنده کننده نفوس و ارواح بشر هست چگونه جناب انصاری سلفی می گوئی منظور انفسکم در آیه ۱۲۸ سوره توبه، نفس و روح شریف پیامبر اسلام و نفوس سایر بشر است. سوره انفال آیه ۲۴ {یا ایها الذین امنوا استجیبوا لله و الرسول اذا دعاکم لما یحییکم}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پاک کننده نفوس و روح بشر است چگونه می گوئی نفس شریف او

ص: ۷۹

۱- ۱. انبیاء ۱۰۷

۲- ۲. دخان ۱۴

۳- ۳. احزاب ۴۵ و ۴۶

۴- ۴. احزاب ۴۷

۵- ۵. اسراء ۸۷

۶- ۶. شعراء ۱۹۴، ۱۹۳

همانند سایر بشر است. {و یزکیهم و یعلمهم الكتاب والحکمه} (۱)

نفس، روح، جان و باطن نبی اکرم ذاتاً پاک، منور و قدسی است. (سوره طه آیه ۱) لفظ و کلمه طاهها (طه) یعنی طیب و مبراء، ولی روح و ارواح مردم باید تحت فرمان فرامین قرآن و رسول اکرم قرار بگیرد تا تزکیه شود و اکثریت مردم اسیر هوای نفس هستند.

سوره جمعه آیه ۲ و سوره انعام آیه ۹ جواب می دهد به شبهه و مغلطه آقای انصاری سلفی- اوست خدائی که مبعوث کرد پیامبری در ام القری مکه که درس نخوانده بود از خود آنها یعنی از جنس و بدن بشری و از شهر و قبیله آنها {رسولاً منهم} معنایش این نیست که رسول اکرم با آنها از جهت نفس و اشتراکات روحی و باطنی مساوی است یا اینکه رسول و مردم در یک سطح و رتبه هستند و مثل همنند {ولو جعلنا ملکا لجعلنا رجلاً وللبسنا علیهم ما یلبسون}

سوال آقای وهابی؟ قرآن که در سوره هود آیه ۵۰، ۸۴، ۶۱ می فرماید پیامبران هود، صالح، شعیب برادرشان بودند که بسوی قبیله خودشان آمدند جهت هدایت؟ آیا منظور قرآن این است که قوم هود، صالح، شعیب، برادر تنی آنها بودند یا برادر دینی آنها بودند؟ اگر بگوئی برادر تنی، به همه قوم که برادر تنی نبودند؟ اگر بگوئی برادر دینی بودند قومشان که ایمان نداشتند!!! پس منظور این است که از قبیله خودشان بودند. و وصف هود بانه اخو عاد لانه کان من نسبهم كما یقال: یا اخا العرب ای یا عربی. (۲)

و قیل له اخوهم لانه منهم... و قیل انما قیل له اخوهم لانه من بنی ادم كما انهم من بنی آدم. (۳)

بقول مفسرین اهل سنت به چند معنا است:

(۱) قائده عرب این بوده در باب نسب مثلاً ای برادر عرب.

ص: ۸۰

۱- ۱. سوره جمعه آیه ۲

۲- ۲. تفسیر القرآن ابن عاشور ص ۹۴ مسأله الجزء الثالث عشر.

۳- ۳. تفسیر القرآن قرطبی مسأله الجزء التاسع ص ۴۶، ای ارسلنا الی ثمود اخاهم صالحا: فی النسب لا فی الدین، تفسیر بغوی معنا و تفسیر آیه ۵۰، ۸۴ و ۶۱ سوره هود

۲) یعنی از خود شما است از جنس بنی آدم، در دین برادر شما نیست در نسب با شما برادر است.

حال ممکن است آقای انصاری سلفی بگوید بله در آیه مباحله منظور انفساء همان قبیله، قوم و عشیره است اولاً حقیر در پاسخ اول گفتم که پیامبر انفساء را در ظرف احادیث معتبره تفسیر و توضیح داده ثانیاً اگر انفساء منظور قبیله است چرا تمام قبیله را نبرد تنها علی را برای مباحله و نفرین برد آیا پیامبر طبق دستور وحی مولا علی را برد یا نه؟! اگر نه چرا برد؟

اگر انفساء منظور قبیله و عشیره است در آیه مباحله و یا هر معنای دیگر چرا مولا علی به این آیه مباحله احتجاج کرده و خودش معنا فرموده {نشد تکم بالله} {هل فیکم احدا قرب الی رسول الله فی الرحم و من جعله رسول الله نفسه} مولا علی به اهل شورا خطاب کرد شما را به خدا قسم می دهم آیا در میان شما کسی هست که به پیامبر همانند من نزدیک باشد و پیامبر من را نفس خودش خوانده باشد. (۱)

قرآن در سوره احزاب آیه ۶ می فرماید: {النبی اولی بالمومنین من انفسهم} پیامبر از نفس های مومنان اولی، افضل و سزاوارترست و مومنان وظیفه دارند خصوصاً در میدان رزم و برای حفظ جان پیامبر، جانشان فدای او کنند، پس آقای انصاری وهابی چگونه میگوئی منظور آیه ۱۲۸ سوره توبه {لفظ انفسکم} جان مردم به جان پیامبر نسبت داده می شود و اتفاقاً این آیه ۶ سوره احزاب را پیامبر در وادی غدیر خم قرائت فرمود و بیان داشت که بعد از من علی از جانهای شما به شما اولی است و باید جان فدای علی کنید چون نفس او همانند من است در صفات، خصائص روحی و مشترکات الهی و معنوی «قال رسول الله یا ایها الناس الست اولی بکل مومن من نفسه؟ قلنا بلی یا رسول الله نحن نشهد انک اولی بکل مومن من نفسه قال فانی من کنت مولا فهدا علی مولا» (۲)

در ضمن آقای انصاری آیه مباحله مقام علمی، مقام اعجاز و برگزیدگی مولا علی را

ص: ۸۱

۱- ۱. تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۴۳۲

۲- ۲. سنن الکبری ج ۵ ص ۱۳۱، مسند احمد ج ۴ ص ۲۸۱، البدایه والنهایه ج ۵ ص ۲۲۸، سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۳، فتح القدیر ج ۴ ص ۲۶۳

با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می رساند «فمن حاجک فیه من ما بعد ما جاء ک من علم، ثم نبتهل، فقل تعالوا»

در قضیه عزل ابی بکر و نصب مولا علی علیه السلام در ابلاغ سوره براءت براهل مکه معنای انفسانا باز روشن نمود خداوند به وسیله جبرئیل «یا رسول الله ان الله تعالی یقرئک السلام ویقول لایودی عنک الا انت او رجل منک» اداء و ابلاغ رسالت از تو احدی ننماید مگر خود یا مردی که از خودت باشد یعنی همانند خودت باشد در صفات نفسانی و عملی. (۱)

سوال دیگر که آقایان مولوی وهابی مطرح می کنند می گویند فرض بگیریم که انفسانا در آیه مباحله (۶۱ سوره ال عمران) علی علیه السلام است. انفسکم در آیه جانهای مشرکین مسیحی چه کسی بوده؟ آیا این انفسانا و انفسکم یعنی روح پیامبر یا نفس مولا- علی با نفس مشرک برابر و قابل مقایسه است که آیه فرموده آنها با جانهای خود بیایند ای پیامبر توهم با جانت بیا برای نفرین و مباحله؟! اولاً- وقتی ما به کل متن و خطاب آیه مباحله دقت می کنیم این مبحث مطرح است که علمای مسیحی نجران خودشان را بر حق می دانستند. خداوند می گوید که اگر واقعاً شما خود را محق می دانید با فرزندان، زنان و انفس خود بیایید. معنایش این نیست که انفس مشرکین مسیحیان نجران موازی و مساوی با نفس پیامبر اکرم است، مثل اینکه خداوند در سوره جمعه آیه ۶ و ۷ می فرماید: یهود خود را دوستان خدا می پندارند، اگر واقعاً شما یهودیان دوست خدا هستید آرزوی مرگ کنید. معنایش این نیست که آنها واقعاً دوست خدا هستند و خداوند درباره دوستی آنها با خودش دچار تردید است. در ضمن مفسران اهل سنت به سوال شما آقای انصاری جواب داده اند که انفسانا - پیامبر و انفسکم - مولا علی است. عن ابی جعفر: و انفسنا و انفسکم قال: النبی و علی. (۲)

قال جابر: فدعا هما الی الملائعنه فواعده علی الغد، فغدا رسول الله واخذ بید علی علیه السلام و فاطمه والحسن والحسین ثم ارسل الیهما فایا ان یجیبا و اقراله فقال:

ص: ۸۲

-
- ۱- ۱. صحیح بخاری ج ۶ ص ۴۰۴ ح ۰۸۱، سنن الکبری ج ۵ ص ۱۱۱، صحیح ترمذی ص ۸۲۰...
 - ۲- ۲. تفسیر ابی حاتم ج ۲ ص ۶۶۸ ح ۳۶۱۹، دلائل النبوه ابی نعیم اصفهانی ح ۲۳۷، الشریعه (الاجری)، جامع الفضائل اهل البیت، ح ۱۴۶۳، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۱۸۲ ح ۱۹۴

والذی بعثنی بالحق لوفعلا لامطرء الوادی علیهما ناراً قال جابر: فیهم نزلت (تعالوا ندع ابناءنا) قال جابر: (انفسنا وانفسکم) رسول الله وعلی (وابنائنا) الحسن والحسین (ونسائنا) فاطمه ثم قال صحیح (۱).

مولا علی علیه السلام می فرماید: فكانت نفسی نفس رسول الله (۲).

در سایر آیات کریمه قرآن کریم باز اشاره شده که وجود مقدس مولا علی و پیامبر یکی است یعنی اشتراک خلقتی هم داشته اند غیر از اینکه مشترکات معنوی والهی هم که داشته اند رسول اکرم فرمود: «خلق الناس من اشجار شتی و خلقت انا و علی من شجره واحده» مردم از درخت های مختلف آفریده شده اند و من و علی از یک ریشه و درخت آفریده شده ایم یعنی من و علی یکی هستیم «انا و علی من شجره والناس من اشجار شتی - الناس من شجره شتی و انا و انت من شجره واحده» (۳) تفسیر آیه ۴ سوره رعد {وفی الارض قطع متجاورات و جنات من اعناب و زرع و نخیل} علی بن سلطان محمد قاری در کتاب مرقاه المفاتیح ج ۵ ص ۵۶۴ باب مناقب علی ابن ابی طالب فصل ۱ در توضیح حدیث منزلت می گوید: «فیه ایماء الی انه لو کان بعده نبیاً لکان علیاً» اگر قرار بود بعد از رسول اکرم پیامبری باشد امام علی بود یعنی همانند پیامبر است رسول اکرم به مولا علی فرمود: «اما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی ولو کان لکنته» (۴) ای علی اگر بنا بود بعد از من پیامبری بود تو بودی یعنی نفس پیامبر و علی یکی است.

شهاب الدین احمد بن جلال الدین الایجی در کتاب توضیح الدلائل علی تصحیح الفضائل ص ۴۱۱ می گوید: مولا علی همانند پیامبر اسلام است در اتحاد و اشتراکات نفسانی که نفس و روح علی قائم مقام نفس پیامبر اسلام است چنانچه خداوند در آیه مباحله علی را به منزله نفس آن حضرت قرار داده «ونظیره فی مماثله نفسیهما وان

ص: ۸۳

-
- ۱- ۱. ذهبی، تاریخ اسلام ص ۶۲۷، تفسیر ابن کثیر ج ۱ ص ۳۷۹، فتح القدر ج ۱ ص ۳۴۸ و ۵۷۴، اخرج الحاکم و صححه ج ۲ ص ۵۵، الدرر المنثور ج ۲ ص ۳۹
 - ۲- ۲. خصال صدوق ص ۵۷۶ ح ۱
 - ۳- ۳. المناقب ابن مغزلی ص ۳۱۶، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۲۸۹، الدر المنثور ج ۴ ص ۴۴، تاریخ دمشق ج ۱ ص ۱۴۲، لسان میزان ابن حجر ج ۶ ص ۲۴۳، کنز العمال ج ۶ ص ۱۵۴
 - ۴- ۴. بغیة الوعاه سیوطی ج ۲ ص ۴۱۴ ح ۴۷

نفسه قامت مقام نفسه وان الله تعالى اجرى نفس على مجرى نفس النبي» پیامبر اسلام و مولا علی در خلقت نوری و ملکوتی از یک نور واحد خلق شدند ۱۴ هزار سال قبل از خلقت خلائق، همانطور که در خلقت واحد بودند در صفات معنوی هم مساوی بودند به جزء نبوت خاصه «كنت انا وعلی بن ابی طالب نوراً بین یدی الله من قبل ان یخلق آدم با ربه عشر الف عام فلما خلق الله تعالی آدم ركب ذلك النور فی صلبه فلم یزل فی نوراً واحداً حتی افرقنا فی صلب عبدالمطلب ففی النبوه و فی علی الخلافه» (۱) «خلقت انا وعلی من نور واحد» (۲).

در روایت دیگر نبی اکرم فرمود: به درستی که علی از من و من از او هستم او از طینت من خلق شده. (۳)

در حدیثی رسول اکرم فرمود: «علی منی بمنزله راسی من بدنی» علی بمنزله سر از بدن برای من است انسان بی سر همان مرده است پس بطور واضح اشاره به همان نفس و جان مولا علی دارد قرآن و روایات مستند که جان علی همانند نبی اکرم است. (۴) رسول اکرم به مولا علی فرمود: «لانک منی کنفسی روحک من روحی و طینتک من طینتی وان الله تبارک و تعالی خلقنی و خلقک من نوره و اصطفانی و اصطفاک» (۵) تو روح منی و طینت تو طینت من است من و تو از نوری آفریده شدیم - آقای سلفی نفس در قرآن به معانی متعدد آمده است (جنس، شخص، قبیله) در قرآن سوره انعام آیه ۵۴ و سوره آل عمران آیه ۳۰ خداوند از خودش تعبیر به نفس کرده آیا نفس بمعانی قبیله و برادر و جنس است اینجا؟! خیر

جناب آقای انصاری سلفی فرمودی که منظور انفسکم و انفسنا در آیه مباحله برادر قبیله ای یا برادر دینی است در این موضع هم شما محکوم به مغلطه و شبهه سازی

ص: ۸۴

-
- ۱- ۱. مناقب ابن مغزلی ص ۸۸ ح ۱۳۰
 - ۲- ۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۹ ص ۱۷۱، الفردوس دیلمی ج ۳ ص ۲۸۳ ح ۴۸۵۱، مناقب ابن مردویه ص ۲۸۵ ح ۴۰۵، جواهر المطالب دمشقی ص ۶۱ باب ۱۰، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۶۷، ریاض النضره ج ۲ ص ۱۶۴، میزان الاعتدال ج ۱ ص ۲۳۵
 - ۳- ۳. مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۲۸، تاریخ بغداد ج ۶ ص ۵۸، حلیه الاولیاء ج ۱ ص ۸۴
 - ۴- ۴. تاریخ بغداد ج ۷ ص ۱۲ رقم ۳۴۷۵، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۴۴ رقم ۴۹۳۳، جامع الصغیر سیوطی ج ۲ ص ۱۷۷ ح ۵۵۹۶، کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۰۳ ح ۳۲۹۱۴، سهیل الهدی و الرشاد صالحی شامی ج ۱۱ ص ۲۹۷
 - ۵- ۵. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج ۱ ص ۱۶۷ ح ۵ باب ۷

می باشی چرا؟ جواب را از لابلای احادیث متقن و معتبر آقایان علمای اهل سنت و جماعت عنایت فرما مولا علی فرمود: «انا عبدالله واخو رسول الله لا یقولها بعدی الا کذاب - مکتوب علی باب الجنه محمد رسول الله علی اخو رسول الله قبل ان یخلق الله السموات والارض بالفی عام - قال رسول الله: انت اخی فی الدنیا والاخره- یا علی انت اخی بمنزله هارون من موسی انه لا نبی بعدی - انت اخی وانا اخوک فان ذا کرک احد فقل انا عبدالله واخو رسول الله لا یدعیها بعدک الا کذاب- والذی بعثنی بالحق نبیا ما اخترتک الا لفسی وانت بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی وانت اخی ووارثی» (۱) پیامبر اسلام وقتی بین گروه مهاجر وانصار عقد اخوت بست بعد بین خودش و مولا علی عقد اخوت و برادری دینی بست - آیا مهاجر وانصار انگشت پیامبر هم می شوند؟ مگر پیامبر بر تمام مخلوقات از جن وانس و ملک افضل نیست پس کسی که برادر ویژه او در دنیا و آخرت است هم پایه وهم رتبه اوست که چنین افتخاری پیدا کرده و پیامبر فرمود هر کس هم ادعا بکند که غیر از تو یا علی، برادر من هست او دروغگو است اما جواب شبهه دیگر شما که گفتی چون پیامبر از طایفه قریش بوده برادر قبیله ای آنان بوده بله از جهت اینکه در قبیله قریش بوده او را همانند برادرشان می شناختند اما برادر دینی آنها ابداً نبوده، برادر خونی آنها هم نبوده و پیامبر برگزیده خدا در میان آنان بوده و هیچ سنخیت و شباهتی باطنی و ظاهری با آنان نداشته است.

پیامبر اکرم فرمود: «ان الله اصطفی کنانه من اسماعیل واصطفی قریشاً من کنانه واصطفی من قریش بنی هاشم واصطفانی من بنی هاشم» (۲) خداوند کنانه را از نسل اسماعیل برگزید و قریش را از کنانه و بنی هاشم را از قریش و مرا از بنی هاشم در اباء وامهات واجداد پیامبر مشرک و فاسق نبوده همگی مومن واقعی بوده اند و همین طور نسل واجداد مولا علی که از یک ریشه است و بعرض هم رسید مولا علی و نبی اکرم خلقت نوری مشترک باهم داشته اند و در صلب عبدالمطلب از هم جدا شدند.

ص: ۸۵

۱ - ۱. صحیح ابن ماجه ص ۱۲، مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۱، تاریخ طبری ج ۲ ص ۵۶، کنز العمال ج ۶ ص ۳۹۴، اسد الغابه ج ۴ ص ۱۸، ریاض النضره ج ۲ ص ۱۶۵، مناقب ابن مغزالی ص ۹۱، ذخائر العقبی ص ۶۶، صحیح ترمذی ج ۲۹۹ مسند احمد ص ۴۵، مناقب احمد ج ۲ ص ۱۶۸، معجم الکبیر ج ۵ ص ۲۲۱ ح ۵۱۶۴، درالمنثور ج ۴ ص ۶۶۹، الثقات ابن حبان ج ۱ ص ۱۴۱، تاریخ دمشق ج ۲۱ ص ۴۱۵

۲ - ۲. صحیح مسلم ج ۷ ص ۵۸، سنن ترمذی ج ۵ ص ۲۴۵

در ذیل تفسیر آیه ۲۱۹ سوره شعراء: {وتقلبک فی الساجدین} ابن عباس در تفسیر آیه مذکور فرمود: «تقلبه من اصلاب الموحدين نبی الی نبی حتی اخرجه من صلب ایبه من نکاح غیر سفاح من لدن آدم» می گردانید پیغمبر را از پشت و کمرهای اهل توحید از پشت آدم بر پشت پیغمبری بعد از پیغمبری تا آنکه بیرون آورد او را از صلب پدر او از نکاح نه به زنا - مولا علی علیه السلام فرمود: ماییم اهل بیت رسول الله که احدی را نتوان قیاس به ما نمود «نحن اهل البیت لا یقاس بنا احد» (۱) قال علی علیه السلام: «نحن شجره النبوه ومحط الرساله ومختلف الملائکه ومعادن العلم وینایع الحکم» (۲) «ونحن الاعلون نسباً والاشدون برسول الله نوطاً» پس ثابت شد نفس و روح انبیاء و ائمه هدی قابل قیاس با نفوس افراد عادی بشر نیست نفوسی قدسی است که خداوند آنها را انتخاب و اختیار کرده و برگزیده جهت هدایت بشر - {واصطنعتک لنفسی} (۳) اگر در آیه ۶۱ سوره آل عمران به مشرکان مسیحی خداوند می گوید با نفوستان بیائید جهت نفرین بخاطر این است که می خواهد بگوید اگر واقعاً خودتان را محق می دانید و دارای چنین نفسی و روحی هستید قدم جلو بگذارید در حقیقت تابلو تهدید نشان آنها می دهد و آنها را به گود مبارزه جهت ادعای خودشان می طلبد مثل اینکه خداوند در قرآن می فرماید ای جن و انس اگر راست می گوئید یک آیه همانند قرآن بیاورید مگر خداوند نمی داند که کل جن و انس نمی توانند یک آیه همانند قرآن بیاورند وحی بر آنها نازل نمی شود می خواهد موضع باطل بودن آنها را و حق بودن قرآن را نشان دهد جریان انفسنا و انفسکم هم همانند این مثال مذکور است.

خداوند در قرآن سوره مبارکه توبه آیه ۱۲۰ می فرماید: {ولا یرغبوا بانفسهم عن نفسه} سزاوار نیست که اهل مدینه و بادیه نشینانی که اطراف آن هستند از رسول خدا تخلف جویند و برای حفظ جان خویش از جان او چشم پبوشند، پس ای انصاری

ص: ۸۶

-
- ۱- ۱. کنز العمال هندی ج ۱۲ ص ۱۰۴، فردوس دیلمی ج ۴ ص ۲۸۳، ذخائر العقبی ص ۱۷، کنوز الحقائق ج ۲ ص ۲۳۲
 - ۲- ۲. نهج البلاغه خطبه ۱۰۹ ش ۸، خطبه ۹۴ ش ۳، صفات النبی و اهل بیته... عتره خیر العتر و اسرته خیر الاسر و شجرته خیر الشجر - خطبه ۱۶۲ ش ۱
 - ۳- ۳. سوره طه ۴۱

سلفی جان پیامبر و نفس رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با نفوس ناس و مردم برابر نیست که آیه ۱۲۸ سوره توبه را در رد آیه مباحله که در فضیلت مولا علی است می آوری. اگر انصاری بگوید علی ابن ابیطالب که به قول شما نفس پیامبر یعنی همانند پیامبر و برادر پیامبر است، چگونه پیامبر اسلام دخترش فاطمه را به برادرش داده است، جواب این است که مولا علی برادر ایمانی و معنوی پیامبر است.

قرآن در سوره حجرات آیه ۱۰ می فرماید: {ان المومنون اخوه}، مومنان برادر یکدیگرند. در صحیح بخاری ج ۴ ص ۲۲۷ ح ۳۶۵۶ باب قول النبی لو كنت متخذاً خلیلاً از پیامبر اکرم نقل شده که فرمود: ابوبکر برادر من می باشد، اگر ابوبکر برادر پیامبر است چگونه دخترش عایشه به پیامبر که برادرش است تزویج کرده است؟! لو كنت متخذاً من امته خلیلاً لاتخذت ابابکر، ولكن اخی و صاحبی - ولكن اخوه الاسلام و موده. حدیث ۳۶۵۴.

بخاری در صحیح ج ۶ ص ۳۵ ح ۵۰۸۱ باب ۱۱، باب تزویج الصغار من الکبار از عروه روایت کرده است که گفت: همانا پیامبر اکرم عایشه را از ابوبکر خواستگاری کرد، ابوبکر به او گفت من برادر تو می باشم، پیامبر به ابوبکر گفت: تو در دین خدا و کتاب او برادر من می باشی و او (عایشه) بر من حلال است - فقال له ابوبکر: انما انا اخوک فقال: انت اخی فی دین الله و کتابه و هی لی حلال.

پیامبر به ام ایمن فرمود: برادرم علی را بخوان، گفتم علی برادرت هست و دختری به او دادی؟ فرمود: بله... او را به محبوبترین اهل بیتم نکاح کردم. یا ام ایمن ادعی لی اخی فقالت: هو اخوک و تنکحه... قال: نعم... فقد انکحتک احب اهل بیتی الی... (۱)

منظور آیه ۱۲۸ سوره توبه: یعنی رسولی از جنس خودتان و هم زبان خودتان برایتان فرستاد و امام صادق علیه السلام فرمود: یعنی رسولی که به ولادت جاهلیت به دنیا نیامده و در کلام مغیره آمده: خداوند رسولی از ما مبعوث کرد که از ماست، می شناسیم نسب و صفت او را. رسولاً من انفسهم ای من جنسهم و علی لغتهم کما قال ابراهیم: ربنا و ابعث فیهم رسولا منهم لقد من الله علی المومنین اذ بعث فینا رسولا منا، نعرف نسبه و صفته لقد جاء کم رسول من انفسکم قال: لم یصبه شیء

ص: ۸۷

من ولاده الجاهليه.(۱)

طبرى مى گويد: رسولا من انفسهم يعنى پيامبرى از اهل زبان خودشان. نبياً من اهل لسانهم.(۲)

ص: ۸۸

۱- ۱. تفسير ابن كثير مساله الجزء الرابع

۲- ۲. مساله الجزء السابع ص ۳۶۹، تفسير القرآن ذيل آيه ۱۶۴ آل عمران.

پاسخ به دروغ و مغلظه محمد انصاری مدیر شبکه وصال نا حق

آیه ۵۷ سوره مبارکه زخرف درباره فضیلت مولا علی علیه السلام نیست درباره تشبیه اوست به حضرت عیسی علیه السلام و شبیه بودن مثل و هم رتبه او بودن نیست؟!!

مداح ابن مالک پاسخ می دهد:

و لما ضرب ابن مریم مثلاً اذا قومک منه یصدون

و هنگامی که درباره فرزند مریم مثلی زده شد ناگهان قوم تو بخاطر آن داد و فریاد به راه انداختند .

اولاً مولی علی علیه السلام فرمود: این آیه درباره من نازل شده

عن عبد الرحمن بن ابی نعیم قال: قال لی علی: فی نزلت (و لما ضرب ابن مریم مثلاً)

در تفسیر این آیه دارد که مولا علی گفت: روزی در محضر پیامبر اکرم آمدم و او را نزد جمعیت انبوهی از قریش دیدم پس به من نگاه کرد و گفت: یا علی مثل تو در این امت مثل عیسی ابن مریم است گروهی او را دوست داشتند و زیاده روی کردند در محبت و گروهی با او دشمنی کردند. جمعیتی که در نزد پیامبر اسلام بودند خندیدند و گفتند: نگاه کنید که چگونه پسر عموی خودش را به عیسی مثال زد و شبیه کرد وحی نازل شد و آیه مذکور بر پیامبر فرستاده شد:

یا علی انما مثلك فی هذه الامه كمثل عیسی بن مریم احبه قوم فافرطوا فیه و ابغضه قوم فافرطوا فیه ... قال فضحك الملا الذین عنده ثم قالوا: انظروا كيف شبه ابن عمه بعیسی بن مریم قال: فنزل الوحي ...

سلمان فارسی می گوید: روزی نبی اکرم با اصحاب خودش نشسته بودند در این

وقت فرمودند الان شخصی بر شما وارد می شود که مانند حضرت عیسی می باشد و نظر ها درباره او به ۳ فرقه می باشد اهل افراط (غلو کنندگان) - اهل تفریط (دشمنان) و اهل اعتدال (شیعیان) - ناگهان دیدند مولا علی وارد مسجد شد، صحابه منافق ناراحت شدند و گفتند محمد صلی الله علیه و آله راضی نشد از برتری علی بر ما تا آن که او را مشابه و همانند عیسی ابن مریم گردانید به خدا قسم بت های ما که در جاهلیت می پرستیدیم بهتر از علی است که بعد از آن آیات فوق نازل شد. منابع زیادی از اهل سنت این قضیه و شان نزول را درباره مولا علی علیه السلام نقل کرده اند. (۱)

آقای انصاری سلفی در تشبیه و مشابه به، باید مشابهات و اشتراکاتی باشد که خداوند و رسول به آن تأکید فرموده اند که علی بن ابی طالب علیه السلام شباهت دارد به عیسی و حقیر از همین سوره زخرف هم برای شما ثابت می کنم که حضرت مولا علیه السلام از حضرت عیسی و تمام پیامبران غیر از رسول اسلام افضل تر و بالاتر می باشد.

یا علی مثلک فی امتی مثل المسیح عیسی بن مریم افتراق قومه ثلاث فرق: فرقه مؤمنون و هم الحواریون و فرق عادوه و هم الیهود و فرقه غلوا فیہ فخرجوا عن الایمان. (۲)

در منابع زیادی از کتب حدیثی تاریخی و تفسیری اهل سنت آمده است در وجود مولا علی علیه السلام صفات ممتاز تمام انبیاء جمع شده خصوصاً صفات و خصایص عالیه حضرت عیسی بن مریم علیه السلام. (۳) ذکر الاحادیث و الاخبار الوردیه فی فضائل علی علیه السلام من اراد ان ینظر الی ...

والی عیسی فی زهدہ فلینظر الی علی ابن ابی طالب و من اراد ان عیسی فی صفوته فلینظر الی علی بن ابی طالب. (۴)

ص: ۹۱

۱- ۱. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۴۱۹ - مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۳۳ - تاریخ دمشق ابن عساکر ح ۷۴۷ ج ۲ ص ۲۳۴ - ابن الاعرابی در معجم الشیوخ ج ۲ ص ۱۹ و ص ۱۵۲ - ابویعلی موصلی در ح ۲۷۴ از مسند علی علیه السلام به شماره ۵۳۴ - در مسند خود ج ۱ ص ۳۷، ج ۱ ص ۴۰۶ - کنز العمال متقی هندی ج ۱۵ ص ۱۱۰ باب فضائل علی شماره ۳۱۴ - تاریخ کبیر بخاری ج ۳ ص ۲۸۱ - خصائص امیر المومنین شعیب نسائی به شماره ۱۰۳ ح ۱۳۷۶ - مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۱۶۰ - خوارزمی در ح ۳۲ فصل ۱۹ ص ۲۲۰ - کتاب مناقب - شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۲۹۶ ح ۸۵۹

۲- ۲. مناقب اخطب خوارزمی حنفی ح ۳۱۸ ص ۴۶۴

۳- ۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۹ ص ۱۶۸ خطبه ۱۵۴

۴- ۴. تفسیر کبیر فخر رازی ج ۸ ص ۸۱ سوره آل عمران آیه ۶۱ مسئله الخامسة

من ارد ان ينظر الى عيسى في عبادته فلينظر الى ابن ابي طالب(۱)

من اراد ان ينظر الى عيسى في ورعه فلينظر الى علي ابن ابي طالب(۲)

شعرانی در لیاقت و الجواهر ج ۲ ص ۱۸ مبحث ۳۲ می گوید: حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام اسرار جمیع پیامبران و با خصائص آن ها را داشت

قال الشيخ محي الدين و كان اقرب الناس اليه في ذلك الهباء علي ابن ابي طالب رضي الله تعالى عنه الجامع الاسرار الانبياء اجمعين)

گنجی شافعی در کفایه الطالب ص ۱۲۲ باب ۲۳ می گوید: این تشبیهات می رساند که علی علیه السلام متخلق با اخلاق پیامبران و متصف به صفات اصفیاء بوده:

فكان متخلقاً باخلاق الانبياء متصفاً بصفات الاصفیاء.

محمد بن طلحه شافعی در مطالب السوول ص ۹۷ باب ۱ فصل ۶ می گوید: بلند می کند این اوصاف حمیده علی علیه السلام را به منتها درجه رفعت و علوشان، زیرا که پیغمبر تشبیه کرده است آن حضرت را به پیامبران از حیث صفات.

و تعلوا هذه الصفات الى اوجي العلي حيث شبهها بهؤلاء الانبياء المرسلين من الصفات المذكوره

اما برتری مولا علی علیه السلام بر تمام انبیاء به غیر از رسول اکرم در سوره زخرف در آیه ۴۵ این سوره خداوند می فرماید:

و سئل من ارسلنا من قبلک من رسلنا = ای پیامبر سؤال کن از پیامبران گذشته

ابن عباس و ابن مسعود از نبی اسلام روایت کرده اند که فرمود: چون شب معراج مرا به آسمان بردند و پیامبران را جمع کردند و من با ایشان نشستم فرشته ای آمد و گفت که حضرت عزت می فرماید که از این پیامبران پرس که ایشان را به چه چیز فرستاده اند؟ رسول به آنها خطاب کرد: علی ما بعثتم: شما بر چه چیز مبعوث شدید؟ گفتند: علی ولایتک و ولایه علی بن ابی طالب: ما را بهسبب ولایت تو و علی ابن ابی طالب فرستادند.

آقای سلفی وقتی که تمام پیامبران مأمورند از طرف خدا برای معرفی و تبلیغ از رسول اسلام و شاه ولایت علی مرتضی علیه السلام چگونه حضرت عیسی و پیامبران بر او برتری

ص: ۹۲

۱- ۱. شرح المواقف ج ۲ ص ۳۶۹ مرصد ۴ مقصد ۵ تفتازانی در شرح المقاصد ج ۵ ص ۲۹۶ مقصد ۶ فصل ۴ مبحث ۶

۲- ۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۷ ص ۲۲۰ خطبه ۱۰۸- لسان المیزان ابن حجر ج ۶ ص ۶۹۳ رقم ۸۳۹۷

از جمله آیه دیگر در سوره زخرف که برتری مولا- علی بر عیسی علیه السلام و سایر انبیاء را به وضوح نشان می دهد آیه ۶۱ سوره زخرف است {وانه لعلم للساعه} و آیه ۱۵۹ سوره نساء و ان من اهل الكتاب الا لیؤمنن به قبل موته است .

چنانچه مفسرین هم تفسیر کرده اند نزول عیسی از آسمان به زمین از علائم قیامت و شرط ساعت است و پس از ظهورش عیسی پشت سر حضرت مهدی نماز می خواند.

ابن حجر در صواعق المرقه ص ۹۹ می نویسد: احادیث نماز خواندن عیسی پشت سر حضرت مهدی متواتر است

سیوطی در الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۱۶۷ می نویسد: موضوع اقتدای عیسی به مهدی از موضوعات ثابت است

و این مطلب در صحیح مسلم ج ۱ ص ۹۴- مسند احمد ج ۱ ص ۹۵- فتح الباری ج ۶ ص ۳۵۸ و ... آمده:

کیف انتم اذا نزل فیکم ابن مریم و امامکم منکم

علامه سمهودی در جواهر العقدین ص ۲۶۲ می نویسد:

لان نزول عیسی بن مریم لقتل الدجال یكون فی زمانه و یصلی خلف المهدی كما جاءت به الاحادیث

مرحوم علامه محمد باقر مجلسی در حیات القلوب ج ۱ ص ۵۴۹ الی ص ۵۵۰ فصل ۶ می نویسد: به سند معتبر از امام حسن مجتبی روایت شده است که بعد از این هیچ یک از ما اهل بیت نخواهد بود مگر قائم که امام دوازدهم است و عیسی روح الله پشت سر او نماز می خواند؛ در حدیث معتبر دیگر نبی اسلام فرمود: مهدی از فرزندان من خواهد بود و چون خروج کند عیسی از آسمان نازل شود برای نصرت او؛ وی را پیش دارد و در عقب او نماز بخواند. امام باقر در حدیث معتبر دیگر فرمود: و اگر ما بهتر و برتر از پیامبران نبودیم؛ عیسی پشت سر ما؛ نماز نمی خواند؛ - کمال

ص: ۹۳

۱- ۱. تفسیر ثعلبی ج ۴ ص ۳۳۵ - مناقب خوارزمی ح ۳۵ فصل ۱۹ ص ۲۲۱ - خصائص الوحی المبین ابن طریق ح ۱۱۶ فصل

۱۱ ص ۹۸ - شرح المختار ۴۳ از نهج البلاغه ج ۱ ص ۵۷۰ - الکشف و البین عن تفسیر القرآن ج ۸ ص ۳۳۸

الدين صدوق ج ۱ ص ۲۸۴ - و من یصلی خلفه عیسی بن مریم القائم ؛ مجمع البیان ج ۳ ص ۲۱۱ - ان عیسی بن مریم ینزل قبل یوم القیامه الی الدنیا و لایبقی اهل مله یهودی او نصرانی او غیره الا و آمن به قبل موت عیسی و یصلی خلف المهدی ؛ اعلام الوردی ج ۲ ص ۲۳۰ الا القائم الذی یصلی روح الله عیسی بن مریم خلفه - امالی صدوق ج ۱ ص ۲۸۷ و من ذریتی مهدی ؛ المهدی اذا خرج نزل عیسی بن مریم لنصرته فیقدمه و یصلی خلفه ؛ فضائل الخمسه فیروز آبادی ج ۳ ص ۴۰۱ ؛ اعیان الشیعه ج ۲ ص ۵۱ و ص ۵۳ ؛ منتخب الاثر ج ۲ ص ۳۵۷ کشف الغمه ج ۳ ص ۲۸۰ ؛ النجم الثاقب ج ۲ ص ۳۵۰ ؛ بحار الانوار ج ۱۴ ص ۳۵۰ ؛ زبده التفاسیر ج ۲ ص ۱۹۱ ؛ نهاییه الارب نویری ج ۱۴ ص ۲۷۴ ؛ احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۹۸ ؛ عقد الدرر ص ۲۹۲ مهدی موعود ؛ شهید آیت الله سید عبدالحسین دستغیب شیرازی ص ۹۲ و ص ۳۰ ؛ احادیث المهدی من مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۱۱۷ - ان عیسی یصلی خلفنا و هو نبی الا و نحن افضل منه - بحار الانوار ج ۲۴ ص ۳۲۹ ؛ یوم الخلاص ص ۳۴۶ - فیقدمه عیسی و یصلی خلفه ؛ المصنف ابن ابی شیبہ کوفی (استاد اسماعیل بخاری) ج ۷ ص ۵۱۳ ح ۳۷۶۴۹ محقق کمال یوسف الحوت چاپ ۱۴۰۹ چاپ مکتبه الرشد الریاض ؛ الفتن ابن حماد ج ۱ ص ۳۷۳ ؛ سنن ابن ماجه قزوینی ج ۲ ص ۱۳۶۱ ح ۴۰۷۷ ؛ صحیح الجامع الصغیر و زیادته ؛ ناصر الدین آلبنانی و هابیبی ج ۲ ص ۱۰۲۹ ح ۵۹۲۰ و ج ۲ ص ۸۴۱ - المهدی من هذه الامه و هو الذی یصلی یوم عیسی بن مریم - منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه - ارشاد الساری ج ۵ ص ۴۱۹ قسطلانی ، الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۷۷ و ص ۷۸ ؛ فرائد السمطین جوینی ج ۲ ص ۱۵۴ و ص ۳۱۲ - ان خلفائی و اوصیائی و حجج الله علی الخلق بعدی لاثنی عشری اولهم اخی و آخرهم ولدی ... قیل من ولدک ؟ قال : المهدی ... حتی یرج فیہ ولدی المهدی ؛ فینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه - ابن حجر می نویسد: تواترت احادیث می رساند که مهدی از این امت است و عیسی در پشت سر او نماز می خواند و نماز خواندن عیسی پشت سر ؛ حضرت مهدی در آخر الزمان دلالت صحیح دارد از اقوال احادیث که زمین از حجت الهی خالی نیست - فتح الباری ج ۶ ص ۴۹۴

عمده القاری ج ۱۶ ص ۴۰؛ تهذیب التهذیب ج ۹ ص ۱۲۹ - تواترت الاخبار المهدی من هذه الامه و ان عیسی یصلی خلفه و فی صلاه عیسی خلف رجل من هذه الامه مع كونه فی آخر الزمان دلالة للصحيح من الاقوال ان الارض لا تخلوا عن قائم لله بحجه - جلال الدين سيوطی در الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۲۰۲ می نویسد: خواندن نماز عیسی پشت سر حضرت مهدی؛ ثابت است در احادیث صحیح نبی اکرم - فان صلاه عیسی خلف المهدی ثابتة فی عده احادیث صحیحه باخبار الرسول؛ بر بهاری حنبلی در شرح الحسنه ج ۱ ص ۲۷ می نویسد: عیسی از آسمان به زمین نازل می شود و پشت سر قائم آل محمد نماز می خواند - و یصلی خلف القائم من آل محمد - عیون الاخبار الرضا ج ۱ ص ۲۱۸ صدوق - اذا خرج المهدی من ولدی نزل عیسی بن مریم فصلی خلفه - بخاری و مسلم بطور سانسور شده نقل کرده اند که نبی اکرم فرمود: در چه حالی هستید که بر شما فرزند مریم (عیسی) نازل شود و امام شما از خود شما باشد - کیف انتم اذا نزل ابن مریم و امامکم منکم - صحیح البخاری ج ۴ ص ۱۶۸ ح ۳۴۴۹ باب نزول عیسی بن مریم؛ صحیح مسلم ج ۱ ص ۱۳۷ ح ۲۴۶ و ۲۴۷ باب بیان الزمن الذی لا یقبل فیہ الایمان؛ جامع الاصول ج ۱۰ ص ۳۲۷؛ تفسیر قرطبی ج ۴ ص ۱۰۱؛ الجمع بین الصحیحین ج ۳ ص ۱۰؛ جامع الصغیر ج ۲ ص ۳۱۵؛ مسند احمد حنبلی ج ۱۳ ص ۱۰۸ ح ۷۶۸۰ اسناد صحیح؛ شرح صحیح بخاری الکوکب الدراری؛ کرمانی ج ۱۴ ص ۸۸ ح ۳۲۲۸ صواعق المحرقة ابن حجر مکی ج ۲ ص ۴۴۶ - و ذلك عند نزول المهدی لما یاتی فی احادیثه ان عیسی یصلی خلفه - اسعاف راغبین ص ۱۳۳ و ص ۱۳۴ و ص ۱۳۸؛ ینابیع الموده ج ۶ ص ۲۰۸؛ السنن الوارده فی الفتن للدانی ج ۵ ص ۱۰۸۹؛ عقد الدرر فی اخبار المنتظر ج ۱ ص ۳۳۹ و ۳۳۲ - و اخرج الطبرانی مرفوعاً: یتلف المهدی و قد نزل عیسی کانما یقطر من شعر الماء فیقول المهدی: تقدم فصل بالناس فیقول عیسی: انما اقيمت الصلاة لك فیصلی خلف رجل من ولدی - و فی صحیح ابن حبان فی امامه المهدی نحوه - و صح مرفوعاً ینزل عیسی بن مریم فیقول امیرهم المهدی: تعال صل بنا فیقول: لا انما بعضکم ائمه علی بعض تکرمه من الله لهذه الامه - الفتادی الحدیثه ابن حجر ج ۱ ص ۲۹ - ینزل عیسی بن مریم عند طلوع الفجر

بیت المقدس ينزل على المهدي - و جلهم بيت المقدس و امامهم المهدي رجل صالح ... - فيضع عيسى يده بين كتفيه فيقول له تقدم فصل فانها لك اقيمت فيصلى بهم امامهم ؛ ملاعلى قارى در مرقاه المفاتيح ج ۸ ص ۳۴۹۵ مى نويسد : منظور از امامكم منكم يعنى مهدي - امامكم منكم ظاهر فى ان المهدي هو الامام فينزل عيسى بن مريم فيقول اميرهم : اى المهدي - اذا نزل ابن مريم و فيكم و امامكم منكم : اى من اهل دينكم و قيل من قریش و هو المهدي - ح ۵۵۰۶ و ح ۵۵۰۷ - عقیده اهل السنه و الاثر فى المهدي المنتظر ج ۱ ص ۱۳۴ و ص ۱۳۳ ؛ - فاذا كان يوم الجمع من صلاه الغراه و قد اقيمت الصلاه فالتفت المهدي فاذا هو بعيسى بن مريم قد نزل من السماء فى ثوبين كانما يقطر من راسه ... فيقول له الامام : تقدم فصل بالناس فيقول له عيسى : انما اقيمت الصلاه لك فيصلى عيسى خلفه (عقد الدرر ج ۱ ص ۳۳۲) المنار المنيف فى الصحيح و الضعيف ص ۱۴۷ ابن قيم - قال رسول الله : ينزل عيسى بن مريم فيقول اميرهم المهدي : تعال صل بنا فيقول : لا ان بعضهم امير بعض تكرمه الله هذه الامه : و هذا اسناده جيد - القول المختصر فى علامات المهدي ص ۷۱ ابن حجر.

عيسى بن مريم، پیامبر اوالعزم و صاحب کتاب، کلمه الله، روح الله و صاحب معجزات است وقتى او اقتدا به مهدي موعود مى کند معنایش آن است که او، امام و پیشوا و مقدم و افضل بر حضرت مهدي نيست و حضرت مهدي امام است و از نسل امام حسين فرزند مولا على عليه السلام است وقتى حضرت عيسى بر فرزند مکرم مولا على عليه السلام مفضول و ماموم مى باشد چگونه بر امير مؤمنان، نفس پیامبر و خير البشر على عليه السلام افضليت و ارجعيت مى تواند داشته باشد اگر بگويى منظور امامكم منكم امام از طرف شما مسلمانان است چه مسلمانى مى تواند از پیامبر اوالعزم خداوند برترى پيدا کند.

در روايت دارد حضرت عيسى بر آب راه مى رفت اگر ايمانش قوى تر بود بر آسمان هم راه مى رفت .

اما برترى متعدد مولا على بر حضرت عيسى از خلال آیات و روايات و دلائل نقلی و تاريخی

اول : خلقت عيسى بوسيله دميدن روح القدس بود که ایشان بدون پدر به قدرت

کامله الهی از حضرت مریم بدنیا آمدند ولی مولا علی؛ خلقتش از نور الهی بود و قبل از خلقت عالم و آدم و عیسی خداوند را تقدیس و عبادت می کرد که خلقت نوری مولا علی را شیعه و سنی با اسناد مختلف نقل کرده اند که روایات صحیح در بین آن موجود می باشد - بحارالانوار ج ۳۵ ص ۲۹ ح ۲۵

دوم: مولا علی به امر خداوند در خانه کعبه بدنیا آمد ولی عیسی را نگذاشتند در بیت المقدس بدنیا بیاید و خداوند به مادر عیسی امر فرمود از بیت المقدس خارج شود؛ سوم: وقتی حضرت عیسی در رحم مادر قرار گرفت؛ خداوند، تورات و انجیل را به او تعلیم داد و در شکم مادر خواند بطوری که مادرش صدای او را شنید ولی مولا علی بالاتر از آن را انجام داد. بحار الانوار ج ۳۵ ص ۱۱؛

چهارم: عیسی وقتی به دنیا آمد در دستان مادرش حضرت مریم بود و برای مبراء ساختن تهمت بنی اسرائیل به مادر مطهرش به قدرت خداوند به سخن آمد و گفت به مادرم تهمت زنید من بنده خدا هستم و خداوند به من کتاب آسمانی داده است.

پنجم: حضرت عیسی با اجازه و اذن خدا در گهواره گفت؛ خداوند درباره نماز و زکات به من سفارش کرده ولی خداوند درباره شان والای بی نظیر او (امام علی) آیه ۵۵ سوره مائده (آیه ولایت) را نازل کرد؛ که ولی و سرپرست شما در دین و دنیا و آخرت؛ خداوند و رسول اسلام و علی و ۱۱ فرزند او هستند و مولا- علی نماز و زکات را با هم جمع کرد و آیه بی نظیر ولایت در شأن و جلالت او از سوی حق ذوالجلال نازل شد.

ششم: عیسی بن مریم علیه السلام خودش سلام خدا بر خودش خواند؛ سلام خدا بر من روزی که دنیا آمدم و روزی که می میرم و روزی که زنده می شوم؛ درود و سلام خداوند بر مولا علی بالاتر و افضل تر است چرا که عیسی خود بر خود؛ درود و صلوات می فرستد اما خداوند رحمان بر مولا علی درود و صلوات می فرستد و می فرماید سلام بر آل یاسین؛ یاسین نام مبارک رسول اسلام و آل یاسین؛ مولا علی و خانواده اش می باشد.

هفتم: خداوند؛ حدود ۳۰ سال به حضرت عیسی وحی نازل کرد و چون یهودیان قصد کشتن او را داشتند؛ خداوند بوسیله روح القدس او را به آسمان برد و از شهادت

و گذشته شدن نجات داد اما مولا علی؛ امامتش ۳۰ سال بطول انجامید و در سن ۶۳ سالگی بدست شقی ترین فرد در مسجد کوفه به شهادت رسید و این شهادت امتیاز بسیار بزرگی است که عیسی این امتیاز را به دست نیاورد.

هشتم: برای عیسی یکبار مائده و خوراک بهشتی از آسمان نازل شد.

برای مولا علی و خانواده او؛ بارها؛ سفره غذا و طبق میوه از آسمان نازل شد؛

نهم: خداوند به حضرت عیسی علم؛ تورات و انجیل عنایت کرد ولی به مولا علی؛ علم تمام کتب آسمانی تفضل کرد؛

دهم: حضرت عیسی به اجازه خداوند؛ مرده را زنده می کرد و بیماران جسمی را؛ شفاء می داد ولی مولا علی بالاتر از شفای جسمی؛ بیمار دلان را شفاء می داد؛ عیسی مردگان را زنده می کرد ولی مولا علی هم آنان را زنده می کرد و به دین اسلام دعوت می نمود و باعث رسوایی دشمنان می شد که در داستان تکلم او با اصحاب کهف و امثالهم در روایات اشاره شده؛

یازدهم: عیسی فقط بشارت دهنده و مژده دهنده به آمدن نبی اسلام بود ولی مولا علی؛ یاری کننده و وصی و جانشین؛ داماد و پسر عمو و برادر آن حضرت بود؛

دوازدهم: عیسی برای حفظ جان خود از بنی اسرائیل از شهری به شهری از روی ترس جان و حفظ جان؛ متواری بود و زمانی که می خواستند او را به قتل برسانند فرار کرد و جبرئیل او را بسوی آسمان عروج داد؛ ولی مولا علی با اخلاص کامل بدون هیچ چشم داشتی و پاداشی از خدا و رسول؛ نفس و جان خود را طبق اخلاص هدیه کرد به نبی اسلام در شب هجرت تا ایشان با خیال آسوده هجرت بکنند و آیه ليله المیت در شأن ایشان نازل شد... برای اطلاع بیشتر به کتاب برترین پیامبر و بهترین امت نوشته دانشمند محترم استاد شیخ نعمت الله صالحی حاجی آبادی ص ۳۲۸ الی ص ۳۵۲ چاپ انتشارات گل های بهشت تاریخ نشر ۱۳۸۹ رجوع فرمائید.

از عایشه نقل شده که گفت از نبی اسلام شنیدم: که می فرمود: ای مردم بدترین خلق خدا؛ بهترین خلق خدا و بهترین خلیفه و آن کسی که نزدیک ترین فرد به خدا و پیامبر است را به قتل می رساند - بحار ج ۳۸ باب ۵۶ ص ۹؛ ابوبکر خلیفه اول می گوید: علی علیه السلام؛ همانند نبی اکرم؛ مردم به او محتاج هستند

و همین برای او فضیلت و کمال است و بر مردم واجب است از او اطاعت نمایند ... آرزوکنندگان آرزو می کنند ای کاش خاک پای پسر ابی طالب بودند زیرا ؛ او در قیامت صاحب پرچم حمد محمد صلی الله علیه و آله و سلم و صاحب و ساقی حوض کوثر است ؛ او واسطه بین مومنین در پیشگاه خدا و رسولش است - بحارالانوار ج ۲۹ ص ۴۹ الی ص ۵۰ ؛ خلیفه دوم عمر ابن الخطاب می گوید : علی پسر ابوطالب ؛ خداوند به او ؛ ۱۲ فضیلت داده که به احدی از خلائق و جهانیان نداده اول : تولد در کعبه دوم : ازدواج آسمانی با فاطمه سوم : تنها همسر فاطمه چهارم : حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت از فرزندان او ؛ پنجم : مولای بعد از نبی در غدیر خم معرفی شد ؛ ششم : نسبت علی به پیامبر بمنزله هارون نسبت به موسی ؛ هفتم : بسته شدن درب تمام صحابه به مسجد مگر درب خانه علی ؛ هشتم : نبی اکرم فرمود : اگر کسی به مدت ۹۵۰ سال تبلیغ نوح ؛ عبادت کند ولی ولایت علی را نپذیرد اعمالش باطل و جهنمی است ؛ نهم : ستاره ها در خانه او فرود می آمدند ؛ دهم : دو مرتبه خورشید برای خاطر او برگشت یازدهم : علی با مرده ها و حیوانات صحبت می کرد ۱۲: علی می تواند ۵۰ هزار نفر مانند عمر را با دست چپ خود بدون اینکه احتیاج به دست راستش داشته باشد بکشد - مواظ العبدیه باب ۱۲ فصل ۳ ص ۲۵۸ ؛ اما فضائل بی نظیر مولا علی از گفتار مقدس حضرت احدیت خداوند تبارک و تعالی ؛ خداوند راجع به سخت گیری خود می فرماید : همانا برآستی انتقام گرفتن و عذاب پروردگار بسیار سخت است - (بروج - ۱۲) و درباره پیامبرش می فرماید : و کسانی که به او ایمان آورده اند و دوستی و عشق آنان به خدا از مشرکان نسبت به بت هایشان شدیدتر است (بقره ۱۶۵) خداوند راجع به رحمت و مهربانی خود می فرماید : بنام نامی آن خدایی که رحمان و رحیم (اول هر سوره) و درباره نبی اسلام می فرماید : ما تو را نفرستادیم مگر اینکه رحمت برای عالمیان باشی ؛ نور ۱۰ ، ۱۴ و ۲۰ و ۲۱ تفسیر فرات کوفی ص ۲۰۰ ؛ در المنشورج ۳ ص ۳۰۸ خداوند راجع به عزت و بزرگواری خود می فرماید : این قرآن از سوی خداوند عزیز و مقتدر می باشد - زمر آیه ۱ ؛ جائیه (۲) ؛ احقاف (۲) - و درباره نبی اسلام می فرماید : بسوی شما آمد پیامبری که عزیز و بزرگوار است - توبه ۱۲۷ ؛ خداوند راجع به عظمت خود

می فرماید: پروردگار آن خدای با عظمت - بقره ۲۵۵ و درباره نبی اسلام می فرماید: ای پیامبر به درستی که خلق تو عظیم است و درباره مولا- علی می فرماید: آن ها از خیر بزرگ سوال می کنند (یعنی امامت مولا- علی)؛ خداوند می فرماید: خداوند نور آسمان ها و زمین است (نور آیه ۳۵) و درباره نور بودن نبی اکرم می فرماید: به تحقیق از جانب خداوند بر شما نور (پیامبر) و درباره مولا علی می فرماید متابعت کنید از نوری که با پیامبر نازل شد یعنی علی - (مائده ۱۵- اعراف ۱۵۷) تفسیر نور الثقلین ج ۲ ص ۸۵؛ و خداوند درباره ولایت و رهبری خود و نبی اکرم و علی چنین می فرماید: ولی و سرپرست در امور شما؛ خدا و پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند و نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند که تمام مفسران سنی و شیعه می گویند زکات دهنده در رکوع نماز؛ مولا علی بوده - احقاق الحق ج ۲ ص ۳۹۹ الی ص ۴۱۰ - برترین پیامبر و بهترین امت ص ۱۹۹ و ص ۲۰۰ - ان عمر بن الخطاب فی اول یوم صعد المنبر فی الخلافه قال و الله لقد اعطی؛ علی ابن ابی طالب اثنی عشر فضیله لم یکن لی ولا لاحد من الناس مثلها و لا واحده منها؛ الاول؛ مولده فی الکعبه الثانی: زواجه من السماء الثالث: زوجته فاطمه؛ الرابع: الحسن و الحسین اولاده؛ الخامس: قول النبی بحضرتی من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم و ال من والاه و عاد من عاداه؛ السادس: یوم غدیر خم قال بحضرتی یا علی انت منی بمنزله هرون من موسی؛ السابع: سد ابواب الصحابه ولم یسد لعلی باب؛ الثامن: قول النبی من عبدالله فی مثل مکة و المدینه الف سنه الاخمسین عاما کنوح فی قومه و صبر علی حر مکة و جوع المدینه و انفق ماله کجبل ابی قبیس و قاتل بین الصفاء و المروه فی عامداً محتسباً و لم یات بولایتک یا علی فکان عمله و زهده و نفقته هباء منثوراً؛ التاسع: ان تهوی النجوم فی داره؛ العاشر: ردت له الشمس مرتین مره بالمدينه و مره بالعراق و الحادی عشر انه تکلم مع الاموات و الاسد و الذئب و الغزاله و الثعبان و السمکه یوم الخاتم؛ الثانی عشر: انه قادر ان یقتل عمر بشماله دون یمینه و کان علی ابن ابی طالب حاضرراً فرفع راسه و قال اعترف بالحق قبل ان یشهد علیه - (الفصل الثالث ص ۴۲۳ و ص ۴۲۴ المواعظ العدديه؛ تألیف آیه الله حاج میرزا علی مشکینی؛ اصل تألیف: من المحدث محمد بن الحسن الحسینی ناشر: المطبعة الهادی ۱۷

ربيع الاول ١٤١٩؛ الروضه في المعجزات و الفضائل ج ١ ص ١٦٢؛ الروضه في فضائل اميرالمومنين على ابن ابى طالب ج ١ ص ٢٣٨ و ص ٢٣٩؛ ابن شاذان قمى؛ - بحارالانوار جلد ٢٩ ص ٩٩ باب ١٠- اقرار ابى بكر بفضل اميرالمؤمنين و خلافته بعد الغصب؛ - ود المتمنون ان لو كانوا تراب ابن ابى طالب ... و جامع كل كرم و عالم كل علم و الوسيه الى الله و رسوله ... و لحاجه الناس اليه بعد نبههم ...

رسول اكرم فرمود: اگر هفت آسمان و زمين را در يك كفه ترازو بگذارند و ايمان على را در كفه ديگر هر آينه ايمان على رجحان پيدا مى كند بر آن ها.

لو ان السموات السبع و الارضين السبع و ضعن فى كفه ميزان و وضع ايمان على فى كفه ميزان لرجح ايمان على(١)

يك ضربه شمشير مولا على بالاتر است عبادت جن و انس تا روز قيامت و حفظ اصل اسلام و قرآن و حفظ جان پيامبر بر مى گردد به فداكارى و جانبازى مولا على به همين مقدار بسنده مى كنم.

لضربه على خير من عباده الثقيلين.(٢)

ص: ١٠١

١- ١. مناقب خوارزمى ص ١٣١ ح ١٤٦ - كنز العمال ج ١١ ص ٦١٧ - تاريخ دمشق ج ٤٢ ص ٣٤١ - الفردوس ديلمى ج ٣

ص ٣٦٣ - ذخائر العقبى ص ١٠٠ - رياض النضره ج ٣ ص ٢٠٦ - جواهر المطالب دمشقى ج ١ ص ٢٦٨

٢- ٢. المعيار و الموازنه اسكافى ص ٩١ - شرح المواقف جرجانى ج ٨ ص ٣٧١

فصل چهارم: دلایل متعدد آیات و روایات در باب برتری حضرت علی علیه السلام بر پیامبران

ص: ۱۰۲

ما پیامبران را بر عالمیان برتری دادیم پس ائمه ۱۲ گانه شیعه بر پیامبران افضل نمی باشند!!!

پاسخی مختصر به محمد انصاری سلفی اموی راجع به آیه ۸۶ سوره انعام

مداح ابن مالک به لطف حق پاسخ می دهد: به طور قائده الهی، انبیاء و رجال الهی از کلیه مخلوقات خداوند اعم از جن، انس، ملائکه حیوانات افضل هستند ولی در بین انبیاء، باز فاضل و مفضول می باشد قرآن کریم در سوره ی بقره آیه ۲۵۳ می فرماید: ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم و درجه ی بعضی از آنان بالاتر قرار دادیم

ای وهابی ملحد؛ بدان علمای تفسیر قرآن اهل سنت در ذیل آیه ۸۶ سوره انعام نوشته اند این پیامبران مذکور؛ در زمان و عصر خودشان افضل و برتر بوده اند - تفسیر سمرقندی ج ۱ ص ۴۶۵ و کلاً فضلنا علی العالمین: بالرساله و النبوه فی ذلک الزمان؛ تفسیر ثعلبی ج ۴ ص ۱۶۷ و کلاً فضلنا علی العالمین: یعنی عالمی زمانهم؛ تفسیر الوسیط واحدی ج ۲ ص ۲۹۵ -

یعنی و کلاً من المذكورین ههنا علی عالمی زمانهم؛ تفسیر غرائب القرآن ج ۳ ص ۱۱۳ -

وقیل: فضلنا هم علی عالمی زمانهم؛ تفسیر ثعلبی ج ۲ ص ۴۸۹ - و کلاً فضلنا علی العالمین: معناه: عالمی زمانهم، تفسیر بغوی ج ۳ ذیل آیه ۸۶ انعام - و کلاً فضلنا هم علی العالمین: ای عالمی زمانهم؛ تفسیر المنار؛ رشید رضا ج ۷ ص ۴۸۷

- جعله الله تعالى لكل نبي على عالمي زمانه فتح القدير شوکانی ج ۱ ذیل آیه مذکور - وكلا فضلنا على العالمين : ای كل واحد فضلناه بالنبوه على عالمي زمانه ؛ تفسیر ابن عاشور ج ۷ ص ۳۴۳ - والمراد تفضیل كل واحد منهم على العالمين من اهل عصره ؛ تفسیر کبیر فخر رازی ج ۴ ص ۱۷۲ - قال ابن عطیه : معناه عالمی زمانهم ؛ فخر رازی در تفسیر کبیرش ذیل آیه مذکور می نویسد : حضرت داود افضل و برتر در زمان خودش بود - و قدم داود لتقدمه فی الزمان ؛ بعد می نویسد : منظور و من ذریته شامل امام حسن و امام حسین می شود چون ذریه پیامبر اسلام هستند ؛ پس این آیه شامل ائمه ما هم می شود ؛ جناب وهابی سؤال ؟ قرآن در سوره آل عمران آیه ۴۲ می فرماید : ما ؛ حضرت مریم را بر زنان عالمیان برتری دادیم آیا منظور این است که حضرت مریم بر تمام زنان مومن و مسلمانان و زنان اهل بهشت برای همیشه در همه اعصار؛ افضل و برتر بوده ؟! وقتی به تفسیر و روایات نگاه می کنیم می بینیم جواب منفی است ؛ نبی اکرم فرمود : مریم ؛ سیده و سرور ؛ زنان اهل و زمان خودش بود و فاطمه زهرا ؛ سیده و سرور ؛ زنان زمان خودش هست - تلک سیده نساء عالمها و انت سیده نساء عالمک - حلیه الاولیاء ج ۲ ص ۴۲ ؛ الاستیعاب ج ۴ ص ۱۸۹۵ ؛ تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۱۳۴ ؛ سیر اعلام النبلاء ج ۲ ص ۱۲۴ ؛ شرح مشکل الآثار ج ۱ ص ۱۴۲ ؛ مفسران سنی نوشته اند : در ذیل آیه ۴۲ آل عمران ؛ که حضرت مریم در زمان خودش برتر بوده است - و اصطفاک علی نساء العالمین قیل : علی عالمی زمانها - تفسیر بغوی ج ۲ ص ۳۶ ؛ در المنثور ج ۳ ص ۵۴۴ - عالم امتها - تفسیر بحر المحيط - خاص بنساء عالم زمانها - تفسیر ابن ابی حاتم - علی نساء ذلک الزمان الذی هم فيه - آلوسی در روح المعانی ج ۳ ص ۱۵۵ می نویسد :

حضرت فاطمه بتول برتر از زنان گذشته و آینده است چون پاره وجود نبی اسلام است - ان فاطمه البتول افضل النساء المتقدمات و المتاخرات من حیث انها بضعه رسول الله - تفسیر بحر المحيط ج ۲ ص ۴۵۶ - مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۷۰ ح ۴۷۴۰ - یا فاطمه الا ترضین ان تكون سیده نساء العالمین و سیده نساء هذه الامه و سیده نساء المومنین - ان فاطمه سیده نساء اهل الجنة - مستدرک

حاکم ج ۳ ص ۱۶۴ ح ۴۷۲۱ - قرآن کریم در سوره قصص آیه ۳۴ از زبان حضرت موسی می فرماید: خدایا؛ هارون؛ برادرم را با من بفرست زیرا؛ او زبانش فصیح تر از من است؛ آیا این دلیل می شود که هارون از موسی افضل باشد؟! - و اخی هارون هو افصح منی لسانا -

{تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض، و لقد فضلنا بعض النبيين على بعض} (۱)

قرآن کریم در سوره ی نمل از زبان حضرت سلیمان و داود می فرماید: سپاس خداوندی که ما را بر زیادی از عباد مؤمنین برتری و فضیلت داد،

و قال الحمد لله الذي فضلنا على كثير من عباده المؤمنين (۲) پس ای انصاری سلفی طبق این آیه معلوم می شود، پیامبران بر تمام عباد مؤمنین افضل نیستند، قرآن کریم در سوره اسراء آیه ۷۰ می فرماید: ما فرزندان آدم را کرامت دادیم و بر زیادی از مخلوقات فضیلت دادیم

و لقد کرنا بنی آدم... و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا.

ای انصاری سلفی، آیا پیامبران و انبیاء جزء فرزندان آدم هستند یا نه؟ اگر هستند که هستند بر تمام مخلوقات فاضل نیستند، قرآن کریم در سوره بقره آیه ۴۷ و سوره جاثیه آیه ۱۶ می فرماید: ما قوم بنی اسرائیل را بر تمام عالمیان و جهانیان برتری دادیم سؤال: آیا تمام بنی اسرائیل جزء پیامبران بودند؟ اسرائیل لقب حضرت یعقوب است، آیا تمام پیامبران از نسل یعقوب بودند؟ حضرت پیامبر اسلام که افضل از تمام پیامبران و مخلوقات عالم هستی است، از نسل شریف حضرت اسماعیل است، اگر آیه ۴۷ بقره و ۱۶ جاثیه را در مقابل آیه ۸۶ انعام بگذاریم، ای انصاری سلفی چه جوابی داری؟

{و لقد آتینا بنی اسرائیل الکتاب و الحکم و النبوه و رزقنهم من الطیبات و فضلناهم علی العالمین یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم و انی فضلکم علی العالمین}. اعراف ۱۴۰ و هو فضلکم علی العالمین

در قرآن کریم در سوره ی کهف آیات ۶۰ الی ۸۲ درباره همراهی حضرت موسی و

ص: ۱۰۵

۱- ۱. اسراء ۵۵

۲- ۲. آیه ۱۵ نمل

حضرت خضر، اشاراتی دارد، با این که موسی کلیم خدا، صاحب کتاب، صاحب شریعت و پیامبر او العزم و افضل از حضر بوده ولی خضر معلم موسی می شود آیا ای انصاری وهابی، این می تواند دلیل باشد که خضر افضل از موسی است؟!

{فوجدنا عبدًا من عبدنا آتينا رحمه من عندنا و علمناه من لدنا علما...} قرآن کریم در سوره ی انعام آیه ۹۰ خطاب به پیامبر اسلام می فرماید: از هدایت پیامبران اقتداء و پیروی کن، آیا این دلیل می شود که پیامبر تابع پیامبران دیگر بوده و مقامش از آنان کوچک تر است، یا باید معتقد بود این آیات مذکور، توجیه و تفسیر و تأویل دارد که دارد.

{اولئك الذين هدى الله فبإهم اقتده، }

ای انصاری سلفی، ادامه آیه ۸۶ سوره انعام را مشاهده کن و ببین، وقتی خداوند نام چند تن از پیامبران را می برد می گوید آنان را بر عالمیان برتری دادیم و از پدران و فرزندان و برادران و آنانی که برگزیدیم، به خاطر این که معنای آیه ۸۷ انعام که ادامه آیه ۸۶ سوره انعام است بفهمیم به روایات مراجعه می کنیم، پیامبر اکرم می فرماید: فردای قیامت منادی از عرش ندا می دهد به من که خوب پدری است پدر تو، حضرت ابراهیم، و خوب برادری است برای تو، برادرت علی ابن ابی طالب.

ثم ينادى المنادى من عند العرش: نعم الاب ابو ك ابراهيم و نعم الاخ اخوك على فضائل الصاحبه (۱)

در این روایت، پیامبر اکرم می فرماید: پدر من ابراهیم است و برادر من علی است پس با این روایت مفهوم عبارت و من ابائهم و اخوانهم.

مشخص شد، که پدر پیامبر، ابراهیم جزء این آیه و برگزیده خداست و برتری بر عالمیان دارد و برادر پیامبر اسلام، علی ابن ابی طالب، نیز بر عالمیان برتری دارد چون آیه ۸۷ انعام می گوید و از برادران آنان (یعنی پیامبران) برتری دادیم بر جهانیان پس مولا- علی طبق ظاهر آیه و حدیث مشهور و متواتر مواخاه جزء برترین عالم می باشد، احادیث فراوانی در منابع حدیثی اهل سنت آمده که مولا علی، برادر پیامبر بودند آن هم برادر ویژه در دنیا و آخرت.

ص: ۱۰۶

والذی بعثنی بالحق نبیا ما اخرجتک الا لنفسی فانت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لانی بعدی و انت اخی و وارثی فضائل الصحابه (۱)

و انت اخی و رفیقی مشکاه المصابیح (۲)

انت اخی فی الدنیا و الاخره (۳)

قال علی: انا عبدالله و اخور رسول الله و.. لا یقولها بعدی الا کاذب خصائص نسائی (۴)

انت اخی و صاحبی (۵)...

ای انصاری سلفی-خداوند از آیه ی ۸۴ سوره انعام تا پایان آیه ۸۶ سوره انعام-حدود ۱۷ پیامبر را ذکر کرده و نام برده و بعد فرموده آنان را بر عالمیان برتری دادیم، آیا شما نام مقدس پیامبر اسلام، را در میان آنان می بینی، آیا پیامبر اسلام، جزء ناس و عالمیان هست یا نه؟ اگر این آیه را بدون توجه به تفسیر، تأویل قرآن و احادیث بخوایم نگاه کنیم پس این چند پیامبر از حضرت محمد هم نعوذبالله افضل هستند، چون هم نام ذکر مقدس پیامبر اسلام در این ۲ آیه مذکور نشده و هم فرموده آنان را بر عالمیان برتری دادیم، و پیامبر اسلام هم جزء عالمیان هست، قرآن کریم در سوره ی بقره آیه ۱۲۴، بالا بودن مقام امامت را، از مقام نبوت را در داستان حضرت ابراهیم نشان می دهد، وائمه دوازده گانه ما، امام امامان هستند و قبل از ایجاد خلقت آنان امام بوده اند بر تمام خلائق، امام رضا علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: خداوند پس از پیامبری و دوستی امامت را در مرتبه ی سوم به ابراهیم خلیل اختصاص داد و این را فضیلتی قرار داد که او را بدان شرافت داد و با آن ستودش و فرمود: من تو را پیشوای مردم گردانیدم ابراهیم از سر شادی گفت: فرزندانم را هم؟ خداوند در پاسخ او فرمود: پیمان من، ستمکاران را در بر نمی گیرد، بدین ترتیب این آیه، امامت هر ستمگری را تا روز قیامت باطل گردانید و امامت تنها در برگزیدگان خواهد بود، سپس خداوند او را چنین گرامی داشت که امامت در نسل او، که اهل طهارت و

ص: ۱۰۷

۱- ۱. احمد ج ۲ ص ۶۳۸ مناقب خوارزمی ص ۱۵۰، کنز العمال ج ۱۳ ص ۶۰۵،

۲- ۲. ج ۳ ص ۱۷۲۰ سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۰

۳- ۳. مناقب ابن مغازلی ص ۳۸، ریاض النضره ج ۱ ص ۱۵،

۴- ۴. ص ۳ تاریخ دمشق ج ۱ ص ۱۱۷

۵- ۵. مسند احمد ج ۱ ص ۲۳۰، مستدرک حاکم ج ۳ ص ۳۵، اسنی المطالب ص ۶۲، حلیه الولیاء ج ۲ ص ۶۶، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۱۱، صواعق المحرقه ص ۷۲، نظم درالسمطین ص ۲۳، تفسیر ابن کثیر ج ۱ ص ۳۲۳، فرائدالسمطین ج ۱ ص ۶۸، کفایه الطالب ص ۶۵، الطبقات الکبیر واقدی ج ۱ ص ۱، تاریخ طبری ج ۲ ص ۲۱۷، مروج الذهب ج ۲ ص ۳۶، السیره ابن هشام ج ۱ ص ۵۰۴، اخبارالدول ص ۱۰۲، انساب الاشراف ج ۲ ص ۹۱، شذرات الذهب ج ۱ ص ۵۰، تاریخ خلفاء ص ۱۵۵ و

اکثر؛ مفسران نامی اهل سنت در ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره نوشته اند و نظر داده اند منظور و مقصود «عهد» در آیه مذکور؛ امامت الهی حضرت ابراهیم است؛ شوکانی مفسر وهابی می نویسد: بعضی از مفسران گفته اند منظور از عهد در آیه نبوت یا امامت است اما قول بهتر این است که امامت است - فتح القدير ج ۱ ص ۱۶۰ - و اختلف في المراد بالعهد فقيل: الامامه و قيل النبوه - و الاول الاظهر كما يفيد سياق - محاسن التاويل ج ۱ ص ۳۹۰ - ای الذي عهدته اليك بالامامه - زاد المسير ج ۱ ص ۱۰۸ - و في العهد ها هنا سبعة اقوال احدها: انه الامامه ... و الاول اصح؛ تفسير ثعالبي ج ۱ ص ۳۱۴ - قال مجاهد: الامامه - تفسير ابن كثير ج ۱ ص ۱۶۹ - و ان الله جعله اماما للناس - تفسير بحر المحيط ج ۱ ص ۵۴۸ - ان العهد: هي الامامه - تفسير بيضاوي ج ۱ ص ۳۹۷ - لا ينالون الامامه لانها امانه من الله و عهد - تفسير طبری ج ۱ ص ۷۳۸ .

ان الامامه خص الله بها ابراهيم الخليل بعد النبوه و الخله، مرتبه ثالثه (۱)

ان الله اتخذ ابراهيم عبداً قبل ان يتخذه نبياً و ان الله اتخذه نبياً قبل ان يتخذه رسولاً و ان الله اتخذه رسولاً قبل ان يتخذه خليلاً و ان الله اتخذه خليلاً قبل ان يجعله اماماً، فلما جمع له الاشياء قال: اني جاعلك للناس اماماً (۲)

اما لفظ و عبارت و ذرياتهم در آیه ۸۷ سوره انعام، این ذریه و فرزندان پیامبران چه کسانی هستند که افضل عالمیان می باشند؟! در ذیل آیه ی ۱۲۴ سوره بقره در تفسیر آن در منابع اهل سنت آمده که آن ذریه منتخب الهی از انبیاء چه کسانی هستند؟ ابراهیم از خدا سؤال کرد آیا مقام امامت شما حال ذریه و فرزندان من می شود یا نه؟ خداوند فرمود به ظالمین از فرزندان تو نمی رسد، پیامبر اکرم در تفسیر آیه فرمود: من و علی دعوت پدرمان ابراهیم هستیم که من و علی هرگز سجده برای غیر خدا نکردیم، خداوند مرا به پیغمبری و علی را به وصایت و امامت بعد از من برگزید.

عن عبدالله ابن مسعود قال: قال رسول الله: انا دعوه ابي ابراهيم قلنا: يا رسول

ص: ۱۰۸

۱- ۱. اصول کافی ج ۱ ص ۱۹۹، کمال الدین ص ۶۷۶ ح ۳۱، معانی الاخبار ص ۹۷، و...

۲- ۲. اصول کافی ج ۱ ص ۴۰۲ کتاب الحججه.

الله و كيف صرت دعوه ابيك ابراهيم؟ قال: اوحى الله عزوجل الى ابراهيم: انى جاعلك للناس اماماً فاستخف ابراهيم الفرح قال: يا رب و من ذريتي ائمه مثلى فاوحى الله اليه يا ابراهيم انى لا اعطيك عهداً لا افى لك به، قال يا رب ما العهد الذى لاتفى لى به؟ قال: لا اعطيك لظالم من ذريتك قال ابراهيم عندها: فاجنبى نيبا و بنى ان نعبد الاصنام... قال النبى: فانتهد الدعوه الى و الى على لم يسجد احدنا منا لصنم قط، فاتخذنى الله نيبا واتخذ علياً وصياً، (١)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم نشان می دهد، ائمه ۱۲ گانه شیعه جزء آن هستند و برگزیده ی عالمیان می باشند و بر تمام عالمیان برتری دارند و تفاسیر شیعه و سنی آن را تأیید و تأکید می کند، آیه ۳۳ و ۳۴ سوره مبارکه آل عمران است.

{ان الله اصطفى آدم و نوحاً و آل ابراهيم و آل عمران على العالمين ذرية بعضها من بعض}

عبدالله مامون لعنت الله عليه و العذاب از حضرت امام رضا عليه السلام سؤال کرد: آیا خدا، عترت پیامبر را بر دیگر مردم فضیلت بخشیده است؟ حضرت فرمود: خداوند فضیلت عترت پیامبر را در محکمت کتابش روشن فرموده است مأمون گفت: در کجای قرآن مشخص شده است؟ امام رضا فرمود: در این آیه ۳۳ سوره آل عمران

فقال الامون: هل فضل العتره على سائر الناس؟ فقال ابوالحسن و فضل العتره على غيرهم ثابت، فقال له المأمون: و اين ذلك من كتاب الله؟ فقال له الرضا: لقول الله تعالى: ان الله اصطفى آدم... (٢)

وآل عمران المومنون من آل ابراهيم و آل عمران و آل ياسين و آل محمد، احكام قرآن (٣)-

آل محمد الذين امر رسول الله بالصلاه عليهم معه والذين اصطفاهم من خلقه بعد نبیه فانه يقول ان الله اصطفى آدم و نوحا و آل عمران على العالمين فاعلم انه اصطفى الانبياء و آلهم/ (٤)

در تفسیر عیاشی از امام باقر نقل شده است که حضرت پس از آن که این آیه شریفه را تلاوت کرد فرمود: ما هم از آنان هستیم و ما، باقی ماندگان از آن عترتیم.

ص: ۱۰۹

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی شافعی ص ۲۳۹ و ۲۴۰ ح ۳۲۲- المناقب المرتضوی محمد صالح الترمذی الکشی الحنفی ص ۴۱، العمده ابن بطریق ص ۳۵۴، شواهد التنزیل حاکم ابوالقاسم حسکانی حنفی ص ۱۷۲ ح ۴۳۵،

۲- ۲. عیون الاخبار الرضا شیخ صدوق ج ۱ ص ۲۰۷، نورالابصار شبلنجی ص ۲۲۷ ینایع الموده قندوزی ج ۱ ص ۲۷۲ صحیح بخاری ج ۴ ص ۱۱۴ باب ۴۴ ح ۳۴۲۸، کتاب احادیث انبیاء

۳- ۳. شافعی ج ۱ ص ۷۷

۴- ۴. طبری در تفسیرش ح ۶۸۵۱، تفسیر بحر المحيط ص ۴۵۴-

انه تلا هذه الايه فقال: نحن منهم و نحن بقيه تلك (۱)

امام حسين اين آيه را تلاوت کرد و فرمود: به خدا قسم، محمد از آل ابراهيم است و امامان پس از او عترت و آل او هستند.

و الله ان محمداً لمن آل ابراهيم و العتره الهاديه لمن آل محمد امامي (۲)

ای انصاری وهابی، آیا حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر تمام پیامبران برتر نیست؟ چون پیامبر اسلام از تمام مخلوقات و پیامبران بالاتر و افضل تر می باشد، اهل بیت معصوم و مطهر او که ۱۲ ائمه هدی باشند چون اهل، آل، عترت و خلفاء و اوصیاء و وارثان او هستند بر تمام پیامبران غیر از خودش آن هم در نبوت خاصه (خاتم الانبیایی) افضل هستند، منابع روائی و تفسیری اهل سنت و جماعت نقل کرده اند کلمه و عبارت آل محمد در آیه ۳۳ سوره آل عمران بوده و در مصحاف بعداً حذف گردیده

اخرج ابن جرير و ابن ابی حاتم، طریق علی عن ابن عباس فی قوله و آل ابراهيم و آل عمران قال هم المؤمنون من آل ابراهيم و آل عمران و آل یاسین و آل محمد عن شقیق قال قرأت فی مصحف عبدالله و هو ابن مسعود ان الله اصطفى آدم و نوحا و آل ابراهيم و آل عمران و آل محمد علی العالمین (۳)

امام رضا علیه السلام فرمود: پیوسته امامت در نسل و ذریه حضرت ابراهيم بود تا این که سرانجام پیامبر اسلام آن را به ارث برد و خداوند فرمود: به راستی نزدیک ترین مردم به ابراهيم آنانند که از او پیروی کردند و این پیامبر و آنان که به این پیامبر ایمان آورده اند و خداوند ولی و سرپرست اهل ایمان است، پس امامت تنها اختصاص به او یافت و آن را به فرمان خدا به روشی که خود واجب کرده است بر عهده علی نهاد و از آن پس امامت در فرزندان برگزیده اش آنان که خداوند، علم و ایمانشان بخشید قرار گرفت و خداوند امامت را در اولاد علی تا روز قیامت قرار داد و مقرر داشت. مولا علی به امام حسن فرمود: منبر برو و خطبه بخوان . حضرت رفتند و خطبه خواندند

ص: ۱۱۰

۱-۱. العتره تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۶۸،

۲-۲. صدوق ص ۱۵۰

۳-۳. الدر المنثور ج ۲ ص ۵۱۲، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۱۵۲، تفسیر ثعلبی ج ۱ ذیل آیه، تاریخ بغداد ج ۷ ص ۴۲۴، فضائل الخمسه فیروزآبادی ج ۲ ص ۷۷، تفسیر ابن ابی حاتم ج ۱ ص ۶۳۵ و ۳۴۱۳ و ۳۴۱۴

سپس پایین آمدند مولا علی فرمود: ذریه بعضها من (۱)

فلم تزل فی ذریته یرثها بعض عن بعض قرنا فقرنا، حتی ورثها النبی فقال الله عزوجل: ان اولی الناس بابراهیم للذین اتبعوه و هذا النبی و الذین آمنوا و الله ولی المؤمنین فکانت له خاصه فقلدها النبی علیاً بامرالله عزوجل علی رسم ما فرضها الله فصارت فی ذریته الاصفیاء الذین آتاهم الله العلم و الایمان بقوله عزوجل و قال الذین اوتو العلم و الایمان... فهی فی ولد علی خاصه الی یوم القیامه (۲)

امام حسن مجتبی در خطبه ای فرمود: ای مردم از پروردگار خود عقل بگیرید و تعقل کنید به راستی که خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید نژادی که بعضی از آن ها از بعضی دیگرند: ماییم از نژاد آدم و از خاندان نوح و برگزیده از ابراهیم و از دودمان و نسل اسماعیل و خاندان و اهل بیت محمد، ماییم که در میان شما هم چون آسمان بلند و زمین گسترده و خورشید تابنده ایم ماییم که هم چون درخت زیتون که نه شرقی است و نه غربی و میوه اش مبارک که گشته در میان شما قرار گرفتیم-

که پیامبر اصل و تنه آن درخت و علی فرع آن است ما به خدا سوگند، میوه آن درخت هستیم که هرکس به شاخه ای از شاخه های آن چنگ زند، نجات یافته و هرکس از آن تخلف ورزد، در آتش جهنم سرنگون شده است.

ایها الناس اعقلوا عن ربکم: ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران... فنحن الذریه من آدم، و الاسره من نوح و الصفوه من ابراهیم و السلاله من اسماعیل و آل من محمد... النبی اصلها و علی فرعها و نحن و الله ثمره تلك الشجره، فمن تعلق بغصن من اغصانها نجا و من تخلف عنها فالی النار هوی (۳)

مولا علی به معاویه علیه الهاویه در نامه ای گوشزد کرد و نوشت: تو امامت و خلافت مرا انکار کرده ای آیا سخن خدا را در قرآن دیده ای که درباره ی خاندان ابراهیم می فرماید: واصطفاهم علی العالمین: خداوند آل ابراهیم را بر جهانیان فضیلت و برتری بخشیده است آیا تو می پنداری که خودت یکی از مردم جهان نیستی؟ یا می پنداری که ما از خاندان ابراهیم نیستیم؟ اگر این را انکار کنی، محمد را انکار کرده

ص: ۱۱۱

۱-۱. بعض در المنثور ج ۲ ص ۵۱۲ و ۵۱۳، تاریخ دمشق ج ۱۳ ص ۲۴۴

۲-۲. احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۴۷۷ و ص ۴۷۸،

۳-۳. بحار الانوار ج ۴۳ ص ۳۵۸،

ای که او از ما و ما از او هستیم، اگر می توانی میان ما و ابراهیم و اسماعیل و محمد و آل محمد در کتاب خدا، جدایی افکنی پس چنان کن (۱)

قال علی: فنحن آل ابراهیم فقد حسدنا کما حسد آباؤنا ثم حسد نبینا محمد... فنحن اولی الناس بابرهم و نحن ورثناه ونحن... آل ابراهیم.. واتبعوا آل ابراهیم واقتدوا بنا (۲)

قرآن کریم در سوره ی بینه آیه ۶ و ۷، مولا علی را بهترین مردم، معرفی کرده است.

ای انصاری وهابی، آیا پیامبران جزء مردم بوده اند یا نه؟ اگر بگویی نه منکر عقل و قرآن شده ای.

قرآن در سوره حج آیه ۷۵ می فرماید: خداوند از فرشتگان و مردم رسل و فرستادگان بر می انگیزد و انتخاب می کند.

{الله یصطفی من الملائکه رسلا و من الناس}

پس طبق این قائده قرآنی مولا علی بهترین ناس است یعنی از تمام پیامبران الهی که از میان ناس و مردم از سوی خدا، انتخاب شدند برتر و بالاتر است به غیر از نبی اسلام

{اولئک هم خیر البریه}

پیوسته و همیشه اصحاب پیامبر زمانی که حضرت علی می آمد می گفتند بهترین اهل عالم آمد

جاء خیر البریه (۳)

پیامبر اکرم فرمود: علی خیر البریه = علی بهترین مردم است (۴) رسول اکرم فرمود: علی بهترین بشر است و هر کس شک درباره ی این که او بهترین بشر است داشته باشد کافر است.

علی خیر البشر من شک فیه فقد کفر، علی خیر البشر لایشک فیه الاکافر، (۵)

ص: ۱۱۲

۱- ۱. کن الغارات ص ۱۲۲، امامت و خلافت شهیدی ج ۱ ص ۶۸۴.

۲- ۲. - احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۳۳۸ و ص ۳۴۰، نهج البلاغه نامه ۲۸ ش ۳ ص ۵۱۲

۳- ۳. تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۷۱، فتح القدير ج ۵ ص ۴۴۷

۴- ۴. منابع مذکور- در المنثور ج ۶ ص ۳۷۹، مناقب خوارزمی ص ۱۲۲

۵- ۵. کفایه الطالب ص ۱۱۹، کنز العمال ج ۶ ص ۱۵۹، تاریخ بغداد ج ۵ ص ۳۷، مناقب خوارزمی ص ۲۲۵، کنوز حقایق در حاشیه

جامع الصغیر ج ۲ ص ۱۶

علی خیر البشر فمن ابی فقد کفر، (۱)

پیامبر اکرم فرمود: هر کس نگوید علی بهترین مردم است همانا او کافر است

من لم یقل علی خیر الناس فقد کفر (۲)

علی خیر البشر فمن امتری فقد کفر، (۳)

علی خیر البشر من ابی فقد کفر و من رضی فقد شکر، (۴)

علی ذاک خیر البشر و لایشک فیہ الا منافق، (۵)

پیامبر اکرم فرمود: گروه و فرقه خوارج بر بهترین مردم یعنی علی خروج می کنند.

و یخرجون علی خیر فرقه من الناس، (۶)

هم شر الخلق و الخلیقه یقتلهم خیر الخلق و الخلیقه و اقربهم عند الله الوسيله، (۷)

پیامبر اکرم فرمود: بهترین کسی که پس از من بر روی زمین راه می رود علی ابن ابی طالب است.

خیر من یمشی علی الارض بعدی علی ابن ابی طالب، (۸)

جناب انصاری سلفی، مخفی هم نماند در آیه ی ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ سوره مبارکه ی انعام که اسامی مبارک این چند پیامبر بزرگ الهی را، خداوند حکیم ذکر کرده به ترتیب افضلیت نبوده است. حتی به ترتیب بعد زمانی هم خداوند حکیم به مصلحتی اسامی این پیامبران را ذکر نکرده-مثلاً- عیسی پیامبر اولوالعزم، صاحب کتاب، افضل از یوسف، هارون، سلیمان، ایوب، داود، ذکریا و یحیی است ولی نام او را بعد از آنان ذکر کرده است، از جهت بعد زمانی، الیاس، اسماعیل، یسع و یونس و لوط قبل از عیسی بودند ولی بعد از نام عیسی آنان را ذکر نموده است، ولی در سوره ی مبارکه احزاب، خداوند حکیم، نام مقدس پیامبر اکرم را قبل از نام نوح، ابراهیم، موسی و عیسی ذکر

ص: ۱۱۳

-
- ۱- ۱. میزان الاعتدال ج ۲ ص ۲۷۱، تاریخ دمشق ج ۲ ص ۴۴۴، تاریخ بغداد ج ۳ ص ۱۵۴، کنوز حقایق ص ۹۸
 - ۲- ۲. کفر تهذیب التهذیب ج ۹ ص ۴۱۹، تاریخ دمشق ج ۲ ص ۹۵۴، کنز العمال ج ۶ ص ۱۵۹، تاریخ بغداد ج ۳ ص ۱۹۲
 - ۳- ۳. تاریخ بغداد ج ۷ ص ۴۷۱
 - ۴- ۴. تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۷۲
 - ۵- ۵. مناقب ابن مردویه ص ۳۵۷، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۱۶، ریاض النضره ج ۲ ص ۲۲۰

- ٦-٦. المندونه الكبرى امام مالك ج ٢ ص ٤٩، العمده بطريق ص ٤٥٨ مجمع الزوائد ج ٦ ص ٢٣٩
- ٧-٧. مناقب علب ابن ابى طالب مناقب ابن مغزلى ص ١٠٠ ح ٧٩ السنن الكبرى نسائي ج ٥، خصائص نسائي ص ١٣٨
- ٨-٨. موسى (ابن مردويه اصفهاني) ص ١١١

کرده است، چون پیامبر افضل از این ۴ پیامبر اولعزم است از جهت بعد زمانی پیامبر را قبل از آنان ذکر کرده ولی نام نوح، ابراهیم، موسی و عیسی را به ترتیب بعد زمانی نقل کرده است.

{واذ اخذنا من النبيين ميثقهم و منك و من نوح و ابراهيم و موسى و عيسى ابن مريم و اخذنا ميثقاً غليظاً}.

ای انصاری سلفی، ائمه ۱۲ گانه شیعه از ریشه وجود انبیاء هستند امام صادق علیه السلام فرمود: ائمه هدی از آل محمد، باقی مانده خلافت حضرت آدم به او رسیده و از بهترین دودمان نوح است، برگزیده خاندان ابراهیم و سلاله اسماعیل و انتخاب شده ای از عترت محمد صلی الله علیه و آله است.

نبی اسلام فرمود: ما؛ فرزندان عبدالمطلب؛ سرور و سید اهل بهشت هستیم - نحن بنو عبدالمطلب ساده اهل الجنة: انا وعلی و جعفر و الحسن و الحسين و المهدي - مستدرک حاکم حدیث ۴۹۴۰ هذا حدیث صحیح؛ نبی اکرم فرمود: خداوند در شب معراج درباره علی، سه، مطلب به من وحی کرد؛ او امام پاکان و سید و سرور مسلمین است - فاوحی الی فی علی بثلاث انه امام المتقين و سید المسلمین - مستدرک حاکم ح ۴۶۱۲ - هذا حدیث صحیح الاسناد معرفه الصحابه ابی نعیم ج ۳ ص ۱۵۸۷؛ نبی اکرم فرمود: امام حسن و امام حسین فاضل و برتر در دنیا و آخرت هستند و پدر آن دو؛ علی؛ از آن ها برتر می باشد - مناقب خوارزمی ح ۲۷۹ - فان ولد یک فاضلان فی الدنيا و فاضلان فی الاخره و ابو هما خیر منهما -

و انتجبه لظهره بقیه من آدم و خیره من ذریه نوح و مصطفی من آل ابراهیم و سلاله من اسماعیل و صفوه من عتره محمد صلی الله علیه و آله (۱)،

امام رضا علیه السلام فرمود: امامت و منزلت پیامبران، ارث اوصیاء است. امامت همان خلافت از جانب خدا و رسول خدا و مقام امیرالمؤمنین و میراث حسن و حسین است.

ان الامامه هی منزله الانبياء و وارث الاوصیاء، ان الامامه خلافه الله و خلافه

ص: ۱۱۴

الرسول و مقام امیرالمؤمنین و میراث الحسن و الحسین (۱)

مولا علی فرمود: مائیم برگزیدگان از تمام خلق خدا و امام آن ها و امام هر امامی

نحن الخيار من البریه کلها... و امامها و امام کل امام، (۲)

نحن الخيار من البریه کلها و نظامها و زمام کل زمام (۳)

ای انصاری سلفی بدان تمام پیغمبران مقام امامت نداشتند، بعضی از آنان مقام امامت داشتند مثل حضرت ابراهیم و حضرت رسول اسلام، مولا- علی می فرماید: ما اهل بیت پیامبر، امام بر تمام امام ها هستیم بغیر از پیامبر پس طبق این قائده و بیان مولا علی، ائمه ۱۲ گانه شیعه بر تمام پیامبران غیر از رسول اکرم افضل هستند

از جمله روایت مستند و متواتری که اشاره دارد ائمه ۱۲ گانه شیعه خصوصاً مولا- علی و امام حسن و امام حسین بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام افضل و برتر هستند.

حدیث سید اشباب اهل الجنه است، پیامبر اکرم فرمود: حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت هستند و پدرشان (علی) از آن دو بهتر است -

یا علی انت سید فی الدنیا و الآخره - (۴)

صحیح علی شرط شیخین انت سید فی الدنیا و سید فی الآخره - (۵)

الحسن و الحسین سید الشباب اهل الجنه و ابوهما خیر منهما (۶) قال رسول الله: انا سید الاولین و الآخرین و انت یا علی سید الخلاء ق بعدی - (۷)

ص: ۱۱۵

۱- ۱. اصول کافی ج ۱ ص ۴۶۰ ح ۱

۲- ۲. طرائف سیدابن طاووس ص ۲۳۲ و ۲۳۳ به نقل از صحیح حمیدی.

۳- ۳. تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۵۲۱

۴- ۴. مستدرک حاکم ح ۴۶۹۵

۵- ۵. فضائل الصحابه احمد ح ۱۰۹۲

۶- ۶. تاریخ بغداد ج ۱ ص ۱۴۰، مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۶۷، کنز العمال ج ۶ ص ۲۸۱، تاریخ دمشق ص ۴۵، المعجم الکبیر ج ۳ ص ۳۵، ذخائر العقبی ص ۱۲۹، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۸۲، حلیه الاولیاء ج ۴ ص ۱۳۹، شذرات الذهب ج ۱ ص ۸۵، اخبار القضاة ج ۲ ص ۲۰۰ و کیع، سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۴، کفایه الطالب ص ۳۴۱، سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۶۰، مسند احمد ج ۵ ص ۳۹۱، تاریخ الاسلام ذهبی ج ۲ ص ۹۰، سیر اعلام النبلاء ج ۳ ص ۱۶۸، الاصابه ابن حجر ج ۱ ص ۲۵۶، معجم الصحابه بغوی

ص ٢٢، تاريخ جرجان ص ٣٩٥ سهمى، الفتح الكبير ج ٢ ص ٨٠ نهبانى، صواعق المحرقه ص ١١٤، الجامع الصغير سيوطى ج ١ ص ٣٧٩، فردوس الاخبار ديلمى ج ٥ ص ٧٦، المصنف ابن ابى شيبه ج ١٢ ص ٩٦، الخصائص نساى ص ٣٦، صحيح ابن حبان ج ١٥ ص ٤١٣، الانساب ج ٣ ص ٤٧٧ سمعانى، فيض القدير ج ٣ ص ٥٥٠ مناوى، سلسله الاحاديث الصحيحه آلبنانى ج ٢ ص ٤٢٤

٧-٧. غايه المرام ج ٥ ص ٩

اگر انصاری وهابی بگوید درسته امام حسن و امام حسین سرور جوانان اهل بهشت اند ولی ابوبکر و عمر هم سرور پیران اهل بهشت هستند، علمای اهل سنت حدیث ابوبکر و عمر سید کهولان اهل جنت را، حدیثی ضعیف و ساختگی می دانند.

هذا الحدیث موضوع من عمل القصاص وضعه عمر بن واصل او وضع علیه

ابن جوزی در کتاب الموضوعات ج ۱ ص ۲۹۹ درباره این حدیث می گوید: این حدیث از ساخته های قصه گوینان است که یا عمر بن واصل ساخته و یا ساخته اند و به او نسبت داده اند. هیشمی درباره ی این روایت می گوید: این روایت را بزار و طبرانی روایت کرده اند و چون در سلسله سند آن علی بن عابس وجود دارد، ضعیف می باشد. (۱)

ثانیاً= پیامبر اکرم فرمود: اهل بهشت جوانانی هستند زیبا با بدن هایی بی مو، چشمانی زیبا و سر مه کشیده که جوانی و لباس هایشان فناپذیر است.

اهل الجنة جرد مرد کحل لایفنی شباهم و لاتبلی ثیابهم، (۲)

یدخل اهل الجنة الجنة جردا مردامکحلین، رواه الطبرانی فی الاوسط و اسناده جید، ان الجنة لا- تدخلها العجائز- لا یدخلها العجائز (۳)

زنی به نام اشجعیه نزد پیامبر اکرم بود، پیامبر فرمود: هیچ پیرزنی داخل بهشت نمی شود، پیرزن گریه کرد، رسول خدا فرمود، خداوند در قرآن سوره ی واقعه آیه ۳۵ الی ۳۷ می فرماید: آن ها (زنان) را ما در کمال حسن و زیبایی بیافریدیم و همیشه زنان را باکره گردانیده ایم و شوهر دوست، جوان و همسالان دلنواز (۴)،

فردای قیامت تمام مؤمنانی که شرایط رفتن به بهشت دارند منجمله، پیامبران همه به صورت شباب و جوانان وارد بهشت می شوند و جوانی آن ها پایدار و همیشگی است، وقتی که طبق روایت متواتر و مستند نبی اسلام، امام حسن و امام حسین سید و سرور جوانان اهل بهشت هستند و پدرشان علی ابن ابی طالب از آن دو بهتر است

ص: ۱۱۶

۱- ۱. رواه البزار و الطبرانی فی الاوسط و فیه علی ابن عابس و هو ضعیف مجمع الزوائد ج ۹ ص ۵۳

۲- ۲. سنن ترمذی ج ۴ ص ۶۷۹ ح ۲۵۳۹ باب ۸- مجمع الزوائد ج ۱۰ ص ۳۹۹

۳- ۳. زادالمسیر ابن جوزی ج ۵ ص ۲۵۱

۴- ۴. طرائف سید ابن طاوس ص ۱۱۴- بحار الانوار ج ۶۹ ص ۱۳۹، شرح احقاق الحق ج ۳ ص ۱۸۴، المناظرات فی الامامه ص ۱۹۷، عیون الاخبار الرضا ج ۱ ص ۱۹۹، حکایت و مناظرات محمدرضا منصور ص ۴۵۵- سرای دیگر شهید آیت الله دستغیب شیرازی ص ۱۶۱، تفسیر منهج الصادقین ج ۹ ص ۱۴۸

معنایش این است که امام حسن و امام حسین و مولا علی و ائمه ۱۲ گانه شیعه از تمام پیامبران غیر از رسول اکرم افضل و برتر می باشند، مولا علی و ۱۱ فرزند خلفش که امام معصوم هستند یعنی ۱۲ ائمه معصوم شیعه از اهل بیت مطهر و خاص الخاص نبی اسلام هستند و هیچ کس با آنان قابل مقایسه و برابری نیست، یعنی ما، نباید، پیامبران، فرشتگان را با ائمه ۱۲ گانه ی شیعه مقایسه کنیم، فقط رسول اکرم از ائمه ۱۲ گانه شیعه برتر است آن هم در نبوت خاصه (یعنی خاتم الانبیایی)

پیامبر اکرم فرمود: ما، خاندان شجره نبوت و معدن رسالت هستیم و هیچ کس جزء من بر اهل بیتم برتری ندارد

نحن اهل بیت شجره النبوه و معدن الرساله لیس احد من الخلائق یفضل اهل بیتی غیرى. (۱)

قال علی: نحن اهل بیت لا یوازینا احد - (۲)

پیامبر اکرم فرمود: ما خاندان و اهل بیتی هستیم که هیچ کس با ما، مقایسه و سنجیده نمی شود:

نحن اهل البیت لا یقاس بنا احد. (۳)

نبی اسلام فرمود: ما اهل بیتی هستیم که هیچ کس با ما برابر نهاد نمی شود.

نحن اهل البیت لا یقابیل بنا احد. (۴)

مولا علی فرمود: هیچ کس از این امت با خاندان و آل محمد مقایسه نمی شود و برابری نمی کند.

لا یقاس بآل محمد من هذه الامه احد. (۵)

مولا علی فرمود: ما اهل بیتی هستیم که هیچ کس با ما مقایسه نخواهد شد.

ص: ۱۱۷

۱- ۱. احقاق الحق ج ۹ ص ۳۷۸، الامالی للشجرى ج ۱ ص ۱۵۴ عن الامام علی، نقلاً عن المناقب ابن مغزلی، اهل بیت در قرآن

حدیث ص ۳۳۶- ری شهری

۲- ۲. حلیه الاولیاء ج ۷ ص ۲۰۱

۳- ۳. الفردوس دیلمی ج ۴ ص ۲۸۳، ذخایر العقبی ص ۱۷، کنز العمال ج ۱۲ ص ۱۰۴، بحار الانوار ج ۶۸ ص ۴۵، معانی الاخبار

ص ۱۷۹، اهل بیت در قرآن و حدیث استاد ری شهری ص ۳۸۰

۴- ۴. ارشاد القلوب ص ۴۰۴، معانی الاخبار ص ۱۷۹، امالی الصدوق ص ۵۶۳، بشاره المصطفی ص ۱۵۱

۵- ۵. نهج البلاغه خطبه ی ۲ - غرر الحکم ج ۶ ص ۴۳۲، عیون الحکم و المواعظ ص ۵۳۵، بحار الانوار ج ۲۳ ص ۱۱۷

نحن اهل البيت لا يقاس بنا احد. (۱)

مولا علی فرمود: ما خاندانی هستیم که با مردم مقایسه نمی شویم، مردی بلند شد و این خبر را به ابن عباس رساند، او گفت، علی راست گفته است، آیا چنین نیست که پیامبر اکرم با مردم مقایسه نمی شود، درباره ی علی نیز این آیه نازل شده اولئك هم خیر البریه، آن ها بهترین مردم هستند.

قال لی علی: نحن اهل بیت لا نقاس بالناس (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: نحن اهل البيت لا يقاس بنا احد (۳)

با ما اهل بیت کسی قابل مقایسه و برابری نیست. (۴) عبدالله ابن عمر می گوید: علی علیه السلام از اهل بیت پیامبر است که احدی با او مقایسه نمی شود او با پیامبر در یک درجه است.

علی من اهل البيت لا يقاس به احد هو مع رسول الله فی درجته. (۵)

ای انصاری وهابی، وقتی پیامبر اکرم، مولا- علی و امام صادق و سایر ائمه هدی و حتی ابن عمر شما می گویند احدی و شخصی با اهل بیت مطهر و خاص پیامبر اکرم، که همان ائمه ۱۲ گانه شیعه باشند برابری نمی کنند و نباید اصلاً با احدی آنان را مقایسه کرد چه برسد که پیامبران را از آنان بالاتر بدانی آیا غیر از رسول اسلام، انبیاء و پیامبران جزء آنان اشخاص و احدان هستند یا نه؟ که هستند، پس ۱۴ نور مقدس الهی را نباید با سایر خلق که انبیاء و فرشتگان جزء آنان هستند اصلاً مقایسه کرد، مولا علی می فرماید: خداوند به من ۱۰ چیز اعطا کرده و به هیچ کس دیگر لطف نکرده حتی پیامبران و فرشتگان، مولا علی فرمود: من ۱۰ چیز از پیامبر خدا، دریافت نمودم که به هیچ احدی پیش از من داده نشده و بعد از من نیز به هیچ کس داده

ص: ۱۱۸

۱ - ۱. عیون الاخبار ج ۲ ص ۶۶، شرح الاخبار ج ۲ ص ۲۰۲، نهج الحق ص ۲۵۳، کشف الغمه ج ۱ ص ۳۰، بحار الانوار ج ۲۶ ص ۲۶۹

۲ - ۲. مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۶۷، ابونعیم در فیما نزل القرآن فی علی، بحار ج ۳۸ ص ۸

۳ - ۳. احدکنز العمال ج ۱۲ ص ۱۰۴ ح ۳۴۲۰۱ - الفردوس الدیلمی ج ۴ ح ۶۸۳۸ ص ۲۸۳ - کنوز الحقائق ج ۲ ص ۲۳۲ ح ۸۱۰۴ - ذخائر الاعقبی ص ۱۷ مناقب ابن مردویه ص ۲۱۳ ح ۲۹۴

۴ - ۴. علل شرایع ص ۱۷۷، بحار الانوار ج ۲۲ ص ۴۰۶

۵ - ۵. جواهر المطالب ابن دمشقی ص ۲۲۴، ریاض النضره ج ۲ ص ۲۰۸ - شواهد التنزیل ج ۲ ص ۲۷۱ - مناقب امام احمد، ابن

جوزی ص ۱۶۳ - ینایع الموده ج ۱ ص ۴۵۹

نخواهد شد پیامبر به من فرمود: ای علی تو برادر من در دنیا و برادرم در آخرت هستی و در روز قیامت در میان همگان، نزدیک ترین موقف به من را خواهی داشت و خانه من و خانه تو در بهشت، روبروی یکدیگر است، مانند خانه دو برادر و تو وصی و ولی و وزیری، دشمن تو دشمن من و دشمن خداست و دوست تو، دوست من و دوست خداست

كان لی عشر من رسول الله لم يعطهن احد قبلي و لا يعطاهن احد بعدی قال لی یا علی انت اخي فی الدنيا و اخي فی الاخره و انت اقرب الناس منی موقفاً یوم القیامه و منزلی و منزلک فی الجنه متو اجهان کمنزل الاخوان و انت الوصی و انت الولی و انت الوزير عدوک عدوی و عدوی الله و ولیک ولی و ولیی ولی الله (۱)

مولا- علی فرمود: ای مردم مرا، از سوی پیامبر خدا، ۱۰ خصلت به یادگار است که آن ها نزد من محبوب تر از همه آن چه آفتاب به آن ها می تابند هست، پیامبر خدا به من فرمود:

تو برادر من در دنیا هستی

تو نزدیک ترین خلائق نسبت به من هستی

منزل تو رو به روی منزل من در بهشت می باشد

تو وارث منی

تو وصی من بعد از من هستی

تو حافظ اهل من به هنگام غیبتم هستی

تو امام و پیشوای امت من می باشی

تو قائم به قسط و عدل در امت من هستی

تو ولی من هستی و ولی ولی الله

دشمن تو، دشمن من و دشمن خدا می باشد.

شبهه این روایت را قندوزی حنفی در ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۶۲ از جابر عبدالله انصاری نقل کرده که پیامبر اسلام فرمود در وجود علی خصلت هایی است که اگر یکی از آنها در کسی می بود برای شرف و برتری او کافی بود - لقد سمعت رسول الله

ص: ۱۱۹

يقول في علي خصالاً لو كانت واحده منها في رجل اكتفى بها فضلاً وشرفاً وقوله: من كنت مولاه و قوله علي منى كهارون من موسى و قوله: علي منى و انا منه وقوله: علي منى كنفسي طاعته طاعتي و معصيته معصيتي و قوله: حرب علي حرب الله وسلم علي سلم الله وقوله: ولي علي ولي الله وعدو علي عدو الله وقوله: علي حجه الله علي عباده و قوله: حب علي حب الله وبغضه كفر وقوله: حزب علي حزب الله و حزب اعداءه حزب الشيطان و قوله علي مع الحق والحق معه لا- يفترقان وقوله: علي قسيم الجنة والنار وقوله من فارق علياً فقد فارقتني ومن فارقتني فقد فارق الله وقوله: شيعه علي هم الفائزون يوم القيامة

ايها الناس انه كان لي من رسول الله عشر خصال هن احب الي مما طلعت عليه اشمس قال لي رسول الله: يا علي انت اخي في الدنيا والاخره و انت اقرب الخلائق الي يوم القيامة في الموقف بين يدي الجبار، و منزلتك في الجنة مواجه منزلي كما يتواجه منازل الاخوان في الله، و انت الوارث مني، و انت الوصي من بعدى في عداتي و امري و انت الحافظ لي في اهلي عند غيبتى و انت الامام لامتى و القائم بالقسط في رعيتى و انت ولي و ولي الله و عدوك عدوى و عدوى عدو الله. (١)

مولاه علي فرمود: به من خصلت هايى داده شده كه پيش از من به كسى داده نشده (يعنى تمام خلائق حتى پيامبران به غير از رسول اسلام) از مرگ و اجل مردمان آگاهم، نژادها و احكام مطابق با واقع آن را مى دانم، علم گذشته و آينده به من داده شده و از دستم نرفته به اذن خدا مژده مى دهم و به مردم ابلاغ مى نمايم، همه اينها به عنايت خاصه خداست كه به علم خود مرا به آن قدرت داده است.

و لقد اعطيت خصالاً ما سبقني اليها احد قبلى، علمت المنايا و البلايا و الانساب و فصل الخطاب فلم يفتنى ما سبقنى. (٢)

اوتيت ثلاثا يوتهن احد ولا انا اوتيت صهرا مثلى ولم اوت انا مثلك و اوتيت زوجه صديقه مثل ابنتى و لم اوت مثلها زوجه و اوتيت الحسن والحسين من صلبك ولم يات من صلبى مثلها .. يا علي اعطيت ثلاثا لم يجتمعن لغيرك مصاهرتى و زوجك و ولدك - (٣)

حافظ ابو جعفر احمد بن عبدالله معروف به محب طبرى در كتاب رياض النضره ج ٢ ص ٢٠٢ از ابو سعيد نقل کرده كه رسول اكرم صلى الله عليه و آله و سلم به مولا علي فرمود: خداوند به تو ٣ نعمت داده كه به من نداده اول پدر زنى چون من به تو داده و به من چنين

ص: ١٢٠

١- ١. امامى شيخ مفيد ص ٢٤٢ مجلس ٢٢ ح ٤،

٢- ٢. اصول كافى ج ١ ص ٤٥٢ باب ان الائمة هم ارکان الارض ح اول

٣- ٣. رياض النضره ج ٣ ص ١٧٣ - المناقب المرتضويه كشفى ترمزى حنفى - مناقب ابن مردويه ص ١٨٠

پدرزنی نداده، دوم: این که به تو همسری چون فاطمه داده که صدیقه است و چنین همسری به من نداده، سوم: این که به تو فرزندی چون امام حسن و امام حسین داده و از صلب به من نداده،

انصاری وهابی، وقتی که رسول مکرم اسلام افضل تمام مخلوقات می گوید: ای علی این ۳ امتیازی که تو داری من ندارم، چگونه پیامبران دیگر بر مولا- علی افضل می توانند باشند، ای انصاری وهابی طبق روایاتی که از منابع سنی و شیعه رسیده، هفت خصلت ویژه پیامبر و اهل بیت مطهرش داشته اند که احدی از خلائق نه قبل از آنان و نه بعد از آنان همانند و مثل آنان نداشته است، پیامبر اکرم خطاب به حضرت زهرا فرمود: ای فاطمه، ما اهل بیت هفت خصلت ویژه داریم که به هیچ کس غیر از ما از گذشتگان و آیندگان داده نشده است چه قبل از ما و چه قبل از سایر پیامبران (در این حدیث پیامبر اسلام، اهل بیت مطهرش را که همان ائمه ۱۲ گانه شیعه باشد در کنار و ردیف و رتبه خود ذکر کرده است)

پیغمبر ما، برترین پیغمبران است و آن پدر توست

وصی ما، برترین اوصیاء است و آن شوهر توست

شهید ما، برترین شهداء است و آن حمزه (عموی من) است

و از ما می باشد کسی که به دو بال عطاء شده و در بهشت با آن دو بال، هر جا که بخواهد پرواز می کند و او جعفر پسر عموی توست

و از ما هستند دو سبط و دو سرور جوانان اهل بهشت و آن دو فرزندان تو (حسن و حسین) می باشند

و قسم به خدایی که جان من در دستان اوست از ما است مهدی این امت

یا فاطمه انا اهل الایة اعطینا سبع خصال لم یعطها احد من الاولین و الاخرین قبلنا و قبل الانبیاء و لا یدرکها احد من الاخرین غیرنا، نبینا افضل الانبیاء و هو ابوک، و وصینا افضل الاوصیاء و هو بعلک و شهیدنا خیرالشهداء و هو حمزه و منا من له جناحان یطیر بهما فی الجنة حیث یشاء و هو جعفر ابن عمک و مناسبت هذه الامه و هما ابناک و منا و الذی نفسی ینسب الی هذه الامه. (۱)

ص: ۱۲۱

۱- ۱. مناقب ابن مغزالی ص ۱۰۱ ح ۱۴۴ العمده ابن طریق ص ۲۶۷، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۶۵، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۱۳۰، المعجم الکبیر ج ۳ ص ۵۷، نهج الایمان ابن جبر ص ۲۲۸، الخصال ص ۴۱۲ ح ۱۶، ح ۱۴۹۶۸ - مجمع الزوائد ج ۹ باب مناقب امام علی کروه الطبرانی و فیه قیس بن الربیع و هو ضعیف و قد وثق و بقیه رجاله ثقات

پیامبر اکرم فرمود: به ما اهل بیت، هفت ویژگی داده شده است که به هیچ کس پیش از ما، یا پس از ما داده نشده و نخواهد شد زیبایی، گشاده زبانی، گذشت، دلیری، بردباری، دانش، دوست داشتن زنان

اعطينا اهل البيت سبعة لم يعطهن احد قبلنا و لا يعطها احد بعدنا، الصاحبه، و الفصاحه، و السماحه و الشجاعه و الحلم و العلم و المحبه من نساء. (۱)

پیامبر اکرم فرمود: خداوند، ۱۰ فضیلت در ما جمع کرده که نه به گذشتگان داده و نه به آیندگان عطا کرده است در ماست: حکمت، بردباری، دانش، نبوت، گذشت، دلیری، میانه روی، راستی، پاکی و پاکدامنی، ماییم که خداوند به دوستی با ما، فرمان داده است.

جمع الله عشر خصال لم يجمعها لاحد قبلنا ولا-تكون في احد غيرنا، فينا الحكم والحلم والعلم والنبوه والسماحه والشجاعه والقصد والصدق والطهور والعفاف و نحن كلمه التقوى و سبل الهدى والمثل الاعلى والحجه العظمى والعروه الوثقى والحبل المتين و نحن الذين امر الله لنا بالموده(۲)

مولا- علی راجع به فضائل اهل بیت عصمت و طهارت که ائمه ی ۱۲ گانه باشند می فرماید: آیات مدح درباره ی ایشان در قرآن نازل شده و آنان گنج های خداوند هستند اگر سخن بگویند راست گویند و دیگران بر آنان پیشی و سبقت نمی توانند بگیرند.

فيهم كرائم القران و هم كنوز الرحمن، ان نطقوا صدقوا و ان صمتوا لم يسقبوا (۳)

امام رضا فرمود: ما خاندان محمدیم و بر راه میانه ای قرار داریم که نه تند رو به ما می رسد و نه آن که از پس می آید از ما پیشی می گیرد.

نحن آل محمد النمط الاوسط الذی لا یدرکنا العالی و لا یسبقنا التالی، (۴)

امام سجاد در مجلس یزید ملعون فرمود: ای مردم به ما ۶ سرشت بخشیده شده و به ۷ امر فضیلت داده شده ایم، به ما، علم، بردباری، گذشت، گشاده زبانی، دلیری و

ص: ۱۲۲

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی ۲۵۹، ذخایر العقبی ص ۴۵،

۲- ۲. الخصال ص ۴۳۳، تفسیر فرات ص ۳۰۷، بحار الانوار ج ۲۶ ص ۲۴۴

۳- ۳. نهج البلاغه خطبه ی ۱۵۴

۴- ۴. بحار ج ۴ ص ۴۰ ح ۱۸

محبت در دل مؤمنان بخشیده شده است، و برتری داده شده ایم به این که پیامبر برگزیده، محمد از ماست و صدیق از ماست و طیار از ماست و شیرخدا و شیر پیامبر از ماست، و سرور بانوان جهان، فاطمه بتول از ماست، و دو نوه این امت و سالار جوانان بهشتی از ماست.

يا ايها الناس اعطيناستا و فضلنا سبع، اعطينا العلم و الحلم و السماحة و الفصاحة و الشجاعة و المحبة في قلوب المؤمنين و فضلنا بان منا النبي المختار محمداً و منا الصديق منا الطيار و منا اسدالله و اسد الرسول و مناسيده نساء العالمين فاطمه البتول و مناسبط هذه الامه و سيد اشباب اهل الجنة. (۱)

مولا علی فرمود: هر آن چه پیامبران تا خاتم الانبیاء بدان فضیلت داده شده اند در خاندان و عترت محمد صلی الله علیه و آله است.

و جميع ما فضلت به النبيون الي خاتم النبيين في عتره محمد. (۲)

پیامبر اکرم فرمود: علی بن ابی طالب سید و سرور تمام مؤمنان و امام و پیشوای تمام پرهیزگاران است،

ای انصاری سلفی و وهابی آیا، پیامبران جزء مؤمنان و با تقویان هستند یا نه؟ بله که هستند پس طبق این فرمایش نبی اسلام، علی ابن ابی طالب علیه السلام بر تمام پیامبران و فرشتگان به غیر از رسول اکرم افضل، برتر و امام می باشد

ان الله تبارك و تعالی اوحى الى فى على ثلاثة اشياء ليله اسرى بي انه سيد المؤمنين و امام المتقين و قائد الغر المحجلين. (۳)

و.. فيقول عيسى انت اولى بالصلاه فيصلى عيسى وراء

نماز خواندن حضرت عیسی پشت سر، حضرت مهدی در آخرالزمان هنگام ظهور مهدی موعود، دلیل بر این است که، ائمه ۱۲ گانه شیعه بر تمام پیامبران غیر از رسول اکرم افضل هستند ان عیسی یصلی خلفنا و هو نبی الا ونحن افضل منه (۴)

يجتمع المهدي و عيسى بن مريم فيجي وقت الصلاه فيقول المهدي لعيسى تقدم، فيقول انت اولى بالصلاه فيصلى عيسى وراء بالصلاه ماموماً. (۵)

ص: ۱۲۳

۱- ۱. مقتل الحسين خوارزمی ج ۲ ص ۶۹

۲- ۲. الارشاد ج ۱ ص ۲۳۲

۳- ۳. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۳۷، تاریخ بغداد ج ۱ ص ۱۱۴

۴- ۴. بحار ج ۲۴ ص ۳۲۹

۵- ۵. تذکره الخواص ابن جوزی ص ۴۷۹

فیتاخر الامام ای المهدی فیکدمه عیسی و یصلی خلفه علی شریعه محمد و یقول: انتم اهل البیت لا یتقدمکم احد (۱)

عیسی با امام زمان بیعت می کند و می گوید: نماز برای تو بسته شده من به عنوان وزیر برانگیخته شده ام -

فیقول انما اقیمت الصلاه لک انما بعثت وزیرا و لم ابعث امیرا (۲)

ابن جوزی می گوید: اگر مهدی پشت سر عیسی نماز بخواند به دو دلیل درست نیست

زیرا وی به عنوان امام قیام می کند اگر پشت سر عیسی نماز بخواند از امام بودن بیرون می آید و تابع می گردد

چون پیامبر فرمود: پیامبری پس از من نیست زیرا وی تمام شرایع را نسخ فرمود، بنابراین اگر پشت سر عیسی نماز بخواند،

چهره لانی بعدی: یعنی پیامبری پس از من نیست را غبار شبهه می پوشاند- (۳)

قلت فلو صلی المهدی خلف عیسی لم یجز لوجهین احدهما لانه یخرج عن الامامه بصلاته و ماموما فیصیر تبعا والثانی: لان

النبی قال لا نبی بعدی و قد نسخ جمیع شرائع فلو صلی عیسی بالمهدی لتندس وجه لا نبی بعدی بغبار والشبهه (۴)

صل بنا فیقول: لان بعضکم علی بعض امراء تکرمه لهذ الامه (۵)

و کیف یکون فخر هذه الامه و عیسی روح الله یصلی وراء امامهم

یلتفت المهدی و قد نزل عیسی بن مریم کانما یقطر من شعره الماء فیقول المهدی: تقدم وصل بالناس فیقول عیسی بن مریم:

انما اقیمت الصلاه لک فیصلی عیسی خلف رجل من ولدی...

مهدی می بیند که عیسی فرود آمده و گویا آب از موهایش می چکد پس به او می گوید: جلو برو، به نماز بایست، عیسی

پاسخ می دهد: نماز برای تو به پا شده و آن گاه پشت سر مهدی به نماز می ایستد. (۶)

ینزل عیسی بن مریم فیقول امیرهم صل لنا فیقول... کیف انتم اذا نزل فیکم ابن

ص: ۱۲۴

۱-۱. یوم الخلاص ص ۳۴۶

۲-۲. منتخب الاثر ص ۳۱۶

۳-۳. عمده القاری ج ۱۶ ص ۴۰ - فتح الباری مساله ۳۲۶۵

۴-۴. صحیح ابن حیان ج ۱۵ ص ۲۱۳ - فیض القدر ج ۵ ص ۷۴

۵-۵. الدر المنثور ج ۲ ص ۲۴۳

۶-۶. مقدسی شافعی در عقد الدرر ص ۲۹۲

مریم و امامکم منکم، منا الذی یصلی عیسی بن مریم من خلفه. (۱)

ابن حجر در صواعق ص ۹۹ می نویسد: احادیث نماز خواندن عیسی پشت سر مهدی متواتر است، (۲)

تواترات الاخبار بان المهدی من هذه الامه و ان عیسی یصلی خلفه - (۳)

و فی صلاه عیسی خلف رجل من هذه الامه مع كونه فی آخر الزمان... دلالة للصحيح من الاقوال ان الارض لا تخلو عن قاءم الله بحجه (۴)

لان نزول عیسی بن مریم لقتل الدجال یكون فی زمانه و یصلی خلف المهدی كما جاءت به الاحادیث. (۵)

فان صلی عیسی خلف المهدی ثابتة فی عده احادیث باخبار الرسول - الحاوی،

پیامبر اکرم فرمود: مهدی از نسل من است و چون خروج کند، عیسی ابن مریم نازل می شود برای یاری او، و پشت سر او نماز می خواند.

صلاه عیسی خلف المهدی یدل علی الفضیله المهدی علی عیسی، (۶)

من ذریتی المهدی اذا خرج نزل عیسی بن مریم لنصرته فیقدمه و یصلی خلفه. (۷)

پیامبر اکرم فرمود: ائمه و امامان بعد از من ۱۲ نفر از اهل بیت من هستند اول آنان علی، اوسط آنان محمد و آخرین نفر آنان محمد، مهدی این امت است، که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند.

ان الائمة بعدی اثنا عشر من اهل بیتی علی اولهم و اوسطهم محمد و آخرهم محمد مهدی هذه الامه الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه. (۸)

از جمله ادله حدیثی که، سخنان واهی، انصاری و هابی را رد می کند، حدیث معروف و مشهوری است که شیعه و سنی نقل کرده اند از کلام رسول اکرم که فرمود:

ص: ۱۲۵

۱- ۱. صحیح مسلم ج ۱ ص ۹۵، مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۹۵، فتح الباری ج ۶ ص ۳۵۸، سنن الکبری ج ص، الدیباغ علی

مسلم، ج ۱ ص ۱۷۹، تعلیق التعلیق ج ۲ ص ۴۰،

۲- ۲. الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۲۰۲-

۳- ۳. فتح الباری. مساله ۳۲۶۵

۴- ۴. - تهذیب التهذیب ابن حجر ج ۹ ص ۱۲۹ عمده القاری ج ۱۶ ص ۴۰

- ۵-۵. جواهر العقدين علامه سمهودى ص ۲۶۲،
- ۶-۶. صحيح مسلم ج ۲ ص ۱۳۳.
- ۷-۷. احتجاج طبرسى ج ۱ ص ۹۸
- ۸-۸. كفايه الاثر ص ۷۹، اصول دين مقدس اردبيلى ص ۱۷۰

علمای عامل امت من از پیامبران بنی اسرائیل افضل هستند!! ای انصاری سلفی مگر نمی گویی تمام پیامبران از تمام مردم جهان افضل هستند و دلیل از قرآن هم می آوری با این حدیث چه می کنی، شاید بگویی این حدیث معارض با کلام خداست و کلام خدا (قرآن) افضل از حدیث است ولی وقتی ما به روایت متواتر سنی و شیعه در ذیل تفاسیر قرآن نگاه می کنیم می بینیم منظور این عالم امت که افضل از پیامبران بنی اسرائیل است، عالمان آل محمد و وارثان علوم الهی پیامبر، ائمه ۱۲ گانه شیعه هستند که پیامبر اکرم درباره ی یکی از آنان که مولا علی باشد فرمود: من شهر علم هستم و علی درب آن است،

من سره ان یحی حیاتى و یموت مماتى و یسکن جنه عدن التی غرسها ربی فلیوال علیاً من بعدى و لیقتد بالائمه باهل بیتی من بعدى فانهم عترتى، خلقوا من طیبتى و رزقوا فهما و علماء (فهی و علمی) (۱)

قال رسول الله: انا مدینه العلم و علی بابها. (۲)

هذا حدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه قال النبى: علماء امتى کانبیاء بنی اسرائیل، علماء امتى افضل من انبیاء بنی اسرائیل. (۳)

برای مثال در پیامبران، حضرت عیسی بدون پدر دنیا آمده، مرده زنده کرده، در گهواره حرف زده، از مجسمه گل، پرنده ی زنده خلق کرده، از غیب خبر داده حتی از خفیات شخصی مردم در منازلشان عروج به آسمان کرده و در هنگام ظهور مهدی موعود، از بهشت به عالم دنیا نزول می کند، آیا این دلیل می شود چون بعضی از این صفات و اعمال و خصائص در نبی اکرم نبوده، عیسی بر او افضل و برتر باشد؟! از جمله روایاتی که نشان می دهد مولا علی از تمام پیامبران غیر از رسول اسلام افضل می باشد، حدیث علم دار و صاحب لواء الحمد بودن مولا علی است - یعنی حضرت علی پرچم دار و صاحب لواء الحمد، نبی اسلام است و زودتر از تمام پیامبران وارد بهشت می شود حتی از رسول اسلام زودتر وارد جنت الهی می گردد.

اول من یدخل الجنه من النبیین و الصدیقین علی ابن ابی طالب، بلی ولكن اما علمت ان حامل لواء القوم امامهم و علی حامل لواء الحمد یوم القیامه بین یدی و

ص: ۱۲۶

۱- ۱. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۲۸، معجم الکبیر ج ۵ ص ۲۲۰ و...

۲- ۲. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۳۷ ح ۴۵۷۴

۳- ۳. فیض القدر مناوی ج ۱ ص ۲۱، المحصول فخر رازی ج ۵ ص ۷۱، تفسیر بیضاوی ج ۳ ص ۱۴۹

هو صاحب رايتی فیدخل الجنة قبلی.

مولا- علی می فرماید: رسول اکرم به من فرمود: ای علی تو اولین نفر هستی که وارد بهشت می شود عرض کردم: ای رسول خدا، آیا پیش از شما وارد بهشت می شوم؟ فرمود: آری زیرا تو پرچم دار من در آخرتی، هم چنان که در دنیا پرچمدار و علم دار من هستی و پرچم دار پیشرو است. (۱) پیامبر اکرم فرمود: تو ای علی در دنیا و آخرت پرچم دار منی.

و انت صاحب لوائی فی الدنيا و الاخره. (۲)

پیامبر اکرم فرمود: ای علی فردای قیامت لوا و پرچم حمد در دست توست و با آن میان دو صف راه می روی، آدم و تمامی آفریدگان در روز قیامت زیر سایه ی لوای من گرد می آیند.

فیدفع الیک لوائی و هو لواء الحمد، فتسیر به بین السماطین و ان آدم و جمیع من خلق الله یستظلون بظل لوائی یوم القیامه. (۳)

عبدالله بن سلام می گوید: به پیامبر اکرم عرضه داشتم که مرا از لواء حمد و صفات آن باخبر کن، پیامبر اکرم ویژگی های آن لواء و پرچم را بیان فرمود سپس فرمودند حمل کننده آن در دنیا جزء علی ابن ابی طالب نیست و زیرا آن لواء مؤمنان، اولیاء الله، پیروان خدا و پیروان من و دوستان من و شیعه علی و دوستان علی و یاوران او، قرار می گیرند.

یحملها الذی یحمل لوائی فی الدنيا علی ابن ابی طالب

انصاری سلفی، آیا پیامبران، اولیاء و دوستان خدا نیستند؟ پس طبق این حدیث انبیاء زیر لوا و پرچم مولا علی باید قرار بگیرند و غیر از رسول اکرم، سایر پیامبران بر علی و ائمه هدی افضل نیستند. (۴)

جابر بن سمره از پیامبر اکرم سؤال شد صاحب لواء و پرچم شما در آخرت کیست؟ رسول خدا فرمود: صاحب لواء و پرچم من در آخرت، صاحب لواء و علم دار

ص: ۱۲۷

۱- ۱. علل شرایع ج ۱ ص ۱۷۲-امالی صدوق ص ۳۵۴ ح ۴۳۲

۲- ۲. کنز العمال ج ۱۱ باب سوم ص ۶۱۲ ح ۳۲۹۶۵ و ص ۶۱۵ ح ۳۲۹۸۳

۳- ۳. الفضائل الاحمد حنبل ج ۲ ص ۶۶۳ ح ۱۱۳۱، مناقب خوارزمی ص ۱۴۰ ح ۱۵۹- ینابیع الموده قندوزی ج ۲ باب ۵۰ ص ۳۷۶ ح ۱

۴- ۴. ریاض النضره طبری ج ۲ ص ۲۰۱، موده القربی همدانی ص ۲۱، الغدیر امینی ج ۲ ص ۴۶۵

من در دنیا علی بن ابی طالب است، یعنی همان طور که علی علیه السلام در دنیا علم دار من است در آخرت نیز صاحب لواء و علم دار من است.

عن جابر بن سمره قال: قيل يا رسول الله من صاحب لواءك في الآخرة؟ قال: صاحب لواءي في الدنيا علي ابن ابيطالب. (۱)

علی ابن ابی طالب امینی غداً فی القیامه و صاحب رایتی فی القیامه کفایه الطالب گنجی شافعی ص ۳۲۸ الباب اسادس و الخمسون، (۲)

عن جابر بن سمره قال قيل: يا رسول الله من يحمل رايتك يوم القیامه؟ قال: من عسی ان يحملها الامن حملها فی الدنيا علی ابن ابی طالب. (۳)

حضرت علی علیه السلام به این حدیث در محفل و مجلس اعضای شوری، احتجاج فرموده است-حضرت فرمود: شما را به خدا سوگند می دهم آیا جزء من کسی در میان شماست که رسول خدا به او فرموده باشد: که تو صاحب علم و رایت من در دنیا و آخرتی؟ گفتند: نه

نشدتکم بالله هل فيكم احد قال له رسول الله: انت صاحب رايتي في الدنيا و صاحی لوائی فی الآخرة غیري؟ قالوا: لا. (۴)

طبرانی در کتاب های المعجم الكبير و المعجم اصغير الاوسط حدود ۷۹ حدیث در باب صاحب پرچم بودن رسول الله توسط مولا علی (یعنی علم دار بودن) نقل کرده است، ابن عباس می گوید: همانا علی علیه السلام همیشه صاحب پرچم پیامبر و علمدار رسول الله بود در کل موطن

ان علیاً كان صاحب رایه رسول الله (۵)

از جمله روایاتی که برتری مولا- علی را بر تمام پیامبران به غیر از رسول اکرم، به طور واضح نشان می دهد، حدیث شجره است-رسول اکرم: ای علی، مردم از درخت های مختلف و گوناگون می باشند ولی من و تو از یک درخت می باشیم.

يا علی، الناس من شجرشتی و انا و انت من شجر واحده

ص: ۱۲۸

۱- ۱. مناقب ابن مغزلی ح ۲۳۷ ص ۱۹۲، عمدہ القاری عینی ج ۱۶ ص ۲۱۵

۲- ۲. حلیه الاولیا ابونعیم ج ۱ ص ۶۶، تاریخ بغداد ج ۱۴ ص ۹۹، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۲۹

۳- ۳. کفایه الطالب الباب الخامس و التسعون ص ۵۴۶-تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۷۴ مناقب کوفی ج ۱ ص ۵۸۶، المعجم الكبير ج ۲ ص ۲۴۷ و...

۴- ۴. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۲۸۳

۵- ۵. ...المعجم الكبير ج ۱ ح ۹۴۱، المعجم الاوسط ج ۱ ح ۵۵۹، و...

ای انصاری وهابی، آیا طبق قاعده این حدیث پیامبران جزء ناس و مردم نمی باشند؟! وقتی مولا علی و پیامبر با هم از یک ریشه واحده و مساوی هستند، انبیاء هم که جزء مردم می باشند از یک شجره نبوت، جداگانه هستند و این حدیث برتری مولا علی را بر تمام ناس و انبیاء را به غیر از رسول اسلام می رساند.

خلق الناس من اشجار شتی و خلقت انا و علی من شجره واحده فانا اصلها و علی فرعها، انا و علی من شجره و الناس من اشجار شتی، خلقت انا و انت من شجره فانا اصلها و انت فرعها. (۱).

انا و علی من شجره الواحد هو سائر الناس من شجر شتی - (۲)

حاکم نیشابوری از جابر بن عبدالله روایت می کند که گفت: از رسول خدا شنیدم که به علی می فرمود: یا علی، مردم هر یک از یک شجره اند ولی من و تو از یک شجره هستیم آن گاه این آیه را تلاوت فرمود:

و جنات من اعناب و زرع و نخیل صنوان و غیر صنوان یسقی بماء واحد (رعد ۴) نبی اکرم به مولا- فرمود: خیر الاولین و الآخرین من اهل السماوات و الارضین (۳)

هم چنین حاکم نیشابوری می گوید: این حدیث از احادیثی است که سندش صحیح است که سیوطی و ابن مردویه هم آن را نقل کرده اند. (۴)

پیامبر اکرم فرمود: ما پیامبران برادریم و من افضل پیامبرانم و محبوب ترین برادران نزد من علی ابن ابی طالب است و او نزد من از تمام پیامبران افضل و برتر است پس هر که خیال کند، پیامبران از علی افضل و برترند مرا از انبیاء کوچکتر دانسته و هر کس مرا، از پیامبران کوچکتر شمارد کافر شده است زیرا من علی را برادر خود قرار دادم به دلیل فضیلتی که در او سراغ داشتم و دستوری که پروردگارم

ص: ۱۲۹

۱- ۱. مناقب ابن مغزلی ص ۱۲۲ ح ۱۳۳، کفایه الطالب گنجی ص ۱۷۸، میزان الاعتدال ذهبی ج ۳ ص ۴۱، لسان المیزان ابن حجر ج ۴ ص ۱۴۴، مقتل الحسین خوارزمی ص ۱۰۸، کنز العمال ج ۱ ص ۲۳۴، کنوز الحقائق فی احادیث خیر الخلائق، مناوی ص ۱۵۵، ذخایر العقبی طبری

۲- ۲. المعجم الوسط ج ۵ ص ۸۹ ج ۴۱۶۲

۳- ۳. - بحا ج ۲۷ ص ۳۰۶

۴- ۴. مستدرک الصحیحین ج ۲ ص ۲۴۱ و ج ۳ ص ۱۶۰، الدر المنثور ج ۴ ص ۴۴، تاریخ دمشق ج ۱ ص ۱۴۲، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۰۰، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۷۵ عن عائشه عن النبی: خیر اخوتی علی - صواعق المحرقة ابن حجر ص ۱۷۳- مناقب ابن مغزلی ح ۵۸ - الاصابه ابن حجر ج ۲ ص ۲۳۴ اسد الغابه ج ۲ ص ۷۲

انا معاشر الانبياء اخوه و انا افضلهم و لا يحب الاخوه الى علي ابن ابي طالب. فهو عندى افضل من النبياء فمن زعم ان الانبياء افضل منه فقد جعلنى اقلهم و من جعلنى اقلهم فقد كفر لانى لم اتخذ عليا اخا الا لما علمت من فضله

نبى اکرم فرمود: کسی را بر علی برتری ندهید که مرتد و دروغگو می شوید و لا تفضلوا علیه احدا فترتدوا (۲)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود علی از من و من از علی هستم و هر کس علی را با ساین مقایسه کند به من ظلم کرده و هر کس به من ظلم کند مرا آزار داده و لعنت خدا بر کسی که مرا آزار دهد

—علی ابن ابی طالب منی و انا منه فمن قاسه بغیره فقد جفانی و من جفانی فقد آذانی و من آذانی فعلیه لعنه ربی — (۳) و دفع فضله فقد تنقصنی: هر کس برتری علی را رد کند از من کم کرده امالی صدوق ص ۲۰۵

و حدیث مواخاه و اخوت که فراوان در منابع حدیثی اهل سنت آمده این حدیث را تأیید می کند؛ پیامبر اکرم فرمود: ای علی، تو برادر منی و من برادر تو هستم، پس اگر کسی از تو پرسد بگو بنده خدا و برادر رسول خدا هستم و هر کس جزء تو، چنین ادعائی بکند دروغگوست.

انت و اخی و انا اخوک فان ذا کرک احد فقل: انا عبدالله و اخو رسول الله لا یدعیها بعدک الا کذاب. (۴)

پیامبر اکرم فرمود: بر در بهشت نوشته شده است، محمد پیامبر و رسول خداست و علی برادر رسول خداست و این عبارت دو هزار سال قبل از خلقت آسمان ها نوشته شده است.

مکتوب علی باب الجنه «محمد رسول الله، علی اخو رسول الله» قبل ان یخلق الله السموات بالفی عام. (۵)

ص: ۱۳۰

۱ - ۱. تفسیر برهان علامه سید هاشم بحرانی ج ۴ ص ۱۴۸، تأویل الایات علامه سید شریف الدین ج ۲ ص ۵۶۴، الصراط المستقیم ج ۱ ص ۲۱۱

۲ - ۲. بشاره المصطفی ص ۱۲۸ ح ۶۳ طرز الوفاء فی فضائل آل مصطفی ص ۱۴۳ مصری شافعی

۳ - ۳. مائه منقبه ابن شاذان ص ۱۳۰ منقبه ۶۷

۴ - ۴. مسند احمد حنبل ص ۴۵، مناقب احمد حنبل ج ۲ ص ۱۶۸، ریاض النضره، طرائف سید ابن طاووس ص ۱۷۱

۵ - ۵. مناقب ابن مغزالی شافعی ح ۱۳۴ ص ۱۲۲، حلیه الاولیاء ج ۷ ص ۲۵۶، تاریخ بغداد ج ۷ ص ۳۸۷، میزان الاعتدال ذهبی ج ۱ ص ۲۶۹، لسان المیزان ابن حجر ج ۱ ص ۴۵۷ و ج ۴ ص ۴۸۱، ذخایر العقبی طبری ص ۶۶، مسند احمد ج ۵ ص ۳۵۱، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۱۱، الترمذی ج ۵ ص ۳۰۰ باب الفضل علی علیه السلام ح ۳۸۰۴، منتخب کترالعمال ج ۵ ص ۳۵، موده القربی همدانی ص ۲۰، محب الدین طبری، مناقب خوارزمی ص ۸۷، فیض القدر ج ۴ ص ۳۵۵، شمس الاخبار ص ۳۵

می گوید: بزرگترین دلیل عظمت مقام علی نزد پیامبر اسلام، رفتار پیامبر در مورد برادری با اوست، هنگامی که پیامبر آغاز کرد که هر کدام از اصحابش را با همپایه و هم شکلش بیوندند تا جایی که بین ابوبکر و عمر، پیوند برادری برقرار کرد، علی را برای خودش ذخیره گذارد و او را به خودش اختصاص داد، آیا هیچ افتخاری و فضیلتی می تواند با این فضیلت همپایه شود؟ (۱)

در روایتی دیگر آمده است که پیامبر، پیمان برادری میان هر دو نفر آن ها انداخت تا به یاری همدیگر و همکاری نسبت به هم ترغیب شوند و هر کدام را برادر کسی قرار داد که درجه اش در شکل و اندازه به او نزدیک تر بود. (۲)

عبدالفتاح المقصود در الامام علی ابن ابی طالب ص ۷۳ می نویسد: پیامبر، برادری خود را تنها به علی اختصاص داد نه دیگران و علی به عنوان برادر دینی خود برگزید از طرح برادری خود با ابوبکر، عمر و حمزه آن شیر خدا و شیر پیامبر دریغ کرد ولی برای این برادر معنوی غیر از برادر هم خونی، جوانی را که تربیت شده ی دامن خودش بود، برگزید و او را بر هر دوستی دور یا نزدیک مقدم داشت (۳)

محمد بن اسحاق گوید: رسول خدا میان اصحابش از مهاجر و انصار عقد برادری برقرار کرد و در آن چه به ما رسیده است فرمود: به خدا پناه می برم از چیزی که نگفته است بر او بندم هر دو نفر با هم برادر شوید آن گاه دست علی ابن ابی طالب را گرفت و گفت: این برادر من است، در نتیجه رسول خدا، که سید المرسلین امام متقین و رسول رب العالمین است واحدی به عظمت و بزرگی مقام او در میان بندگان خدا نیست، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و علی ابن ابی طالب برادر یکدیگر شدند. (۴)

ص: ۱۳۱

-
- ۱-۱. الریاض النضره ص ۲۱۲، فرائد السمطین باب ۲۰- الفصول المهمه ص ۲۲، الغدیر امینی ج ۳ ص ۱۶۲
 - ۲-۲. الصواعق ص ۷۳، تاریخ الخلفاء ص ۱۱۴، الاصابه ج ۲ ص ۵۰۷، المواقف ج ۳ ص ۲۷۶، شرح المواهب ج ۱ ص ۳۷۳
 - ۳-۳. الغدیر ج ۳ ص ۱۶۳
 - ۴-۴. تاریخ ابن هشام ج ۲ ص ۱۳۲، تاریخ ابن کثیر ج ۳ ص ۲۲۶، السیره الحلبیه ج ۲ ص ۱۰۱، الغدیر ج ۳ ص ۱۶۵

در حدیث ليله المبيت، خداوند به جبرئیل و میکائیل وحی فرستاد، چرا شما مثل علی ابن ابی طالب نشدید که میان او و محمد برادری افکندم. الغدير ج ۳ ص ۱۷۰

ذلك فاحی الله الی جبرئیل و میکائیل انی اخیت بینکما... فاحی الله الیهما افلا کنتما مثل علی ابن ابی طالب اخیت بینه و بین نبی محمد رسول الله و آله و سلم(۱)

فاحی الله الیهما انی اخیت بین علی ولیی و بین محمد نبی...

پس ای انصاری وهابی این عقد اخوت و برادری بین مولا علی و پیامبر اسلام از سوی خدا و به امر الهی بوده است، در حدیث معراج از نسفی و دیگران از قول جبرئیل آمده است که او گفت: خدای متعال بر زمین نظری افکند و از میان خلقش ترا به پیغمبری خود برگزید آن گاه بار دیگر نظر افکند و برای تو برادری و وزیری و مصاحبی برگزید، دخترت فاطمه را به ازدواجش در آور گفتم: ای جبرئیل کیست این مرد؟ گفت برادرت در دنیا و آخرت که پسر عموی نسبی تو، علی ابن ابی طالب است.(۲)

عبدالله عمر گوید: پیامبر اکرم در بیماری اش گفت: برادرم را فرا بخوانید، ابوبکر را صدا زدند تا نزد پیامبر آمد، پیامبر، صورت از او برگردانید، دوباره پیامبر فرمود: برادرم را بخوانید، عمر ابن الخطاب را صدا زدند تا آمد پیامبر عمر را دید روی برگردانید بار سوم فرمود: برادرم را صدا بزنید، عثمان را صدا زدند تا آمد، پیامبر، صورت از او برگردانید، علی ابن ابی طالب را صدا کردند هنگامی که وی آمد، پیامبر او را به پارچه ای پوشانید و سینه اش را به سینه ی خود چسبانید(۳) عایشه به مردی از قبیله ی ضبه که زمام شتر او را گرفته بود گفت: تو علی ابن ابی طالب را در کجا می بینی؟ گفت این است که ایستاده و دستش را به سوی آسمان برداشته است او نگاه کرد و گفت: چقدر او به برادرش شبیه است؟ مرد گفت: برادرش کیست؟ عایشه گفت: رسول الله، مرد گفت دیگر کسی مرا نخواهد دید که با مردی بجنگم که برادر پیامبر

ص: ۱۳۲

۱- ۱... اسدالغابه ابن اثیر ج ۴ ص ۲۵، احیاء العلوم غزالی ج ۳ ص ۳۷۹، شواهد التنزیل ح ۱۳۳ ص ۵۲، ینابیع الموده ج ۲ ص ۸۸ نورالابصار شبلنجی ص ۷۷

۲- ۲. نزهه المجالس ج ۲ ص ۲۲۳، الغدير امینی ص ۱۷۰ ج ۳

۳- ۳. الغدير امینی ج ۳ ص ۱۷۰، تاریخ ابن کثیر ج ۷ ص ۳۵۹

است، آن گاه مهار ناقه را از دست انداخت و به سوی علی رفت (۱).

زید بن وهب می گوید: شنیدم علی علیه السلام بر منبری گفت: من بنده خدا و برادر رسول اویم کسی این جمله را قبل از من نگفته است و پس از من نیز نخواهد گفت مگر بسیار دروغگویی و دروغساز، مردی بلند باشد و گفت: من نیز چنین ادعایی دارم، (یعنی مدعی ام که برادر پیامبرم) ناگهان نقش بر زمین شد، کسانش فرا رسیدند و او را با پارچه ای پوشانیدند از آن ها سؤال شد که آیا قبلاً نیز چنین عارضه ای داشته است؟ گفتند: نه. (۲)

ابوالطفیل عامربن وائله، ضمن حدیث محاجه مولا علی در روز شورا، گوید که او می گفت: شما را به خدا قسم می دهم آیا بین شما کسی هست که رسول خدا، میان او و خودش در روز برادری عمومی مسلمانان، پیمان برادری افکنده باشد جز من، همه گفتند، خدا شاهد است که نه. (۳)

نشدتکم بالله هل فیکم احد قال له رسول الله: انا اخوک و انت اخی، غیری؟ قالوا: لا. (۴)

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ج ۳ ص ۱۷ می نویسد: حدیث این که به پیامبر نسبت می دهند که فرموده اگر دوستی برای خود می گرفتم، ابوبکر را انتخاب می کردم، حدیثی مجهول است و طرفدارن ابوبکر آن را در مقابل حدیث مواخات ساخته اند.

ولو كنت متخذاً خلیلاً من امتی لا اتخذت ابابکر. (۵)

اولاً این جمله به صورت شرطیه بیان شده و بر وقوع چنین رویدادی دلالت نکرده و نهایتاً بر شرطی دلالت دارد که اتفاق می افتاد چنین می شد، پس بر خلاف اعتقاد استنادکنندگان، هیچ فضیلتی برای ابوبکر نیست اضافه این که در ادامه حدیث، پس از نفی اخوت و دوستی با ابوبکر، تنها دوستی در اسلام را معتبر می داند.

ص: ۱۳۳

۱- ۱. المحاسن و المساوی ج ۱ ص ۳۵، الغدیر ج ۳ ص ۱۷۲

۲- ۲. فرائد السمطین باب ۴۴، کنز العمال ج ۶ ص ۳۹۶، الاستیعاب ابن عبد البر ج ۲ ص ۴۶۰، الغدیر امینی ج ۳ ص ۱۷۲

۳- ۳. الاستیعاب ج ۲ ص ۴۶۰، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲ ص ۶۱، الغدیر ج ۳ ص ۱۷۳

۴- ۴. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۲۸۴

۵- ۵. صحیح بخاری ج ۳ ص ۱۴۱۷

اگر ابوبکر برادر الهی پیامبر بود، در جریان ابلاغ سوره ی توبه، پیامبر او را برنمی گردانید و نمی فرمود: این سوره را کسی ابلاغ می کند مگر آن که من از او باشم و او از من باشد.

الارجل منی و انا منه. (۱)

كان احب النساء الى رسول الله فاطمه و من الرجال على - هذ حديث صحيح الاسناد. (۲)

ماخلق الله كان احب الى رسول الله من على ابن ابی طالب

عایشه به پیامبر می گفت: به خدا قسم من می دانم که جایگاه علی برای تو از جایگاه من و پدرم بالاتر است

و الله لقد عرفت ان علیاً احب اليك من ابی و منی (۳)

شاید انصاری وهابی بگویند: ابن ابی الحدید که گفته حدیث برادری ابوبکر با پیامبر، ساخته دست دوستان ابوبکر است، شخص او (ابن ابی الحدید) یک شخص شیعی بوده، خود ابن ابی الحدید در کتاب شرح نهج البلاغه ج اول در مقدمه کتابش می نویسد: حمد مخصوص خدایی است که مفضل را بر فاضل برتری داد، یعنی ابوبکر را بر علی، نعوذ بالله

الحمد لله الذي قدم المفضل على الفاضل

اگر ابن ابی الحدید شیعه بود، طرفداری از ابوبکر نمی کرد،

ثانیاً او مذهب معتزلی داشته و معتزله یکی از فرق اهل سنت است و در ۱۹ فرقه منسوب به شیعه فرقه ای به نام معتزلی ما نداریم، حافظ دارقطنی روایت کرده

ص: ۱۳۴

۱- ۱. مسند احمد ج ۱ ص ۳۳۰

۲- ۲. خصائص الامام نسائی ح ۱۰۵ و ۱۰۷ و ۱۰۸ مستدرک حاکم با تلخیص ذهبی ح ۴۷۳۵ -

۳- ۳. مسند احمد ج ۴ ص ۲۷۵ ح ۱۸۴۴۴، شبهات غدیر ج ۳ ص ۴۰۴ عصیری. مجمع الزوائد ح ۱۵۱۹۴ مساله الجزء التاسع کتاب مناقب فاطمه - رواه احمد و رجاله رجال صحيح - البحر ازخار (مسند بزاز) ح ۳۲۷۵ - فتح الباری ابن حجر مساله ۳۴۶۲ در حاشیه رقم ۱- والنسائی بسند صحيح - فضائل الصحابه احمد ج ۱ ص ۷۵: اسناد حسن - الجامه الحیح ترمذی ص ۱۰۰۶ ح ۳۸۷۷، مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۶۸ ح ۴۷۳۵، سنن الکبری نسائی ج ۵ ص ۱۴۰، معجم الوسط ج ۸ ص ۱۳۰، تاریخ دمشق ج ۲ ص ۲۶۰، نظم درر السمطين ص ۱۰۰، اسد الغابه ج ۵ ص ۵۲۲، کفایه الطالب ص ۳۲۴، ذخائر العقبی ص ۳۵، التحاف بحب الشراف ص ۳۱، ینابه الموده ج ۲ ص ۳۹، صواعق المحرقه ص ۱۲۱، مناقب خوارزمی ص ۷۹ مطالب السوول

است که عمر، جویای علی شد، پرسید علی کجاست؟ گفتند به سوی مزرعه اش رفته، گفت: ما را نزد او راهنمایی کنید، آن گاه علی در حالی که در زمین خودش مشغول به کار بود، ملاقات کرد، ساعتی با او به کار پرداخت، سپس نشست و با وی گفتگو کرد، در میانه ی سخن علی به عمر، فرمود: اگر گروهی از بنی اسرائیل بیایند و یکی از آن ها به تو بگوید: من پسر عموی موسی هستم آیا او را بر یارانش ترجیح می دهی؟ عمر گفت بله علی فرمود: پس به خدا قسم من برادر پیامبر و پسر عموی اویم، عمر، عبایش را از دوشش در آورد و بر روی زمین پهن کرد و به علی گفت: به خدا قسم از اینجا نباید بنشینی تا از هم جدا شویم، علی روی عبای عمر نشسته بود تا از هم جدا شدند. (۱)

عدی بن حاتم می گوید: اگر مقام علی را به اسلام بسنجیم همانا او برادر پیامبر و رأس اسلام است. (۲)

حسن بصری درباره ی مولا علی می گوید: رسول خدا بین اصحابش پیمان برادری افکند و میان علی و خودش برادری برقرار کرد، پس چنان که پیامبر خودش از همه برتر است، برادرش (علی) نیز از همه برتر است. (۳)

آخی رسول الله بین المهاجرین و الانصار و کان یواخی بین الرجل و نظیره ثم اخذ بید علی فقال: هذا اخی (۴)

عن ابیه حذیفه بن الیمان قال: آخا رسول الله بین اصحابه الانصار و المهاجر فکان یواخی بین الرجل و نظیره ثم اخذ بید علی ابن ابی طالب فقال: هذا اخی

حذیفه می گوید: پیامبر اسلام، بین اصحابش از مهاجر و انصار، پیمان اخوت و برادری قرار داد بین آن هایی که شبیه و نظیر و هم پایه هم دیگر بودند سپس دست علی را گرفت و فرمود: این است برادر من، یعنی هم پایه و هم مرتبه ی من. (۵)

ای انصاری وهابی، پیامبر اکرم فرمود: ای علی، اگر بنده ای، خدا را عبادت کند

ص: ۱۳۵

۱- ۱. الصواعق ص ۱۰۷، الغدير ج ۳ ص ۱۷۴

۲- ۲. جمهره الخطب ج ۱ ص ۲۰۲، الغدير ص ۱۷۵ ج ۳

۳- ۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد ج ۱ ص ۳۶۹، الغدير امینی ج ۳ ص ۱۷۶

۴- ۴. مناقب ابن مغزلی ص ۳۸ ح ۶۰- غایه المرام ص ۳۳ باب ۱۲ ح ۸، ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۷۲

۵- ۵. البدایه و النهایه ابن کثیر ج ۳ ص ۲۲۶، ارجح المطالب ص ۴۲۴، السیره النبویه ابن هشام ج ۱ ص ۵۰۴، امالی طوسی ص ۲۳

بعد شك کند درباره تو و اهل بیت تو به این که شما افضل از همه ی مردم هستید یا نه، جایگاه او در آتش می باشد.

یا علی لو ان احد عبدالله حق عبادته ثم شك فيك و اهل بيتك في انكم افضل الناس كان في النار(۱).

ای انصاری وهابی، یک ضربت زدن شمشیر مولا- علی در جنگ خندق افضل از عبادت جن و انس بوده است چگونه می گویی علی، افضل خلائق بعد از رسول اسلام نیست و بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام، برتر نمی باشد. قاضی ایجی در المواقف ج ۳ ص ۶۲۸ می نویسد: روایت ثواب ضربت علی در خندق متواتر است

لضربه علی خیر من عباده الثقلین و تواتر وقائعه؛

تفتازانی می نویسد این قضیه مشهور است - وهی مشهوره ... فخر رازی می نویسد:

لمبارزه علی علیه السلام مع عمر بن عبدود افضل من عمل امتی الی یوم القیامه فلم یقل مثل عمله بل قال: افضل کانه یقول: حسبک هذا من الفضل والباقی جذاذ

ضربه علی یوم الخندق افضل من عباده الثقلین

آیا پیامبران جزء ثقلین و جنس انس می باشند یا نه؟!

حتی قال علیه السلام یوم الاحزاب، لضربه علی خیر من عباده الثقلین، لمبارزه علی ابن ابی طالب، لعمر بن عبدود یوم الخندق افضل من اعمال امتی الی یوم القیامه. (۲)

فقال النبی: ابشریا علی فلو وزن الیوم عملک بعمل امه محمد لرجع عملک بعملهم و ذلك انه لم یبق بیت من بیوت المشرکین الا و قد دخله وهن بقتل عمرو، و لم یبق بیت من بیوت المسلمین الا و قد دخله عز بقتل عمرو. (۳)

ص: ۱۳۶

۱- ۱. موده القربی سید همدانی شافعی موده ۷، ینابیع الموده ج ۲ ص ۲۹۸ ح ۸۵۳ باب ۵۶، شب های پیشاور ج ۲ ص ۶۵۴ تحقیق درایتی

۲- ۲. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۳۴ ح ۴۳۲۷ کتاب المغازی، تاریخ بغداد ج ۱۳ ص ۱۹، تاریخ دمشق ج ۵۰ ص ۳۳۳، فرائد السمطین ج ۱ ص ۲۵۶، شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۴، تفسیر الکبیر فخر رازی ج ۳۲ ص ۳۱، الفردوس دیلمی ج ۳ ص ۴۵۵، شرح المقاصد ج ۲ ص ۳۰۱، مناقب خوارزمی ص ۱۰۷ ح ۱۱۲، مقتل الحسین ج ۱ ص ۷۸، ینابیع الموده ج ۱ ص ۴۱۲ ح ۵ السیره الحلبیه ج ۲ ص ۳۲۰، المعیار و الموازنه ص ۹۱، شرح المواقف ج ۸ ص ۳۷۱، مقصد ۵، سعد السعود ص ۱۳۹، بحار الانوار ج ۳۹ ص ۲، مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۱۸، کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۲۳ - سیوطی در جامع الاحادیث ج ۷ ص ۱۰۸ به نقل ذهبی می گوید: این روایت صحیح است قال ذهبی: صح

۳- ۳. شواهد التنزیل ص ۲۴۳ ح ۶۳۴ و ح ۶۳۶ - تفسیر غرائب القرآن نیشابوری ج ۶ ص ۵۳۸، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

ج ١٩ ص ٢٦ - خصال صدوق ص ٥٨٠ - طرائف سيد ابن طاوس ص ٦٠ و ص ٥١٤، منهاج الكرامه حلى ص ٩١، مستدرک
سفینه البحار ج ٧ ص ٤٣٩

ذیل آیه ۲۵ سوره ی احزاب، پیامبر اکرم فرمود: افضل مردان عالم در زمان من این علی است.

افضل رجال العالمین فی زمانی هذا علی (۱)

ایمان مولا علی از تمام خلائق و پیامبران غیر از رسول اسلام بیشتر بوده و به این سبب و دلیل او از همه پیامبران و خلائق اعم از جن، ملک و انس افضل و برتر است غیر از رسول اسلام

لو ان السموات السبع و الارضین السبع وضعت فی کفه و وضع ایمان علی فی کفه لرجح ایمان علی، لو ان السموات و الارض وضعتا فی کفه و ایمان علی فی کفه لرجح ایمان علی، لو ان السموات و الارضین وضعتا فی کفه و وضع ایمان علی فی کفه لرجح ایمان علی.

پیامبر اکرم فرمود: اگر هفت آسمان و زمین را در یک کفه ی ترازو بگذارند و ایمان علی را در کفه ی دیگر، هر آینه، ایمان علی، رجحان و سنگینی می نماید بر آن ها، (۲)

قلت: هذا حدیث حسن ثابت، رواه الجوهری فی کتاب فضائل علی، عن شیخ اهل الحدیث الدار قطنی

زمانی که مولا علی رهسپار جنگ با عمر ابن عبدود شد، پیامبر اکرم فرمود: تمام ایمان در مقابل تمام شرک قرار گرفت.

برز الایمان کله الی الشرک کله (۳)

پیامبر اکرم فرمود: فضیلت و برتری علی ابن ابی طالب بر سایر خلائق همانند برتری جبرئیل بر سایر ملائکه هست.

فضل علی علی سائر الناس کفضل جبرئیل علی سائر الملائکه. (۴)

ص: ۱۳۷

۱- ۱. موده القربی همدانی موده ۷، ینابیع الموده ج ۲ ص ۲۹۸ ح ۸۵۲

۲- ۲. مناقب ابن مغزلی شافعی ص ۲۸۹ ح ۳۳۰، مناقب خوارزمی ص ۱۳۱ ح ۱۴۵، ینابیع الموده ج ۲ ص ۱۸۸، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۴۱، کفایه الطالب ص ۲۵۸، الفردوس دیلمی ج ۳ ص ۳۶۳ ح ۵۱۰۰، کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۱۷ ح ۲۲۹۹۳، ذخایر العقبی ص ۱۰۰، ریاض النضره ج ۳ ص ۲۰۶، مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۹، جواهر المطالب ابن دمشقی ج ۱ ص ۲۶۸، شرح الاخبار مغربی ج ۲ ص ۳۲۱، مناقب آل ابی طالب ج ۲ ص ۴۱۲

۳- ۳. امالی ابن سمعون ج ۲ ص ۲۷۵، اسماعیل بن عنبس بغدادی، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۱۵۸، العثمانیه جاحظ ص ۳۲۴، ینابیع الموده ج ۱ ص ۲۸۱، فضایل امیر المؤمنین، ابن عقده کوفی ص ۲۰۹، وسیله النجاه مولوی محمد مبین الهندی ص ۸۴، آل محمد؛ حسام الدین المردی الحنفی ص ۲۱، شرح احقاق الحق ج ۱ ص ۴۰۴

۴- ۴. کفایه الطالب گنجی شافعی ص ۵۱۴

قلت: هذا حديث حسن عال

قال رسول الله: مثلي و مثل علي مثل شجره انا اصلها و علي فرعها فاطمه لقاحا والحسن والحسين ثمرها (١)

پیامبر اکرم فرمود: همانا، خداوند، پیامبران را از درخت ها و ریشه های مختلف و جداگانه آفرید و من و علی را از یک درخت واحد آفرید که اصل آن من و فرع آن علی می باشد، (٢)

ان الله خلق الانبياء من اشجار شتى و خلقني و علياً من شجره واحده، فانا اصلها و علي فرعها. (٣)

قلت: هذا حديث حسن عال، رواه الطبراني في معجمه كما اخرجناه سواء و رواه محدث الشام في كتاب بطرق شتى. ان الله خلق النبياء من اشجار شتى و خلقني من شجره واحده فانا اصلها و علي فرعها فاطمه لقاحها والحسن والحسين ثمرها - (٤)

يا علي انت و العتره من ولدك ائمه الهدى .. والشجره التي انا اصلها و انتم فرعها (٥)

استاد توفیق ابو علم، وکیل اول وزارت دادگستری مصر می نویسد: این عمل به طور آشکار فضیلت علی را بر همه مردم روشن می سازد و دلالت دارد بر این که کفو و مثلی برای رسول خدا به جزء علی نیست

و فی ذلك من ابانه فضله علی الکافه و الدلاله علی انه لا کفوا لرسول الله سواه (٦)،

استاد عبدالکریم خطیب درباره ی حدیث برادری بین مولا علی و پیامبر می نویسد: این حدیث دلالت بر فضایل و کمالاتی دارد بر کسی که پیامبر، او را به اخوت و برادری با خود، اختصاص داده است، کاری که بدون جهت و سر خود نبوده بلکه امری از امر خداوند و فضلی از فضل الهی بوده است

ص: ۱۳۸

-
- ۱- ۱. میزان الاعتدال ذهبی ج ۲ ص ۲۸۱ - لسان المیزان ابن حجر ج ۶ ص ۲۴۳ - تاریخ دمشق ج ۲ ص ۴۷۳
 - ۲- ۲. مسترک حاکم ج ۲ ص ۲۴۱، الکامل ابن عدی ج ۶ ص ۴۵۹، تفسیر ثعلبی ج ۵ ص ۲۷۰، مناقب ابن مغازلی ص ۹۰، الاصلیه ج ۶ ص ۳۰۶، نظم درر السمطین ص ۷۹
 - ۳- ۳. کفایه الطالب گنجی شافعی ص ۵۱۴، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۶۵ بسند طبرانی، تاریخ دمشق ج ۴۱ ص ۳۳۵، شواهد التنزیل ج ۲ ص ۲۴۳
 - ۴- ۴. تاریخ دمشق ج ۱۲ ص ۱۴۳
 - ۵- ۵. المسترشد طبری ص ۹
 - ۶- ۶. الامام علی بن ابی طالب ص ۴۲ چاپ مصر

و ما فی هذه الدلالات من شواهد الفضل و الاحسان لمن اختصه النبی باخوته لاعن محاباه و انما عن امر من الله و فضل من فضله الذی یوتیه من یشاء. (۱)

گنجی شافعی در کفایه الطالب باب ۴۷ ح ۱۲۲ ص ۲۹۶ فی تخصیص علی بمواخاه الرسول می نویسد: این حدیث حسن و عالی و صحیح است که ترمذی در جامعش نقل کرده است و اگر خواستی که نزدیکی منزلت حضرت علی را نزد رسول خدا بدانی، در عملکرد، رسول خدا در عقد اخوت بین صحابه نظر کن که چگونه هم شکل را با هم شکل و مثل را با مثل ضمیمه کرده و بین آن ها الفت برقرار نموده تا این که بین ابوبکر و عمر عقد اخوت بست ولی علی را برای خود، اختصاص داد و بس است تو را به این عمل از فضیلت و شرف برای حضرت علی- تروذی این روایت را نیکو شمرده- هذا حدیث حسن - سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۰ ح ۳۸۰۴

فاذا، اردت ان تعلم قرب منزلته من رسول الله تامل صنیعه فی المواخاه بین الصحابه جعل يضم الشكل الی الشكل والمثل الی المثل فیولف بینهم الی ان آخیین ابی بکر و عمر و ادخر علیاً لنفسه و اختصه باخوته و ناهیک بها من فضیله و شرف. (۲)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم، هم رتبه بودن مولا علی با پیامبر اسلام به غیر از نبوت خاصه را در تفسیر آیه نشان می دهد، آیه ۲۱ سوره طور است.

{والذین امنوا و اتبعهم ذریتهم بایمان الحقنابهم ذریتهم}

ابومالک از ابن عباس نقل می کند که گفت این آیه درباره، پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین نازل شده است ابن عمر گفت: وقتی ما شمارش می کنیم می گوئیم: ابوبکر، عمر، عثمان، مردی به او گفت: ای ابوعبد الرحمن پس علی را چرا نمی شمردید؟ ابن عمر گفت: وای بر تو، علی از اهل بیت است و کسی با آن قیاس نمی شود، علی در رتبه خود همراه با پیامبر است، فاطمه در رتبه خود با پیامبر همراه است و علی با هر دوی آنها همراه است.

عن ابی مالک عن ابن عباس فی قوله تعالی و الذین امنوا و اتبعهم ذریتهم الایه قال: نزلت فی النبی و علی و فاطمه و الحسن و الحسین. (۳)

ص: ۱۳۹

۱-۱. علی ابن ابی طالب بقیه النبوه و خاتم الخلافه ص ۱۱۰،

۲-۲. امام شناسی، اصغر رضوانی ج ۲ ص ۴۹۸ - نهج الیمان ص ۴۱۳ - ابن جبر

۳-۳. شواهد التنزیل ص ۳۱۶ ح ۹۰۳

قال ابن عمر: انا اذا عددنا قلنا: ابوبكر و عمر و عثمان فقال له رجل: يا ابا عبدالرحمن فعلى؟ قال ابن عمر: و يحكك على من اهل البيت لا يقاس بهم على مع الرسول الله في درجته. (۱)

پیامبر اکرم فرمود: منزلت، رتبه و مقام علی همانند من است الا- در نبوت، علی همانند نفس و روح من است بین من و او تفاوتی نیست مگر در نبوت و پیامبری، ای انصاری و هابی وقتی، رسول اکرم با صراحت بیان می کند علی همانند من است در رتبه و جایگاه الهی و حدیث منزلت و آیه مباهله تأیید کننده این حدیث است؛ چگونه می گویی که پیامبران غیر از رسول اسلام بر علی افضل است؛

علی کنفسی لا فرق بینی و بینة الا النبوه، رجلا له عندالله منزله کمزلتی و مقام کمقامی الالنبوه. (۲)

و هو فیکم بمنزلتی فیکم. (۳)

پیامبر اکرم فرمود: ما من نبی الا وله نظیر فی امته و علی نظیری

هیچ پیامبری نیست مگر اینکه برای او درامت همانندی است و علی همانند من است (۴)

امام باقر فرمود: ما، بر مردم، برتری و فضیلت داریم، چون ما، ذریه و فرزندان مطهر، حضرت رسول اسلام و اهل بیت آن حضرتیم و در این موضع هیچ کس با ما، شریک و برابر نیست.

فلنا فضل علی الناس لانا ذریه محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بینه خاصه و عترته لا یشرکنا فی ذلك غیرنا. (۵)

پیامبر اکرم فرمود: ای علی، تو و فرزندان پاکت، ائمه هدی و ریسمان محکم و درختی که من اصل آن و شما فرع آن هستید که هر که بدان تمسک جست نجات یافت و هر که تخلف کرد، نابود شد و شما باید که، خدا، مودت و ولایت شما را، واجب

ص: ۱۴۰

۱- ۱. شواهد التنزیل ص ۳۱۷ ح ۹۰۴، الریاض النضره ج ۲ ص ۲۰۸، خصائص الوحی المبین ص ۱۳۱، النورالمشعل ص ۲۷۷ ح ۷۷، جواهر المطالب ابن دمشقی ج ۱ ص ۲۲۴ باب ۳۶، موده القربی همدانی شافعی موده ۷، ینابیع الموده ج ۲ ص ۲۹۷ ح ۸۵۰ ولایت امیرالمؤمنین در قرآن و سنت، عبد الصمد ساکی ج ۲ ص ۱۳۴۹

۲- ۲. الموسوعه الکلمات الرسول ج ۴ ص ۳۷۰، الصراط المستقیم ج ۱ ص ۲۵۲

۳- ۳. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۳۳۴ ح ۵۶ سیمای امیرالمؤمنان در قرآن، سید جواد رضوی ص ۷۲ - پ

۴- ۴. ذخائر العقبی

۵- ۵. بشاره المصطفی لشیعہ المرتضی، عمادالدین طبری ص ۲۴۹

ساخته و در قرآنش یاد نموده و برای بندگانش این چنین توصیفتان نموده که فرزندان‌ی هستند برخی از نسل برخی دیگر، پس شما باید که برگزیده از آدم و نوح و ابراهیم و آل عمران و خانواده اسماعیل و اهل بیت هدایت گر محمدید.

یا علی انت و العتره من ولدك ائمه الهدی و العروه الوثقی و الشجره الثی انا اصلها و انتم فرعها فمن تمسك بها، نجا و من تخلف عنها هوی و انتم الذین اوجب الله مودتكم و ولايتكم و ذكركم فی كتاب و وصفكم لعباده فقال: ذریه بعضها من بعض، فانتم صفوه الله من آدم و نوح و ابراهیم و آل عمران اسره من اسماعیل و العتره الهادیه من محمد. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: امامان هدایت از آل محمد، از بهترین فرزندان و ذریه حضرت آدم، نوح، ابراهیم و اسماعیل و برگزیدگان الهی از عترت حضرت محمد صلی الله علیه و آله می باشند.

ائمه من الله يهدون بالحق و به يعدلون و خیره من ذریه آدم و نوح و ابراهیم و اسماعیل و صفوه من عتره محمد. (۲)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم در ذیل تفسیر آن، تأکید و اشاره دارد که ائمه هدی (امامان ۱۲ گانه شیعه) از تمام پیامبران غیر از رسول اسلام، افضل و بالاتر هستند، آیه ۲۸۵ سوره مبارکه بقره است معروف به آیه آمن الرسول، اخطب الخطباء موفق بن احمد مکی صدراائمه معروف به خوارزمی حنفی در کتاب مقتل الحسین ص ۹۵ و ص ۹۶ از ابی سلیمان راعی پیامبر اکرم نقل کرده که گفت شنیدم پیامبر اکرم فرمود: شبی که مرا، به آسمان بردند، خداوند این آیه را بر من نازل کرد: رسول ما، به آنچه که به سوی او از پروردگارش نازل شده، ایمان آورده است؛ عرض کردم: پروردگارا و مؤمنان چطور؟ فرمود: راست گفתי ای محمد؛ مؤمنان نیز کسانی هستند که من آن‌ها را در امت تو قرار داده‌ام و آن‌ها نیز ایمان آورده‌اند؛ عرض کردم: پروردگارا، بهترین مؤمنان از امت من چه کسی است؟ فرمود: علی ابن ابی طالب، عرض کردم؛ بلی ای پروردگار من، فرمود: ای محمد، من زمین را واریسی کردم و از روی آن تو را برگزیدم و برای تو اسمی از اسم‌های خود را مشتق نمودم، پس من در جایی ذکر نمی‌شوم مگر آن که تو هم با من ذکر می‌شوی پس من محمود هستم و

ص: ۱۴۱

۱- ۱. المسترشد ابن جریر طبری ص ۹، تأویل الایات ج ۱ ص ۱۰۶، بحارالانوار ج ۲۳ ص ۲۲۲، الدر الثمین حافظ رجب بررسی حلی ص ۵۰

۲- ۲. بصائر الدرجات ص ۱۹۷، غایه المرام ص ۵۳۸، ینابیع الموده ج ۱ ص ۱۷۰

تو احمد هستی، سپس بار دیگر زمین را واری نمودم و علی را از روی آن برگزیدم و برای او هم اسمی را از اسم های خودم مشتق نمودم، پس من اعلی هستم و او علی است، ای محمد، همانا من تو را و علی و فاطمه را و حسن و حسین و امامان دیگر از ذریه حسین را، از نوری از نور خود آفریدم و ولایت خودم را بر اهل آسمان و زمین عرضه نمودم پس هر کس که آن را پذیرفت در نزد من از مؤمنان است، و هر کس که نپذیرفت، از کافران خواهد بود، ای محمد، اگر بنده ای از بندگان من، مرا، تا آخر عمرش عبادت کند تا همانند پوست کهنه و پوسیده گردد اما به نزد من بیاید در حالی که ولایت شما را انکار می کند و او را نخواهیم بخشید تا آن که به ولایت شما اقرار کند، ای محمد، آیا دوست داری آن ها را در عرش بینی؟ عرض کردم: بلی ای خدای من؛ پس فرمود: به جانب راست عرش توجه کن؛ پس من توجه نمودم و دیدم هر یک از علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی، و علی بن محمد و حسن بن علی و محمد بن حسن را که در هاله ای از نور به نماز ایستاده اند و حضرت مهدی در وسط آن ها همانند ستاره ی پر نور می درخشید؛ و پروردگار متعال فرمود: ای محمد آن ها حجت های من هستند و او طالب از عترت توست و به عزت و جلالم سوگند که او حجت واجب بر اولیای من و انتقام گیرنده از دشمنان من است.

لیله اسری بی الی السماء قال لی الجلیل جل جلاله: آمن الرسول بما انزل الیه من ربه، فقلت: و المؤمنون قال: صدقت یا محمد من خلقت فی امتک؟ قلت، خیرها؛ قال: علی ابن ابی طالب؟ قلت: نعم یا رب... قال یا محمد انی اطلعت الی الارض اطلاعه فاخترتک منها فشقت لک اسما من اسمائی فلا اذکرفی موضع الا ذکرک معی، فانا المحمود و انت محمد، یا محمد، ثم اطلعت الثانیه فاخترت منها علیاً و شقت له اسما من اسمائی فانا الا علی و هو علی، یا محمد انی خلقتک و خلقت علیاً و فاطمه و الحسن و الحسین و الائمه من ولده من نور من نوری، و عرضت ولایتکم علی اهل السماوات و الارض فمن قبلها کان عندی من المؤمنین و من لم یقبلها کان من الکافرین، یا محمد؛ لو ان عبداً من عبیدی عبدنی حتی ینقطع او یصیر کالشن البالی ثم اتانی جاحداً لولایتکم، ما غفرت له حتی یقر بولایتکم؛ یا محمد تحب ان تراهم؟ فقلت: نعم یا رب؛ فقال لی: التفت عن یمین العرش؛ فالتفت فاذا بعلی و فاطمه و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر و علی بن موسی، و محمد بن علی، علی بن محمد و

حسن بن علی و محمد بن الحسن الحججه المهدی فی ضححضاح من نور قیاماً یصلون و هو فی وسطهم یعنی المهدی؛ کانه کوکب دری و قال: یا محمد؛ هولاء الحجج و هو الثائر من عترتک و عزتی و جلالی، انه الحججه الواجبه لاولیائی و المنتقم من اعدائی. (۱)

ابن اثیر در اسد الغابه می گوید: ابوسلمی، چوپان شتران رسول خدا بود، نامش را حریث گفته اند؛ ابن حجر نیز در الاصابه: چنین گفته است؛ ناگفته نماند حدیث فوق را در فرائد از خوارزمی نقل کرده است؛ در نسخه ی فرائد «شبح» و در نسخه ی «مقتل خوارزمی» «من سنخ نور من نوری» است؛ شیخ الاسلام حموی شافعی در فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۱۹ ح ۵۷۱ این حدیث را نقل کرده است؛ جوینی یا حموی شافعی، استاد شمس الدین ذهبی بوده است و او درباره ی امام حموی جوینی می گوید: جوینی، امام، پیشوا، محدثی یگانه و کامل، مایه افتخار اسلام و شخصی با دیانت و صالح است؛

الامام المحدث الاوحد الاكمل، فخرالاسلام... دین و صالح، الامام المحدث الاوحد الاكمل فخر الاسلام صدرالدین ابراهیم بن محمد بن المویذ بن حمویه الخراسانی الجوینی... و کان شدید الاعتناء بالروایه... (۲)

همان طور که در تفسیر آیه اشاره شد و هم ظاهر آیه و المؤمنون منظور ۱۴ نور مقدس الهی هستند و، وقتی به ظاهر آیه هم توجه می کنیم عبارت و المؤمنون قبل از ملائکه و کتبه و رسله ذکر شده است، یعنی ائمه ۱۲ گانه شیعه مقدم و فاضل بر تمام پیامبران و ملائکه به غیر از رسول اسلام هستند.

{آمن الرسول بما انزل الیه من ربه و المؤمنون کل امن بالله و ملائکه و کتبه و رسله.}

پیامبر اکرم فرمود: ای علی، خداوند، پیامبران را بر فرشتگان برتری داد و من را بر تمام پیامبران تفضیل داد و برتری و افضلیت بعد از من برای تو و امامان بعد از توست، زیرا، اول موجوداتی که خداوند آفرید، ارواح ما بود، پس از آفریدن آن را به توحید گویا ساخت؛ سپس ملائکه را آفرید، یا علی اگر ما نبودیم، خداوند آدم و حوا را نمی آفرید، بهشت و جهنم را ایجاد نمی کرد، آسمان و زمین را پدید نمی آورد؛

ص: ۱۴۳

۱-۱. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج ۳ ص ۳۸۰ ح ۲، بحارالانوار ج ۲۷ ص ۲۰۰ ح ۶۷، الغیبه طوسی ص ۱۴۸

۲-۲. تذکره الحفاظ ج ۴ ص ۱ رقم ۱ و ۲۴،

يا على ان الله تبارك و تعالى؛ فضل انبياء المرسلين على ملائكة المقربين و فضلنى على جميع النبيين و المرسلين و الفضل بعدى لك يا على للائمة من بعدك؛ لولا نحن ما خلق الله آدم و لاحواء ولا الجنة ولا النار ولا السماء ولا الارض... (١)

العله التى من اجلها صارت الانبياء و الرسول و الحجج افضل من الملائكة

عن عائشه قالت: قال رسول الله لما حضرته الوفاة: ادعوا الى حبيبي، فدعوا له ابا بكر فنظر اليه ثم وضع راسه، ثم قال: ادعوا الى حبيبي، فدعوا له عمر. فلما نظر اليه وضع راسه، ثم قال: ادعوا الى حبيبي، فدعوا له علياً، فلما راه ادخله معه فى الثوب الذى كان عليه، فلم يزل، يحتضنه حتى قبض و يده عليه. (٢)...

يكي از دلایلی که مولا علی از تمام پیامبران برتر است به غیر از رسول اسلام، حدیث معروف و متواتر و صحیح-صدیق اکبر است پیامبر اکرم فرمود: بزودی بعد از وفات من فتنه و آشوبی رخ خواهد داد شما ملازم و همراه علی ابن ابی طالب باشید زیرا او جدا کننده حق از باطل و همانا او صدیق اکبر است (یعنی راستگوی بزرگ)- قرآن کریم صفت صدیق را از القاب و خصائص پیامبران الهی می داند- سوره یوسف، آیه ٤٦: یوسف ایها الصديق. سوره مریم آیه ٤١. انه كان صديقاً نبياً. وقتی رسول اکرم می فرماید علی صدیق اکبر است، یعنی از کل صدیقین که پیامبران باشند به جز رسول اسلام افضل است.

عن ابی ذر قال سمعت رسول الله: يقول لعلي: انت الصديق الاكبر. (٣)

عن علی قال: انا عبدالله و اخو رسوله و انا الصديق الاكبر لا يقولها بعدى الا كاذب. (٤)

قال علی: انا الصديق الاكبر آمن قبل ان يؤمن و ابوبكر و اسلمت قبل ان يسلم ابوبكر. (٥)

قال علی: انا عبدالله، و اخو رسوله و انا الصديق الاكبر لا يقولها بعدى الا كذاب

ص: ١٤٤

١-١. علل شرایع شیخ صدوق ج ١ ص ٤٢ باب هفتم.

٢-٢. طبقات الکبری ج ٢ ص ٢٦٣، میزان الاعتدال ج ٤ ص ١٧٤، سیر اعلام النبلاء ج ٨ ص ٢٤، مسند احمد ج ١ ص ٣٥٦ ح ٣٣٥٥، طرز الوفاء فی فضائل آل المصطفى مصری شافعی ص ١٥٢ و

٣-٣. ذخایر العقبی محب الدین طبری ص ٥٦، کفایه الطالب گنجی ص ١٨٨ باب ٤٤

٤-٤. مستدرک حاکم ج ٣ ص ٢١ ح ٤٥٨٤، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ٤٢ ص ٤١، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ١٣ ص ٢٢٨، ریاض النضره ج ٣ ص ١٠٦، کنز العمال ج ١١ ص ٦١٦ ح ٣٢٩٩٠، فرائد السمطین ج ١ ص ١٤٠، ینایع الموده ج ٢ ص ١٤٤، المعجم الکبیر ج ٦ ص ٢٦٩، الاربعین المنتقی ح ٢٨ باب ٢١ مسند شمس الاخبار ج ١ ص ٩٤، المواقف ایجی ص ٤٠٩، نزهه المجالس صفوری ج ٢ ص ٢٠٥

٥-٥. المعارف ابن قتیبه ص ١٦٩

قال النبی: صدیق هذه الامه امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب و هو الصدیق الاکبر. (۲)

قرآن کریم در چند آیه شریفه این حدیث شریف را تأیید می کند، قرآن کریم در سوره مبارکه ی توبه آیه ۱۱۹ می فرماید:

{یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین}

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و با صادقین و راستگویان باشید؛ در تفاسیر شیعه و خصوصاً منابع آقایان اهل سنت آمده منظور از صادقین در این آیه، پیامبر و مولا علی است.

عن ابن عباس فی قوله اتقوا الله و کونوا مع الصادقین قال نزلت فی علی ابن ابی طالب خاصه، عن ابن عباس و کونوا مع الصادقین قال: مع علی و اصحاب علی، عن جعفر بن محمد... و کونوا مع الصادقین قال یعنی مع محمد و علی، عن ابی جعفر... و کونوا مع الصادقین قال: مع آل محمد، عن عبدالله ابن عمر... اتقوا الله: قال: امر الله اصحاب محمد با جمعهم ان یخافوا الله ثم قال لهم و کونوا مع الصادقین یعنی محمداً و اهل بینه (۳)

از جمله آیه کریمه دیگر قرآن کریم، که صدیق اکبر بودن مولا علی را ثابت می کند آیه ۸۴ سوره ی شعرا و آیه ۵۰ سوره ی مریم است، که حضرت ابراهیم از خداوند می خواهد که لسان و زبان راستگویی در نسل او برای او قرار دهد که در منابع تفسیری شیعه و سنی آمده منظور آن لسان راستگو و صدیق، علی ابن ابی

ص: ۱۴۵

-
- ۱- ۱. المصنف ابن ابی شیبه ج ۱۲ ص ۶۵، خصائص نسائی ص ۲۵ ح ۷، السنن الکبری ج ۵ ص ۱۰۷، السنه ابی عاصم ص ۵۸۴، معرفه الصحابه ج ۱ ص ۳۰۱، سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۴، تاریخ طبری ج ۲ ص ۳۱۰، الکامل فی التاریخ ابن اثیر ج ۱ ص ۴۸۴، طبقات الکبری ابن سعد ج ۲ ص ۶۰، طبقات شعرانی ج ۲ ص ۵۵، مناقب خوارزمی ص ۱۰۵، اسد الغابه ج ۶ ص ۲۶۵، الاستیعاب ابن عبدالبر ج ۴ ص ۳۰۷، الاصابه ابن حجر ج ۷ ص ۲۹۴، مناقب کوفی ج ۱ ص ۲۸۴، ابن شجرى امالی ج ۱ ص ۱۴۴، میزان الاعتدال ذهبی ج ۱ ص ۴۱۷، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۰۲، فیض القدیر مناوی ج ۴ ص ۵۸، صواعق المحرقه ص ۷۴
 - ۲- ۲. شواهد التنزیل ج ۲ ص ۲۲۳، مناقب المرتضویه کشفی ترمذی ص ۹۲، علامه عینی در مناقب سیدنا علی، ص ۱۶ ش ۲۵، لسان المیزان ابن حجر ج ۲ ص ۴۱۴، انساب الاشراف بلاذری ص ۱۱۸، نظم درر السمطین زرنندی حنفی ص ۸۱
 - ۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حنفی ص ۱۴۷ و ص ۱۴۸ ح ۳۵۰ الی ۳۵۷، کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۳، فرائد السمطین ج ۱ ص ۳۷۰، درالمنثور ج ۳ ص ۲۹۰، خصائص الوحی المبین ص ۱۳۶، مناقب خوارزمی ص ۱۹۸، مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۹۲، الکشف و البیان ثعلبی ج ۵ ص ۱۰۹، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۶۱، مناقب ابن مردویه ص ۳۱۴ ح ۵۱۸

طالب است.

و اجعل لی لسان صدق فی الاخرین(۱)

ابن مردویه در مناقب علی ابن ابی طالب ص ۲۸۷ ح ۴۵۲ از علاء بن فضیل روایت کرده است که می گوید: از امام صادق درباره ی این آیه ۸۴ سوره شعرا پرسیدم حضرت فرمود: منظور از لسان صدق علی ابن ابی طالب است که ولایت او بر حضرت ابراهیم عرضه شد و او گفت: خدایا علی را از فرزندان من قرار ده و خدا نیز دعای او را مستجاب کرد(۲)

سالت ابا عبدالله جعفر بن محمد عن هذه الایه قال: لسان صدق هو علی ابن ابی طالب ان ابراهیم عرضت ولایته علیه، فقال: اللهم اجعله من ذریتی ففعل الله ذلك

از جمله آیه دیگر قرآن کریم که حدیث صدیق اکبر، که لقب مقدس و خاص، مولا علی است که خداوند و رسول بر او نهاده اند تأیید و تأکید می کند آیه ۳۳ سوره مبارکه زمر است.

{والذی جاء بالصدق و صدق به.}

در خبر است که چون شب معراج، پیامبر را به آسمان بردند و ملکوت آسمان ها را بر او عرضه کردند، خطاب به او رسید که برو و قوم خود را به آن چه مشاهده کرده ای خبر ده؟ گفت: خداوندا قوم مرا تصدیق نخواهد کرد از جانب خدا، خطاب آمد که

یصدقک علی و هو الصدق الاکبر

علی ابن ابی طالب تو را تصدیق خواهد کرد زیرا او صدیق اکبر است.(۳)

منظور از الذی جاء بالصدق، پیامبر است و منظور از صدق به، علی است.(۴)

ص: ۱۴۶

۱- ۱. تفسیر جامع ج ۵ ص ۶۶، تفسیر الصافی ج ۴ ص ۴۰، انوار درخشان ج ۱۲ ص ۴۸، تأویل الایات ج ۱ ص ۳۰۴، البرهان ج ۵

ص ۱۲۵، مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۱۰۷، تفسیر قمی ج ۲ ص ۹۹

۲- ۲. توضیح الدلائل ایجی ص ۱۶۳، کشف الغمه ج ۱ ص ۳۲۰

۳- ۳. ذخائر العقبی طبری ص ۵۶، درالمنثور ج ۵ ص ۳۲۸

۴- ۴. تاریخ دمشق ج ۲ ص ۴۱۹، العمده ابن طریق ص ۱۸۴، خصائص الوحی المبین ص ۱۱۱، زادالمسیر فی علم التفسیر ج ۴

ص ۱۸، الجامع لاحکام القرآن ج ۱۶ ص ۲۵۶، التفسیر الحدیث ج ۴ ص ۳۲۶، بیان المعانی ج ۳ ص ۵۴۰، المحرر الوجیز فی تفسیر

الکتاب العزیز ج ۴ ص ۵۳۱، مناقب ابن مغزالی ص ۲۶۹، مناقب ابن مردویه ص ۳۱۴ ح ۵۱۸، تفسیر روح المعانی ج ۱۲ ص ۲۵۹،

بحر المحيط ابی حیان ج ۷ ص ۴۱۲، فتح القدیر شوکانی ج ۴ ص ۴۶۳، کفایه الطالب ص ۲۳۳ باب ۶۲، ما نزل من القرآن فی

علی، ابونعیم با استفاده از النور المشتعل ص ۲۰۴ ح ۵۶، شواهد التنزیل ص ۲۸۴ ح ۸۱۰ الی ۸۱۵

از جمله آیه دیگر قرآن که صدیق اکبر بودن مولا علی را ثابت و روشن می کند آیه ۲۳ سوره احزاب است

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه

امام صادق فرمود: این آیه در شان والای علی نازل شده که منابع شیعه و سنی هم در ذیل تفسیر آیه مذکور، در شان و منقبت مولا علی ذکر کرده اند. العصامی در ترجمه امیرالمؤمنین از کتاب سمط النجوم ج ۲ ص ۴۶۹، ابن حجر در الصواعق المحرقة ص ۸۰، فیروزآبادی در فضائل الخمسه ج ۲ ص ۲۸۷، از ضحاک و ابن عباس روایت کرده که این آیه در شأن علی نازل شده است، شواهد التنزیل ص ۲۴۲ ح ۶۲۷

در کتاب های روایی و تفسیری اهل سنت از رسول اسلام روایت کرده اند که آیه ۱۹ سوره الحديد درباره ی مولا علی نازل شده که این آیه اشاره دارد به صدیق بودن حضرت

{والذین آمنوا بالله و رسله و اولئک هم الصدیقون و اشهداء عند ربهم لهم اجرهم و نورهم }

حتی احمد حنبل در کتاب فضائل الصحابه ج ۲ ص ۶۲۷ و ح ۱۰۷۲ و ابونعیم اصفهانی در، ما نزل من القرآن ذیل آیه ۱۹ سوره الحديد با استفاده از النور المشتعل ص ۲۴۷ ح ۶۷ می گوید: این آیه در شان و مقام علی نازل شده است (۱)

از جمله آیه دیگر در تأیید صدیق اکبر بودن مولا علی، آیه ۶۹ سوره ی نساء است، ابن عباس گفت و من یطع الله: یعنی کسی که خدا را در واجباتش اطاعت کند و الرسول و پیامبر را در سنتش فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین: یعنی محمد و الصدیقین یعنی علی و او نخستین کسی بود که، پیامبر را تصدیق کرد، حذیفه ابن الیمان گفت: روزی نزد پیامبر رفتم و این آیه (۶۹ سوره نساء) بر پیامبر نازل شده بود، پیامبر این آیه را به من یاد داد گفتم: ای پیامبر خدا، پدر و مادرم فدای تو باد، اینان

ص: ۱۴۷

۱- ۱. العمده ابن بطریق ص ۱۳، مناقب مرتضوی، الکشفی ترمذی ص ۵۵، ینابیع الموده ص ۱۲۴، مناقب ابن مغازلی ح ۲۹۳، فخر رازی در تفسیر الکبیر ج ۲۷ ص ۵۷ ذیل آیه ۲۸ سوره غافر ثعلبی در الکشف و البیان ذیل آیه ۲۷ سوره یس، در المثنور سیوطی ج ۵ ص ۴۹۲ ذیل آیه ۲۹ سوره یس، الفردوس دیلمی ج ۲ ص ۴۲۱، شرح نهج البلاغه ج ۹ ص ۱۷۲، صواعق المحرقة ص ۱۲۵ ح ۳۰، فیض القدیر ج ۴ ص ۳۱۳، کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۰۱، جامع الصغیر سیوطی ج ۲ ص ۱۱۵، شواهد التنزیل ص ۳۲۶ ح ۹۳۸

چه کسانی هستند که من خدا را به اینان مهربان می بینم فرمود: ای حذیفه من از پیامبرانی هستم که خدا به آنان نعمت داده است، من اولین آنان در نبوت و آخرین آنان در مبعوث شدن هستم و از صدیقان علی ابن ابی طالب است که چون خداوند مرا به رسالت خود مبعوث نمود او نخستین کسی بود که مرا تصدیق کرد.

و الصدیقین یعنی علی ابن ابی طالب و کان اول من صدق برسول الله، و من الصدیقین علی ابن ابی طالب و لما بعثنی الله عزوجل برسالته کان اول من صدق به..(۱)

از جمله روایاتی که متواتر و مستندی که در منابع روایی اهل سنت آمده و برتری مولا علی را بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام، مبرهن و روشن می سازد، حدیث طیر است، روزی زنی مرغی بریان، جهت خوردن رسول اکرم هدیه آورد، پیامبر اکرم قبل از آن که مرغ کباب شده را، بخورد، دست نیاز به سوی خداوند بلند فرمود و عرض کرد: بار خدایا، بفرست نزد من، محبوب ترین خلق خودت را نزد تو و نزد من، تا بخورد با من از این مرغ بریان، در آن حال علی آمد و خورد با آن حضرت از آن مرغ بریان، انس خادم پیامبر می گوید: پیامبر مشغول دعا بود ۳ مرتبه علی در خانه آمد، من عذر آوردم و او را پنهان نمودم، مرتبه سوم با پا به در زد، رسول اکرم فرمود: واردش کن، همین که علی وارد شد پیامبر فرمود: چه چیز تو را بازداشت از من عرض کرد ۳ مرتبه بر در خانه آمدم حضرت فرمود: ای انس چرا ۳ مرتبه جلو ورود علی به منزل را گرفتی؟ عرض کرد: دوست داشتم یک نفر از قوم و قبیله من باشد.

اللهم ائتني باحب خلقك اليك يا كل معي هذا الطير، اللهم ائتني باحب خلقك اليك و الي رسولك، اللهم ائتني باحب الخلق اليك و الي يا كل معي من هذا الفرخ، اللهم ائتني باحب خلقك اليك يا كل معي من هذا الطعام، اللهم ائتني باحب خلقك اليك يا كل معي من هذا الطائر.

در برخی از نقل ها آمده که پیامبر اکرم فرمود: خدایا محبوب ترین و آبرومندترین آفریده ات را نزد من بفرست

اللهم ائتني باحب خلقك اليك و اوجهم عندك: كتاب الطير ابن مردويه، (۲)

ص: ۱۴۸

۱-۱. شواهد التنزيل ص ۸۶ و ص ۸۸

۲-۲. نفحات الازهار ج ۱۴ ص ۲۲۴

فقیه شافعی مذهب ابن مغزلی در کتاب المناقب ص ۱۷۱ ح ۲۰۰، از پیامبر اکرم نقل کرده که فرمود: خداوند، محبوب ترین آفریدگانت را نزد من از میان اولین و آخرین، پیش من بفرست.

اللهم ادخل علی احب خلقک الی من الاولین و الاخرین. (۱)

هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین و لم یخرجاه. (۲)

ابن کثیر می گوید: این حدیث بیش از ۹۰ سند داشته و درباره ی آن کتاب ها نگاشته شده است.

الجمیع بضعه و تسعون نفساً... و قد جمع الناس فی هذا الحدیث مصنفات مفرده. (۳)

عایشه گفت: خلق نفرموده خداوند خلقی را که محبوب تر باشد به سوی، رسول خدا، از علی ابن ابی طالب

ما خلق الله خلقاً کان احب الی رسول الله من علی ابن ابی طالب. (۴)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم اشاره دارد ائمه و امامان ۱۲ گانه شیعه از دودمان حضرت ابراهیم و از برگزیدگان و منتخبان الهی هستند آیه ۵۴ سوره نساء است. حضرت علی می فرماید: من از حسودی که مردم درباره ام داشته اند به پیامبر شکایت کردم آن بزرگوار فرمود: یا علی، آیا راضی نیستی یکی از آن ۴ نفر باشی که زودتر از همه داخل بهشت می شوند زیرا، اولین کسی که داخل بهشت می شود، من و تو و حسن و حسین هستیم و آیا راضی نیستی که برادر و وزیر من باشی.

قال علی شکوت الی رسول الله حسد بنی امیه و الناس ایای فقال: اما ترضی یا علی، انک اخی و وزیر و اول اربعه یدخلون الجنة انا و انت و الحسن و

ص: ۱۴۹

۱- ۱. مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۴۱ ح ۷۱۸۶

۲- ۲. البدایه و النهایه ابن کثیر ج ۷ ص ۳۵۱، المطالب العالیه ابن حجر ج ۱۶ ص ۱۰۸

۳- ۳. البدایه و النهایه ج ۷ ص ۳۵۳، فضائل الصحابه احمد حنبل ج ۲ ص ۵۶۰، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۳ ص ۲۶۴، فصول المهمه ابن صباغ ج ۱ ص ۲۱۰ و ص ۲۰۷، ینابیع الموده ج ۱ ص ۱۷۵، تذکره الخواص ص ۴۴، مروج الذهب ج ۲ ص ۴۲۵، خصائص المؤمنین، نسایی ص ۵۱، کفایه الطالب گنجی ص ۱۵۰، مطالب السوول ص ۷۷، تاریخ دمشق ج ۳۴ ص ۴۰۶، حیاه الحیوان ص ۳۳۸ ج ۲، ذکر الاخبار اصفهان ابونعیم ج ۱ ص ۲۳۲، حلیه الاولیاء ج ۶ ص ۳۳۹، کنوزالحقایق ج ۱ ص ۹۴، کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۶۶، فرائد السمطین ج ۱ ص ۲۱۰، تاریخ بغداد ج ۳ ص ۱۷۱، جامع الاصول ج ۹ ص ۴۷۱، تاریخ الکبیر بخاری ج ۲ ص ۳ ح ۱۴۸۸، مجمع الاوسط ج ۲ ص ۴۴۳، التاج الجامع للاصول ج ۳ ص ۳۳۶، مناقب خوارزمی ص ۱۰۷، مشکاه المصابیح ص ۵۶۴، الیواقیت و الجواهر ج ۲ ص ۲۰، ریاض النضره ج ۳ ص ۱۱۵

۴- ۴. تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۲۶۰، اسدالغابه ج ۵ ص ۵۲۲، مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۵۴، ذخائر العقبی ص ۳۵

امام باقر فرمود: به خدا سوگند مائیم آن قومی که به ما حسادت بردند

فی قوله تعالى: ام يحسدون الناس على ما آتاهم الله من فضله قال: نحن الناس. (۲)

عن جعفر بن محمد فی قوله تعالى: ام يحسدون الناس... قال: نحن المحسودون... قال: نحن و الله هم، نحن و الله المحسودون.

(۳)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم، برگزیدگی ائمه ۱۲ گانه شیعه را، از طرف خدا نشان می دهد آیه ۷۷ سوره مبارکه حج است، مولا علی، خطاب به گروه مهاجر و انصار فرمود: شما را به خدا قسم می دهم آیا می دانید که خداوند این آیات را در سوره حج نازل کرد.

{يا ايها الذين آمنوا، اركعوا و اسجدوا و اعبدوا ربكم و افعلوا الخير} الى آخر السوره

پس سلمان فارسی، بلند شد و گفت: ای پیامبر خدا، این گروهی که تو بر آنان گواهی و آنان بر مردم گواهند کیانند؟ کسانی که خداوند، ایشان را برگزیده و در دین برایشان سختی قرار نداده و آیین پدرشان ابراهیم نیز چنین بوده است، پیامبر فرمود: من و برادرم علی و ۱۱ تن از فرزندانم، گروه مهاجر و انصار گفتند: درست می گویی ای علی.

فقام سلمان فقال: يا رسول الله من هؤلاء الذين انت عليهم شهيد و هم شهداء على الناس الذين اجتباهم الله... قال: عنى بذلك ثلاثة عشر رجلاً خاصة قال سلمان: بينهم يا رسول الله: قال: انا و اخي على و احد عشر من ولدى. (۴)

امام صادق فرمود: امت وسط و میانه ما اهل بیت هستیم و ما یم گواهان بر خلقش و حجت هایش در روی زمین عرض کردم: مراد از ملت پدرتان ابراهیم چیست؟ فرمود: تنها ما را اراده نموده است

نحن الامه الوسطی و نحن شهداء الله على خلقه و حججه فی ارضه؛ قلت: قول

ص: ۱۵۰

۱- ۱. تفسیر ثعلبی ج ۸ ص ۳۱۱ و ج ۴ ص ۳۲۸، تذکره الخواص ص ۳۲۳، صواعق المحرقة ص ۹۳، العمده ابن بطریق ص ۳۱۷

۲- ۲. مناقب ابن مغازلی ص ۲۳۴ ح ۳۱۴، رشفه الصادی ص ۳۷، صواعق ص ۱۵۰، ینابیع الموده ص ۱۲۱، الدر المنثور ج ۲

ص ۱۷۳

۳- ۳. شواهد التنزیل ص ۷۹ و ص ۸۰ ح ۱۹۵ الی ۱۹۸

۴- ۴. فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰، ینابیع الموده ج ۲ ص ۲۲۸

الله عزوجل مله اییکم ابراهیم؟ قال: ایانا عنی خاصه هم سماکم المسلمین من قبل(۱)

آیه ۷۷ سوره حج برتری چهارده معصوم بر انبیاء را نشان می دهد زیرا رسول اسلام در ذیل این آیه فرمود: که عترت من در دنیا همانند آنان مثلی و نظیری ندارند یعنی انبیاء نمی توانند همانند آنان بشوند در مقام و رتبه الهی(۲)

آیه ۷۸ سوره حج؛ برتری بی نظیر حضرات ۱۴ معصوم بر انبیاء و خلائق را ترسیم می کند چون نبی اسلام در ذیل تفسیر آن فرمود: عترت من در دنیا و عالم خلقت هم پایه و نظیر و مانندی ندارند یعنی انبیاء و سایر خلائق نمی توانند همانند آنان در مقامات و درجات الهی باشند - کتاب سلیم بن قیس هلالی ص ۲۰۱؛ در ذیل آیه هوسماکم المسلمین من قبل؛ خداوند شما اهل بیت را در کتب پیشین و قبل از خلقت انبیاء مسلمان نامید؛ دال بر برتری بی نظیر اهل بیت بر انبیاء است - تفسیر نمونه ج ۱۴ ص ۱۸۳ و آیه خاص ۱۴ معصوم است - البرهان ج ۳ ص ۹۱۲ ح ۷۴۳۳؛ ثلاث رسائل لنکرانی ج ۱ ص ۴۰؛ ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۴۵؛ کتاب سلیم ج ۱ ص ۲۵۳ - ثلاثه عشر رجلا من ولد اسماعیل ... هم خیر من خلق الله و احب من خلق الله الی الله.

ص: ۱۵۱

۱- ۱. اصول کافی، کلینی رازی ص ۴۳۸ ج اول، کتاب الحججه باب فی ان الائمة شهداء الله عزوجل علی خلقه.

۲- ۲. سلیم بن قیس ص ۲۰۱

فصل پنجم: آیه ۴۷ سوره حجر و فضیلت امام علی علیه السلام و دشمنی معاویه با وی

ص: ۱۵۲

پاسخی به شبهه و مغلطه محمد انصاری مدیر شبکه وهابی وصال ناحق درباب دفع مناقب اهل بیت

آیه ۴۷ سوره حجر در آن جا که می فرماید و نزعنا ما فی صدورهم من غل: هرگونه غل یعنی کینه، حسد و دشمنی را از سینه و قلب افراد مؤمن در بهشت پاک می کنیم منظور معاویه و حضرت مولا علی علیه السلام است چون در دنیا و کینه و نزاع با هم داشتند معاویه را می بخشیم و وارد بهشت می کنیم و کینه و دشمنی بین او و مولا- علی علیه السلام را پاک می کنیم!!! تلا رسول الله: {اخوانا علی سرور متقابلین: المحتاجون فی الله ينظر بعضهم الی} (۱)

قال لعلی انت اخی و رفیقی ثم تلا هذه الآیه: اخوانا علی سرور متقابلین: الاخلاء فی الله ينظور بعضهم الی بعض (۲)

قال رسول الله: انت معی و شیعنتک فی الجنه ثم قرأ رسول الله: اخوانا علی سرور متقابلین لاینظر احدهم فی قفا صحابه - انت معی فی قصری فی الجنه و انت اخی و رفیقی ثم تلا رسول الله: اخوانا علی سرور ... - المعجم الاوسط ج ۷ ص ۳۴۳ ح ۷۶۷۵ تذکره الخواص ص ۲۳؛ سیر اعلام النبلا ج ۱ ص ۱۴۲؛ الثقات ابن حبان ج ۱ ص ۱۴۲؛ ریاض النضره ج ۳ ص ۱۸۲؛ تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۵۳ و ج ۲۱ ص ۴۱۶؛ المناقب المرتضویه ص ۵۸ الکامل فی الضعفاء ج ۴ ص ۱۶۳؛ الحاد و المثانی

ص: ۱۵۳

۱- ۱. بعض (بحار ج ۳۸ ص ۳۴۶، فضائل الصحابه ح ۱۰۸۵ احمد حنبل ج ۲ ص ۵۳۸ ح ۱۰۱۸ ح ۱۱۳۷، کنز العمال ج ۱۳ ص

۶۰۵، مناقب خوارزمی ص ۱۵۰ ح ۱۷۸

۲- ۲. المعجم الکبیر طبرانی جزء الخامس ج ۵ ص ۲۲ ش ۴۸۸ ح ۵۱۴۶، مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۲۷۰ و ۲۷۱

ج ۵ ص ۱۷۰ - مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می نویسد در ذیل آیه مذکور: استشهاد رسول خدا به آیه از باب تطبیق کلی بر مصداق است نه اینکه آیه فقط درباره اهل بیت نازل شده باشد زیرا؛ سیاق آیه با این اختصاص نمی سازد؛ غل در اصل بمعنای نفوذ مخفیانه چیزی است به همین جهت به کینه و حسد که بطور مرموز در جان انسان نفوذ می کند غل گفته می شود - تفسیر نمونه ج ۶ ص ۲۱۵؛ جناب وهابی روایتی که شما در ذیل آیه ۴۷ سوره حجر؛ می آوری که این آیه درباره مولا علی و مخالفینش می دانی بعدها؛ خداوند در آخرت این غل و کینه را از مولا علی و مخالفینش زدوده می کند؛ دارای مناقشه و نقص فراوان است؛ مراد از غل را همان سیاهی جاهلیت می داند که در روایت تفسیر در المنثور ج ۵ ص ۸۵ آمده غافل از اینکه تمام اهل سنت معترفند که امام علی هیچ گاه جاهلیت را درک نکرد و به این خاطر برای ایشان عبارت کرم الله وجهه بکار می برند؛ ای غل هو؟ قال: غل الجاهلیه در میان راویان این حدیث در ذیل تفسیر این آیه مذکور؛ راویان اهل سنت یا غیرشیعه که مذهب زیدیه داشته اند یا شیعه بوده ولی منصب حکومتی داشته اند که حمل بر تقیه است در مورد محمد بن اسماعیل الزبیدی که در روایت ذیل آیه ۴۷ سوره حجر وجود دارد در شمار؛ رجال شیعه ذکر نشده در مورد کثیر النواء هم چنین آمده است - قاله الشيخ الطوسی و الکشی و قال البرقی انه عامی - جامع الرواه ج ۲ ص ۲۸ محمد علی اردبیلی؛

مداح ابن مالک پاسخ می دهد: ابن مغزلی شافعی در کتاب مناقب خود بدون سند از زید بن ارقم روایت کرده است که گفت: بر رسول اسلام وارد شدم پیامبر فرمود: من می خواهم میان شما عقد اخوت برقرار کنم همان گونه که میان ملائکه برادری برقرار است آن گاه به علی بن ابی طالب فرمود: تو برادر و دوست من هستی سپس آیه شریفه اخوانا علی سرر متقابلین را خواند و فرمود: دوستانی که دوستیشان برای خداست بعضی به بعضی نگاه می کنند در تفسیر البرهان از حافظ ابونعیم سنی با سلسله راویان از ابوهریره روایت شده است که گفت علی ابن ابی طالب از پیامبر اسلام پرسید: ای پیامبر خدا کدام یک از ما در دل تو محبوب تریم من یا فاطمه؟ حضرت فرمود: فاطمه محبوب تر است ولی تو از او عزیزتری و گویا تو و او را می بینم

که در کنار حوض مردم را از آن دور می کنی و کنار آن حوض به تعداد ستارگان جام و کوزه هایی است و تو و حسن و حسین و جعفر و حمزه در بهشتید و چون برادرانی در برابر هم بر تخت ها قرار دارید و تو و شیعیانت با من هستید سپس نبی اکرم این آیه را قرائت فرمود: و نزعنا فی صدورهم و فرمود: آن چنان در برابرهم هستید که به پشت سر یکدیگر نمی نگرید علامه طباطبایی علیه الرحمه در ذیل این آیه می گوید: کنایه این است که در آنجا یعنی بهشت همانند دنیا در پی عیب جویی یکدیگر نیستند چون کینه ها از دل شان بیرون رفته است و عیب جویی به علت کینه درونی است (۱).

در ضمن آیه ما نزعنا فی صدورهم امام صادق در ذیلش به ابو بصیر فرمود: بخدا قسم که جزء شیعیان ما را خدا اراده نکرده والله ما اراد بهذا غیر کم (۲).

یکی از چشمه های در بهشت چشمه مطهره است قرآن در این باره می فرماید: وسقهم ربهم شرابا طهورا امام باقر علیه السلام در این مورد فرمود: چشمه ای پاک و پاکیزه قرار دارد در بهشت افرادی که می خواهند وارد بهشت شوند قدری از آب آن چشمه را به ایشان می نوشاند تا قلب آنان از حسد و بخل خالی گردد و تمام موهای بدنشان به وسیله آن ریخته شود.

امام صادق فرمود: وقتی بهشتیان از آن شراب آشامیدند قلب آنان از همه چیز پاک می شود مگر از عشق به خدا که علاقه به او قلب انسان را پر از نور و صفا نموده است.

ابوقلابه می گوید: خداوند هر وقت بخواهد به اهل بهشت خوراکی بخوراند اول شرابی به آنان می نوشاند تا شکمشان پاک و خوشبو گردد و هنگام هضم غذا، آن شراب عرق شود و از بدنشان بیرون آید، بوی آن مانند مشک و عنبر می باشد مرتبه

ص: ۱۵۵

۱- ۱. (تفسیر البرهان ج ۴ ص ۴۰۱ ح ۱۰- ما نزل من القرآن فی علی ابونعیم اصفهانی ص ۲۷۰ ح ۴۱۹ - مقتل خوارزمی فصل ۵ ص ۶۹ - ح ۱۵۰۱۶ مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۷۳ - ینایع الموده ص ۱۳۲ - شواهد التنزیل ج ۱ ح ۴۳۶ - احقاق الحق ج ۳ ص ۴۵۴ - کشف الغمه ج ۱ ص ۳۲۵ - کشف الیقین علامه حلی ص ۳۸۲) یا علی انت اخی و صاحبی و رفیقی فی الجنه تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۲۶۳

۲- ۲. روضه کافی ج ۸ ص ۳۵ ح ۱ تاویل الآیات ج ۱ ص ۲۴۹

دوم شکم ایشان خالی شده و با میل و علاقه فراوان غذا خورده و باز عرق شود و از بدنشان خارج گردد. (۱)

مؤمن در دنیا اهل کینه و کدورت نیست و با ریاضت نفسانی کینه ها را می شوید اگر کمترین کینه ای هم در دل ها باشد پروردگار آن ها را از سینه او می زداید.

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ۴۷ سوره حجر فرمود:

العداوه تنزع منهم ای من المومنین فی الجنه

دشمنی از آن ها برطرف می شود یعنی از مؤمنین در بهشت (۲)

قرآن در سوره شعرا آیه ۸۹ و ۹۰ می فرماید:

{ یوم لا ینفع مال و لابنون الا من اتی الله بقلب سلیم }

و در سوره انعام آیه ۱۲۱ می فرماید: لهم دارالسلام عند ربهم بهشت جای افرادی است که قلب سالم از تمام آلودگی و معاصی داشته باشند.

و یکی از نام های بهشت دارالسلام است یعنی خانه افراد سالم از گناه پس مؤمن بهشتی که با کینه می میرد باید سال ها در برزخ یا مواقف قیامت بماند و گرفتار باشد تا از این آلودگی پاک شود و بتواند به بهشت رفته از این جا است که در قرآن مجید فرموده که بهشتیان را پیش از بهشت رفتن از گناه بزرگ کینه پاک می کنند و می فرماید: کینه و عداوتی که در سینه هایشان بوده جدا کردیم، نبی اسلام فرمود: راستی بنده بر یک گناه خود ۱۰۰ سال زندانی باشد در جهنم و به چشم خود ببیند که همسرانش در بهشت در ناز و نعمتند (۳)

از شرایط قطعی پیامبران و ائمه هدی عصمت است و همه آن ها از آلودگی به هر گناهی صغیره و کبیره پاکند بلکه فکر گناه هم نمی کنند زیرا خداوند آن ها را جهت تزکیه و پاک کردن نفوس بشری از هر آلودگی فرستاده پس خودشان پاک کرده خدائی هستند تا بتوانند دیگران را پاک کنند اگر پیغمبری و امامی خود حسود باشد و کینه ای باشد چگونه می تواند مردم را از این بیماری مهلک قلبی و روحی نجات

ص: ۱۵۶

۱- ۱. تفسیر صافی ج ۲ ص ۷۷۴ - تفسیر ابو الفتوح ج ۵ ص ۴۵۰ - انسان در بهشت و دوزخ نوشته صالحی حاجی آبادی ص

۲- ۲. تفسیر صافی ج ۱ ص ۵۷۸

۳- ۳. اصول کافی باب الذنوب ح ۱۹ - قلب سلیم شهید دستغیب ص ۶۲۷

پس به طور یقین این قسمت آیه ۴۷ سوره حجر و نزعنا ما فی صدورهم من غل درباره مولا علی و پیامبر به اعتراف موافق و مخالف و ادله عقلی و قرآنی نیست. (۱)

حال به آیاتی در قرآن راجع به دشمنی معاویه علیه الهاویه با مولا علی علیه السلام و اصلاً دشمنی و عداوت قوم بنی امیه با آل هاشم و آل رسول می باشد به طور اختصار اشاره ای می شود:

از جمله آیاتی که در قرآن کریم راجع به عداوت و دشمنی ابدی بین اهل بیت آل رسول و قوم بنی امیه است آیه ۱۹ سوره حجر می باشد.

هذان خصمان اختصموا فی ربهم

اینان دو گروه هستند که درباره پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند.

امام حسین علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: مقصود از این آیه ما و بنی امیه هستیم که درباره خدا به ستیز پرداختیم آنچه خدا فرموده حق است و بنی امیه گفتند خدا دروغ گفته است پس تا قیامت ما با بنی امیه دشمن خواهیم بود.

فقال: نحن و بنو امیه اختصمنا فی الله تعالی قلنا صدق الله و قالوا: کذب فنحن الخصمان یوم القیامه. (۲)

مولا- علی علیه السلام فرمود: من اولین کسی هستم که روز قیامت قیام می کنم و با دشمنان خدا و پیامبر مخاصمه و اظهار دشمنی می کنم معاویه تا در دنیا بود دشمن درجه یک مولا علی علیه السلام و شیعیان خاصش مثل مالک اشتر و عمار یاسر و محمد بن ابی بکر بود.

پس طبق این آیه مذکوره و ادله فراوان دیگر مولا- علی مقابل معاویه به عنوان مخاصمه قیام می کند آقای سلفی چگونه به عقیده شما آیه ۴۷ سوره حجر درباره صلح و آشتی مولا علی و معاویه در بهشت هست اصلاً معاویه بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

عن علی ابن ابی طالب انه قال: انا اول من یجثو بین یدی الرحمان للخصومه

ص: ۱۵۷

۱-۱. قلب سلیم شهید دستغیب ص ۶۹۰

۲-۲. تفسیر نورالثقلین ج ۵ ص ۱۴ - تفسیر البرهان ج ۵ ص ۲۷۰ ح ۲ - خصال صدوق ص ۴۲

از جمله آیات دیگر در قرآن کریم که دشمنی و اختلاف ابدی بین اهل بیت عصمت با قوم ستمگر بنی امیه را نشان می دهد آیه ۲۱ سوره جاثیه است.

ام حسب الذین اجترحوا السيئات ان نجعلهم كالذین امنوا و عملوا الصالحات سواء محيا هم و مماتهم.

ان نجعلهم كالذین امنوا در خصوص بنی هاشم و ام حسب الذین اجترحوا السيئات در مورد بنی عبدالشمس و بنی امیه نازل شده است.

قرآن در این آیه می فرماید آیا ما مرگ و زندگی کسانی که مرتکب کارهای بد شدند با کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند مساوی قرار می دهیم؟ نه این طور نیست چه بد داوری و حکم می کنند .

در روایتی مولا علی علیه السلام فرمود: و ام حسب الذین اجترحوا بنی امیه هستند، كالذین امنوا و عملوا الصالحات ما اهل بیت پیامبر هستیم.

عن ابن عباس فی قوله تعالى: ام حسب الذین اجترحوا یعنی بنی امیه ان نجعلهم كالذین امنوا النبی و علی و حمزه و الحسن و الحسين و فاطمه عليهم السلام اجمعين (۲)

از جمله آیات دیگر در قرآن که تضاد و دشمنی ابدی بین اهل بیت عصمت با قوم بنی امیه را متذکر می شود آیات ۲۹ و ۳۰ سوره مطففین می باشد .

{ان الذین اجرموا كانوا من الذین امنوا یضحکون و اذ امروا بهم یتغامزون.}

ان الذین اجرموا منافقین قریش و گروهی از بنی امیه بودند که چون مولا- علی با جمعی از کنار آنان می گذشت با چشم و ابرو به حضرت اشاره می کردند و مسخره می کردند.

عن ابی عبد الله فی قوله تعالى ان الذین اجرموا قال نزلت فی علی و الذین استهزوا به من بنی امیه ان علیاً مر علی نفر من بنی امیه و غیرهم من المنافقین فسخروا منه عن ابن عباس فی قوله تعالى ان الذین اجرموا قال: هم بنو عبد الشمس.

ص: ۱۵۸

۱- ۱. شواهد التنزیل ج ۱ ص ۵۰۴ - شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۴۵۴ - معجم الکبیر ج ۱ ص ۱۴۴ - اسباب النزول ص ۲۳۱ - سمط النجوم ج ۲ ص ۴۷۳ - جامع البین العلم ابن عبد البر ج ۲ ص ۱۲۵ - الدر المنثور ج ۴ ص ۳۴۸ - تفسیر القرآن ابن کثیر ج ۵ ص ۳۵۶ - صحیح بخاری ج ۱۷ ص ۲۱۶ و ...

۲- ۲. (شواهد التنزیل ص ۳۰۰ ح ۸۷۵ - روح المعانی ج ۱۳ ص ۱۴۹ - تاویل الایات ج ۲ ص ۵۷۷ ح ۶ - البرهان ج ۷ ص ۱۸۰

پس مؤمن و منافق یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام با منافقی چون معاویه فرزند هند جگر خوار در بهشت با هم جمع نمی شوند منافق در اسفل السافلین جای دارد و بدتر از کفار و مشرکین است(۱).

از جمله آیات دیگر در قرآن کریم راجع به دشمنی ابدی و جدایی ابدی بین مولا علی علیه السلام و شجره بنی امیه می باشد آیات ۳۴ الی ۳۶ سوره مطففین است.

{فالیوم الذین امنوا من الکفار یضحکون}

از ابن عباس روایت شده است که مراد از ان الذین اجرموا بنی عبد الشمس و بنی امیه می باشد که وقتی مولا علی علیه السلام از کنار آنان عبور می کرد از روی مسخره به او لبخندی می زدند لذا خداوند، رسول اسلام را از این ماجرا آگاه کرد و فرمود: بشارت بده به علی علیه السلام که روز قیامت در حالی که آنان در جهنم عذاب می شوند شما به آنان نگاه می کنید و می خندید.

از امام چهارم روایت شده مولا علی، کفار و منافقین بنی امیه را در جهنم مشاهده می کند که می گویند ای علی وصی پیامبر ما را شفاعت کن پس مولا علی بر سخنان بی فایده آنان لبخند می زند. (۲)

از جمله آیاتی که در قرآن تضاد و دشمنی ابدی بین اهل بیت عصمت و قوم ستمگر بنی امیه را متذکر می شود آیات ۲۱ و ۲۳ سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله است.

فهل عسیتم ان تولیتم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم عن ابن عباس فی قوله تعالی فاذا عزم الامر یقول: جد الامر و امروا بالقتال فلو صدقوا الله نزلت فی بنی امیه ...

ابن عباس می گوید: این آیه درباره بنی امیه و بنی مغیره نازل شده و مراد از و تقطعوا ارحامکم قطع ارحام رسول اکرم و اهل بیت او می باشد مولا علی علیه السلام فرمود: در سوره محمد آیه ای درباره ما و آیه ای درباره بنی امیه وجود دارد.

ص: ۱۵۹

۱- ۱. (شواهد التنزیل ج ۲ ص ۴۲۶ - روح المعانی ج ۱۵ ص ۲۸۳ - الجامع الاحکام القرآن ج ۲۰ ص ۲۶۷ - مفاتیح الغیب ج ۳۱ ص ۹۴ - الکشف و البین عن تفسیر القرآن ج ۱۰ ص ۱۵۷...)

۲- ۲. شواهد التنزیل ج ۲ ص ۴۲۸ - روح المعانی ج ۱۵ ص ۲۸۳ - فضائل الخمسه فیروز آبادی از تفسیر فخر رازی و کشف در این مورد نقل کرده تاویل الایات ج ۲ ص ۷۸۱ و...

عن علی علیه السلام قال: سوره محمد آیه فینا و آیه فی بنی امیه(۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: منظور کسانی که کافر شدند بنی امیه هستند و منظور از مردم را از راه خدا بازداشتند یعنی از راه ولایت علی ابن ابی طالب بازداشتند .

و ابی جعفر فی قوله تعالی: الذین کفروا یعنی بنی امیه و صدوا عن سبیل الله عن ولایه علی ابن ابی طالب(۲)

از جمله آیات دیگر قرآن کریم که جدایی ابدی و تضاد همیشگی مولا علی و اهل بیت عصمت و قوم بنی امیه را تأکید دارد آیه ۳۰ سوره محمد صل الله علیه و آله و سلم است.

و لتعرفنهم فی لحن القول

منابع کثیری از اهل سنت از قول ابن عباس نقل کرده اند که این آیه در شأن مولا علی و مذمت منافقان و دشمنان علی علیه السلام که یکی دسته از آن قوم بنی امیه هست نقل کرده اند آیا معاویه دشمنی خودش را با مولا علی را صادر نکرد(۳)

عن ابی سعید خدری فی قوله جل و عز و لتعرفنهم فی لحن القول قال: بیغضهم علی ابن ابی طالب

از جمله آیات کریمه دیگر مصحف شریف که بی ایمانی معاویه و مذمت او را یادآور می شود آیه ۹ سوره حجرات است.

{و ان طائفتان من المومنین اقتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احدهما علی الاخری}

عبد الله ابن عمر گفت این آیه از قرآن دلم را گرفته برای اینکه چرا من با لشکر ظلامت و گمراهی (یعنی لشکر معاویه) نجنگیدم و علی علیه السلام را یاری نمودم و امر خدای را اطاعت نکردم

در روایت دیگر دارد پسر عمر ابن الخطاب در آخر عمرش می گفت: از دنیا هیچ اندوهی ندارم جزء این که با لشکر ظلامت و گمراهی معاویه و اصحابش نجنگیدم.

عبدالله پسر عمرو عاص در روایت دارد می گفت ای کاش با پدرم عمر عاص در

ص: ۱۶۰

۱- ۱. شواهد التنزیل ص ۳۰۲ ح ۸۷۶ ص ۳۰۵ ح ۸۸۲

۲- ۲. مناقب شهر آشوب ج ۳ ص ۷۱- تفسیر البرهان ج ۷ ص ۲۰۵ ح ۶

۳- ۳. لسان المیزان ابن حجر ج ۴ ص ۳۶۸- تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۲ ص ۴۲۱- مناقب ابن مغازلی ص ۳۱۵- در المنثور ج ۶ ص ۶۶- الاستیعاب ج ۲ ص ۴۲۴- کنز العمال ج ۲ ص ۱۵۲- روح المعانی ج ۲۶ ص ۷۱ و...

جنگ صفین شرکت نکرده بودم با اینکه او در جنگ شمشیری علیه مولا زده بود ولی باز با تأسف می گفت: ای کاش ۲۰ سال قبل از جنگ صفین مرده بودم (۱).

ما وجدت فی نفسی من شیء من امر هذه الایه یعنی و ان طائفان... الا ما وجدت فی نفسی انی لم اقاتل هذه الفئه الباغیه كما امرنی الله تعالی (۲).

ربما ندم بعضهم علی ترک ذلك کعبد الله ابن عمر فانه ندم علی تخلفه عن نصره علی ابن ابی طالب رضی الله عنه فقال عند موته: ما آسى علی شیء ما آسى علی ترکى قتال الفئه الباغیه یعنی فتنه معاویه و هذا هو الصحیح ان الفئه الباغیه اذا علم منها البغی قوتلت (۳).

مردی از ابن عباس سؤال کرد قاسطان چه کسانی هستند؟ ابن عباس فرمود: قاسطان عبارتند از معاویه و اصحابش

ان رجلاً سال ابن عباس... و القاسطون: معاویه و اصحابه (۴).

حال به روایاتی که در مذمت و عدم ایمان معاویه و اصحابش می باشد از منابع اهل سنت به طور اختصار اشاره می شود:

یکی از جنایات معاویه جنگ با امیر مؤمنان علی علیه السلام و کشتن عمار یاسر صحابی جلیل القدر نبی اکرم بود که از دامن سیاه معاویه هیچ وقت پاک نخواهد شد.

صحیح بخاری، کتاب الصلاه باب تعاون فی بناء المسجد از نبی اکرم روایت کرده که فرمود: امان از مصیبت عمار که گروهی ظالم او را به قتل می رساند، او آنان را به بهشت دعوت می کند ولی آنان او را به دوزخ راهنمایی می کنند.

و یح عمار تقتله الفئه الباغیه یدعوهم الی الجنه و یدعونه الی النار یدعوهم الی الله و یدعونه الی النار (۵).

ابن حبان به سندش از امه سلمه نقل کرده که رسول اکرم فرمود: عمار را گروهی ظالم و گمراه خواهند کشت

ص: ۱۶۱

۱- ۱. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۱۵ - طبقات کبری ابن سعد ج ۴ ص ۱۳۶ - هیشمی در مجمع الزوائد ج ۳ ص ۱۸۲ - ریاض

النضره ج ۲ ص ۲۴۲ - استیعاب ج ۱ ص ۳۰۷

۲- ۲. مستدرک حاکم ج ۲ ص ۴۶۳ - کتاب التفسیر - السنن الکبری - کتاب قتال اهل البغی ج ۸ ص ۱۷۲

۳- ۳. التذکره فی احوال الموتی و امور الاخره ص ۶۵۵ قرطبی

۴- ۴. المحاسن و المساوی بیهقی ص ۶۶

۵- ۵. صحیح بخاری کتاب الجهاد و السیر باب مسح الغبار

ابوسعید خدری از رسول اکرم روایت کرده است که فرمود: امان از مصیبت فرزند سمیه او آنان را به بهشت دعوت می کند ولی آنان او را به جهنم دعوت می کنند .

حذیفه می گوید: نبی اکرم به ما فرمود: با کتاب خدا دور بزنید هر جا کتاب خدا رفت با او بروید عرضه داشتم اگر مردم اختلاف کردند با چه کسی باشیم؟ فرمود: ببینید ابن سمیه با کدام جمعیت است داخل آن جمع شوید چون او با کتاب خدا دور می زند من از میان جمع پرسدم ابن سمیه کیست؟ فرمود: مگر او را نمی شناسی؟ عرضه داشتم بیان فرما، فرمود: عمار بن یاسر چه من از رسول اکرم شنیدم که به عمار فرمود: ای ابا الیقظان تو نمی میری مگر وقتی که حزب گمراه تو را به قتل برساند.(۲)

خزیمه بن ثابت می گوید من در جنگ صفین حاضر بودم ولی دست به شمشیر مقابل علی مرتضی نبردم تا بینم تکلیف عمار چه می شود وقتی لشکر معاویه او را کشتند حق برایم آشکار شد خزیمه می گوید: ظلالت به من نزدیک شده شمشیر را از غلاف در آورد و به یاری علی ابن ابی طالب جنگید تا کشته شد(۳)

در این باب روایات در منابع اهل سنت فراوان است، مولا علی علیه السلام قبل از آن که برای مقابله با معاویه آماده شود خطبه ای بر اهل عراق ایراد فرمود: با کسی بجنگید که با خدا و رسولش به ضدیت پرداخته و می خواهد تا نور خدا را خاموش کند پس با افراد خطاکاری که گمراه شده و ظالمند و نه قاری قرآن و نه فقیه در دین و نه عالم به تأویل و نه به جهت سبقت در اسلام برای این کار اهلیت دارند بجنگید به خدا سوگند اگر آنان بر شما سلطه یابند همانند کسری و هرقل حکومت کنند.

قاتلوا من حادالله و رسوله و حاول ان یطفی نورالله فقاتلوا الخاطئين الضالین القاسطین الذین لیسوا بقراء قرآن و لا فقهاء فی الدین و لا علماء فی التأویل و لا لهد الامر باهل فی سابقه الاسلام و الله لو و لوا علیکم لعلموا فیکم باعمال کسری

ص: ۱۶۲

۱- ۱. الاحسان ج ۸ ص ۲۶۰ - ج ۹ ص ۱۰۵

۲- ۲. صحیح ترمذی ج ۲ ص ۱۴۸ مناقب عمار - مستدرک حاکم ج ۳ ص ۳۸۵

۳- ۳. طبقات الکبری ابن سعد ج ۳ ص ۱۸۵ - مستدرک حاکم ج ۳ ص ۳۸۷

و هرقل.یریدون ان یطفوا نور الله بافواهمم والله متم نوره ولو کره الکافرون (۱)

رسول اکرم فرمود: هر کس با علی علیه السلام بر سر خلافت جنگید و او را به قتل برسانید هر که می خواهد باشد.

نبی اکرم فرمود: ای عمار گروه ظالمی تو را خواهند کشت قاتل تو در جهنم است.

من قاتل علیاً علی الخلافه فاقتلوه کائناً من کان (۲)

تقتلک الفئه الباغیه قاتلک فی النار (۳)

رسول اکرم فرمود: چون معاویه را بر روی منبرم مشاهده کردید او را به قتل برسانید.

إذا رأیتم معاویه علی منبری فاقتلوه (۴)

إذا رأیتم معاویه یخطب علی منبری فاضربوا عنقه (۵)

رسول اکرم فرمود: خدایا شکم معاویه را از غذا سیر مکن و شکمش را با خاک پر کن.

اللهم العنه ولا تشبه الا بالتراب لا اشبع الله بطنه (۶)

معاویه بر اثر گرسنگی شدید و خوردن زیاد آنقدر چاق شده بود که نمی توانست ایستاده خطبه بخواند و نشسته می خواند

اول من خطب جالسا معاویه و ذالک حین عظم بطنه و کثر شحمه (۷)

در روایت دارد معاویه هر روز ۷ مرتبه غذا می خورد و می گفت سوگند به خدا سیر نمی شوم تنها خسته می شوم.

وقد کان معاویه لا یشبع بهدها...انه کان یاکل فی الیوم سبع مرات طعاما بلحم و کان یقول: والله لا اشبع (۸)

ص: ۱۶۳

-
- ۱-۱. الکامل ابن اثیر ج ۳ ص ۳۳۹
 - ۲-۲. کنوز الحقایق مناوی ج ۲ ص ۱۱۴
 - ۳-۳. تاریخ دمشق ج ۱۲ ص ۶۲۲ - کنز العمال ج ۱۱ ص ۷۲۵ ح ۳۳۵۴۹
 - ۴-۴. کتاب المجروحین ج ۲ ص ۱۷۲ - انساب الاشراف ج ۵ ص ۱۳۶ - الکامل ابن عدی ج ۲ ص ۱۴۶ - تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۱۷۸ - تاریخ طبری ج ۸ ص ۱۸۶ - البدایه و النهایه ج ۸ ص ۱۴۱ - سیر اعلام النبلاء ج ۳ ص ۱۴۹
 - ۵-۵. وقعه الصیفین ص ۲۱۶ - شرح نهج البلاغه ج ۴ ص ۳۲
 - ۶-۶. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۸ ص ۲۵۶ - ح ۴۷۱۳ صحیح مسلم ج ۸ ص ۲۷ - اسد الغابه ج ۴ ص ۳۸۶ - سیر اعلام

النبلاء ج ٥ ص ٣٨٨ و ...

٧-٧. سير اعلام النبلاء ج ١٣ ص ٤٥٨ - فتح الباری ج ٢ ص ٤٠١

٨-٨. البدايه و النهايه ابن كثير ج ٦ ص ١٨٩

رسول اکرم فرمود: هر گاه معاویه و عمر عاص را با هم دیدید میان آن‌ها جدایی اندازید که آن‌ها هرگز بر کار خیر جمع نخواهند شد.

إذا رايتم معاویه و عمر ابن العاص مجتمعين ففرقوا بينهما فانهما لن يجتمعا علي خير(۱)

ابن عباس می گوید: در سفری همراه نبی اکرم بودیم که صدای آواز و ترانه خوانی دو مرد شنیدیم پیامبر اکرم فرمودند: ببینید چه کسانی هستند؟ گفتند معاویه و عمر عاص حضرت رسول دست‌ها را بالا بردند و فرمودند: بار خدایا آنها را کاملاً وارونه گردان و به حالات گذشته برگردان و به زور آن‌ها را وارد آتش جهنم کن.

اللهم ارکسهما رکساً و دعهما الی النار دعاً(۲)

ابوذر غفاری به معاویه گفت از رسول اکرم شنیدم که می فرمودند: است معاویه فی النار مقعد و نشیمنگاه معاویه در آتش جهنم است.

ان معاویه فی تابوت من نار فی اسفل درک منها(۳) معاویه فی تابوت مقفل علیه فی جهنم(۴)

روزی رسول اکرم به اصحابش فرمود: از این دره مردی از امت من بالا- می آید که در قیامت بر غیر دین من محشور خواهد شد و ناگهان معاویه ظاهر شد. مولا علی در باره معاویه می گوید: معاویه و لشکرش اسلام را قبول نکردند بلکه به ظاهر تسلیم شدند و کفر خود را پنهان کردند و زمانی که یارانی یافتند آن را آشکار کردند

نامه ۱۶ نهج البلاغه ما اسلموا و لکن استسلموا و اسرو الکفر ولما وجدوا اعوانا علیه اظهروه

یطلع من هذا الفج رجل من امتی یحشر علی غیر ملتی(۵)

رسول اکرم ابوسفیان را سوار بر مرکب به همراه معاویه و برادرش یزید دیدند حضرت فرمودند: اللهم العن القائد والسائق والراکب خدایا آن‌ها که افسار را به دست

ص: ۱۶۴

۱-۱. وقعه الصفین ص ۲۱۸

۲-۲. ح ۱۰۹۷۰ (معجم الکبیر ج ۱۱ ص ۳۲)

۳-۳. ینادی تاریخ طبری ج ۱۱ ص ۵۸ و ۳۵۸ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۸ ص ۲۵۸

۴-۴. انساب الاشراف ج ۲ ص ۱۲۱

۵-۵. تاریخ طبری ج ۱۰ ص ۵۸ و ج ۱۱ ص ۳۵۸ (تاریخ طبری ج ۸ ص ۱۸۶ - وقعه الصفین ص ۲۱۹ - شرح نهج البلاغه

ج ۱۵ ص ۱۷۶)

دارد و آن که مرکب را از پشت می راند و کسی که سوار بر مرکب هست لعنت کن.

مات والله معاویه علی غیر الاسلام (۱)

در فضایل معاویه احادیث فراوان و کتاب های مستقل نوشته شده که اهل دانش حدیث هیچ یک از آن ها را صحیح نمی دانند.

قد روی فی فضائل معاویه احادیث کثیره و صنف فی ذلک مصنفات و اهل العلم بالحدیث لایصحون لاهذا و لاهذا.

بدرالدین عینی شارح صحیح بخاری در ج ۱۶ ص ۲۴۹ کتاب شرح صحیح بخاری می نویسد: در این باب از کتاب بخاری سخن درباره معاویه است در حالی که هیچ فضیلتی برای معاویه وجود ندارد اگر کسی بگوید در فضیلت معاویه روایات زیادی وجود دارد در پاسخ می گویم: بله روایات فراوانی وارد شده اما در هیچ یک از آن ها حتی یک روایت با سند صحیح وجود ندارد.

و لکن لیس فیها حدیث یصح من طریق الاسناد نص علیه

ابن تیمیه می گوید: گروهی برای معاویه فضایی تراشیده و آن ها را به نقل از پیامبر روایت کرده اند که همه آنها کذب است.

شوکانی می گوید در فضیلت معاویه هیچ حدیث صحیحی وجود ندارد.

سیوطی هم همانند شوکانی و ابن تیمیه رد کرده تمام احادیث جعلی درباره فضیلت معاویه

طائفه وضعوا المعاویه فضائل و رووا احادیث عن النبی فی ذلک کلها کذب. (۲)

لا یصح فی فضل معاویه حدیث

مولا علی معاویه را شیطان معرفی می کند فانها هو الشیطان (۳)

قرآن در سوره نساء آیه ۹۵ می فرماید: هر کس مؤمنی را عمداً بکشد برای همیشه در جهنم خواهد بود و معاویه افراد شریفی چون امام حسن، عمار، حجر بن عدی، مالک اشتر محمد بن ابی بکر را به شهادت رسانید (۴)

ص: ۱۶۵

۱- ۱. مسائل امام حنبل ج ۲ ص ۱۵۴، الضعفاء الکبیر للعقیلی ج ۴ ص ۲۵۹

۲- ۲. منهاج السنه ج ۴ ص ۴۰۰

۳- ۳. نامه ۴۴ نهج البلاغه (الفوائد المجموعه فی احادیث الموضوعه ج ۱ ص ۴۰۷ شوکانی - اللالی المصنوعه فی احادیث

الموضوعه سیوطی ج ۱ ص ۳۸۸

۴-۴. سیوطی در تاریخ خلفاء ص ۱۹۲-استیعاب ج ۱ ص ۳۸۹

و قالت طائفه كان ذلك منها تديس معاويه اليها(١)

فردہ معاويه الى زيا دان يقتله شر قتله فدفنه حياً فكان الذين قتلوا، حجرين عدى و... (٢)

فخرج الاشر يتهجز الى مصر(تاريخ طبرى ج ٤ ص ٧١- مقتل محمد ابن ابى بكر(٣)

از جمله جنایات معاويه قتل عام ٣٠ هزار تن از مسلمانان مؤمن به دستور معاويه به وسیله بسربن ارطاه(٤)

از جمله خلاف های عظیم معاويه لعن به مولا علی و جعل حدیث بوده است.

كان فى ايام بنى اميه اكثر من سبعين الف منبر يلعن عليها على ابن ابى طالب بما سنه لهم معاويه(٥)

كان لا يقوم احد من بنى اميه الا سب علياً(٦)

كانوا بنى اميه غضب الله تعالى عليهم يجعلونه فى اواخر خطبهم من سب على كرم الله وجهه(٧)

پیامبر اکرم فرمود: علی را دشنام ندهید هر که علی را دشنام دهد مرا دشنام گفته و هر که مرا دشنام دهد خدا را دشنام داده و کسی که خدا را دشنام دهد خداوند او را عذاب خواهد کرد.

و لا تسبوا علياً فان من سب علياً فقد سبني و من سبني فقد سب الله و من سب الله عذبه الله(٨)

پیامبر اکرم فرمود: علی را جزء فرد مؤمن دوست نمی دارد و جزء منافق دشمن نمی دارد.

ص: ١٦٦

١-١. الكامل فى التاريخ ابن تير ج ٣ ص ٤٨٦

٢-٢. ...الكامل فى تاريخ ج ٣ ص ٣٥٣

٣-٣. تاريخ طبرى ج ٤ ص ٧١- مقتل محمد ابن ابى بكر

٤-٤. تاريخ طبرى ج ٤ ص ١٠٧- سير اعلام النبلاء ذهبى ج ٣ ص ١٣٧

٥-٥. النصح الكافيه ص ١٠٥

٦-٦. حليه الاولياء ج ٥ ص ٣٢٢

٧-٧. روح المعاني ج ١٤ ص ٢٢٠

٨-٨. كنز العمال ج ١١ ص ٢٦٢ - مسند احمد ج ٦ ص ٣٢٣ - البدايه و النهايه ج ٧ ص ٣٩١ - تاريخ اسلام ذهبى ج ٣ ص ٦٣٤ و

(... خصائص نسائي ص ٩٩، تاريخ دمشق ج ٤٢ ص ٢٦٦، مناقب خوارزمي ص ١٤٩، جواهر الطالب ابن دمشق ج ١ ص ٦٦

ان المنافقين في الدرک السفل من النار نساء آیه ۱۴۴، لا یحبونی الا مومن ولا یبغضنی الا منافق (۱) ۱۱

(۲)

جمعی از صحابه نقل کرده اند که ما در زمان پیامبر منافقین را نمی شناختیم مگر به دشمنی با علی

ما کنا نعرف المنافقین علی عهد رسول الله الا ببغضهم لعلی علیه السلام (۳)

رسول اکرم فرمود: من در ستیزم با کسی که با شما در ستیز باشد (یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین) و آشتی ام با کسی با شما آشتی باشد.

قال نظر النبی الی علی و الحسن و الحسین و فاطمه فقال انا حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالکم (۴)...

ابن حجر در صواعق المحرقة ص ۲۴۰ می نویسد رسول اکرم فرمود: کسی که دشنام دهد به اهل بیت من مرتد شده از دین خدا و اسلام و کسی که عترت مرا اذیت کند لعنت خدا بر او باد.

من سب اهل بیته فانما یرتد عن الله و الاسلام

پس معاویه با فحش دادن، جنگیدن، کشتن شیعیان، و دشمنی با مولا علی، کفر، نفاق و ارتداد خود را ثابت کرده پس در پست ترین درجات دوزخ خواهد بود نه اینکه بعد از مدتی از جهنم بیرون بیاید و در بهشت کنار امیر مؤمنان علی قرار بگیرد و کینه و دشمنی او با مولا- علی مبدل به دوستی شود چون با اعمال خلاف و کفر آمیز خودش در دنیا جهنم ابدی خودش را آماده و مهیا کرده است از جمله معاصی نابخشودنی معاویه، نصب کردن یزید ملعون بود برای حکومت چون معاویه مریض شد و مرگش فرا رسید فرزندش یزید را خواست و به او گفت: ای فرزندم همه چیز برای تو آماده کرده و خلافت را برایت هموار نمودم و دشمنانت را سرکوب کرده و

ص: ۱۶۷

۱- ۱. سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۲ ح ۱۱۴ باب

۲- ۲. صحیح مسلم ج ۱ ص ۸۶ ح ۷۸) صحیح ابن حبان ج ۱۵ ص ۳۶۷، المصنف ابن ابی شیبه ج ۷ ص ۴۹۴، السنه ابن عاصم ص ۵۸۴

۳- ۳. جامع الاحکام القرآن قرطبی ج ۱ ص ۲۶۷ و...

۴- ۴. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۴۹ - مسند احمد ج ۲ ص ۴۴۲) مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۶۹، صحیح ابن حبان ج ۱۵ ص ۴۳۴، البدایه و النهایه ج ۸ ص ۲۲۳، سیر اعلام النبلاء ج ۲ ص ۱۲۲، تاریخ اسلام ج ۳ ص ۴۵

گردن های عرب را برایت خاضع نمودم و همه را به نفع تو مجتمع ساختم.

ان المعاويه لما مرض مرضته التي هلك فيها دعا يزيد ابنه فقال: يا بنی انی قد كفتك الرحله و الترحال و وطات لك الاشياء و ذلت لك الاعداء و اخضعت لك اعناق العرب...(۱)

خطبه حضرت زینب کبریؓ در کاخ یزید ملعون، ماهیت قوم جلاد بنی امیه و ال ابوسفیان معاویه ویزید را به وضوح و جلا نشان می دهد که آن ها در دنیا و آخرت نمی توانند مساوی و همنشین با اهل بیت مطهر آل رسول باشند در دنیا و عقبی ای یزید این همه طغیان تو بر اثر این است که تو انکار خدا و رسالت پیامبر کردی از تو تعجب نیست این همه جنایات چون جده ات جگر سید شهیدان حمزه را دهان کرده و بیرون افکنده و گوشت شما بنی امیه با خون پاکان آل رسول روییده و زاییده کینه دیرینه شما با پیامبر و خاندانش می باشد.(۲)

وقتی که معاویه ملعون وارد کوفه شد بر منبر رفت و خطاب به مردم این چنین گفت: به خدا قسم من برای این با شما نجنگیدم که نماز را بخوانید و روزه بگیرد و حج بروید و زکات بدهید زیرا قطعاً شما این کارها را انجام می دادید و می دهید بلکه من تنها برای این با شما جنگیدم که بر شما حکومت کنم.

و الله انی ما قاتلتکم لتصوموا و لا لتصوموا و لا لتحجوا و لا لتزکوا انکم لتفعلون ذلک و انما قاتلتکم لاتامر علیکم(۳)

اصلاً جنگ مولا علی با معاویه به دستور نبی اکرم بوده است معاویه اگر مسلمان و مؤمن بود رسول اکرم اجازه جنگ با او را صادر نمی کرد. جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم (۴)

عن علی قال عهد الی رسول الله فی قتال الناکثین و القاسطین و المارقین(۵)

ابن حجر در تلخیص الحبیر فی احادیث الرافعی الکبیر ج ۴ ص ۴۴ می نویسد: اهل جمل، صفین و نهروان همه متجاوز و ستمگر بودند زیرا جنگ با این ۳ گروه به

ص: ۱۶۸

۱- ۱. ریخ الامم و الملوک طبری ج ۳ ص ۲۶۰

۲- ۲. بلاغات النساء ابن طیفور ص ۲۱

۳- ۳. شرح نهج البلاغه ج ۱۶ ص ۴۵

۴- ۴. تحریم آیه ۹ توبه آیه ۳۷

۵- ۵. مسند ابویعلی ج ۳ ص ۱۹۴ - مجمع الزوائد ج ۷ ص ۲۳۸ - مسند بزاز ج ۳ ص ۲۶ - مجمع الکبیر ج ۱۰ ص ۹۱

فرمان پیامبر بود که به علی فرمود: با این ۳ گروه می جنگی

ثبت ان اهل الجمل و صفین و النهروان بغاه...

و این حدیث مشهور با آیه ۴۱ سوره زخرف مطابقت دارد

فاما نذهبن بك فانا منهم منتقمون

پس ای پیامبر اگر ما تو را از دنیا ببریم، قطعاً از آنان انتقام می کشیم .

منابع اهل سنت می گویند این آیه در مقام و منزلت مولا علی نازل شده که به وسیله علی علیه السلام بعد از وفات رسول اکرم از ناکثین و قاسطین و مارقین انتقام گرفته می شود(۱)

رسول اکرم فرمود: بعد از من کافر می شوید و گردن یکدیگر را می زنید و خدا به وسیله علی علیه السلام انتقام می گیرد.

قال: لا الفینکم ترجعون بعدی کفاراً یضرب بعضکم رقاب بعض و ایم الله لئن فعلتموها لتعرفننی فی الکتیبه التي تضاربکم ثم التفت الی خلفه فقال: او علی او علی ثلاثا... فاما نذهبن بك فانا منهم منتقمون بعلی بن ابی طالب.

از جمله آیات دیگری که درباره دشمنان مولا علی علیه السلام در قرآن اشاره شد آیه ۵۸ سوره احزاب است.

{والذین یوذون المومنین و المومنات... ان الذین یوذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنيا و الاخره}

گفته شده که این آیه درباره علی ابن ابی طالب نازل شده و این زمانی بود که جمعی از منافقان او را اذیت می کردند و بر او دروغ می بستند.

یقال نزلت فی علی ابن ابی طالب و ذلك ان نفراً من المنافقین كانوا یوذونه و یکذبون علیه(۲)

رسول اکرم فرمود: هر کس علی را اذیت کند مرا اذیت کرده و هر کس مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده و کسی که خدا و رسول را اذیت کند طبق آیه مذکور جایش در جهنم است

آقای انصاری سلفی آیا معاویه، مولا علی را اذیت کرد یا نه ؟

ص: ۱۶۹

۱- ۱. مناقب ابن مغازلی ص ۲۷۴ ح ۳۲۱ - در المنثور سیوطی ج ۶ ص ۱۸ - شواهد التنزیل ج ۲ ص ۲۱۶ - المحرر الوجیز فی

تفسیر الکتاب العزیز ج ۵ ص ۵۶ - مسند احمد ج ۱ ص ۳۸۴

۲- ۲. شواهد التنزیل ص ۲۷۱ ح ۷۷۵

ان الذین یوذن الله ورسوله لعنهم الله فی الدنیا و الآخرة و اعد لهم عذاباً مهیناً (۱)

در حدیثی دیگر رسول اکرم فرمود:

یا ایها الناس من آذی علیاً بعث یوم القیامه یهودیاً او نصرانیاً.

ای مردم هر کس علی علیه السلام را اذیت کند روز قیامت یهودی یا مسیحی مشهور می شود (۲)

معاویه در دنیا با زبان و کردار بدش مولا علی را اذیت کرده چگونه لیاقت پیدا می کند که پیامبر شفاعت او کند و اصلاً مسلمان محشور نمی شود تا راهی به سوی نجات و بهشت داشته باشد رسول اکرم فرمود: همانا خداوند بهشت را بر ظالمین و قاتلین و کسانی که از یاری دادن به اهل بیت من خودداری کنند و به آنان فحش و ناسزا بگویند حرام کرده است.

ان الله حرم الجنة علی من ظلم اهل بیتی او قاتلهم او اعان علیهم او سبهم (۳)

از جمله آیاتی که در قرآن راجع به محبت به مولا علی و اخطار به بنی امیه ملعونه در عدم دوستی به حضرت نازل شده آیه ۹۶ سوره مریم است .

ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا

کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند به زودی خداوند برای آنان محبتی قرار خواهد داد.

ابن مردویه و دیلمی از براء روایت کرده اند که گفت رسول اکرم به علی علیه السلام فرمود:

اللهم اجعل لی عندک عهداً و اجعل لی عندک ودا و اجعل لی فی صدور المؤمنین موده

رسول اکرم به مولا علی فرمود: یا علی بگو خدایا محبت مرا در دل های مؤمنان

ص: ۱۷۰

۱- ۱. احزاب آیه ۵۷ (تاریخ کبیر بخاری ج ۶ ص ۳۰۷ - البدایه و النهایه ج ۵ ص ۱۲۱ - اسد الغابه ج ۴ ص ۱۱۴ - مسند احمد ج ۳ ص ۴۸۳ - فیض القدیر ج ۶ ص ۲۴ - الاصابه ج ۴ ص ۵۳۴ - الجرح و التعذیل رازی ج ۷ ص ۵۰۲ - الصمنف ابن ابی شیبه ج ۷ ص ۵۰۲ - الثقات ابن حبان ج ۳ ص ۲۷۳ - مناقب خوارزمی ص ۱۴۹ ح ۱۷۶ - مناقب ابن مغزلی ص ۵۲ - مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۲۹) ذخائر العقبی ص ۶۵، ینابع المده ج ۲ ص ۱۵۵، شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۴۵

۲- ۲. مناقب ابن مغزلی ص ۵۲) جواهر المطالب ج ۱ ص ۶۳، مناقب ابن مردویه ص ۸۰، نظم درر السمطین زرنندی حنفی ص

٣-٣. جواهر العقدين سمعوى ج ٢ ص (٢٦) صواعق المحرقه ج ٢ ص ٦٨٨ - هو ييغض آل بيت محمد دخل النار

بینداز. جابر ابن عبد الله می گوید این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است ابورافع گفت: پیامبر خدا فرمود به خدای کعبه قسم که چنین شد ابن عباس درباره آیه ۹۶ سوره مریم گفته منظور محبت به علی است هیچ مؤمنی را ملاقات نمی کنی مگر این که در قلب او محبتی برای علی علیه السلام وجود دارد.

عن جابر ابن عبدالله قال: قال رسول الله لعلي بن ابي طالب: يا علي قل رب اقذف لي الموده في قلوب المومنين رب اجعل لي عندك وداً فانزل الله تعالى ان الذين امنوا و عملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن ودا فلا تلقى مومنا و لا مومنه الا و في قلبه و د لاهل البيت يا علي قل اللهم ثبت لي الود في قلوب المومنين و اجعل لي عندك ودا و عهد فقالها علي فقال رسول الله: ثبتت و رب الكعبه ثم نزلت ... عن ابن عباس في قوله سيجعل لهم الرحمن ودا قال محبه لعلي...

ابن عباس درباره کلام خدا در سوره مریم آیه ۹۶ {سيجعل لهم الرحمن} گفت: در خصوص علی ابن ابی طالب نازل شده لتبشر به المتقين نیز در خصوص علی نازل شده و تندر به قوماً لداً درباره بنی امیه و بنی مغیره نازل شده است.

لتبشره المتقين نزلت في علي خاصة و تندر به قونا لدا نزلت في بنی امیه و بنی المغیره

منابع تفسیر و حدیثی زیادی از اهل سنت این آیه و تفسیر آیه را در شأن مولای متقیان علی علیه السلام نقل کرده اند: (۱)

قرطبی مفسر نامی اهل سنت در ذیل تفسیر و نزعنا ما فی صدورهم می نویسد: غل به معنای کینه کامل در سینه و ذهن است و خداوند در بهشت از مومنان خارج می کند به این معنا که حسادت نورزند بعضی از مومنان در بهشت از درجات عالی بهشتی مومنان دیگر بخاطر درجات و مراتب آنان در بهشت - الحقد الکامن فی الصدر ... و قيل نزع الغل فی الجنه الا يحسد بعضهم بعضا فی تفاضل منازلهم ؛ جالب است در روایات اهل سنت آمده که معاویه و اصحابش آیت و نشانه اهل جهنم هستند - مجمع الزوائد میثمی ج ۹ ص ۴۰۵ و ص ۴۰۶ ح ۱۶۱۲۸ - هذا و قومه آیه النار

ص: ۱۷۱

۱- ۱. شواهد التنزیل ج ۱ ص ۴۶۴ - مناقب ابن مغازلی ح ۳۷۴ ص ۳۲۷ - الکشاف زمخشری ج ۳ ص ۴۷ - در المنثور سیوطی ج ۴ ص ۲۸۷ - مجمع الزوائد میثمی ج ۲ ص ۱۲۵ - ریاض النضره ج ۲ ص ۲۰۷ - صواعق المحرقه ص ۱۰۲ - نورالابصار شبلنجی ص ۱۰۱ - الجامع الاحکام القرآن ج ۱۱ ص ۱۶۱ - خصائص الوحی المبین ابن الطریق ص ۷۱ فصل ۷ - مناقب ابن مردویه در مناقب علی و ...

المعجم الاوسط ؛ طبرانی ج ۴ ح ۴۰۸۱ - ففررت من آیه النار الی آیه الجنة و تری بنی امیه قاتلی بعد هذا ؟ ... علی در کتب اهل تسنن ص ۴۸۲ آیه الله سید محمدباقر موسوی همدانی ؛ اسدالغابه ج ۵ ص ۲۶۷ ؛ مستدرک حاکم ج ۳ ص ۳۸۵ - علی در کتب اهل تسنن ص ۴۱۸ و ص ۴۱۹ - فقال عمر بن العاص : و الله ان یختصمان الا فی النار - مستدرک حاکم ج ۳ ص ۴۳۴ ؛ اسدالغابه ج ۴ ص ۱۲۲ ح ۳۸۰۴ - عمرو بن حمق می گوید : رسول خدا به من فرمود : ای عمرو ؛ می خواهی آیت بهشت را نشانت دهم که در بازارها راه می رود گفتم : آری و ایشان ؛ علی را نشان من داد ؛ دوباره فرمود : دوست داری نشانه اهل جهنم را نشانت دهم که در بازارها راه می رود گفتم : آری و اشاره کرد به مردی که نشناختم بعد از نبی اسلام که فتنه شد به یاد سخنان ایشان افتادم که بخدا قسم اگر در شکم سنگی بروم بنی امیه مرا می کشند و من از آنان (بنی امیه) که آیت جهنم هستند فرار کردم .

پس نتیجه این شد این قسمت آیه ۴۷ سوره حجر و نزعنا ما فی صدورهم من غل درباره مؤمنان عادی است در بهشت که نسبت به درجات عالیه دیگر مؤمنان غبطه غصه و حسادت نخورند یا درباره محبان و شیعیان مولا علی است که در دنیا و آخرت بغض و کینه نسبت به اهل بیت نداشته اند کانه خداوند هرگونه بغض و حسادت و کینه نسبت به اهل بیت عصمت از آن ها زدوده و مبرا ساخته البته روایاتی در منابع شیعه است که گروهی وارد جهنم می شوند و بعد از مدتی به واسطه رحمت و شفاعت از جهنم خارج می گردند که به آن ها جهنمیون گفته می شود پس این ها در بهشت به این نام می شناسند پس آن ها به شفاعت کنندگان می گویند همانطور که شما دعا کردید، خداوند ما را از جهنم نجات داد و بیرون آورد دعا کنید این نام را از ما بردارد حق تعالی به واسطه دعای شفیعیان بادی را امر می کند که بر دهان اهل بهشت بوزد و آن نام را فراموش کنند در روایت دیگر دارد که آن ها در چشمه ای به نام عین الحیوه یا نهر حیوان قرار می دهند که گوشت و پوست تازه بر بدن آنها می روید و چهره سیاه شده آنان را از آتش جهنم برطرف می شود، پس یکی از مصادیق معنای این آیه

ونزعا ما فی صدورهم من غل همین حدیث مذکور است. (۱)

مخالفین شیعه به امام صادق علیه السلام ایراد گرفتند چگونه یک جهنمی از جهنم خارج می شود و در میان اهل بهشت مساوی قرار می گیرد پس آن کسی که ایمان آورده و یک گناه نکرده و با این مجرمان چه تفاوتی دارد که همه آن ها در بهشت در یک رتبه جمع باشند؟ امام صادق فرمود: آن گناهکاران مؤمن را که از جهنم به شفاعت شافعین خارج می کنند و وارد بهشت می کنند با افراد صالح در یک رتبه و منزل جا نمی دهند آیا نخوانده ای در قرآن و من دونه جنتان، پایین تر از دو بوستان مقربان و صالحین دو بوستان است یعنی آن ها در دو بوستان اصحاب یمین می برند (۲)

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: مؤمن را حسود و کینه توز و بخیل نخواهنی یافت .

لا تلقی المومن حسودا و لا حقودا و لا بخیلا (۳)

بهشت جایگاه مؤمنان است و با دل پر از کینه و حسادت نمیشود وارد شد و اگر مؤمن مقداری از این معایب را به طور اندک داشته باشد تا در عالم برزخ و مواقف قیامت و در طبقه اول جهنم به وسیله عذاب الهی تزکیه و مبراء نشود وارد بهشت نمی گردد.

۲ نکته لطیف مفسران در باب ونزعا ما فی صدورهم من غل نقل کرده اند گفته اند نزعنا به شدت کردن چیزی و ثانیاً آن قدر روح مؤمنان در بهشت لطیف و نورانی است که کوچکترین خطور و سوسه ای در ذهن و فکرشان از جهت کینه و حسادت نسبت به سایر مؤمنان پیدا نمی شود.

قرآن در سوره نساء آیه ۵۴ می فرماید ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت و ملک عظیم دادیم اما مردم به آن حسادت ورزیدند. در تفاسیر شیعه و سنی آمده منظور از آل ابراهیم ائمه ۱۲ گانه شیعه است و منظور از ملک عظیم امامت خاصه الهی است و منظور از کسانی که حسادت به اهل بیت ورزیدند قوم بنی امیه بودند.

و در آیه ۵۵ می فرماید:

ص: ۱۷۳

۱- ۱. صحیح بخاری ج ۷، ص ۳۹، ح ۶۵۶۰، کتاب رقاق- فلیلقون فی نهرالحیاء.

۲- ۲. نورالثقلین ج ۵ ص ۲۰۰ - بهشت جاویدان آیه الله دستغیب ص ۳۵۲ - حق الیقین علامه مجلسی ص ۵۳۵ فصل ۱۸

۳- ۳. غررالحکم ح ۷۹۹۶ ص ۶۵۲

{و كفى بجهنم سعيراً}

جهنم برای آنان کافی است.

قال علی: شکوت الی رسول الله حسد بنی امیه و الناس فقال: اما ترضی یا علی انک اخی و وزیری و اول اربعه یدخلون الجنة انا و انت و الحسن و الحسین و ذریتنا خلف ظهورنا (۱)

قرطبی مفسر نامی اهل سنت در تفسیر و نزاعنا فی صدو رهم می نویسد: غل به معنی کینه کامل در سینه و ذهن است و خداوند در بهشت از مومنان خارج می کند این معنا که حسادت نوزند بعضی از مومنان در بهشت از درجات عالیه بهشتی مومنان دیگر بخاطر مراتب آنان

الحقد الکامل فی الصدر... و قیل نزع الغل فی الجنة الا یحسد بعضهم بعضا فی تغاضل منازلهم - تفسیر قرطبی ج ۷ ذیل آیه

فصل ششم: ائمه و امامان

ص: ۱۷۴

۱- ۱. مناقب ابن مغزلی ص ۲۶۷ ح ۳۱۴ - تفسیر ثعلبی ج ۴ ص ۳۲۸ - تذکره الخواص ابن جوزی ص ۳۲۳ - صواعق ابن حجر ص ۹۳ - العمده ابن طریق ص ۳۱۷ - فرائد السمطین حموئی ج ۲ ص ۲ - سمط النجوم ج ۲ ص ۴۹۴ العصاصی - احمد بن مالک القطیعی ۱۹۰ فضائل امیر المومنین ص ۱۲۸ - شواهد التنزیل ج ۱ ص ۱۸۳

از جمله آیاتی که در قرآن کریم اشاره دارد ائمه و امامان ۱۲ گانه شیعه از دودمان حضرت ابراهیم و از و منتخبان الهی هستند آیه ۵۴ سوره نساء است حضرت علی می فرماید: من از حسودی که مردم درباره ام داشته اند به پیامبر شکایت کردم آن بزرگوار فرمود: یا علی، آیا راضی نیستی یکی از آن ۴ نفر باشی که زودتر از همه داخل بهشت می شوند زیرا، اولین کسی که داخل بهشت می شود، من و تو و حسن و حسین هستیم و آیا راضی نیستی که برادر و وزیر من باشی.

«قال علی شکوت الی رسول الله حسد بنی امیه و الناس ایای فقال: اما ترضی یا علی، انک اخی و وزیر و اول اربعه یدخلون الجنة انا و انت و الحسن و الحسین ...» (۱)

امام باقر فرمود: به خدا سوگند مائیم آن قومی که به ما حسادت بردند.

«فی قوله تعالی: ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله قال: نحن الناس. مناقب ابن مغزلی» (۲)

«عن جعفر بن محمد فی قوله تعالی: ام یحسدون الناس ... قال: نحن المحسودون قال: نحن و الله هم، نحن و الله المحسودون.» (۳)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم، برگزیدگی ائمه ۱۲ گانه شیعه را، از طرف خدا نشان می دهد آیه ۷۷ سوره مبارکه حج است، مولا علی، خطاب به گروه مهاجر و انصار فرمود: شما را به خدا قسم می دهم آیا می دانید که خداوند این آیات را در سوره حج نازل کرد:

ص: ۱۷۵

۱- ۱. تفسیر ثعلبی ج ۸ ص ۳۱۱ و ج ۴ ص ۳۲۸، تذکره الخواص ص ۳۲۳، صواعق المحرقة ص ۹۳، العمده ابن بطریق ص ۳۱۷

۲- ۲. ص ۲۳۴ ح ۳۱۴، رشفه الصادی ص ۳۷، ... صواعق ص ۱۵۰، ینایع الموده ص ۱۲۱، الدر المنثور ج ۲ ص ۱۷۳

۳- ۳. شواهد التنزیل ص ۷۹ و ص ۸۰ ح ۱۹۵ الی ۱۹۸

{يا ايها الذين آمنوا، اركعوا و اسجدوا و اعبدا ربكم و افعلوا الخير الى آخر السوره}

پس سلمان فارسی، بلند شد و گفت: ای پیامبر خدا، این گروهی که تو بر آنان گواهی و آنان بر مردم گواهند کیانند؟ کسانی که خداوند، ایشان را برگزیده و در دین برایشان سختی قرار نداده و آیین پدرشان ابراهیم نیز چنین بوده است، پیامبر فرمود: من و برادرم علی و ۱۱ تن از فرزندانم، گروه مهاجر و انصار گفتند: درست می گویی ای علی

«فقام سلمان فقال: يا رسول الله من هؤلاء الذين انت عليهم شهيد و هم شهداء على الناس الذين اجتباهم الله... قال: غني بذلك ثلاثة عشر رجلاً خاصة قال سلمان: بينهم يا رسول الله: قال: انا و اخي علي و احد عشر من ولدي.» (۱)

امام صادق فرمود: امت وسط و میانه ما اهل بیت هستیم و ما میم گواهان بر خلقش و حجت هایش در روی زمین.

عرض کردم: مراد از ملت پدرتان ابراهیم چیست؟ فرمود: تنها ما را اراده نموده است.

«نحن الائمة الوسطى و نحن شهداء الله على خلقه و حججه في ارضه؛ قلت: قول الله عزوجل مله اييكم ابراهيم؟ قال: ايانا عنى خاصة هم سماكم المسلمين من قبل.» (۲)

از جمله مناقب بی نظیری که مولا- علی دارد و بر آن اساس از تمام پیامبران افضل است غیر از رسول خدا؛ ساقی حوض کوثر بودن و صاحب حوض کوثر بودن مولا- علی است؛ مناوی از طبرانی نقل کرده که پیامبر فرمود: علی صاحب حوضی یوم القیامه: علی علیه السلام، صاحب حوض من در روز قیامت است؛ (۳) اولاً این خصیصه شامل هیچ پیامبری و مقرب عندالله نشده، فردای قیامت تمام خلائق نیازمند این حوض و آب کوثر هستند و به امر و دستور مولا علی به خلائق آب کوثر داده می ود؛ و آن ۱۲۴ هزار پیامبر، محتاج و نیازمند آن حوض و آب کوثر هستند پس چگونه آنان بر مولا علی برتری دارند؛ پیامبر اکرم فرمود: ای علی همراه تو در روز قیامت عصایی از عصاهای

ص: ۱۷۶

۱- ۱. فرائد السمطين ج ۲ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰، ینابيع الموده ج ۲ ص ۲۲۸

۲- ۲. اصول کافی، کلینی رازی ص ۴۳۸ ج اول، کتاب الحججه باب فی ان الائمة شهداء الله عزوجل علی خلقه

۳- ۳. کنوز الحقائق مناوی ج ۲ ص ۱۷ به نقل از طبرانی در المعجم الاوسط

بهشت است که با آن منافقان را از کنار حوض من دور می کنی؟

«یا علی معک یوم القیمه عصی من عصی الجنه تذود بها المنافقین عن الحوض» (۱)

از جمله فضائل بی نظیر مولا- علی بر پیامبران غیر از رسول اسلام این است که مولا- علی منزلش در بهشت با منزل پیامبر در یک مکان است و درخت بزرگ طوبی در منزل او و پیامبر است. این درخت بزرگ بهشت و بهشتیان را پوشش می دهد- پیامبر اکرم فرمود: درخت طوبی درختی است که ریشه آن در خانه من و شاخه آن بر اهل بهشت است و آن در خانه علی است همانا خانه من و علی در بهشت در یک مکان است؛

«طوبی شجره اصلها فی دار علی ابن ابی طالب و فی دار کل مومن منها غصن؛ ان داری و دار علی غداً واحده فی مکان واحد ان داری و دار علی فی الجنه بمکان واحد» (۲)

ابوسعید خدری از پیامبر اسلام روایت کرده که پیامبر فرمود: ۵ چیز به علی عطاء شده که برای من از دنیا و ما فیهای دنیا بهتر است یکی از آن ۵ چیز فرمود: این است که علی کنار حوض من می ایستاد و هر کس از امت من را که می شناسد آب کوثر می دهد - اعطیت فی علی خمساً هن احب الی من الدنیا و ما فیها....

و انا الثالثه: فواقف علی حقر حوضی یسقی من عرف امتی؛ یا علی معک یوم القیامه عصا من عصی الجنه تذوربها المنافقین عن الحوض (۳) لتجده قائماً علی حوض رسول الله یذود عنه رایات المنافقین بیده عصاً من عوسج (۴)

روایاتی در باب ساقی حوض کوثر بودن مولا علی علیه السلام از ائمه هدی نقل کرده است:

انه ساقی الحوض و حامل اللواء، یا علی انک غذا علی الحوض خلیفتی و انت اول من یرد علی الحوض و انت تزود المنافقین عن حوضی؛ انت یا علی علی حوضی، تزود المنافقین ان النبی قال لعلی: انت الذائد عن حوضی یوم القیامه تذود

ص: ۱۷۷

۱- ۱. صواعق المحرقة ص ۱۰۴

۲- ۲. شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۹۶، تفسیر ذیل آیه ۲۹ سوره رعد - طوبی لهم و حسن ماب؛ - شواهد التنزیل ج ۱ ص ۳۹۶، تفسیر ثعلبی ج ۵ ص ۲۹۰، احقاق الحق ج ۳ ص ۴۴۱، مناقب ابن مغارلی ح ۳۱۵ ص ۲۳۴، الدر المنثور ج ۴ ص ۵۹؛ تفسیر قرطبی ج ۹ ص ۳۱۷

۳- ۳. ذخائر العقبی ص ۹۱، ریاض النضره ج ۲ ص ۲۱۱، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۳۵؛ فردوس الاخبار ج ۵ ص ۳۱۷ - مستدرک حاکم ص ۱۳۸

۴- ۴. هذا حدیث صحیح الاسناد با مرحوم علامه مجلسی در ج ۳۹ بحار الانوار باب ۸۵

عنه الرجال كما يذاد الاصيد البعير الصادى الذى به الصيد و الصيد داء يلوى عنقه

در فائق زمخشرى آمده است که پیامبر به مولا علی گفتند: تو هستی که از حوض من در روز قیامت دور میکنی دور میکنی و میرانی از آن مردمان منافقین را همانطور که شتر دگر را ساربانان از میان شترها دور میکنند یا علی انت صاحب حوضی(۱) یکی دیگر از برتری های مولا علی بر پیامبران، متولد شدن ایشان در جوف و درون خانه کعبه است اما چون وهابیت کوردل نمی تواند فضائل مولا علی را مشاهده کند می گوید تولد و دنیا آمدن علی ابن ابی طالب در داخل کعبه امتیاز نیست، چون آنزمان محل کعبه و درون کعبه پُر شده از اصنام و بُت های قریش بوده !! اولاً از جهت تاریخی بطور تواتر و صحت است که مولا- علی در درون خانه، پا به عرصه وجود عالم خاکی دنیا گذاشته است؛ حاکم نیشابوری می نویسد: روایات متواتری در باب ولادت امیر مومنان علی ابن ابی طالب توسط فاطمه بنت اسد در داخل کعبه وارده شده است _ فقد تواترت الاخبار ان فاطمه بنت اسد ولدت امیرالمومنین علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه فی جوف الکعبه(۲) محمود عقاد در جواب شبهه وهابیت هم باید گفت کعبه ذاتاً مکان مقدسی بوده و هست و با خلاف خلافتکار _ تقدس ذاتی خودش را از دست نمی دهد و از نظر سند تاریخی و روایی متقن نرسیده آنزمانی که مولا علی در درون کعبه بدنیا آمده کعبه پُر از بت بوده است(۳) آلوسی وهابی در شرح قصیده عینیه عبدالباقی آفندی ص ۱۵ می نویسد: تو آن علی هستی که مقام والایت از علو هم بالاتر رفت هنگامی که در مکه و در درون خانه زاده شدی _ انت العلی الذی فوق

ص: ۱۷۸

۱- ۱. امالی صدوق مجلس ۵۰ ج ۱۴ ب فسالت ربی ان تسقی امتی من حوضی و اعطانی _ کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۵۲ ح ۳۶۴۷۶ _ مناقب خوارزمی ص ۲۹۳ ح ۲۸۰ ب فرائد السمطین ج ۱ ص ۱۰۵ ح ۷۵ ب المعجم الکبیر ج ۳ ص ۸۱ ح ۲۷۲۶؛ جواهر العقدين ص ۳۴۲؛ اسعاف الراغبین، تاریخ بغداد ج ۱۴ ص ۹۸؛ استیعاب عبدالبر ج ۲ ص ۴۵۷، حلیه الاولیاء ج ۱۰ ص ۲۱۱

۲- ۲. مستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۵۵۰، تذکره الخواص ابن جوزی ص ۲۰؛ مروج الذهب مسعودی شافعی ج ۱ ص ۳۱۳، کفایه الطالب ص ۴۰۷ باب ۷، الفصول المهمه ابن صباغ مالکی ج ۱ ص ۱۷۱؛ سیره الحلبي ج ۱ ص ۲۲۶؛ از اله الخفاء عن خلفه الخلفاء ج ۴ و ج ۶ ص ۲۵۱ _ دهلوی عبقریه الامام علی ج ۷ ص ۴۳

۳- ۳. نزهه المجالس صفوری ج ۲ ص ۲۰۴

العلی رفعا به بیطن مکه عند البیت اذ وضعاً (۱) یکی دیگر از برتری های مولا علی بر پیامبران غیر از رسول اسلام دانش و علم سرشار لدنی و الهی ایشان بوده است. پیامبر اکرم فرمود: حکمت ۱۰ جزء است که خداوند ۹ جزء آنرا به علی علیه السلام داده و با بقیه مردم در یک جزء شریک است ای وهابی کور از حقائق آیا پیامبران جزء الناس و مردم هستند یا نه؟ که جواب مثبت است پس مولا- علی طبق این روایت از آنان افضل است و حدیث مدینه هم تاکید و تأیید بر این مطلب است و این حدیث مذکور را توثیق می کند قسمت الحکمه عشره اجزاء فاعطی علی تسعه اجزاء و الناس جزءاً واحداً و و علی اعلم بالواحد منهم (۲) انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیات (۳) هذا حدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه و ابوالصلت ثقه مامون از فضائل بی نظیر مولا-علی که هیچ پیامبری و بنی بشری غیر از رسول اسلام ندارد این حدیث مشهور است که پیامبر اسلام خطاب به مولا- علی فرمود: گوشت علی، گوشت من است و خون علی، خون من است این تعبیر راه پیامبر راجع به هیچ کس جزء مولا-علی نفرموده است وقتی که مولا علی گوشتش و خورش و تمام وجودش همانند پیامبر است؛ چگونه پیامبران غیر از رسول اسلام می توانند بر او برتری و ارجحیت داشته باشند _ هذا علی ابن ابی طالب لحمه لحمی و دمه دمی ولیاتم بالاوصیاء من بعده فانهم عترتی من للحمی و دمی (۴)

هذا علی ابن ابی طالب لحمه لحمی و دمه دمی مناقب خوارزمی حنفی (۵) پیامبر

ص: ۱۷۹

- ۱- ۱. نورالابصار شبلنجی ص ۸۵
- ۲- ۲. مناقب ابن مغزالی ح ۳۲۸؛ حلیه الاولیاء ج ۱ ص ۶۴ _ میزان الاعتدال ذهبی ج ۱ ص ۱۲۴ _ لسان المیزان ابن حجر ج ۱ ص ۲۳۵ مناقب خوارزمی مناقب ۴۹؛ مقتل الحسین خوارزمی ص ۴۳؛ کنز العمال ج ۶ ص ۱۵۴ تاریخ دمشق ج ۲ ص ۴۸۱ _ فرائد السمطین ج ۱ ص ۹۴؛ شواهد التنزیل ح ۱۴۶ الی ۱۵۴ استیعاب عبدالبر ج ۲ ص ۴۴۲، اسدالغابه ج ۴ ص ۲۲؛ _ یا علی انا مدینه العلم و انت الباب کذب من زعم انه یصل الی المدینه الا من الباب
- ۳- ۳. المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۳۷ ح ۷۴ ب ۴۵ چاپ بیروت
- ۴- ۴. بحار ج ۲۳ ص ۱۳۸ ج ۴۴ ص ۲۵۹
- ۵- ۵. ص ۱۴۲ ح ۱۶۳، ینابیع الموده ج ۱ ص ۶۵ مجمع الروائد ج ۹ ص ۱۱۱ _ علی کجلدی، علی کلحمی، علی عظمی، علی کدمی _ علی عروقی _ تفسیر فرات ص ۱۵۲ _؛ کفایه الطالب ص ۱۶۸؛ تاریخ بغداد ج ۱۴ ص ۳۲۱ _ دمه دمی و لحمه لحمه و عظمه عظمه المعجم الکبیر ج ۱۲ ص ۱۴، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۴۲؛ ان علیا لحمه من لحمی و دمه من دمی _ کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۰۷؛ ذخائر العقبی ص ۹۲، کنوز الحقائق ص ۱۶۱؛ فرائد السمطین ج ۱ ص ۳۳۱ و ج ۲۴۳ ح ۵۱۷

علی از من است مثل سر به بدن من یعنی وجود جسمی و روحی مولا- علی همانند پیامبر اکرم است؛ و این امتیاز بی نظیر را هیچ پیامبری و رسلی و رجالی از رجال الهی غیر از رسول اسلام و مولا علی ندارند پس، پیامبران غیر از رسول اسلام نمی توانند با این خصائص عالی و بی نظیری که مولا علی دارد بر او برتر و بالاتر و افضل تر باشند - علی منی مثل راسی من بدنی؛ علی منی کراسی من بدنی(۱) علی منی بمنزله راسی من بدنی؛ انت منی بمنزله راسی من جسدی علی منی بمنزله راسی من جسدی؛ یکی دیگر از فضائل بی نظیر مولا علی بر پیامبران این است که ایشان به امر الهی، تقسیم کننده بهشتیان و جهنمیان هستند و در این باب روایات در منابع شیعه و سنی فراوان است؛ بدان ای وهابی؛ وقتی اهل جنت و نار؛ بدست با برکت مولا علی باید جدا و تقسیم شوند؛ پیامبرانی که بهشت رفتن آنان و تقسیم شدن آنان در بهشت به امر مولا علی است چگونه بر او می توانند افضل باشند؛ مولا علی فرمود: من تقسیم کننده جهنم هستم - انا قسیم النار(۲) از احمد حنبل سوال شد حدیث تقسیم کردن بهشت و جهنم بدست مولا علی آیا صحیح است گفت: بله مگر پیامبر اکرم نفرموده: حب و دوستی علی، ایمان است و دشمنی با علی نفاق است گفتند بله: پس احمد حنبل دوباره گفت: جای مومن در بهشت و جای منافق در جهنم است پس علی تقسیم کننده بهشت و جهنم است. کنا عند احمد بن حنبل فقال له رجل یا ابا عبدالله ما تقول فی هذا الحدیث الذی روی ان علیاً قال: انا قسیم النار ... فقال الیس ان النبی قال لعلی لایحبک الامومن ولا یبغضک الامنافق؟ قلنا: بلی ... قال: فعلی قسیم الجنة والنار(۳) مولا علی فرمود: من به جهنم می گویم این را بگیر

ص: ۱۸۰

۱- ۱. مناقب ابن مغزلی شافعی ح ۱۳۵ و ۱۳۶؛ مناقب خوارزمی مناقب ۸۹ و ۸۶؛ الجامع الصغیر سیوطی ج ۲ ص ۱۴۰ صواعق المحرقة ابن حجر ص ۷۵؛ کنز العمال ج ۱ صص ب ۳۰، ریاض النضره طبری ج ۲ ص ۱۶۲؛ ذخائر العقبی ص ۶۳؛ تاریخ بغداد ج ۷ ص ۱۲ - تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۴۳، جواهر المطالب ج ۱ ص ۵۸؛ سبل الهدی و الرشاد صالحی ج ۱۱ ص ۲۹۷؛ یمابع الموده ج ۲ ص ۷۷ و ص ۹۷

۲- ۲. الفایق فی غریب الحدیث زمخشری ج ۳ ص ۹۷؛ شرح نهج البلاغه ج ۲ ص ۲۶۰؛ البدایه و النهایه ج ۷ ص ۳۹۲
 ۳- ۳. طبقات الحنابله ص ۳۲۰ رقم ۴۴۸؛ المنهج الاحمد فی طبقات اصحاب احمد ج ۱ ص ۱۳۰؛ کفایه الطالب ص ۲۲؛ - سمعت علیاً یقول انا قسیم النار - کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۵۲؛ الکامل ابن عدی ج ۶ ص ۴۱

و آن را رها کن _ عن علی ابن ابی طالب انه قال: انا قسیم النار یوم القیامه اقول: خدی ذاوذری ذا _ ... اقول هذا لی و هذا لك ... قلت: هذا لك و هذا لی (۱) پیامبر اکرم فرمود: ای علی تو تقسیم کننده بهشتیان و جهنمیان هستی _ فانت قسیم الجنة و النار؛ یا علی انک قسیم الجنة و النار؛ _ (۲)؛ مولا علی به اهل شورا فرمود آیا در میان شما کسی هست که پیامبر اسلام درباره او فرموده باشد تو تقسیم کننده بهشت و جهنمی اهل شورا گفتند: نه _ فانشدکم بالله هل فیکم احد قال له رسول الله: انت قسیم النار و الجنة غیری؟ قالوا: اللهم لا (۳) پیامبر اکرم فرمود: فردای قیامت رضوان خزانه دار بهشت تمام کلیدهای بهشت را بمن می دهد و من به علی می دهم سپس مالک، خزانه دار جهنم می آید و تمام کلیدهای جهنم را بمن می دهد و من آنها را به علی می دهم؛ در آنروز (فردای قیامت) جهنم از علی اطاعت می کند همانند برده ای که از اربابش اطاعت می کند. _ فلجهنم یومئذ اشد مطاوعه لعلی فیما یا مرها به من رق احدکم لصحابه (۴) شافعی در دیوانش ص ۳۲ چاپ مصر می گوید: علی حبه جنه؛ امام الناس و الجنة؛ وصی المصطفی حقا؛ قسیم النار و الجنة، از فضائل بی نظیر مولا علی این است که خداوند در شب معراج، با زبان و صدای علی با پیامبرش حرف زد. ابن عمر می گوید شنیدم که از پیامبر سؤال کردند در شب معراج پروردگارت با چه زبانی با تو حرف زد؟ پیامبر فرمود: پروردگارم با زبان علی ابن ابی طالب با من حرف زد و به من الهام کرد گفتم بار خدایا تو با من حرف زدی یا علی؟ خداوند فرمود: ای

ص: ۱۸۱

-
- ۱-۱. تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۲۹۸ و ص ۲۹۹ و ص ۳۰۱؛ مناقب خوارزمی ص ۴۰ هو امیرالمومنین... قسیم الجنة و النار؛ مناقب خوارزمی ص ۲۹۴؛ ینابیع الموده ج ۱ ص ۹۰ و ص ۲۴۹ الی ص ۲۵۵
- ۲-۲. مناقب ابن مغازلی ص ۶۷ ح ۹۷
- ۳-۳. جواهر العقدین سمعودی ج ۲ ص ۳۵۳
- ۴-۴. فرائد المسطین حموی شافعی ج ۱ ص ۱۰۶؛ الصواعق المحرقة ج ۲ ص ۳۹۶ ص ۱۲۶؛ غریب الحدیث ابن قتیبه ج ۱ ص ۳۷۷، النهایه فی غریب الحدیث ج ۴ ص ۶۱؛ المعرفه و التاریخ، الفسوی ج ۲ و ۳ ص ۷۶۴ و ص ۱۹۲، الدار قطنی در العلل ج ۶ ص ۲۷۳ فردوس الاخبار دیلمی ج ۳ ص ۹۰؛ الشفاء ج ۱، ص ۲۵۲؛ قاضی عیاض؛ جمع الجوامع سیوطی ج ۱ حرف العین؛ کنوز الحقائق ص ۹۸، تاج العروس زبیدی ج ۹ ص ۲۵؛ مفتاح النجا؛ البدخشی ص ۴۶؛ المناقب المرتضویه الکشفی الترمذی ص ۹۱ مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۲۷

محمد من چیزی هستم نه همانند اشیاء و نه با مردم مقایسه می شوم تو را از نور خودم آفریدم و علی را از نور تو، از رازهای دل تو آگاهی دارم و در دل تو کسی را محبوبتر از علی نیافتم و به همین دلیل با زبان او با تو سخن گفتم تا دلت آرام گیرد(۱) خاطبانی ربی بلغه علی و الهمنی ان قلت یا رب خاطبتنی انت ام علی؟ فقال یا محمد انا شی لا کالاشیاء و لا اقباس بالناس... خلقتک من نوری و خلقت علیاً من نورک و اطلعت علی سرائر قلبک فلم اجد فی قلبک احب الیک من علی فخاطبتک بلسانک کیما یطمئن قلبک _ از جمله فضائل بی نظیر مولا علی این است که هیچ احدی غیر از او ندارد و به همین دلیل از تمام پیامبران افضل است بغیر از رسول اسلام که فردای قیامت او، دومین نفری است که از زمین خارج می شود و همراه با پیامبر، نشر و محشور می گردد و اولین کسی است که زنده می گردد با پیامبر اسلام و اولین کسی است که پوشانده می شود _ یا علی اول من تنشق الارض عنه محمد ثم انت و اول من یحیا محمد ثم انت و اول من یکسی محمد ثم انت(۲)

یا علی انا اول من یدعی به یوم القیامه ثم یدعی بک هذا لقربتک منی و منزلتک عندی(۳) ال-وانی ابشرک یا علی انک تدعی اذا دعیت و تکسی اذا کسیت و تحیا اذا حییت _ از جمله فضائل بی نظیر مولا علی این است که پیامبر خطاب به مولا علی فرمود: ای علی خداوند متعال تو را به زیوری زینت داده و آراسته و آرایش کرده که هیچ کدام از عباد و بندگانش را زینت نداده؛ و عبادالله خداوند؛ بطور اکمل و اخص، انبیاء و مرسلین هستند پس طبق این حدیث شریف مولا علی از تمام پیامبران افضل است غیر از رسول اکرم؛ یا علی ان الله تعالی زینک زینه لک یزین العباد(۴) پیامبر اکرم فرمود: ای علی، تو ۴ خصلت و ویژگی داری که احدی ندارد، تو اولین نمازگزار با من از میان عرب و عجمی؛ تو کسی هستی که در تمام جنگ ها

و

ص: ۱۸۲

-
- ۱- ۱. ینابیع الموده ج ۲ ص ۳۶ مناقب خوارزمی به نقل از ابن شبرویه دیلمی (مناقب خوارزمی ص ۷۸ ح ۶۱)
 - ۲- ۲. فرائد السمطین ج ۱ ص ۱۸۴، مناقب خوارزمی ص ۱۱۳ ح ۱۲۳؛ ینابیع الموده ج ۲ ص ۳۶۶ باب ۴۹
 - ۳- ۳. فضائل احمد حنبل ج ۲ ص ۶۶۳ ح ۱۱۳۱، مناقب خوارزمی ص ۱۴۰ ح ۱۵۹، ینابیع الموده ج ۲ باب ۵۰ ص ۳۷۶
 - ۴- ۴. ینابیع الموده ج ۲ ص ۴۰۰، مناقب خوارزمی ص ۱۱۶ ح ۱۲۶؛ ذخائر العقبی ص ۱۰۰، مناقب ابن مغزلی ص ۱۰۵؛ حلیه الاولیاء ج ۱ ص ۷۱؛ مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۲۱، کنز العمال ج ۵ ص ۳۵، اسدالغابه ج ۴ ص ۲۳؛ الریاض النضره ج ۲ ص ۲۲۸

غزوات با منی؛ تو کسی هستی که هیچ وقت از جنگ ها فرار نکردی و تو تنها کسی هستی که مرا غسل می دهی و دفن می کنی؛ _ کانت لعلی اربع خصال لیست احد؛ هو الاول عربی و عجمی صلی مع رسول الله و هو الذی کان لواوه معه فی کل زحف والذی صبر معه یوم المهراس و هو الذی غسله و ادخله قبره(۱) ای وهابی از خدا بی خبر آیا با این حدیثی که حاکم نیشابوری در مستدرک نقل کرده از رسول اکرم که خطاب به علی می فرماید احدی این چند خصلت تو را ندارند آیا انبیاء می توانند بر او فضیلت داشته باشند؟ پیامبر اکرم به حضرت فاطمه فرمود: علی ابن ابی طالب ویژگی و برتری اختصاصی دارد که هیچکدام از اولین و آخرین خلائق نمی توانند دست به آنها پیدا کنند؛ او یگانه برادر من در دنیا و آخرت است و کسی جز او چنین نیست، تو ای دخترم سرور و بزرگ زنان اهل بهشت همسر و عیال او هستی؛ دو سبط رحمت؛ امام حسن و حسین فرزندان اویند؛ جعفر طیار برادر اوست و در هر جای بهشت که بخواهد می تواند پرواز کند؛ علم اولین و آخرین نزد اوست، جز اولین کسانی است که بمن ایمان آورده و آخرین کسی است که با من عهد و پیمان بست؛ او جانشین من وارث برنده از تمام اوصیاء گذشته است؛ یا فاطمه ان لعلی ثمانیه اضراس قواطع لم یجعل لاحد من الاولین و الاخرین مثلها هو اخی فی الدنیا و الاخره و لیس ذلک لاحد من الناس و انت یا فاطمه سیده نساء اهل الجنه زوجته و سبطاالرحمه سبطای ولداه و اخوه المزمین بالجناحین فی الجنه مع الملائکه حیث یشاء و عنده علم الاولین و الاخرین و هو اول من آمن بی و آخر الناس عهداً بی و هو وصیی و وارث الوصیین _ الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد _ (۲)؛ و من ذلک ما جاء فی فضله؛ پیامبر اکرم به مولا علی فرمود: ای علی با هفت ویژگی که داری و کسی با تو در آنها شریک و برابر نیست؛ به جنگ دشمنانت خواهی رفت و تو اولین ایمان آورنده ناب به بمن هستی؛ برترین جهاد کنندگانی و آگاهترین مردم به روزهای خدا هستی و با وفاترین مردم به عهد و پیمان الهی و مهربانترین مردم با زیردستان و عادلترین آنان در تقسیم مال؛ و بلند مرتبه ترین مردم نزد خدا هستی _ یا علی انک تخاصم فتخصم بسبع خصال لیس لاحد مثلهن؛

ص: ۱۸۳

۱- ۱. مستدرک حاکم نیشابوری ج ۴ ح ۱۸۰۲

۲- ۲. شیخ مفید ص ۴۷ الی ص ۴۹ فصل دوم

انت اول المومنین معی ایمانل و اعظمهم جهاد او اعلمهم بایام الله و اوفاهم بعهد الله و ارافهم بالرعیه و اقسامهم بالسویه و اعظمهم عند الله مزیه (۱)

یکی از فضائل بی نظیر مولا علی بر پیامبران بغیر از رسول اسلام این است که حدیفه از پیامبر اسلام نقل می کند که فرمود: اگر مردم می دانستند چه زمانی علی را به امیری مومنان انتخاب کردند برتری او را انکار نمی کردند او زمانی امیر مومنان شد که آدم بین روح و جسد بود؛ خداوند می فرماید: و هنگامی که پروردگارت از فرزندان آدم از پشت های ایشان نسل ایشان را بیرون آورد و ایشان را شاهد بر خویش گرفت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا؛ پس فرمود: من پروردگار شمایم، محمد پیامبر شما و علی امیر شما جناب وهابی بی سواد؛ وقتی مولا علی در عالم ذر بر آدم و تمام فرزندان آدم که انبیاء جزء آنان بودند، امیر و امام از سوی خدا بوده چگونه پیامبران غیر از رسول اسلام بر او برتری دارند؟! _ لو علم الناس متی سمی علی امیر المومنین ما انکروا فضله؛ سمی امیر المومنین و آدم بین الروح و الجسد قال الله تعالی: واذ اخذ ربک من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم و اشهدهم علی انفسهم الست بر بکم قالت الملائکه بلی فقال: انا ربکم، محمد نبیکم؛ علی امیرکم (۲). یکی از افتخارات و فضائل بی نظیر مولا علی بر انبیاء غسل دادن و کفن کردن و دفن کردن پیامبر اسلام توسط ایشان است؛ چون فرد معصوم را معصوم باید غسل دهد و دست هر ناپاکی و هر ناکسی به بدن مبارک رسول اسلام نباید برسد؛ مولا علی در منا شده و احتجاجش بر مهاجر و انصار فرمود: آیا در بین شما کسی هست همانند من که پیامبر را غسل داده باشد گفتند نه _ هل فیکم احد غسل رسول الله غیری؟ قالوا: اللهم لا (۳). امام کاظم فرمود: امیر مومنان علی به تنهایی پیامبر اسلام را غسل داد و کفن کرد _ قال علی: غسلت رسول الله انا وحدی و هو فی قمیصه (۴). چون زمان خروج روح مقدس پیامبر اسلام از بدنش نزدیک شد به مولا علی فرمود: ای علی سر

ص: ۱۸۴

-
- ۱- ۱. ارشاد مفید ص ۴۸ فصل دوم
 - ۲- ۲. فردوس الاخبار دیلمی ج ۳ ص ۳۹۹ احقاق الحق ج ۴ ص ۲۷۵ و ص ۴۸۲، علامه محمد صالح کشفی حنفی ترمذی در المناقب المرتضویه ص ۱۰۲
 - ۳- ۳. امالی طوسی ص ۵۵۵
 - ۴- ۴. مستدرک الوسائل نوری ج ۲ ص ۱۹۸؛ شرح الاخبار قاضی نعمان مغربی ج ۲ ص ۴۱۸

مرا بر روی دامت بگذار امر خدا نزدیک شده و می خواهم از دنیا بروم هنگامی که جان من از بدنم خارج شد آنرا به دست خود بگیر و به صورت بکش؛ سپس مرا رو به قبله کن و مرا غسل بده و تو اولین کسی باش که به بدن من نماز می خوانی و تا وقتی مرا دفن نکرده ای از من جدا شو و در تمام کارهای خود از خدا کمک بخواه... هنگامی که علی خواست بدن مطهر پیامبر اسلام را غسل بدهد از فضل بن عباس کمک خواست اول چشم های فضل را بسته و به او دستور داد تا آب به بدن حضرت بریزد، علی، پیامبر را غسل داد، حنوط و کفن کرد و بعد از غسل پیامبر، علی به تنهایی بر او نماز خواند _ فلما قرب خروج نفسه قال له ضع راسی یا علی فی حجرک ... تول امری وصل علی اول الناس و لا تفارقنی حتی توارینی فی رمسی؛ فلما اراد امیرالمومنین غسله استدعی الفضل بن العباس فامرہ ان یناولہ الماء لغسلہ بعد ان عصب عینہ(۱) مولا علی می فرماید: رسول خدا در حالی که سرش بر روی سینه ام بود قبض روح گردید و جان او در کف من روان شد آنرا بر چهره خویش کشیدم؛ متصدی غسل پیامبر من بودم و فرشتگان مرا یاری می کردند، گروهی از فرشتگان فرود می آمدند و گروهی دیگر به آسمان پرواز می کردند؛ گوش من از صدای آهسته آنان که بر آن حضرت نماز می خواندند پُر بود تا آن هنگامی که او را دفن کردیم؛ _ و لقد قبض رسول الله و ان راسه لعلی صدري و لقد سالت نفسه فی کفی فامررتها علی وجهی ولقد و لیت غسله و الملائکة اعوانی فضجت الدار و الافنیه ملا یهبط و ملایعرج و ما فارقت سمعی هینمه منهم (۲) مولا علی فرمود: پیامبر بمن وصیت کرد که غیر از خودت کسی مرا غسل ندهد زیرا هر کسی عورت مرا ببیند کور می شود و مولا علی به فضل بن عباس با چشمانش که بسته بود امر کرد آب بیاورد _ اوصی النبی ان لا یغسله احد غیری فانه لا یری احد عورتی الاطمست عیناه(۳) امام حسین از مولا علی روایت کرده که رسول اکرم وصیت کرد، تنها علی او

ص: ۱۸۵

۱- ۱. ارشاد مفید ج ۱ ص ۱۸۶؛ اعلام الوری ج ۱ ص ۲۶۷

۲- ۲. نهج البلاغه خطبه ۱۹۷ ص ۴۱۲ ش ۲

۳- ۳. طبقات ابن سعد ج ۲ ص ۶۱، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۳۶، کنز العمال ج ۷ ص ۱۷۶، الشفاء قاضی عیاض ج ۱ ص ۵۴، البدایه و النهایه ج ۵ ص ۲۶۱ خصائص الکبری سیوطی ج ۲ ص ۲۷۶؛ النویری فی نهایه الارب ج ۱۸ ص ۳۸۹ _ لایحل لمسلم یری مجردی او عورتی الا علی _ مناقب ابن مغازلی ح ۱۳۷ و ۱۳۸ _ طرائف سید ابن طاوس ح ۲۴۵

را غسل دهد و در این کار فرشتگان او را یاری می کنند(۱) پیامبر اکرم فرمود: ای علی تو مرا غسل می دهی و ابن عباس بر بدن من آب می ریزد و جبرئیل که سومی شمامست کمک کارتان می باشد(۲) پیامبر به مولا علی فرمود: مرا غسل بده، مولا علی فرمود چه کسی بمن کمک می کند، پیامبر فرمود: برای اجرای این دستور یاران غیبی به تو کمک می کنند مولا علی فرمود: بخدا قسم هر عضوی از اعضای پیامبر را که می خواستم غسل دهم بگونه ای بود که خود آن عضو برمی گشت و جا به جا می شد(۳) ابن سعد به سند خود از یزید بن بلال نقل می کند که مولا علی فرمود: پیامبر اکرم بمن وصیت کرد که جز تو نباید دیگری مرا غسل دهد مبادا چشم کسی به عورت و بدن من بیفتد که بلافاصله کور خواهد شد این بود که فضل و اسامه از پس پرده بمن آب می دادند و در عین حال با پارچه چشم های خود را بسته بودند(۴) علی متقی در کنز العمال از شریک از ابوالاسحاق از علی علیه السلام روایت کرده است که از رسول خدا شنیدم که می گفت: درباره علی ۵ خصلت از ناحیه خدا بمن عنایت شده که قبل از من به هیچ پیغمبری داده نشده است علی قرض مرا می پردازد و هنگام غسل بدن مرا می پوشاند؛ (۲) دشمنانم را از آب حوض کوثر دور می کند؛ (۳) در راههای محشر چراغ من است (۴) در روز قیامت لوای من که آدم و فرزندان او در زیر آن قرار می گیرند در دست اوست (۵) بیمی ندارم که پس از من با وجود عفتی که دارد گناه کند و یا پس از ایمان بخدا، کافر شود(۵) یکی از آیات کریمه قرآن کریم که برتری مولا علی بر پیامبران الهی بغیر از رسول اسلام را نشان می دهد(۶) هنالك الولایه لله الحق؛ امام باقر در تفسیر این آیه فرمود: منظور از ولایت خدا در این آیه

ص: ۱۸۶

-
- ۱-۱. کنوز الحقایق ص ۱۸۸، ریاض النضره ج ۲ ص ۱۷۸؛ کنز العمال ج ۴ ص ۵۴
 - ۲-۲. حیلہ الاولیاء ج ۴ ص ۷۳ الی ص ۷۹ - سنن بیهقی ج ۳ ص ۳۸۸ - فضائل الخمسه ج ۳ ص ۴۹، قصص الانبیاء ثعلبی ص ۵۹
 - ۳-۳. ریاض النضره ج ۲ ص ۱۷۸
 - ۴-۴. طبقات ابن سعد ج ۲ ص ۲۷۸
 - ۵-۵. کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۵۴ ح ۳۶۴۷۹
 - ۶-۶. آیه ۴۴ سوره کهف

ولایت امیر مومنان علی است که هیچ پیامبری مبعوث به رسالت و نبوت نشده مگر به تبلیغ ولایت علی؛ وقتی که پیامبران مامور به تبلیغ از ولایت علی هستند چگونه بر او برتر می باشند اصلاً سبب پیامبر شدن آنان بخاطر تبلیغ از ولایت و امامت علی بوده است اگر پیامبران پیامبر و نبی شدند به برکت امامت و ولایت علی بوده است _ تلک ولایه امیرالمومنین التی لم یبعث نبی قط الا بها (۱) از جمله آیات کریمه دیگر در قرآن که برتری مولا علی بر پیامبران نشان می دهد آیه ۲۵ سوره انفال است _ و اتقوا فتنه لا تصیین الذین ظلموا منکم خاصه؛ ابن عباس می گوید چون آیه نازل شده پیامبر اکرم فرمود: هر کس به علی در نشستن وی به جای من پس از وفاتم ظلم کند گویا نبوت من و پیامبران گذشته را انکار و رد کرده است _ من ظلم علیاً مقعدی هذا بعد وفاتی فکانما جحد نبوتی و نبوه الانبیاء قبلی (۲) من ظلم علیاً مجلس هذا کمن جحد نبوتی و نبوه من کان قبلی (۳) طبق این آیه و تفسیر آیه؛ مولا علی به تنهایی برابر است با تمام پیامبران و از آنها برتر است و فقط در نبوت خاصه بر پیامبر اسلام برتر نمی باشد؛ از جمله آیاتی که در قرآن کریم _ برتری مولا علی بر پیامبران را نشان می دهد آیه ۱۲ سوره مبارکه مجادله است؛ یا ایها الذین امنوا اذا نجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجواکم صدقه؛ مولا علی در ذیل تفسیر این آیه می فرماید: در کتاب خدا آیه ای نازل شد که هیچکس قبل و بعد از من بدان عمل نکرد و نمی کند و این آیه نه پیش از من در حق کسی نازل شده و نه در حق کسی بعد از من نازل می شود _ ان فی کتاب الله لایه لا عمل بها احد قبلی و لا یعمل بها احد بعدی؛ بی خفف الله عن هذه الامه و لم تنزل فی احد قبلی و لم تنزل فی احد بعدی؛ ان فی کتاب الله آیه ما عمل بها احد قبلی و لا یعمل بها احد بعدی و هی، یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم؛ ما عمل بهذه الایه غیری (۴)

ص: ۱۸۷

۱- ۱. شواهد التنزیل حاکم حسانانی حنفی ص ۱۹۱

۲- ۲. شواهد التنزیل ص ۱۱۷ ح ۲۶۹

۳- ۳. طرائف سید ابن طاوس ص ۱۲۴

۴- ۴. تفسیر ثعلبی ج ۹ ص ۲۶۲ [۴]؛ المعجم الاوسط ح ۶۷۱۴ معجم الکبیر ح ۲۶۰۷ و ۳۹۴۰ و ۱۰۹۹۷ و ۱۰۹۹۸؛ معرفه الصحابه ابی نعیم ح ۴۵۳۶؛ تاریخ بغداد ح ۱۴۲۱ و ۱۴۲۲ و ۱۴۲۳ _ تاریخ دمشق ح ۴۳۹۶۱ و ح ۴۳۹۷۶ و ح ۴۳۹۷۴ و ح ۴۳۹۷۵ _ مکتبه اسلام ویب _ کنز العمال با سند حسن _ ج ۱۳ ص ۱۰۸ و ۱۰۹ ح ۳۶۳۵۵ العمده ابن بطریق ص ۲۸۵؛ خصائص نسایی ص ۵۶؛ تفسیر طبری ج ۲۸ ص ۱۴؛ احکام القرآن جصاص ج ۳ ص ۵۲۶؛ مستدرک حاکم ج ۲ ص ۴۸۱؛ تفسیر فخر رازی ج ۲۹ ص ۲۷۱؛ فتح القدر شوکانی ج ۵ ص ۱۸۶؛ اسباب النزول واحدی ص ۳۰۸، جامع الاصول ابن اثیر ج ۲ ص ۴۵۲، روح المعانی آلوسی ج ۱۴ ص ۲۲۵؛ الدر المنثور ج ۶ ص ۱۸۵؛ تفسیر القرآن ابن کثیر ج ۸ ص ۸۰

احدهما ابوك و الاخر بعلك و مولا علی بخاطر اینکه با پیامبر اسلام نجوا بگویند. بیش از ۱۰ بار در راه خدا؛ صدقه می دهد؛ به این عمل هیچ بنی بشری مفتخر نشده و نخواهد شد مگر مولا علی، پس طبق این آیه و تفسیر آن، مولا علی بر تمام پیامبران الهی افضل هست بجزء رسول اسلام؛ عن علی: قال: والله ما عمل بهذه الایه غیری (۱) یکی دیگر از آیاتی که برتری مولا علی را بر پیامبران الهی نشان می دهد؛ آیه ۷ سوره کهف است؛ انا جعلنا ما علی الارض زینه لها؛ ابن مسعود؛ در تفسیر این آیه فرمود: زینت زمین مردان است و زینت مردان علی ابن ابی طالب است؛ و پیامبران از مردان بودند و مولا علی هم شاه مردان و زینت مردان است پس طبق این قاعده صغری و کبری؛ مولا علی بر پیامبران افضل است؛ — زینه الارض الرجال و زینه الرجال علی ابن ابی طالب (۲) مولا علی در حدیثی به صراحت می فرماید: به غیر از رسول کسی از من برتر و افضل نمی باشد — جز آنکه او بنام پیامبری خوانده شده است؛ — لایتقد منی احد الا احمد و انی و ایاه لعلی سبیل واحد الا انه هو المدعو و باسمه (۳) از جمله آیاتی که در قرآن برتری مولا علی بر پیامبران را به ما نشان می دهد در ذیل تفسیرش آیه ۶۸ سوره قصص می باشد؛ و ربك یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیره ... محمد بن مومن معروف به ابوبکر شیرازی از علمای اهل سنت در کتاب رساله اعتقادش ذیل این آیه با سند از انس بن مالک روایت کرده که پیامبر اکرم فرمود: خداوند آدم را از هر گل هر طوری که می خواست آفرید سپس فرمود: خداوند مرا و اهل بیت مرا بر جمیع خلائق، اختیار کرد و برگزید مرا و پیغمبر کرد و علی را وصی و جانشین من کرد؛ باز طبق این تفسیر آیه ما فی هدایه مذکور؛

ص: ۱۸۸

۱-۱. ینابیع الموده ج ۲ ص ۱۳۷ و ص ۱۳۸، غایه المرام ص ۳۵۰ باب ۵ ح ۲

۲-۲. شواهد التنزیل ص ۱۹۲ ح ۴۸۵

۳-۳. الکافی ج ۱ ص ۱۹۸

ائمه هدی بر تمام خلائق که انبیاء و پیامبران نیز جزاءش هستند برتری دارند، _ ان الله اختارنی و اهل بیتی علی جمیع الخلق فانجننا فجعلنی الرسول و جعل علی ابن ابی طالب الوصی(۱) در منابع روایی اهل سنت قید و ذکر شده که مولا علی علیه السلام؛ دومین شخصیت برگزیده شده از میان خلائق بعد از پیامبر اسلام است ای وهابی ملحد؛ وقتی مولا علی بعد از پیامبر اسلام افضل خلائق است؛ چگونه پیامبران غیر از رسول اسلام بر او برتری و افضلیت دارند _ پیامبر اکرم فرمود: ای فاطمه خداوند توجهی به اهل زمین کرد و پدرت را برگزید و پیامبر کرد؛ توجهی دیگر به زمین نمود و شوهرت علی را برگزید و به من وحی کرد که تو را به نکاح او درآورم و او را وصی خودم قرار دهم؛ زیرا، علی؛ باحلم و با صبر تراز همه است و از همه نسبت به اوامر و نواهی خدا تسلیم تر است و علمش از همه خلائق افزون تر می باشد _ یا فاطمه ان الله تعالی اطلع الی الارض اطلاعه فاختر منها اباک فبعته نبیاً ثم اطلع الیها الثانیه فاختر منها بعلک فاوحی الله الی الارض اطاعه فاختر منها اباک فبعته نبیاً ثم اطلع الیها الثانیه فاختر منها بعلک فاوحی الله الی فانحکته ایاک و اتخذته وصیاً اما علمت ان لکرامه الله ایاک زوجک اعظمهم حلما و اقدمهم سلما و اعلمهم علماً(۲) از جمله فضایی که مولا علی دارد و به سبب آن از تمام پیامبران افضل و برتر می باشد این است که؛ فردای قیامت کسی نمی تواند از پل صراط عبور کند مگر؛ جواز عبور داشته باشد؛ و جواز عبور از پل صراط بدست مولا- علی است و چون پیامبران طبق آیه ۴۵ سوره زخرف که توضیح اش گذشت قبل از خلقت ظاهری و فیزیکی مولا- علی تبلیغ از ولایت علی در دنیا کرده اند؛ فردای قیامت جواز عبور خود را از مولا علی دریافت می کنند، پس وقتی که عبور از صراط بدست مولا علی است و انبیاء هم مانند سایر خلائق باید از آن عبور کنند و جواز عبورشان بدست علی است چگونه بر او فضیلت و برتری دارند چون قرآن کریم در سوره مریم آیه ۷۱ می فرماید هیچ کس نیست مگر

ص: ۱۸۹

-
- ۱- ۱. بحار الانوار ج ۳۶ ص ۱۶۷؛ احقاق الحق ج ۳ ص ۵۴۶ طرائف سید ابن طاوس ص ۲۱۴
 ۲- ۲. مناقب ابن مغزلی ص ۱۰۱ ج ۱۴ مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۲۹ _ تاریخ بغداد ج ۴ ص ۱۹۵؛ اسد الغابه ج ۴ ص ۴۲ _
 کنز العمال ج ۶ ص ۱۲۲ مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۶۵ ج ۸ ص ۲۵۳ ج ۱۴۵۹۵ و رجاله ثقات _ ح ۱۴۵۹۶ _ صحیح الاسناد _ ص
 ۱۰۱ ح ۱۴۴؛ العمده ابن بطریق ص ۲۶۷؛ تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۱۳۰، المعجم الکبیر طبرانی ج ۳ ص ۵۷؛ نهج الایمان
 ابن جبر ص ۲۲۸

اینکه باید از آتش جهنم عبور کند و ان منکم الا- واردها؛ پیامبر اکرم فرمود: احدی نمی تواند از پل صراط عبور کند مگر اینکه برات عبور ولایت علی و ولایت اهل بیت او داشته باشد _ لایجوز احد الصراط الاومعه براه بولایته و ولایه اهل بیه (۱) اذا كان يوم القيامة و نصب الصراط علی ظهرانی جهنم لایجوز و لایقطعها الا من كان معه جواز بولایه علی ابن ابی طالب (۲) از پیامبر اکرم سوال شد جواز عبور از صراط چیست؟ فرمود: دوستی علی ابن ابی طالب _ هل للنار جواز؟ قال: نعم قلت و ما هو؟ قال: حب علی ابن ابی طالب (۳)

پیامبر اکرم فرمود: هر مومنی که حب علی در قلبش ثابت باشد فردای قیامت قدمش بر پل صراط ثابت است _ ما ثبت الله حب علی فی قلب مومن فزلت به قدم الاثبت الله قدمه يوم القيامة علی الصراط (۴) پیامبر اکرم فرمود: احدی نمی تواند از پل صراط فردای قیامت عبور کند مگر اینکه نامه و جوازی از دست علی داشته باشد _ لایجوز احد الصراط الا من كتب له علی الجواز (۵)؛ اذا جمع الله الاولین و الاخرین يوم القيامة و نصب الصراط علی جسر جهنم ما جازها احد حتی كانت معه براه بولایه علی بن ابی طالب (۶) از پیامبر اکرم سوال شد معنای برات صراط چیست؟ پیامبر فرمود: لا اله الا الله، محمد رسول الله علی ولی الله _ ما معنی براه علی؟ قال: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله (۷) پیامبر اکرم فرمود: برای هر چیزی جوازی است و جواز عبور از پل صراط، حب و دوستی علی ابن ابی طالب است _ لكل شی جواز و جواز الصراط حب علی ابن ابی طالب (۸) اذا كان يوم القيامة و نصب

ص: ۱۹۰

۱- ۱. مناقب خوارزمی ص ۳۱، فرائد السمطین ج ۱ ص ۲۹۲

۲- ۲. اخبار اصبهان ابو نعیم ج ۱ ص ۳۴۲، فرائد السمطین ج ۱ ص ۲۸۹

۳- ۳. تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۲ ص ۱۰۴ رقم ۶۰۸

۴- ۴. معارج العلی فی مناقب المرتضی ص ۷۴

۵- ۵. ذخائر العقبی ص ۷۱ ریاض النصره ج ۳ ص ۱۷۵؛ صواعق المحرقه ص ۷۵ ح ۴۰ تحفه المحبین بمناقب الخلفاء الراشدين

(محمد بن رستم) ص ۱۹۷ مفتاح النجاء ص ۷۳؛ ان علی الصراط لعقبه لایجوزها احد الا بجواز من علی ابن ابی طالب _ لسان

المیزان ج ۴ ص ۱۱۱

۶- ۶. ریاض النصره ج ۳ ص ۱۶۷؛ تاریخ بغداد ج ۱۰ ص ۳۵۵ تاریخ دمشق ج ۴۴ ص ۲۵۴ کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۲۱

۷- ۷. مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۷ و ص ۱۵۶

۸- ۸. بحار الانوار ج ۳۹ ص ۲۰

علی شفییر جهنم لم یجز علیه الا من معه کتاب بولایه علی ابن ابی طالب(۱) لم یجز علی الصراط الا من معه جواز من علی ابن ابی طالب(۲) تمام پیامبران از اکمل مومنان هستند؛ رسول اکرم می فرماید: صحیفه و نامه مومن، حب و دوستی علی ابن ابی طالب است؛ پس پیامبرانی که نامه و صحیفه آنان حب علی است، جواز عبور از پل صراط آنان بدست علی است؛ تقسیم شدن و رفتن آنان به بهشت بدست مولا علی است نمی توانند بر او برتری داشته باشند _ عنوان صحیفه المومن حب علی ابن ابی طالب(۳) از جمله فضایلی که مولا علی دارد و به دلیل آن بر تمام مخلوقات و پیامبران غیر از رسول اکرم افضل و بالاتر است علم و دانش الهی و فراوان او می باشد؛ در روایت دارد شخصی ملعون و پست به مولا علی فحش و ناسزا گفت، سعد ابن ابی وقاص آنجا بود سعد گفت به کسی فحش دادی که اولین مسلمان، اولین نمازگزار با پیامبر و زاهدترین مردم و اعلم ترین و با دانش ترین فرد مردم است؛ فقال: یا هذا علی ما تشتم علی ابن ابی طالب الم یکن اول من اسلم، الم یکن اول من صلی مع رسول الله الم یکن از هد الناس، الم یکن اعلم الناس(۴) علی ابن ابی طالب اعلمکم بالسنه؛ پیامبر اکرم به حضرت فاطمه فرمود: آیا راضی نیستی که همسر تو علی از همه زودتر اسلام آورده و زیاد علم دارد _ اما ترضین ان زوجتک اقدم امتی سلما و اکثرهم علما(۵) صحیح الاسناد و رجاله ثقات از جمله فضایل مولا علی که سبب آن بر تمام مخلوقات و پیامبران غیر از رسول اسلام افضل می باشد این است که خداوند نام مقدس او را از نام مبارک خودش مشتق و جدا کرده و گرفته؛ پیامبر اکرم می فرماید: خداوند در شب معراج بر من وحی نمود و فرمود همانا من علی اعلی هستم و نام علی

ص: ۱۹۱

۱- ۱. طرائف سید ابن طاوس ص ۱۹۶ مناقب ابن مغزلی ح ۲۱۹ ص ۲۴۲

۲- ۲. مناقب ابن مغزلی ص ۱۱۹ _ ذخائر القبی ص ۷۱

۳- ۳. مناقب ابن مغزلی ح ۲۹۰؛ تاریخ بغداد ج ۴ ص ۴۱۰، لسان المیزان ابن حجر ج ۴ ص ۴۷۱، تاریخ دمشق ج ۳ ص ۱۱۳؛ الجامع الصغیر ج ۲ ص ۱۴۵

۴- ۴. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۵۷۱ کتاب معرفه الصحبه ح ۱۱۲۱ _ ۱۷۱۹ _ در پاورقی آمده که ذهبی آنرا صحیح دانسته _ قال فی التلخیص علی شرط البخاری و السلم _ واقفه الذهبی علی التصحیح؛ عایشه گفت: علی ابن ابی طالب دانشمندترین و عالم ترین مردم به سنت پیامبر اکرم بود _ علی اعلم الناس بالسنه _ تاریخ کبیر بخاری ج ۱ _ ص ۲۵۵ _ تاریخ دمشق ص

۴۰۸ _ الاستیعاب ج ۳ ص ۱۱۰۴ الکامل ابن عدی ج ۷ ص ۲۳۷

۵- ۵. مجمع الزوائد ح ۱۴۵۹۵ ج ۹ ص ۱۰۱ ح ۱۴۵۹۶

ابن ابی طالب را از نام های خود مشتق کردم و او را علی نامیدم _ فانی انا العلی الاعلی اشتقت له من اسمائی اسماً فسميته علیاً(۱) خداوند به حضرت آدم فرمود: ۵ تن از اولاد تو (یعنی خمسه طیبه) کسانی هستند که اسماء و نام های آنان را از نام خود مشتق کردم من محمودم و این محمد است من عالیم و او علی است من فاطرم و او فاطمه است؛ من صاحب احسانم و او حسن هست من محسنم و او حسین است _ هولاء خمسه شقت لهم خمسه اسماء من اسمایی انا العالی و هذا علی(۲) خداوند در شب معراج به پیامبر اکرم خطاب کرد و فرمود: در مرتبه دوم که به اهل زمین نظر کردم علی ابن ابی طالب را برگزیدم و شکافتم برای او اسمی از اسماء خودم پس من اعلی هستم و او علی می باشد؛ و شقت له اسما من اسمائی فانا الا علی و هو علی(۳) خداوند متعال، نام هیچ پیامبری بغیر از رسول اسلام را از نام اعظم و مقدس خودش مشتق نکرد بجزء مولا علی و پیامبر اسلام و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین و به این دلیل مولا علی از تمام پیامبران بغیر از رسول اسلام افضل و برتر می باشد؛ از جمله فضایی که مولا- علی دارد و به سبب آن بر تمام پیامبران افضل و برتر می باشد این است که نسل و ذریه پیامبر از صلب و پشت و نطفه مبارک او می باشد پیامبر اکرم فرمود: همانا خداوند قرار داد نسل و ذریه و فرزندان هر پیامبری را از صلب و کمر او، ولی ذریه و نسل مرا در صلب علی ابن ابی طالب قرار داد _ ان الله عز وجل جعل ذریه کل نبی فی صلبه و جعل ذریته فی صلب علی ابن ابی طالب(۴) از جمله فضایی که مولا علی دارد و به سبب آن بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام افضل می باشد بالا رفتن ایشان از دوش مبارک رسول اسلام و شکستن ۳۶۰ بت بر بام کعبه است، رسول اکرم به مولا علی نگاه کرد و به او گفت: یا علی یا تو بر دوش من سوار شو یا من بر دوش تو سوار می شوم تا هبل را از

ص: ۱۹۲

۱- ۱. شواهد التنزیل ص ۱۹۳ ح ۴۸۸ ذیل آیه ۵۰ سوره مریم

۲- ۲. فرائد السمطین ج ۱ ص ۳۶ و ص ۳۷

۳- ۳. مقتل الحسین خوارزمی حنفی ج ۱ ص ۹۵ و ص ۹۶ _ مقتضب الاثر ص ۷۶، اثبات الهداه ج ۳ ص ۱۹۸؛ اصول دین،

مقدس اردبیلی ص ۱۵۹ فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۱۹ ح ۵۷۱، ینابیع الموده ج ۳ ص ۳۸۰

۴- ۴. صواعق المحرقه ص ۱۲۴، معجم الکبیر ج ۳ ص ۴۳؛ کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۰۰، تاریخ بغداد ج ۱ ص ۳۱۶؛ کفایه الطالب

ص ۳۷۹

کعبه برداریم، مولا- علی می گوید به پیامبر اکرم گفتم یا رسول الله شما سوار شوید و چون پیامبر بر پشت من نشست بخاطر سنگینی رسالت نتوانستم او را حمل کنم و گفتم یا رسول الله بگذار من سوار شوم، پیامبر خندید و پائین آمد و پشت خود را بطرف من کرد و من بر آن قرار گرفتم و بت ها را شکستم (۱) محمد بن حرب هلالی از امام صادق علیه السلام سوال کرد؛ چرا علی ابن ابی طالب، طاقت نیاورد که رسول خدا را هنگام پایین آوردن بت ها از بام کعبه بلند کند با اینکه نیرومند بود و در خیر را بر کند و آنرا بر روی خندق انداخت و این در را ۴۰ نفر نمی توانستند بردارند و پیامبر، استر یا الاغی را سوار می شد و آن حیوان او را بر می داشت پس چگونه علی نتوانست او را بلند کند؟ امام صادق فرمود: پیامبر اسلام به این سبب پایش را بر دوش علی گذاشت که بگوید آن دو از یک نور آفریده شده اند که یک جزء، جزء دیگر را برمی دارد همانگونه که علی گفت من نسبت به احمد (پیامبر) چون کف دست نسبت به دست، ذراع نسبت به بازو، و روشنایی نسبت به روشنایی ام، سپس امام صادق فرمود: آیا نمی دانی که پیامبر اکرم در غدیر خم، دست علی را بالا برد تا آنجا که مردم سفیدی زیر بغل او را دیدند و او را به سرپرستی مردم برگزید؛ پیامبر، حسن و حسین را که در باغ بنی نجار خواب بودند، بر دوش سوار کرد و گفت: چه خوب سوار کارانی هستند و پدر آنها بهتر از آنهاست؛ نیز آنحضرت با اصحابش نماز می گذارد و سجده اش را طولانی می کرد و می فرمود: فرزندم سوار شده و من دوست ندارم که سرم را بردارم تا وی با اختیار خودش فرود آید، پیامبر این کار را کرد تا بزرگواری و عظمت قدر آنان را در پیشگاه خدا آشکار سازد و علی را بر پشت خود برداشت تا بگوید: او پدر فرزندانش و امامانی است که از صلب او هستند؛ و اعلام کند کسی که معصوم را بر دوش سوار می کند همو معصوم است؛ و نیز خواست پیامبر اعلام کند که او ریشه درخت و حسن و حسین شاخه های آن است؛ سپس امام صادق فرمود: به همین دلیل پیامبر فرمود: علی جانم و برادر من است؛ پس او را اطاعت کنید؛ امام شافعی این ایات را سروده است؛ بمن گفتند، علی را ستایش کن که یاد او آتش فرا گیر را

ص: ۱۹۳

خاموش می کند؛ گفتم: نمی توانم مردی را ستایش کنم که خردمندان گمراه شده اند تا آنجا که او را پرستیدند؛ پیامبر برگزیده برای ما گفت: چون در شب معراج بالا شدم خداوند دستش را پشت من نهاد و قلب من سردی آنرا احساس کرد علی، پاهایش را در جایی نهاد که خداوند دستش گذارد(۱) و علی واضح اقدامه فی محل وضع الله یده.

البته این نظر شافعی که خداوند در شب معراج دستش را بر پشت پیامبر گذاشته از دیدگاه قرآن و شیعه و ائمه هدی تجسیم برای خدا مردود و کفر است؛ بهترین قول همان نظر امام صادق بود در این فضیلت که از نظر شما گذشت(۲) چون نامی از جناب امام شافعی آمد (۲) مورد از فضایلی که ایشان در کتاب دیوانش برای خلفاء ذکر و نقل کرده در رد وهابیان که منکر برتری مولا- علی بر پیامبران هستند ذکر می کنم، ایشان در کتاب دیوانش ص ۸۶ باب شهادت حق، قافیه الصاد، در اشعارش می نویسد: و ان ابابکر خلیفه ربه؛ همانا ابابکر خلیفه خدا بود؛ شما آقایان سنی و وهابی که قائل به خلافت الهی برای ابوبکر و عمر و عثمان نیستید و خلافت را شورایی می دانید، پس چرا امام شافعی می گوید، ابوبکر خلیفه از سوی خداست؟! (۳)

یعنی ابوبکر و عمر و عثمان از تمام پیامبران غیر از رسول اسلام افضل هستند؟! _ قال الربیع: سمعت الشافعی یقول افضل الناس بعد رسول الله؛ ابوبکر ثم عمر ثم عثمان ... این مطلب در منابع روایی اهل سنت بطور کثیر آمده _ اجماع اهل السنه علی ان افضل الناس بعد رسول الله _ ابوبکر ثم عمر ثم عثمان(۴) خیر هذه الامه بعد نبیها ابوبکر و عمر (۵) خیر الناس بعد رسول الله ابوبکر و عمر!!! _ از جمله

ص: ۱۹۴

۱- ۱. ینابیع الموده ج ۲ ص ۳۶۲ الی ص ۳۶۴
۲- ۲. علل شرایع ج ۱ ص ۲۰۹؛ غایه المرام ص ۶۵۰ باب ۱۰۴ ح ۱؛ جمع الفوائد ج ۲ ص ۲۶، اعیان الشیعه ج ۲ ص ۵۱۶ _ مناقب آل ابی طالب ج ۱ ص ۳۹۹ _ تاریخ بغداد ج ۱۳ ص ۳۰۲؛ مسند احمد ج ۱ ص ۸۴؛ ذخائر العقبی ص ۸۵؛ الریاض النضره ج ۳ ص ۲۱۷؛ مناقب خوارزمی ص ۷۱؛ کنز العمال ج ۱۵ ص ۱۵۱؛ انیس الجلیس سیوطی ص ۱۸۴؛ تذکره الخواص ص ۳۱

۳- ۳. در ص ۱۲۱ دیوانش در پاورقی آمده: افضل ترین مردم بعد از پیامبر، ابوبکر، عمر و عثمان هستند.

۴- ۴. تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۴۴

۵- ۵. تاریخ بغداد ج ۱ ص ۳۴۳ _ معجم الاوسط ج ۱ ص ۲۹۷ و ج ۵ ص ۹۴؛ طبقات المحدثین ابن حبان ج ۳ ص ۴۲۵، مصنف ابن ابی شیبه ج ۸ ص ۵۷۳

فضایلی ساختگی و جعلی که آقاییان اهل سنت برای خلیفه اول ابوبکر نقل کرده اند و طبق این حدیث مقام ابوبکر همانند پیامبر از تمام خلائق افضل می کند این روایت است که پیامبر اکرم فرمود: من در یک کفه ترازو و امت من در کفه دیگر ترازو قرار گرفتند من از آنها سنگین تر بودم، سپس ابوبکر بجای من نشست او نیز مثل من از همه امت سنگین تر بود(۱) انارایت کان میزانا نزل من السماء فوزنت انت و ابوبکر، فرجحت انت بابی بکر؛ ان روح القدس جبرئیل اخبرنی آنفا: ان خیر امتک بعدک ابوبکر الصدیق (۲) ابوبکر الصدیق خیر الناس الا ان یکون نبیاً (۳) پیامبر اکرم فرمود: ابوبکر برای شما بهتر است از آنچه خورشید بر آنها طلوع و غروب کردها _ یعنی ابوبکر از تمام مخلوقات دنیا و درون دنیا افضل و بالا تر است که پیامبران هم جزء آنان هستند؛ _ ان ابابکر خیر ممن طلعت علیه الشمس او غربت (۴) هیشمی نقل می کند که پیامبر اکرم اشرف مخلوقات پشت سر ابوبکر نماز خوانده ان رسول الله صلی خلف ابی بکر (۵) از قول پیامبر اکرم نقل کرده که فرموده: ابوبکر و عمر، چشم و گوش من هستند؛ یعنی بقول حاکم نیشابوری، ابوبکر و عمر جزئی از وجود پیامبر هستند؛ در روایت دیگر حاکم نیشابوری می نویسد که پیامبر اکرم فرموده: ابوبکر اولین کسی است که وارد بهشت می شود؛ یعنی بقول حاکم نیشابوری در المستدرک؛ ابوبکر زودتر از تمام پیامبران بخصوص اعظم پیامبران و اشرف مخلوقات رسول اسلام وارد بهشت می شود؛ می گردد؟! _ اما انک اول من یدخله من امتی (۶) در روایت پوچ دیگر حاکم نیشابوری می نویسد: که نعوذ بالله پیامبر اکرم فرموده: فردای قیامت؛ خداوند بر تمام بندگانش بصورت عموم تجلی می کند ولی برای جناب ابوبکر بطور خاص!!! _

یتجلی الله لعباده فی الاخره عامه و یتجلی لابی بکر خاصه؛ از جمله روایات

ص: ۱۹۵

-
- ۱- ۱. مجمع الزوائد ج ۵ ص ۵۹؛ مسند احمد ج ۵ ص ۲۵۹ الغدیر ج ۷ ص ۴۴۲؛ مسند احمد ج ۵ ص ۲۵۹؛ تاریخ بغداد ج ۱۴ ص ۷۸ المستدرک حاکم جزء ۴ ح ۴۴۹۴ ش ۱۷۴۴
 - ۲- ۲. مجمع الزوائد ح ۱۴۳۱۶ باب مناقب ابی بکر
 - ۳- ۳. مجمع الزوائد ح ۱۴۳۱۵
 - ۴- ۴. مجمع الزوائد ح ۱۴۳۱۴
 - ۵- ۵. مجمع الزوائد ح ۱۴۳۳۰؛ حاکم نیشابوری در المستدرک ج ۴ ح ۴۴۸۹
 - ۶- ۶. مستدرک ح ۴۵۰۱ ش ۱۷۴۵ مساله الجزء الرابع کتاب معرفه الصحابه

جعلی و ساختگی که برای ابوبکر، جاعلان و ناقلائن حدیث جعل کرده اند و ساخته اند این است که غلام و نوکر ابوبکر؛ زودتر از پیامبر اکرم و تمام پیامبران، وارد بهشت می شود؛ لذا گفته اند که پیامبر اکرم فرمود: وقتی داخل بهشت شدم ناگاه متوجه صدای کفشی شدم نگاه کردم دیدم بلال غلام ابوبکر، زودتر از من به بهشت رفته

دخلت الجنة فسمعت خفق نعلین فاذا بلال مولی ابی بکر قد سبقنی الی الجنة (۱) آقایان اهل سنت با ذکر این روایت نشان داده می شود که غلام و نوکر ابوبکر؛ افضل است نعوذ بالله از پیامبر اکرم چرا؟ چون سبقت از ایشان می گیرد در بهشت رفتن به روایات فراوانی از منابع عامه، مرحوم علامه امینی در کتاب شریف الغدیر مجلد هفتم درباره فضائل جعلی و خنده آور، خلیفه اول ابوبکر نقل کرده که برای رفع خستگی، بد نیست نقل شود (۲) نعوذ بالله از لسان پیامبر اکرم نقل کرده که پیامبر فرمود: هر گاه مشتاق بهشت می شوم ریش ابوبکر را می بوسم _ کان اذا اشتاق الی الجنة قبل شیبه ابی بکر؛ حقیر آن روایات جعلی که در باب فضایل خلفاء خصوصاً جناب ابوبکر و عمر از منابع اهل سنت نقل شده و دلیل برتری آنان حتی بر پیامبر معظم اسلام تلقی می شود را بطور اختصار نقل می کنم و بعد دوباره رجوع می کنم به ادله برتری مولا علی بر پیامبران از دیدگاه قرآن و روایات، یافعی در روض الریاحین ص ۴۴۳ نقل کرده که فقیری کور در مسجد پیامبر آمد و تقاضای کمک کرد؛ پیامبر اسلام و ابوبکر هم در مسجد حضور داشتند؛ ابوبکر حوائج فقیر کور، را برآورده کرد بعد فقیر کور گفت: یک حاجتی دیگر دارم و آنکه دستم را در میان ریش های تو کنم، پس ابوبکر برخاست و ریش خود را در دست کور نهاد و گفت ریش مرا در راه دوستی محمد بگیر؛ پس؛ خداوند در همان لحظه بینایی را به او باز داد؛ پس جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت محمد؛ خداوند ترا، سلام می رساند و می گوید که به عزت و جلال او، اگر همه کوران وی را به حرمت ریش ابوبکر قسم می دادند البته بینایی شان را به ایشان

ص: ۱۹۶

-
- ۱- ۱. مسند احمد ج ۵ ص ۲۹۵ فضائل الصحابه احمد ص ۳۹؛ صحیح بخاری ج ۴ ص ۱۹۸؛ سنن ترمذی ج ۵ ص ۲۸۲؛ سنن الکبری نسایی ج ۵ ص ۶۶
- ۲- ۲. عجلونی در کشف الخفاء ج ۲ ص ۴۱۹

باز می گردانیم (۱) آیا پیامبر اکرم افضل هست یا نعوذ بالله ابوبکر؛ چرا فقیر اگر مسلمان بود به وجود مقدس پیامبر که رحمت للعالمین است متوسل نشده آیا ریش ابوبکر از دعای نافذ پیامبر، موثرتر و نافذتر می باشد؟! عجلونی (۲) نقل کرده که ابوبکر و حضرت ابراهیم علیه السلام هر کدام در بهشت، یک ریش و محاسن مخصوص به خود دارند (۳) در روایت اهل سنت آمده: هیچ کس در بهشت پا نگذارد مگر بی موی باشد البته به جزء موسی بن عمران که ریش او تا ناف وی است (۴) یعنی این روایت تقابل و برابری ابراهیم خلیل با ابوبکر را در بهشت نشان می دهد و این خلاف عقل و قرآن و سیره الهی است، چون افراد عادی و کسانی که برگزیده الهی نیستند در حد درجه و رتبه پیامبران نیستند؛ و با این روایت القاء می شود که ابوبکر دومین پدر امت اسلام هست چون قرآن کریم؛ ابراهیم پدر مسلمین نامیده و این روایت جعلی، برتری ابوبکر بر پیامبر اسلام را نشان می دهد؛ در روایت اهل سنت آمده وقتی که رسول اکرم به قاب قوسین رسید هراسی و ترسی او را فرا گرفت که صدا و آوای ابوبکر را شنید و دلش آرام گرفت و به آوای دوستش انسی پیدا کرد؛ اولاً چرا طبق این حدیث اهل سنت، وقتی پیامبر اکرم به قرب وصال حق تعالی در شب معراج می رسد باید بترسد و نگران باشد؛ خداوند می فرماید: آگاه باشید که تنها با یاد و ذکر خدا، دلها و قلب ها، آرام می شود؛ ثانیاً؛ جبرئیل امین وقتی نزدیک به قاب قوسین ادنی رسید به پیامبر اکرم فرمود: من دیگه قادر نیستم با تو همراهی کنم زیرا بالهائیم می سوزد: چگونه آوا و ندای ابوبکر به پیامبر رسیده؟! آیا ابوبکر همراه پیامبر بوده؟ آیا پیامبر را در شب معراج مشاهده می کرده (۵) در روایت دیگر علمای اهل سنت نقل کرده اند که مردی در مدینه مُرد، و پیامبر خواست بر او نماز بخواند؛ جبرئیل امین نازل شد و گفت: ای محمد بر وی نماز نخوان حضرت هم از خواندن نماز بر او خودداری کرد؛ پس ابوبکر آمد و گفت: ای پیامبر

ص: ۱۹۷

۱-۱. الغدير علامه امینی ج ۷ ص ۳۴۹ و ص ۳۵۰

۲-۲. در كشف الخفاء ج ۱ ص ۲۳۳

۳-۳. الغدير امینی ج ۷ ص ۳۵۱

۴-۴. السيره الحلیه ج ۱ ص ۴۲۵

۵-۵. عمده التحقيق ص ۱۵۴ الكامل ج ۲ ص ۲۱؛ السيره الحلیه ج ۱ ص ۴۳۱؛ الغدير ج ۷ ص ۴۲۲

خدا؛ بر وی نماز بخوان که من جزء خوبی از او سراغ ندارم؛ پس جبرئیل آمد و گفت: ای محمد بر او نماز گزار که گواهی ابوبکر بر گواهی من مقدم است (۱) سوال؟ آیا جبرئیل از طرف خود این مطلب را به پیامبر رسانده یا از مصدر وحی؛ آیا کلام و نظر ابوبکر؛ بر نظر خدا و جبرئیل و پیامبر؛ برتری دارد؟! (۲) ان لا براهیم الخلیل و ابی بکر الصدیق لحيه فی الجنة (۳) فقال فقبض الاعمى لحيه ابی بکر فقال یا رب اسئلك بحرمه شبيه ابی بکر الارددت علیه بصری فقال فرد الله علیه بصره لوقته فنزل جبرئیل علی النبی فقال یا محمد السلام یقرئک السلام و یخص بالتحیه و الاکرام و یقول لک و عزتی و جلاله لو اقسام علیه کل عما بحرمه شبيه ابی بکر لرددت علیه بصره (۴) و ما ترکت علی وجه الارض اعمی، و هذا کله بیرکتک و علو قدرک و شانک عند ربک بلغنا ان النبی لما کان قاب قوسین او ادنی اخذته وحشه فسمع فی حضره الله تعالی صوت ابی بکر فاطمان قلبه و استانس بصوت صاحبه؛ از جمله احادیث جعلی که اهل غلو و افراط درباره ابوبکر نقل کرده اند این است که خداوند از ابوبکر حیاء می کند؛ انس بن مالک روایت کرده که گفت زنی از انصار آمد نزد پیامبر اسلام و گفت ای پیامبر همسرم در مسافرت است و من در خواب دیدم که نخل و درخت خانه ام افتاده، پیامبر فرمود: باید صبر کنی، زیرا دیگر او را نخواهی دید؛ زن با حالت گریه از منزل پیامبر خارج شد و ابوبکر را دید و قضیه خواب خودش را برای او گفت ابوبکر گفت ای زن نگران نباش برو خانه، همین امشب همسرت در کنار توست؛ چون شب شد؛ همسر زن بیامد؛ پس زن نزد پیامبر آمد و او را از آمدن شوهرش باخبر کرد، جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد آنچه تو گفتی راست بود ولی چون ابوبکر گفت: او همین امشب در کنار تو خواهد بود خدا از او شرم داشت که بر زبان او دروغی گفته شود چون او صدیق است و از همین روی بود که برای پاسداری از

ص: ۱۹۸

۱- ۱. مصباح الظلام ج ۲ ص ۲۵؛ نزهه المجالس ۲ ص ۱۸۴

۲- ۲. الغدير ج ۷ ص ۳۵۵

۳- ۳. كشف الخفاء و مزيل الالباس للمفسر المحدث الشيخ اسماعيل بن محمد العجلوني متوفى ۱۱۶۲ هـ ج ۱ ص ۲۳۳ و ص

۷۱۴؛ قسطلانی در المواهب ج ۲ ص ۲۸ با حاشیه العرائس (ثعلبی) ص ۴۴۳

۴- ۴. زرقانی فی شرح المواهب ج ۳ ص ۱۵۷، مفتاح السعاده ج ۱ ص ۲۱۷، مراه الجنان عفيف اليافي الشافعي ج ۱ ص ۲۴۷

آبروی ابوبکر آن مرد را زنده کرد(۱) و قال یا محمد الذی قلته هو الحق و لکن لما قال الصدیق: انک تجتمعین به فی هذه اللیله استحیا الله منه ان یجری علی لسانه الکذب لانه صدیق فاحیاه کرامه له _ در همین روایت جعلی پیامبر با تاکید و نفی ابد فرموده هیچ وقت او را نخواهی دید چرا پس زنده شد و زن او را دید؛ ثانیاً: خداوند از هیچ کس از جهت حق و حقیقت حیا نمی کند: ان الله لا یتحیی من الحق شیئاً (احزاب) ثانیاً: خداوند اختیار را از هیچ کس نمی گیرد و آیا ابوبکر علم غیب داشت که به زن گفت شوهرت امشب نزد توست. با این حدیث نعوذ بالله دروغگو بودن پیامبر و راستگو بودن ابوبکر را ثابت کردید.

برگردیم به اصل بحث و موضوع خود که اثبات برتری مولا- علی بر پیامبران (بغیر از رسول اسلام) بود؛ یک دلیل و برهان روائی و قرآنی دیگر از هزاران ادله و براهین بر افضلیت و ارجحیت و برتری مولا- علی بر انبیاء و پیامبران؛ حدیث نجوم یا معروف به امان است که بطور کثیر و فراوان در منابع حدیثی تشیع و خصوصاً منابع حدیثی برادران اهل سنت و جماعت بعنوان حدیث صحیح نقل و ذکر شده است رسول اکرم فرمود: ستاره گان و نجوم مایه امن و امنیت برای اهل آسمان هستند و زمانی که ستارگان نابود شدند اهل آسمان نابود می شوند؛ و اهل بیت من؛ امان برای امت اسلام و اهل زمین هستند؛ زمانی که اهل بیت من از بین رفتند؛ اهل کره خاک نابود می شوند و از بین می روند این حدیث شریف در (۳) جای کتاب المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری که از علمای بزرگ اهل سنت هست با الفاظ و عبارات مختلف و مشابه نقل و ذکر شده است

علامه مناوی در فیض القدیر ج ۶ ص ۲۹۷ می نویسد: حدیث امان از سلمه بن الاکوع نیز روایت شده است و دلیل بر حسن و نیکو بودن روایت است با اینکه طبرانی و ابن شیبیه و مسدد با اسانید ضعیف حدیث امان را نقل کرده اند ولی طرق متعدد حدیث آنرا نیکو و حسن می کند - عن سلمه بن الاکوع رمز لحسنه ... لکن تعدد طرق ربما یصیره حسناً - سیوطی در جامع الاحادیث ج ۲۲ ص ۳۰۱ به نقل از

ص: ۱۹۹

حاکم سند روایت را صحیح دانسته ؛ صنعانی در التنویر شرح الجامع الصغیر ج ۱۰ ص ۵۲۴ روایت را نیکو شمرده - رمز المصنف لحسنه - مناوی در التیسیر بشرح الجامع الصغیر ج ۲ ص ۴۶۴ سند روایت را حسن شمرده است - عن سلمه بن الاکوع و اسناده حسن -

_ النجوم امان لاهل الارض من الغرق و اهل بيتی امان لامتی _ هذا حديث صحيح الاسناد(۱) طبق سایت مکتبه الاسلامیه (سلفی ها) _ النجوم امان لاهل السماء فاذا ذهب اتاها ما یوعدون و انا امان لاصحابی ما کنت فاذا ذهب اتاهم ما یوعدون و اهل بيتی امان لامتی ذهب اهل بيتی آتاهم ما یوعدون(۲) النجوم امان لاهل السماء فان طمست النجوم اتی السماء ما یوعدون و انا امان لاصحابی فاذا قبضت اتی اصحابی ما یوعدون و اهل بيتی امان لامتی فاذا ذهب اهل بيتی اتی امتی ما یوعدون(۳) جالب این است که حاکم و ذهبی در مقابل این حدیث سکوت اختیار کرده اند و سکوت نشانه رضایت و قبول این حدیث است _ در پاورقی کتاب مستدرک ذیل حدیث آمده _ سکت عنه الذهبی من التلخیص با اینکه ذهبی؛ (۲) حدیث از (۳) حدیث امان را که مستدرک نقل کرده، رد کرده و جهلی خوانده ولی به این حدیث مذکور که رسیده سکوت رضایت اعلام نموده(۴) قال صحیح: قلت: بل(۵) قال صحیح قلت: واه فی اسناده ضعیفان؛ مناوی عالم دیگر اهل سنت در فیض القدیر(۶) این حدیث را نقل کرده و در پاورقی مفصل شرح و توضیح داده و این حدیث شریف را انکار نکرده _ النجوم امان لاهل السماء و اهل بيتی امان لامتی شرح مشکاه المصابیح(۷) النجوم امان لاهل السماء فاذا ذهب اهل السماء و اهل

ص: ۲۰۰

-
- ۱- ۱. مساله الجزء الرابع ش ۱۸۵۷ ح ۴۶۷۹
 - ۲- ۲. مستدرک حاکم رقم الحدیث ۳۶۷۶ _ ح ۳۶۳۴ _ صحیح الاسناد، کتاب التفسیر سوره زخرف
 - ۳- ۳. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۵۱۷ کتاب معرفه الصحابه ح ۵۹۲۶ ذکر مناقب المنکدر بن عبدالله ابی محمد القرشی
 - ۴- ۴. تلخیص ذهبی ج ۳ ح ۵۸۰ ص ۱۵۴۶
 - ۵- ۵. موضوع در پاورقی آمده: الحدیث صححه الحاکم _ المستدرک ج ۳ ص ۱۴۹ ؛ تلخیص ذهبی ج ۵ ص ۲۴۴۷ ح ۸۳۷
 - ۶- ۶. ج ۶ ص ۲۹۷ ح ۹۳۱۳
 - ۷- ۷. کتاب المناقب و الفضائل مساله ۶۱۸۳ الحاشیه رقم ۶۱۸۳

بیتی امان لا- هل الارض فاذا ذهب اهل بیتی ذهب الارض(۱) باب ذکر انهم امان لامته محمدصلی الله علیه واله علیه السلام؛ ذهبی درباره طبری گفته؛ شیخ الحرم، الفقیه، الزاهد، المحدث و کان شیخ الشافعه و محدث الحجاز(۲) حدیث امان را نقل کرده و یکی روای آنرا متروک خوانده _ النجوم جعلت اماناً لاهل السماء و ان اهل بیتی امان لامتی؛ رواه الطبرانی و فیه موسی بن عئیده الزبیدی و هو متروک ابن حجر در صواعق المحرقه آیه ۷ ذیل آیه ۳۳ سوره انفال این حدیث را نقل کرده و می نویسد: جماعتی به اسناد ضعیف این حدیث را نقل کرده اند و حاکم نیشابوری در صحیح خود آنرا نقل کرده و این طرق مختلف و نقل زیاد این روایت باعث می شود این حدیث تقویت شود. احمد حنبل در کتاب فضائل الصحابه (۳) این حدیث را در باب فضایل و مناقب اهل بیت رسالت نقل کرده ولی محقق کتاب آنرا موضوع و جعلی دانسته _ النجوم امان لاهل السماء اذا ذهب النجوم ذهب اهل السماء و اهل بیتی امان لاهل الارض فاذا ذهب اهل بیتی ذهب الارض؛ جالب است سیوطی در کتاب الجامع الصغیر با تحقیق آلبانی این حدیث را نقل کرده با این تفاوت که اصحاب و یاران پیامبر اکرم امان و امنیت برای اهل زمین هستند و آلبانی آنرا حدیث حسن و صحیح دانسته ما از آلبانی و سیوطی سوال می کنیم؛ چگونه اصحاب و یاران پیامبر امان برای امت هستند و با اینکه خودشان از دنیا رفته اند پس معلوم می شود؛ حدیث امان درباره اهل بیت صحیح و معقول هست؛ النجوم امنه للسماء فاذا ذهب النجوم اتی السماء ما توعدا و انا امنه لاصحابی فاذا ذهب اتی اصحابی ما یوعدون و اصحابی امنه لامتی؛ فاذا ذهب اصحابی اتی امتی ما یوعدون(۴) می نویسد: ابن شیبیه و مسدد در کتابهای مسند خویش و حاکم در مستدرک و حکیم ترمزی در نوادر الاصول و ابویعلی و طبرانی از سلمه ابن اکوع نقل کرده اند که پیامبر اکرم فرمود: ستارگان

ص: ۲۰۱

-
- ۱- ۱. نظم در السمطین زرنندی حنفی ج ۱ ص ۲۳۴؛ فرائد السمطین جوینی شافعی ح ۵۱۵ الباب السابع و الاربعون؛ طبری در ذخائر العقبی ص ۴۹ حدیث امان را نقل کرده و رد نکرده
 - ۲- ۲. هیشمی در مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۹۸ ح ۱۵۰۲۵
 - ۳- ۳. ج ۲ ح ۱۱۴۵ ص ۶۷۱
 - ۴- ۴. کتاب مختصر الجامع الصغیر سیوطی با تحقیق آلبانی ص ۳۶۳ ح ۴۹۲۱ ش ۶۸۰۳ سیوطی در کتاب احیاء المیت ح ۲۱

امان آسمانیان و اهل بیت من امان امتم می باشند؛ علوی حضرمی در رشفه الصادی (۱) این حدیث را در باب مخصوص نقل کرده _ اهل بیته امان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء؛ النجوم امان لاهل السماء و اهل بیته امان لاهل الارض فاذا ذهب اهل بیته جاء الارض من الايات ما كانوا یوعدون (۲) حدیث امان را درباره صحابه نقل کرده است (۳) فی ان النجوم امان لاهل السماء و اهل بیته امان لامتی (۴) حدیث نجوم درباره اصحاب نقل کرده؛ جالب است حدیث امان را هم درباره قریش نقل کرده و گفته قریش اهل خدا هستند و امان برای امت هستند _ امان الارض من الغرق القوس و امان امتی من الاختلاف الموالاه لقریش؛ قریش اهل الله؛ ثلاثاً (۵) حدیث امان را درباره اهل بیت نقل کرده (۶)؛ شرح صحیح مسلم؛ ابو ذکریا النووی کتاب فضائل الصحابه و معنی الحدیث ان النجوم مادامت باقیه و فالسما باقیه فاذا انکدرت النجوم و تاثرت فی القیامه... فانفطرت و انشقت و ذهبت (۷) باب بیان ان بقاء النبی امان لاصحابه و بقاء اصحابه امان للامه؛ مسلم در حاشیه رقم ۱: می نویسد: معنی حدیث نجوم این است که مادامی که ستاره در آسمان باقی است و کدر نشده و روز قیامت در او تاثیر نگذاشته ابن منظور الجزء الاول (امن) (۸)؛ ممکن

ص: ۲۰۲

-
- ۱- ۱. ص ۱۳۱
 - ۲- ۲. نهبانی در الفتح الکبیر فی ضم الزیاده الی الجامع الصغیر ج ۳ ص ۲۶۷ حرف النون؛ متقی هندی در کنز العمال ج ۷ ص ۳۹۸ ح ۱۹۴۸۰ و ح ۱۹۴۸۱؛
 - ۳- ۳. حکیم ترمذی در نوادر الاصول فی احادیث الرسول ج ۳ ص ۶۱ و ۶۲
 - ۴- ۴. طبرانی در معجم الاوسط ص ۳۶۰ ح ۷۴۶۷ و ۷۶۶۳؛ ح ۶۶۸۷ ح ۶۷۰۹
 - ۵- ۵. طبرانی در معجم الکبیر ج ۷ ص ۲۲
 - ۶- ۶. مسند الرویانی ج ۲ ص ۲۵۴ معجم ابن الاعرابی؛ المطالب العالیه ابن حجر باب المناقب فضل اهل البیت تاریخ مدینه دمشق ج ۴۰ ص ۲۰ النصح الکافی محمد بن عقیل ص ۴۵؛ جواهر العقدین ص ۹۴؛ استجلاب ارتقاء الغرف سخاوی ج ۲ ص ۴۷۷ ح ۲۱۱؛ جواهر البحار ج ۱ ص ۳۶۱؛ اسعاف الراغبین در حاشیه نورالابصار ص ۱۲۸ کنوز الحقائق ص ۱۳۳؛ مرقاه المفاتیح ج ۵ ص ۶۱۰
 - ۷- ۷. ح ۲۵۳۱ ص ۶۶
 - ۸- ۸. مسند احمد حنبل ج ۴ ص ۳۹۹ ح ۱۹۰۷۲؛ البحر الزخار (الیزار) مساله الجزء الثامن ح ۳۱۰۲ فتح الباری شرح صحیح بخاری ابن حجر ح ۶۶۵۷؛ المصنف ابن ابی شیبه مساله الجزء السابع ح ۴۷۶۲ ص ۵۴۸؛ صحیح مسلم ح ۲۵۳۱ کتاب فضایل صحابه مساله ۴۵۹۶؛ التخلیص الحبیر مساله الجزء الرابع ح ۲۵۹۲ احمد بن علی محمد الکنانی (العسقلانی) کتاب القضاء؛ امالی شجری ج ۱ ص ۱۵۳؛ مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۰۸؛ الفردوس دیلمی ج ۴ ص ۳۱۱؛ مشارق الانوار ص ۱۰۹؛ کشف الخفاء ج ۲ ص ۱۳۵؛ الفوائد المجموعه ص ۳۹۷

است علمای وهابی بگویند این حدیث شریف با آیه ۳۳ سوره مبارکه انفال؛ تضاد و مخالفت دارد پس این حدیث جعلی و مورد اشکال عمیق است؛ بالعکس علمای حدیث اهل سنت همین آیه ۳۳ سوره انفال دلیل بر صحت و درست بودن این حدیث شریف نقل کرده اند؛ مناوی (۱) در ذیل و شرح این حدیث می نویسد: و یحتمل ان المراد مطلق اهل بینه و هو الاظهر لانه سبحانه و تعالی لما خلق الدنيا لاجل المصطفى جعل دوامهدولته ثم بدوام اهل بینه؛ احتمال دارد مراد و منظور مطلق اهل بیت در این حدیث این است که خداوند دنیا را برای حضرت محمد آفرید و خلق کرد؛ و دوام و پایداری دنیا را به سبب وجود مقدس پیامبر اکرم و اهل بیتش قرار داده، ابن حجر در صواعق المحرقة (۲) حدیث امان را نقل کرده و بعد می گوید: مراد و منظور این حدیث این است که خداوند دنیا را برای پیامبر آفرید و دوام آنرا به وجود پیامبر و دوام وجود اهل بیت قرار داده ؛

علامه سمهودی سنی در ذیل این روایت شریف می نویسد: اگر زمین از وجود مقدس اهل بیت پیامبر؛ خالی شود؛ کره زمین و اهل کره خاک، از بین می روند و نابود می شوند و این هنگام مرگ و مُردن حضرت مهدی است که پیامبر اکرم خبر ظهور او را داده است _ اذا خلت الارض منهم جاء اهل الارض من الايات ما كانوا يوعدون و ذهب اهل الارض و ذلك عند موت المهدي الذي اخبر به النبي _ رشفه الصادی حضر می (۳) می نویسد: آیه هفتم که خداوند در آیه ۳۳ سوره انفال می فرماید: خداوند شما را عذاب نمی کند تا مادامی که ای پیامبر تو در میان آنان هستی؛ و این آیه اشاره دارد به وجود مقدس اهل بیت پیامبر زیرا؛ آنان امان و امنیت برای اهل زمین هستند همانطور که پیامبر اکرم فرمود: من برای شما هستم و این در روایت زیاد آمده است؛ الايه السابعه قوله تعالى و ماكان الله ليعذبهم و انت فيهم اشاره صلى الله عليه و اله و سلم؟ الی وجود ذلك المعنى فى اهل بینه و انهم امان لاهل الارض كما كان هو صلى الله عليه و سلم امانا لهم و فى ذلك احاديث كثيره

ص: ۲۰۳

۱- ۱. در فیض القدير ج ۶ ص ۲۹۷ ح ۹۳۱۳ باب حرف النون

۲- ۲. ص ۲۱۲ و ص ۲۱۳ آیه هفتم ذیل آیه ۳۳ سوره انفال

۳- ۳. ص ۷۸ و ص ۱۳۱ علوی حضر می، ابن حجر در صواعق المحرقة ص ۲۱۲

علوی حضر می سنی در رشفه الصادی (۱) درباره معنا و تفسیر این حدیث می نویسد، احتمال دارد منظور این حدیث که پیامبر اکرم فرمود: اهل بیت من امان برای امتم هستند این باشد که چون، خداوند، دنیا را برای پیامبر آفریده و دوام و برقراری دنیا به سبب وجود پیامبر و اهل بیتش است؛ چون فخر رازی گفته؛ اهل بیت با پیامبر در ۵ چیز، شریک هستند و خداوند در سوره انفال آیه ۳۳ فرمود: ای پیامبر تا تو در میان آنان هستی؛ خداوند آنان را عذاب نمی کند؛ و وجود اهل بیت همانند وجود پیامبر می باشد برای امت؛ چون پیامبر اکرم فرمود: خدایا من از اهل بیت هستم و اهل بیت از من هستند؛ و قد قال الله و ما کان الله ليعذبهم و انت فيهم فالحق الله وجود اهل بینه فی الامه بوجوده فجعلهم امانا كما سبق من قوله صلى الله عليه و اله و سلم انهم منى و انانهم ترمزی در نواذر الاصول فی احادیث الرسول (۲) در ذیل تفسیر حدیث امان (نجوم) می نویسد همانا اهل بیت پیامبر؛ امان برای این امت هستند و اگر اهل بیت روی زمین نباشند و بمیرند؛ زمین فاسد و خراب می شود و این قول شریف خداوند در قرآن است _ فهولاء اهل بیت امان هذه الامه فاذا؛ ماتو فسدت الارض و خربت الدنيا ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض (۳) روایات زیبایی در این رابطه در منابع شیعه و سنی نقل شده که خدمت موافق و مخالف عرضه می شود؛ حضرت مهدی فرمود: من امان برای اهل زمین هستم همانطور که؛ ستارگان امان برای اهل آسمان هستند _ انى امان لاهل الارض كما ان النجوم امان لاهل السماء (۴) اهل بیته امان الارض فاذا اهلك اهل بیته جاء الارض من الايات ما كانوا يوعدون _ معجم الاحادیث امام مهدی (۵) امام سجاد فرمود: ما برای اهل زمین امان هستیم همانطور که ستارگان امان هستند برای اهل آسمان و اگر ما روی زمین نباشیم زمین نابود می شود _ و نحن امان لاهل الارض كما ان

ص: ۲۰۴

۱-۱. ص ۱۳۱ و ص ۱۳۲

۲-۲. ج ۳ ص ۶۱ و ص ۶۲

۳-۳. سوره بقره آیه ۲۵۱

۴-۴. بحار الانوار ج ۷۸ ص ۳۸۰

۵-۵. ج ۵ ص ۷۴

النجوم امان لاهل السماء... و لولا ما في الارض منالساخت باهلها(۱) امام صادق از قول پیامبر فرمود: همانا خداوند قرار داد؛ اهل بیت من را امان برای امتم و اگر اهل بیتم از بین روند وعده الهی (قیامت) به وقوع می پیوندد _ جعل اهل بیته امان لامتی فاذا اذهب اهل بیته جاء امتی ما كانوا یوعدون(۲) در روایات شریف اهل تشیع آمده؛ یک لحظه امام معصوم روی زمین نباشد؛ زمین اهلش را فرو می برد و همانند موج دریا به اضطراب و لرزش شدید می آید؛ ولو خلت يوماً بغير حجه لماجت باهلها كما یموج البحر باهله(۳) لو خلت طرفه عين لساخت باهلها(۴) لو بقيت الارض يوماً بلا امام منالساخت باهلها و لعذبهم الله باشد عذابه(۵) در روایت دارد اگر امام معصوم از اهل بیت روی زمین نباشد؛ زمین تمام محتویاتش را بیرون می ریزد _ لولا- من علی الارض من حجج الله لفضت الارض ما فيها والقت ما علیها(۶) لو ان الامام رفع من الارض ساعه... لما جت الارض باهلها كما یموج البحر باهله(۷) لبقاء العالم علی صلاحه و ذلك ان الله عزوجل یرفع العذاب عن اهل الارض اذا كان فیهم نبی او امام قال الله عزوجل و ما كان الله لیعذبهم و انت فیهم _ پیامبر اکرم به مولا علی فرمود: من و تو و ۱۱ فرزندانم (یعنی ائمه) به منزله و همانند لنگرهای زمین و میخ ها و کوه های زمین هستیم که خداوند بوسیله ما؛ زمین را استوار کرده و هنگامی که ۱۲ امام از بین روند؛ زمین اهلش را فرو می برد _ انی واحد عشر من ولدی و انت یا علی زر الارض؛ اعنی اودتادها و جبالها _ بناوتدالله الارض ان تسیخ باهلها فاذا ذهب الاثنا عشر من ولدی ساخت الارض باهلها(۸) پیامبر اکرم فرمود: دین اسلام از بین نمی رود تا اینکه ۱۲ نفر از قریش بیایند و زمانی که این ۱۲ نفر از بین رفتند زمین نابود می شود _ لن یزال هذا الدین قائماً الی اثنا عشر من قریش فاذا مضوا

ص: ۲۰۵

۱-۱. فرائد السمطين ج ۱ ص ۴۵. اکمال الدین ج ۱ ص ۲۰۷، بحار الانوار ج ۲ ص ۳۱۷

۲-۲. اکمال الدین ج ۲ ص ۲۰۲

۳-۳. اکمال الدین ج ۲ ص ۲۰۲

۴-۴. اکمال الدین ج ۱ ص ۲۰۴

۵-۵. اکمال الدین ج ۱ ص ۲۰۴

۶-۶. اکمال الدین ج ۱ ص ۲۰۲

۷-۷. غیبت نعمانی ص ۱۹

۸-۸. غیبت طوسی ص ۱۳۹ بحار ج ۳۶ ص ۲۰۹

ساخت الارض باهلها(۱) پیامبر اکرم فرمود: ۱۲ نفر به عدد نقبای موسی بعد از من می آیند و مهدی از میان امت از آنان است؛ زمین از آنان خالی نمی شود مگر اینکه زمین نابود می شود. _ اثنا عشر عدد نقباء بنی اسرائیل و منا مهدی هذه الامه ...

لا-یخلوا الارض منهم الاساخت باهلها (۲) پیامبر اکرم فرمود: من از میان شما می روم ولی ۲ چیز گرانها برایتان باقی می گذارم اول؛ کتاب خدا(قرآن) و عترت از اهل بیتم؛ زمین از وجود آنان خالی نمی شود مگر اینکه زمین و اهل زمین نابود و متلاشی می شوند

انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی لا- تخلوا الارض منهم و لو خلت اذا لساخت باهلها(۳) پیامبر اکرم فرمود: این دین اسلام از بین نمی رود مگر اینکه ۱۲ نفر از قریش بیایند و زمانی که این ۱۲ نفر از بین رفتند؛ زمین و اهل زمین نابود می شوند

لن یزال هذا الدین قائماً اثنی عشر من قریش فاذا هلکوا ماجت الارض باهلها(۴) امام صادق فرمود: اگر حجت الهی (امام معصوم) روی زمین نباشد؛ زمین نابود می شود.

لو لا الحجه لساخت الارض باهلها (۵) لو بقیة الارض بغير امام لساخت(۶) اهل بیتی کالنجوم پیامبر اکرم فرمود: اهل بیت من همانند ستارگان هستند (۷) پیامبر اکرم به مولا علی فرمود: همانا خداوند ما را همانند ستارگان قرار داده که اگر ستاره ای غروب کرد؛ ستاره دیگر طلوع می کند

قد خلقنا بمنزله النجم كلما غرب نجم طلع نجم آخر (۸)؛ مولا علی می فرماید: آگاه باشید همانا مثال وجود اهل بیت و آل محمد همانند ستارگان آسمان هست؛ زمانی

ص: ۲۰۶

۱- ۱. اعلام الوری ص ۳۶۴

۲- ۲. کفایه الاثر ص ۸۹

۳- ۳. کفایه الاثر ص ۱۶۳ ینابیع الموده ج ۱ ص ۷۴

۴- ۴. کنز العمال هندی ج ۱۲ ص ۳۴ ح ۳۳۸۶۱

۵- ۵. اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۷ ح ۱۰

۶- ۶. اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۷

۷- ۷. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۴۹

۸- ۸. بحار الانوار ج ۲۴ باب ۳۰

که ستاره ای غروب؛ ستاره دیگر طلوع می کند؛ یعنی امامت در اهل بیت تا قیامت استقرار دارد و زمین از وجود مقدس آنان خالی نیست.

الا ان مثل آل محمد کمثل نجوم السماء اذا خوی نجم طلع نجم (۱) مولا علی فرمود: من و اهل بیتم (ائمه هدی امان برای اهل زمین هستیم همانطور که ستارگان امان برای اهل آسمان هستند؛

انا و اهل بیتی امان لا- هل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء (۲) آلوسی مفسر معروف اهل سنت (۳) می نویسد. این خلافت الهی همواره در انسان کامل تا قیام قیامت ثابت است؛ اگر انسان کامل از بین برود؛ عالم نابود می شود؛ یعنی هستی عالم وابسته بوجود انسان کامل است؛ انسان کامل روح عالم هستی است که قوام و پایداری عالم هستی به او بستگی دارد و او پایه معنوی برای آسمان و دنیا است؛ انسان کامل اسم جامع الهی در آن تجلی کرده؛ این انسان کامل؛ خلافت الهی به تن کرده و تدبیر عالم بدست اوست به اذن الهی،

و لم تزل تلك الخلفه في الانسان الكامل الى قيام الساعه و ساعه القيام بل متى فارق هذا الانسان العالم مات العالم لانه الروح الذي به قوامه فهو العماد المعنوي للسماء و الدار الدنيا جارحه من جوارح جسد العالم الذي الانسان روحه و لما كان هذا الاسم الجامع قابل الحضرتين بذاته صحت له الخلفه و تدبير العالم

جابر بن یزید جعفی می گوید از امام باقر سوال کردم برای چه به پیامبر و امام نیاز هست؟ حضرت فرمود: برای اینکه عالم بر صلاح باقی باشد چه آنکه خداوند عزوجل تا مادامی که نبی یا امام در بین مردم می باشند عذاب را از اهل زمین بر می دارد و شاهد بر این کلام فرموده خداوند در آیه ۳۳ سوره انفال است؛ و رسول خدا فرمود: ستارگان امان برای اهل آسمان بوده و اهل بیت من امان برای اهل زمین هستند؛ هنگامی که ستارگان زائل شوند به اهل آسمان مکروه وارد آید و زمانی که اهل بیت من نباشند به اهل زمین مکروه متوجه می گردد مقصود از اهل بیت پیامبر ائمه ۱۲ گانه شیعه هستند که حق تعالی طاعت ایشان را مقرون با طاعت خدا و پیامبرش قرار

ص: ۲۰۷

۱- ۱. خطبه ۱۰۰ نهج البلاغه ش ۳ ص ۱۸۶ ترجمه محمد دشتی

۲- ۲. فرر الحکم ص ۳۰۴ ح ۳۷۶۵ پرتوی از امامت در قرآن و سنت ص ۲۱۹ ح ۶۴، نوشته مداح ابن مالک

۳- ۳. در روح المعانی ج ۱ ص ۲۲۰

داده و فرموده از صاحبان امر اطاعت کنید و مقصود از صاحبان امر، ائمه هدی و معصومین بوده که از هر آلودگی پاک هستند و هیچ گاه مرتکب گناه نمی شوند؛ بواسطه ایشان بندگان روزی خورده و بلادشان آباد گشته و قطرات باران از آسمان می بارد؛ و نیز ایشان واسطه روییدن و خارج شدن برکات از زمین هستند و به برکت ایشان خدا به اهل معاصی مهلت داده و در عقوبتشان عجله نمی کند، روح القدس (جبرئیل امین) از ایشان جدا نمی شود و ایشان از او مفارقت نمی کنند از قرآن جدا نبوده و قرآن نیز از آنان جدا نمی باشد (۱)

وقال النبي: النجوم امان لاهل السماء و اهل بيتي امان لاهل الارض؛ فاذا ذهب النجوم اتى اهل السماء مايكروهون و اذ ذهب اهل بيتي اتى اهل الارض مايكروهون؛ يعنى باهل بيته الائمه الذين قرن الله طاعتهم بطاعته ... بهم يرزق الله عباده و بهم تعمّر بلاده و بهم ينزل القطر من السماء و بهم يخرج بركات الارض و بهم يمهل اهل المعاصي ولا يعجل عليهم بالعقوبه و العذاب (۲) ۱

اگر وهابیت به این روایت اشکال بگیرد که خداوند بواسطه اهل بیت به ما روزی می دهد و زمین را از بلاء و فناء حفظ می کند شرک و کفر است؛ در خود منابع روایی اهل سنت آمده که ۴۰ نفر یا ۳۰ نفر به اختلاف روایات مردانی بنام ابدال روی زمین هستند که خداوند بواسطه آنان باران نازل می کند و بوسیله آنان دشمنان اسلام را نابود می کند و بوسیله آنان بلاء و نابودی را از اهل زمین برمی دارد و بعضی از علمای وهابی این حدیث را صحیح می دانند؛ ابن عساکر در کتاب تاریخ مدینه دمشق باب ابدال

ان ابدال بالشام يكونون و هم اربعون رجلاً بهم تسقون الغيث و بهم تنصرون على اعدائكم و يصرف عن اهل الارض البلاء و الغرق؛ حدیث ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، و يصرف بهم عن الارض البلاء ... ثلاثون رجلاً على مثل يقين ابراهيم خليل الرحمن يدفع الله بهم المكاره عن اهل الارض و البلاء عن الناس

(۳)، مفسر نامی اهل سنت امام قرطبی می نویسد: ۳۰ مرد هستند روی زمین که

ص: ۲۰۸

- ۱- ۱. علل شرایع شیخ صدوق ج ۱ ص ۴۲۴ باب ۱۰۳ _ سر احتیاج به پیامبر و امام ح ۱
- ۲- ۲. امالی صدوق ص ۱۸۶، طرائف سید ابن طاوس ص ۲۹۳
- ۳- ۳. جامع الاحکام القرآن قرطبی ج ۴ ص ۲۵۰

قلب و روحشان همانند یقین و ایمان حضرت ابراهیم هست و خداوند بواسطه آنان بلاء را از اهل زمین دور می کند؛ بهم دفع البلاء عن هذه الامه (۱) سیوطی (۲) می گوید: رجال و راویان حدیث ابدال؛ صحیح هستند؛ و ابدال از این امت زائل نمی شود آنان ۳۰ نفر می باشند، قوام و پایداری کره خاک، به آنان هست _ لایزال الابدال فی امتی ثلاثون بهم تقوم الارض؛ فهو من الابدال الذین بهم قوام الدنيا و اهلها. (۳)

گر ابدال روی زمین نباشند اهل زمین نابود می شوند و روز قیامت به پا می شود؛

لو لا- ذلك هلكت الارض و من عليها؛ فاذا جاء الامر قبضوا كلهم فعند ذلك تقوم الساعة ح ۶۱۸؛ تاریخ مدینه دمشق طبق تفسیر آیه ۳۳ سوره انفال و حدیث نجوم که از مفسران و محدثان اهل سنت خدمت شما ارائه شد؛

یکی از فضایل بی نظیر مولا- علی بر پیامبران بغیر از رسول اسلام؛ این آیه مذکور و حدیث امان است؛ که خداوند، دنیا را بخاطر وجود مقدس پیامبر و ائمه هدی آفریده و دوام دنیا را به سبب وجود اقدس آنان قرار داده؛ وقتی که تمام موجودات

ص: ۲۰۹

۱- ۱. مرقاه المفاتیح ج ۱۱ ص ۴۰۹

۲- ۲. در الحاوی للفتاوی ص ۲۴۲ باب الخبر الدال علی وجود القطب و الاوتاد و النجباء و الابدال

۳- ۳. الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۲۴۶ و ص ۲۴۸؛ هیشمی در مجمع الزوائد ج ۱۰ ص ۶۳ سند و رجال ابدال را صحیح و حسن دانسته _ اسناد حسن ح ۱۶۶۷۴ رواه احمد و رجاله رجال صحیح ش ۱۶۶۷۲ حاکم نیشابوری در مستدرک ج ۴ ص ۵۵۳ ح ۸۷۰۱ مساله ۳۵۸۲ ص ۵۹۶۱ حدیث ابدال را صحیح دانسته است فلا تسبوا اهل الشام ... فان فیهم الابدال _ هذا حدیث صحیح الاسناد؛ سیوطی در النکت البدیعات ص ۲۴۰ خبر و حدیث ابدال را صحیح دانسته؛ خبر الابدال صحیح؛ امام احمد حنبل آنرا در مسندش نقل کرده و آنرا صحیح دانسته؛ و هو حدیث صحیح ثابت؛ فضایل الصحابه ج ۲ ص ۹۰۵ مسند العشره العشرین بالجنه _ علی ابن ابی طالب ح ۸۹۸ ج ۱ مسند احمد ص ۱۱۲؛ شوکانی و هابی در الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه ج ۱ ص ۲۴۹؛ آنرا حدیث صحیح، حسن ص ۲۴۷؛ ابن تیمیه ناصبی در مجموعه الفتاوی ج ۱۱ ص ۴۳۳؛ حدیث ابدال را رد می کند و در ج ۳ ص ۱۵۹ آنرا تأیید می کند _ و فیهم ابدال الائمہ الذین اجمع المسلمون علی هدايتهم و درايتهم؛ شرح العقیده الواسطیه ابن تیمیه ص ۲۰۲ و فیهم الابدال و هم الاولیاء و العباد؛ حدیث ابدال در منابع روایی و تاریخی اهل سنت به کثرت نقل شده _ الخلال احمد حنبل ج ۱ ص ۱۱۲، معجم الکبیر طبرانی ج ۱۸ ص ۶۵ ح ۱۲۰؛ الکامل ابن عدی ج ۵ ص ۱۸۶۲؛ الفردوس ج ۲ ص ۳۶؛ تهذیب ابن عساکر ج ۱ ص ۶۰؛ کنز العمال ج ۱۲ ص ۱۸۶ فیض القدر ج ۳ ص ۱۶۸؛ مقاصد الحسنه سخاوی ج ۱ ص ۹؛ تلخیص ذهبی ج ۴ ص ۵۹۶؛ عمدہ القاری ج ۱۳ ص ۱۲۳؛ حلیه الاولیاء ج ۱۰ ص ۳۰۵؛ نوادر الاصول ج ۱ ص ۲۰۹؛ مسائل الامام ابن باز ص ۴۹؛ الدرر السینه ج ۱ ص ۱۷ لسان المیزان ج ۳ ص ۵۵۳ تاریخ الکبیر بخاری ج ۷ قسم اول جزء رابع ص ۱۲۷ ش ۵۷۲؛ سلسله الاحادیث صحیحہ آلبانی ص ۵۵۲؛ المزی در تهذیب الکمال ج ۲۳ ص ۱۷۳؛ مجالس قطب الارشاد محمد عمر سربازی ج ۱ ص ۲۶۱ مجلس ۲۱؛ الجامع الصغیر ج ۲ ص ۳۰۲، الدر المنثور ج ۱ ص ۷۶۶؛ سبل الهدی و الرشاد ج ۱ ص ۱۲۵۶

خصوصاً پیامبران بغیر از پیامبر اسلام؛ بخاطر ائمه هدی وجود پیدا کرده اند و به دنیا آمده اند چگونه آنان بر ۱۴ نور مقدس الهی برتری دارند؟!!

الابدال فی امتی ثلاثون بهم تقوم الارض و بهم تمطرون و بهم تنصرون(۱) پس آن اهل بیتی که الان روی زمین هست و به سبب وجود مقدس و مبارک او؛ خداوند زمین و اهل زمین را نابود نمی کند کیست؟ به عقیده ما و لفظ روایات سنی و شیعه؛ آن شخص حضرت مهدی امام زمان است چرا؟ چون پیامبر در خطبه غدیر خم و حدیث ثقلین و در معرفی ۱۲ امام فرمود مهدی از اهل بیت و از فرزندان من و از فرزندان حضرت فاطمه است

المهدی من ولد فاطمه(۲) المهدی من عترتی من ولد فاطمه _ المهدی منا اهل بیت _ (۳)؛ مسند العشره العشرون بالجنه؛ المهدی من عترتی من ولد فاطمه (۴)

ابن حجر در این زمینه نکات لطیفی نقل کرده در اثبات وجود مقدس اهل بیت در حدیث ثقلین؛ در احادیثی که به پیروی از اهل بیت اشاره دارد این نکته قابل توجه است که تمسک فرد به اهل بیت بایستی تا روز قیامت باشد؛ همانگونه که قرآن عزیز است و به این سبب آنها (اهل بیت) به عنوان هدیه و آرامش هستند بر روی زمین؛ همانگونه که خبر قبلی آنرا تایید می کند که در هر زمان فرزندی از اهل بیت من است و اینکه شایسته ترین فرد امام و پیشوای آنان علی ابن ابی طالب است؛ ابوبکر گفت در مورد عترت پیامبر کسانی که تاکید شده است بر پیروی از آنان و آن فردی

ص: ۲۱۰

-
- ۱- ۱. جامع الصغیر ج ۱ ص ۲۱۲
 - ۲- ۲. کتب تخریج الحدیث آلبنانی (صحیح) رقم الحدیث ۲۳۰۱ نص الحدیث ۴۰۷۶ صحیح الجامع آلبنانی رقم الحدیث _ مستدرک حاکم (کتاب الفتن و الملاحم) ح ۸۶۷۰ هذا حدیث صحیح؛
 - ۳- ۳. مسند احمد ح ۶۱۰
 - ۴- ۴. الجامع الصغیر سیوطی ج ۲ ص ۶۷۲ ح ۹۲۴۱؛ المهدی منا اهل البيت ح ۹۲۴۳؛ المهدی منی ح ۹۲۴۴، الجامع الصغیر سیوطی ج ۲ ص ۶۷۲ ح ۹۲۴۱؛ المهدی منا اهل البيت ح ۹۲۴۳؛ المهدی منی ح ۹۲۴۴، المهدی رجل من ولدی ح ۹۲۴۵؛ الدر المنثور ج ۶ ص ۵۸ کتاب الفتن ابن ماجه _ خروج المهدی ح ۴۰۷۵ یسنن ابی داود باب المهدی ح ۳۷۳۶؛ ابشر و بالمهدی رجل من قریش من عترتی _ کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۱ الی ص ۲۶۳ ح ۳۸۶۸۲؛ طبقات المحدثین باصبهان _ المهدی منا اهل البيت _ الطبقة الثالثة ش ۱۱۹ باب الالف ش ۵۸۱، مسند البزار ح ۵۸۵؛ سبل الهدی و الرشاد ج ۱۰ ص ۱۷۱؛ خلاصه این روایت و مشابه آن در ۲۴۶ مصدر روایی اهل سنت و وهابیت آمده است؛

را که در روز غدیر خم مشخص کرد

و فی احادیث الحث علی التمسک باهل البیت اشاره الی عدم انقطاع متاهل منهم للتمسک به الی یوم القیامه کما ان الکتاب العزیز کذلک و لهذا کانوا اماناً لاهل الارض کما یاتی و یشهد لذلك الخبر السابق فی کل خلف من امتی عدول من اهل بیتی الی آخره

ثم احق من یتمسک به منهم امامهم و عالمهم علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه ثم قال ابوبکر علی عتره رسول الله ای الذین حث علی التمسک بهم فخصه لما قلنا و لذلك خصه بمامر یوم غدیر خم (۱) یکی از روشن ترین پیام های حدیث ثقلین؛ بقای اهل بیت است؛ زیرا اگر اهل بیت پیامبر تا قیامت باقی خواهد ماند یکی از امامان اهل بیت نیز تا قیامت حیات خواهد داشت و در کنار قرآن خواهد بود؛ پیامبر اکرم و مولای علی؛ حدیث ثقلین را برای ما معنا و تفسیر کرده اند؛ پیامبر اکرم فرمود: ای مردم علی و اولاد معصومش ثقل اصغرند و قرآن مجید ثقل اکبر است و هر کدام از آن دو موید و موافق دیگری خواهد بود و هرگز از همدیگر جدا نخواهند شد تا روز قیامت کنار حوض کوثر بمن برسند

معاشر الناس: ان علیاً والطیبین من ولدی هم الثقل الاصغر و القرآن الثقل الاکبر فکل واحد منبی عن صاحبه و موافق له، لن یفترقا حتی یردا علی الحوض (۲) اهل بیت از دیدگاه قرآن و سنت نوشته مداح ابن مالک (۳)؛ از مولا علی سوال شد منظور از حدیث ثقلین چیست؟ حضرت فرمود: من و امام حسن و امام حسین و ۹ نفر از ائمه هدی از صلب امام حسین

قال؛ سئل امیرالمومنین عن معنی قول رسول الله انی مخلف فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی من العتره فقال: انا و الحسن و الحسین و الائمہ التسعه من ولدالحسین تاسعهم مهدیهم و قائمهم؛ مولا علی فرمود: نهمین فرزند از صلب حسین که جزء ثقلین است؛ حضرت مهدی قائم می باشد؛ (۴) ترمذی می گوید: منظور پیامبر؛ درباره چنگ زدن در حدیث ثقلین؛ امامان از اهل بیت است نه غیر آن

ص: ۲۱۱

-
- ۱-۱. صواعق المحرقة ص ۹۰
 - ۲-۲. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۳۱
 - ۳-۳. ص ۴۸ و ص ۴۹
 - ۴-۴. عیون الاخبار _ شیخ صدوق ج ۱ ص ۴۶ باب ۶ ح ۲۵؛ اهل بیت و آل محمد از دیدگاه قرآن نوشته ابن مالک ص ۵۲ و ص ۵۳

واقع علی الائمة منهم الساده لاعلی غیرهم (۱) پس یکی از فضایل بی نظیر مولا علی بر پیامبران بغیر از رسول اسلام خلق شدن موجودات و عالم هستی بخاطر وجود اقدس و مبارک آنان است و پایداری و حفظ عالم هستی هم بوجود مقدس آنان است؛ که این حدیث نجوم و آیه ۳۳ سوره انفال و حدیث ثقلین وجود مقدس امام زمان حضرت مهدی را ثابت می کند؛ ابوهیره از پیامبر اکرم نقل کرده که فرمود: زمانی که خداوند؛ حضرت آدم را آفرید به او فرمود: اگر محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین نبودند تو را و نه بهشت و نه جهنم و نه عرش، نه کرسی نه آسمان و نه زمین، و نه ملائکه و نه جن و انس را خلق نمی کردم

لولا-هم ما خلقتک ... لو لا-هم ما خلقت الجنة و لا النار و لا العرش و لا الكرسي و لا السماء و لا الارض و لا الملائكة و لا الجن و لا-الانس ... (۲)؛ قال رسول الله، لما ان خلق الله آدم و نفخ فيه من روحه عطس آدم فقال: الحمد لله فاحي الله تعالى اليه: حمدني عبدي و عزتي و جلالتي. لو لا عبد ان اريد ان اخلقهما في دار الدنيا ما خلقتك قال الهی فيكونان مني؟ قال: نعم يا آدم ارفع راسك و انظر فرفع راسه فاذا هو مكتوب على العرش: لا-اله الا-الله محمد رسول الله نبی الرحمة، علی مقیم الجنة.... (۳) ممکن است جناب وهابی نادان بگوید؛ خداوند در قرآن آیه ۳۲ سوره عنكبوت می فرماید: ما حضرت لوط و قوم با ایمانش را از عذاب که می خواست بر زمین نازل شود نجات دادیم و هر جا که پیامبران الهی باشند؛ خداوند آنجا را مورد نزول عذاب قرار نمی دهد برای اینکه پیامبرش و اهل ایمان آنجا هستند

قالوا انا مهلكوا اهل هذه القرية ان اهلها كانوا ظالمين قال ان فيها لوطاً قالوا نحن اعلم بمن فيها لننجينه و اهله الا امراته كانت من الغابرين؛

یا اینکه خداوند در سوره قصص آیه ۵۹ می فرماید ما؛ قریه و شهری را نابود و هلاک نمی کنیم مگر اینکه در میان آنان پیامبران را مبعوث کردیم که آیات ما را بر آنان تلاوت کنند؛ در این (۲) آیه شریفه که ذکر شد همه بحث منطقه و شهر و قریه است و از آیات و روایات که حقیر در ذیل آیه ۳۳ سوره انفال و حدیث نجوم و حدیث

ص: ۲۱۲

۱-۱. نوادر الاصول ج ۱ ص ۲۵۴

۲-۲. فرائد السمطين ج ۱ ص ۳۶ و ص ۳۷

۳-۳. مناقب اخطوب خوارزمی حنفی ج ۳۲۰ ص ۳۱۸

ابدال در الزام خصم آوردم بحث حفظ کل عالم هستی به برکت وجود پیامبر و خلفای پیامبر که مولا علی و ۱۱ فرزند خلفش باشد مورد نظر و ذکر است نه یک منطقه و یک شهر یا شاید وهابی ها؛ (۲) سوال و شبهه در اینجا مطرح کنند بگویند؛ خداوند؛ دنیا و خلائق را برای عبادت خودش؛ خلق فرمود بخاطر اشخاص شریف مثل ۱۴ نور مقدس الهی نیافریده زیرا در سوره الذاریات آیه ۵۶ می فرماید: ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای عبادت؛ و ما خلقت الجن و الانس الیعبدون؛ و شبهه دوم که وهابی ها، امکان دارد مطرح کنند علیه ادله ما؛ این است که؛ چون پیامبران در دنیا بودند و مامور تبلیغ الهی بودند؛ خداوند کل اهل زمین را نابود نمی کند و در اجل موعود که قیامت می شود اهل زمین نابود می گردند؛ اما پاسخ به شبهه اول: در حدیث قدسی آمده ای بشر من دنیا را برای تو آفریدم ولی تو را برای خودم آفریدم

خلقت الاشياء لاجلی و خلقت لاجلک

ابن تیمیه ملعون ناصبی (۱) می نویسد: پیامبر اسلام خاتم مخلوقات و جامع و کامل مخلوقات است و از تمام مخلوقات برتر و فاضل است بطور مطلق و همیشگی؛ محمد صلی الله علیه و سلم، انسانی که چشم عالم هستی است و قطب این چرخ گیتی است و او آخرین هدف و غایت مخلوقات و سبب ایجاد مخلوقات است؛ یعنی خداوند به سبب و به احترام او؛ عالم را ایجاد کرده

فاذا كان الانسان هو خاتم المخلوقات و آخرها و هو الجامع لما فيها و فاضله هو فاضل المخلوقات مطلقاً و محمد انسان هذا العين و قطب هذه الریحی، و اقسام هذا الجمع كان كانها غايه الغايات في المخلوقات؛ فما ينكران يقال؛ انه لاجله خلقت جميعاً و انه لولاه لما خلقت، فاذا فسر هذا الكلام و نحوه بما يدل عليه الكتاب و السنه قبل ذلك (۲)؛ قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۹ می فرماید: اوست خدایی که خلق کرد تمام زمین را برای شما؛ هو الذی خلق لکم ما فی الارض جميعاً؛ و در سوره جاثیه آیات ۱۲ و ۱۳ می فرماید: اوست خدایی که دریاها و آنچه در زمین و آسمان است مسخر شما کرد و در سوره نباء آیه ۷ می فرماید: ما کوه ها را همانند میخ برای عالم دنیا قرار دادیم در ذیل این آیه می گویند، اگر این کوه ها نبودند بر اثر حرکات

ص: ۲۱۳

۱- ۱. در کتاب مجموعه الفتاوی خودش ج ۱۱ ص ۹۷ و ص ۹۸

۲- ۲. المنهج القوی ج ۵ ص ۵۱۶، علم الیقین ج ۱ ص ۳۸۱، المواعظ العددیه ص ۲۵۵ باب ۱۲

وضعی و انتقالی که کره زمین دارد زود نابود و متلاشی می شد و طبق روایات خصوصاً در منابع شیعه آمده؛ وجود ائمه هدی همانند و تسد (یعنی کوه) برای اهل زمین و زمین از جهت معنوی است اگر امام و خلیفه خدا؛ روی زمین نباشد زمین و اهل زمین نابود می شوند و اهل بیت و ائمه ۱۲ گانه شیعه قبل از خلقت موجودات بوجود آمده اند و در صلب پیامبران بوده اند؛ اگر ابراهیم در آتش نسوخت به احترام وجود نوری محمد و آل محمد بود که در صلب او بودند؛ اگر نوح در کشتی با اهلش غرق نشد چون اهل بیت و امامان معصوم شیعه در صلب او بودند و ... در ضمن روایات صحیحی در منابع اهل سنت آمده که خداوند به حضرت آدم و حضرت عیسی وحی فرمود: اگر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نبود دنیا و ما فیها را خلق نمی کردم شما را نمی آفریدم؛ حاکم نیشابوری در المستدرک ج ۲ ص ۶۱۳ ح ۴۱۵۹ ش ۶۱۵؛ حدیث قدسی (بنقل از سایت وهابی مکتبه الاسلامیه اسلام ویب) خداوند به حضرت آدم فرمود: مرا بحق محبوبترین خلقم (یعنی حضرت محمد) خواندی همانا تو را بخشیدم و اگر بوجود محمد نبود تو را خلق نمی کردم

انه لاحب الخلق الی ادعنی بحقه فقد غفرت لك و لولا محمد ما خلقتك؛

حاکم نیشابوری می نویسد: سند این روایت صحیح است؛ هذا حدیث صحیح الاسناد؛ سایر منابع روایی اهل سنت این روایت را نقل کرده اند (۱) و... حتی ابن تیمیه ناصبی؛ طراح افکار وهابی ها در مجموعه الفتاوی ج ۲ ص ۹۵ و ص ۱۵۱ به نقل مکتبه اسلامیه؛ حدیث توسل حضرت آدم به ذات نوری پیامبر اسلام را؛ صحیح خوانده (۲) خداوند به عیسی فرمود: اگر به احترام وجود مقدس پیامبر اسلام نبود؛ آدم را نمی آفریدم و اگر به احترام وجود محمد نبود؛ بهشت و جهنم را خلق نمی کردم آقای وهابی؛ اگر خدا دنیا، بهشت، جهنم و بشر، ملاک و جن را آفریده که خدا را عبادت کنند به احترام ۱۴ نور مقدس الهی بوده؛ اگر ۱۴ نور مقدس اهل بیت رسالت

ص: ۲۱۴

۱- ۱. المعجم الاوسط ح ۶۶۷۶؛ المعجم الصغیر ح ۹۹۰؛ المعجم الصغیر ح ۹۹۰؛ دلائل النبوه ح ۲۲۵۱، الشریعه للاجری ح ۹۷۳؛ امالی ابی مطیع المصری ح ۹ البدایه و النهایه ج ۱ ص ۹۱؛ مجمع الزوائد ج ۸ ص ۲۵۳؛ الدر الثور ج ۱ ص ۵۸ و ص ۶۰
۲- ۲. فهذا الحدیث یوید الذی قبله و هما کالتفسیر لاحادیث الصحیحه

نبودند؛ دنیا و هدف از خلقت دنیا و موجودات معنا نداشت؛ پیامبر اکرم فرمود: من اولین پیامبر در خلقت و آخرین آنان در بعثت بودم

انا اول الانبياء في الخلق و آخرهم في البعث(۱)

پیامبر اکرم فرمود: من پیامبر بودم و آدم بین آب و گل بود (یعنی خلقتش کامل نشده بود) _ (۲)؛

كنت اول الانبياء الناس في الخلق و آخرهم في البعث (۳) عن مسيره الفخر قال قلت لرسول الله متى كنت نبياً قال و آدم بين الروح و الجسد (۴) و هذا سند قوي ... تائيد اين حديث شريف كه پیامبر اکرم قبل از آفرینش آدم؛ پیامبر بوده آیه ۷ سوره احزاب است، و اذا اخذنا من النبيين ميثاقهم و منك ... امام قرطبی در تفسیرش ذیل این آیه شریفه از قول قتاده و ابوهریره از پیامبر اکرم نقل کرده که من اول موجود در خلق و آخرین در بعثت بودم

قال: كنت اولهم في الخلق و آخرهم في البعث؛ جامع الحکام القرآن مساله الجزء الرابع عشر؛ تفسير ابن كثير مساله الجزء السادس ذیل آیه _ قال النبي: كنت اول النبيين في الخلق و آخرهم في البعث (۵) ان نبی الله كان يقول: كنت اول الانبياء في الخلق و آخرهم في البعث... (۶)؛ كنت اول الناس في الخلق و آخرهم في البعث (۷)؛ اما توضیح درباره اینکه وجود مقدس ائمه اطهار در روی زمین برای حفظ عالم هستی همانند و تد یعنی کوه ها است، مفسران اهل سنت قائلند در ذیل آیه هفتم سوره نباء و الجبال اوتاداً؛ که خداوند کوه ها را همانند میخ محکم برای خیمه دنیا قرار داده که اهل زمین با سکون و آرامش بر آن زندگی کنند

ص: ۲۱۵

۱- ۱. الشفاء (قاضی عیاض سنی) ج ۱ ص ۳۲؛ ینابیع الموده قندوزی حنفی ج ۱ ص ۱۳۶.

۲- ۲. مناقب آل ابی طالب ج ۱ ص ۱۸۳

۳- ۳. کنز العمال ج ۱۱ ص ۴۵۲؛ جامع الصغیر ج ۲ ص ۱۶۲؛ طبقات الکبری ج ۱ ص ۱۱۹؛ الفردوس دیلمی ج ۳ ص ۲۸۲، الوفاء باحوال المصطفی ص ۳۶۱؛ خصائص الکبری ج ۱ ص ۳.

۴- ۴. هذا حديث صحيح الاسناد _ المستدرک ج ۲ ص ۶۰۸؛ مجمع الزوائد ج ۸ ص ۲۲۳؛ الدر المنثور ج ۵ ص ۱۸۴، فتح القدير ج ۴ ص ۲۶۷؛ الاصابه ابن حجر ج ۶ ص ۱۸۹.

۵- ۵. تفسير طبری ص ۲۱۳ مساله الجزء العشرون.

۶- ۶. تفسير بغوی ص ۳۲۱ مساله الجزء السادس.

۷- ۷. طبقات الکبری ج ۱ ص ۱۴۹؛ السنه الخلال ج ۱ ص ۱۸۷.

قال قرطبي: و الجبال اوتاداً اي لتسكن و لاتتكفأ باهلها(۱) اي ثبتنا الارض بالجبال كما يثبت البيت بالاوتاد (۲)؛ امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند ما ائمه هدی، ارکان زمین قرار داده تا ساکنانش را نلرزاند

جعلهم الله ارکان الارض ان تمید باهلها _ (۳)؛ پیامبر اکرم در توصیف ائمه هدی فرمود: یکی از خصائص ائمه هدی از اهل بیت من این است که به برکت وجود آنان _ خداوند _ زمین را از لرزش و نابودی حفظ می کند

و یهم یحفظ الله الارض ان تمید باهلها(۴) امام زین العابدین فرمود: خداوند، بوسیله ما زمین را حفظ کرده تا زمین اهل خود را نلرزاند

و بنایمسک الارض ان تمید باهلها (۵) امام باقر فرمود که پیامبر اسلام به مولا علی فرمودند: ای علی من و تو و ۱۱ فرزند از صلب تو همانند میخ و کوه های زمین هستیم، خداوند بواسطه ما زمین را میخ کوب قرار داد و زمانی که دوازدهمین فرزندم (امام زمان حضرت مهدی) از دنیا برود زمین نابود می شود

انی واثی عشر من ولدی و انت یا علی زر الارض یعنی اوتادها و جبالها بنا اوتدالله الارض ان تسیخ باهلها فاذا ذهب الاثنا عشر من ولدی ساخت الارض باهلها (۶)؛ با دقت و تامل در این روایت می یابیم که پیامبر درصدد معرفی ۱۲ امام نیست بلکه می خواهد از جایگاه ۱۴ معصوم سخن بگوید، پیامبر می فرماید: من و ۱۲ نفر از فرزندانم که منظور حضرت زهرا و ۱۱ امام از نسل ایشان و تو یا علی مایه استقرار و آرامش زمین هستید اما یکی از فضائل بی نظیر ائمه ۱۲ گانه شیعه که دلیل برتری و افضلیت آنان بر تمام خلائق و پیامبران بغیر از رسول اسلام؛ است؛ خلقت و آفرینش نوری آنان است یعنی ۱۴ معصوم علیهم السلام؛ به اختلاف روایات ۲۴ هزار

ص: ۲۱۶

-
- ۱- ۱. الجامع الاحکام القرآن ج ۱۹ ص ۱۵۱.
 - ۲- ۲. تفسیر بحر المحيط ج ۱ ص ۳۸۴.
 - ۳- ۳. اصول کافی ج ۱ ص ۴۵۲ باب ان الائمهم ارکان الارض.
 - ۴- ۴. کمال الدین ص ۲۸۵ ح ۲، احتجاج ج ۱ ص ۱۶۸، کفایه الاثر ص ۱۴۵؛ بحار الانوار ج ۳۶ ص ۲۵۲.
 - ۵- ۵. امالی صدوق ص ۲۵۳ ح ۲۷۷، کمال الدین ص ۲۰۷، بحار ج ۲۳ ص ۶، مناقب ابن شهر آشوب ج ۴ ص ۱۶۷، روضه الواعظین ص ۲۲۰.
 - ۶- ۶. اصول کافی ج ۲ کتاب الحججه ح ۱۷ باب ما جاء فی الاثنی عشر و النص علیهم ص ۶۴۴.

سال یا ۱۴ هزار سال یا هفت هزار سال یا دو هزار سال قبل از خلقت عالم و آدم بوجود آمده اند و سبقت در عبادت و خلقت بر تمام موجودات داشتند و اگر بواسطه محبتی که خداوند به آنان داشت عالم و خلایق را بوجود نمی آورد؛ آقای سلفی اموی مسلک وقتی تمام موجودات به احترام وجود مقدس آنان بوجود آمده اند چگونه بر آنان برتری می توانند داشته باشند؛ پیامبر اکرم فرمود: من و علی بصورت نور در نزد خدا بودیم و خداوند را تسبیح و تقدیس می کردیم قبل از آنکه حضرت آدم خلق شود بمدت ۱۴ هزار سال، زمانی که حضرت آدم خلق شد، خداوند آن نور را در صلب و پشت او بصورت امانت قرار داد و من و علی که بصورت نور بودیم و هیچ وقت از هم جدا نشدیم تا اینکه در صلب عبدالمطلب از هم جدا شدیم، خداوند در من نبوت و در علی، خلافت و امامت قرار داد.

كنت انا و علی نوراً بین یدی الله یسبح الله ذلك النور و یقدسه قبل ان یخلق الله آدم باربعه عشر الف عام خلق آدم اودع ذلك النور فی صلبه فلم یزل انا و علی فی شی واحد افترقنا فی صلب عبدالمطلب ففی النبوه و فی علی الامامه (الخلافه) (۱) كنت انا و علی نوراً عن یمین العرش بین یدی الله _ (۲) خلقت انا وانت من نور الله

كنت انا و علی نوراً بین یدی الله مطیعاً یسبح الله ذلك النور و یقدسه (۳)

شخصی بنام ابو عقال از پیامبر سوال کرد شما افضلید یا حضرت آدم، شیث، ادریس، نوح، هود، صالح، لوط، موسی، هارون، ابراهیم، اسماعیل، یوسف، یعقوب، ایوب، یونس، داود، سلیمان، زکریا، یحیی، یسع، ذالکفل، یا عیسی؟! رسول اسلام فرمود: من از همه آنان برترم و بعد از من علی ابن ابی طالب از تمام آنان برتر است و

ص: ۲۱۷

-
- ۱- ۱. ینابیع الموده ج ۱ ص ۱۰۲، مناقب ابن مغزلی ص ۸۸ ح ۱۳۰؛ الفردوس دیلمی ج ۳ ص ۲۸۳ ح ۲۴۸۵۱.
 - ۲- ۲. مناقب خوارزمی ح ۱۶۹ ص ۱۴۵ فضائل الصحابه احمد حنبل ج ۲ ص ۶۶۲، فرائد السمطین ج ۱ ص ۴۰ ح ۴؛ کفایه الطالب باب ۷۸ ص ۳۱۵، میزان الاعتدال ذهبی ج ۱ ص ۲۳۵، لسان المیزان ابن حجر ج ۲ ص ۲۲۹، موده القربی موده ۸؛ شرح نهج البلاغه ج ۹ ص ۱۷۱ خطبه ۱۵۴ تذکره الخواص ص ۵۱ باب ۲؛ تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۶۷، مقتل الحسین خوارزمی ص ۱۴۵ ح ۱۶۹ فصل ۱۴؛ مناقب ابن مردویه ص ۲۸۵ ح ۴۰۵؛ جواهر المطالب ابن دمشقی ص ۶۱ باب ۱۰، العمده ابن بطریق ص ۴۴؛ ریاض النضره طبری ج ۲ ص ۱۶۴.
 - ۳- ۳. گنجی شافعی در کفایه الطالب باب ۸۷ ح ۲۷۰.

از تمام آنان علی را بیشتر دوست دارم زیرا من و علی از یک نور خلق شده ایم در پایان حدیث؛ گنجی شافعی می نویسد: این حدیث حسن و صحیح می باشد؛ لانی خلقت انا و علی من نور واحد ...

یا رسول الله فمن افضل الناس بعدك؟ فذكر له نفرًا من قریش ثم قال: علی ابن ابی طالب، فقلت: یا رسول الله فایهم احب الیک؟ قال: علی _ قلت: هذا حدیث حسن عال. (۱) ۴۱ منبع اهل سنت را نقل می کند که به حدیث خلقت نوری مولا علی و پیامبر اسلام نقل و ذکر کرده اند _

خلقت انا و علی ابن ابی طالب من نور واحد نسبح الله عزوجل فی یمنه العرش قبل خلق الدنيا و لقد سكن آدم الجنة و نحن فی صلبه و لقد ركب نوح السفینه و نحن فی صلبه، و لقد قذف ابراهیم فی النار و نحن فی صلبه؛

ادامه روایت جالب است؛ پیامبر اکرم می فرماید من و علی که بصورت یک نور بودیم در صلب آدم در بهشت بودیم، سپس منتقل شدیم به صلب نوح و با نوح در کشتی بودیم، سپس منتقل شدیم به صلب ابراهیم و با ابراهیم بودیم (۲) اما ادله درباره خلقت نوری سایر ائمه ۱۲ گانه شیعه در کتب اهل سنت و تشیع؛ یکی از ادله های قرآنی و تفسیری درباره خلقت نوری ائمه ۱۲ گانه شیعه؛ آیه ۳۵ سوره مبارکه نور است (۳) ابن بطریق در العمده از قول شریف امام کاظم در ذیل تفسیر آیه ۳۵ سوره نور نقل کرده اند که فرمود: منظور از مشکاه در این آیه یعنی حضرت فاطمه؛ مصباح یعنی امام حسن و امام حسین؛ نور علی نور یعنی امامی بعد از امامی

قال: المشکاه: فاطمه، و المصباح: الحسن و الحسین (الزجاجه) کانهما کوکب دری قال: کانت فاطمه کوکبا دریا من نساء العالمین... نور علی نور، قال فیها امام بعد امام؛ مولا علی در تفسیر آیه مذکور فرموده: مشکاه پیامبر است؛

فیها مصباح من هستم و فی الزجاجه: حسن و حسین است؛ کوکب دری:

علی ابن الحسین یوقد من شجره مبارکه _ محمد بن علی؛ لولم تمسه النار: علی بن محمد نور علی نور: حسن بن علی، یهدی الله لنوره من یشاء: مهدی

ص: ۲۱۸

۱- ۱. در کتاب نفحات الازهار ج ۵ خلاصه کتاب عبقات الانور با نوشته آیت الله میلانی.

۲- ۲. مناقب ابن مردویه ص ۸۸ زین الفتی فی تفسیر هل اتی.

۳- ۳. ابن مغازلی شافعی در مناقب ص ۳۱۶ ح ۳۱۶، حصرمی در رشفه الصادی ص ۲۹ و ص ۶۴، علامه سمهودی در جواهر العقدين ص ۲۴۴.

است (۱) خداوند در شب معراج به پیامبر اسلام فرمود: ای محمد من تو را و علی را و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان تو را از سنخ نوری از نور خودم خلق کردم

یا محمد انی خلقتک و خلقت علیاً و فاطمه و الحسن و الحسین و الائمه من ولده من نور من نوری (۲) حضرت آدم در ساق عرش؛ ۵ نور را دید بصورت اشباح؛ خداوند به آدم فرمود: اگر این ۵ تن نبودند هیچ مخلوقی را حتی تو را نمی آفریدم و این ۵ نور مقدس حضرت محمد و امام علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین هستند التفت آدم یمنه العرش فاذا فی النور خمسه اشباح ... قال هولاء خمسه من ولدک لولا هم ما خلقتک (۳) پیامبر اکرم فرمود: من و اهل بیتم بصورت نور بودیم ۱۴ هزار سال قبل از خلقت آدم

انی و اهل بیتی کنا نوراً یسعی بین یدی الله قبل ان یخلق الله آدم باربعه عشر الف سنه (۴) پیامبر اکرم فرمود:

من از نور خدا آفریده شده ام و اهل بیت من از نور من خلقت شده اند

خلقت من نور الله و خلق اهل بیتی من نوری (۵) سبط بن جوزی حنفی در کتاب تذکره الخواص (۶) خطبه ای از مولا علی نقل کرده که حضرت به خلقت نوری پیامبر اسلام و ائمه هدی؛ اشاره و تاکید فرموده به خلاصه این خطبه زیبا توجه فرمائید: چون اراده خداوند تعلق گرفت بر اینکه خلایق را بیافریند، خلایق را پیش از گستردن زمین و برافراشتن آسمانها بصورتی استوار ساخت آنگاه پرتوی از نور عزت خویش افاضه نمود پس شعله ای از روشنایی آن درخشیدن گرفت و بالا رفت و بعد در آن صورت گرد آمد؛ در حالی که شکل پیامبر ما در آن صورت بود؛ پس خدا به او فرمود:

ص: ۲۱۹

۱-۱. تفسیر البرهان ج ۵ ص ۳۹۲ ح ۱۷.

۲-۲. مقتل الحسین؛ خوارزمی حنفی ص ۹۵ و ص ۹۶.

۳-۳. فرائد السمطين ج ۱ ص ۳۶ و ص ۳۷.

۴-۴. فرائد السمطين ج ۲ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰ ینابیع الموده ج ۲ ص ۲۱۲، غایه المرام باب ۵۹ ح ۴ ص ۲۶۶ کتاب سلیم ص ۱۰۱.

۵-۵. ینابیع الموده ج ۱ ص ۱۰۰؛ بحار الانوار ج ۱۵ ص ۲۰.

۶-۶. ص ۱۲۸ و ص ۱۲۹.

تو برگزیده ای و د نزد تو انواری به امانت نهاده شده است؛ اهل بیت را، پرچم هدایت و اسرار خود را بصورت امانت به ایشان دادم ... و آنها را بر تمام مخلوقاتم حجت قرار دادم آنگاه خداوند آنان را به پروردگاری خود گواه و بر وحدانیت خود از ایشان اقرار گرفت و این که امامت در میان ایشان و این نور به همراه آنهاست؛ بعد خداوند سایر موجودات را بعد از آفرینش اهل بیت آفرید؛ نور وجود اهل بیت از اصلاص شامخه و ارحام مطهره منتقل می شود، و در باطن ما نورافشانی می کند؛ از این رو، ما انوار آسمانها و زمین ها و کشتی نجات هستیم... و بوجود مهدی ما حجت های الهی؛ پایان می گیرد؛ و اوست خاتم ائمه و نجات دهنده امامت و پایان بخش نور

لما اراد الله ان ينشئ المخلوقات و يبدع الموجودات اقام الخلايق في صوره قبل دحو الارض و رفع السموات ثم افاض نوراً من نور عزه فلمع قبسا من ضيائه و سطح ثم اجتمع في تلك الصوره و فيها هيئه نبينا صلى الله عليه و آله و سلم فقال له تعالى انت المختار و عندك مستودع الانوار و انت المصطفى المنتخب الرضا المنتخب المرتضى ... و انصب اهل بيتك علماً للهدايه و اودع اسرارهم من سرى ... و اجعلهم حجتي على بريتي ثم اخذ الحق سبحانه عليهم الشهادة بالرئوبويه و الاقرار بالوحدانيه و ان الامامه فيهم و النور معهم ... و نصب العوالم و موج الماء و اثار الزبد و اهاج الدخان و فظفا عرشه على الماء ثم انشا الملائكه من انوار ابتداعها ... ثم خلق الله الارض و ما فيها و لم يزل ينتقل من الاصلاص الفاخره الى الارحام الطاهره الى ان وصل الى عبدالمطلب ثم الى عبدالله ثم الى نبيه... ثم لم يزل ذلك النور ينتقل فينا و يتشعشع في غرايزنا _ فنحن انوار السموات و الارض و سفن النجاه ... و بمهدينا تقطع الحجج فهو خاتم ائمه و منقذ الامه و منتهى النور(۱) حضرت فاطمه درباره مولا علی فرمود: اوست امام ربانی و هیكل نورانی

و هو الامام الربانی و الهيكل النورانی(۲)

مولا علی درباره خصوصیات امام معصوم می فرماید: و الامام بشر ملكی و جسد سماوی ... و نور جلی امام بشری فرشته صفت و دارای جسد آسمانی و نوری آشکار و تابان است؛ همه این ویژگی ها مخصوص آل محمد است و هرگز کسی در این امتیازات با آنها شریک نیست... خداوند عالم آنها را از نور عظمت خود آفریده

ص: ۲۲۰

۱- ۱. خطبه فی مدح النبی و الائمه مروج الذهب ج ۱ ص ۳۳؛ بحار الانوار ج ۷۷ ص ۳۰۰.

۲- ۲. الریاحین الشریعه ج ۱ ص ۹.

و هذا كله لال محمد لا يشاركهم فيه مشارك ... خلقهم الله من نور عظمته (۱) از حدیث خلقت نوری مولا علی دفاع کرده می گوید: اگر کسی بگوید این حدیث را ضعیف شمرده اند پاسخ این است که حدیثی را که ضعیف دانسته اند؛ الفاظ و اسنادش با این حدیث تفاوت دارد... و حدیثی را که ما روایت کرده ایم از نظر لفظ و عبارت متفاوت و از نظر سلسله سند روایانش موثق می باشند اما بررسی روایان حدیث خلقت نوری مولا علی (۱) عبدالرزاق صنعانی که مورد وثوق اهل سنت است؛ وی از بزرگترین مشایخ حدیثی احمد بن حنبل است؛ (۲) محمد بن راشد ابو عروه از دی که از رجال ترمذی، نسایی، ابن ماجه و ابوداود است (۲) (۳) زهری؛ ابن حجر در حق او گفته؛ فقیه و حافظ است و علماء بر جلالت او اتفاق دارند (۳) (۴) خالد بن معدان؛ ذهبی می گوید: او فقیه بزرگ و مخلص است (۴) (۵) عجلی؛ ابن جریر و نسایی او را توثیق کرده اند (۵) (۶) زاذان، که ذهبی او را ثقه معرفی کرده (۶) شاید آقایان وهابی بگویند سبط ابن جوزی عالم شیعه بوده که در لباس اهل سنت بوده و حرف و نظرات او اعتباری ندارد؛ شمس الدین ذهبی عالم رجالی اهل سنت درباره سبط بن جوزی می نویسد: یوسف بن قزعلی حنفی، پیشوا فقیه، تاریخ دان و در سخنوری یگانه بود، در تاریخ و سرگذشت، علامه و در نزد مردم بسیار قابل احترام و محبوب بود... فاضل، دانشمند و نکته سنج بود و با دولتمردانی که کارهای ناپسندی می کردند، مخالفت می کرد و همگان او را قبول داشتند

یوسف بن قزغلی بن عبدالله: الامام، الواعظ، المورخ، شمس الدین؛ ابوالمظفر التركي، ثم البغدادي العونى الحنفى؛ سبط الامام جمال الدين ابى الفرج ابن الجوزى، نزيل دمشق؛ ولد سنه احدى و ثمانين و خمسمائه ... و كان اماماً فقيهاً، واعظاً، وحيداً فى الوعظ، علامه فى التاريخ و السير، وافر الحرمة، محبا الى الناس... و كان فاضلاً عالماً، ظريفاً، منقطعاً، منكرأ على ارباب الدول ما هم عليه من

ص: ۲۲۱

۱- ۱. بحار الانوار ج ۲۵ ص ۱۶۹؛ و ص ۱۷۲ سبط بن جوزی حنفی در کتاب تذکره الخواص ص ۶۹.

۲- ۲. تهذيب التهذيب ج ۱ ص ۲۴۳.

۳- ۳. تقذيب التهذيب ج ۲ ص ۲۰۷.

۴- ۴. الكاشف ج ۱ ص ۲۷۴.

۵- ۵. تقريب التهذيب ج ۱ ص ۲۱۸ تهذيب التهذيب ج ۳ ص ۱۱۸.

۶- ۶. الكاشف ج ۱ ص ۲۷۴.

المنكرات متواضعاً صاحب قبول تام(۱). خلقت نوری ۱۴ معصوم عليهم السلام بطور كثير در روايات شيعه اشاره شده برای نمونه؛ امام چهارم فرمود: همانا خداوند پیامبر اسلام و علی و ۱۱ فرزند از صلب او را از نور عظمت خودش آفرید قبل از خلقت خلایق و آنها، خداوند را تسبیح و تقدیس می کردند

ان الله خلق محمداً و علیاً واحداً عشر من ولده من نور عظمته ... یعبدونه قبل خلق الخلق یسبحون الله و یقدسونه و هم الائمة من ولد رسول الله(۲)

امام صادق فرمود: همانا خداوند؛ ۱۴ هزار سال پیش از آنکه مخلوقات را آفرینش کند، ۱۴ نور آفرید که ارواح ما بود یعنی روح پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه از صلب حسین

ان الله تبارک و تعالی خلق اربعة عشر نوراً قبل خلق الخلق باربعة عشر الف عام فہی ارواحنا ... فقال: محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين و الائمة من ولدالحسین؛ _ (۳) و موید این مطلب تفسیر آیه ۳۷ سوره مبارکہ بقرہ است کہ حضرت آدم متوسل بہ ذات نوری؛ ائمه ہدی شد و این آیه ۳۷ سوره بقرہ، دلیل برتری ائمه ہدی بر پیامبران بغير از رسول اسلام دارد؛ وہابی مذکور کہ با او مباحثہ کردم می گفت در تفسیر هیچ عالم سنی نیامده کہ حضرت آدم بہ خمسہ طیبہ و ۵ تن آل عبا کہ بصورت انوار یعنی نورہا بودند متوسل شد و سبب قبولی توبہ آدم بہ توسل؛ ذات نوری ائمه طاہرین نبوده است؛ جهت نمونہ در دفع این شبہہ منابعی و مطالبی از عالمان بزرگ اہل سنت در توسل آدم بہ ائمه ہدی نقل می کنم؛ صفوری شافعی در کتاب نزہہ المجالس (۴) باب مناقب امام حسن و امام حسین؛ از امام صادق علیہ السلام روایت کردہ کہ حضرت در ذیل آیه ۳۷ سوره بقرہ فرمود: کہ حضرت آدم سر را بسوی قبہ در بہشت بلند کرد؛ دید کہ ۵ اسم مکتوب و نوشتہ شدہ بہ قلم نور؛ من محمودم و این محمد، من اعلی ہستم و این علی؛ من فاطر ہستم و این فاطمہ من محسن ہستم و این حسن، من احسان ہستم و این حسین، سپس جبرئیل گفت: ای ادم این

ص: ۲۲۲

۱- ۱. تاریخ الاسلام ج ۴۸ ص ۱۸۳ چاپ دارالکتاب العربی، لبنان.

۲- ۲. اصول کافی ج ۱ ص ۵۳۰ ح ۶.

۳- ۳. اکمال الدین شیخ صدوق ج ۲ باب ۳۳ ص ۷ ح ۷.

۴- ۴. ص ۴۱۹.

اسماء را حفظ کن که محتاج به آن می شوی؛ سپس آدم هبوط کرد و ۳۰۰ سال گریه و زاری کرد و سپس دعا کرد به این اسماء و گفت: ای خدا، بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، مرا بیامرز، وحی رسید: ای آدم اگر برای جمیع ذریه ات، چنین دعا کرده بودی همه آنان را می آمرزیدم؛

قال جعفر الصادق رضی الله عنه فی قوله تعالی فتلقى آدم من ربه کلمات کان آدم حواء جالسین فجاءهما _ جبرئیل و اتی بهما الی قصر من ذهب و فضه شرفاته من زمرد اخضر فیه سریر من الیاقوت احمد و علی السریر قبه من نور، فیها صوره فاطمه و علی راسها قاج و فی اذنیها قرطان من لولوء فی عنقها طوق من نور فتعجب حواء من نورها و تعجب آدم من نورها حتی نسی حسن حواء فقال ما هذه الصوره قال: فاطمه و التاج ابوها و الطوق زوجها و القرقان الحسن و الحسین قرفع آدم راسه الی القبه فوجد خمسه اسماء مکتوبه من النور؛ انا المحمود و هذا محمد و انا الاعلی و هذا علی، و انا الفاطر و هذه الفاطمه و انا المحسن و هذا الحسن و منی الاحسان و هذا الحسین فقال جبرئیل یا آدم احفظ هذه الاسماء فانک تحتاج الیهما، فلما هبط آدم بکی ثلثمائه عام ثم دعا بهذه الاسماء و قال یا رب بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین یا محمود یا اعلی یا فاطر یا محسن اغفر لی و تقبل توبتی فاوحی الله الیه یا آدم سالتنی فی جمیع ذریعتک لغفرت لهم؛ حاکم حسکانی نیشابوری حنفی (۱) نقل کرده؛ زمانی که حضرت آدم دچار خطیئه شد و خارج شد از جوار رب العالمین؛ جبرئیل نزد آدم آمد و گفت؛ خدای خودت را بخوان آدم گفت چگونه خدای خودم را بخوانم؛ جبرئیل گفت: بگو ای خدا؛ بحق ۵ تنی که از صلب من در آخر الزمان خارج می کنی توبه مرا بپذیرد و مرا بیامرزد و آن ۵ تن، محمد پیامبر اسلام و علی وصی او و فاطمه دختر پیامبر و حسن و حسین دو سبط پیامبر؛ پس آدم به حق ۵ تن خداوند را خواند و خداوند توبه او را بپذیرفت؛ و هیچ بنده ای نیست که خداوند را به حق ۵ تن آل عبا، قسم دهد مگر اینکه خداوند دعای او را مستجاب می کند

لما نزلت الخطیئه بآدم و اخرج من جوار رب العالمین اتاه جبرئیل فقال یا آدم ادع ربک قال: یا حبیب جبرئیل و بما ادعوا؟ قال یا رب اسالک بحق الخمسه الذین تخرجهم من صلبی فی آخر الزمان الاتبت علی و رحمتنی .. قال محمد النبی و علی الوصی و فاطمه بنت النبی، و الحسن و الحسین سبطی النبی فدعا بهم آدم فتاب الله

ص: ۲۲۳

علیه و ذلك قوله تعالى فتلقى آدم من ربه كلمات و ما من عبد يدعوا بها الا استجاب الله له؛ ديلمی؛ شیرویه بن شهردار (۱) نقل کرده؛ خداوند در زمانی که آدم هبوط کرد از بهشت او را به هند فرستاد و حوا همسرش را به جده تبعید کرد و زمانی که وقت توبه او فرا رسید؛ جبرئیل به او وحی کرد به این کلمات خداوند را بخوان که او توبه پذیر و آمرزنده گناهان است و آن کلمات اینچنین بود؛ خدایا بحق محمد و آل محمد که تو پاک و منزّه از هر نقصی و جز تو خدایی نیست من به نفسم ظلم کردم و تو غفور و مهربانی بحق محمد و آل محمد توبه مرا بپذیر؛ و این کلمات و دعاها بود که به حضرت آدم القاء و تلقین شد

فتلقى آدم من ربه كلمات فتاب عليه ... قال فعليك بهذه الكلمات التي اعلمكهن فان الله قابل توبتك و غافر ذنبك قال و ما هن قال قل اللهم اني اسئلك بحق محمد و آل محمد سبحانه لا اله الا انت عملت سوء او ظلمت نفسي و اغفر لي انك انت الغفور الرحيم اللهم اني اسئلك بحق محمد و آل محمد سبحانه لا اله الا انت عملت سوء او ظلمت نفسي تب علي انك انت التواب الرحيم فهولاء الكلمات التي تلقى آدم

ابن النجار از ابن عباس روایت کرد که از او سؤل شد آن کلماتی که به آدم تلقین شد و به سبب آن کلمات توبه آدم قبول شد آن کلمات چه بود؟ ابن عباس گفت؛ آدم؛ خداوند را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین خواند خداوند توبه او را پذیرفت (۲) علامه متقی هندی (۳) تفسیر آیه ۳۷ سوره بقره را نقل کرده، مولا علی از پیامبر سوال کرد آن کلماتی که آدم بر زبان خواند و به سبب آن توبه آدم قبل شد آن کلمات چه بوده؟ پیامبر اسلام فرمود: آدم بحق محمد و آل محمد، خداوند متعال را خواند و خدا توبه او را پذیرفت

عن علي قال سالت النبي عن قول الله فتلقى آدم من ربه كلمات، فصل في التفسير سورة البقره؛ قال فعليك بهذه الكلمات فان الله قابل توبتك و غافر ذنبك قل: اللهم اني اسئلك بحق محمد و آل محمد... اللهم اني اسئلك بحق محمد و آل محمد عملت سوء و ظلمت نفسي فتب علي انك التواب الرحيم فهولاء الكلمات التي تلقى آدم _ امام ثعلبي در تفسیر الكشف و البيان ذیل آیه ۳۷ سوره بقره روایات

ص: ۲۲۴

- ۱- ۱. در کتاب الفردوس بما ثور الخطاب ج ۳ ص ۱۵۱ ح، ۴۴۰۹ فصل فی تفسیر در ذیل آیه ۳۷ سوره بقره.
- ۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ج ۱ ص ۱۰۲ و ص ۱۰۳.
- ۳- ۳. در کنز العمال ج ۲ ص ۳۵۸ ح ۴۲۳۷ از مولا علی.

متفاوتی نقل کرده و در پاورقی ج ۱ ص ۱۸۴ ش ۵ _ تذکره الموضوعات ج ۱ ص ۹۸، تنزیه الشریعه ج ۱ ص ۱۹۵ _ اللالی المصنوعه ج ۱ ص ۳۶۹ روایت متقی هندی از کنز العمال در باب توسل آدم به ۵ تن آل عبا را نقل کرده است؛ ابوبکر سیوطی در تفسیر الدر المنثور ج ۱ ص ۳۲۳ و ص ۳۲۴ این تفسیر را نقل کرده است _ شوکانی در الفوائد المصنوعه ص ۳۹۴ ح ۱۲۳؛ صنعانی در الانصاف فی حقیقه الاولیاء ص ۹۷؛ سیوطی در اللالی المصنوعه ص ۴۰۴ ابن تیمیه ناصبی در المنهاج السنه ج ۷ ص ۱۳۰؛ محب الدین طبری در الریاض النضره و ابن حجر در صواعق ج ۱ ص ۲۳۷ از انس بن مالک یا تفاوت متن و محتوا با توسل آدم نقل کرده به این تفاوت که آدم به پیامبر و مولا علی و ابوبکر و عمر و عثمان متوسل شد تا توبه اش قبول شد _ عن انس بن مالک قال:

سمعت رسول الله يقول اخبرني ان الله تعالى لما خلق آدم و ادخل الروح في جسده امرني ان اخذ تفاحه من الجنة فاعصرها في حلقة فعصرتها في فمه خلقك الله من النقطه الاولى انت يا محمد و من الثانيه ابابكر و من الثالثه عمر و من الرابعه عثمان و من الخامسه علي؛ فقال آدم من هولاء الذين كرمتهم؟ فقال الله: هولاء خمسه اشباح من ذريتك و قال هولاء اكرم عندي من جميع خلقي قال: فلما عصى آدم ربه فقال: رب بحرمة اولئك الاشباح الخمسه الذين فضلتهم الاتبت على فتاب عليه؛

از روایت محب الدین طبری سُنی؛ معلوم می شود که جاعلان حدیث آنرا جعل کرده اند و ساخته اند تا فضیلتی برای خلفاء ثلاثه خود (ابوبکر و عمر و عثمان) بسازند در مقابل حدیث توسل آدم به ۵ تن آل عبا؛ قندوزی حنفی (۱) نقل کرده؛ استاد ذهبی؛ امام جوینی شافعی در فرائد السمطین ج ۱ ص ۳۶ و ص ۳۷؛ توسل آدم به ۵ تن آل عبا را ذکر کرده _ خداوند به حضرت آدم فرمود: هر گاه حاجتی داشتی به این ۵ تن متوسل شو

فاذا كان لك الى حاجه فبهولاء توسل؛ اصل روایت توسل حضرت آدم به ۵ تن آل عبا، فقیه شافعی اهل سنت، ابن مغزلی در کتبش با سلسه سند نقل کرده؛ البته،

ص: ۲۲۵

۱-۱. در ینابیع الموده ج ۲ ص ۱۱۲ باب ۲۴ ح ۴ و ۵ و ۶؛ حدیث توسل آدم به ۵ تن آل عبا ذیل آیه ۳۷ سوره بقره.

سیوطی، دیلمی، متقی هندی، شوکانی، ابن تیمیه، صنعانی این حدیث را موضوع و جعلی خوانده اند اما طبق قائده طرق و تعدد حدیث؛ این حدیث را تقویت می کند چون این روایت را هم بطور کثیر منابع شیعه نقل کرده اند _ ابن مغزلی (۱) نقل کرده عن ابن عبدالله بن عباس قال: سئل النبي عن الكلمات التي تلقى آدم من ربه فتاب عليه قال: ساله بحق محمد و علي و فاطمه و الحسن و الحسين الا ثبت علي فتاب عليه؛ سمعاني در الانساب ص ۱۴۶ درباره شخصیت ابن مغزلی شافعی می نویسد: همانا او فاضل عارف و آشنا به رجال و علم حدیث و حریص به شنیدن حدیث و طالب علم بوده است. فتح الربانی شوکانی ج ۱ ص ۲۸۸، تذکره الموضوعات ج ۱ ص ۹۸ حدیث توسل آدم به پنج تن را نقل کرده اند

كان فاضلاً عارفاً برجالات واسط و حدیثهم و كان حريصاً على سماع الحديث و طلبه؛ زبیدی در تاج العروس (۲) درباره ابن مغزلی شافعی می نویسد: او عالم مورخ بود؛ _ و ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن الطیب الجلابی عالم مورخ ... علامه شیخ جمال الدین محمد بن احمد حنفی در (۳) بحر المناقب می نویسد: ای آدم اگر این اسماء ۵ تن آل عبا نبود، زمین و آسمان را نمی آفریدم؛

قال يا آدم لولا هذه الاسما لما خلقت سماء مبينه و لا ارضاً مدحيه ذهبی؛ حدیث توسل آدم به خمسه طيبه را در الموضوعات ابن جوزی (۴) بعنوان حدیث موضوع نقل کرده

و لا ملكا مقربا و لا نبياً مرسلًا و لا خلقتك يا آدم فقال الهی و سیدی فبحقهم عليك الاغفرت لي خطيئتي فكنا نحن الكلمات التي قال الله فتلقى آدم من ربه كلمات (۵) به نقل از احقاق الحق (۶) نقل شده که آدم گفت بحق محمد و آلش مرا بیامرزد _ اسالك بحق محمد و آله الاغفرت لي الي قوله و لو لا هو ما خلقتك؛ (۷)؛ امام

ص: ۲۲۶

۱-۱. در کتاب المناقب ح ۸۹ ص ۱۰۴ حدیث توسل آدم را با سلسه سند.

۲-۲. ج ۱ ص ۱۸۶.

۳-۳. ص ۲۶۵.

۴-۴. ح ۳۳۱. مناوی بعنوان منقبت حدیث توسل آدم را نقل کرده - اتحاف السائل ج ۱ ص ۷۶

۵-۵. مفتاح النجاء البدخشی ص ۱۶.

۶-۶. ج ۳ ص ۷۷ از تفسیر اللوامع ج ۱ ص ۲۱۵ از عمر ابن الخطاب.

۷-۷. محمد بن سلیمان یمنی در مناقب امیرالمومنین ح ۴ ص ۴۹۲

مالک این حدیث را در باب توسل حضرت آدم به پیامبر اسلام؛ تأیید و تأکید کرده به خلیفه عباسی منصور دوانیقی لعنت الله علیه امام مالک به منصور دوانیقی ملعون گفت: پیامبر اسلام وسیله تو و وسیله پدرت حضرت آدم است. _

ولم تصرف وجهك عنه وهو وسيلتك و وسیله ابیک آدم _ الشفاء قاضی عیاض ج ۲ ص ۴۱، جوهر المنظم ج ۱ ص ۲۴۸ قد روی هذا بسند صحیح؛ تفسیر ثعلبی ج ۱ ص ۱۸۴؛ تاریخ مدینه دمشق ج ۷ ص ۳۸۶؛ فتوح الشام و اقدی ج ۱ ص ۱۸۰؛ سبل الهدی والرشاد ج ۱۲ ص ۳۹۵؛ الوفاء وفاء ج ۱ ص ۵۱؛ ابن تیمیه ناصبی در مجموعه الفتاوی ج ۲ ص ۹۵ و به نقل سایت وهابی مکتبه اسلامیة (اسلام ویب) حدیث توسل حضرت آدم به پیامبر را با تأیید صحیح بودن روایت نقل کرده

فلما غرهما الشيطان تابا واستشفعا باسمي اليه لما اصاب آدم الخطيئه رفع راسه فقال يا رب بحق محمد الاغفرت لي؛ از جمله آیاتی که در قرآن کریم؛ فضیلت و برتری بی نظیر مولا علی بر تمام خلائق و پیامبران بغیر از نبی اسلام ثابت و اشاره می کند؛ آیه ۵۸ سوره مبارکه یونس است؛ در تفسیر این آیه ابن عباس می گوید: فضل خدا، پیامبر و رحمت خداوند؛ علی است؛ و تمام خلائق و پیامبران الهی؛ بغیر از نبی اسلام؛ به فضل و رحمت خدا؛ نیازمند هستند و جلوه رحمت و فضل خدا؛ پیامبر اسلام و علی مرتضی هستند و به همین دلیل؛ مولا علی بر تمام خلائق و پیامبران بغیر از رسول اسلام افضل و برتر می باشد؛

عن ابن عباس: في قوله تعالى: قل بفضل الله و برحمته: الايه قال: بفضل الله: النبي و برحمه علي _ شواهد التنزيل ح ۳۶۵، تاریخ بغداد ج ۵ ص ۱۵، تاریخ دمشق ج ۲ ص ۴۲۶، الدر المنثور ج ۳ ص ۳۰۹؛ اصلاً ائمه هدی در ۵ چیز به اقرار علمای اهل سنت با پیامبر اسلام؛ مساوی، شریک و برابر هستند؛ ای ناصبی کور از حقائق قرآن و سنت وقتی ائمه ۱۲ گانه شیعه و حضرت زهرا؛ با پیامبر اکرم رحمت للعالمین در ۵ صفت مهم برابر هستند؛ چگونه پیامبران بر آنان برتری می توانند داشته باشند؛ آیا مگر رسول اسلام بر تمام خلائق سید و سرور نیست که هست؟! فخر الدین رازی می گوید: اهل بیت در ۵ چیز با پیامبر مساوی هستند (۱) در سلام که گفت اسلام علیک ایها النبی و برای اهل بیتش فرمود سلام علی آل یاسین؛ (۲)

در صلوات بر پیامبر و خاندان او (۳) در طهارت و پاکیزگی به پیامبر فرمود (طه) و به خاندانش فرمود يطهرکم تطهیراً (۴) حرام کردن صدقه بر پیامبر و آل او از جانب خدا (۵) و در دوستی که فرمود هر که مرا دوست دارد از پیامبر متابعت کند و فرمود ای پیامبر بگو من از شما مزد رسالت نمی خواهم مگر دوستی خاندانم

جعل الله اهل بيت النبي مساوين له في خمسة اشياء وعدها ان اهل بيته يساونه في خمسة اشياء؛ ان الله تعالى جعل اهل بيت نبيه مطابقاً له في اشياء كثيرة... في السلام قال: السلام عليك ايها النبي و قال سلام على آل ياسين؛ و في الصلاه عليه و عليهم في التشهد و في الطهاره قال تعالى ظه يا طاهر و قال يطهرکم تطهیراً و في تحريم الصدقه و في المحبه قال تعالى: قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله و قال قل لا اسئلكم عليه اجراً الا الموده في القربى _ صواعق المحرقه ص ۱۴۹ باب ۱۱ فصل ۱، آيه ۳؛ جواهر العقدين ج ۲ ص ۱۶۶؛ ينابيع الموده ج ۱ ص ۲۷۰، شهبای پیشاور ج ۱ ص ۲۵۳ با تحقیق شیخ عبدالرضا درایتی؛ اهل بیت از دیدگاه قرآن و سنت ص ۳۳ و ص ۳۴ نوشته ابن مالک؛ قبل از آنکه یکی دیگر از برتری ائمه هدی بر پیامبران را به شما خوانندگان عرضه بدارم این مطلب را مبرهن کنم که تمام انبیاء بغیر از رسول اسلام به ۱۴ معصوم؛ توسل و تمسک داشته اند؛ پیامبر اکرم فرمود: چون آدم ترک اولی انجام داد توبه اش این بود که گفت: خداوندا تو را می خوانم به محمد و آل محمد که بر من ببخشایی _ ان آدم لما اصاب الخطیئه کانت توبته ان قال:

اللهم انی اسألك بحق محمد و آل محمد لما غفرت لی فغفرالله له؛ چون حضرت نوح بر کشتی سوار و از غرق شدن ترسید فرمود: خدایا تو را به محمد و آل محمد می خوانم که از غرق شدن حفظم کنی و خداوند حفظش کرد؛ _

و ان نوحاً لما ركب في السفينه و خاف الغرق قال: اللهم انی اسألك بحق محمد و آل محمد لما انجيتنی من الغرق فنجاه الله منه و حضرت ابراهيم چون در آتش انداخته شد فرمود: خدایا تو را به محمد و آل محمد می خوانم که نجاتم دهی و خدا آتش را بر او سرد و سالم کرد؛

ان ابراهيم لما القى في النار قال: اللهم انی اسألك بحق محمد لما نجيتنی منها؛ فجعلها الله عليه برداً و سلاماً _ و موسی چون عصایش را افکند و در جانش ترسید فرمود: خدایا تو را به محمد و آل محمد می خوانم که محافظتم کنی. پس خدا فرمود

ان موسى لما القى عصاه و اوجس في نفسه خليفه قال: اللهم اني اسالك بحق محمد و آل محمد لما امتني(۱)؛

امام رضا فرمود چون حضرت نوح در آستانه غرق قرار گرفت، خدا را به حق ما خواند و خداوند نجاتش داد و چون حضرت ابراهیم در آتش انداخته شد، خدا را به حق ما خواند و خدا آتش را بر او سرد و سالم قرار داد و چون موسی راه دریا را گرفت، خدا را بحق ما خواند و آن راه برایش خشکی شد و چون یهود کشتن عیسی را بنا نهادند، خدا را بحق ما خواند، خدا او را نجات داد و نزد خود برد.

لما اشرف نوح على الغرق دعا الله بحقنا فدفع الله عنه الغرق و لما رمى ابراهيم في النار دعا الله بحقنا فجعل الله النار عليه برداً و سلاماً و ان موسى لما ضرب طريقاً في البحر دعا الله بحقنا فجعلها يبسا و ان عيسى لما اراد اليهود قتله دعا الله بحقنا فنجى من القتل فرفعه اليه؛ (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند هزار سال پیش از خلقت اجسام ارواح را آفرید و برترین آنها ارواح محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین و ائمه بعد آنها قرار داد؛ جبرئیل به آدم و حوا فرمود: خداوند را به نام هایی که بر عرش الهی می بینید بخوانید تا شما را بیمارزد؛ پس گفتند؛ خداوند تو را بحق بزرگواران نزد تو می خوانیم محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه که بر ما ببخشی و بر ما رحم کنی، پس خداوند بر آنها بخشید. (۳)

ان الله تبارك و تعالى خلق الارواح محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين و الائمة بعدهم... قال جبرائيل لآدم و حواء: فسلا ربكما بحق الاسماء التي رايتموها على ساق العرش حتى يتوب عليكما فقالا: اللهم انا نسالك بحق الاكرمين عليك: محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين و الائمة الا تبت علينا و رحمتنا فتاب الله عليهما انه هو التواب الرحيم؛

آز جمله فضایلی که مولا علی و ائمه هدی و ۱۴ معصوم علیهم السلام بر تمام پیامبران دارند این است که خداوند حق خمس مال یک پنجم مال را به آنان اختصاص داده و این

ص: ۲۲۹

-
- ۱-۱. روضه الواعظین ص ۲۷۲، الدر الثمین حافظ رجب برسی حلی ص ۳۵
 - ۲-۲. بحار الانوار ج ۲۶ ص ۳۲۵ و ج ۱۶ ص ۳۶۶، الدر الثمین حافظ رجب ص ۳۵؛
 - ۳-۳. معانی الاخبار ص ۱۱۰ باب معنی الامانه، بحار الانوار ج ۱۱ ص ۱۷۲

حق الهی را به هیچ نبی و پیامبری سابقه از امم سلف نداده است _ امام رضا علیه السلام در ذیل آیه ۴۱ سوره انفال فرمود: خداوند در این آیه سهم خویشاوندان پیامبر را با سهم خود و رسولش همراه کرده است پس این سخن خدا؛ نیز فضیلت برای آل پیامبر است، به همین دلیل در غنیمت از خود آغاز کرده و سپس به ستایش رسول اسلام و آل محمد پرداخته و آنچه برای خود پسندیده برای آنان هم پسندیده،

انما غنمتم من شیء فان الله خمسہ و للرسول ولذی القربی ... ففرن سهم ذی القربی بسهمه و بسهم رسوله فهذا؛ فضل ایضاً للال دون الامه ... (۱)

امام زین العابدین در هنگام ورود به دروازه شام به مرد شامی فرمود: آیا این آیه را در سوره انفال درباره خمس نخوانده ای؟! مرد شامی گفت بله: امام زین العابدین فرمود: منظور این آیه درباره خمس در مورد ما اهل بیت است

قال علی بن الحسین رضی الله عنه لرجل من اهل الشام: اما قرأت فی الانفال: واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسہ و للرسول ... الا یہ قال: نعم قال نحن هم قال: فانکم لانتم هم قال: نعم (۲)

پیامبر اکرم فرمود: برای شما اهل البیت هیچ چیز از صدقات را حلال و روا نمی دانم زیرا یک پنجم (خمس) برای شما کافی است

لا احل لکم اهل البیت من الصدقات شیئاً و لا غسله الایدی ان لکم فی خمس الخمس ما یکفیکم (۳)

امام محمد بن ادریس شافعی در کتاب الامام ج ۲ ص ۱۰۶ و ص ۱۰۷ کتاب قسم الصدقات درباره خمس آل محمد می نویسد: به آل محمد که خداوند خمس را در عوض صدقه برای آنها معین نموده نباید از صدقات واجبه کم یا زیاد به آنها داده شود و بر آنها حلال نیست که اخذ صدقه کنند منع نمودن حق خمس از آنها سبب حلال شدن صدقه بر آل محمد نمی شود

و اما آل محمد الذین جعل لهم الخمس عوضاً من الصدقه فلا یعطون من

ص: ۲۳۰

۱- ۱. ینایع الموده قندوزی حنفی ج ۱ ص ۲۹۶، عیون الاخبار الرضا، شیخ صدوق ج ۱ ص ۲۰۷ نور الابصار شبلنجی ص ۲۲۷؛ الدر المنثور ج ۳ ص ۲۳۸

۲- ۲. تفسیر طبری ص ۵۱۰ ذیل آیه، تهذیب التهذیب ج ۱۱ ص ۴۲۵ مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۲۴۸

۳- ۳. المعجم الکبیر طبرانی ج ۱۱ ص ۱۷۳ ح ۱۱۵۴۳؛ مجمع الزوائد ج ۳ ص ۹۱ جواهر العقدين ج ۲ ص ۱۵۰، ینایع الموده قندوزی حنفی ج ۱ ص ۲۶۴

الصدقات المفروضات شيئاً قل اوكثر لا يحل لهم ان ياخذوها ولا يجزى عن يعطيهموها اذا عرفهم و ليس منعهم حقهم في الخمس يحل لهم ما حرم عليهم من الصدقه

بعضی از علمای اهل سنت مثل زمخشری در الکشاف ج ۲ ص ۲۱۴ ذیل آیه ۴۱ انفال می نویسد: بنی هاشم در زمان پیامبر، خمس مال دریافت می کردند ولی بعد از وفات پیامبر اکرم از آنها ساقط شد

و اما بعد رسول الله فسهمه ساقط بموته (۱)؛ _ و منع فاطمه و اهل البيت عن خمسهم و لم يكن ذلك في زمن النبي؛ مولا علی درباره آیه ۴۱ سوره انفال فرمود: خمس مخصوص ماست و ما را در صدقه سهمی نیست این کرامتی است که خداوند؛ پیامبر خود و خندان او را با آن گرامی داشته و ما را از چرکهای دستهای مسلمین برتری داده است

عن علی ابن ابی طالب فی قول الله تعالی و اعلموا انما غنمتم من شیء الا-یه قال: لنا خاصه و لم يجعل لنا فی الصدقه نصیباً کرامه اکرم الله تعالی نبیه و آله بها و اکرمنا عن اوساخ ایدی المسلمین (۲)

مجاهد گفت: برای پیامبر و اهل بیت معصوم او صدقه حلال نبود پس برای آنها خمس مال قرار داد

عن مجاهد قال: كان النبي و اهل بيته لا تحل لهم الصدقه فجعل لهم الخمس (۳)

از جمله ادله برای برتری مولا علی بر پیامبران بغیر از رسول اسلام این است که پیامبر اکرم فرمود: و برای خویش چیزی از خدا نخواستم مگر آنکه آنرا برای تو ای علی نیز خواستم

و ما سالت لنفسي شيئاً الا سالت لك (۴)؛

و خداوند فضل و کرم و لطف بی دریغ و فراوان بر نبی اسلام داشته و دارد و آنچه به پیامبر اکرم عطاء و فضل روز قیامت کند که راضی و خشنود باشد و او را به مقام محمود و پسندیده فائز فرموده همان مقامات فضل الهی عالی؛ را خداوند و

ص: ۲۳۱

۱-۱. شرح تجرید قوشچی ص ۳۷۴ مقصد ۵

۲-۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۱۲۸ ح ۲۹۲

۳-۳. شواهد التنزیل ص ۱۳۰ ح ۲۹۶

۴-۴. خصائص نسایی ج ۱ ص ۱۵۶، سنن الکبری نسایی ج ۵ ص ۱۵۱، تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۳۱۱

رسول اسلام به مولا- علی، چون نفس پیامبر اسلام است، لطف و عنایات ویژه کرده و به همین دلیل هم مولا- علی بر تمام خلائق و پیامبران بغیر از رسول اسلام افضل و برتر می باشد؛ ان فضله کان علیک کبیراً(۱)

عسی ان یبعثک ربک مقاماً محموداً (۲)

و لسوف یعطیک ربک فترضی (۳)

از جمله فضائل بی نظیر مولا علی و ائمه هدی این است که اسماء و نامهای مقدس و مبارک آنان در ساق عرش قبل از خلقت جن و انس، زینت بخش عرش الهی بوده است و این فضیلت بی نظیر شامل هیچ پیامبر و نبی و رسولی بغیر از رسول اسلام و ائمه هدی نشده؛ پیامبر اکرم می فرماید: هنگامی که به آسمان عروج کردم و بالا رفتم دیدم بر عرش نوشته شده خدایی جز خدای یکتا و بی همتا نیست، محمد رسول و فرستاده اوست او را با علی پشتیبانی و حمایت کردم _ لما اسری بی الی السماء فاذا علی العرش لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بعلی (۴)

ابوالحسین عبدالباقی بن قانع رسول اکرم می فرماید: هنگامی که به سوی آسمانها عروج کردم دیدم بر روی درب بهشت چنین نوشته: خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد فرستاده اوست، او را دو هزار سال پیش از خلقت آسمانها و زمین با علی حمایت کردم

مکتوب علی باب الجنه: لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بعلی قبل ان یخلق السموات و الارض بالفی سنه(۵)

مکتوب علی باب الجنه محمد رسول الله، علی اخو رسول الله قبل ان یخلق الله السموات بالفی عام.(۶)

پیامبر اکرم فرمود: بر در بهشت نوشته است _ محمد پیامبر خدا و علی برادر

ص: ۲۳۲

۱- ۱. سراء آیه ۸۷

۲- ۲. اسراء آیه ۷۹

۳- ۳. سوره ضحی آیه ۵

۴- ۴. شمس الاخبار ص ۳۵، مصباح الظلام ج ۲ ص ۵۶، فیض القدیج ج ۴ ص ۳۵۵ _ معجم الکبیر طبرانی ج ۲۲ ص ۲۰۰،

تاریخ بغداد ج ۱۱ ص ۱۷۳، معجم الصحابه ۳ ص ۲۰۲

۵- ۵. تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۳۳۶، میزان الاعتدال ذهبی ج ۱ ص ۴۳۳

۶- ۶. المناقب ابن مغزلی ص ۹۱ ذخائر العقبی طبری ص ۶۶

رسول خداست و این از (۲) هزار سال قبل از خلقت آسمانها نوشته و مکتوب شده است؛ پیامبر اکرم فرمود: آن شبی که مرا به آسمانها بردند، دیدم بر سر در بهشت نوشته شده، نیست معبودی جز الله، محمد رسول خدا، علی حبیب خدا، حسن و حسین برگزیدگان خدا _ فاطمه کنیز خدا، بر دشمنانشان لعنت خدا

لا اله الا الله محمد رسول الله، علی حبیب الله الحسن و الحسين صفوه الله، فاطمه امه الله، علی باغضیهم لعنه الله (۱)؛

رایت ليله اسرى بی الى السماء علی العرش مکتوباً: لا اله الا انا وحدي لا شرک لی و محمد عبدی و رسولی ایدته بعلي فذلک قوله: هو الذی ایدک بنصره و بالمومنین _ (۲) مکتوب علی باب الجنه قبل ان یخلق السماوات و الارض بالفی عام: لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بعلي .. (۳)

مکتوب علی العرش: لا اله الا الله محمد رسول الله هو نبی الرحمه و علی مقیم الحجه؛ پیامبر اکرم می فرماید؛ شبی که بسوی آسمان عروج کردم و بالا رفتم دیدم بر ساق عرش مکتوب و نوشته شده؛ معبودی جز خدای یکتا نمی باشد؛ محمد پیامبر من هست، بوسیله علی او را یاری کردم سپس بوسیله حسن و حسین دیدم نام ۳ علی و دیدم نام ۲ محمد و نام جعفر و موسی و حسن و حجت که ۱۲ اسم مکتوب به قلم نور بود؛ سوال کردم: خدایا این نام های نورانی مکتوب شده در ساق عرش چیست؟! خداوند فرمود: ای محمد اینان امامان بعد از تو هستند که از پاکان و نیکان ذریه و نسل تو می باشند

لما عرج بی الى السماء رایت مکتوباً علی ساق العرش بالنور: لا اله الا الله؛ محمد رسول الله؛ ایدته بعلي بن ابی طالب و نصرته به، ثم الحسن و الحسين و رایت علیاً علیاً علیاً ثلاث مرات و رایت محمداً محمداً مرتین و جعفرأ و موسی و الحسن و الحجه؛ اثنی عشر اسماً مکتوباً بالنور فقلت: یا رب اسماء من هولاء

ص: ۲۳۳

- ۱- ۱. میزان الاعتدال ذهبی ج ۲ ص ۲۱۷ سیوطی در در المثنور ذیل آیه اول سوره اسراء، حلیه الاولیاء ج ۳ ص ۲۶؛ کنز العمال ج ۱۵ ص ۱۵۸ جزء ۶، فرائد السطین ج ۱ ص ۲۴۰ ص ۲۳۹ ح ۱۸۶
- ۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۲۹۹ و ح ۳۰۰ ح ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ _
- ۳- ۳. نظم در رالسمطین زرندی حنفی ص ۱۲۰، مجمع الزوائد ج ۹، ص ۱۲۱؛ ینابیع الموده ص ۱۱ و ص ۹۴؛ مناقب خوارزمی ص ۸۸، مقتل الحسین خوارزمی ج ۱ ص ۳۸ تذکره الخواص ص ۲۲؛ مسند احمد حنبل ج ۵ ص ۴۶، موده القربی ص ۱۹ _

الذین قد قرنتمهم بی؟ فنودیت یا محمد؛ هم الائمہ بعدک و الاخیار من ذریعتک(۱)

از جمله فضائل بی نظیر مولا- علی که برتری او را بر تمام پیامبران و خلائق بغیر از رسول اسلام می رساند این است که نبی اکرم فرمود: من و علی، حجت خدا بر تمام عبد و بندگان خدا هستیم؛ پیامبران، فرشتگان هم مصداق حقیقی عباد و بندگان خداوند هستند و به همین دلیل پیامبر اسلام و مولا علی بر آنان حجت، گواه، شاهد و دلیل هستند

قال رسول الله: انا و علی حجه الله علی عباده (۲)

از جمله فضایل و برتری های بی نظیر ائمه ۱۲ گانه شیعه بر پیامبران و خلائق بغیر از رسول اسلام این است که خداوند متعال؛ دوستی، محبت، مودت به آنان را مزد و اجر رسالت پیامبر اسلام قرار داده است، امام رضا علیه السلام فرمود: سخن خداوند در سوره شوری آیه ۲۳ خصوصیتی است برای پیامبر اسلام و خاندان او تا روز قیامت نه برای دیگران؛ خداوند فقط به این دلیل دوستی اهل بیت را واجب قرار داد که می دانست آنان هرگز از دین خدا جدا نمی شوند و هرگز به گمراهی باز نمی گردند ... این دوستی از سوی خدا بر همه مومنان واجب است؛ بعضی گفتند منظور از خویشاوندان پیامبر تمامی قوم عرب و امت او هستند در هر حال می دانیم که منظور از دوستی که خداوند واجب قرار داده دوستی خویشاوندان و هر کدام از این خویشاوندان که به آن حضرت نزدیکتر باشد به دوستی سزاوارتر است و دوستی به اندازه نزدیکی خویشاوندی است

هذه خصوصیه للنبی الی یوم القیامه و خصوصیه للال دون غیرهم ... و لم یفرض الله تعالی مودتهم الا و قد علم انهم لایرتدون عن الدین ابدأً و لایرجعون الی ضلال ابدأً: ... فای فضیله وای شرف یتقدم هذا او یدانیه؟... فهذه الموده فریضه من الله تعالی علی کافه المومنین... فقد علمنا ان الموده هی للقرابه فاقربهم من

ص: ۲۳۴

-
- ۱- ۱. کفایه الاثر ص ۱۰۵ و ص ۱۰۶ اصول دین مقدس اردبیلی ص ۱۷۲؛ الانصاف ص ۹۷ ح ۸۳؛ حدیقه الشیعه؛ مقدس اردبیلی ص ۴۸۸؛ پرتوی از امامت در قرآن و سنت ص ۱۵۲ نوشته مداح ابن مالک؛ کفایه الاثر ص ۲۴۵؛ سوالات ما، استاد حسین تهرانی ص ۷۷۴ الغدیر علامه امینی ص ۱۶۷ ج ۳
 - ۲- ۲. کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۲۰ ح ۳۳۰۱۳، تاریخ بغداد ج ۲ ص ۸۸؛ کنوز الحقایق ص ۴۶؛ المناقب لابن مغزلی ص ۴۵ ح ۶۷ تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۰۹؛ انا و هذا (علی) حجه علی امتی یوم القیامه؛ ریاض النضره طبری ج ۲ ص ۱۹۳؛

اما شان نزول آیه مودت (آیه ۲۳ سوره شوری) درباره چه کسانی است؟! ابن عباس می گوید وقتی آیه ۲۳ سوره شوری نازل شد از پیامبر سوال کردم آن اقربا و خویشان که دوستی و محبت به آنان واجب است چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و پسرانش

عن ابن عباس قال: لما نزلت (قل لا اسالکم علیہ اجرًا الا الموده فی القربی) قالوا: یا رسول الله من قرابتک هؤلاء الذین و جبت علینا مودتهم؟ قال: علی و فاطمه و ابناهما (۲)

جناب وهابی؛ هیچ پیامبری برای خودش از امتش درخواست مزد و اجر و پاداش نکرد و گفت مزد من با خداست با ولی خداوند به پیامبر اسلام؛ افضل خلائق دستور می دهد بگو مزد رسالت نمی خواهم مگر دوستی خاندانم؛ و دوستی این خاندان مطهر و دوستی پیامبر اسلام وصل و متصل است به دوستی خداوند قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۳۱ می فرماید: بگو ای پیامبر اگر خدا را دوست دارید از من (پیامبر) پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد

قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله (۳)

از ابن عباس روایت کرده که گفت: رسول خدا فرمود: خدا را دوست بدارید بخاطر نعمتهایش و مرا دوست بدارید به خاطر خدا و اهل بیتم را دوست بدارید به خاطر من

من احبوا الله تعالی یغذوکم به من نعمته و احبونی لحب الله تعالی واحبوا اهل بیتی لِحَبِّی (۴)

ص: ۲۳۵

۱- ۱. ینابیع الموده ج ۱ ص ۲۸۸

۲- ۲. الکشف و البیان ثعلبی ج ۸ ص ۳۱۰، معجم الکبیر طبرانی ج ۳ ص ۳۹، صواعق المحرقة ص ۱۷۰، جامع البیان طبری ج ۱۳ ص ۳۳، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۱ ص ۳۳۵؛ تفسیر الکبیر رازی ج ۲۷ ص ۱۶۶، تفسیر بیضاوی ج ۴ ص ۹۱؛ غرائب القرآن الدر المثور ج ۵ ص ۷۰۱، تفسیر کشاف ج ۴ ص ۲۱۳ _ تفسیر القرآن ابن کثیر ج ۴ ص ۱۰۱، المستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۸۹ _ تفسیر الوسیط و احدی ج ۴ ص ۵۲ ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۱۵، فرائد المسطین ج ۲ ص ۱۳؛ مطالب السوول ص ۴۰؛ مناقب ابن مغازلی ص ۳۰۹؛ نورالابصار ص ۲۲۷؛ مناقب ابن مردویه ص ۳۱۶، الاتحاف ص ۱۷، احیاء المیت ص ۸؛ فصول المهمه ج ۱ ص ۱۵۵؛ کفایه الطالب ص ۹۱؛ شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۸۹ ح ۸۲۲؛ مسند احمد ج ۱ ص ۱۹۹

۳- ۳. ترمذی در صحیح خود ج ۲ ص ۳۰۸

۴- ۴. محمد اسماعیل بخاری در کتاب الصحیح البخاری ج ۶ ص ۳۷ ذیل آیه ۲۳ سوره شوری از ابن عباس روایت کرده که منظور از قربی آل محمد است؛ ذخائر العقبی ص ۲۵؛ مجمع الزوائد ج ۷ ص ۱۰۳، قرطبی در تفسیرش ج ۸ ص ۴۳ نظم در الراسمطین ص ۲۳۱؛ تاریخ الاسلام ذهبی ج ۱۰ ص ۲۹۶؛ الجامع الصغیر سیوطی ج ۱ ص ۳۹ الکامل ابن عدی ج ۷ ص ۱۱۲؛

جامع الاصول ابن اثير ج ٢ ص ٤١٥؛ حليه الاولياء ج ٣ ص ٢٠١؛ تفسير ابن ابي حاتم ج ١٠ ص ٣٢٧٥؛ و ...

یکی دیگر از فضائل و برتری ائمه ۱۲ گانه شیعه بر پیامبران الهی؛ بغیر از بر رسول اسلام؛ آیه ۵۵ سوره مائده است که معروف به آیه ولایت می باشد و این آیه شریفه یکی از آیات امامت و ولایت است و بقول علمای شیعه محکم ترین آیه قرآن راجع به امامت خاصه الهی ائمه ۱۲ گانه شیعه؛ آیه ۵۵ سوره مائده است که معروف به آیه ولایت می باشد و این آیه شریفه یکی از آیات امامت و ولایت است و بقول علمای شیعه محکم ترین آیه قرآن راجع به امامت خاصه الهی ائمه ۱۲ گانه شیعه، همین آیه کریمه است؛ سائل و گدایی از کنار پیامبر اسلام عبور کرد و در دستش خاتم و انگشتری بود؛ پیامبر اکرم از او سوال کرد این انگشتر را چه کسی به تو عطاء کرد، گدا گفت: آن آقای که در حال رکوع بود و او علی ابن ابی طالب بود که داشت در مسجد نماز می خواند سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سپاس خداوندی که قرار داد این فضیلت را در من و در اهل بیت من سپس آیه ولایت نازل شد همانا ولی شما تنها خداوند است و رسول او (حضرت محمد) و کسانی که ایمان آورده اند و در حال رکوع زکات می دهند

مّر سائل بالنبی و فی یده خاتم فقال: من اعطاک هذا الخاتم؟ قال ذاک الراجح؛ و کان علی یصلی؛ فقل للنبی؛ الحمد لله الذی جعلها فی و فی اهل بیتی (انما ولیکم الله و رسوله) الایه و کان علی خاتمه الذی تصدق به، سبحان من فخری بانی له عبد؛ (۱)

نزول آیه الولایه؛ همانطور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ذیل این آیه شریفه فرموده این فضیلت و برتری فقط درباره ائمه ۱۲ گانه شیعه جمع شده و سایر پیامبران به این فضل و فیض نائل نشدند و به همین دلیل محکم، ائمه ۱۲ گانه ما؛ بر تمام پیامبران بغیر از رسول اسلام ارجح و افضل هستند، درباره این آیه شریفه دشمنان اهل بیت و نواصب گذشته و عصر حاضر، زیاد شبهه و مغلطه اشاعه داده اند که بطور توان و

ص: ۲۳۶

اختصار به تمام شبهات آنان، پاسخ مختصر داده می شود؛ از جمله عبادت مالی و بدنی در یک وقت از مولا علی صادر گردید و جامع این دو صفت عظیم و بی نظیر در حالت واحد؛ علی ابن ابی طالب است. (۱)

مرحوم علامه امینی نجفی علیه الرحمه و الرضوان در کتاب پرارزش الغدير ج ۳ از ص ۲۲۱ الی ص ۲۲۶ نام ۶۶ نفر از مفسران، محدثان شارحان و متکلمان نامی اهل سنت و جماعت را ذکر می کند که آیه ۵۵ سوره مائده معروف به آیه ولایت در شان والای مولا علی نازل شده است؛ مرحوم آیت الله سید محمد سلطان الواعظین شیرازی در کتاب پرارزش شبهای پیشاور ج ۲ ص ۷۳۸ جلسه ششم؛ با تحقیق و ویرایش جدید؛ حاج شیخ عبدالرضا درایتی چاپ انتشارات دلیل ما؛ چاپ سال ۱۳۸۹ حدود ۴۰ منبع و مصدر اهل سنت را ذکر کرده که آیه ۵۵ سوره مائده (معروف به آیه ولایت) را در شان والای مولا علی نقل کرده اند از جمله منابع اهل سنت که آیه ۵۵ سوره مائده را نقل کرده اند به این شرح هست (۲)

ص: ۲۳۷

۱- ۱. الخصائص الوحي المبین ابن بطریق ص ۸۲

۲- ۲. تفسیر الکبیر فخر رازی ج ۱۲ ص ۲۶؛ الکشف والبیان ثعلبی ج ۴ ص ۸۰؛ الکشاف زمخشری ج ۱ ص ۶۳۵؛ جامع البیان طبری ج ۴ ص ۳۸۹ ح ۹۵۲۲؛ الجامع لاحکام القرآن قرطبی ج ۶ ص ۲۲۱؛ مدارک التنزیل، محمود نسفی ج ۱ ص ۳۲۸؛ غرائب القرآن فاضل نیشابوری ج ۶ ص ۱۶۷، اسباب النزول واحدی ص ۱۳۳؛ احکام القرآن جصاص ج ۴ ص ۱۰۲؛ انوار التنزیل بیضاوی ج ۱ ص ۴۳۹ در المنثور سیوطی ۲ ص ۵۱۹؛ فتح القدير شوکانی ج ۲ ص ۵۳؛ روح المعانی آلوسی ج ۳ ص ۳۳۴؛ معالم التنزیل بغوی ج ۲ ص ۴۷؛ مطالب السوول طلحه شافعی ص ۱۲۵ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۲۷۷؛ تفسیر الخازن علاء الدین بغدادی ج ۲ ص ۵۶ ینایع الموده ج ۲ ص ۱۷۷ تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۵۷ رقم ۴۹۳۳؛ تذکره الخواص ابن جوزی ص ۲۴؛ شرح المواقف جرجانی ج ۸ ص ۳۶۰ فصول المهمه ابن صباع مالکی ج ۱ ص ۵۸۰؛ معجم الاوسط طبرانی ج ۷ ص ۱۳۰ مناقب ابن مغزلی ص ۳۱۱؛ کفایه الطالب گنجی شافعی ص ۲۲۹؛ شرح تجرید قوشچی ص ۳۶۸؛ نور الابصار شبلنجی ص ۱۵۸، ریاض النضره ج ۳ ص ۱۷۸ کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۰۸؛ الوسيط واحدی ج ۲ ص ۲۰۱؛ البحر المحيط ابوحیان اندلسی ۳ ص ۵۲۵، المحرر الوجیز ابن عطیه اندلسی ج ۲ ص ۲۰۸، معرفه علوم الحدیث حاکم نیشابوری ص ۱۰۲ نوع ۲۵؛ شواهد التنزیل حاکم حسکانی ج ۱ ص ۲۰۹ تفسیر القرآن ابن کثیر ج ۲ ص ۶۴؛ نظم در السمطین ص ۸۶ سمط ۱؛ فرائد السمطین حموئی ص ۱۸۷ ج ۱؛ المنار؛ رشید رضا ج ۶ ص ۴۴۲؛ تفسیر ابی السعود ج ۳ ص ۵۲ النکت و العیون ماوردی ج ۲ ص ۴۹ شرح المقاصد تفتازانی ج ۵ ص ۲۷۰ مقصد ۶؛ التبر المذاب، بن محمد الخافی الحسینی الشافعی ص ۴۸؛ مجمع الزوائد ج ۷ ص ۱۷؛ مناقب خوارزمی ص ۱۸۷، لباب النقول سیوطی ص ۹۰؛ جامع الاحادیث، الشریف عباس احمد سقر ج ۴ ص ۴۲۲؛ بیت الصدیق شیخ محمد توفیق الصدیقی ص ۲۷۳ التسهیل لعلوم التنزیل حافظ محمد بن احمد جزی کلبی ج ۱ ص ۱۸۱؛ جمع الجوامع ج ۶ ص ۳۹۱، الصواعق المحرقة ابن حجر ص ۲۴؛ تقریب المرام فی شرح تهذیب الکلام، شیخ عبدالقادر بن محمد سعید کردستانی ج ۲ ص ۳۲۹؛ تفسیر ابن ابی حاتم ج ۴ ص ۱۱۶۲، جامع الاصول ابن اثیر ج ۹ ص ۴۷۸-الکافی الشاف فی تخریج احادیث لکشافص ۵۶ ابن حجر

انما وليکم الله ورسوله والذین امنوا: قال: الله ورسوله والذین امنوا : علی ابن ابی طالب قاضی عضد الدین ایجی در کتاب المواقف ج ۳ ص ۶۰۱ می نویسد: تمام پیشوایان تفسیر قرآن اجماع دارند بر این که این آیه (۵۵ سوره مائده) درباره امام علی نازل شده است _ واجمع ائمه التفسیر ان المراد علی و للاجماع علی ان غیره غیر مراد؛ سعدالدین تفتازانی در شرح المقاصد ج ۲ ص ۲۸۸ می نویسد: این آیه (۵۵ سوره مائده) در حق علی ابن ابی طالب بعد از آنکه در حال رکوع نماز به سائل انگشتر داد نازل شده است؛

نزلت باتفاق المفسرین فی علی ابن ابی طالب رضی الله عنه حین اعطی السائل خاتمه و هو راکع فی صلاته و کلمه انما للحصر بشهاده النقل و الاستعمال

شهاب الدین آلوسی در تفسیر روح المعانی ج ۶ ص ۱۶۷ می نویسد: غالب واکثر اهل اخبار و حدیث عقیده دارند این آیه (۵۵ سوره مائده) درباره امام علی نازل شده است و غالب الاخباریین علی انها نزلت فی علی کرم الله وجهه، آلوسی در ج ۶ تفسیر روح المعانی ص ۹۳ مجدد درباره این آیه (۵۵ سوره مائده) می نویسد: نزد معظم و بزرگان اهل حدیث این آیه (۵۵ سوره مائده) درباره امام علی نازل شده است

انما وليکم الله ورسول ... والایه عند معظم المحدثین نزلت فی علی کرم الله تعالی وجهه

جصاص در تفسیر احکام القرآن ج ۴ ص ۱۰۲ می نویسد: این آیه (۵۵ سوره مائده) درباره امام علی نازل شد و امام علی در حالت رکوع نماز به فقیر، انگشترش صدقه داد _ انها نزلت فی علی ابن ابی طالب حین تصدق بخاتمه و هو راکع؛ شجری جرجانی در کتاب الامالی الخمیسه ج ۱ ص ۱۸۱ بیش از ۱۰ سند ذکر کرده که این آیه (۵۵ مائده) درباره امام علی نازل شده است _ ح ۶۷۱

عن علی علیه السلام انه تصدق بخاتمه و هو راکع فنزلت فی هذه الایه: انما وليکم الله ورسوله ح ۶۷۲ عن ابن عباس، انما وليکم الله ... نزلت فی علی

ابن کثیر می نویسد: پیامبر از منزل بسوی مسجد خارج شد؛ مردم در مسجد در حال رکوع و سجده؛ ایستاده و نشسته بودند؛ و مسکینی در مسجد گدایی می کرد؛

رسول خدا بر او وارد شد از او سوال کرد آیا کسی چیزی به تو داد؟ گفت بله؛ پیامبر فرمود چه کسی به تو کمک کرد؛ سائل گفت: این آقایی که ایستاده؛ پیامبر اکرم فرمود: در چه حالتی به تو کمک کرد؛ فقیر گفت: در حالت رکوع و او علی ابن ابی طالب بود؛ پیامبر اکرم تکبیر گفت:

خرج رسول الله الى المسجد و الناس يصلون بين راعع و ساجد و قائم و قاعد؛ و اذا مسكين يسأل فدخل رسول الله فقال: اعطاك احد شيئاً؟ قال: نعم قال من قال ذلك الرجل القائم قال: علي اي حال اعطا كه؟ قال: و هو راعع؛ قال و ذلك علي ابن ابی طالب قال: فكبر رسول الله (۱)

وكان علي في الصلاة في الركوع و في يمينه خاتم فاشار الى السائل بيده حتى اخذه؛ (۲) _ انما وليكم الله و رسوله الايه قال نزلت في علي ابن ابی طالب

یکی از شبهاتی که دشمنان اهل بیت درباره این آیه و شان نزول آن دارند این است که منظور ولایت و ولی در آیه دوستی و محبت و نصرت می باشد و به معنای سرپرستی و اولویت و امامت نمی باشد!! راغب اصفهانی در المفردات ج ۱ ص ۵۳۳ در معنای ولایت می نویسد: ولایت به کسر و او به معنای سرپرستی بکار می رود، حقیقت معنای ولایت همان سرپرستی است؛ والولایه: تولى الامر و قيل: الولایه و الولایه نحو الدلاله و الدلاله و حقیقه: تولى الامر؛ (۳) الوالی و هو مالک الاشياء جميعاً، المتصرف فيها...

ابن منظور در لسان العرب ج ۱۵ ص ۴۰۷ ذکر کرده اند؛ اصلاً رسول اکرم؛ معنای ولایت را تفسیر فرموده اند . پیامبر اکرم فرمود: خداوند مولای من است؛ سزاوارتر به من از خودم می باشد با وجود او امری برای من نیست و من مولای مومنان هستم که سزاوارتر به آنان از خودشان هستم با وجود من امری بر آنان نیست و هر که من مولای اویم که سزاوارتر به او از خود او هستم، علی مولای اوست که سزاوارتر به او از خودش می باشد و امری برای او با وجود علی نیست _

الله مولای اولی بی من نفسی لا امرلی معه و انا مولی المومنین؛ اولی بهم من

ص: ۲۳۹

۱- ۱... تفسیر القرآن العظیم ج ۲ ص ۷۲ _ قرطبی در الجامع الحکام القرآن ج ۶ ص ۲۲۱ _

۲- ۲. جلال الدین سیوطی در لباب النقول ج ۱ ص ۹۳

۳- ۳. این معنا را جزری در النهایه فی غریب الحدیث والاثر ج ۵ ص ۲۲۶

انفسهم لا امر لهم معی و من كنت مولاه اولی به من نفسه لا امر له معی فعلی مولاه اولی به من نفسه لا امر له معه. (۱)

سلمان فارسی از پیامبر اکرم سوال کرد، ولایت علی به چه معنا است؟ پیامبر اکرم فرمود: ولای او مانند ولای من است هر کس که من اولی به او از خودش می باشم، علی نیز اولی به او از خود او می باشد

قال: ولاء کولای من كنت اولی به من نفسه فعلی اولی به من نفسه (۲)

علمای اهل سنت در ذیل آیه ۶ سوره احزاب که قرآن می فرماید: پیامبر اولی بر مومنان از جان های آناست برای نمونه آلوسی می نویسد: پیامبر نسبت به مومنان اولی است یعنی سزاوارتر و نزدیکتر از مردم به خودشان است؛ بغوی شافعی می گوید: منظور نفوذ حکم در آنها و وجوب اطاعت آنهاست؛ ابن عباس گفته: چون پیامبر چیزی از آنها بخواد اما خودشان به چیز دیگری تمایل داشته باشند، اطاعت از آن حضرت؛ واجب و سزاوارتر است؛ شوکانی می نویسد: اگر پیامبر از مسلمانان چیزی بخواهد و نفس آنها امر دیگری کند بر آنها واجب است که دستور پیامبر را مقدم بدانند و بر آنها واجب است که اطاعت از آنحضرت را برتر از خواست خود بدانند و اطاعت ایشان را بر خواهش های نفسانی خود مقدم بدانند _

النبی اولی بالمومنین _ ای احق و اقرب الیهم من انفسهم او اشد ولایه و نصره (۳) فی نفوذ حکمه فیهم و وجوب طاعته علیهم و قال ابن عباس و عطاء: یعنی اذا دعاهم النبى و دعتهم انفسهم الی شی کانت طاعه النبى اولی بهم من انفسهم (۴)

امام صادق علیه السلام ، مولا و ولی را در این آیه (۵۵ سوره مائده) به معنای اولی و سزاواری و سرپرستی امت اسلام معنا و تفسیر فرموده: امام صادق علیه السلام فرمود ولی در این جا: یعنی سزاوارتر به شما و کارهای شما و جان و مال شما، خدا و رسول او و علی و اولاد او که ائمه هدی می باشند هستند تا روز قیامت؛ پس هر یک از اولاد علی که امام هستند به درجه امامت الهی برسند مانند خود او همین صفت را دارد که در حال

ص: ۲۴۰

۱-۱. علی بن حمید قرشی در شمس الاخبار ص ۳۸ به نقل از کتاب صلوه العارفین جرجانی

۲-۲. فرائد السمین حموئی شافعی ج ۲ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰؛ ینایع الموده قندوزی حنفی ج ۲ باب ۳۸ ص ۲۱۲

۳-۳. روح المعانی ج ۱۶ ص ۴۲،

۴-۴. معالم التنزیل ج ۳ ص ۵۰۷ _ فتح القدر ج ۴ ص ۲۶۱

رکوع، تصدق می دهد و آن سائلی که از امیرمومنان تقاضا کرد از ملائکه بود و آنها که از ائمه اولادش سوال کنند از فرشتگان هستند

یعنی اولی بکم ای احق بکم و بامورکم من انفسکم و اموالکم الله و رسوله و الذین امنوا یعنی علیاً و اولاده ائمه الی یوم القیامه وصفهم الله عزوجل ... وصیر نعمه اولاده بنعمته فکل من بلغ من اولاده مبلغ الامامه یکون بهذه النعمه مثله فیتصدقون و هم راکعون و السائل الذی سأل امیر المومنین من الملائکه و الذین یسألون الائمه من اولاده یکونون من الملائکه _ (۱)

؛ زمانی که مولا- علی در حال رکوع صدقه داد و آیه ولایت بر پیامبر نازل شد؛ پیامبر اکرم تکبیر گفت و فرمود: علی بعد از من بر شما ولی و سرپرست است، سپس مسلمانان گفتند: راضی شدیم به خدایی الله؛ و نبوت محمد و ولایت و امامت علی پسر ابوطالب

فکبر النبى و کبر اهل المسجد فقال النبى علی ولیکم بعدی قالوا: رضینا بالله و بمحمد نبینا و بعلی بن ابی طالب ولیا (۲)

عبارت و واژه ولی در کلام ابوبکر خلیفه اول و در کلام عمر ابن الخطاب و در کلام عایشه آمده که به معنای رهبری و سرپرستی امت اسلام که خدمت موافق و مخالف عرضه می شود؛ خلیفه اول ابوبکر چون به خلافت رسید برای مردم سخنرانی کرد و گفت: من ولی و رهبر شما شده ام ولی بهتر از شما نیستم

ایها الناس فانی قدولیت علیکم ولست بخیرکم _ (۳) و هذا اسناده صحیح؛ (۴)

انی ولیت علیکم ولست بخیرکم (۵) فانی ولیت هذا الامر وانا له کاره

عمر ابن الخطاب گفت: پس از وفات پیامبر، ابوبکر گفت من ولی و جانشین رسول خدا هستم، پس از مرگ پیامبر و ابوبکر من ولی و جانشین پیامبر و ابوبکر شدم از عمر بن خطاب درباره جانشین سوال شد؛ عمر گفت: اگر عیبده ابن جراح را درک می کردم ولی و سرپرست می کردم صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۳۷۸ ح ۱۷۵۷ - انا ولی

ص: ۲۴۱

۱- ۱. اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۸ ح ۳

۲- ۲. تفسیر البرهان ج ۱ ص ۴۸۰؛

۳- ۳. البدایه و النهایه ابن کثیر ج ۶ ص ۳۰۱

۴- ۴. تاریخ طبری ص ۲۳۷؛ فانی ولیت هذا الامر و انا له کاره ... تاریخ الخلفاء سیوطی ج ۱ ص ۷۱؛

۵- ۵. تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۱۲۷

لوادرکت ابا عبیده بن الجراح لوالیته (۱)

قال فیہ عمر ابن الخطاب کلاما معناه لوکان سالم مولی ابی حذیفه حیا لوالیته الخلافه (۲)

عایشه گفت: وقتی ابوبکر ولی و سرپرست شد

عن عائشه قالت لما ولی ابوبکر (۳)

قلت: و اسناده هذا صحیح رسول اکرم به عبارات و واژه های مختلف و گوناگون ولایت مولا علی را برای امت اسلام بیان فرموده که در منابع اهل سنت آمده (۱)

علی ولی کل مومن بعدی: پیامبر اکرم فرمود علی بعد از من ولی و سرپرست هر مومنی است (۴)

حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۴۳ ح ۴۶۵۲ می نویسد: سند این روایت صحیح است؛ ذهبی در المستدرک بتعلیق ذهبی ج ۳ ص ۱۴۳ کتاب معرفه الصحابه می گوید این روایت صحیح می باشد و آلبانی در سلسه الصحیحه ج ۵ ص ۲۲۲ آنرا تأیید کرده است _ انت ولی کل مومن بعدی و مومنه ... هذا حدیث صحیح الاسناد ابن حجر در الاصابه ج ۴ ص ۵۶۹ می گوید این حدیث با سند قوی نقل شده

واخرج الترمذی باسناده قوی... (۵)

ص: ۲۴۲

۱- ۱. تاریخ المدینه ابن شبه ج ۲ ص ۶۱، حلیه الاولیاء ج ۱ ص ۲۲۹

۲- ۲. تفسیر بحر المحيط ج ۴ ص ۳۱۴؛ مقدمه ابن خلدون ج ۱ ص ۱۹۴ تاریخ المدینه ابن شبه ج ۲ ص ۶۱، حلیه الاولیاء ج ۱ ص ۲۲۹

۳- ۳. الطبقات الکبری ج ۳ ص ۱۸۵، ارواء الغلیل ج ۸ ص ۲۳۲ ناصر الدین آلبانی الجزء الثامن ص ۲۳۲

۴- ۴. المصنف ابن ابی شیبہ ج ۶ ص ۳۷۲ (۲) هو ولی کل مومن من بعدی: مسند احمد حنبل ج ۴ ص ۴۳۷ (۳) انت ولی کل مومن بعدی _ مسند ابی داود طیالسی ج ۱ ص ۳۶۰ ح ۲۷۵۲؛ (۴) انت ولی کل مومن بعدی و مومنه _ فضائل الصحابه ج ۲ ص ۶۸۴ ح ۱۱۶۸، (۵) انت ولی فی کل مومن بعدی _ مسند احمد ج ۱ ص ۳۳۰؛ (۶) فانه ولیکم بعدی _ الاصابه ابن حجر ج ۶ ص ۶۲۳ (۷) ان علیاً ولیکم بعدی _ البدایه و النهایه ابن کثیر ج ۷ ص ۲۴۶؛ (۸) هذا ولیکم بعدی _ السنن الکبری نسائی ج ۵ ص ۱۳۳ (۹) و انت خلیفتی فی کل مومن من بعدی _ السنه ابن ابی عاصم ج ۲ ص ۵۶۵ (۱۲) فهو اولی الناس بکم بعدی _

المعجم الکبیر طبرانی ج ۲۲ ص ۱۱۳۵ انک ولی المومنین من بعدی - تاریخ بغداد ج ۴ ص ۳۳۸

۵- ۵. ذهبی در تاریخ الاسلام ج ۳ ص ۶۳۰ و در سیر اعلام النبلاء ج ۸ ص ۱۹۷ سند آنرا حسن معرفی کرده و ...

از جمله شبهات و اشکالاتی که نواصب به آیه ولایت درباره شان نزولش در مورد امام علی می گیرند این است که این ضمیر جمع بکار برده و علی یک نفر بیشتر نبوده و این آیه شامل عموم مومنان می شود اولاً اولین عبارت آیه کلمه انما دارد که افاده حصر است؛ یعنی ولایت در این آیه اختصاصی و ویژه گروه خاصی است نه تمام مومنان آلوسی می گوید: تعظیم فاعل برای این که این فعل مهم را انجام داده و همانگونه که خدانند در حق ابراهیم فرمود بدرستی که ابراهیم یک امت بوده بخاطر ترغیب مردم در انجام مثل این عمل، بزرگ جلوه قرار دادن فعل تا این عمل او الگو برای همه مومنین باشد (۱)؛ زمحشری می گوید: این که در چنین مواردی لفظ جمع آورده شده به این جهت است که بقیه مردم به انجام دادن این کار تشویق شوند و توجه مردم را به این نکته معطوف سازد که مومن باید تا این حد به احسان فقرا حریص باشد که حتی در حال نماز از کمک رسانی و احسان به مستمندان غافل نشود و این چیزی است که از تمامی مومنان خواسته شده است به همین جهت این آیه بصورت لفظ جمع بکار برده (۲) یکی دیگر از شبهاتی که وهابی ها علیه فضیلت مولا علی در این آیه (۵۵ سوره مائده) اشاعه می دهند این است که؛ کمک کردن امام علی به فقیر در حالت رکوع نماز؛ فعل اضافی است و حرکت اضافی در نماز، نماز را باطل می کند و این عمل، با افعال عبادی و روحی امام علی که در اوج مناجات با خدا بوده حتی تیر در پای علی می رود وقتی به نماز می ایستد درد آنرا احساس نمی کند و در حال نماز، تیر را از پای او درمی آوردند؟! قابل تضاد است اولاً این آیه در مدح و تمجید مولا علی نازل شده و خداوند او را در لفظ آیه مدح و ثنا کرده می گوید ولی شما خدا و پیامبر و مومنانی است که در حال رکوع صدقه می دهند اگر این مدح خداوند نیست پس چیست؟! صحیح بخاری در ج ۱ ص ۱۵۰ ح ۳۷۵ از عایشه نقل کرده که گفته من بین دو دست رسول خدا بودم و هر دو پای من بسوی قبله رسول خدا بود، وقتی پیامبر سجده می کرد پایم را منگوش (کنجیر) می گرفت وقتی بلند

ص: ۲۴۳

۱-۱. روح المعانی ج ۶ ص ۱۶۸، المجلد الثالث ص ۲۳۴

۲-۲. تفسیر کاشف ج ۱ ص ۶۴۹ _ همانند سوره آل عمران آیه ۱۸۱، ممتحنه آیه ۸، آل عمران آیه ۱۷۳؛ آل عمران آیه ۶۱

می شدم پایم را دوباره دراز می کردم

كنت انام بين يدي رسول الله و رجلاي في قبلته فاذا سجد غمزني فقبضت رجلي فاذا قام بسطتهما

ای وهابیون اگر فعل و عمل اضافی در نماز، نماز را باطل می کنند پس چرا طبق قول صحیح بخاری، پیامبر اکرم با انگشتش پای عایشه را فشار می داده که پایش را جمع کند و نماز او باطل نبوده؟! عایشه نقل می کند که رسول خدا نماز می خواند و من نزدیک پیامبر و قبله او خوابیده بودم از برای من حاجتی پیش آمد، مایل به نشستن نبودم؛ رسول خدا، مرا اذیت می کرد و من از نزدیک پاهای حضرت فرار کردم (۱)۔ فاوذی النبی فانسل من عند رجلیه، رسول خدا، امامه دختر ابوالعاص را در حال نماز روی شانه خود سوار کرد در بعضی از روایات آمده، پیامبر او را روی شانه خود می گرفت و می ایستاد و وقتی سجده می کرد آن دختر کوچک را روی زمین می گذاشت و سجده می کرد و باز هنگام بلند شدن، بچه را بغل می کرد و می ایستاد. (۲)

رایت النبی یوم الناس و امامه بنت ابی العاص وهی ابنه زینب بنت النبی علی عاتقه فاذا رکع وضعها و اذا رفع من السجود اعادها؛ ان رسول الله کان یصلی و هو حامل امامه بنت زینب بنت رسول الله و لابی العاص بن ربیع بن عبدالشمس فاذا سجد وضعها و اذا قام حملها

راوی می گوید: وقتی با رسول اکرم نماز عشاء خواندیم، هنگامی که رسول اکرم به سجده می رفت امام حسن و امام حسین می آمدند و پشت رسول اکرم؛ سوار می شدند؛ وقتی پیامبر از سجده بلند می شد آن دو را آرام می گرفت و روی زمین می گذاشت و وقتی پیامبر دوباره به سجده برمی گشت آن دو نیز پشت پیامبر سوار می شدند تا اینکه نماز؛ پیامبر تمام شد و آن دو را روی زانویش نشانند (۳)۔

کنا نصلی مع رسول الله العشاء فاذا سجد و ثب الحسن و الحسین علی ظهره فاذا رفع راسه اخذهما بیده من خلفه اخذا رفیقا، فیضعهما علی الارض فاذا عاداعادا؛ حتی قضی صلاته؛ ابوبکر جصاص در احکام القرآن ج ۴ ص ۱۰۲ می نویسد: پیامبر اسلام در نماز، نعلین را درمی آورده ریشش را مسح می کرد و با

ص: ۲۴۴

۱-۱. صحیح بخاری ج ۱ ص ۱۹۲ ح ۵۱۴ کتاب الصلاه

۲-۲. صحیح مسلم ج ۲ ص ۷۳ ح ۱۱۰۰، صحیح بخاری ج ۱ ص ۱۳۱ ح ۵۱۶، سنن ابی داود ج ۱ ص ۲۰۹

۳-۳. مسند احمد ج ۲ ص ۵۱۳ ح ۱۰۶۶۹، مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۶۷

دستش اشاره می کرد.

وقد روى عن النبى اخبار فى اباحه العمل اليسير فيها فمنها انه خلع نعليه فى الصلاه و منها انه مس لحيته و انه اشار بيده؛ رسول خدا و اصحابش در حال نماز؛ انگشتر و نعلیشان را درمی آوردند۔

ان النبى خلع خاتمه _ فخلعوا خواتيمهم و انه خلع نعليه فى الصلاه فخلعوا نعالهم (۱)

قرطبی درالجامع لاحكام القرآن ج ۶ ص ۲۲۱ می نویسد: مقداری اشاره کردن امام علی در حالت رکوع به سائل که انگشتر را از دست او دریاورد سبب باطل شدن نماز نمی شود

و هذا يدل على ان العمل القليل لا يبطل الصلاه فان التصديق بالخاتم فى الركوع عمل جاء به فى الصلاه و لم تبطل به الصلاه...

حال ممکن است وهابی ها سوال کنند از منابع اهل سنت در تفسیر این آیه چگونه ثابت می شود که راجع به امامت امام علی علیه السلام است؟! حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل ص ۹۱ روایات زیادی در ذیل آیه ۵۵ سوره مائده ذکر کرده در ح ۲۳۱ از عمار یا سر نقل می کند که گفت: سائلی نزد علی ابن ابی طالب توقف کرد و او را در حال رکوع نماز مستحبی بود، او انگشتر خود را درآورد و به آن سائل داد؛ پس پیامبر خدا آمد و جریان را به او گفت و این آیه نازل شد؛ پیامبر فرمود: هر کس که من مولای او هستم علی مولای اوست؛

فنزّل علی النبى هذه الايه انما وليکم الله و رسوله الى آخر الايه؛ فقال رسول الله: من كنت مولاه فان علياً مولاه

اعرابی زمانی که مولا علی در حال نماز، انگشتر خود را به او داده ایباتی سرود که اشاره به خلافت و امامت حضرت علی دارد _ يا ولى المومنين كلهم ... و سيد الاوصياء من آدم؛ قد فزت بالنفل يا اباحسن؛ اذجادت الكف منك بالخاتم؛ فالجود فرع و انت مغرسه، وانتم ساده لذا العالم

ای ولی همه مومنان و سرور اوصیاء از آدم؛ ای ابوالحسن (حضرت علی) به کار نیکویی موفق شدی؛ هنگامی که دست تو انگشتر را بخشید، سخاوت شاخه ای است

ص: ۲۴۵

و تو ریشه آن هستی و شما سروران این عالمید... (۱)؛ حسان بن ثابت؛ شاعر معروف زمان رسول اکرم نیز در این باب اشعاری سروده که در تاریخ ضبط و ثبت گشته

فانزل فیک الله خیر ولایه:

ای علی تو کسی هستی که در حال رکوع زکات دادی جانم فدایت ای بهترین رکوع کنندگان پس خدا درباره تو بهترین نوع ولایت را نازل کرد؛... (۲)

در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم مولا علی را بسیار تشویق و تمجید نمود زمانی که این آیه (۵۵ سوره مائده) بر او نازل گشت؛ پیامبر اکرم گفت؛ گوارا باد بر تو ای ابوالحسن خداوند درباره تو این آیه (۵۵ سوره مائده) را نازل فرموده
هنيئاً لك يا ابالحسن قد انزل الله فيك آية من القرآن (انما وليكم الله ورسوله)

پیامبر به مولا- علی فرمود: همانا، امروز که در حالت رکوع، انگشتر به سائل دادی، خداوند بوسیله تو بر فرشتگانش مباحث کرد. بخوان

انما وليكم الله ورسوله ... _ فقال النبي لعلی: لقد باهى الله بك ملائكة اليوم؛ اقرا (انما وليكم الله ورسوله) (۳)

مفسر نامی اهل سنت امام ثعلبی در تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر القرآن ج ۴ ص ۸۰ و ص ۸۱ طبق برنامه مکتبه شامله؛ از ابوذر غفاری نقل می کند که می گوید خودم از پیامبر اکرم شنیدم و اگر دروغ بگویم گوشه ایم کر باد؛ که فرمود: علی امام و رهبر نیکان و قاتل کفار است؛ خداوند یاری کند هر کس او را یاری کند و ذلیل کند کسی که او را تنها بگذارد ما با پیامبر اکرم در یکی از روزها هنگام ظهر نماز می خواندیم گدایی وارد مسجد شد و کسی چیزی به او نداد؛ گدا، دستهایش بسوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا شاهد باش در مسجد پیامبر؛ اظهار نیاز کردم ولی کسی چیزی به من نداد؛ علی ابن ابی طالب در حال رکوع بود؛ انگشتر خود را به سائل نشان داد و سائل آمد؛ انگشتر را از دستان علی؛ بیرون آورد و زمانی که پیامبر از نماز فارغ شد؛ دستهایش را بسوی آسمان بلند کرد و گفت خدایا همانا برادرم موسی از تو درخواست کرد؛ که سینه ام را بگشا و کارم را آسان کن و قرار بده از

ص: ۲۴۶

۱- ۱. شواهد التنزیل ص ۹۶-۲۳۴

۲- ۲. شواهد التنزیل ص ۲۳۷ ص ۱۰۰ و ص ۱۰۱؛

۳- ۳. شواهد التنزیل ح ۲۲۱ ص ۹۲ و ح ۲۲۳ ص ۹۳؛

خاندانم برایم وزیری که او هارون باشد برادرم و بوسیله او پشتم را محکم کن خدایا من محمد پیامبر تو از تو می خواهم که صعه صدر به من عنایت کنی و کارم را آسان کنی و از خاندانم برایم وزیری قرار دهی که علی باشد که بوسیله او پشتم محکم گردد بعد جبرئیل نازل شد و آیه ۵۵ سوره مائده را بر پیامبر نازل کرد یعنی طبق تفسیر ثعلبی سنی و سایر روایات شیعه و سنی؛ امامت و خلافت الهی؛ مولا علی از این آیه شریفه و کریمه ثابت می شود

سمعت رسول الله بها تین و الاصمتا و رایته بهاتین و الاعمیتا یقول: علی قائده البرره و قاتل الکفره؛ منصور من نصره، مخذول من خذله اما انی صلیت مع رسول الله یوما من الایام صلاه الظهر فدخل بسائل فی المسجد فلم یعطه احد فرفع السائل یده الی السماء و قال: اللهم اشهد انی سألت فی مسجد رسول الله فلم یعطنی احد شیئا و کان علی علیه السلام را کعا فاومی الیه بخضره الیمنی و کان یتختم فیها فاقبل السائل حتی اخذ الخاتم و ذلك بعین النبی فلما فرغ النبی من الصلاه فرفع راسه الی السماء و قال: اللهم ان اخی موسی سألك فقال رب اشرح لی صدري و یسرلی امری... واجعل لی وزیرا من اهلی هارون اخی اشدد به ازری الایه... اللهم و انا محمد نبیک و صفیک اللهم اشرح لی صدري و یسرلی امری... واجعل لی وزیرا من اهلی علیا اشدد به ظهري (۱)

طبق مکتبه شامله: وقتی آیه ولایت (۵۵ سوره مائده) بر نبی اسلام نازل شد؛ پیامبر اکرم آیه را بر اصحابش قرائت فرمودند و سپس فرمودند: هر کس من مولا و سرپرست او هستم علی مولا و سرپرست اوست

واخرج الطبرانی فی الاوسط و ابن مردویه عن عمار بن یاسر قال: وقف بعلی علیه السلام سائل و هو راکع فی صلاه تطوع فنزع خاتمه فاعطاه السائل فاتی رسول الله فاعلمه ذلك فنزلت علی النبی هذه الایه (انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا یقیمون الصلاه و یوتون الزکاه و هم راکعون) فقرا رسول الله علی اصحابه ثم قال: من کنت مولا فعلی مولا اللهم و ال من والاه و عاد من عاداه (۲)

از امام صادق علیه السلام سوال شد؛ اطاعت از ائمه واجب است یا نه؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۲۴۷

۱- ۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۹۷ و ص ۹۸ ح ۲۳۵؛ ذخائر العقبی ص ۸۸؛ جامع الاصول ص ۴۷۸؛ کثر العمال ج ۶ ص ۳۹۱ جلال الدین سیوطی در تفسیر الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور ج ۳ ص ۱۰۵ فتح القدر ج ۲ ص ۵۰ اسباب النزول ص ۱۴۸

۲- ۲. مناقب ابن مردویه باب ما نزل من القرآن فی علی ص ۲۳۵ ح ۲۳۹ ش ۴۶۳؛ معجم الاوسط ج ۶ ص ۲۱۸ ح ۶۲۳۲؛ مجمع الزوائد ج ۷ ص ۱۷-تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۳۲۷

بله آنان کسانی هستند که خداوند در آیه ۵۹ سوره نساء امر به اطاعت آنان کرده و همچنان در آیه ۵۵ سوره مائده معروف به آیه ولایت فرموده: همانا ولی و سرپرست شما؛ خدا و پیامبر و کسانی هستند که ایمان آورده اند و نماز اقامه می کنند و در حالت رکوع زکات می دهند؛ سپس طبق این روایت شریف از امام صادق علیه السلام؛ آیه ۵۵ سوره مائده راجع به امامت و ولایت اهل بیت رسالت است (۱)

قلت لابی عبدالله؛ الاوصیاء طاعتهم مفترضه؟ فقال: هم الذین قال الله: اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم؛ و هم الذین قال الله: انما ولیکم الله و رسوله و الذین قال الله: اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم؛ و هم الذین قال الله: انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه... (۲)

در ضمن لفظ و عبارت آیه ۵۵ سوره مائده آنجا که می فرماید:

الذین یقیمون الصلاه؛ کسانی که نماز را اقامه می کنند و بر پا می دارند؛ ابن عباس در تفسیرش می گوید:

یعنی یتمون وضوءها و قراءتها و رکوعها و سجودها و خشوعها فی مواقیئها _ یعنی وضوء و قرائت و رکوع و سجود و خشوع آنرا در اوقات آن کامل می کنند _ (۳)؛ یعنی مولا- علی حقیقت و اصل و روح نماز؛ را اقامه کرده است؛ قبل از آنکه به سایر شبهات وهابیت علیه آیه ولایت جواب دهم و آنرا مطرح کنم؛ مقداری درباره شبهه فعل کثیر (حرکت اضافی در نماز) از منابع اهل سنت که اعتقاد دارند اگر کسی شپش و مار و عقرب در حال نماز بکشد؛ باعث باطل شدن نماز نمی شود؛ در مقابل آن شبهه و مغلطه ای که وهابیت علیه نماز مولا- علی و دادن انگشتر در حال رکوع به فقیر؛ ایراد و اشکال می گیرند به موافق و مخالف مطالبی عرضه بدارم مجدداً (۴)

نقل شده که خلیفه دوم عمر ابن الخطاب؛ شپشی را در حال نماز کشت که خون شپش بدست او جاری شد،

ان عمر بن الخطاب یقتل القمله فی الصلاه حتی یظهر دمها علی یده؛

ص: ۲۴۸

۱- ۱. الاختصاص شیخ مفید ص ۲۷۷ ج ۱؛ به نقل سایت مکتبه کتابخانه مدرسه فقهات؛ پرتوی از امامت در قرآن و سنت نوشته مداح ابن مالک ص ۲۶

۲- ۲. البحار ج ۷ ص ۶۲؛ انما ولیکم الله و رسوله.. قال: هم الائمة - البرهان جلد ۲ ص ۴۸۳

۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم ابوالقاسم حسکانی حنفی ص ۹۱ ح ۲۲۱

۴- ۴. ابن ابی شیبہ استاد محمد اسماعیل بخاری در کتاب المصنف ج ۳ ص ۳۵۳ کتاب الصلاه باب ۶۹۷ ح ۷۵۴۸؛

ابن قدامه مقدسی در کتاب معتبر الکافی فی فقه ابن حنبل ج ۱ ص ۳۹۳ می نویسد: کشتن شپش اشکالی ندارد؛ چرا که عمر ابن الخطاب در حال نماز شپش می کشت _ ولا باس بقتل الحیه و العقرب لان النبی امر بقتل الاسودین فی الصلاه؛ الحیه و العقرب و ان قتل القمله فلا باس لان عمر کان یقتل النمل فی الصلاه ابن تیمیه

در شرح العمده فی الفقه ج ۱ می نویسد: به درستی از عمر، معاذ و ابی الدرداء و ابن مسعود و ابی امامه روایت شده که آنها شپش در حال نماز می کشتند؛

و قدر روی عن عمر و معاذ و ابی الدرداء و ابن مسعود و ابی امامه انهم کانوا یقتلون القمل فی الصلاه فخرالدین زیعلی حنفی

در تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق ج ۱ ص ۱۶۷ می نویسد که عمر و انس شپش را می کشتند. ابن حزم گفته است که کشتن شپش در حال نماز در نظر من محبوبتر از دفن آن است _ ابوحنیفه از دفن شپش در زیر حصیر حمایت کرده است؛ این مطلب از ابن مسعود نقل شده است؛ ابویوسف هر دو روش کشتن و دفن کردن را مکروه دانسته است زیرا ابویوسف از آزار شپش نمی ترسیده؛ عمر و انس شپش را می کشتند

و کان عمر و انس یقتلان القمل _ تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق ج ۱ ص ۱۶۷؛ محمد عرفه الدسوقی در حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر ج ۱ ص ۳۳۳ می نویسد: کشتن شپش در حال نماز مکروه است. اگر بیش از ۳ شپش در حال نماز کشته شود نماز باطل می شود

نعم قتل القمل فی الصلاه مبطل لها ان کثر بان زاد علی الثلاث؛ ابن عبدالله در کتاب الاستذکار الجامع لمذاهب فقها ج ۱ ص ۱۶۸ می نویسد: اکثر اصحاب ما (مالکی ها) می گویند: اگر شپش و کک در غذا بیفتند و بمیرند از آن خوراک نباید خورد زیرا هر دوی آنها نجس می باشند

و اما القمله و البرغوث فاكثر اصحابنا یقولون لا یوکل طعام ما تافیه او احدهما لانهما نجسان و هما من الحيوان الذی عیسه من دم الحيوان (۱)

ص: ۲۴۹

حال سوال ما این است کشتن شپش در حال نماز مخالف خشوع و خضوع هست یا نه؟ کشتن آن نجس می باشد یا نه؟ در عبارت لفظ حدیث کان عمر آمده که فعل استمرار است یعنی عمر ابن الخطاب همیشه در حال نماز که شپش او را اذیت می کرده به کشتن آن همت داشته است با اینکه علمای فقیه اهل سنت می گویند؛ شپش نجس است و بیش از (۳) شپش کشتن در حال نماز؛ نماز را باطل می کند؛ عایشه می گوید: پیامبر اسلام در خانه نماز می خواند؛ دراز داخل قفل بود من آمدم و در زدم؛ پیامبر حرکت کرد و در را برای من باز کرد سپس به محل نمازش برگشت

کان رسول الله یصلی فی البیت و الباب علیه مغلق فجئت فاستفتحتم فمشی ففتح لی ثم رجع الی الصلاه(۱)

مسند احمد از ابوهریره روایت شد که پیامبر به کشتن عقرب و مار در حال نماز امر فرمودند

ان رسول الله امر بقتل الاسودین فی الصلاه العقرب و الحیه

المغنی ابن قدامه کتاب الصلاه؛ (۲) همانا رسول اکرم در حالت نماز، عقرب را کشت به برادران عزیز اهل سنت و جماعت ضاله وهابیت؛ اگر انگشتر دادن مولا علی در حالت رکوع نماز به فعل کثیر و حرکت اضافی و سبب باطل بودن نماز اوست با اینکه آیه ۵۵ سوره مائده در فضیلت او نازل گشته؛ پس با این روایات مذکور چه می کنید و چه جوابی دارید؟! ثانیاً صدقه دادن مولا علی در نماز؛ برای امور دنیوی و خود محوری نبوده؛ برای کمک به سائل، و ناامید نکردن او، و انجام دستور خدا بوده، خداوند می فرماید: گدا و سائل در مانده را از خود مران {و اما السائل فلا تنهر} (۳)

ثالثاً؛ حضرت علی؛ در نماز مستحبی بوده و طبق قاعده شما وهابی ها؛ حضرت علی علیه السلام؛ اجتهاد دینی کرده و لازم دانسته در نماز مستحبی خود با یک فعل قلیل،

ص: ۲۵۰

۱-۱. سنن ترمذی ج ۲ ص ۴۹۷؛ شرح السنه بغوی ج ۳ ص ۲۰۷ _ مساله ۱۸۳۱ سنن دارقطنی

۲-۲. نیل الاوطا رساله الجزء الثانی ج ۸۶۰ _ المغنی ابن قدامه کتاب الصلاه؛ نیل الاوطارماله الجزء اثنانی ج ۸۶۰ _ فروع الفقه المالکی بن ادريس القرافی؛ مساله الجزء الثانی ص ۱۴۵؛ ان رسول الله قد قتل العقرب و هو یصلی _ التمهید ابن عبد البر ص ۹۴ _ سنن الکبری بیهقی ج ۲ ص ۳۳۳۸ _ معجم الکبیر طبرانی ج ۱ ص ۳۱۸ ح ۹۴۰؛ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۳۹۵؛ فتح الباری ج ۶ ص ۳۷۲

۳-۳. سوره ضحی آیه ۱۰

بخاطر اینکه فقیر ناامید نشود و دست خالی از مسجد خارج نگردد؛ او را متوجه خود کند و به او صدقه بدهد؛ یک روایت جالبی؛ حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل ص ۳۱۳ ح ۹۰۰ ذیل آیه ۳۷ سوره مبارکه «ق» نقل کرده که مربوط به بحث نماز خواندن امام علی است؛ ابن عباس گفت؛ به پیامبر اسلام؛ دو شتر بزرگ هدیه داده شد؛ پس به اصحاب خود نظر کرد و گفت: آیا در میان شما کسی هست که دو رکعت نماز بخواند و در آن به کار دنیا توجه نکند و قلب او جزء به یاد خدا نباشد؟ اگر چنین باشد یکی از این دو شتر را به او می‌دهم؛ امام علی برخاست و نماز خواند وقتی سلام نماز را داد؛ جبرئیل نازل شد و گفت: یکی از این دو شتر را به او بده؛ پیامبر گفت: او در تشهد نماز به این فکر افتاد که کدام یک از این دو شتر را بگیرد؛ جبرئیل گفت: علی به این فکر بود که کدام یک از آنها چاق تر است که آنها بگیرد تا آنها بکشد و در راه خدا صدقه بدهد؛ بنابراین فکر او برای خدا بود نه برای خودش یا برای دنیا؛ پیامبر هر دو شتر را به او داد و خدا این آیه را نازل کرد؛

ان فی ذلک لذکرى لمن کان له قلب؛ یعنی در نماز علی؛ موعظه ای برای هر کسی است که عقل داشته باشد «او القی السمع» یعنی با دو گوش خود به آنچه با زبان تلاوت می‌کند گوش بدهد «و هو شهید» یعنی قلب او برای خدا؛ حضور داشته باشد پیامبر خدا فرمود: بنده ای نیست که دو رکعت نماز بخواند و در آن راجع به چیزی از امور دنیا فکر نکند مگر اینکه خداوند از او راضی می‌شود و گناهان او را می‌بخشد؛

فکان تفکره لله لا لنفسه و لا للدنیا؛ ابن عبدالبر در کتاب الاستذکار الجامع لمذاهب فقهاء الامصار (۱)

حدیث عایشه را نقل می‌کند که پیامبر نماز می‌خواند و در قلف بود من آمدم و در زدم، پیامبر حرکت کرد و در راه برای من باز کرد سپس به محل نمازش برگشت بعد از نقل این حدیث در ص ۳۱۹ ح ۹۱۸۹ می‌نویسد: رسول اسلام در نماز اینگونه بود که صدای گریه طفل کوچکی را می‌شنید؛ پس به نماز رسول اکرم هم ایراد وارد کنید که بخاطر گریه اطفال کوچک؛ نماز را کوتاه می‌کرده و حواسش به گریه اطفال

ص: ۲۵۱

بوده که مراعات آنان بکند

و قد كان رسول الله ربما يسمع و هو في الصلاة _ بكاء الطفل فتجوز في صلاته و خفف و قرأ بالسوره القصيره

شهاب الدين احمد بن ادریس القرافي در كتاب الذخيره فروع الفقه المالکی ج ۲ ص ۱۴۵ نقل می کند؛ صهیب از کنار پیامبر اسلام عبور می کرد و به پیامبر سلام می کرد و پیامبر در حال نماز بود و با انگشت به او اشاره می کرد بعنوان جواب سلام او

مررت بالنبی فسلمت علیه و هو یصلی فرد علی اشاره باصبعه

قبل از نقل این مطلب می نویسد: رد و جواب دادن سلام بوسیله سرو دست در نماز واجب و مستحب مورد اتفاق امام شافعی است

یردالسلام یراسه او ییده فی الفرض و النفل؛ و وافقه الشافعی

یکی از شبهات دیگر که مخالفین امامت ائمه هدی راجع به آیه ولایت _ القاء می کنند این است که اگر قبول کنیم این آیه درباره امامت علی علیه السلام باید قبول کنیم این امامت بعد از وفات نبی اکرم است نه در زمان رسول اسلام و امامت علی هم بعد از امامت ابوبکر و عمر و عثمان است چون آیه زمان امامت را دقیق معین نکرده؟! بعکس ولایت و امامت مولا علی؛ در زمان رسول اکرم هم فعلیت داشته، چون رسول اکرم فرمود: علی به منزله هارون برای من است همانطور که هارون برادر موسی وزیر خلیفه و جانشین او در زمان حیات موسی بود؛

الا ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی الا انه لیس نبی بعدی (۱)

هر مراتب و منازل و مقامات که حضرت هارون در زمان حضرت موسی داشته، آن مراتب و مقامات نیز مولا علی در زمان پیامبر اسلام و بعد از وفات بنی اکرم داشته است

(۱) مقام وزارت _ واجعل لی وزیر امن اهلی هارون اخی؛ وجعلنا معه اخاه هارون وزیرا (۲) مقام خلافت _ و قال موسی لایخیه هارون اخلفنی فی قومی (۳) اخوت و برادری؛ ابن عمر گفت: پیامبر بین تمام صحابه عقد اخوت و برادری ایجاد کرد و پیامبر به مولا علی فرمود: تو در دنیا و آخرت برادر منی _ یا علی انت اخی فی

ص: ۲۵۲

۱- ۱. صحیح بخاری ج ۴ ص ۱۶۰۲؛ صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۸۷۰ ح ۲۴۰۴؛ الیسره النبویه ابن هشام ج ۵ ص ۱۹۹

{هارون اخي (۴) اشدد به ازرى _ (۵) و اشر كه فى امرى (۶) فاتبعونى و اطيعوا امرى}؛

شاید وهابى ها بگویند: زمانى كه پیامبر حدیث منزلت را خواند زمانى بوده كه پیامبر؛ علی را در مدینه بطور موقت به مصلحتى خلیفه خود قرار دادند؛ اولاً پیامبر اکرم بطور مطلق فرمودند و این حدیث افاده عموم مى کند و پیامبر اسلام در امکنه و از منته مختلف این حدیث را بیان فرمودند؛ رسول اکرم (۱) در عقد اخوت؛ حدیث منزلت را اشاره فرمودند _ (۲) نبی اکرم؛ خلافت مولا علی را بطور کل و عموم برای تمام مومنان از جانب خداوند اعلام فرمود

انت خلیفتى یعنی فى کل مومن من بعدى.(۳)

نبی اکرم فرمود: ای علی تو خلیفه منى یعنی خلیفه بر تمام مومنان.

و انت خلیفتى فى کل مومن من بعدى _ السنه(۴)

يکى ديگر از اشکالاتى كه مخالفين امامت مولا علی به ما مى گیرند این است كه چرا امام علی به این آیه ۵۵ سوره ولایت كه بقول شما شیعیان راجع به امامت امام علی است؛ خودش احتجاج و استشهاد نکرد؟! مولا- علی در شوری (۶) نفره بعد از وفات عمر ابن الخطاب؛ به این آیه؛ احتجاج فرمودند؛ حضرت علی به اهل شورا؛ خطاب کردند و فرمودند: آیا در میان شما كسى هست كه در حال ركوع زكات داده

ص: ۲۵۳

۱- ۱. المستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۵

۲- ۲. معجم الكبير ج ۵ ص ۲۲۱ ح ۵۱۴۶؛ الثقات ابن حبان ج ۱ ص ۱۴۱؛ تاریخ دمشق ج ۲۱ ص ۴۱۵ ش ۲۵۹۹؛ الدر المنثور ج ۴ ص ۶۶۹ کنز العمال ج ۹ ص ۱۷۰ ح ۲۵۵۵۵ _ (۲) در هنگام تولد امام حسن و امام حسین؛ پیامبر اکرم؛ حدیث منزلت را ذکر فرمودند _ مقتل الحسين ج ۱ ص ۱۳۶ ج ۲ حدیث منزلت در هنگام نهی رسول اکرم از خوابیدن در مسجد _ تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۱۳۹ ش ۴۹۳۳ (۵) حدیث منزلت در ذیل حدیث سد الابواب _ مناقب ابن مغزلی ص ۲۵۴ ح ۳۰۳؛ (۶) حدیث منزلت در حالی كه رسول اکرم بر امام علی تکیه فرموده بود _ کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۲۲ ح ۳۶۳۹۲؛ ذخائر العقبی ص ۵۸ (۷) حدیث منزلت در خانه ام سلمه _ تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۱۶۹؛ معجم الكبير ج ۱۲ ص ۱۵ ح ۱۲۳۴۱؛ (۸) حدیث منزلت در قضیه دختر حمزه _ خصائص امیرالمومنین؛ نسائی ص ۸۸ _ (۹) حدیث منزلت در غدیر خم _ وفيات الاعیان ج ۵ ص ۲۳۰ _ (۱۰) حدیث منزلت در کلام پیامبر با عقیل _ تاریخ دمشق ج ۴۱ ص ۱۸ ش ۴۷۳۵؛ کنز العمال ج ۱۱ ص ۷۴۰ ح ۳۳۶۱۶؛

۳- ۳. خصائص؛ شعیب نسایی ج ۱ ص ۵۰

۴- ۴. عمر و بن ابی عاصم الضحاک الشیبانی ج ۲ ص ۶۰۳ با تحقیق محمد ناصر الدین آلبنی

باشد و این آیه درباره او نازل شده باشد اهل شورا گفتند: نه _

فهل فيكم احد آتى الزكاه و هو راع و نزلت فيه انما وليكم الله و رسوله و الذين امنوا الذين يقيمون الصلاه و يوتون الزكاه و هم راعون غيري؟ قالوا: اللهم لا(۱)

مولا- علی به خلیفه اول ابوبکر فرمود: تو را بخدا قسم می دهم آیا در این آیه پرداخت انگشتی به عنوان زکات، ولایت من همراه با ولایت رسول خدا از طرف خداوند مطرح شده یا ولایت تو؟ ابوبکر گفت ولایت تو

انشدک بالله الی الولاية من الله مع ولایه رسول الله فی آیه زکاه الخاتم ام لک قال: بل لک (۲)

مولا علی می فرماید: من در مسجد مشغول نماز بودم، ناگهان گدایی آمد و اظهار نیاز کرد و من در حالت رکوع؛ انگشتم را به او دادم خداوند به موجب این کارم آیه ولایت (سوره مائده) را نازل فرمود

فانی کنت اصلی فی المسجد فجاء سائل فسأل و انا راع فنا ولته خاتمی من اصبعی فانزل الله تبارک و تعالی فی: انما وليکم الله و رسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلاه و يوتون الزكاه و هم راعون (۳)

مولا- علی در منا شده با مهاجر و انصار؛ در زمان خلافت عثمان به آیه ولایت؛ احتجاج و ادله فرموده اند؛ حضرت خطاب به آنان فرمود: شما را بخدا سوگند می دهم آیا می دانید هنگامی که آیه ولایت (آیه ۵۵ سوره مائده) نازل شد؛ مردم از رسول خدا؛ پرسیدند آیا این آیه به عده ای از مومنان اختصاص دارد یا شامل همه مومنان می شود؟ پس خداوند، پیامبر را مامور کرد؛ که متولیان امور مومنان را به آنان بشناساند و همانطور که نماز، زکات و حج آنان را برای ایشان بیان کرده، ولایت را نیز شرح دهد؛ در پی این مسائل، پیامبر مرا در غدیر خم، بعنوان رهبر و متولی امور مسلمین برای مردم منصوب کرد

فانشدکم بالله اتعلمون حیث نزلت: انما وليکم الله و رسوله والذين امنوا ... قال

ص: ۲۵۴

۱- ۱. الامالی طوسی ج ۲ ص ۱۶۲؛ احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۹۷ الدرر النظیم بن حاتم الشافی ص ۳۳۲

۲- ۲. الخصال صدوق ج ۲ ص ۳۲۷، بحار الانوار ج ۲۹ ص ۷؛ احتجاج ج ۱ ص ۱۶۱؛

۳- ۳. الخصال شیخ صدوق ج (۲) ص ۸۸۴ باب ۷۰ گانه ح ۱۱۸۲ ش ۱؛ ابواب السبعین پرتوی از امامت در قرآن و سنت (مداح ابن مالک) ص ۲۰۸؛

الناس: يا رسول الله اخاصه في بعض المومنين ام عام لجميعهم؛ فامر الله عزوجل؛ نبيه ان يعلمهم ولاه امرهم و ان يفسر لهم من الولايه ما فسر لهم من صلاتهم و زكاتهم و صومهم و حجهم؛ فنصبتى للناس علماً بغدير خم. (۱)

فخر رازی می گوید: عبارت انما در اول آیه ولایت دلالت بر حصر نمی کند؛ یعنی آیه مخصوص درباره امام علی نازل نشده؛ اما همین فخر رازی در التفسیر الکبیر ج ۲۲ ص ۲۰۱ ذیل آیه ۱۰۸ سوره انبیاء می نویسد: انما دلالت بر حصر می کند _ نفسی درباره معنای انما می نویسد: از کلمه انما، استفاده می شود که فقط افراد نامبرده شده ولایت دارند _ (۲)

وانما یفید اختصاصهم بالموالاه؛ جالب است که نفسی در همان صفحه تفسیرش می نویسد: این آیه دلالت دارد بر جواز صدقه در نماز و این فعل قلیل، نماز را باطل و فاسد نمی کند

والایه تدل علی جواز الصدقه فی الصلاه و علی ان الفعل القلیل لایفسد الصلاه؛ یکی از شبهات دیگر وهابیت و نواصب علیه این آیه است که زکات بر صدقه مستحب اطلاق نمی گردد اما جواب، زکات در اصطلاح قرآن به هر انفاقی که در راه خدا باشد؛ اطلاق شده است؛ مال باشد یا تلاش و کردار و عمل، واجب باشد یا مستحب، قرطبی می نویسد: از این آیه استفاده می شود که بر صدقه مستحب نیز کلمه زکات اطلاق می گردد، زیرا؛ علی علیه السلام، انگشتر خود را در حال رکوع صدقه داد (۳)

یدل علی ان صدقه التطوع تسمى زکاه؛ فان علیاً تصدق بخاتمه فی الركوع و هو نظیر قوله تعالی و ما اتیم من زکاه تریدون وجه الله فاولئک هم المضعفون (۴)

وقوله تعالی و یوتون الزکاه و هم راکعون یدل علی ان صدقه التطوع تسمى زکاه لان علیاً تصدق بخاتمه تطوعاً

مخالفین ولایت و امامت عقیده دارند لفظ راکعون که در آیه ولایت آمده به معنای خضوع و خشوع است، خلیل بن احمد فراهیدی درباره معنای رکوع می نویسد، هر

ص: ۲۵۵

-
- ۱- ۱. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۳۱۲ باب ۵۸؛ بحار ج ۱ ص ۴۱۰؛ ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۴۶؛ فرائد السمطین ج ۱ ص ۳۱۲
 - ۲- ۲. تفسیر النسفی ج ۱ ص ۴۵۶ الجزء ۶،
 - ۳- ۳. الجامع لاحکام القرآن ج ۶ ص ۲۲۱ _
 - ۴- ۴. احکام القرآن الجصاص ج ۴ ص ۱۰۲

چیزی که با صورت بسوی زمین روی آورد؛ خواه زانوهایش به زمین برسد یا نرسد در حالی که سر را به زیر انداخته است راکع خوانده می شود _ وکل شی ینکب لوجهه فتمس رکبته الارض اولاتمس ها؛ بعدان یطاطیء راسه فهو راکع (۱)

پیامبر از فقیری که امام انگشترش را به او بخشیده بوده پرسید: در چه حالی انگشتر را به تو داد؟ گفت: در حال رکوع آنرا به من داد؛ اگر رکوع به معنای خضوع باشد؛ این امر نیاز به سوال نداشت زیرا در نماز دو حال وجود ندارد یک حالت خضوع و یک حالت غیر خضوع؛ هم راکعون در آیه ولایت به معنای خضوع نیست بلکه جمله حالیه و فعل معین در نماز است؛

ان النبی سأل السائل؛ سأل ذلک المسکین الذی اعطاه الامام خاتمه سألہ قائلاً: علی ای حال اعطا که ای الخاتم؟ قال: اعطانی و هو راکع (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند متعال رسولش را به ولایت علی ابن ابی طالب امر کرد و بر او، آیه ۵۵ سوره مائده؛ نازل فرمود

امر الله عزوجل _ رسوله بولایه علی ابن ابی طالب و انزل علیه: انما ولیکم الله و رسوله والذین امنوا _ (۳)، پیامبر اکرم در خطبه شریفه غدیر خم؛ راجع به امامت امام علی با استدلال به آیه ۵۵ سوره مائده، اشاره و تاکید کردند و فرمودند: همانا علی بعد از خدا و من؛ ولی و سرپرست شماست و خداوند متعال آیه ۵۵ مائده در این باره نازل فرمود؛ همانا علی ابن ابی طالب؛ نماز را اقامه می کند و در حالت رکوع زکات پرداخت می نماید، او پیوسته و همیشه به یاد و ذکر خداست

و هو ولیکم بعد الله و رسوله و قد انزل الله تبارک و تعالی؛ علی بذلک آیه من کتابه: انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا ... و علی ابن ابی طالب اقام الصلاه و آتی الزکاه و هو راکع یرید الله عزوجل فی کل حال (۴)

از جمله ادله دیگر که ثابت می کند مولا امام علی بر تمام پیامبران افضل و برتر هست و فقط بر پیامبر اسلام افضلیت ندارد؛ آیه ۶۲ سوره یونس می باشد؛

ص: ۲۵۶

۱- ۱. کتاب العین ج ۱ ص ۲۰۰؛ جمهره اللغه ج ۲ ص ۷۷۰ معجم مقاییس اللغه ج ۲ ص ۴۳۴

۲- ۲. الدرالمثور سیوطی ج ۳ ص ۱۰۵

۳- ۳. اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۹

۴- ۴. احتجاج به شیخ طبرسی ج ۱ ص ۱۲۶ و ص ۱۲۷؛ تفسیر نورالثقلین ج ۱ ص ۶۴۴

الا ان اولياء الله لاخوف عليهم ولا هم يحزنون

از ابوهريره ذيل اين آيه شريفه نقل شده كه گفت رسول اسلام فرمود: از بندگان خدا، كسانى هستند كه پيامبران به آنان غبطه و غصه مى خورند از مقام عالى آنان در نزد خدا؛ آنها بدون داشتن مال و متاع دنيا، با رحمت خدا، يكديگر را دوست دارند و چهره هايشان نورانى است و چون مردم مى ترسند آنها نمى ترسند و چون مردم اندوهگين مى شوند آنها اندوهگين نمى شوند آيا مى دانيد آنان كيانند؟ گفتيم: نه اى پيامبر خدا؛ فرمود: آنان على ابن ابى طالب و حمزه بن عبدالمطلب و جعفر طيار و عقيل هستند سپس آيه ۶۲ سوره مباركه يونس را قرائت فرمود _

عن ابى هريره قال: قال رسول الله: ان من العباد عباداً يغبطهم الانبياء تحابوا بروح الله على غير مال ولا عرض من الدنيا؛ وجوههم نور؛ لا يخافون اذا خاف الناس ولا يحزنون اذا حزنوا؛ اندرون من هم؟

قلنا: لا- يا رسول الله؛ قال: هم على ابن ابى طالب و حمزه بن عبدالمطلب و جعفر و عقيل ثم قرأ رسول الله؛ {الا ان اولياء الله لاخوف عليهم ولا هم يحزنون} (۱)

و ان الله ليعوضك بذلك اليوم ما يغبطك به كل نبى و رسول و صديق و شهيد (۲)

_ فقال على عليه السلام من هم يا رسول الله قال: هم شيعتك و انت امامهم؛ (۳)

ان علياً و ذريته و محبيهم السابقون الاولون الى الجنة و هم جيران الله و اولياء الله، جالب است اكثر مفسران و محدثان نامى اهل سنت؛ اين حديث را در ذيل آيه ۶۲ سوره مباركه يونس نقل کرده اند ولى آن قسمتى كه حاكم حسانى حنفى در شواهد التنزيل درباره اسامى افراد مصاديق آيه شريفه را؛ كه مولا على؛ جزء آنان است؛ حذف و سانسور شده نقل کرده اند؛ (۴) و اين حديث و تفسير آيه ۶۲ سوره

ص: ۲۵۷

۱- ۱. شواهد التنزيل حاكم حسانى حنفى ص ۱۵۲ ح ۳۶۶؛

۲- ۲. مائه المنقبه ص ۱۰۴ منقب ۴۷ _ الاصول السنه عشر؛ عده محدثين ج ۱ ص ۱۰۷

۳- ۳. بحار الانوار ج ۶۸ ص ۶۸؛ بحار الانوار ج ۷ ص ۱۸۰؛ غايه المرام ج ۴ ص ۲۶۶؛ مناقب اخطاب خوارزمى حنفى ص ۷۲ ح ۵۰

۴- ۴. سنن ابى داود ح ۳۰۶۳ مسند احمد حنبل ح ۲۲۲۹۸ صحيح ابن حبان ح ۵۷۳؛ مستدرک حاكم ح ۷۳۸۲ سنن الكبرى نسائى ح ۱۰۷۲۲؛ مسند ابويعلی ح ۶۰۶۵؛ كشف الاستار هيتمى ح ۱۳۳؛ مصنف ابن ابى شيبه ح ۳۳۴۰۲؛ المعجم الكبير طبرانى ح ۳۳۵۶؛ العلو للعلی؛ ذهبى ح ۱۸۰؛ اسناده صالح؛ شعب الايمان بيهقى ح ۸۴۲۴؛ تفسير ابن ابى حاتم ح ۶۹۱۵ و ...

یونس؛ برتری مولا علی علیه السلام را بر تمام پیامبران بغیر از رسول اسلام؛ نشان می دهد؛ چرا؟ چون وقتی که تمام پیامبران فردای قیامت به مقام و درجه و جایگاه امام علی در نزد خدا، غصه و غبطه و حسرت می خورند؛ معنایش این است که پیامبران الهی؛ آن رتبه حضرت علی را؛ دارا نمی باشند که غبطه مقام والای حضرت علی را می خورند؛ مولا علی در ذیل تفسیر آیه ۶۲ سوره یونس فرمود: آیا می دانید اولیاء الله (دوستان خدا) چه کسانی هستند؟ مردم گفتند کیستند ای علی؟ مولا علی فرمود: همانا اولیاء الله ما و پیروانمان هستیم

در ضمن ابن حجر مکی اصل این روایت با سند جید (نیکو و خوب) در صواعق المحرقة ص ۱۸۹ فصل دوم؛ الباب الحادی عشر از احمد حنبل نقل کرده - ینابیع الموده ج ۴ ص ۵۳۲ باب ۵۹ ترمذی نیز با سند حسن و نیکو این حدیث را متذکر و ناقل شده است - سنن الترمذی ج ۵ ص ۲۴۴ کتاب المناقب باب ۲۰ حدیث ۳۶۸۶ باب ۲۰ - ینابیع الموده ج ۱ باب دوم ص ۱۱۲

قال امیرالمومنین: الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم و لا هم یحزنون؛ ثم قال: تدررون من اولیاء الله؟ قالوا: من هم یا امیرالمومنین؟ فقال: هم نحن و اتباعنا (۱) در خبر است که از پیامبر اسلام سوال کردند ولی خدا (یعنی دوست خدا) کیست؟ حضرت رسول اسلام؛ دست مبارک بر کتف مولا علی علیه السلام نهاد و فرمود این ولی و دوست ویژه خداست؛ با علی؛ دوستی کن اگر چه وی قاتل پدر و برادرت باشد

فمن ولی الله عزوجل حتی او الیه و من عدوه حتی اعادیه؟ فاشارله رسول الله الی علی علیه السلام و قال: اتری هذا؟ فقال: بلی قال: ولی هذا ولی الله فواله وعدو هذا عدوا الله فعاده؛ وال ولی هذا ولو انه قاتل ابیک و ولدک (۲)

طبق سایت کتابخانه مدرسه فقاقت یکی دیگر از برتری های مولا علی بر پیامبران بغیر از رسول اسلام؛ آیه شریفه ۱۳ سوره مبارکه حجرات است؛ مرحوم شیخ طوسی در کتاب شریف امالی ص ۶۰۶ الی ص ۶۰۸ ح ۱۲۵۴؛ مجلس الثامن و العشرون؛ حدیث زیبایی در تفسیر این آیه شریفه نقل کرده که رسول اسلام؛ خطاب به حضرت

ص: ۲۵۸

۱- ۱. تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۱۲۴؛ تفسیر البرهان - ج ۱ ص ۱۹۰ تفسیر صافی ج ۱ ص ۷۵۷؛

۲- ۲. امالی؛ شیخ صدوق ج ۱ ص ۶۱

زهر را فرمود: همانا خداوند؛ مخلوقات را آفرید و آنها را دو قسم قرار داد؛ من و علی را از قسم های نیکو گردانید چنانچه می فرماید اصحاب الیمین ما اصحاب الیمین؛ پس از آن ایشان را قبایل مختلف گردانید و آن قبایل را خانه هایی قرار داد و من و علی را از بهترین خانه ها گردانید و درباره ما، آیه تطهیر را نازل نمود؛ خداوند مرا از بین اهل بیت؛ بعنوان پیامبر برگزید سپس علی را بعنوان امام بعد از من و همچنین حسن و حسین تا مهدی قائم را؛ طبق آیه ۱۳ سوره حجرات، مولا علی؛ با تقواترین فرد بعد از پیامبر اسلام است و در بهترین بیت و خانه عصمت که آیه تطهیر درباره آنان نازل شده؛ خداوند او را قرار داد، که هیچ پیامبری را؛ بجز رسول اسلام؛ قرار نداده و به همین دلیل او از تمام انبیاء بغیر از رسول اسلام؛ افضل و بالاتر می باشد

ان الله خلق الخلق فجعلهم قسمین فجعلنی و علیاً فی خیرهما قسماً و ذلک قوله: و اصحاب الیمین ما اصحاب الیمین؛ ثم جعل القسمین قبائل فجعلناها فی خیرها قبیله و ذلک قوله: و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا؛ ان اکرمکم عند الله اتقاکم ثم جعل القبائل بیوتا فجعلنا فی خیرها بیتا فی قوله: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا: ثم ان الله اختارنی من اهل بیتی و اختار علیاً و الحسن و الحسین و ...

البته این روایات با یک عبارت جالب تر، دیگر در منابع تفسیری، تاریخی و روایی اهل سنت و وهابیت آمده است؛ رسول اکرم فرمود: من با تقواترین فرزند آدم و باکرامت ترین فرد؛ نزد خدا هستم و هیچ گونه فخر و تکبری ندارم سپس خداوند قرار داد برای قبائل بیوت و خانه ها و مرا در بهترین بیت قرار داد که آیه تطهیر درباره او نازل فرموده؛ من و اهل بیتم از تمام گناهان؛ پاک و مطهر و معصوم هستیم –

فانا اتقی ولد آدم و اکرمهم عندالله و لافخر ثم جعل القبائل بیوتا فجعلنی فی خیرها بیتاً فذلک قوله تعالی: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا فانا و اهل بیتی مطهرون من الذنوب (۱)

ص: ۲۵۹

۱- ۱. ینابیع الموده الموده قندوزی حنفی ج ۱ ص ۱۲۴ ح ۹ دلائل النبوه بیهقی ص ۱۷۱؛ البدایه و النهایه ابن کثیر ج ۲ ص ۲۵۷؛ الدر المنثور سیوطی ج ۶ ص ۶۰۶؛ تفسیر روح المعانی آلوسی ج ۱۱ ص ۱۹۴ طبق سایت مکتبه شامله؛ تفسیر فتح القدر شوکانی ذیل آیه تطهیر؛ مناقب علی ابن ابی طالب، ابن مردویه ج ۱ ص ۳۰۵؛ المعرفه و التاریخ؛ یعقوب بن سفیان الفسوی ج ۱ ص ۴۹۸ شیخ محمد خضر مالکی قمع اهل الزیغ و الالحاد ص ۱۵۱ این روایت در منابع شیعه، با اندکی تفاوت در عبارات ذکر شده – امالی صدوق ص ۷۲۹ ح ۹۹۹؛ مجمع البیان ج ۹ ص ۲۰۷؛ اعلام الوری ج ۱ ص ۴۹؛ بحارالانوار ج ۱۶ ص ۳۱۵ ح ۴

ممکن است وهابی‌ها؛ بگویند ابن کثیر و شوکانی و ابن ابی حاتم در العلل ح ۲۶۶۶ به این حدیث فوق اشکال سندی گرفته اند پس ارزشی ندارد؛ اولاً بر اساس قاعده طرق حدیث ولو اینکه ضعیف باشد طرق دیگر حدیث چون متعدد نقل شده آن را تقویت می کند

ثانیاً؛ مفسران نامی اهل سنت؛ چون سیوطی؛ طبری و آلوسی گفته اند؛ منظور آیه تطهیر این است که آنان اهل بیتی هستند که خداوند آنان را پاک و مطهر قرار داده و روایات متعددی چون حدیث ثقلین عصمت اهل بیت پیامبر که حضرت فاطمه و مولا علی و امام حسن و امام حسین تا امام زمان هستند بعنوان اهل بیت معصوم؛ تائید و تاکید می کند

نحن اهل بیت طهرهم الله؛

رسول اکرم فرمود: ما خاندانی هستیم که خداوند پاکشان گردانیده و معصوم قرار داده (۱)

ابن جریر طبری و جلال الدین سیوطی از قتاده نقل کرده اند که گفت: که آنان اهل بیتی هستند که خداوند ایشان را مطهر قرار داده

هم اهل بیت طهرهم الله من السوء و اختصهم برحمته (۲)

طبری می گوید: خداوند بدی و فحشاء را از اهل بیت محمد دور کرده و آنان را پاک و مطهر قرار داده از گناهایی که اهل گناه انجام می دهند _ يقول: انما یرید الله لیذهب عنکم السوء و الفحشاء یا اهل بیت محمد و یطهرکم من الذنس الذی یکون فی اهل معاصی الله تطهیرا (۳)

بیضاوی و فخر رازی نیز همانند قول طبری در تفاسیرشان نقل کرده اند

انما یرید الله لیذهب عنکم السوء و الفحشاء یا اهل بیت الرسول و یطهرکم من دنس الفسق و الفجور الذی یعلق با (رباب الذنوب و المعاصی) (۴)

ص: ۲۶۰

۱-۱. الدر المنثور سیوطی ج ۶ ص ۶۰۶؛ صواعق المحرقة ص ۲۳۸؛

۲-۲. تفسیر طبری ج ۲۰ ص ۲۶۲ _ در المنثور ج ۵ ص ۱۹۹

۳-۳. تفسیر طبری ج ۲۰ ص ۲۶۲ طبق سایت مکتبه اسلامیه

۴-۴. تفسیر بیضاوی ج ۲۲ ص ۷؛

و هي ان الرجس قد يزول عيناً و لا يطهر المحل ای يزِيل عنكم الذنوب (۱)

رسول اکرم فرمود: همانا خداوند؛ هر گونه بدکاری پنهان و پیدا را از ما اهل بیت؛ دور کرده است

انا اهل بیت قد اذهب الله عنا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن (۲)

مولا علی فرمود: همانا؛ خداوند با منت خویش ما اهل بیت را برتری داده است آنجا که می فرماید: خداوند اراده کرده است که پلیدی را؛ تنها از شما خانواده بزدايد و شما را کاملاً پاک کند؛ خداوند ما را از پلیدیهای پنهانی و پیدا و هر پستی و آلودگی مبرا قرار داده است

ان الله قد فضلنا اهل بيته بمنه حيث يقول: انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت... فقد طهرنا من الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و من كل دنیه و كل رجاسه. (۳)

رسول اکرم فرمود: من و علی و حسن و حسین و ۹ فرزند از صلب حسین؛ همگی مطهر و معصوم هستیم

انا و علی و الحسن و الحسين و تسعه من ولدالحسين مطهرون و معصومون (۴)

امام حسن علیه السلام در خطبه ای فرمود: ما از اهل بیت مطهر و طیب هستیم _

و نحن اهل بيته الطيبون (۵)

امام حسین علیه السلام فرمود: من از اهل بیت طهارت و پاکی هستیم

و انی من اهل بیت الطهاره قد انزل الله فینا

انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت (۶)؛ پیامبر اسلام به مولا علی فرمود: ای علی تو جانشین من و امام هستی و پدر ۱۱ امام که همگی معصوم و مطهرند _

ص: ۲۶۱

۱- ۱. تفسیر کبیر رازی ج ۲۵ ص ۲۰۹؛

۲- ۲. مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۱۷۶؛ کشف الغمه ج ۱ ص ۵۳؛ بحار الانوار ج ۲۳ ص ۱۱۶، الفردوس دیلمی ج ۱ ص ۵۴ ح ۱۴۴، الدعاء للطبرانی ص ۴۲۳ ح ۱۴۳۰؛

۳- ۳. المسترشد ص ۴۰۰ ح ۱۳۳؛ تاویل الايات الظاهره ج ۲ ص ۴۵۸ ح ۲۲؛ بحار الانوار ج ۲۵ ص ۲۱۳ ح ۴؛

۴- ۴. فرائد السمطين حموئی شافعی ج ۲ ص ۱۳۲ ح ۴۳۰؛ ينابيع الموده قندوزی حنفی ج ۳ ص ۲۹۱ ح ۹؛ كفايه الاثر ص ۱۹

۵- ۵. ينابيع الموده ح ۱ ص ۱۵۶؛

یا علی انت وصی و انت الامام، ابوالائمہ الاحد عشر الذین ہم المطہرون المعصومون (۱)

رسول اکرم فرمود: من و علی و فاطمه و حسن و حسین؛ معصوم و پاک از گناه هستیم

ان النبی قال: خمسہ منا معصومون انا و علی و فاطمہ و الحسن و الحسین _ مناقب علی ابن ابی طالب (ابوبکر احمد بن موسی ابن مردویہ ص ۲۱۳؛ شوکانی در فتح القدر در ذیل عبارت یطہرکم تطہیراً می نویسد: یعنی خداوند آنان را تطہیر کامل کرده است _ و یطہرکم تطہیراً ای یطہرکم من الارجاس ... ان تطہیراً کاملاً ..

ابن حجر در صواعق المحرقه ص ۲۰۱ می نویسد: انما در آیه تطہیر مفید حصر و انحصار است کہ خداوند ہر گونه گناہ و نقص و اخلاق بد و پست را از شما اہل بیت دور کردہ

انما المفید لحصر ارادہ تعالی فی امرہم علی اذہاب الرجس الذی ہو الاثم او الشکک فیما یجب الایمان بہ عنہم و تطہیرہم من سائر الاخلاق و الاحوال المذمومہ؛ علامہ سمہودی می نویسد: عبارت انما؛ برای حصر است و نشان می دہد کہ ارادہ خداوند منحصر بر پاک کردن آنان است و تاکید این پاکی بہ مفعول مطلق نشانگر آن است کہ پاکی آنان پاکی کامل و در بالاترین درجہ پاکی قرار دارد (۲)

کلمہ انما للحصر تدل علی ان ارادتہ تعالی منحصرہ علی تطہیرہم و تاکیدہ بالمفعول المطلق دلیل علی ان طہارتہم طہارہ کاملہ فی اعلی مراتب الطہارہ

عبارت و لفظ؛ انما کہ در اول آیہ تطہیر آمدہ مفید حصر است یعنی آیہ بطور اختصاصی دربارہ اہل بیت عصمت و طہارت نازل شدہ و شامل زنان و ہمسران پیامبر اسلام نمی شود

قال جماہیر العلماء من اہل العربیہ و الاصول و غیرہم لفظہ انما موضوعہ للحصر (۳)

جصاص در احکام القرآن ص ۳۳ می نویسد: احتمال دارد تطہیر در آیہ تطہیر؛

ص: ۲۶۲

۱-۱. ینایع المودہ ج ۱ ص ۹۷

۲-۲. جواهر العقیدین ج ۲ ص ۱۳۵، ینایع المودہ ج ۲ ص ۱۸۰

۳-۳. شرح نووی ج ۱۳ ص ۵۴؛ البدر المنیر _ (المقن) ج ۱ ص ۶۶۳

تطهير از گناه باشد _ يحتمل التطهير من الذنوب؛ ثعالبي و آلوسی می نویسند: منظور تطهير از رجس در آیه تطهير؛ پاک قرار داده شدن اهل بیت از گناهان و عذاب و نجاسات و نقائص هست؛

و قيل: _ و الرجس في الاصل يطلق على كل شى مستقدر (۱)

ان الرجس يقع على الاثم و على العذاب و على النجاسات و على النقائص (۲)

آلوسی می نویسد: الف و لام؛ البيت در آیه تطهير؛ الف و لام؛ عهد می باشد؛ يعنى اين بيت؛ يك بيت مشخص و معلوم می باشد و آل في البيت للعهد؛ والمعنى انما يريد سبحانه ليذهب عنكم الرجس يصونكم من المعاصي

وهابيت در مقابل آیه تطهير و لفظ و عبارت؛ يطهرکم تطهيرا؛ آیه ۱۱ سوره انفال؛ را حجت و دليل می آورند و ادعا می کنند؛ تطهير در آیه ۱۱ سوره مبارکه انفال؛ با تطهير در آیه ۳۳ سوره احزاب هيچ تفاوتی ندارد؟! شان نزول آیه ۱۱ سوره انفال درباره واقعه غزوه بدر می باشد نکات جالبی فخرالدین رازی از علمای متعصب اهل سنت در کتاب تفسير کبيرش ذیل آیه ۱۱ سوره انفال مطرح فرموده که مشت محکمی است به وهابيت؛ فخررازی می گوید و می نویسد: تطهير در آیه ۱۱ سوره انفال درباره تطهير و پاکی ظاهری است؛ مسلمانان در واقعه غزوه بدر، تشنه بودند و تعدادی هم جنب شده بودند؛ لذا؛ خداوند متعال باران شدیدی نازل کرد؛ صحابه پیامبر، مرکب های خود را سیراب کردند و هم خود از آب برای خوردن استفاده نمودند و همچنین خود را از پلیدی منی؛ پاک کردند؛ منظور تطهير در آیه ۱۱ سوره انفال، تطهير و پاک شدن از خبائث منی و حصول طهارت شرعی و بدنی بوده است و عصمت و پاکی ذاتی و روحی برای صحابه قلمداد نمی شود؛ با اینکه آیه تطهير عصمت ذاتی و روحی و عملی؛ ائمه هدی را ثابت می کند، که حقیر مجدداً روایاتی در باب عصمت ائمه هدی ارائه خواهم داد

و قوله: ليطهرکم به: ای: من حدث اصغرا و اکبر و هو تطهير الظاهر

فامطرا لله عليهم مطرا شديداً فشرّب المسلمون و تطهروا ... و سقوا الركاب و

ص: ۲۶۳

۱- ۱. تفسير و سيط ج ۱۱ ص ۲۰؛ فصل کلمه انما تفيد الحصر ص ۴۶۱ و يفيد الاختصاص

۲- ۲. تفسير ثعالبي ص ۳۴۶؛ تفسير روح المعاني ج ۲۲ ص ۷ سایت مکتبه اسلاميه

اغتسلوا من الجنابه فجعل الله ذلك طهوراً _ و عطش المومنون و خافوا و اعوزهم الماء للشرب و الطهاره و اكثرهم احتملوا و اجنبوا _ قلنا: قوله ليطهركم: معناه ليزيل الجنابه عنكم _ المراد من قوله: ليطهركم: حصول الطهاره الشرعيه _ و المراد من قوله: و يذهب عنكم رجز الشيطان ازاله جوهر المنى عن اعضائهم فانه شى مستخث (1)

وهابيت باز وارد شيطنت مى شود و يك شبهه و اشكال ديگر وارد مى كند؛ مى گویند: فرض بگیریم كه آيه تطهير؛ عصمت را برای امام على و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسين؛ ثابت مى كند شما مى گوئيد؛ انما كه ابتدای آيه تطهير آمده؛ انماى حصر است، چگونه با افاده حصر، عصمت را برای بقيه ائمه ۱۲ گانه خودتان ثابت مى كنيد؛ حصر در آيه اضافى است نه حقيقى؛ حصر اضافى نسبت به عده اى خاص است و حصر مطلق نمى باشد، در مورد آيه تطهير حصر به لحاظ همسران پیامبر و افراد غير معصوم است يعنى اين ۵ تن مشمول آيه تطهيرند و اين منافات ندارد با اين كه افرادى از قبيل همين ۵ تن مشمول آيه تطهير باشند؛ همانگونه؛ كه رسول اکرم، كلمه اهل بيت را در حديث ثقلين بطور عموم بكار برده است، در زمان نزول آيه از ۱۴ معصوم؛ همين ۵ تن بيشتر نبودند، از آنجا كه در هر زمان احتياج به امام معصومى است؛ لذا افراد ديگر از معصومين مشمول آيه تطهيرند كه در عصمت همانند اين ۵ نفرند، البته رسول اکرم بعنوان مفسر و معلم قرآن فرمودند: اين آيه منحصرأً درباره من و دخترم و على و دو فرزندم و ۹ تن از فرزندان حسين نازل شده است _

انما نزلت فى و فى ابنتى و فى اخى على ابن ابى طالب و فى ابنى و فى تسعه من ولد ابنى الحسين خاصه ليس معنا فيها لاحد شرک (۲)

انما انزلت فى و فى اخى على و فى ابنتى فاطمه و فى ابنى و فى تسعه من ولد الحسين خاصه ليس معنا احد غيرنا (۳)

از پیامبر اسلام سوال شد اهل بيت شما چه كسانى هستند؟ فرمود: على و دو نوه ام و ۹ تن از فرزندان حسين كه امامانى امين و معصوم اند

ص: ۲۶۴

۱- ۱. التفسير الكبير امام فخرالدين رازى شافعى ذيل آيه ۱۱ انفال _ مكتبه اسلاميه _ (سایت)

۲- ۲. فرائد السمطين ج ۱ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰ _ ينابيع الموده ج ۲ ص ۲۲۰؛

۳- ۳. احتجاج طبرسى ج ۱ ص ۳۰۹؛

قيل: فمن اهل بيتك يا نبي الله؟ قال: علي و سبطاي و تسعه من ولد الحسين، ائمه امناء معصومون، الا انهم اهل بيتي و عترتي من لحمي و دمي (۱)

پیامبر اکرم، خطاب به مولا علی فرمود: ای علی (آیه تطهیر) در حق تو و دو نوه ام و امامان از نسل تو، نازل شده _ و قد نزلت هذه الایه

انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت... فقال رسول الله: يا علي هذه الایه نزلت فيك و في سبطي و الائمة من ولدك (۲)

پیامبر اکرم فرمود: اهل بیت من، دو فرزند علی و فاطمه و ۹ فرزند از صلب حسین هستند که ائمه ابرار از عترت من هستند

اهل بيتي من ولد علي و فاطمه و تسعه من صلب الحسين ائمه ابرار هم عترتي (۳)

زمانی که رسول اکرم، حدیث ثقلین را قرائت کرد؛ عمر ابن الخطاب از پیامبر اسلام، با حالت غضب و ناراحتی سوال کرد آیا باید به تمام اهل بیت تو متوسل شد؟! رسول اکرم فرمود: نه، اهل بیت من اوصیاء و جانشینان من هستند که اول آنها برادرم و وزیرم و وارثم و خلیفه امتم و ولی هر مومنی بعد از من علی، سپس دو پسرش حسن و حسین و سپس ۹ فرزندان حسین یکی بعد از دیگری

فقال عمر ابن الخطاب شبه الغضب فقال: يا رسول الله اكل اهل بيتك؟ قال: لا ولكن اوصيائي منهم، اولهم اخی و وزیری و وارثی و خلیفتی فی امتی و ولی کل مومن بعدی هو اولهم ثم ابني الحسن ثم ابني الحسين ثم تسعه من ولد الحسين (۴) رسول اکرم فرمود: ای اصحاب من؛ مثال اهل بیت من در میان شما همانند کشتی حضرت نوح و باب حطه بنی اسرائیل پس به اهل بیت من از ائمه راشد از فرزندان من متوسل شوید؛ صحابه سوال کردند: ای پیامبر ائمه و امامان بعد از شما چند نفرند؛ حضرت رسول فرمود: دوازده نفر از اهل بیت و عترت من

یا معاشر اصحابی: ان مثل اهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح و باب حطه بنی اسرائیل فتمسكوا باهل بيتي، الائمة الراشدین من ذریتی فانکم لن تضلوا ابداً،

ص: ۲۶۵

۱- ۱. کفایه الاثر ص ۱۷۱، بحار الانوار ج ۳۶ ص ۳۴۱

۲- ۲. کفایه الاثر ص ۱۵۶؛

۳- ۳. کفایه الاثر ص ۹۱،

۴- ۴. ینایع الموده ج ۲ ص ۲۲۰ _ فرائد السمطين ج ۱ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰،

فقيل: يا رسول الله الائمه بعدك؟ قال: اثني عشر من اهل بيتي، اوقال: من عترتي (١)

ابوذر غفاري از نبی اسلام سوال کرد؛ تعداد، ائمه و امامان بعد از شما چه مقدار است؟ رسول اسلام فرمود: به تعداد نساء و امینان قوم بنی اسرائیل، ابوذر دوباره سوال کرد: آیا این ۱۲ امام از اهل بیت شما هستند؟ حضرت رسول فرمود: کل این ۱۲ نفر از اهل بیت من هستند

فقال: يا رسول الله فكم الائمه بعدك؟ قال: عدد نساء بنی اسرائیل، فقال: كلهم من اهل بيتك؟ قال: كلهم من اهل بيتي، تسعه من صلب الحسين و المهدي منهم _ (٢)

ان الائمه بعدی اثنا عشر من اهل بيتي، علی اولهم و اوسطهم محمد و آخرهم محمد، مهدي هذه الامه (٣)

همانطور که این روایات شریف از دیدگان شما عزیزان عبور کرد، نبی اسلام بعنوان معلم و مفسر واقعی، قرآن کریم، اهل بیت را، حضرت فاطمه و حضرت علی و امام حسن و امام حسین تا حضرت مهدی معرفی فرمودند و آیه تطهیر (آیه ۳۳ سوره احزاب) را انحصار و مخصوص و ویژه بودنش را فقط و فقط در خودش و حضرت فاطمه و مولا علی تا حضرت مهدی بیان داشتند، یعنی آیه تطهیر در شان ۱۴ معصوم بطور اختصاصی نازل شده و بس در خلال روایات اهل سنت و اهل تشیع اثني عشر، در موضوع اینکه این اهل بیت (۱۴ معصوم) با اهل بیت عادی و نامعصوم، پیامبر اسلام، که زوجات و زنان و فرزنداناش بودند چه تفاوتی و فرقی دارد، روایات و احادیثی از مخالف (سنی) و موافق (شیعه) رسیده، که به ما کمک می کند، اهل بیت در آیه تطهیر چه کسانی هستند؟!

امام صادق علیه السلام فرمود: ما اهل بیت، معدن و کانون نبوت و جایگاه رسالت الهی و محل آمد و رفت فرشتگان هستیم

ص: ۲۶۶

۱- ۱. مسند الفردوس به نقل از بخش حدیث ثقلین، عباة الانوار ص ۹۸۰ چاپ اصفهان، سوالات ما، استاد حسین تهرانی، پرتوی از امامت در قرآن و سنت، مداح ابن مالک ص ۱۲۴، کفایه الاثر ابن خزاز قمی ص ۳۳ و ص ۳۴، اصول دین، علامه مقدس اردبیلی ص ۱۶۷؛

۲- ۲. کفایه الاثر ص ۷۳ و ص ۷۴

۳- ۳. کفایه الاثر ص ۷۹ و ص ۸۱

— نحن معدن النبوه و موضع الرساله و مختلف الملائكه (۱)

مولا علی فرمود: ما درخت نبوت و جایگاه رسالت و محل نزول و صعود فرشتگان هستیم

نحن شجره النبوه و محط الرساله و مختلف الملائكه (۲)

رسول اسلام فرمود: ما اهل بیت، درخت نبوت و معدن رسالت هستیم و هیچ یک از مردم بر اهل بیت برتری ندارد غیر از خودم

نحن اهل بیت شجره النبوه و معدن الرساله لیس احد من الخلائق یفضل اهل بیتی غیری — (۳)

پیامبر اکرم فرمود: ما اهل بیتی هستیم که خداوند ما را از هر گونه عصیانی مطهر و پاک قرار داده از درخت نبوت و مرکز رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و خانه رحمت و معدن علم نحن اهل بیت طهرهم الله من شجره النبوه و موضع الرساله و مختلف الملائكه و بیت الرحمه و معدن علم (۴)

امام زین العابدین فرمود: بخدا قسم ما درخت نبوت و خانه رحمت معدن علم و محل رفت و آمد فرشتگان هستیم

فنحن و الله شجره النبوه و بیت الرحمه و معدن العلم و مختلف الملائكه — (۵)

قال الباقر: ... فانها شجره النبوه و بیت الرحمه و مفتاح الحکمه و معدن العلم و موضع الرساله و مختلف الملائكه و موضع سر الله و ودیعه (۶)

امام زین العابدین در یکی از صلواتهایش اینگونه صلوات بر محمد و آل محمد می فرستاد

اللهم صل علی محمد و آل محمد، شجره النبوه و موضع الرساله و مختلف

ص: ۲۶۷

۱-۱. فرائد سمطین حموئی شافعی ج ۲ ص ۲۵۳ ح ۵۲۳، ینابیع الموده قندوزی حنفی ج ۱ ص ۱۶۰

۲-۲. نهج البلاغه ص ۱۵۸ خطبه ۱۰۹ ینابیع الموده ج ۱ ص ۱۷۸ —

۳-۳. احقاق الحق ج ۹ ص ۳۷۸،

۴-۴. الدر المنثور سیوطی ج ۵ ص ۱۹۹ — الدر المنثور ج ۶ ص ۶۰۶، جامع الاحادیث سیوطی ج ۱۳ ص ۶۵ و ج ۱۶ ص ۲۱۸

۵-۵. اصول کافی ج ۱ ص ۲۲۱، بحار الانوار ج ۲۶ ص ۲۴۶

۶-۶. بحار الانوار ج ۲۳ ص ۲۴۵ ح ۱۶؛

امام حسن مجتبی بعد از شهادت مولا علی، خطبه ای در معرفی اهل بیت رسالت خواند از جمله فرمود: ما از اهل بیته هستیم که همیشه جبرئیل و فرشتگان بر ما نازل می شوند و از نزد ما بالا می روند

و انا من اهل بیت الذی کان جبرئیل ینزل الینا و یصعد من عندنا (۲)

پس طبق این روایات مذکوره، هم ثابت شد، منظور، اهل بیت در آیه تطهیر، اهل بیت رسالت و نبوت و مهبط وحی و محل نزول فرشتگان هستند، نه اهل بیت عادی و غیر معصوم پیامبر که زنان و زوجاتش باشند

انا اهل البیت اهل بیت الرحمه و شجره النبوه و موضع الرساله و مختلف الملائکه و معدن العلم (۳)

نحن شجره العلم و نحن اهل بیت النبی و فی دارنا مهبط جبرئیل ...

لا یفارقهم روح القدس و لا یفارقونه (۴)

ممکن است جناب وهابی و وهابی ها بگویند با رحلت جانشوز نبی اسلام، وحی و نزول فرشتگان برای همیشه قطع و زائل شد، شما شیعیان امامیه، چگونه این روایات را، در باب اینکه اهل بیت پیامبر اسلام، اهل بیت وحی و محل نزول فرشتگان و جبرئیل بوده اند را نقل می کنید مگر ائمه ۱۲ گانه شما، پیامبر و جزء انبیاء بوده اند که به آنان وحی شود و جبرئیل و ملائکه بر آنان نازل شوند؟! ادله ما، شیعیان اثنی عشری در این موضوع، سوره مبارکه قدر و تفاسیر مربوطه آن خصوصاً آیه ۴ سوره قدر و آیات ۱ الی ۴ سوره دخان و سایر آیات مربوطه که اشاره می شود، ملائکه بر ائمه نازل می شوند در سوره مبارکه قدر آیه ۴ که می فرماید: فرشتگان و روح در آن شب با اذن خداوند برای تقدیر هر کاری نازل می شوند، تنزل بصورت مضارع که دلالت بر دوام و استمرار دارد، خصوصاً آنکه باب «تفعل» نیز این معنا را می رساند؛

ص: ۲۶۸

۱- ۱. مصباح المتعجد ص ۳۶۱

۲- ۲. مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۸۸ ح ۴۸۰۲، کتاب معرفه الصحابه باب مناقب امام حسن

۳- ۳. اسد الغابه ج ۳ ص ۲۹۲

۴- ۴. باب ۱۰۳ _ امالی صدوق ص ۳۸۳، بشاره المصطفی ص ۵۴، اعلام الوری ج ۱ ص ۵۰۸ بحار الانوار ج ۲۳ _ علل شرایع

یعنی در هر سال ماه مبارک رمضان، شب قدر وجود دارد و نزول فرشتگان و روح (بزرگترین فرشته) هم تا روز قیامت خصوصاً در چنین شبی (شب قدر) ادامه دارد و مستمر است، در زمان پیامبران، خصوصاً رسول اسلام، ملائکه و روح در شب قدر، بر آنان نازل می شدند و اسرار الهی را به آنان وحی می کردند؛ و عرض شد، تنزل عبارت آیه ۴ سوره قدر، فعل و عبارتش دال بر دوام و استمرار است، سوال می کنیم از منکرین امامت ائمه هدی، در زمان و عصر ما ملائکه و روح در شب قدر بر چه کسی نازل می شوند؟ آیا بر افراد عادی نازل می شوند؟ بر خلیفه الله و جانشین الهی و واقعی نبی اسلام نازل می شوند و اسرار الهی را به او عرضه می دارند، به روایات و احادیثی که اشاره و تاکید دارد، ملائکه و روح القدس در شب قدر بر حجت خدا و انسان کامل الهی یعنی ائمه هدی، نازل می شوند بطور اختصار نظر شما را معطوف می کنم؛ امام باقر علیه السلام فرمود: ای گروه جماعت شیعه بوسیله سوره قدر با دشمنان ما، مجادله و مناظره کنید که پیروز می شوید، بخدا قسم این سوره بعد از وفات پیامبر، حجت بر بندگان است و هر آینه این سوره سرور دین شماست و هر آینه این سوره نهایت علم ماست

یا معشر الشیعه خاصموا بسوره «انا انزلناه» تفلجوا فوالله انها لحجه الله على الخلق بعد رسول الله و انها لسیده دینکم و انها لغایه علمنا (۱)

امام باقر فرمود: خداوند عظیم تر از آن است که در شب قدر و تفریق کلیه امور، فرشتگان و روح را بسوی کفار و فساق بفرستد و اگر مخالف ما، بگوید به خلیفه پیامبر نازل می شوند، این حرف خلاف است زیرا ملائکه و روح بر خلیفه ناحق نازل نگردند و اگر بگویند بر کسی نازل نمی شوند این غیر ممکن است، زیرا، لازمه نزول این است که بر کسی نازل گردند و اگر بگویند شب قدر، اصلاً وجود ندارد، پس در گمراهی سختی افتاده اند _ (۲)، کتاب الحجّه _ ائمه هدی بعد از بنی اکرم، حکم محدث دارند، یعنی ملائکه بر آنان نازل می شوند و با آن گفتگو دارند، خصوصاً در شب قدر، مولا علی به ابن عباس فرمود: شب قدر در کلیه سالهای ماه رمضان هست،

ص: ۲۶۹

۱- ۱. اصول کافی ج ۱ ص ۵۶۶ ح ۶

۲- ۲. اصول کافی ج ۱ ص ۵۷۶ ح ۹

و در شب قدر، تقدیرات و برنامه زندگی امور یکساله، اندازه گیری می شود و این برنامه بعد از پیامبر، صاحبان امر و عهده دارانی دارد که من و ۱۱ امام محدث از صلب و نسل من هستند و هستیم _ (۱)، در کتب برادران اهل سنت خصوصاً در کتاب صحیح، محمد اسماعیل بخاری روایات زیادی نقل شده از زبان مبارک نبی اسلام، که فرموده اند: هر کس جویای درک شب قدر است در هفت شب یا ده شب آخر ماه مبارک رمضان آنرا طلب کند

فمن كان متحر بها، فليتحرها في السبع الا و آخر (۲)،

ممکن است وهابی ها بگویند، فرشتگان فقط بر پیامبران نازل می شده و امکان ندارد بر غیر از پیامبران و اوصیاء انبیاء نازل شوند؟! در کتاب صحیح بخاری ج ۴ ص ۲۴۵ ح ۳۶۸۹ باب مناقب عمر ابن الخطاب، از نبی اسلام روایت شده که قبل از شما افرادی بودند که پیامبر نبودند ولی فرشتگان بر آنان نازل می شدند و با آنان حرف می زدند و اگر در امت اسلام کسی باشد که فرشتگان با او حرف می زدند او عمر ابن الخطاب است. (۳)

لقد كان فيمن كان قبلكم من نبي اسرائيل رجال يكلمون من غير ان يكونوا انبياء فان يكن من امتي منهم احد فعمر..

البته مخفی نماند ما این روایاتی که آقایان اهل سنت نقل کرده اند بطور کامل قبول نداریم؛ چون طبق آیات قرآن، هر روحی و نفسی و جانی، توانایی و لیاقت کامل ندارد با روح القدس و فرشتگان الهی در ارتباط کامل و عمیق باشد، خداوند در سوره غافر آیه ۱۵، سوره نحل آیه ۲، سوره شوری آیه ۵۱ و ۵۲، سوره انبیاء آیه ۷۳، اشاره و تاکید فرموده، خداوند بر هر کس بخواهد، فرشتگان را نازل می کند و خواست، خداوند، همراه با حکمت و برگزیدگی و امتیاز خاص آن شخص است، ممکن است در طول تاریخ گذشته و حال افراد صالح و بسیار باتقوا باشند که ملائکه را مشاهده کنند ولی ملک را نشناسند و آن ملک بعنوان نصیحت مطلبی به آنان ارائه بدهد _ ينزل

ص: ۲۷۰

۱- ۱. اصول کافی ج ۱ ص ۵۳۲ ح ۱۱

۲- ۲. صحیح بخاری ج ۲ ص ۴۴۲ ح ۲۰۱۴، کتاب فضل ليله القدر

۳- ۳. صحیح بخاری ج ۳ ص ۱۲۷۹ ح ۳۲۸۲، کتاب الانبياء باب ۵۲ صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۸۶۴ ح ۲۳۹۸

الملائكة بالروح من امره على من يشاء من عباده، امام صادق در ذیل آیه ۴ سوره دخان فرمود: آن شب، شب قدر است، در آن شب، گروه حاجیان، تقدیر مرگ و زندگی، از اطاعت و معصیت، مقدر و تقدیر می شود، سپس آنرا به صاحب زمین می رساند، راوی سوال کرد: صاحب زمین کیست؟ فرمود: امام شما (۱)، در منابع روایی و تاریخی و فتوایی اهل سنت و حتی وهابیت بطور فراوان آمده، که یکی از صحابه نبی اسلام، بنام: عمران بن حصین خزاعی، با ملائکه و فرشتگان در ارتباط کامل بوده!!! حتی ملائکه با او مصافحه و روبوسی می کردند و با او احوالپرسی و سلام و علیک داشته اند، حتی عمران بن حصین فرشتگان را مشاهده می کرده و بعضی از علمای اهل سنت قائلند او همانند فرشتگان بوده و لقب شبیه الملائکه به او داده بودند

انه كان يرى الحفظه و كانت تكلمه _ كانت الملائكة تصافحه (۲)

و كانت الملائكة تسلم على عمران بن حصين؛ كانت الملائكة تسلم عليه؛ كانت الحفظه تكلمه؛ كانت الملائكة تسلم عليه و يراهم عيناً؛ عمران بن حصين، شبیه الملائکه صار کانه ملک یحیا بین الملائکه یحادثونه و یحادثهم و یصافحونه و یصافحهم. (۳)

از جمله کسانی که آقایان اهل سنت، قائلند، محدث بوده یعنی فرشتگان بر او نازل می شوند و با او حرف می زدند؛ ابو المعالی صالح، متوفی ۴۲۷ است؛ ابن جوزی و ابن کثیر نقل کرده اند: که ابوالمعالی در ماه رمضان گرفتار بیچارگی شدیدی شد و تصمیم گرفت؛ پیش یکی از اقوامش برود تا مقداری قرض بکند می گوید همین که داشتم می رفتم، پرنده ای روی شانه ام نشست و گفت: ای ابوالمعالی من فلان فرشته

ص: ۲۷۱

-
- ۱- ۱. بصائر الدرجات ص ۲۲۱ ح ۴
 - ۲- ۲. مرقاه المفاتیح ج ۱ ص ۱۷۲، الاستیعاب ج ۳ ص ۲۲ و ص ۱۲ ش ۱۹۶۹، الاصابه ص ۲۶ و ج ۴ ص ۷۵۰، سیر اعلام النبلاء ج ۲ ص ۵۰۸، المجموعه الفتاوی ابن تیمیه، مساله الحادی عشر ص ۲۷۶، الحاوی للفتاوی مساله ۷۰ ص ۳۰۹، تهذیب الاسماء و اللغات ج ۲ ص ۳۶
 - ۳- ۳. رجال حول الرسول ج ۱ ص ۴۰۳؛ صفه الصفوه ج ۱ ص ۲۸۳، تهذیب التهذیب ج ۸ ص ۱۲۶ البدایه و النهایه ج ۸ ص ۶۰؛ شذرات الذهب ابن عماد ج ۱ ص ۵۸؛ البدایه و النهایه ج ۸ ص ۶۰؛ شذرات الذهب ابن عماد ج ۱ ص ۵۸؛ طرح التثریب ج ۱ ص ۹۰؛ خلاصه تهذیب الکمال ص ۲۵۰؛ (با استفاده از سایت مکتبه شامله، مکتبه الاسلامیه و کتاب شریف الغدیر علامه امینی ج ۵ ص ۶۵)

ام به آنجا نرو، من او را پیش تو خواهم آورد، فردای آنروز همان مرد پیشم آمد

و نزلت طائره فجلس منکبی فقال یا ابا المعالی انا الملك فلانی ...

در مسند احمد حنبل ج ۵ ص ۳۹۵ آمده که حذیفه ابن الیمان با ملائکه صحبت می کرده و همچنین، آلوسی در تفسیر روح المعانی ج ۲۲ ص ۴۰ نوشته، جبرئیل با ابن ابی کعب حرف زده و در کتاب فتح الباری ج ۲ ص ۶۳ آمده، که عمر ابن الخطاب صدای _ جبرئیل را شنید، نقل شده که روزی حذیفه نزد رسول اسلام آمد و عرض کرد: من در حال نماز بودم، شنیدم که گوینده ای می گفت: اللهم لك الحمد، پیامبر فرمود: آن شخص ملکی بوده که آمده به شما یاد دهد چگونه خداوند را سپاس بگویید

عن حذیفه بن الیمان انه اتى النبى فقال بينما انا اصلى اذ سمعت متكلمًا يقول اللهم لك الحمد ... فقال النبى: ذاك ملك اتاك يعلمك تحميد ربك _ قال ابى بن كعب لادخلن المسجد فلا صلين و لاحمدن الله بمحامد لم يحمده بها احد فلما صلى و جلس ليمحمد الله و يثنى عليه اذ هو بصوت عال من خلف يقول: اللهم لك الحمد... فاتى رسول الله ففض عليه فقال ذاك جبرئيل ...

نخستین کسی که در آسمان دنیا، اذن گفت، جبرئیل بود و عمر ابن الخطاب و بلال آنرا شنیدند

اول من اذن بالصلاه جبرئيل فى سماء الدنيا فسمعه عمر و بلال(۱)، ان لكل امه محدثاً و ان محدث هذه الامه عمر ابن الخطاب(۲)، آلوسی مفسر معروف اهل سنت می نویسد: روایات فراوانی وارد شده که برخی از صحابه؛ ملائکه را می دیده و سخن آنها را می شنیده اند و بهترین دلیل برای تأیید آن آیه ۳۰ سوره فصلت است که در این آیه از نزول ملائکه بر غیر پیامبران در دنیا و سخن گفتن با آنان خبر داده و هیچ کس ادعا نکرده که لازمه این سخن نبوت است و الاخبار طافحه برویه الصحابه للملك و سماعهم كلامه و كفى دليلاً لما نحن فيه قوله سبحانه

ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة ... فان فيها نزول الملك على غير الانبياء فى الدنيا و تكليمه اياه و لم يقل احد من الناس ان ذلك يستدعى النبوه _ ج ۱۱ ص ۲۱۸ ذیل آیه ۶ سوره احزاب _ روح المعانی ج ۲۲ ص

ص: ۲۷۲

۱- ۱. عمده القارى ج ۵ ص ۱۰۷، سيره الحلبيه ج ۲ ص ۳۰۲

۲- ۲. تاريخ دمشق ج ۴۴ ص ۹۵

ویجوزان یحمل علی ظاهره بان تحدثهم الملائکه لابیوحی(۱) _ یکی از ادله و براهین قوی که مشخص و روشن می کند؛ اهل بیت معصوم و مخصوص نبی اسلام چه کسانی هستند حدیث مشهور و متواتر؛ ثقلین است؛ این روایت شریف با عبارات مختلف در منابع شیعه و سنی آمده است؛ که نبی اکرم می فرمود: من از میان شما می روم ولی دو چیز سنگین و پرارزش برایتان باقی می گذارم اول قرآن و دوم اهل بیتم که هیچ وقت این دو (قرآن و اهل بیت) از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد و نازل شوند و اگر به این دو (قرآن و اهل بیت) توسل و تمسک بجوئید هیچ وقت گمراه نمی شوید

و انا تارک فیکم ثقلین اولهما کتاب الله فیه الهدی و النور فخذوا بکتاب الله و استمسکوا به فحث علی کتاب الله و رغب فیه ثم قال: و اهل بیتی اذکرکم الله فی اهل بیتی(۲) _ ، انی تارک فیکم ما ان تمسکتکم به لن تضلوا بعدی احدهما اعظم من الاخر، کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی و لن یترقا حتی یردا علی الحوض فانظروا کیف تخلفونی فیهما(۳) _ هذا حدیث حسن _ یا ایها الناس انی ترکت فیکم ما ان اخذتم به لن تضلوا؛ کتاب الله و عترتی اهل بیتی(۴): ابن کثیر می نویسد: در سند صحیح آمده که پیامبر، مردم را به کتاب خدا و عترت توصیه کرده است

و قد ثبت فی الصحیح ان رسول الله فی خطبه بغدیر خم: انی تارک فیکم الثقلین؛ کتاب الله و عترتی و انهما لم یترقا حتی یردا علی الحوض(۵)

ابن کثیر در البدایه و النهایه ج ۷ ص ۶۶۸ می نویسد: استاد من، ذهبی می گوید این روایت صحیح است

قال شیخنا ابو عبد الله الذهبی و هذا حدیث صحیح ناصر الدین آلبانی می گوید:

ص: ۲۷۳

۱- ۱. مرقاه المفاتیح شرح مشکاه المصابیح علی بن سلطان محمد القاری، مساله ۴ باب مناقب عمر ابن الخطاب ص ۳۸۹۳ _

ص ۲۱ طبق سایت مکتبه الاسلامیه (اسلام ویب)

۲- ۲. صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۸۷۳، مسند احمد ج ۲۳ ص ۱۰

۳- ۳. سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۶۳ اسد الغابه فی معرفه الصحابه ج ۲ ص ۱۳ ابن اثیر؛ الدر المنثور سیوطی ج ۷ ص ۳۴۹

۴- ۴. سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۶۳، کنز العمال ج ۱ ص ۱۷۲؛ المصنف ابن ابی شیبه ج ۶ ص ۳۰۹

۵- ۵. تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر ج ۷ ص ۱۸۵

حدیث ثقلین صحیح است _ انی ترکت فیکم الخلیفتین الکاملتین کتاب الله و عترتی _ ح ۲۴۵۷ صحیح الجامع الصغیر ج ۱ ص ۴۸۲ _ صحیح و ضعیف الجامع الصغیر و زیاده ج ۱ ح ۴۲۲۲ و ۴۲۲۳ و ۵۲۴۸ و ۵۵۴۳ و ۸۲۳۹

_ انی تارک فیکم خلیفتین کتاب الله جبل ممدود ما بین السماء و الارض و عترتی اهل بیتی و انهما لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض (صحیح) هیشمی در مجمع الزوائد ج ۱ ص ۱۷۰ و ج ۹ ص ۱۶۳ و ج ۱۰ ص ۳۶۳ حدیث ثقلین و راویان را موثق می داند و عن زیدبن ثابت عن رسول الله قال: انی ترکت فیکم خلیفتین، کتاب الله و اهل بیتی و انهما لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض: رواه الطبرانی فی الکبیر و رجاله ثقات ح ۷۸۴؛ حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۱۸ ح ۴۵۷۷ ش ۱۷۵، حدیث ثقلین را ذکر کرده و آنرا صحیح شمرده است

ایها الناس انی تارک فیکم امرین لن تضلوا ان اتبعتموهما کتاب الله و اهل بیتی عترتی... (۱)

فانی سائلکم حین تردون علی عن الثقلین فانظروا کیف تخلفونی فیهما الثقل الاکبر کتاب الله سبب طرفه بیدالله و طرفه بایدیکم فاستمسکوا به لا- تضلوا اولاً تبدلوا و عترتی اهل بیتی؛ الصواعق المحرقة ابن حجر ص ۴۴۰ _ می نویسد: بدانید برای حدیث ثقلین طرق بسیاری می باشد که نقل گردیده و بیش از ۲۰ نفر صحابه پیامبر آنرا نقل کرده اند و نبی اسلام در موطن کثیره به این حدیث تاکید فرموده:

اعلم ان لحدیث التمسک بالثقلین طرقاً کثیره وردت عن نیف و عشرين صحابياً و لاتنافی اذ لامانع من انه کرر علیهم ذلك فی تلك المواطن و غيرها اهتماماً بشان الکتاب العزیز و العتره الطاهره (۲)

ص: ۲۷۴

۱- ۱. و حدیث بریده الاسلمی صحیح _ المستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۶۱: انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و اهل بیتی و انهما لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض _ هذا حدیث صحیح الاسناد _ مسند احمد حنبل ج ۱۷ ص ۱۷۰ و ص ۲۱۱ و ص ۳۰۹ و ج ۱۸ ص ۱۱۴: و انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله عزوجل و عترتی ح ۱۱۱۳۱؛ حلیه الاولیاء ج ۱ ص ۳۵۵

۲- ۲. سنن ابی داود ج ۲ ص ۱۸۵ ح ۱۹۰۵؛ خصائص امیرالمومنین (نسایی) ص ۹۳، تذکره الخواص ص ۲۹۰، الجمع بین الصحیحین ج ۱ ص ۵۱۵ معجم الکبیر طبرانی ج ۳ ص ۶۵، تلخیص المستدرک ذهبی ج ۳ ص ۱۰۹ عقد الفرید ابن عبد ربه ج ۴ ص ۱۲۶، مطالب السوول ص ۳۹، ینایع الموده ج ۱ ص ۹۷، شرح نهج البلاغه ج ۹ ص ۱۳۳، نور الابصار ص ۱۱۹، فصول المهمه ج ۱ ص ۲۳۷؛ فرائد السمطین ج ۲ ص ۲۳۳؛ الکشف و الیقان ثعلبی ج ۸ ص ۴۰؛ مناقب ابن مغزلی ص ۲۳۴ ح ۲۸۱؛ کفایه الطالب ص ۵۳ باب ۱، طبقات الکبری ابن سعد ج ۲ ص ۱۵۰؛ تفسیر الکبیر رازی ج ۸ ص ۱۶۳

ابن تیمیه رهبر فکری و هابیت در کتاب منهاج السنه النبویه ج ۴ ص ۵۶۱ می نویسد: در روایات صحیح ثابت و وارد شده که نبی اسلام در غدیر خم بین مکه و مدینه این حدیث را خواند _

و قد ثبت فی الصحیح عن النبی انه خطب الناس بغدیر یدعی خما بین مکه و مدینه فقال: انی تارک فیکم الثقلین احدهما کتاب الله ... ثم قال و عترتی اهل بیتی(۱)؛ والذی رواه مسلم انه بغدیر خم قال: انی تارک فیکم الثقلین ... المطالب العالیه(۲)

و قد ترکت فیکم ما ان اخذتم به لن تضلوا کتاب الله تعال سببه بیدی و سببه بایدیکم و اهل بیتی(۳): علامه کبیر، مرحوم میر حامد حسین هندی از نوابغ علمای شیعه، این حدیث ثقلین را، از بیش ۵۰۰ عالم سنی، نقل کرده است _ حدیث ثقلین، عصمت و امامت الهی ائمه هدی را و همچنین برتری آنان بر تمام پیامبران بغیر از رسول اسلام ثابت و روشن می کند؛ ابن حجر می نویسد: علت نامگذاری ثقلین بدان جهت است که ثقل با دو فتحه هر چیز نفیس و گرانبهائی است که از هر گونه دستبردی مصون و محفوظ می باشد و شکی نیست که این دو (قرآن و اهل بیت خاص پیامبر) از هر گونه خطاء و اشتباه محفوظ هستند

سمى رسول الله؛ القرآن و عترته ... لان الثقل کل نفیس خطیر مصون و هذان كذلك اذ کل منهما معدن للعلوم اللدنيه و الاسرار و الحكم العلیه و الاحکام الشرعیه... و قيل سیما ثقلین و جوب رعایه حقوقهما.(۴) استاد توفیق ابوعلم؛ نویسنده مشهور مصری سنی در کتاب اهل البیت ص ۷۵ می نویسد: دلالت حدیث مزبور بر عصمت ظاهر و آشکار دارد چون در قرآن باطل و کجی نفوذ و راه ندارد در اهل بیت معصوم پیامبر هم، باطل نفوذ ندارد چون پیامبر اکرم، خبر از پیوستگی آنان با هم و عدم جدایی آنان داده است

ان النبی قرنهم بکتاب الله العزیز الذی لایاتیه الباطل من بین یدیه و لامن خلفه

ص: ۲۷۵

-
- ۱- ۱. منهاج السنه ج ۷ ص ۳۱۸
 - ۲- ۲. ابن حجر ج ۱۶ ص ۱۴۲ ح ۳۹۴۳
 - ۳- ۳. هذا اسناده صحیح، فضائل الصحابه احمد حنبل ج ۲ ص ۶۰۳ ح ۱۰۳۲؛ مسند ابن ابی شیبه ج ۱ ص ۱۰۸ ح ۱۳۵؛ السنه ج ۲ ص ۳۵۱، فیض القدیر ج ۳ ص ۱۴؛ سنن بیهقی ج ۲ ص ۱۴۸؛ سنن دارمی ج ۲ ص ۴۳۱؛ انسان العیون ج ۳ ص ۳۰۸ حلبی؛ ذخائر العقبی طبری ص ۱۶؛ مصابیح السنه بغوی ج ۲ ص ۲۰۵
 - ۴- ۴. صواعق المحرقه ص ۲۱۰

فلا يفترق احدهما عن الاخر و من الطبيعي ان الصدور آيه مخالفه لاحكام الدين تعد افتراقاً عن الكتاب العزيز و قد صرح النبي بعدم افتراقهما حتى يردا على الحوض؛ فدلالته على العصمه ظاهره جليه _ تفتازاني مي نويسد: آيا نمى بينى كه چگونه پيامبر اهل بيت خود را به كتاب خود مقرون ساخته اين نيست مگر به جهت تمسك به كتاب و عترت كه انسان را از ضلالت و گمراهى نجات خواهد داد، يعنى در قرآن و اهل بيت باطل و ضلالت راه ندارد)

الاترى انه قرنهم بكتاب الله تعالى فى كون التمسك بهما منقذا عن الضلاله(۱)

نبى اسلام و ائمه هدى، حديث ثقلين را براى ما، تفسير و معنا کرده اند و امام صادق عليه السلام، حديث ثقلين دال بر عصمت ابدى ائمه هدى مى داند؛ از مولا على سوال شد معنا و مفهوم حديث ثقلين چيست؟ حضرت فرمود: من و حسن و حسين و ۹ امام از فرزندان حسين و نهمين فرزند حسين، مهدى قائم است كه هيچ وقت اينان از كتاب خدا، جدا نمى شوند تا اينكه در کنار حوض كوثر، بر پيامبر نازل شوند _ سئل اميرالمومنين عن معنى قول رسول الله:

انى مخلف فيكم الثقلين؛ كتاب الله و عترتى من العتره؟

فقال: انا و الحسن و الحسين و الائمة التسعه من ولد الحسين، تاسعهم مهديهم و قائمهم لايفارقون كتاب الله و لايفارقهم حتى يردوا على رسول الله حوضه، (۲)

پيامبر اکرم در خطبه شريف غدیر خم راجع به حديث ثقلين فرمود: اى مردم، على عليه السلام و اولاد مطهرش، ثقل اصغرند و قرآن ثقل اكبر است و هر کدام از آن دو مويد و موافق ديگرى خواهد بود و هرگز از همدیگر جدا نخواهند شد تا روزى كه در جانب حوض به من رسند

ان علیاً و الطيبين من ولدی هم الثقل الاصغر و القرآن الثقل الاكبر فكل واحد منبى عن صاحبه و موافق له لن يفترقا حتى يردا على الحوض (۳)، نبى اکرم فرمود: على عليه السلام با قرآن و قرآن با على است و هيچ وقت از هم جدا نمى شوند، كه اين روايت با سند صحيح در منابع مهم اهل سنت آمده است

على مع القرآن و القرآن مع على، لن يفترقا حتى يردا على الحوض _ على مع

ص: ۲۷۶

۱- ۱. شرح المقاصد ج ۲ ص ۲۲۲

۲- ۲. الكافي ج ۱ ص ۵۳۳، الارشاد ج ۲ ص ۳۴۷، الخصال ص ۴۱۹ ح ۱۲

۳- ۳. احتجاج طبرسى ج ۱ ص ۱۳۱

در ضمن به اقرار بعضی از علمای اهل سنت، آیه تطهیر؛ عبارت و واژه انما که در ابتدای آیه تطهیر آمده دلیل بر برتری ائمه ۱۲ گانه شیعه بر تمام پیامبران بغیر از رسول اسلام و دلیل بر مساوی بودن مقام و رتبه ائمه ۱۲ گانه شیعه با رسول اسلام است؛ ابن منظور، لغت شناس معروف اهل سنت در کتاب لسان العرب ج ۱۳ ص ۳۱ درباره عبارت انما می نویسد: کلمه انما مفهومی را برای آنچه که بعد از او آمده است اثبات می کند مانند: این سخن که کسی بگوید: من و مانند من از شرف و حیثیتم دفاع می کنم یعنی در واقع می گوید: فقط من و مثل من چنین هستیم نه فردی دیگر

و معنی انما اثبات لما یذکر بعدها و نفی لما سواه کقوله: و انما یدافع عن احسابهم انا او مثلی المعنی: ما یدافع عن احسابهم الا انا او من هو مثلی....

ابن حجر هیشمی در صواعق المحرقة ج ۲ ص ۴۲۵ می نویسد: این آیه (تطهیر) منبع فضائل و برتری های خاندان نبوت است و توجهی خاص به اهل بیت دارد

ثم هذه الایه منبع فضائل اهل البيت النبوی لاشتمالها علی غرر من مآثرهم و الاعتناء بشانهم

ابن ابی الحدید معتزلی می نویسد: ما معتقدیم که در امر خلافت حضرت علی به دلیل برتری که نسبت به دیگران داشت برای تصدی آن دارای حق بود و نسبت به دیگران اولویت داشت؛ چرا که برترین بشر بعد از پیامبر اسلام است _ نقول انه کان اولی بالامر و احق لا علی وجه النص بل علی وجه الافضلیه فانه افضل البشر بعد رسول الله (۲)

آلوسی مفسر معروف اهل سنت در تفسیر روح المعانی درباره اهل بیت معصوم

ص: ۲۷۷

۱- ۱. مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۳۴ ح ۴۶۲۸ _ هذا حدیث صحیح الاسناد _ مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۳۰ ح ۴۶۱۴؛ مجمع الزوائد ج ۷ ص ۲۳۵، تاریخ بغداد ج ۱۴ ص ۳۲۲؛ البدایه و النهایه ابن کثیر ج ۷ ص ۳۹۸؛ مسند ابویعلی ج ۲ ص ۳۱۸ ح ۱۰۵۲، تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۴۴۹؛ محاضرات الادباء ج ۳ ص ۴۶۴ حد ۲۰؛ کشف الاستار عن الزوائد البزاز هیشمی ج ۴ ص ۹۶ ح ۳۲۸۲؛ ذهبی در تلخیص مستدرک ح ۴۶۲۸ این حدیث را صحیح دانسته _ قال فی التلخیص: صحیح؛ ربیع الابرار ج ۱ ص ۸۲۸، فرائد السمطین ج ۱ ص ۱۷۷؛ المعجم الاوسط ج ۵ ص ۱۳۵ المعجم الصغیر ج ۱ ص ۲۵۵؛ صواعق المحرقة ص ۱۲۴؛ مناقب خوارزمی ص ۱۷۷ ح ۲۱۴؛ فیض القدر ج ۴ ص ۳۵۶ حرف العین؛ سبل الهدی والرشاد ج ۱۱ ص ۲۹۷؛ کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۰۳؛

۲- ۲. شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۱۴۰

نبی اکرم می نویسد: اهل بیت معصوم نبی اسلام کسانی هستند که هم وزن و برابر با قرآن کریم می باشند و همسران نبی اسلام در حدیث ثقلین داخل نیستند یعنی زنان پیامبران؛ جزء آن اهل بیتی نیستند که پیامبر اکرم فرمود: دوم: عترت از اهل بیتم که از قرآن هیچ وقت جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر فردای قیامت بر من نازل و وارد شوند

و انت تعلم ان ظاهر ما صح من قوله: انی تارک فیکم خلیفتین و فی روایه ثقلین؛ کتاب الله جبل ممدو ما بین السماء والارض و عترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض یقتضی ان النساء المطهرات غیر داخلات فی اهل البیت الذین هم احد الثقلین؛ شخصی از امام کاظم علیه السلام سوال کرد معنای عصمت امام چیست؟ امام موسی بن جعفر فرمود: معصوم شخصی است که بواسطه چنگ زدنش به ریسمان الهی و جدا نشدنش از آن هرگز به گناهی آلوده نگردد و رشته محکم الهی خدا؛ قرآن است که آن دو تا روز قیامت از یکدیگر جدا نگردند و تا رستاخیر امام هدایت می کند به قرآن و قرآن راهنمائی می نماید به امام و این است فرموده خداوند:

ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم _ فما معنی المعصوم؟ فقال: هو المعتصم بحبل الله و حبل الله هو القرآن لایفترقان الی یوم القیامه و الامام یهدی الی القرآن و القرآن یهدی الی الامام (۱)

از جمله ادله دیگر در برتری مولا- امام علی علیه السلام بر پیامبران و خلائق بغیر از بر رسول اکرم، آیه ۱۹ و ۲۰ سوره توبه است،

{اجعلتم سقایه الحج و عماره المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الاخر و جهاد فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله ...}

مولا علی علیه السلام شخصیتی است که خداوند در سوره توبه آیه ۲۰ درباره او فرموده: بزرگترین درجه و مقام نزد پیشگاه خداوند دارد، شان نزول این دو آیه از این قرار بوده که عباس بن عبدالمطلب و طلحه بن شیبیه با مولا علی علیه السلام در مقام مفاخرت برآمدند، طلحه می گفت: که اختیار بیت الله در دست من است و کلید خانه خدا نزد من است پس من بر تمام عالمیان برتری دارم؛ عباس گفت: من صاحب سقایه ام و به حجاج آب می دهم پس من افضل و اشرف می باشم مولا علی فرمود: شما چه

ص: ۲۷۸

می گوئید زیرا که من ایمان آورده ام به پیامبر و تصدیق کرده ام خدا را و با نبی اسلام نماز گزاردم قبل از جمیع مردم بمدت ۶ ماه در زمانیکه همه عبادت بتها و متابعت شیطان بودید بعد از این گفتگو و مناظره مولا علی با عباس و شیبیه آیه ۱۹ و ۲۰ سوره توبه در برتری مولا علی و عظمت درجه و مقام او نزد خدا، بر پیامبر اسلام نازل شد؛ منابع تفسیری اهل سنت این قضیه و شان نزول را در ذیل آیه ۱۹ و ۲۰ سوره توبه درباره مولا علی نقل کرده اند

قال افتخرالعباس بن عبدالمطلب فقال: انا عم محمد و انا صاحب سقایه الحاج و انا افضل من علی و قال شیبیه بن عثمان: انا امر بیت الله و صاحب حجابته و انا افضل فسمعهما علی و هما یذاکران ذلك فقال: انا افضل منكما؛ انا المجاهد فی سبیل الله فانزل الله فیهم: اجعلتم سقایه الحاج: یعنی العباس و عماره المسجد الحرام یعنی: شیبیه کمن آمن بالله و الیوم الاخر الی قوله: اجر عظیم: ففضل علیاً علیهما

امام باقر علیه السلام فرمود: آیه شریفه {الذین امنوا و هاجروا کلمه تا فائزون} در حق امیرالمومنین علی نازل شده است (۱)

فصدق الله علیا فی دعواه و شهدله بالایمان و المهاجره و الجهاد... و رفع قدره فیہ و اعلاه و کم له من المزايا التي لا یبلغها احد سواه (۲)

از جمله برتری های دیگر مولا علی بر پیامبران بغیر از بر رسول اسلام؛ آیه ۳ سوره مبارکه توبه است؛ در ذیل این آیه مفسران محدثان و مورخان محترم اهل سنت و جماعت نوشته اند؛ پیامبر اکرم؛ جناب ابوبکر را با ده آیه ابتدایی سوره توبه به جانب مکه فرستاد چون به ذوالحلیفه رسید؛ کسی را دنبال او فرستاد و او را بر گردانید و گفت: آن را جزء مردی از من (یعنی همانند من) و اهل بیت من نبرد، پس مولا علی را فرستاد، و این تفسیر آیه شریفه با لفظ صریح نبوی، اثبات می کند که مولا علی،

ص: ۲۷۹

۱- ۱. تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۸۴، سدی درباره آیه ۱۹ تا ۲۰ سوره توبه می گوید درباره مولا علی نازل شده است _ شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۳۳۵؛ تفسیر امام قرطبی ج ۸ ص ۲۹؛ تفسیر ابن کثیر ج ۴ ص ۱۲۲؛ تفسیر طبری ج ۱۴ ح ۱۶۵۶۳؛ تفسیر بغوی ج ۴ ص ۲۲ و ص ۲۳؛ تفسیر کشاف ذیل آیه، در المنتور سیوطی ج ۷ ص ۲۷۰ و ص ۲۷۱ و ص ۲۷۲؛ تفسیر آلوسی ج ۱۰ ص ۶۷؛ تفسیر المنار؛ رشید رضا ج ۱۰ ص ۱۹۵؛ تفسیر نسفی ذیل آیه ش ۱۹؛ تفسیر ابن ابی حاتم رازی ص ۱۷۶۷ ح ۱۰۰۶۴ و ح ۱۰۰۶۵؛ تفسیر زادالمسیر ابن جوزی ج ۳ ص ۴۱۰؛ مناقب ابن مغزلی ح ۳۶۷ اسباب النزول _ ص ۱۲۹

۲- ۲. واحدی ص ۱۸۲؛ الکشف و البیان ثعلبی ج ۵ ص ۲۰، تفسیر سمعانی ج ۲ ص ۲۹۴،

رتبه و مقام و جایگاهش همانند، نبی اسلام است، و وقتی مولا علی، طبقه آیه مباهله (آیه ۶۱ سوره آل عمران) و تفسیر ذیل آیه (۳) براءت (سوره توبه) همانند پیامبر اسلام است؛ چگونه سایر پیامبران بر مولا علی؛ برتری می توانند داشته باشند؟

لا یذهب به الارجل من اهل بیتی فبعث علیاً!! _ لا ینبغی ان یبلغ هذا الارجل منی من اهلی فدعا علیاً فاعطاه ایاها (۱)

و لکن جبرئیل جاء نی فقال: لن یودی عنک الا انت او رجل منک (۲)

نزلت «براءه» فبعث بها رسول الله؛ ابابکر ثم ارسل علیاً فاخذها منه فلما رجع ابوبکر قال: هل نزل فی شیء؟ قال: لا ولکنی امرت ان ابلاغها انا او رجل من اهل بیتی (۳)

لا یودی عنی الا رجل من اهل بیتی ثم دعا؛ علی ابن ابی طالب (۴)

لا ینبغی لاحدان یبلغ هذا، الارجل من اهلی (۵)

لا یبلغ عنی الارجل منی _ انه لا یودی عنی الا انا او رجل منی _ لا یودی عنی الا

ص: ۲۸۰

۱- ۱. شواهد التنزیل ح ۳۱۰

۲- ۲. صحیح محمد اسماعیل بخاری ج ۶ ص ۴۰۴ ح ۱۰۸۱؛ کتاب التفسیر؛ سنن الکبری بیهقی ج ۵ ص ۱۱۱ کتاب الحج؛ الجامع الصحیح ترمذی ص ۸۲۰ کتاب التفسیر ح ۳۰۹۰ مناقب خوارزمی ص ۱۶۵ فصل ۱۵ ح ۱۹۶؛ فتح القدر شوکافی ۲ ص ۲۶۱؛ مناقب ابن مغزلی ص ۲۲۷ ح ۲۷۲ مطالب السنول، بن طلحه شافعی ص ۸۴ فصل ۵؛ ینابیع الموده قندوزی ج ۱ ص ۲۶۱ باب ۱۸؛ ریاض النضره محب طبری ج ۲ ص ۱۳۳ باب ۴؛ ذخائر العقبی ص ۶۹؛ تذکره الخواص ابن جوزی ص ۴۳ باب؛ خصائص نسایی ص ۹۰؛ البدایه و النهایه ابن کثیر ج ۷ ص ۳۹۴ ذیل حوادث سال ۴۰ هجری؛ الاصابه ابن حجر ج ۴ ص ۴۶۷ ش ۵۷۰۴ در المنثور سیوطی ج ۳ ص ۳۷۸؛ جامع البیان طبری ج ۶ ص ۸۴ ح ۱۲۷۲؛ الکشف و البیان ثعلبی ج ۵ ص ۸ تفسیر القرآن ابن کثیر ج ۲ ص ۲۸۸؛ تفسیر روح المعانی آلوسی ج ۱۰ ص ۴۴ صواعق المحرقه ابن حجر ص ۱۲۲ ح ۶ باب ۹ فصل مجمع الزوائد ج ۳ ص ۲۳۸ کتاب الحج؛ کفایه الطالب گنجی شافعی ص ۲۵۳، مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۳ مسند ابی بکر؛ المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۵۳ ح ۴۳۷۴؛ کنز العمال هندی ج ۲ ص ۴۳۱ ح ۴۴۲۰؛ فتح الباری ابن حجر ج ۸ ص ۳۱۸ کتاب التفسیر؛ تاریخ طبری ج ۲ ص ۳۸۳؛ الثقات ابن حبان ج ۹ ص ۲۹ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۶ ص ۱۶۸ خطبه ۷۳؛ تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۴۶ شرح حال علی ابن ابی طالب

۳- ۳. تفسیر طبری ذیل آیات اول سوره توبه ح ۱۶۳۷۲ طبق سایت مکتبه اسلامیه

۴- ۴. ح ۱۶۳۷۷ ص ۱۰۸ تفسیر طبری (سایت مکتبه اسلامیه) _ و لکن لا- یبلغ عنی غیری او رجل منی _ ح ۱۶۳۷۸ تفسیر

طبری ص ۱۰۹ (سایت مکتبه اسلامیه) _ تفسیر بغوی ج ۴ ص ۱۰

۵- ۵. (بنقل از سایت مکتبه اسلامیه) _ تفسیر کشاف ج ۳ ص ۷ _ لا یودی عنی الارجل منی؛ تفسیر المنار رشید رضا ج ۱۰ ص

۱۴۱؛ تفسیر کبیر امام فخر رازی ذیل آیه اول سوره براءت ص ۱۷۴

شیخ مفید در مسار الشیعه ص ۱۷ می نویسد: عزل ابوبکر از آسمان و ابلاغ ولایت و امامت علی علیه السلام از آسمان بود عملکرد نبی اکرم بوسیله وحی آسمان در قضیه فرستادن مولا علی به جای ابوبکر برای ابلاغ آیات سوره براءت

و كان ذلك عزلاً لابی بكر من السماء و ولاية لامير المؤمنين عليه السلام من السماء

این آیه ۳ سوره توبه و تفسیر آن؛ در حین اینکه برابر بودن مقام الهی مولا علی با نبی اسلام را نشان می دهد و تاکید دارد بر اینکه مولا علی علیه السلام خلیفه و جانشین نبی اسلام است از قول شریف ایشان رسیده که شجاعت بی نظیر او را هم ترسیم می کند، مولا- علی می فرماید: نبی اسلام مرا از ماموریت بسوی مکه و مشرکان مکه باخبر ساخت و نامه اش را همراه من بسوی مکه روانه کرد، مردم مکه، که به خون من تشنه و حاضر بودند همه امکاناتشان را بکار گیرند تا مرا قطعه قطعه کنند و پاره های بدنم را در میان کوه ها پراکنده سازند مرا در میان خود یافتند، پیام خدا و رسول را به آنان ابلاغ کردم و نامه را خواندم، همگی مرا تهدید کردند و آثار کینه و دشمنی در چهره هایشان آشکار شد ولی من هراسی به دل راه ندادم و شجاعانه ماموریت خویش را به فرجام رساندم و به مدینه بازگشتم

_ فاتیة مکه و اهلها من قد عرفتم لیس منهم احد الا ولو قدر ان یضیع علی کل جبل منی ارباً لفعل و لو ان یبذل فی ذلك نفسه و اهله و ولده و ماله فبلغتهم رساله النبی و قرأت علیهم کتابه فکلهم یلقانی بالتهدد و الوعید و یبذی الی البغضاء و یظهر الشحناء من رجالهم و نسائهم فکان منی ذلك ما قد رايتم _ (۲)

ص: ۲۸۱

۱- ۱. انساب الاشراف بلاذری ج ۱ ص ۳۱۶ و ص ۱۵۴ الاموال ابن سلام ص ۲۱۵ و سنن دارمی ج ۲ ص ۶۷؛ جامع الاصول ابن اثیر ج ۲ ص ۲۳۳؛ الجامع الصغیر سیوطی ج ۲ ص ۹۸؛ التیسیر مناوی ج ۲ ص ۹۸ مصابیح السنه بغوی ج ۲ ص ۲۰۲؛ نور الابصار شبلنجی ص ۸۸؛ اخبار اصبهان ابونعیم ج ۱ ص ۲۵۳؛ تذکره الحفاظ ترجمه حوید بن سعید، تاریخ الاسلام ذهبی ج ۲ ص ۱۹۵؛ تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۱۶۹ فیض القدیر مناوی ج ۴ ص ۳۵۷؛ فرائد السمطین حموئی ج ۱ ص ۳۲۸؛ البیان و التعریف ابن حمزه ج ۱ ص ۱۶۸ تهذیب الاسماء و اللغات نووی ج ۱ ص ۳۴۸ عمدہ القاری عینی ج ۸ ص ۶۳۷؛ ارشاد الساری قسطلانی ج ۷ ص ۱۳۷؛ شرح المواهب اللدنیه زرقانی ج ۳ ص ۹۱؛ امتاع الاسماع مقریزی ص ۴۹۹، السیره النبویه زینی دحلان ج ۲ ص ۳۵۶؛ السیره النبویه ابن هشام ج ۴ ص ۲۰۳؛ تفسیر مراغی ج ۴ ص ۵۶ و ..

۲- ۲. خصال صدوق ج ۲ باب ۷ ص ۳۶۹ ح ۵۸؛ اختصاص مفید ص ۱۶۸، سیمای امیرمومنان در قرآن، سید جواد رضوی ص

یکی دیگر از فضائل بی نظیر مولا علی بر پیامبران بغیر از بر رسول اسلام به اقرار علمای اهل سنت این است که ذکر و یاد مولا علی، عبادت است که با سند حسن و صحیح در منابع معتبر اهل سنت ذکر شده از قول ۱۸ نفر از صحابه، رسول اکرم فرمود: نگاه کردن به چهره علی، عبادت است.

النظر الی وجه علی عباده (۱)

عمر ابن شاهین بعد از نقل این روایت می نویسد: تنها علی ابن ابی طالب این فضیلت را داشته و هیچ کس دیگر در آن شریک نیست

تفرد علی بهذه الفضيله لم یشرکه فیها احد شرح المذاهب اهل السنه و معرفه شرائع الدین و التمسک بالسنن. (۲)

ابو نعیم اصفهانی هم می گوید: این فضیلت مخصوص مولا علی است و هیچ احدی با او در این فضیلت شریک نیست

— ذکر فیضله اخری لامیر المومنین علی رضی الله عنه لم یشرکه فیها احد؛ کتانی در نظم المتناثر من الحدیث المتواتر ص ۲۴۳ می نویسد: این حدیث متواتر است — حدیث النظر الی علی عباده ورد من روایه احد عشر صحابياً بعده طرق قال السیوطی فی التعقیبات و تلك عدّه التواتر فی رای جماعه؛ عایشه از نبی اسلام نقل کرده که فرمود: یاد و ذکر علی علیه السلام عبادت است

عن عائشه قالت: قال رسول الله: ذکر علی عباده (۳)

مولا علی نه تنها عبد مخلص الهی است بلکه نگاه کردن به چهره او و ذکر و یاد او، عبادت الهی است چون خداوند در قرآن پیامبران را عبد خود خوانده ولی نه در قرآن و در نه در روایات شیعه و سنی نیامده که ذکر پیامبران، عبادت است و به

ص: ۲۸۲

۱- ۱. المعجم الكبير ج ۱۰ ص ۷۶ ح ۱۰۰۰۶؛ فضائل الخلفاء الراشدين ابونعیم اصفهانی ج ۱ ص ۶۶؛ مستدرک حاکم ج ۳ ص

۱۵۲ ح ۴۶۸۲ تاریخ الخلفاء سیوطی ج ۱ ص ۱۷۲، صواعق المحرقة ج ۲ ص ۳۶۰

۲- ۲. ج ۱ ص ۱۴۵ ابن شاهین

۳- ۳. مناقب ابن مغزلی ح ۲۴۳۷؛ مناقب خوارزمی ص ۲۵۲؛ البدایه النهایه ابن کثیر تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۵۶ و

ج ۲ ص ۴۰۸ ح ۹۱۴؛ الجامع الصغیر سیوطی ج ۱ ص ۵۸۳؛ فیض القدیر ج ۳ ص ۵۶۵ — صواعق المحرقة ص ۷۴ کنوز

الحقائق ص ۷۳؛ سبل الهدی و الرشاد ج ۱۱ ص ۲۹۳

همین دلیل، مولا- علی از پیامبران افضل است بغیر از بر رسول اسلام؛ نبی اکرم فرمود: ذکر خداوند عبادت است و ذکر من عبادت است و ذکر علی، عبادت است و ذکر امامان از فرزندان او عبادت است

ذکر الله عبادت و ذکر علی عبادت و ذکر الائمه من ولده عبادت (۱)

امام صادق و امام باقر فرمودند: ان ذکرنا من ذکر الله یا دما اهل بیت، یاد خداست _ ان ذکرنا من ذکر الله _ (۲)؛ از جمله برتری های دیگر مولا- علی بر پیامبران و خلائق بغیر از بر رسول اسلام؛ آیه ۱۰ سوره مبارکه واقعه است {و السابقون السابقون}، مفسران شیعه و خصوصاً اهل سنت بر این اعتقاد هستند که منظور از سابقون، علی ابن ابی طالب است که بر تمام خیرات و نیکی ها و خوبی ها، سبقت گرفته و جلو افتاده، وقتی که مولا علی به اقرار قرآن و مفسران نامی قرآن به دلیل ذیل آیه ۱۰ سوره واقعه؛ از تمام خلائق از جهت عبادی، علمی، خلقتی و هر ابعادی پیشی گرفته تمام پیامبران و خلائق بغیر از رسول اسلام؛ چگونه می توانند بر او برتری و تقدم داشته باشند؛ مجاهد از ابن عباس نقل می کند از رسول خدا؛ درباره آیه ۱۰ سوره واقعه سوال کردم؛ پیامبر فرمود: جبرئیل به من گفت: منظور از سابقین علی و پیروان او هستند که بسوی بهشت سبقت خواهند گرفت و مورد کرامت و قرب الهی هستند _

و السابقون السابقون؛ اولئك المقربون فی جنات النعیم فقال لی جبرئیل؛ ذلک علی و شیعتہ هم السابقون الی الجنه، المقربون من الله بکرامته لهم (۳)

از جمله منابع روایی و تفسیری اهل سنت که گفته اند منظور از سابقون، امام علی علیه السلام است به این شرح می باشد؛ ابن جوزی در تذکره الخواص ص ۲۱؛ طبری در الریاض النضره ص ۱۸۵، ابن کثیر در تفسیر القرآن العظیم ج ۴ ص ۲۸۳، ابن حجر در صواعق المحرقة ص ۱۲۳؛ قندوزی در ینابیع الموده ص ۶۰؛ سیوطی در

ص: ۲۸۳

-
- ۱- ۱. بحار الانوار علامه مجلسی ج ۳۶ ص ۳۰۷؛ فضائل الخمسه، فیروز آبادی ج ۲ ص ۱۴۵
 - ۲- ۲. لکافی ج ۲ ص ۴۹۶ ح ۲؛ عده الداعی ص ۲۴۱، بحار الانوار ج ۷۵ ص ۴۶۸ ح ۲۰
 - ۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۹۲۷؛ تفسیر البرهان ح ۷ ص ۴۰۸، امالی طوسی ج ۱ ص ۷۰؛ امالی مفید ص ۲۹۸ ح ۷

درالمنثور ج ۶ ص ۱۵۴؛ ابن مغزلی در المناقب ح ۳۶۵ ص ۳۲۰؛ آلوسی در روح المعانی ج ۲۷ ص ۱۱۴؛ محمد صالح ترمذی در مناقب مرتضوی ص ۴۹؛ شوکانی در فتح القدير ج ۵ ص ۱۴۸ نکته لطیفی امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ۱۰ سوره واقعه فرموده اند که خدمت شما خوانندگان عرضه می شود، داود بن کثیر رقی از امام ششم علیه السلام درباره این آیه سوال کرد؛ امام فرمود: خداوند این کلام و السابقون السابقون را دو هزار سال؛ پیش از آنکه مخلوقاتش را پدید آورد؛ در عالم میثاق فرمود.

هنگامی که خدای متعال خواست مخلوقاتش را بیافرند؛ آنان را از گلی پدید آورد، سپس آتشی برای آنان برافروخت و امر فرمود: که بدان داخل شوید اول کسانی که داخل آن آتش شدند، پیامبر اسلام و علی و حسن و حسین و ۹ نفر امام از صلب حسین بودند که هر یک امام پس از دیگری می باشند؛ بخدا قسم منظور سبقت گیرندگان در این آیه ائمه هدی و پیامبر اسلام می باشند؛ که سبقت در خلقت و عبادت الهی داشتند؛

ان الله جل و عزلما اراد ان یخلق الخلق خلقهم من طین و رفع لهم ناراً فقال ادخلوها فکان اول من دخلها محمد رسول الله و امیرالمومنین و الحسن و الحسین و تسعه من الائمة امام بعد امام ... فهم و الله السابقون _ الغیبه؛ (۱)، نبی اکرم نیز با عبارتی معنای والسابقون السابقون را برای ما معنا می کند، می فرماید: ما از تمام خلایق خصوصاً فرشتگان، سبقت گرفتیم در معرفت و شناخت خدا و تسبیح و تقدیس نمودن باری تعالی زیرا اولین مخلوقات ها بودیم (بصورت نور)

و قد سبقنا هم الی معرفه ربنا و تسبیحه و تهلیله و تقدیسه (۲)

واخرج ابن ابی حاتم و ابن مردویه عن ابن عباس فی قوله تعالی: و السابقون السابقون: قال: یوشع بن نون، سبق الی موسی و مومن آل یس سبق الی عیسی و علی ابن ابی طالب سبق الی محمد _ (۳)، و علی ابن ابی طالب و کل رجل منهم سابق

ص: ۲۸۴

۱-۱. نعمانی ص ۱۲۴ باب ۴

۲-۲. علل شرایع صدوق ج ۱ ص ۴۲ باب ۷

۳-۳. تفسیر القرآن الدر المنثور جلال الدین سیوطی، مساله الجزء الرابع عشر ص ۱۷۹ مکتبه اسلامیه _ تفسیر ابن کثیر، مساله الجزء السابع ص ۵۱۴ طبق سایت مکتبه الاسلامیه

امته و علی افضلهم سبقاً (۱)۔ تفسیر والسابقون السابقون (مکتبه اسلامیه) _ موید و تائید کننده آیه ۱۰ سوره واقعه، آیه ۱۰۱ سوره انبیاء است، که مولا علی خودش در تفسیرش فرمود: من از این جماعتم که عنایت الهی برای ایشان سبقت گرفته (۲)

عن ابن مردویه عن ابی سعید فی قوله تعالی: ان الذین سبقت لهم منا الحسنی قال: قال علی بن ابی طالب: انا منهم (۳)۔ روی ان علیاً رضی الله عنه قرأ هذه الايه ثم قال: انا منهم (۴)

از جمله ادله و آیات دیگر قرآن و تفاسیر که نشان می دهد ائمه ۱۲ گانه شیعه بر تمام پیامبران الهی، بغیر از بر رسول اسلام، افضلیت و برتری دارند آیه ۱۱۰ سوره مبارکه آل عمران است، {کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر}؛ امام صادق علیه السلام در ذیل تفسیر این آیه فرمود: بطور مسلم این آیه در شان مقام والای رسول اسلام و جانشینان وی (ائمه ۱۲ گانه شیعه) بطور خاص نازل شده قسم بخدا که این آیه را جبرئیل نازل کرد و مقصودی غیر از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و جانشینان او نداشت (۵)

امام باقر علیه السلام در ذیل تفسیر این آیه فرمود: اگر هزار بار جبرئیل بر پیغمبر نازل می شد منظوری جز آن نداشت که حضرت محمد و علی و جانشینان بعد از او را مطرح فرماید (۶)

عن الصادق علیه السلام: قال: انما انزلت هذه الايه علی محمد صلی الله علیه و آله و سلم فيه وفي الاوصياء خاصه ... والله نزل بها جبرئیل و ما معنی بها الا محمد و

ص: ۲۸۵

۱- فتح القدير شوکانی ص ۱۴۴۵؛ مساله الجزء الاول سوره واقعه، طبق سایت مکتبه الاسلامیه _ تفسیر روح المعانی سید محمود آلوسی مساله الجزء السابع و العشرون

۲- بحار الانوار ج ۳۶ ص ۱۲۷؛ بیشتر منابع اهل سنت این حدیث را از مولا علی نقل کرده اند _ الدر المنثور ج ۴ ص ۳۳۹، زاد المسیر فی علم التفسیر ج ۳ ص ۲۱۵، تفسیر المظهری ج ۶ ص ۲۴۱؛ تفسیر ابن ابی حاتم ج ۸ ص ۲۴۶۹؛ تفسیر ابن کثیر ج ۵ ص ۳۳۲؛ انوار التنزیل و اسرار التاویل ج ۴ ص ۶۱؛ الکشاف ج ۳ ص ۱۳۷

۳- مناقب علی ابن ابی طالب ص ۲۷۹ ح ۴۳۶ ابن مردویه

۴- تفسیر کشف مساله الجزء الرابع ص ۱۶۸ مکتبه الاسلامیه؛ درالمنثور ص ۳۹۱ مساله الجزء العاشر مکتبه الاسلامیه؛ تفسیر ابن کثیر ص ۳۷۸ مساله الجزء الخامس (مکتبه الاسلامیه) _ تفسیر زاد المسیر ابوالفرج ابن جوزی _ مساله الجزء الخامس ص ۳۹۳ مکتبه اسلامیه

۵- تفسیر کنزالدقائق ج ۲ ص ۲۰۰

۶- تفسیر صافی ج ۱ ص ۲۷۱

اوصیائه _ (۱)؛ عن الباقر علیه السلام، با لاف نزل بها جبرئیل و ما عنی بها الا محمدا و علیا و الاوصیاء من ولده _ تفسیر الصافی ج ۲ ذیل آیه، مفسر نامی اهل سنت جلال الدین سیوطی در تفسیر الدر المنثور، مساله الجزء الثالث ص ۷۲۷ ذیل آیه مذکور؛

از امام باقر علیه السلام نقل کرده، که بهترین ناس و مردم؛ اهل بیت پیامبر اکرم هستند _ و اخرج ابن ابی حاتم؛ عن ابی جعفر؛ کتتم خیر امه للناس: قال: اهل بیت النبی؛ تفسیر ابن ابی حاتم ج ۳ ص ۷۳۳ ح ۳۹۷۴: عن ابی جعفر: کتتم خیر امه للناس قال: اهل بیت النبی؛ تفسیر ابن ابی حاتم ج ۳ ص ۷۳۳ ح ۳۹۷۴: عن ابی جعفر: کتتم خیر امه للناس: قال: خیر اهل بیت النبی؛ یکی دیگر از برتری های مولا علی علیه السلام بر تمام پیامبران بغیر از بر رسول اسلام، آیه ۴ سوره مبارکه تحریم است؛ _ {فان الله هو مولاہ و جبریل و صالح المومنین} _ تفسیر در المنثور او صالح المومنین قال: الانبیاء _ نبی اکرم فرمود: صالح المومنین، علی ابن ابی طالب است، (۲)، نویسنده روح البیان بعد از نقل این روایت از مجاهد می گوید: موید این حدیث، حدیث معروف منزلت است که پیامبر اسلام به علی فرمود: تو به منزله هارون من موسی برای من هستی زیرا، عنوان صالحین در آیات قرآن برای پیامبران آمده است از جمله در آیه {و کلا- جعلنا صالحین} (سوره انبیاء آیه ۷۲) و در آیه {الحقنا بال صالحین} (یوسف آیه ۱۰۱) می باشد که در اولی عنوان صالح به جمعی از پیامبران و در دومی به حضرت یوسف اطلاق شده است، و هنگامی که علی به منزله هارون باشد؛ او نیز مصداق صالح است؛ طرائف سید ابن طاوس ص ۲۱۷؛ اما دلیل برتری مولا علی بر پیامبران بغیر از بر رسول اسلام در این آیه، مراد به صالح، اصلح است به دلالت عرف که هر گاه گویند، فلان عالم قوم است مراد و منظور اعلم است و عرب چون گویند: فلان شجاع القوم، غرض آن است که اشجعهم، یعنی فلانی شجاع قوم است یعنی از

ص: ۲۸۶

-
- ۱- ۱. تفسیر البرهان ج ۲ ذیل آیه
 - ۲- ۲. شواهد التنزیل ج ۲ ص ۳۴۱، الکشف و البیان ثعلبی ج ۹ ص ۳۴۸، تفسیر ابن کثیر ج ۴ ص ۳۴۰، کفایه الطالب گنجی ص ۱۳۷ باب ۳۰، کنز العمال هندی ج ۲ ص ۵۳۹، فرائد السمطین ج ۱ ص ۳۶۳، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۶۱، مناقب ابن مغزلی ص ۲۶۹؛ در المنثور سیوطی ج ۶ ص ۳۷۴؛ فتح القدر شوکانی ج ۵ ص ۲۵۳، الجامع الاحکام القرآن، قرطبی ج ۱۸ ص ۱۸۹، نظم در السمطین

همه شجاع تر است، و وقتی خداوند در این آیه می گوید ای رسول ما، من (خدا) و جبرئیل و صالح المومنین که علی ابن ابی طالب باشد، یار و مددکار تو هستیم، البته منظور آنکس که اصلح و اقوی و اشرف خواهد بود؛ می باشد؛ (۱)

و قوله و صالح المومنین: نزلت فی علی خاصه؛ ... لقد عرف رسول الله علیاً اصحابه مرتین اما مره حیث قال: من كنت مولاه فعلى مولاه و اما الثانيه فحيث نزلت هذه الايه: فان الله هو مولاه الايه: اخذ رسول الله بيد علي فقال: ايها الناس هذا صالح المومنين .. (۲)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم؛ برتری بی نظیر مولا علی بر تمام پیامبران و خلائق بغیر از بر رسول اسلام، را نشان می دهد، قسمتی از آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف است؛ واتبعوا النور الذي انزل معه؛ پیروی کنید از نوری که با پیامبر اسلام بود؛ آیه نمی گوید: نوری که به پیامبر نازل شد؛ بلکه می گوید: نوری که در معیت و همراه رسول اسلام بود، در تفسیر اهل بیت و منابع شیعه ذیل این آیه مذکور است؛ مراد و منظور از این نور؛ در این آیه، علی ابن ابی طالب است، حق تعالی فرمود: رسیدن به رحمت من موقوف است بر متابعت دستورات علی ابن ابی طالب که نور او با نور پیغمبر از عرش نازل شده و در صلب آدم قرار گرفت و از آنجا منتقل شد از اصلاب طاهره به ارحام مطهره تا به صلب عبدالمطلب دو نصف شد؛ نصفی در عبدالله و نصفی در ابوطالب انتقال یافت (۳)

فی تفسیر العیاشی عن ابی بصیر فی قول الله: فالذين امنوا ... واتبعوا النور الذي معه: قال ابو جعفر عليه السلام: النور: علی علیه السلام، _ و فی الکافی: عن الصادق علیه السلام: النور فی هذا الموضع، علی والائمة عليهم السلام؛ از جمله آیات دیگر؛ قرآن کریم که اشاره و تاکید دارد؛ مولا علی علیه السلام برتر از تمام خلائق و پیامبران هست بغیر از بر رسول اسلام، آیات ۱ الی ۴ سوره مبارکه نباء است، عم يتسألون، عن النباء العظيم، مولا- علی در تفسیر این آیه فرمود: برای خداوند، آیه ای که بزرگتر از من باشد؛ نیست و برای خداوند

ص: ۲۸۷

-
- ۱- ۱. تفسیر بحر المحيط ج ۸ ص ۲۹۱، تذکره الخواص ص ۲۶۷، تفسیر روح المعانی ج ۲۸ ص ۱۳۵؛ جمع الجوامع سیوطی ج ۲ ص ۱۲۱
 - ۲- ۲. فتح الباری ج ۱۳ ص ۲۷ المحرر الوجیز ج ۵ ص ۳۳۲
 - ۳- ۳. تفسیر صافی ج ۱ ص ۲۴۲، تفسیر المیزان ج ۸ ص ۳۷۷، تفسیر نورالثقلین ج ۲ ص ۷۸؛

خبری عظیم تر از من نیست _ ما الله آیه هی اکبر منی ولا- الله من نباء اعظم منی (۱)؛ کان علی یقول لاصحابه: انا و الله النبء العظیم الذی اختلف فی جمیع الامم بالسنتها و الله ما لله نبأ اعظم منی و لا لله آیه اعظم منی _ (۲)؛ خداوند نازل کرد آیه اول سوره نباء را یعنی سوال کردند اهل مکه از خلافت و امامت علی علیه السلام ، از رسول اسلام؛ _ فانزل الله (عم یتسالون) یعنی یسألک اهل مکه عن خلافة علی (۳)

پیامبران آیات و نشانه های قدرت الهی بودند و بزرگترین آیه و نشانه قدرت الهی، مولا علی و پیامبر اسلام هستند و به همین دلیل آنان از تمام خلائق و رسولان الهی؛ برتر و افضل هستند؛ یکی دیگر از ادله قرآنی که نشان می دهد؛ ۱۴ معصوم علیهم السلام؛ از تمام پیامبران؛ افضل و برتر هستند، بخشی از آیه ۷۵ سوره مبارکه ص (صاد) است، ام کنت من العالمین، ابن بابویه علیه الرحمه از ابی سعید خدری روایت کرده گفت، حضور نبی اسلام بودم، شخصی معنای آیه مذکور، را سوال کرد که منظور از عالی مقامان چه کسانی هستند؟ چه اشخاصی می باشند که از فرشتگان برتر و بالاترند؟

و خداوند قبل از پیامبران، مقام عالی رتبه گان در نزد پیشگاه قدسی خود، به آنان داده است؟! نبی اسلام فرمود: من و علی و فاطمه و حسن و حسین هستیم که در سوادق (ساق) عرش پروردگار مشغول تسبیح خداوند تعالی بودیم و فرشتگان از تسبیح ما؛ پروردگار را تسبیح می نمودند، پیش از آنکه آدم را دو هزار سال بیافریند و چون آدم آفریده شد؛ فرشتگان به سجده کردن آدم امر نشدند مگر برای خاطر تکریم ما، خداوند در مقام توییخ به شیطان فرمود: آیا مگر تو از آن اشخاصی بودی که نامشان در سرداق عرش نوشته شده است؛ (۴)

حدیث هفتم _ اذا قبل الیه رجل فقال یا رسول الله اخبرنی عن قوله عزوجل لابلیس (استکبرت ام کنت من العالمین) فمن هو یا رسول الله الذی هو اعلی من

ص: ۲۸۸

- ۱- ۱. الکافی ج ۱ ص ۱۶۱ ح ۳؛ البرهان ج ۸ ص ۱۹۴ ح ۱، نورالثقلین ج ۸ ص ۹۱ ح ۵؛ قال امیرالمومنین: ما الله نباء اعظم منی و ما الله آیه هی اکبر منی _ تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۹۴؛ تفسیر البرهان ج ۸ ص ۱۹۴ ح ۴؛ تفسیر نور الثقلین ج ۸ ص ۹۲ ح ۷
- ۲- ۲. شواهد التنزیل؛ حاکم حسکانی حنفی ج ۱۰۷۲
- ۳- ۳. شواهد التنزیل ح ۱۰۷۵
- ۴- ۴. فضائل الشیعه صدوق ص ۷

الملائكة فقال رسول الله: انا و علي و فاطمه و الحسن و الحسين كنافي سرداق العرش نسيح الله و تسيح الملائكة بتسيحنا قبل ان يخلق الله عزوجل آدم بالفى عام فلما خلق الله عزوجل آدم امر الملائكة ان يسجدوا له و لم يامرنا بالسجود فسجد الملائكة كلهم الا ابليس فانه ابى و لم يسجد فقال الله (استكبرت ام كنت من العالين) عنى من هولاء الخمسه المكتوبه اسما و هم فى سرداق

يكي ديگر از فضائل بى نظير مولا- علي بر پيامبران بغير از بر رسول اسلام، آيه ۵۶ سوره مبارکه زمر؛ است؛ ان تقول نفس يا حسرتى علي ما فرطت فى جنب الله مراد و منظور از جنب الله؛ مولا علي و ائمه هدى است؛ نبى اکرم در فرازى از خطبه شريف غدیر خم فرمود: اى گروه مردم علي عليه السلام، جنب و رحمت خداى عالم است؛ ويل و حسرت و ندامت و خسارت و غرامت و ذلت بر مفرط آنست

معاشر الناس انه جنب الله الذى ذكر فى كتابه فقال تعالى: ان تقول نفس يا حسرتا علي ما فرطت فى جنب الله (۱)

امام کاظم عليه السلام فرمود: منظور از جنب الله؛ امير مومنان و جانشينان آن حضرت تا آخرشان (امام زمان) هستند که داراى مقام بلندی نزد؛ خداوند هستند _ جنب الله امير المومنين و كذلك ما كان بعده من الاوصياء بالمكان الرفيع الى ان ينتهى الامر الى آخرهم؛ (۲)

امام صادق عليه السلام فرمود: منظور از جنب الله علي عليه السلام است که در روز قيامت؛ حجت خدا بر مردم خواهد بود _ جنب الله علي و هو حجه الله على الخلق يوم القيامة (۳)

مولا علي عليه السلام فرمود: من جنب الله هستم؛

انا جنب الله (۴)

ان امير المومنين قال: انا علم الله و انا قلب الله الواعى و لسان الله الناطق و عين الله و جنب الله و انا يد الله (۵)

انا جنب الله الذى يقول: ان تقول نفس يا حسرتى علي ما فرطت فى جنب الله

جنب در زبان عرب به معنای اطاعت است، گفته می شود: اين در جنب خدا

ص: ۲۸۹

۱-۱. احتجاج طبرسى ج ۱ ص ۱۳۰

۲-۲. الكافى ج ۱ ص ۱۴۵ ح ۹؛ تفسير البرهان ج ۶ ص ۵۴۸ ح ۲؛ تفسير نورالثقلين ج ۶ ص ۳۰۳ ح ۸۵؛

۳-۳. مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۲۷۳؛

۴-۴. مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۲۷۳

۵-۵. توحيد شيخ صدوق ص ۲۳۸ باب معنى جنب الله توحيد _ صدوق ص ۲۳۹

کوچک است، یعنی در راه خدا کم است پس معنای فرمایش مولا علی که می فرماید من جنب الله هستم، یعنی ولایت من اطاعت خداست (۱)، جنب در لغت به معنی پهلوست و در این جا، مجاز است، اکثر مفسران گفته اند: مراد تقصیر در طاعت یا قرب خداست؛ مولا علی در معنا و تفسیر جنب الله فرمود: مراد و منظور از جنب الله، برگزیدگان و دوستان خدایند که خواسته است برای قرب منزلت خلیفه ی خدا _ بر ایشان در قرآن حجتی قرار دهد نمی بینی می گویند: فلان شخص در پهلو ی فلان کس می نشیند؟ یعنی در نزد او خیلی مقرب است، پس این رمزی ست در قرآن برای بیان قرب ایشان نزد حق تعالی؛ تمام پیامبران، ملائکه و رسولان الهی، مقربان درگاه ملکوتی الهی بودند ولی طبق این آیه شریفه و تفسیرش از مصدر مقدس اهل بیت وحی، قرب و آبروی ۱۴ معصوم علیهم السلام از همه انبیاء بیشتر و عمیق تر بوده و به همین دلیل قرآنی و تفسیری، آنان از همه رسولان الهی، افضل تر می باشند _ (۲)، بیضاوی از مفسران نامی اهل سنت در تفسیرش می نویسد: جنب الله به معنای قرب و نزدیک بودن به خداست

و قيل: في قربه من قوله تعالى: و الصاحب بالجنب _ (۳) _ والعرب تسمى الجنب جانبا _ قال علي: ان تقول نفس يا حسرتي علي ما فرطت في جنب الله؛ تعريفاً للخليفه قربهم الا ترى انك تقول: فلان الي جنب فلان اذا اردت ان تصف قربه منه؟ (۴)

از نبی اکرم سوال شد وصی و جانشین شما کیست؟ نبی اکرم آیاتی را تلاوت فرمود من جمله آیه ۵۶ سوره مبارکه زمر؛ را و فرمود: وصی من جنب الله است؛ گفتند: جنب الله چیست؟ فرمودند: همان است که خداوند درباره اش می فرماید: روزی که ستم کار؛ دستهای خود به دندان گزیده و بگوید: ای کاش با پیامبر راهی را در پیش گرفته بودم، این همان راه وصی من است، و هم اوست که پس از من راه

ص: ۲۹۰

-
- ۱- ۱. توحید صدوق ص ۲۴۰
 - ۲- ۲. حیات القلوب علامه مجلسی ج ۲ ص ۱۶۸۶ فصل ۳۹ تاویل جنب الله (چاپ نشر آفرینه سال ۱۳۸۹) _ احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۵۹۵، تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۵۰
 - ۳- ۳. تفسیر بغوی ج ۷ ص ۱۳۰
 - ۴- ۴. احتجاج طبرسی ج ۱ باب احتجاجه علی زندیق جاء اليه مستدلاً بای من القرآن متشابهه ص ۵۶۳

رسیدن به من است و بعد حضرت رسول، امام علی را به مردم نشان دادند

یا رسول الله من وصیک؟ فقال: هو الذی انزل الله فیہ: ان تقول نفس یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله فقالوا: یا رسول الله و ما جنب الله هذا؟ فقال: هو الذی يقول الله فیہ (ویوم یعض الظالم علی یدیه یقول یا لیتنی مع الرسول سبیلاً؛ هو وصیی و السبیل الی من بعدی... (۱))

یکی دیگر از آیات قرآنی که نشان می دهد، ۱۴ معصوم علیهم السلام بر تمام پیامبران و کل خلایق، برتری دارند، آیه ۱۴۹ سوره مبارکه انعام است؛ قل لله الحجه البالغه: بگو برهان رسا و ویژه خداست، امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: ما ائمه هدی، حجت بالغه و رسا، خداوند بر تمام مخلوقات زمین و آسمان هستیم _ تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۳۸۳؛ امام باقر علیه السلام فرمود: ما حجت تمام و برهان رسایم بر هر که در پائین آسمان است و هر که در بالای زمین است، مراد، جن و انس هستند، بنابراین معنی قلله الحجه البالغه این است که برای خدا، امامانی است که آنها حجت تامه بر انس و جن هستند (۲)

نحن الحجه البالغه علی من دون السماء و فوق الارض _ قال الرضا علیه السلام: نحن حجج الله فی ارضه و خلفائه فی عبادہ _ (۳) امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: ما حجت الهی بر خلایق هستیم و جدہ ما، فاطمه زهرا، حجت خدا بر ماست _ نحن حجج الله علی خلقه و جدتنا فاطمه حجه الله علینا (۴) نبی اکرم فرمود: من و علی، حجت خدا بر خلقش هستیم _ انا و هذا حجه الله علی خلقه (۵)

انا و علی حجه الله علی عبادہ _ (۶) کنت عند النبی فرای علیاً مقبلاً فقال یا انس لیبیک قال: هذا المقبل حجتی علی امتی یوم القیامه (۷) _ انا و هذا حجه علی امتی یوم

ص: ۲۹۱

۱- ۱. الغیبه، کاتب نعمانی ص ۴۲ الباب الثانی

۲- ۲. تفسیر البرهان ج ۲ ص ۴۹۲، نورالثقلین ج ۱ ص ۷۷۵، صافی ج ۲ ص ۱۶۸،

۳- ۳. بحار الانوار ج ۲۶ ص ۱۹۰؛

۴- ۴. تفسیر اطیب البیان ج ۱۳ ص ۲۲۵

۵- ۵. تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۰۹؛

۶- ۶. تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۰۹، اللالی المصنوعه سیوطی _ کنوز الحقائق مناوی ص ۴۳، تاریخ بغداد ح ۳۷۰، ج ۲ ص ۸۸

۷- ۷. الفوائد المجموعه شوکانی ح ۹۲۶

نبی اکرم فرمود خداوند متعال، علی و همسرش فاطمه و فرزندان او را حجج الهی برای خلقش قرار داد _ ان الله جعل علیاً و زوجته و ابناه حجج الله علی خلقه (۲)

نبی اکرم فرمود، جبرئیل به من خبر داد که خداوند به ملائکه راجع به علی ابن ابی طالب مباحث فرموده و گفته ای ملائکه من نگاه کنید بسوی علی، که حجت من در زمین بعد از پیامبر اسلام هست

و قال ملائکتی انظروا الی حجتی فی ارضی علی عبادی بعد نبیی (۳)

مولا علی علیه السلام فرمود: من حجت خدا هستم _ انا حجه الله (۴)

در فرازهایی از خطبه شریف غدیر خم، نبی اکرم، مولا علی علیه السلام را، حجت بالغه نامیده اند برای نمونه، جبرئیل بر نبی اسلام نازل شد و گفت خداوند می فرماید: ای پیامبر ما، تمام میراث انبیاء از سلاح و علم به حجت بالغه بر خلقم علی ابن ابی طالب بسیار _ فلسمه الی وصیک و خلیفتک من بعدک، حجتی البالغه علی خلقی، علی ابن ابی طالب _ (۵) و مولی کل مومن و مومنه علی عبدی و وصی نبیی و الخلیفه من بعده و حجتی البالغه علی خلقی (۶)

تمام انبیاء و رسولان الهی، حجت خدا بودند ولی طبق آیه ۱۴۹ سوره انعام، ۱۴ معصوم علیهم السلام، حجت بالغه و حجت بودن آنان در نزد خدا از همه پیامبران رساتر و اعلاء تر می باشد و به دلیل قرآنی از تمام پیامبران افضل هستند.

از جمله آیاتی که در قرآن کریم در ذیل تفسیر و تاویلش اشاره دارد، مولا علی علیه السلام از تمام پیامبران بغیر از رسول اسلام برتری و افضلیت دارد؛ آیه ۵۴ سوره فرقان است؛

ص: ۲۹۲

-
- ۱- ۱. مناقب ابن مغازلی ح ۲۳۳ ص ۱۹۰، مناقب ابن مغازلی ح ۶۷ ص ۹۳-ریاض النضره ج ۲ ص ۲۵۴ - ذخائر العقبی ص ۷۷
 - ۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی ح ۸۹ ص ۳۴
 - ۳- ۳. مناقب اخطب خوارزمی ح ۳۲۲
 - ۴- ۴. امالی صدوق ص ۶۲ مجلس ۹ ح ۹
 - ۵- ۵. احتجاج - شیخ طبرسی ج ۱ ص ۱۲۰
 - ۶- ۶. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۲۱

و هو الذى خلق من الماء بشراً فجعله نسباً وصهراً و كان ربك قديرا

از انس بن مالک روایت شده که به رسول اسلام گفت، ای رسول خدا، آیا علی برادر شماسست نبی اکرم فرمود: آری، او برادر من است؛ انس گوید گفتم: ای رسول خدا؛ چگونه علی، برادر شماسست، رسول خدا فرمود: خداوند، ۳ هزار سال پیش از خلقت آدم، آبی را آفرید و آنرا در ظرفی از لؤلؤ، سبز زیر عرش خود قرار داد، که علم آن مخصوص به ذات مقدس او بود و چون آدم را آفرید آن آب را در صلب او جاری ساخت و چون آدم را قبض روح کرد، آنرا به صلب وصی او، شیث منتقل کرد، پس در هر زمانی از صلبی به صلب دیگر منتقل شد تا اینکه در صلب عبدالمطلب قرار گرفت و پس از عبدالمطلب آن را دو نصف کرد، نصف آن را در صلب پدر من، عبدالله قرار گرفت و نصف دیگر آن در صلب ابوطالب و من از نصف آن آفریده شدم و علی از نصف دیگر آن، پس علی، برادر من در دنیا و آخرت است، آنگاه نبی اکرم آیه ۵۴ سوره فرقان را تلاوت فرمود: اوست خدایی که از آب انسان را آفرید آنگاه او را نسب و سبب قرار داد، _ فانا من نصف الماء و علی من النصف الاخر، فعلى اخی فی الدنيا والاخره ثم قرأ رسول الله و هو الذى خلق من الماء بشراً(۱).

در این روایت شریف، پیوستگی عمیق خلقتی و فیزیکی، مولا علی و نبی اسلام نشان داده شد، وقتی مولا علی با نبی اکرم از جهت خلقتی هم اشتراک دارد و از یک نور و از یک آب آفریده شده اند، چگونه انبیاء الهی دیگر بر مولا علی می توانند، فضیلت داشته باشند(۲) برخی از مفسران و محدثان نامی اهل سنت و جماعت، در ذیل این آیه شریفه، نوشته اند که راجع به مولا علی و پیامبر نازل شده است

عن السدی فی قوله: و هو لذى خلق من الماء بشراً قال: نزلت فی النبی و علی _ (۳) نزلت هذه الایه فی الخمسه اهل العباء ثم قال: المراد من الماء نورالنبی الذی

ص: ۲۹۳

۱- ۱. ... بحار الانوار ج ۱۷ ص ۳۶۲، تفسیر البرهان ج ۵ ص ۴۶۵ تفسیر صافی ج ۵ ص ۲۹۹؛

۲- ۲. ، امالی طوسی ص ۵۰۰، معانی الاخبار ص ۵۹،

۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ج ۵۷۳، تفسیر امام ثعلبی ج ۷ ص ۱۴۲، نظم در رالسمطین زرندی حنفی ص ۹۲، نورالابصار شبلنجی ص ۱۰۲، مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۱۷۹ مناقب خوارزمی ص ۳۰۹ ح ۳۰۶؛ مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۲۸۵، توضیح الدلائل ایجی ص ۱۶۳، تفسیر قرطبی ج ۱۳ ص ۶۱، تفسیر ابو حیان اندلسی ج ۶ ص ۵۰۷ ینابیع الموده ص ۱۱۸ _

كان قبل خلق ثم او دعه في صلب آدم ثم نقله من صلب الى صلب وصل صلب عبد المطلب فصار جزئين جزئى الى صلب عبدالله فولد النبى و جزئى الى صلب ابى طالب فولد علياً _ وقال ابن سيرين: نزلت هذه الايه فى النبى و على رضى الله عنه؛ لانه جمعه نسب و صهر؛(١)

از جمله فضائل و برتری بی نظیر؛ ۱۴ معصوم علیهم السلام بر پیامبران و خلائق این است که خلقت آنان از طینت و گل بهشتی واحد می باشد، طینت به معنای سرشت، فطرت، خلقت، طبع، خمیره، آب و گل، نهاد، عادت، ذات، تعبیر و تفسیر شده در لسان عربی و فارسی، نبی اکرم فرمود: علی ابن ابی طالب، از طینت من آفریده شده است _ ان علیا منی و انا منه خلق من طینتی (٢)

نبی اکرم فرمود: فرزندان فاطمه حسن و حسین از عترت من و از طینت من خلق شده اند و هم عترتی خلقوا من طینتی (٣)

نبی اکرم فرمود: هر کس دوست دارد همانند من زندگی کند و بمیرد و وارد بهشت عدن شود باید ولایت علی و فرزندانش که ائمه بعد از من هستند و از عترت من می باشند و از طینت من خلق شده اند و از علم من روزی گرفته اند بپذیرد _ ولیقتد بالائمه من بعدی فانهم عترتی خلقوا من طینتی (٤)

امام زین العابدین فرمود: خداوند علین را آفرید و طینت ما را از علین قرار داد _ ان الله خلق علین و خلق طینتنا منها (٥)

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند ما را از نور عظمت آفرید و خلقت ما را از طینت پاک عرش قرار داد و بشرهای نورانی هستیم واحدی با ما در این خلقت اشتراک ندارد _ ان الله خلقنا من نور عظمته ثم صور خلقنا من طینه مخزونه مکنونه من تحت العرش فاسکن ذلك النور فیه؛ فکنا نحن خلقا و بشرا نورانیین لم يجعل لاحد فی مثل الذی خلقنا منه نصیباً (٦)

ص: ٢٩٤

١-١. ینابیع الموده ج ٢ ص ٣٠٤

٢-٢. مساله ١٤٧٣٣ مجمع الزوائد ج ٩ ص ١٢٨، معجم الاوسط ج ٧ ح ٦٠٨

٣-٣. تاریخ دمشق ابن عساکر ج ٣٦ ص ٣١٣

٤-٤. تاریخ دمشق ج ٤٢ ص ٢٤٠، حلیه الاولیاء ج ١ ص ٨٦، کنز العمال ١٢ ص ١٠٣، تاریخ بغداد ج ٤ ص ٤١٠

٥-٥. تاریخ دمشق ج ٤١ ص ٢٥٥ جامع الاحادیث سیوطی ج ٧ ص ٢٢٩، اصول کافی ج ١ ص ٢٠٨

٦-٦. اصول کافی ج ١ ص ٣٨٩، کفایه الاثر ص ١٧٤

نبی اکرم فرمود: ۱۲ امام بعد از من، می آیند که از علم من به آنان عطاء شده و طینت آنان از طینت من است _ اعطاهم علمی و فهمی، طینتھم من طینتی (۱)

خداوند به رسول اکرم فرمود: ای محمد، همانا اوصیاء و ائمه بعد از تو، خلقت و طینتشان از طینت توست _ یا محمد انهم هم الاوصیاء و الائمہ بعدک، خلقتھم من طینتک (۲)

نبی اکرم فرمود: ۱۲ نفر از اهل بیت من که خداوند به آنان عطاء کرده، فهم و علم و حکمت من و از طینت من خلق شده اند اثنا عشر من اهل بیتی اعطاهم الله فهمی و علمی و حکمتی و خلقتهم من طینتی (۳)

نبی اکرم به مولا علی فرمود: من و تو از نور واحد و از طینت واحد، آفریده شده ایم _ انا و انت من نور واحد و طینه واحد _ (۴)

ان علیا منی و انا منه خلقه الله من طینتی (۵)

یا علی انت منی و انا منک روحک من روحی و طینتک من طینتی (۶)

یا علی انت و الائمہ من ولدک بعدی حجج الله علی خلقه... خلقتهم من طینتی و انا منکم (۷)

ان علیا منی و انا من علی، خلق من طینتی (۸)

ان علیا منی روحه من روحی و طینته من طینتی (۹)

انه اخی و وزیری و مخلوق من طینتی (۱۰)

ص: ۲۹۵

-
- ۱-۱. کفایه الاثر ج ۱ ص ۱۷۶
 - ۲-۲. کفایه الاثر ج ۱ ص ۱۳۸
 - ۳-۳. عیون الاخبار الرضا، (شیخ صدوق) ج ۱ ص ۶۶ ح ۳۲،
 - ۴-۴. بحار الانوار ج ۲۵ ص ۴
 - ۵-۵. بحار الانوار ج ۳۷ ص ۲۳۵ _
 - ۶-۶. بحار الانوار ج ۶۸ ص ۷، ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۵۰ ح ۵، بحار الانوار ج ۹۶ ص ۳۵۸، بحار ج ۳۹ ص ۲۵۹، بحار ج ۴۰ ص ۸۳، بحار ج ۲۳ ص ۱۲۳
 - ۷-۷. بحار ج ۲۳ ص ۹۷،
 - ۸-۸. بحار الانوار ج ۳۷ ص ۱۰۹

- ٩-٩. بحار الانوار ج ٣٦ ص ٢٢٦
- ١٠-١٠. بحار ج ٣٨ ص ١١٢ امالي صندوق مجلس ٢٧ ح ٨

نبی اکرم فرمود: خداوند من و اهل بیت مرا از طینتی خلق کرد که احدی را از آن نیافریده

خلقنی و اهل بیتی من طینه یخلق منها احد غیرنا (۱)

رسول اکرم فرمود: من و تو ای علی و فاطمه و حسن و حسین، آفریده شدیم از طینت واحد و یک سرشت

انا و انت و فاطمه و الحسن و الحسین، خلقنا من طینه واحده (۲)

وقتی مولا علی و حضرت فاطمه تا امام دوازدهم، طینت و سرشت و خمیر مایه خلقتی آنان برابر با نبی اسلام می باشد، چگونه پیامبران دیگر بر مولا علی و ۱۱ فرزند معصومش برتری و فضیلت دارند؟! یکی دیگر از فضائل بی نظیر مولا علی بر پیامبران این است که نبی اکرم فرمود: ای علی مثال تو همانند کعبه مستوره هست نظر بسوی کعبه عبادت و حج و زیارت کعبه، فریضه و واجب اسلامی است،

مثل علی فیکم او قال فی هذه الامه _ کمثل الکعبه المستوره، النظر اليها عباده والحج اليها فریضه، (۳)

فمثلک کمثل بیت الله الحرام یوتونک الناس و لا تاتیهم (۴)

یا علی انما انت بمنزله الکعبه توتی و لاتاتی (۵)

یا علی انت منی بمنزله الکعبه (۶)

یا علی انت بمنزله الکعبه (۷)

از فضائل بی نظیر مولا علی این است که هم شبیه به کعبه است و هم نگاه کردن

ص: ۲۹۶

-
- ۱-۱. بحار الانوار ج ۱۶ ص ۳۷۵
 - ۲-۲. بحار الانوار ج ۷ ص ۲۴۱ ح ۸
 - ۳-۳. تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۳۵۶
 - ۴-۴. اثبات الهداه ج ۳ ص ۴۹۳
 - ۵-۵. بشاره المصطفی ص ۷۹۴ ح ۵۷۷، مناقب ابن مغزلی ح ۱۴۹، اسدالغابه ج ۴ ص ۳۱، الفردوس دیلمی ج ۵ ص ۳۱۵، فصول المهمه ابن صباغ ص ۱۲۶ کنوز الحقایق ص ۱۸۸، منهاج الفاضلین ص ۱۸۰، ارجح المطالب ص ۴۸۰، کشف الیقین علامه حلی ص ۳۱۶
 - ۶-۶. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۴۱۱، بحار الانوار ج ۳۳ ص ۳۸۰ و ج ۳۹ ص ۴۸ و ج ۴۰ ص ۷۸؛ مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۳۸، مناقب علی، عینی ص ۳۰، آل محمد، حسام الدین حنفی ص ۶۲۴ غایه المرام ص ۷۲

به او همانند نگاه به کعبه عبادت محسوب می شود و هم در جوف و درون کعبه پا به عرصه گیتی می گذارد که این فضایل بی نظیری را هیچ احدی از بشر و ملک و جن ندارد با این حساب جناب وهاب ناصبی، چگونه پیامبران بر مولا علی برتری می توانند داشته باشند؟! نبی اکرم فرمود: ای علی علیه السلام در هفت خصلت از تمام مردم بالاتری که هیچ کسی توان مقابله با تو را در این هفت خصلت نخواهد داشت، تو اولین مومنین ایشان و از همه ایشان به عهد خدا باوفاتر و به امر خدا پایدارتر و در تقسیم مال از همه بامساوات تر و در بین رعیت از همه عادل تر و درباره ی قضاوت از همه بیناتر و در نزد خدا در روز قیامت از همه سزاوارتر خواهی بود

و تخصم الناس بسبع لایحاجک فیهن احد من قریش: انت اولهم ایماناً بالله و اوفاهم بعدالله و اقومهم بامرالله و اقسامهم بالسویه و عدلهم فی الرعیه و ابصرهم فی القضیه و اعظمهم عندالله یوم القیامه مزیه(۱)

واعظمهم عندالله مزیه ... نبی اکرم فرمود: علی علیه السلام، پیشگام ترین فرد در اسلام و تسلیم امرالهی، عالم ترین فرد، صحیح ترین فرد در دین، افضل ترین فرد در یقین و ایمان، کاملترین فرد در حلم، با سخی ترین فرد در سخاوت و شجاع ترین فرد در شجاعت می باشد _ اقدام امتی سلماً و اکثرهم علماً و اصحهم دیناً و افضلهم یقیناً و اکملهم حلماً و اسمحهم کفاً و اشجعهم قلباً علی (۲)

نبی اکرم فرمود: ای علی تو را هفت خصلت است که در روز قیامت کسی بر تو در اینها برتری نیابد، تو اولین مومن به خدا هستی، تو از همه به عهد خدا وفادارتری _ تو از همه در مورد امر خدا، ثابت قدم تری، تو از همه نسبت به رعیت مهربان تری، تو در تقسیم اموال بطور مساوی از همه سرتری، در علم قضاوت از همه عالم تری و در روز قیامت از همه در سنجش اعمال حسنه، ترازوی تو سنگین تر است،

یا علی لک سبع خصال لایحاجک فیهن احد یوم القیامه انت اول المومنین بالله ایماناً و اوفاهم بعدالله و اقومهم بامرالله و ارافهم بالرعیه و اقسامهم بالسویه و اعلمهم بالقضیه و اعظمهم مزیه یوم القیامه (۳)

ص: ۲۹۷

۱- ۱. مناقب اخطب خوارزمی حنفیج ۱۱۸ ص ۱۱، کفایه الطالب، گنجی شافعی ص ۲۳۷،

۲- ۲. ینابیع الموده قندوزی ج ۱ ص ۲۰۲،

۳- ۳. جامع الاحادیث، جلال الدین سیوطی ۹ ح، ۲۷۸۸ ص ۱۸ میزان الاعتدال ذهبی ج ۱ ص ۳۱۳ کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۱۷ _ صواعق المحرقه ج ۲ ص ۳۷۲ _

در این روایات که شیعه و سنی نقل کرده اند ملاحظه فرمودید که نبی اکرم فرموده: علی علیه السلام، هفت خصلت بی نظیر دارد که هیچ احدی و بشری ندارد، پیامبران جزء افراد ممتاز و برتر بشری بودند ولی مولا علی در این صفات عالی معنوی و الهی از تمام پیامبران و فرزندان آدم برتر است (۱)

فعلى اشجع الناس قلبا و اعلم الناس علما و احلم الناس حلما؛ و اقدم الناس اسلاماً و اسمحهم كفاً و احسن الناس خلقاً (۲)

از جمله آیاتی که در قرآن، اشاره به فضیلت بی نظیر مولا علی بر تمام خلائق بغیر از رسول اسلام دارد بخشی از تفسیر آیه ۲۹ سوره فتح می باشد

{والذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم اجرهم و نورهم؛ یعنی السابقین الاولین و اهل الولاية و قوله: والذین کفروا و کذبوا بآياتنا، یعنی بالولاية بحق علی و حق علی الواجب علی العالمین،}

نبی اکرم در تفسیر آیه ۲۹ سوره فتح فرمود: کسانی که کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را یعنی به ولایت علی کافر شدند؛ و حق ولایت و امامت علی ابن ابی طالب، واجب و فرض الهی بر تمام عالمیان است؛ و تمام پیامبران و خلائق عالم بغیر از نبی اسلام، باید زیر بار ولایت علی بروند و نبی اسلام؛ افضل و برتر است، چون ولایت و امامت علی علیه السلام بر تمام خلائق و پیامبران، فرض و واجب بوده و هست _ (۳)، از جمله فضایل بی نظیر ائمه هدی بر پیامبران، بغیر از بر رسول اسلام، آیه ۷۲ سوره احزاب است؛

{انا عرضنا الامانه علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها} ... ما امانت را بر آسمان و زمین و کوه ها، عرضه کردیم؛ پس همه سر بر تافتند و از آن هراسیدند؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: منظور از امانت در این آیه، ولایت امیرالمومنین علی علیه السلام است؛

ص: ۲۹۸

-
- ۱- ۱. مناقب ابن مغازلی شافعی ح ۱۸۸ ص ۱۶۰
 - ۲- ۲. تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۵۸ رقم ۴۹۳۳ مطالب السئول ص ۱۳۳ باب ۱، فصل ۷؛ بن طلحه شافعی حلیه الاولیاء ص ۶۶؛
 - ۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۸۸۷ مناقب ابن مغازلی شافعی ص ۲۶۷ ح ۳۶۹؛ مناقب ابن مردویه ص ۳۲۳ ح ۵۳۷؛ امالی طوسی ج ۱ ص ۳۸۷، احقاق الحق ج ۳ ص ۴۷۱

انا عرضنا الامانه ... قال: هي ولاية اميرالمومنين (۱)

امام رضا عليه السلام فرمود: مراد و منظور از امانت در این آیه، ولایت است و هر کس بدون حق مدعی آن شود، کافر خواهد بود،

فقال: الامانه الولاية من ادعاها بغير حق كفر (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: مقصود از امانت، ولایت است، که آسمانها و زمین از ترس کفر، آنرا قبول نکردند و مراد از حملها الانسان، آن انسان ابوفلان بود که آنرا پذیرفت و او به ولایت بسیار ستمکار و جاهل بود

قال: الولاية ابين ان يحملنها كفراً و حملها الانسان و الانسان الذي حملها ابوفلان (۳)

مولا علی می فرماید: خداوند، امامت مرا بر زمین عرضه کرد؛ پس هر بقعه ای که به ولایت من ایمان آورد، آن را طیب و پاکیزه گردانید و گیاه و میوه اش را شیرین و خوشمزه نمود و آبش را صاف و شیرین ساخت و هر بقعه ای که امامت و ولایت مرا انکار کرد آن را شوره زار گردانید و گیاهش را تلخ و میوه اش را عوسج و حنظل کرد و آبش را، شور و تلخ ساخت (۴)

و ان الله عرض امامتی علی الارضین فكل بقعه آمنت بولایتی جعلها طيبه زکيه و جعل نباتها و ثمرها حلوا عذبا و جعل ماوها زلالا و كل بقعه جحدت امامتی و انكرت ولایتی جعلها سبخا و جعل نباتها مرا علقما و جعل ثمرها العوسج و الحنظل و جعل ماءها ملحا اجاجا (۵)

نبی اکرم فرمود: خداوند درباره ولایت و حبّ علی ابن ابی طالب، پیمان گرفت از بشر، درختان، میوه جات: دانه و گیاهان و هر کس ولایت علی را قبول کرد، پاکیزه و خوشمزه شد و هر کس قبول نکرد؛ خبیث و بی مزه شد

ان الله اخذ حبک علی البشر و الشجر و الثمر و البذر، فما اجاب الی حبک عذب

ص: ۲۹۹

۱-۱. الکافی ج ۱ ص ۳۴۰، البرهان ج ۶ ص ۳۱۸

۲-۲. تفسیر نورالثقلین ج ۶ ص ۸۷؛ معانی الاخبار ص ۱۱۰

۳-۳. بصائر الدرجات ج ۲ ص ۹۶

۴-۴. مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۳۵۰

۵-۵. مناقب آل ابی طالب ج ۲ ص ۱۴۲ کتابخانه مدرسه فقاها؛

و طاب و مالم يجب خبث و مر(۱)

خداوند در شب معراج به نبی اسلام فرمود: ولایت شما، (۱۴ معصوم) بر اهل آسمان و زمین، عرضه کردم هر کس قبول کرد نزد من از مومنان حساب می شود و هر کس ولایت شما را رد کرد از کافران است، و عرضت ولایتکم علی اهل السماوات و الارض فمن قبلها کان عندی من المومنین و من لم یقبلها کان من الکافرین (۲)

بی اکرم فرمود: زمانی که خداوند، آسمان و زمین را خلق فرمود آنان را خواند، آنها دعوت خدا را اجابت کردند، سپس خداوند، نبوت من و ولایت علی ابن ابی طالب را بر آسمانها و زمین ها، عرضه کرد، آنها پذیرفتند سپس خلائق را آفرید لما خلق الله السموات و الارض دعا هن فاجبته فعرض علیهن نبوتی و ولایه علی ابن ابی طالب فقبلتا هما ثم خلق الخلق (۳)

نبی اکرم فرمود: خداوند، قرارداد، حب و ولایت علی را فرض و واجب بر اهل آسمان و اهل زمین

ان الله افترض حب علی، علی اهل السموات و الارض (۴)

نبی اکرم فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و یک برگ سبز از درخت آس آورد که به قلم سفید بر آن نوشته شده بود: من (خدا) واجب کردم، محبت علی بر تمام خلائق، ای پیامبر، آنرا، ابلاغ کن

جاءنی جبرئیل من عندالله عزوجل بورقه آس خضرا مکتوب فیها بیاض: انی اقترضت محبه علی ابن ابی طالب علی خلقی عامه فبلغهم ذلک عنی (۵)

نبی اکرم فرمود: خداوند، دوستی علی و فاطمه و ذریه او را بر خلائق عرضه کرد، هر کس از خلائق که زودتر، ولایت اهل بیت رسالت را، اجابت کرد، از پیامبران الهی شدند و بعد از انبیاء، شیعیان خالص، ولایت اهل بیت را پذیرفتند

ص: ۳۰۰

۱-۱. الرياض النضرة فی مناقب العشرة، محب الدین طبری ج ۲ ص ۱۹۱ مکتبه شامله،

۲-۲. ینابیع الموده ج ۳ ص ۳۸۰، فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۱۹، مقتل الحسین خوارزمی ص ۹۵-

۳-۳. مناقب خوارزمی حنفی ص ۸۰، مقتل الحسین ج ۱ ص ۴۶، مائه منقبه، منقبه ۷،

۴-۴. اربعین، محمد بن ابی الفوارس ص ۱۹

۵-۵. مناقب اخطب خوارزمی ج ۱ ص ۶۶ ح ۳۷

ان الله له الحمد عرض حب علي و فاطمه و ذريتها علي البريه فمن بادر منهم بالاجابه جعل منهم و الرسل و من اجاب بعد ذلك جعل منهم الشيعة (١)

ان الله عرض ولايتنا علي اهل السموات و اهل الارض من الجن و الانس و الثمر و غير ذلك فما قبل منه ولايتنا طاب و طهر و عذب و مالم يقبل منه خبث.... (٢)

از جمله موجوداتی که ولایت و امامت مولا علی و فرزندانش را پذیرفته، سنگ عقیق می باشد، رسول اکرم فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت انگشتر عقیق را در دست کن، زیرا، اولین سنگی است که به وحدانیت خداوند، و نبوت تو و به وصایت علی و امامت اولاد علی، شهادت داده است

تختموا بالعقیق فانه اول حجر شهد الله بالوحدانیه ولی بالنبوه و لعلی بالوصیه و لولده بالامامه (٣) _ بالعقیق الاحمر فانه جبل اقرالله بالوحدانیه، ولی بالنبوه و لك بالوصیه و لولدك بالامامه

طبق آیه ٧٢ سوره احزاب و تفاسیر در ذیلش از شیعه و سنی که تقدیم شما خوانندگان شد، ١٤ معصوم بر تمام خلائق و پیامبران، افضل و برتر هستند، چون ولایت ائمه هدی بر آنان عرضه شده و هر کس از پیامبران، که زودتر ولایت ١٤ معصوم را پذیرفته، به مقام پیامبری نائل شده، اگر پیامبران، پیامبر شدند به امر الهی بخاطر، پذیرفتن ولایت و امامت ائمه هدی بوده است، جناب سلفی، با این صغری و کبری آیه ٧٢ سوره احزاب و تفاسیر ذیلش، چگونه پیامبران بر ١٤ معصوم، برتری می توانند داشته باشند؛ از جمله آیاتی که در قرآن کریم، اشاره دارد، مولا علی از تمام پیامبران، بغیر از بر رسول اسلام، برتر می باشد آیه ٦ و ٧ سوره قارعه است، فاما من ثقلت موازینه فهو فی عیشه راضیه؛ ابن عباس گفت: نخستین کسی که کفه حسنات او در ترازوی روز قیامت برتری پیدا می کند؛ علی بن ابی طالب است و این بدان جهت است که در ترازوی او جزء حسنات وجود ندارد و کفه ی بدی ها، خالی است و چیزی در آن نیست؛ چون او به اندازه یک چشم به هم زدن گناه نکرده است، وقتی

ص: ٣٠١

١-١. مناقب المرتضویه، محمد صالح کشفی ترمذی حنفی ص ١٠٢،

٢-٢. بحار الانوار ج ٢٧ ص ٢٨٣

٣-٣. ابن مغازلی ح ٣٢٦ اربعین ابن ابی الفوارس ص ١٤٩، مناقب خوارزمی ص ٢٢٨، احقاق الحق ج ٤ ص ٨٨ علل الشرائع

ج ٢ ص ١٥٣ بحار الانوار ج ٢٧ ص ٢٨٣

که مولا علی، عملش ثقیل و سنگین تر از تمام خلائق که پیامبران، جزء خلائق هستند، هست، بغیر از رسول اسلام آن هم در نبوت خاصه، فقط از ایشان برتری دارد می باشد، چگونه انبیاء بر مولا علی می توانند برتری داشته باشند(۱)

فاما من ثقلت موازینہ فهو فی عیشہ راضیہ قال نزلت فی علی ابن ابی طالب (۲)

اول من ترجح کفه حسناته فی المیزان یوم القیامه علی ابن ابی طالب و ذلک ان میزانه لایکون فیہ الا الحسنات و تبقی کفه السیئات فارغہ لاسیئته فیها، لانه لم یعص الله طرفه عین فذلک قوله: فاما من ثقلت موازینہ فهو فی عیشہ راضیہ،

یکی دیگر از فضائل بی نظیر مولا علی بر خلائق و پیامبران بغیر از بر رسول اسلام، آیه ۴۴ سوره اعراف است،

فاذن موذن بینهم ان لعنه الله علی الظالمین،

وقتی که اهل بهشت در بهشت مستقر شدند و اهل جهنم در جهنم قرار گرفتند از (۲) گروه سوال می شود آیا وعده های الهی را حق دانستید هر دو گروه می گویند: بله، پس منادی از طرف خدا، فریاد می زند، لعنت خدا بر ظالمین باد، وقتی به تفسیر این آیه مراجعه می کنیم می بینیم حتی مفسران و محدثان نامی اهل سنت می نویسند این موذن و ندا دهنده از طرف خدا، مولا علی علیه السلام است، حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل ص ۱۱۵ ح ۲۶۱ از مولا علی نقل شده در ذیل این آیه که می فرماید: موذن و ندا دهنده من هستم _ فانا ذلک المودن، ابن عباس گفت: برای علی ابن ابی طالب در کتاب خدا، نام هایی است که مردم آنها را نمی شناسند از جمله آنهاست سخن خداوند، فاذن موذن، او همان موذن (ندا دهنده) است که می گوید: آگاه باشید لعنت خداوند بر کسانی که ولایت مرا تکذیب کردند و حق مرا سبک شمردند

فهو موذن بینهم یقول: الا لعنه الله علی الذین کذبوا بولایتی و استخفوا بحقی _ (۳)

آلوسی مفسر مشهور اهل سنت در تفسیر روح المعانی ج ۸ ص ۱۰۷ از ابن عباس نقل می کند که گفته موذن حضرت علی است

ص: ۳۰۲

۱- ۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۱۱۴۹

۲- ۲. تاویل الایات ج ۲ ص ۸۴۹، تفسیر البرهان ج ۸ ص ۳۷۰ ح ۴، مناقب آل ابی طالب ح ۲ ص ۱۵۱،

۳- ۳. شواهد التنزیل ح ۲۶۲

الموذن علی کرم الله وجهه، (۱) قال علی: وانا الموذن فی الدنيا و الاخره،

چگونه ثابت می شود که این آیه فضیلت برای مولا علی محسوب می شود، جواب: موذن می خواهد به فرمان الهی مطلبی را اعلام کند، پس او پیام آور الهی است و وظیفه خطیر و سنگین سخنگوی خداوند را دارد، بنابراین سخنگو باید شخص مهمی باشد که مطلب و پیام خدا را خوب بیان کند، آن هم پیامی که در روز قیامت بیان می شود و با توجه به محتوای پیام، که شامل لعنت خداوند بر ظالمین است، خود پیام آور، نباید در دنیا آلوده به ظلم شده باشد و گرنه هیچ کس خودش را لعنت نمی کند، بنابراین، مقام موذن در روز قیامت یک مقام معمولی و عادی نیست که هر کس بتواند عهده دار آن باشد و کسی که این مقام را بدست آورد، فضیلت بزرگی نصیبش شده است.

از جمله فضائل و خصائص ویژه و بی نظیر و بی مانند ائمه ۱۲ گانه شیعه، این است که آنان اصحاب اعراف هستند که قرآن کریم در سوره اعراف آیه ۴۶ به آن اشاره فرموده و مفسران نامی شیعه و سنی روایاتی در ذیل آن نقل کرده اند _ و علی الاعراف رجال يعرفون کلاً بسیماهم؛ اصبع بن نباته گفت: نزد مولا علی نشسته بودم که ابن کواء آمد و گفت: یا امیرالمومنین، مرا از این سخن خداوند و علی الاعراف رجال، خبر بده، فرمود: وای بر تو ای ابن کواء ما در روز قیامت میان بهشت و جهنم می ایستیم پس هر کس ما را یاری کرده به چهره اش می شناسیم و او را وارد بهشت می کنیم و هر کس که ما را دشمنی کرده او را به چهره اش می شناسیم و او را وارد جهنم می کنیم

نحن نوقف یوم القیامه بین الجنه و النار فمن ینصرنا عرفناه بسیماه فادخلناه الجنه و من ابغضنا عرفناه بسیماه فادخلناه النار _
(۲) عن علی قال: نحن اصحاب الاعراف من عرفناه بسیماه ادخلناه الجنه (۳)

ص: ۳۰۳

- ۱- ۱. ینابیع الموده ص ۱۰۱، مناقب مرتضوی ص ۶۰ محمد صالح کشفی ترمذی مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۲۴۳ ح ۳۵۴،
- ۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۲۵۶ ص ۱۱۳ _ ابن مردویه،
- ۳- ۳. مناقب علی ابن ابی طالب، ابن مردویه ج ۱ ص ۲۴۳ ح ۳۵۵، مفتاح النجاء ص ۳۸ ینابیع الموده قندوزی حنفی ص ۱۰۲، صواعق المحرقه ابن حجر ص ۱۶۷، الکشف و البیان امام ثعلبی ج ۴ ص ۲۳۶

اعراف موضعی مرتفع از صراط است، که مولا علی ابن ابی طالب روی آن قرار دارد

الاعراف موضع عال من الصراط، علیه العباس و حمزه و علی ابن ابی طالب و جعفر ذوالجناحین يعرفون محببهم بیاض الوجوه و مبغضهم سواد الوجوه

نبی اکرم فرمود: ای علی تو و جانشینان (ائم هدی)، اعراف بین بهشت و جهنم هستند کسی وارد بهشت نمی شود مگر اینکه شما را بشناسند و شما او را بشناسید و کسی وارد جهنم نمی شود مگر اینکه شما را نشناسند و شما او را نشناسید

یا علی انک والاولیاء من ولدک اعراف بین الجنه و النار، لا یدخل الجنه الا من عرفکم و عرفتموه و لا یدخل النار الا من انکرکم و انکرتموه (۱)

مولا- علی فرمود: ما اعراف هستیم و ما انصار خود را به صورتهایشان می شناسیم و ما اعراف هستیم و ما انصار خود را به صورتهایشان می شناسیم و ما اعراف هستیم که کسی خدا را نمی شناسد مگر به راه معرفت ما _ نحن الاعراف و نحن نعرف انصارنا بسیماهم و نحن الاعراف الذین لا یعرف الله الا بسبیل معرفتنا (۲)

نبی اکرم فرمود: به آن خدایی که جانم درید قدرت اوست عمل هیچ عبد و بنده خدایی به او نفع و سود نمی رساند مگر اینکه ما اهل بیت را بشناسد

و الذی نفسی بیده لا ینفع عبداً عمله الا بمعرفه حقنا (۳)، لا یقبل الله لعبد عملاً حتی یوالیهم باخلاص الولاء (۴)

اعجب ما رأیت، (۵)، انما الائمه قوام الله علی خلقه و عرفاه علی عبادہ ولا یدخل الجنه الا من عرفهم و عرفوه (۶)

از آیه ۴۶ سوره اعراف و تفاسیر در ذیلش، استفاده می شود، که پیامبران الهی به اندازه وسع وجود خودشان باید، موقعیت و جایگاه الهی، ۱۴ معصوم را بشناسند و

ص: ۳۰۴

-
- ۱-۱. ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۰۴
 - ۲-۲. ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۰۴،
 - ۳-۳. مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۷۲، ینابیع الموده ج ۲ ص ۷۰، الشرف الموبد ص ۹۶، رشفه الصدی ص ۴۳، صواعق المحرقه ص ۱۷۳ المعجم الاوسط ج ۲ ص ۳۶۰، الاتحاف بحب الاشراف ص ۱۱۱
 - ۴-۴. (قطعه ای از شهر عبدی کوفی به نقل کتاب شریف الغدیر علامه امینی ج ۲ ص ۴۲۵ ر ص ۴۴۱
 - ۵-۵. محمد سلیمان محفوظ ج ۱ ص ۸
 - ۶-۶. نهج البلاغه فیض ص ۲۷۰ خطبه ۱۵۲

شناختند اگر نمی شناختند، پیامبر نمی شدند، امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ پیامبری منزلت نیافت مگر پس از این که به حق ما معرفت یافت و برتری ما را بر غیر ما و همگان پذیرفت

ما نبی قط الا بمعرفه حقنا و بفضلنا علی من سوانا(۱)

نبی اکرم فرمود: معرفه آل محمد براه من النار، شناخت آل محمد، نجات از آتش جهنم است، و حب آل محمد جواز علی الصراط و الولایه لال محمد امان من العذاب _ (۲)

_ فکذک معرفه آله معرفه حقه و معرفه حق الله و معرفه الله براه من النار، موسوعه الفرق المنتسبه للاسلام (۳) نزهه المجالس ج ۲ ص ۱۰۵

از جمله فضائل بی نظیر مولا- علی بر تمام خلائق این است که جبرئیل در روز جنگ احد بین زمین و آسمان ندا داد، هیچ جوانمردی همانند علی و هیچ شمشیری همانند ذوالفقار نیست، _ لاسیف الا ذوالفقار و لافتی الا علی (۴)

عمد ابن الخطاب می گوید: بخدا قسم اگر شمشیر علی نبود، پرچم اسلام برافراشته نمی شد (۵)

نبی اکرم با صدای بلند فرمود: ای مسلمین این علی، برادرم و پسر عمویم،

ص: ۳۰۵

۱- ۱. بحار الانوار ج ۲۶ ص ۲۶۷ الی ص ۳۱۸،

۲- ۲. جواهر العقدين سمهودی ج ۲ ص ۲۵۲ فرائد السمطين ج ۲ ص ۲۵۶، الشفاء قاضی عیاض ج ۲ ص ۴۷، ینابیع الموده ج ۱ ص ۱۶۴، الاتحاف بحب الاشراف، شبروای ص ۳۶ _ بحر الفوائد ج ۱ ص ۳۷۰ _؟؟؟ صواعق المحرقه ص ۱۳۹، رشفه الصادی ص ۴۵۹، بحر الفوائد المسمى بمعانی الاخیار للکلاباذی ح ۲۵۳ مکتبه اسلام ویب الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۳۹

۳- ۳. الدرر السنیه ج ۸ ص ۱۸۵ مکتبه شامله

۴- ۴. کنز العمال ج ۵ ص ۷۲۳، الهواتف ابن ابی الدنیا ص ۲۰ کشف الخفاء عجلونی ج ۲ ص ۳۶۳، السیره ابن هشام ج ۳ ص ۶۱۵، البدایه و النهایه ابن کثیر ج ۴ ص ۵۴ و ج ۶ ص ۶ و ج ۷ ص ۲۵۰، السیره النبویه ابن کثیر ج ۳ ص ۹۴ و ج ۴ ص ۷۰۷، ذخائر العقبی طبری ص ۷۴، تاریخ طبری ج ۲ ص ۱۹۷، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲ ص ۲۱۱ و ج ۷ ص ۲۱۹ و ج ۱۰ ص ۱۸۲ و ج ۱۱ ص ۲۱۷ و ج ۱۳ ص ۲۹۳، نظم در السمطين ص ۱۲۰ و ص ۱۲۱ تاریخ مدینه دمشق ج ۳۹ ص ۲۰۱ و ج ۴ ص ۷۱، مناقب ابن مردویه ص ۱۵۱، الکامل فی التاریخ ابن اثیر ج ۲ ص ۱۵۴، وقعه الصفین ابن مزاحم ص ۳۱۵، مناقب خوارزمی ص ۳۷، جواهر المطالب ابن دمشقی ج ۱ ص ۱۸۹، السیره الحلبیه ج ۲ ص ۵۱۷ ینابیع الموده ج ۱ ص ۲۳۹

۵- ۵. شرح نهج البلاغه ج ۱۲ ص ۵۱ _ و الله لولا سیفه لما قام عمود الاسلام، امالی صدوق ص ۲۰۳ ح ۱۷

گوشتش گوشت من و خونش خون من و مویش موی من است او پدر دو سبط من حسن و حسین سید و سرور جوانان اهل بهشت است، او مشکل گشای سختی از من و او شیر خدا و شمشیر خدا در زمین در مقابل دشمنان خداست

هذا مفروج الكروب عنى هذا اسدالله و سيفه فى ارضه على اعدائه (۱) _ على سيف الله على اعدائه و وارث علم انبيائه... (۲)

قال اميرالمومنين: انا سيف الله على اعدائه و رحمته على اوليائه (۳)

قال على لاهل الشورى، انشدكم بالله هل تعلمون ان جبرئيل قال: لاسيف الا ذولفقار ولافتى الا على قالوا: نعم (۴)

نبی اکرم فرمود: علی ابن ابی طالب، شمشیر خدا و شمشیر من است _ و سیف الله و سیفی _ (۵)، یکی دیگر از فضائل بی نظیر مولا علی که به سبب آنان بر تمام خلائق و پیامبران، بغیر از بر رسول اسلام، افضل و برتر می باشد، لقب خاص الهی، امیر مومنانی است، نبی اکرم فرمود: ای علی تو، امیر در آسمان، امیر در زمین، امیر گذشتگان و امیر آیندگانی، هیچ امیری بعد از تو نیست و پیش از تو نیز نبوده، چرا که جایز نیست احدی را که خداوند به این نام نخوانده به این نام خوانده شود

فانت يا على امير من فى السماء و امير من فى الارض و امير من مضى و امير من بقى، فلا- امير بعدك و لا- امير قبلك لانه لايجوز لاحد ان يسمى بهذا الاسم من لم يسم الله تعالى (۶)

نبی اکرم فرمود: خداوند در شب معراج بمن فرمود، علی، حقیقتاً امیرالمومنین است که کسی قبل از علی ابن ابی طالب و احدی بعد از علی، به مقام والای اختصاصی امیرالمومنین نرسیده و نخواهد رسید

ص: ۳۰۶

-
- ۱- ۱. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، محب الدین طبری (سنی) ج ۱ ص ۹۲
 - ۲- ۲. امالی صدوق ج ۱ ص ۶۱، ثواب الاعمال ص ۳۷، روضه الواعظین ص ۳۳۱ بحار الانوار ج ۳۸ ص ۹۰
 - ۳- ۳. بحار ج ۳۵ ص ۶۱، مناقب ابن مغزالی شافعی ح ۲۳۴ و ۲۳۵، میزان الاعتدال ذهبی ج ۲ ص ۳۱۷، لسان المیزان ابن حجر ج ۴ ص ۴۰۶، تذکره الخواص ابن جوزی ص ۳۰، مفتاح النجاء ص ۲۵
 - ۴- ۴. ینابیع الموده ج ۱ ص ۴۳۴، میزان الاعتدال ج ۳ ص ۳۲۴
 - ۵- ۵. مائه منقبه، ابن شاذان قمی ص ۳۶ منقبت ۱۴
 - ۶- ۶. مائه منقبه ص ۶۲ منقبت ۲۶

و هو امیرالمومنین حقاً لم ينلها احد قبله و ليست لاحد بعده (۱)

نبی اکرم در فرازی از خطبه غدیر فرمود: آگاه باشید که غیر از علی برادر امیرالمومنین نیست و حلال نیست بغیر از علی کسی، امیرمومنان نامیده شود _ الا انه ليس امیرالمومنین غیر اخی و لا تحل امره المومنین بعدی لاحد غیره (۲)

مولا علی فرمود: رسول اکرم امر فرمود که در دوران حیاتش و بعد از وفاتش امیر مومنان خوانده شوم و به جزء من کسی را به این لقب نخواند .

فان رسول الله امر ان ادعی بامرہ المومنین فی حیاته و بعد موته و لم یطلق ذلک غیری (۳)

نبی اکرم، دستهای مقدس، مولا علی را گرفت و فرمود: این علی، امیر نیکان و ابرار می باشد، تمام پیامبران جزء ابرار و نیکان بودند طبق این حدیث صحیح السند، مولا علی بر تمام پیامبران، امیر و سرور هست بغیر از بر رسول اسلام

هذا امیر البرره قاتل الفجره، _ هذا حدیث صحیح الاسناد (۴)

یکی دیگر از فضایل بی نظیر مولا- علی و برتری او بر تمام پیامبران بغیر از بر رسول اسلام این است، که ملک الموت (عزرائیل) مامور است از طرف خداوند، ارواح تمام موجودات که تمام پیامبران جزء آنان هستند بگیرد و قبض کند، ولی روح شریف نبی اسلام و مولا علی را خداوند قبض می کند و می گیرد؛ و این امتیاز بزرگی است که نبی اسلام و مولا علی دارند

وکلنی الله بقبض ارواح الخلاق ما خلا روحک و روح ابن عمک علی ابن ابی

ص: ۳۰۷

۱- ۱. مناقب اخط ب خوارزمی حنفی ص ۳۰۳ ح ۲۹۹

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۳۱

۳- ۳. خصال صدوق ج ۲ ص ۸۸۴ بحار الانوار ج ۳۱ ص ۴۴۵،

۴- ۴. المستدرک حاکم نیشابوری، کتاب معرفه الصحابه، مساله ۱۸۲۷، حدیث ۴۶۹۹، سایت اسلام ویب، الجامع الصغیر سیوطی ج ۲ ص ۱۷۷، کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۰۲، معجم ابن المقری ح ۱۷۵، شواهد التنزیل حاکم حسکانی ج ۱ ص ۲۲۹ فتح الملک العلی، مغربی ص ۵۷، تاریخ بغداد ج ۳ ص ۱۸۱، تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۲۲۵ و ص ۳۸۲ و ص ۳۸۳، میزان الاعتدال ذهبی ج ۱ ص ۱۰۹ ح ۴۲۹، مناقب خوارزمی ص ۱۷۷ و ص ۱۹۹، ینایع الموده ج ۱ ص ۲۱۹ و ج ۲ ص ۷۸ و ص ۲۲۹ _ علی امام البرره، قائد البرره، فیض القدیر مناوی ج ۴ ص ۳۵۶ ح ۵۵۹۱، صواعق المحرقه ج ۲ ص ۳۶۵ ح ۳۳ مکتبه شامله،

از جمله فضایل بی نظیر مولا علی این است که خداوند او را دابه الارض نامیده و در آخرالزمان هنگام ظهور، امام مهدی، از زمین خارج می شود و زنده می گردد و رجعت می کند، و کافر و مومن را مشخص می کند_ (و او منتقم الهی است که ظاهر می شود) مولا علی فرمود: ۶ خصلت به من داده شده، علم مرگ، علم بلاها، علم اوصیاء، علم به واقع، صاحب عصاء و نشانه گذاری هستم و جنبه ای که با مردم حرف می زند

و لقد اعطيت الست، علم المنايا و البلايا و الوصايا و فصل الخطاب و اني لصاحب الكرات و دوله الدول و اني لصاحب العصاء و الميسم و الدابه التي تكلم الناس (۲)

قال علی: انا قسيم الجنه و النار... و الدابه التي تكلم الناس

مولا علی فرمود: من آن دابه ای هستم که با مردم صحبت می کند (۳)، ابن نباته می گوید بر مولا علی وارد شدم، مشغول خوردن نان و سرکه بود، عرض کردم منظور دابه الارض در قرآن کیست؟ فرمود: او دابه ای است که نان و سرکه می خورد _ قال هی دابه تاكل خبزاً و خلاً و زيتاً (۴) رسول خدا در حالی به مولا علی برخورد نمود که مشتی ریگ جمع کرده و سرش بر آن نهاده، پاهای علی را تکان داد و فرمود: ای دابه الارض برخیز یکی از اصحاب گفت: روا نیست، نبی اکرم فرمود: این نام تنها به او اختصاص دارد، او همان دابه ای است که خدا در قرآن از او یاد کرده، سپس فرمود: ای علی، چون آخرالزمان شود، خداوند تو را به نیکوترین صورت بیرون می آورد و با تو داغه ای است که دشمنانت را با آن نشانگذاری می کنی

انتهی رسول الله الی امیرالمومنین و هو نائم فی المسجد قد جمع رملاً و وضع راسه علیه فحرکه برجله ثم قال: قُم یا دابه الله ... فقال: لا و الله ما هو الا له خاصه

ص: ۳۰۸

- ۱- ۱. ریاض النضره ج ۳ ص ۸۳ محب الدین طبری شافعی، مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۷۵؛ الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۴۹؛ نزهه المجالس ج ۲ ص ۴۱۸؛ سمط النجوم ج ۳ ص ۳۱
- ۲- ۲. (اصول کافی ج ۱ ح ۳ کتاب الحجّه)
- ۳- ۳. الکافی ج ۱ ص ۱۹۷ _ بصائر الدرجات ص ۲۰۰ _ انا دابه الارض بحار ج ۳۹ ص ۲۴۳، کنزالفوائد ج ۵۳ ص ۱۱۰، تاویل الایات ص ۳۹۹
- ۴- ۴. تفسیر البرهان ج ۴ ص ۲۲۹، بحار ج ۵۳ ص ۴۶ ص ۴۸

و هو دابه الارض الذى ذكر الله فى كتابه: و اذا وقع القول عليهم اخرجنا لهم دابه من الارض تكلمهم ... ثم قال: يا على اذا كان آخر الزمان اخرجك الله فى احسن صورته و معك ميسم تسم به اعداءك _ (۱) نبي اکرم فرمود: خداوند به من وحى کرد که على آخرین کسی است که قبض روحش خواهم کرد و او دابه ای است که با مردم حرف خواهد زد _ وهى دابه التى تکلمهم (۲)

امام رضا فرمود: تتبعها الرادفه، اشاره به زلزله ای است که در پی آن دابه ای از زمین خارج می شود که با مردم حرف می زند و او على است

قال: زلزله الارض فاتبعته خروج الدابه .. (۳)

واژه ی دابه بر گرفته از ریشه دب به معنای راه رفتن خفیف است و در مورد هر حیوانی بکار می رود و اسم عام است برای هر حیوانی که سوار می شوند، چنان ابو هلال آورده است: این کلمه در اصل بر تمام جنبدگان و صاحبان جان دلالت می کند در حالی که در عرف نامی برای برخی از جنبدگان است و نیز بر اسب اطلاق می گردد (۴)

مقدسی در البدء و التاریخ ج ۲ ص ۲۰۲ می نویسد: معنای دابه اسمی است که بر جنس حیوان و انسان و چهارپایان و پرندگان بطور مطلق نامیده می شود، همانطور که خداوند در قرآن می فرماید: خداوند خلق کرد تمام دابه و جنبدگان را از آب، که بعضی از آنان روی شکم راه می روند و بعضی بر روی دو پا و بعضی بر روی چهارپا و فرمود: هیچ دابه و جنبده ای نیست مگر اینکه ما روزی او را می دهیم؛ شروترترین جنبدگان در نزد خدا کسانی هستند که تعقل نمی کنند، و دابه کنایه به انسان است، و روایت از على ابن ابی طالب شده که فرموده من دابه الارض و جنبده زمین هستم و بعضی گفته اند عبدالله ابن زبیر هم دابه الارض است

و اما الدابه فهو اسم يقع على ما دابه و درج من اجناس الحیوان من انسان و سبع و بهیمه و طائر و هامه و قال الله تعالى و الله خلق كل دابه فى الارض الاعلى

ص: ۳۰۹

۱-۱. تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۰،

۲-۲. بصائر الدرجات ص ۵۱۴ بحار ج ۵۳ ص ۶۸،

۳-۳. مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۱۰۲

۴-۴. المفردات ص ۳۰۶، العین ج ۸ ص ۱۳، لسان العرب ج ۱ ص ۳۶۹،

الله رزقها و قال: ان شر الدواب عندالله الصم البكم الذين لا يعقلون ... و روى ان علياً صلوات الله عليه و سلامه: انا دابه الارض..
وقيل عبدالله بن الزبير دابه الارض (۱)

نبی اکرم به عمرو فرمود: آیا دیده ای دابه الجنه را، که هم می خورد و هم می آشامد و هم در بازارها راه می رود، بعد حضرت رسول، اشاره به مولا علی ابن ابی طالب فرمودند:

هل رایت دابه الجنه تاكل الطعام و تشرب الشراب و تمشی فی الاسواق؛ هذا دابه الجنه و اشار الی علی ابن ابی طالب (۲)
از دیگر فضائل بی نظیر مولا علی و برتری او بر تمام خلائق این است که پیامبر اسلام فرمود: ای علی تو مصاحب (همنشین) و رفیق من در بهشت هستی،

یا علی انت صاحبی و رفیقی فی الجنه، (۳)

از جمله خصائص و ویژگی های بی نظیر مولا علی در بهشت این است که وجود مقدسش همانند ستاره صبح برای اهل دنیا، نور افشانی می کند، یعنی روشنی و زیبایی بهشت به وجود منور علی ابن ابی طالب است

علی یزهر فی الجنه ککوکب الصبح لاهل الدنيا (۴)

از جمله فضائل بی نظیری که منابع اهل سنت برای مولا علی، نقل کرده اند این است که دست علی و پیامبر اسلام در دست هم هست و با هم وارد بهشت می شوند _ یا علی یدک فی یدی یوم القیامه حتی تدخل حیث ادخل (۵)

از جمله فضائل بی نظیری که مولا علی دارد این است که فردای قیامت بر ناقه ای از ناقه های بهشتی سوار است و رهبر و قائد تمام مومنان بسوی بهشت هست، نبی

ص: ۳۱۰

-
- ۱- ۱. سایت مکتبه شامله،
 - ۲- ۲. کنز العمال هندی ج ۱۱ ص ۶۲۶ ح ۳۳۰۵۴ مجمع الزوائد هیشمی ج ۹ ص ۱۱۸ ح ۱۴۶۹۲، معارج العلی فی مناقب المرتضی ص ۱۳۱ محمد صدر العالم هندی دهلوی
 - ۳- ۳. تاریخ دمشق ج ۱ ص ۱۲۲۰ رقم ۱۶۸، اسنی المطالب ص ۱۴
 - ۴- ۴. نورالابصار شبلنجی ص ۹۳، مناقب ابن مغزلی ح ۱۸۴ ص ۱۴۰ صواعق المحرقه ابن حجر ص ۷۵، کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۱۱، فرائد السمطین ج ۱ ص ۲۹۵، فیض القدر مناوی ج ۴ ص ۲۵۸ بحار الانوار ج ۳۹ ص ۲۳۰، الجامع الصغیر ص ۱۴۱
 - ۵- ۵. کفایه الطالب ص ۲۸۰ باب ۴۱، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۲۸،

اکرم فرمود: فردای قیامت ما ۴ نفر فقط سواره هستیم، من بر مرکبم براق سواری شوم و برادرم صالح پیامبر بر ناقه خودش که آنرا پی کردند و عمویم حمزه بر ناقه من عضباء و برادرم علی بر ناقه ای از ناقه های بهشت

یاتی علی الناس یوم ما فیه راکب الانحن اربعه

.... واخی علی ابن ابی طالب علی ناقه من نوق الجنة..(۱)

از جمله فضائل بی نظیر مولا- علی، این است که منزل او در بهشت، مقابل قصر و منزل نبی اکرم در بهشت است، فان منزلک فی الجنة مقابل منزلی (۲)

از جمله فضائل بی نظیر مولا- علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین این است که فردای قیامت در قبه ای زیر عرش خداوند در کنار، رسول اکرم هستند،

انا و علی و فاطمه و الحسن و الحسین، یوم القیامه فی قبه تحت العرش (۳)

انا و فاطمه و علی و الحسن و الحسین فی حظیره القدس فی قبه بیضاء، سقفها عرش الرحمان (۴)

از جمله ادله حدیثی برای برتری مولا- علی و سایر ائمه هدی بر خلائق و پیامبران بغیر از بر رسول اسلام این است که با نبی اسلام فرمودند: خداوند در باب معجزات به حضرت موسی، عصایی که ازدها می شد، عنایت کرد، آتش عظیم نمرودی بر حضرت ابراهیم سرد و سالم کرد، به حضرت عیسی، کلماتی آموخت که بوسیله آنان، مرده ها را زنده می کرد و معجزه من علی ابن ابی طالب است، هر پیامبری، آیه و نشانه ای برای ثابت شدن نبوتش دارد و آیه و نشانه پروردگار من، ائمه طاهرین از فرزندان علی ابن ابی طالب هستند

و ان الله اعطی موسی العصا و اعطی ابراهیم النار المطفئه و عیسی الکلمات الی کان یحیی بها الموتی و اعطانی هذا، ولکل نبی آیه و هذا آیه ربی و الائمة

ص: ۳۱۱

۱- ۱. کفایه الطالب گنجی شافعی باب ۴۲ ص ۲۸۱، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۳۲۶، تاریخ بغداد ج ۱۳ ص ۱۲۲، مناقب خوارزمی ص ۳۵۹

۲- ۲. کفایه الطالب باب ۶۰ ص ۳۵۱، فرائد السمطین ج ۱ ص ۱۰۳، کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۴۷، البحر الزخار ج ۸ ص ۲۷۸

۳- ۳. کفایه الطالب باب ۸۵ ص ۵۰۵، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۷۴، فرائد السمطین ج ۱ ص ۴۹، کنز العمال ج ۱۲ ص ۱۰۰ مناقب خوارزمی ص ۳۰۳

۴- ۴. شرح الاخبار، قاضی نعمان ج ۳ ص ۳

از جمله آیاتی که اشاره دارد، ائمه هدی و ۱۴ معصوم علیهم السلام بر پیامبران، برتری دارند، آیه ۸۳ سوره صافات است، و ان من شیعتہ لابراہیم _ جابر بن یزید جعفی تفسیر این آیه را از امام صادق علیه السلام سوال کرد؛ آنحضرت در جواب او فرمود: چون خداوند ابراهیم را خلق فرمود، پرده از برابر چشمش برداشت و ابراهیم، پیرامون عرش را نظر کرده نوره هایی دید، در شگفت شد و عرض کرد، خدایا این چه نوری است؟

خطاب رسید این نور حبیب من محمد است، نور دیگری در کنار آن نور بود، فرمود: این نور علی یاری کننده دین من است و این سه نور، دیگر، نور فاطمه و فرزندانش حسن و حسین و آن نه نور دیگر، انوار، فرزندان علی و فاطمه، از صلب حسین هستند، و اسامی تمام چهارده نور پاک، را خداوند، یکی یکی برای حضرت ابراهیم بیان فرمود؛ ابراهیم عرض کرد، نورهای بیشماری در اطراف این انوار مشاهده می کنم که تعداد آنان معلوم نیست؟ خطاب رسید، ای ابراهیم، این انوار شیعیان علی می باشند، اینجا بود که ابراهیم از خداوند، درخواست کرد که خدایا من را از شیعیان علی، قرار بده، وقتی که ابراهیم اوالعزم و صاحب کتاب، از خداوند در خواست می کند که پیرو، امام علی باشد، چگونه می تواند بر او برتری داشته باشد؟! (۲)

ان الله سبحانه لما خلق ابراهیم کشف له بصره، فنظر فرأى نورا الى جنب العرش، فقال: الهی ما هذاالنور؟ فقال: هذا نور محمد صفوتی من خلقی، و رای نورا من جنبه فقال الهی ما هذاالنور؟ فقال: نور علی ابن ابی طالب، ناصر دینی ... فقال ابراهیم: الهی و سیدی ارای انوار احدقوا بهم لایحصی عدد هم الا انت فقیل: یا ابراهیم شیعتهم شیعه امیرالمومنین علی ابن ابی طالب، ... فعند ذلك قال ابراهیم: اللهم اجعلنی من شیعه امیرالمومنین (۳)

از جمله فضائل و خصائص بی نظیر مولا- علی بر خلائق و برتری او بر پیامبران، غیر از رسول اسلام، آیه ۱ الی ۴ سوره زلزله است، و قال الانسان ما لها، در روایت

ص: ۳۱۲

۱- ۱. موده القربی همدانی شافعی موده دهم ص ۹۷، المناقب المرتضویه، محمد صالح کشفی ترمذی ص ۱۳۰ ینابیع الموده ص ۳۰۸،

۲- ۲. الصراط المستقیم ج ۳ ص ۷۶

۳- ۳. بحار الانوار ج ۳۶ ص ۱۵۲

است در زمان ابوبکر، زلزله شدیدی در مدینه رخ داد بطوری که عموم مردم ترسیدند و نزد ابوبکر و عمر رفتند، مشاهده کردند آن دو نفر از شدت ترس با عجله حضور مولا علی می روند مردم هم به تبعیت آنها حضور آن حضرت رسیدند، مولا علی از منزل خارج شدند، ابوبکر و عمر و مردم مدینه در عقب مولا علی رفتند تا رسیدند به روی تبه ای، آنحضرت بر روی زمین نشست مردم هم اطراف او نشستند، دیوارهای مدینه همانند گهواره حرکت می کرد، اهل مدینه از شدت ترس به ناله و گریه فریاد زدند یا علی به فریاد ما برس، آنحضرت با دست مبارک بر زمین زد و فرمود: ای زمین آرام و قرار بگیر زمین به اذن خدا، ساکت و آرام شد، مولا علی فرمود: من همان انسانی هستم که به زمین می گویم تو را چه شده است؟

بمن بگو چه اعمالی در روی تو انجام شده، پس از آن فرمود: اگر این لرزه همان لرزه روز قیامت بود، حتماً زمین اخبار و حوادث خودش را برای من بیان می کرد ولی این زلزله آن زلزله عظیم قیامت نیست، (۱)

هی هی الان مالک اسکنی اما و الله انی انا الانسان الذی تنبئه الارض اخبارها و انی انا الذی تحدتہ الارض اخبارها (۲)

و ضرب الارض بیده ثم قال مالک اسکنی فسكنت ثم قال: انا الرجل الذی قال الله تعالی: اذا زلزلت الارض... فانا الانسان الذی اقول لها مالک؟ یومئذ تحدث اخبارها ایای تحدث (۳)

روز قیامت روزی است که صدا و نفس ها از ترس صحرای محشر و وحشت روز قیامت گرفته می شود و کسی بدون اجازه خدا نمی تواند حرف بزند _ سوره طه آیه ۱۰۸: {و خشعت الا-صوات للرحمن فلا-تسمع الا-همسا}؛ سوره نباء آیه ۳۸ _ {لایتکلمون الا من اذن له الرحمن و قال صوابا}

امام صادق علیه السلام در ذیل تفسیر آیه ۳۸ سوره نباء فرمود: بخدا قسم ما فردای قیامت اجازه سخن گفتن داریم، سوال شد درباره چه حرف می زنید؟ امام فرمود که خدا را

ص: ۳۱۳

۱- ۱. دلائل الامامه طبری ص ۶۶، _ قال: انا الانسان و ایای تحدث اخبارها، بحار الانوار ج ۴۲ ص ۱۷

۲- ۲. بحار الانوار ج ۱ ص ۲۷۱

۳- ۳. بحار الانوار ج ۲۵ ص ۳۷۹، بحار ج ۴۱ ص ۲۵۴، علل الشرایع ج ۲ ص ۲۴۲ شیخ صدوق، بحار ج ۹۱ ص ۱۵۱ بحار ج ۶۰ ص ۱۲۹،

تمجید می کنیم و درود بر پیامبر اسلام می فرستیم و پیروان خود را شفاعت می کنیم و خدا، حرف ما را رد نمی کند _ نحن والله الماذون لهم يوم القيامة (۱)

؛ نبی اکرم فرمود: ای مردم آیا میدانید خبرهای زمین چیست که برای علی ابن ابی طالب بیان می کند؟ عرض کردند: خدا و رسول داناتر هست فرمود: گواهی می دهد بر مرد و زن به آنچه بر پشت آن عمل کردند و می گوید این شخص کار نیکو بجا آورده و آن دیگری مرتکب اعمال زشت شده _ (۲)؛ از جمله فضائل بی نظیر مولا- علی بر تمام خلائق و برتری او بر جمیع پیامبران، غیر از رسول اسلام این است که ایشان عین الله (چشم خدا) و یدالله (دست خدا) هستند، به این معنا که چشم و دست او الهی و قدرت خدایی از طرف خدا به اذن الله دارد، در روایت دارد، مردی به طواف کعبه مشغول بود، در همان جا به زن نامحرمی نگاه شهوتی می کرد، حضرت علی او را در آن حال دید و با دست مبارک، ضربه ای به او زد او در حالی که دستش را بر صورتش نهاده و بسیار ناراحت بود، بعنوان شکایت از مولا علی، نزد خلیفه دوم عمر ابن الخطاب آمد و ماجرا را گفت: عمر در پاسخ او گفت: قد رای عین الله و ضرب یدالله، چشم خدا دید و دست خدا زد، یعنی اینکه چشم علی آنچه می بیند خطا نمی کند زیرا چشم او چشمی است که آمیخته با اعتقاد به خداست و چنین چشمی اشتباه نمی کند.

و دست علی نیز جزء در راه رضای خدا حرکت نمی کند(۳)

البته این روایت با کمی تفاوت از زبان خلیفه دوم، عمر ابن الخطاب در منابع اهل سنت ذکر شده، ان لله فی الارض عیون و ان علی من عیون الله، اصابتك عین من عیون الله عمر بن الخطاب گفت: برای خداوند در زمین چشم هایی است و این علی

ص: ۳۱۴

-
- ۱- ۱. تفسیر مجمع البیان طبرسی ج ۱۰ ص ۲۴۸
 - ۲- ۲. مجمع البیان ج ۱۰ ص ۴۱۹
 - ۳- ۳. النهایه ابن اثیر ج ۳ ص ۳۳۲، المصنف عبدالرزاق ج ۱۰ ص ۴۰، کنز العمال ج ۵ ص ۴۶۲، تاریخ دمشق ج ۱۷ ص ۴۲، جواهر المطالب ج ۱ ص ۱۹۹، جامع الاحادیث ج ۲۶ ص ۲۹، جامع معمر بن راشد ج ۱ ص ۱۴۴، لسان العرب ج ۱۳ ص ۳۰۹، المداخل فی اللغه عبدالواحد ص ۶۹، الانباء المستطابه ص ۶۲، سمط النجوم العوالی ج ۲ ص ۲۸، و ج ۳ ص ۶۹ مختصر تاریخ دمشق ج ۳ ص ۶۶، البصائر و الذخائر ج ۱ ص ۱۲۶

چشمی از چشم های خداست _ (۱) _ اذهب عين من عيون الله اصابتك، ضربك بحق اصابته عين من عيون الله عزوجل، فقال
لقد وقعت عليك عين الله،

امام باقر فرمود: ما حجت خدا

، و زبان خدا و صورت خدا و چشم خدا در میان خلق هستیم

نحن حجه الله، و نحن باب الله و نحن لسان الله و نحن وجه الله و نحن عين الله في خلقه (۲)

مولا علی فرمود: من چشم خدا و دست خدا هستیم،

انا عين الله و انا يدالله، (۳)

قال علی: انا عين الله و لسانه الصادق و يده ... و انا يدالله المبسوطة: (۴)

انا علم الله و عين الله الناظره، (۵)

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند، آفریدگانی دارد که آنها را از نور و رحمت خود برای رحمت آفریده است، آنها چشم
بینای خدایند و به اذن او، گوش شنوا و زبان گویا در میان مردم هستند، راوی سوال کرد آنان چه کسانی هستند؟ فرمود:
اوصیای پیامبر (یعنی ائمه هدی)

ان الله عزوجل خلقاً من رحمته خلقهم من نوره و رحمته من رحمته لرحمته فهم عين الله الناظره و اذنه السامعه و لسانه الناطق في
خلقه باذنه (۶)

شاید وهابی بگویند این کفر است مگر می شود کسی چشم خدا بشود؛ خداوند که چشم ندارد و چشم کسی نمی شود و در
کسی حلول نمی کند، منظور این حدیث این است که خود منابع معتبر روایی اهل سنت آنرا از قول شریف نبی اکرم نقل کرده
اند که خدا فرمود: بنده من بوسیله انجام نوافل بجایی می رسید از لحاظ تقرب و نزدیکی معنوی به من تا اینکه محبوب من می
شود و من می شوم گوش او که با آن می شنود

ص: ۳۱۵

۱- ۱. نوا در الاصول فی احادیث الرسول، ترمذی ج ۴ ص ۵۷ _ فقال عُمر: اصابتك عين من عيون الله تعالی و ان الله فی

الارض عیونا _ نوادر الاصول ج ۲ ص ۲۳۶ و ج ۳ ص ۳۱۱، تهذیب اللغه، الازهری ج ۳ ص ۱۳۱

۲- ۲. اصول کافی ج ۱ ص ۱۴۵ ح ۷،

۳- ۳. اصول کافی ج ۱ ص ۱۴۵ ح ۸، انا عين الله فی ارضه _ بحار الانوار ج ۲۷ ص ۳۴

۴- ۴. بحار ج ۳۹ ص ۳۳۹، بحار ج ۲۶ ص ۲۴۶، بحار ج ۲۵ ص ۳۸۴

٥-٥. بحارج ٢٤ ص ١٩٨ و ص ١٩٩، بحارج ٣٩ ص ٣٤٧؛

٦-٦. كتاب التوحيد _ مرحوم شيخ صدوق ص ٢٤٣ باب ٢٤ باب معنى العين و الاذن و اللسان

و می شوم، چشم او که با آن نگاه می کند و می شوم دست او که با آن می گیرد و می شوم پای او که با آن راه می رود و هر گاه از من چیزی بخواهد به او می دهم و هر گاه به من پناه ببرد او را پناه می دهم

و ما يزال عبدی یتقرب الی بالنوافل حتی احبه فاذا احبته كنت سمعه الذی یسمع به و بصره الذی بیصر به و یده الی یتطش بها و رجله الی یمشی بهاوان سألنی لاعطینه(۱)

یعنی وجود او الهی و قدسی می شود و با این چشم و گوش می تواند حقائق و اسرار خلقت را مشاهده کند و محرم اسرار الهی با اذن الهی شود، (۲)، برای نمونه بنی اکرم فرمود: هر کس نگاه به نامحرم نکند بخاطر خداوند، عجائب و آن چیزهایی که ندیده می بیند، یعنی باطن و ملکوت عالم را مشاهده می کند.

غضو ابصارکم ترون العجائب(۳)

امام زین العابدین فرمود: هر بنده ای، چهار چشم دارد، دو چشم در سر و صورت و دو چشم که بوسیله آن امر آخرتش را می بیند و خداوند به هر کس اراده خیر داشته باشد چشم او را به عالم غیب باز می کند

فاذا، اراد الله بعبد خيراً فتح له العینین اللتین فی قلبه فابصر بهما الغیب فی امر آخرته(۴)

پس نتیجه این شد چون ۱۴ معصوم علیهم السلام، عبادت و اطاعت و قرب و منزلتشان نزد خدا بیشتر از همه خلایق و پیامبران بوده، پس از تمام انبیاء و موجودات افضل و برتر می باشند در روایت و حدیث قدسی آمده: ای بنده من، اطاعت از من بکن تا همانند من شوی که هر گاه به چیزی بگویی باش همان دم موجود شود _ عبدی اطعنی تکن مثلی تقل للشی کن فیکون(۵)

ص: ۳۱۶

-
- ۱- ۱. صحیح بخاری مساله الجز الخامس ص ۲۳۸۵ ح ۶۱۳۷ کتاب الرقاق باب التواضع
 - ۲- ۲. فتح الباری ش ۹۷۲۳ ص ۳۵۲، سنن الکبری بیهقی ش ۲۰۳۸، مرقاه المفاتیح محمد بن سلطان القاری مساله ۲۲۶۶
 - ۳- ۳. (مصباح الشریعه ص ۹
 - ۴- ۴. الخصال صدوق ج ۱ ص ۲۴۰
 - ۵- ۵. مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۲۵۸ بحار الانوار ج ۹۳ ص ۳۷۶، شجره طوبی، محمد مهدی حائری ج ۱ ص ۳۳، ابوطالب حامی الرسول، نجم الدین عسکری، ص ۱۸۵

عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی، یا عبدی انا اقول للشیء کن فن فیکون اطعنی اجعلک تقول للشیء کن فیکون یا عبدی انا الحی الذی لا- یموت اطعنی اجعلک حیاً لا تموت _ (۱)، یا بن آدم انا حی لاموت اطعنی فیما امرتک حتی اجعلک حیاً، یا بن آدم انا اقول للشیء کن فیکون، اطعنی فیما امرتک، اجعلک تقول للشیء کن فیکون (۲).

از جمله فضائل بی نظیر مولا علی این است که خداوند، شدت محبت و علاقه به ایشان دارد، عباس عموی پیامبر از نبی اکرم سوال کرد آیا علی را دوست داری؟! نبی اکرم فرمود: ای عمو، بخدا قسم، خداوند به شدت، علی را از من بیشتر دوست دارد _ یا عم رسول الله و الله، الله اشد حباً له منی (۳).

از جمله فضائل بی نظیر و بی همانند، مولا علی بر کل امت اسلام و دلیل برتری او بر تمام پیامبران، غیر از رسول، این است که رسول اکرم فرمود: حق علی ابن ابی طالب بر کل مسلمین (که پیامبران هم جزء مسلم و مسلمین) هستند همانند حق پدر بر فرزند است؛ پدر معنوی، علمی، عقلی، الهی، تمام پیامبران غیر از رسول اکرم و تمام عامه مسلمین علی ابن ابی طالب است، با این حساب، چگونه انبیاء و مسلمین، بغیر از رسول اکرم، بر مولا علی می توانند، برتری و افضلیت داشته باشند!!؟

حق علی، علی کل مسلم حق الوالد علی ولده، و روی انه قال لعلی: انا و انت ابوا هذه الامه: (۴) _ حق علی بن ابی طالب علی هذه الامه کحق الوالد علی ولده، حق علی، علی کل المسلمین کحق الوالد علی الوالد، (۵).

از جمله فضائل بی نظیر و بی مانند مولا- علی این است که ایشان، امام و قائد و مقتدای تمام خلائق و پیامبران بغیر از رسول اسلام و نور جمیع کسانی است که خدا

ص: ۳۱۷

-
- ۱- ۱. مجموع فتاوی ابن تیمیه لعنت الله علیه، مساله الجزء الرابع ص ۳۷۷ مکتبه اسلام ویب
 - ۲- ۲. عدہ الداعی ابن فهد حلی ص ۲۹۱، مستند الشیعه نراقی، ج ۱، ص ۵، الفوائد العلیه، سید علی بهبهانی ج ۲ ص ۳۹۴ الفوائد الرجالیه، بحر العلوم ج ۱ ص ۳۸، فتاوی الازهر ج ۸ ص ۱۱۶ مفتی عطیه صقر؛
 - ۳- ۳. کفایه الطالب گنجی شافعی اب ۷ ح ۲۹ ص ۱۲۷، تاریخ بغداد ج ۱ ص ۳۱۶
 - ۴- ۴. روح المعانی ج ۲۲ ص ۳۱، کفایه الطالب باب ۶۲ ص ۴۰۹ ح ۲۰۸، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۰۷، فرائد السمطین ج ۱ ص ۲۹۷؛ فردوس الاخبار ج ۲ ص ۲۱۰، حق علی، علی المسلمین کحق الوالد علی ولده _ مناقب ابن مغزلی ص ۹۴ ح ۷۰، لسان المیزان ابن حجر ج ۴ ص ۳۹۹، میزان الاعتدال ذهبی ج ۲ ص ۳۱۳، کنوز الحقائق منادی ص ۶۹، ینابیع الموده ج ۴ ص ۳۶۹
 - ۵- ۵. ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۶۹ و ج ۲ ص ۲۳۸ و ح ۲ ص ۷۶ و ج ۱ ص ۳۷۰

را اطاعت می کنند _ نبی اکرم فرمود: در شب معراج، خداوند به من فرمود: همانا علی امام اولیاء من و نور جمیع کسانی است که مرا اطاعت می کنند

ان رب العالمین عهد الی عهداً فی علی ابن ابی طالب، انه رایه الهدی و منار الایمان و امام اولیائی و نور جمیع من اطاعتی (۱)

از جمله آیاتی که در قرآن اشاره دارد، مقام، درجه و رتبه، مولا علی، از تمام موجودات و خلائق و انبیاء غیر از رسول اسلام، افضل و بالاتر است؛ آیه ۲۷ سوره مبارکه روم است،

وله المثل الاعلی فی السموات و الارض،

نبی اکرم به مولا علی فرمود: ای علی تو مثل اعلاء و برتر در آسمان و زمین هستی

و انت الصراط المستقیم و انت المثل الاعلی (۲)

مولا علی فرمود: من مثل اعلی هستم،

انا الحجبه العظمی و الایه الکبری و المثل الاعلی، (۳)

مثل به معنای، مانند، صفت، شبیه، نظیر، حجت و نمونه است، خداوند متعال، ائمه هدی و ۱۴ معصوم را از جهت دارا بودن مقام رفیع انسانیت و تمام مراتب فضائل و کمالات نفسانیه و صفات عالی از دیگران ممتاز کرده و آنها را برترین نمونه ی خلقت برای بشریت قرار داده است و چون از هر جهت نمونه هستند به عنوان مثل اعلا ی تجسم سنت از رب هستند،

فحنن کلمه التقوی و سبیل الهدی و المثل الاعلی (۴)

یکی دیگر از فضائل بی نظیر حضرات چهارده معصوم بر انبیاء و مومنین آیه ۱۸۹ سوره بقره است، قرآن کریم در این آیه می فرماید: نیکی آن نیست که از دیوار به

ص: ۳۱۸

۱-۱. کفایه الطالب ص ۳۲۸، مناقب ابن مغزلی ص ۹۷، مناقب خوارزمی منقب ۳۱۲، ینایع الموده ج ۲ ص ۴۸۵ و ج ۱ ص ۳۹۷ و ج ۱ ص ۲۳۸، حلیاً الاولیا ج ۱ ص ۶۶، ینایع الموده ج ۱ ص ۴۰۱، مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۱۸۵، ارجح المطالب ص

۲۹ _ تاریخ بغداد ج ۱۴ ص ۱۰۲ تاریخ دمشق ج ۴۷ ص ۲۹۱ و ص ۳۳۰ و ص ۲۷۰

۲-۲. عیون الاخبار الرضا، شیخ صدوق ج ۱ ص ۹،

۳-۳. امالی صدوق ج ۱ ص ۹۲

۴-۴. بحار الانوار ۳۹ ص ۳۵۱ و ج ۲۶ ص ۲۴۴ ج ۱۶ ص ۳۷۶

منزل وارد شد بلکه آن است از درها به خانه ها وارد شد، مولا- علی در تفسیر این آیه فرمود: ما آن خانه هایی هستیم که خداوند دستور داده از درب بسوی آن خانه وارد شد و ما اهل بیت درب خانه خدا هستیم و هر کس اقرار به امامت ما کند به باب و خانه خدا، وارد شده و هر کس تخلف کند از ما از خداوند دور شده، تمام خلائق و انبیا و مومنین باید از باب ولایت و مودت عبور کنند تا به خدا برسند که انبیاء الهی و مومنین واقعی از این درب عبور کردند که پیامبر شدند و جزء مومنین واقعی پذیرفته شدند، (۱)

نحن البیوت التي امر الله ان توتی من ابوابها، نحن باب الله و بیوته التي یوتی منه فمن بايعنا و اقربولایتنا فقد اتی البیوت من ابوابها، (۲)

از جمله فضائل بی نظیر و بی مانند اهل بیت و چهارده معصوم علیهم السلام، آیه ۶۸ سوره زمر می باشد قرآن کریم در این آیه شریفه می فرماید: روزی که در نفخه و صور و شیپور (اماته) جناب اسرافیل می دمدم تمام خلائق که در آسمان و زمین هستند از بین می روند و هلاک می شوند الا کسانی که خدا بخواهد و آنها به امر خدا، نابود و هلاک نمی شوند، { و نفخ فی الصور فصعق من فی السموات و من فی الارض الا من شاء الله }

از امام صادق علیه السلام سوال شد راجع به آیه ۸۸ سوره قصص که می فرماید: تمام موجودات هلاک و نابود می شوند الا وجهه و صورت پروردگار، و در آیه ۲۶ سوره الرحمن هم خداوند می فرماید: تمام موجودات فانی می شوند و باقی می ماند، صورت خداوند، امام صادق علیه السلام در ذیل تفسیر آیه ۸۸ سوره قصص فرمود: ما وجه و صورت خدا هستیم یعنی (صورت دین خدا) چون خداوند جسم و شکل نیست و صورت و قیافه ندارد و مبرا و پاک از تشبیه به جسم و مخلوقات هست، امام صادق علیه السلام فرمود: ما هرگز روز قیامت هلاک و نابود نمی شویم (بعد از نفخه احیا)

نحن و الله وجهه الذی قال و لن یهلك یوم القیامه (۳)

ص: ۳۱۹

۱- ۱. بحار الانوار ج ۲۴ ص ۲۴۸

۲- ۲. بحار ج ۴۰ ص ۲۰۵ و ج ۲۵ ص ۳۸۴ و ج ۲۶ ص ۲۴۶

۳- ۳. بحار الانوار ج ۲۴ ص ۲۰۰ ح ۳۰ بحار ج ۴ ص ۵، بحار ج ۲۴ ص ۱۹۳

امام صادق فرمود: خداوند بزرگتر از این است که بگوئیم صورت دارد مقصود از وجه و صورت در این آیه و آیات مشابه این است که هر چیزی نابود می شود مگر دین خدا،

ان الله عزوجل اعظم من ان یوصف بالوجه و لکن معناه کل شیء هالک الا دینه، (۲)

دیگر فرمود: منظور از دین خدا، نبی اکرم و امیرمومنان علی هستند، آنان وجه او و چشم او در میان بندگانش هستند... امام صادق فرمود: ما وجه خدا هستیم که باید از جانب ما به خدا نزدیک شد

و کان رسول الله و امیرالمومنین دین الله و وجه و عینه فی عبادہ ... و نحن الله الذی یوتی منه لن نزال فی عبادہ ... (۳)

و وجهه الذی یوتی منه و بابه الذی یدل علیه،

یکی دیگر از فضائل بسیار درخشان و بی نظیر و بی مانند مولا- علی که به سبب آن از تمام خلائق و پیامبران، غیر از رسول اسلام، افضل و بالاتر، نشان می دهد، آیه ۱۲ سوره مبارکه حاقه است، و تعیها اذن و اعیه، در تفسیر این آمده که روزی نبی اکرم به مولا- علی فرمود: یا علی، خداوند به من امر کرده تا تو را نزدیک کنم و دور نگردانم و تو را بیاموزم و تو یادگیری و بر خدا واجب است که تو یادگیری یعنی به تو، توفیق عطاء کند تا حفظ کنی، پس از سخنان نبی اسلام، جبرئیل نازل شد و آیه مذکور، را بر پیامبر اسلام نازل کرد، خداوند در این آیه شریفه می فرماید، گوش علی ابن ابی طالب، گوش گیرا و ضبط کننده و شنوای اسرار الهی و اسرار نبوی است، و هیچ گوش و سمعی همانند مولا علی، در طول تاریخ بشریت و در میان پیامبران گذشته نبوده و نیست، که تمام اسرار علوم نبوی را حفظ کند و خداوند با او نجوا و مناجات خصوصی داشته باشد،

ص: ۳۲۰

۱- ۱. توحید _ شیخ صدوق باب ۱۲ ص ۲۰۹

۲- ۲. توحید صدوق باب ۱۲ ح ۱ ص ۲۰۸،؟؟؟

۳- ۳. توحید صدوق ص ۲۱۰ باب ۱۲ ح ۷

سألت ربي ان يجعلها اذن علي(١)

ان الله امرني ان اعينك ان ادينك و لا اقصيك و ان اعلمك و ان تعي و حق علي الله ان تعي قال و نزلت (فنزلت): و تعيها اذن واعيه، ... يا علي ان الله امرني ادنيك و اعلمك لتعي و انزلت هذه الايه و تعيها اذن و اعيه: فان اذن واعيه لعلمي، ... و في شرح المواقف قوله تعالى (و تعيها اذن و اعيه اي حافظه، اكثر المفسرين علي انه علي عليه السلام ... در غزوه طائف نبي اكرم در گوش با مولا علي، صحبت طولاني نمود تا حدی که یکی از اصحاب گفت امروز چقدر با پسر عمویش علی، حرف می زند آنهم در گوشی، نبي اكرم از اعتراض حرف این صحابی آگاه شد فرمود: من با او نجوا نکردم در حقیقت، خداوند با او نجوا کرد

اما اني ما انتجيته ولكن الله انتجاه _ (٢)

ما انا ناجيته ولكن الله ناجاه، ما انا انتجيته و لكن الله انتجاه،

از جمله فضائل بی نظیر مولا علی و ائمه هدی این است که در قیامت با هم در یک مکان و با هم وارد بهشت می شوند و در بهشت هم با هم می باشند

ان اول من يدخل الجنة انا و فاطمه و الحسن و الحسين (٣) في الجنة درجه تدعى الوسيله، قالوا يا رسول الله من يسكن معك فيها، قال: علي و فاطمه و الحسن و الحسين (٤)

مولا علی فرمود: منزل و کاشانه، رسول اكرم در بهشت عدن که در وسط بهشت ها قرار دارد می باشد و بهشت عدن بالاترین، درجات و طبقات بهشت است و نزدیک به عرش خداوند و در این بهشت عدن که بالاترین طبقه بهشت هست ۱۲ امام معصوم

ص: ۳۲۱

۱- ۱. تفسیر ابن کثیر ج ۴۸ ص ۴۴۱، تفسیر قرطبی، ج ۱۸ ص ۲۶۴ تفسیر درالمنثور ج ۶ ص ۲۶۰، فرائد السمطين ج ۱ ص ۱۹۹، سبل الهدی و الرشاد ج ۱۱ ص ۲۸۹، ینابيع الموده ج ۱ ص ۳۶۰ اسباب النزول ص ۲۹۴، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۶۱، جامع البيان طبری ج ۲۹ ص ۶۹، کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۷۷، شواهد التنزیل ج ۲ ص ۳۷۷، تفسیر کبیر رازی ج ۸ ص ۲۸۲، تفسیر کشاف ج ۴ ص ۴۸۱، المعیار و الموازنه اسکافی ص ۳۱۴، شرح نهج البلاغه ج ۱۸ ص ۳۷۵، کفایه الطالب ص ۱۱۱، سمط النجوم ج ۲ ص ۵۰۴، انساب الاشراف ص ۳۱۹، تفسیر روح المعانی ج ۲۹ ص ۴۳، مناقب ابن مغزالی ص ۳۱۸، نورالابصار ص ۱۰۵، تفسیر ابن ابی حاتم ج ۱۰ ص ۳۳۶۹، تفسیر ثعلبی ج ۱۰ ص ۲۸

۲- ۲. مشکاه المصابیح ج ۳ ص ۱۷۲۱، المعجم الکبیر ج ۲ ص ۱۸۶، مناقب خوارزمی ح ۱۵۵، مناقب ابن مغزالی ح ۱۶۲، کفایه الطالب باب ۹۲، ینابيع الموده ج ۱ ص ۳۸۱ باب ۱۰، شرح نهج البلاغه ج ۲ ص ۴۵۱، اسدالغابه ج ۴ ص ۱۰۷، ذخائر العقبی ص ۸۹، الرياض النضره ج ۲ ص ۲۶۵، البدايه و النهايه ابن کثیر ج ۷ ص ۳۵۶، تاریخ بغداد ج ۷ ص ۴۰۲

۳- ۳. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۶۴ ح ۴۷۲۳

٧٩٢-٢١٧ ح ١ ص ٣-٤. تفسير ابن كثير ج ٣ ص ٩٨، انى و اياك و هذا الراقد فى مكان واحد يوم القيامة _ مسند احمد ج ١ ص ٢١٧ ح ٧٩٢

با نبی اسلام، هم مسکن و هم درجه می باشند که اولین از این دوازده امام من هستم و آخرین (یعنی دوازدهمین امام) هم حضرت مهدی است

ینزل محمد صلی الله علیه و آله و سلم فی جنه عدن و هی وسط الجنان و اعلاها و اقربها من عرش الرحمن ... قال علی: والذی یسکن معه فی الجنه هولاء الاثنا عشر، اولهم انا و آخرنا القائم المهدی (۱)

یکی دیگر از آیات کریمه قرآن که اشاره به یکی دیگر از فضائل و برتری بی نظیر مولا-علی و ائمه طاهرین بر انبیا و خلائق دارد، آیه ۱۸۰ سوره اعراف است، والله الاسماء الحسنی فادعوه بها، برای خداوند، نام های نیکو است، خداوند را به آن نام ها بخوانید، امام صادق علیه السلام در تفسیر و تشریح این آیه شریفه فرمود: بخدا قسم، ما آن اسماء حسناى الهی هستیم، که بدون معرفت ما، عبادت هیچ کس، پذیرفته نمی شود، بنابراین خدا را با اسمای حسناىش بخوانید

نحن والله، الاسماء الحسنی الذی لایقبل من احد طاعه الا بمعرفتنا قال: فادعوه بها، (۲)

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: هر گاه دچار گرفتاری و ناراحتی زیاد شدید، با واسطه قرار دادن ما، خدا را بخوانید چنانکه، خداوند در قرآن می فرماید: خدا را با نام های نیکویش بخوانید

اذا نزلت بکم شدید، فاستعینوا بنا علی الله عزوجل و هو قوله: والله الاسماء فادعوه بها؛

مولا علی فرمود: من نام نیکوی خداوند هستم که امر فرموده مرا با آن نام های نیکو بخوانید:

انا الاسماء الحسنی التی امران یدعی بها، _ انا الاسماء الحسنی و الکلمات العلیا _ (۳)

ممکن است وهابی ها بگویند خداوند متعال در سوره حشر آیه ۲۲ الی ۲۴ اسماء و

ص: ۳۲۲

۱- ۱. ینابیع الموده، خواجه قندوزی حنفی ج ۳ ص ۲۸۶ ح ۳، گروه رستگاران (فرقه ناجیه)، آیه الله سید محمد سلطان الواعظین شیرازی ج ۲ ص ۱۶۶۴ پرتوی از امامت در قرآن و سنت (نوشته مداح ابن مالک) ص ۹۹ حدیقه الشیعہ، مقدس اردبیلی ص ۴۸۲،

۲- ۲. تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۴۲ ح ۱۱۹،

۳- ۳. مشارق الانوار الیقین، حافظ رجب برسی حلی ص ۵۰۷ و ص ۵۴۶، بحار الانوار ج ۳۹ ح ۲۰

نام های نیکوی خود را ذکر کرده که مختص به ذات اوست، یا در آیه ۱۱۰ سوره اسراء می فرماید: بگو خدا (الله) را بخوانید یا رحمن را هر کدام را بخوانید برای اوست اسم ها و نام های نیکو، پس طبق این تفسیر شما شیعیان ۱۲ امامی در ذیل آیه ۱۸۰ سوره اعراف، مشرک و کافر هستید، چون چهارده معصوم را خدا و جزء اسماء الحسنی قلمداد کرده اید؟! قابل ذکر است، یعنی چهارده معصوم آیت الله و نشانه قدرت خدا و علامت دین خدا هستند، و در روایت گذشته خصوصاً در توبه حضرت آدم و توسل انبیاء الهی همانند نوح، ابراهیم، موسی، ... اشاره شد، که متوسل به اهل بیت و چهارده معصوم می شدند چون آنها کلمات الله و اسما حسنی الهی هستند، یعنی نشانه دین خدا هستند (۱).

نحن الاسم المخزون المکنون، نحن الاسماء الحسنی التي اذا سئل الله عزوجل بها اجاب، نحن الاسماء المكتوبه على العرش _ (۲) _ واشتق لكل واحد منهم اسماء من اسمائه المنزله فهو الحمید و سمانی محمدا و هو الاعلی و سمي امیرالمومنین علیا، و له الاسماء الحسنی ...

نبی اکرم به جابر فرمود: هر گاه اراده کردی خدا را بخوانی و تو را اجابت کند اسما علی و فاطمه و حسن و حسین را بخوان زیرا، نام و اسما آنها، نزد خدا، بهترین نام ها و اسما نیکو هست _

یا جابر اذا، اردت ان تدعوا لله، فيستجيب لك فادعه باسمائهم فانها احب الاسماء الى الله عزوجل (۳).

به همین مقدار، در باب آیات و روایات کلیدی در موضوع دلیل افضلیت و برتری حضرات چهارده معصوم علیهم السلام بر پیامبران بسنده و اکتفاء می کنم و مطالب آخر کتاب را، اختصاص می دهم به پاسخ شبهاتی که جناب وهابی اموی مسلک در باب بعضی از فضائل مولا علی، که برایش قرائت کردم و با مغلظه عبث و واهی آنرا، رد کرد، اولاً

ص: ۳۲۳

-
- ۱- ۱. بهشت جاودان (تفسیر سوره الرحمن) آیت الله دستغیب شیرازی ص ۳۶۷ _ الاختصاص شیخ مفید ص ۲۲۳، تفسیر جامع ج ۲ ص ۴۸۹، تفسیر المیزان ج ۸ ص ۴۴۷ اصول کافی ج ۱ ص ۱۴۳، بحار الانوار ج ۹۴ ص ۶
 - ۲- ۲. بحار الانوار ج ۲۷ ص ۳۸، بحار ج ۳۷ ص ۶۳
 - ۳- ۳. البحار مجلسی ج ۶ ص ۷۸۴ و ج ۹۴ ص ۲۱ ح ۱۶ و ج ۳۷ ص ۷۷، تفسیر البرهان ج ۲ ص ۵۲، تفسیر صافی ج ۱ ص ۶۲۸

بدانیم که رسول اکرم فرمود: ای علی، خداوند متعال را نشناخت به جز من و تو، و ای علی، کسی مقام والای تو را نشناخت
آنگونه که حق شناخت توست، جز خداوند متعال و من

یا علی ما عرف الله حق معرفته غیری و غیرک و ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیری _ (۱) یا علی لا یعرف الله تعالی الا انا و
انت و لا یعرفنی الا الله و انت و لا یعرفک الا الله و انا، (۲) _ ما عرفک یا علی حق معرفتک الا الله و انا (۳)

حال پاسخ دهم بلطف حق تعالی به شبهاتی که وهابیون ناصبی علیه بعضی از فضائل بی نظیر، مولا علی و حضرات ائمه هدی
که برای آنان قرائت کردم، از جمله فضائل و خصائص بی نظیر، مولا علی علیه السلام، که برای وهابیون رسانه ای خواندم و با
تمسخر آنرا رد کردند تفسیر آیه ۱۰۹، سوره کهف بود، قل لو کان البحر مدداً لکلمات ربی لنفذ البحر قبل ان تنفذ کلمات
ربی و لو جئنا بمثله مدداً، بگو، اگر دریا برای نوشتن کلمات پروردگارم، مرکب شود، پیش از آنکه، کلمات پروردگارم،
پایان پذیرد، فقط دریا، پایان می یابد، هر چند نظیرش را به مدد آن بیاوریم، در اخبار شیعه و سنی از ائمه هدی و رسول اکرم
روایت شده، منظور از کلمات خدا، چهارده معصوم علیهم السلام هستند، امام صادق علیه السلام فرمود: ما کلمات خدا هستیم
که پایان نمی پذیرند و فضیلت های، ما درک نمی شوند،

نحن کلمات الله التي لا تنفذ و لا تدرک فضائلنا (۴)

ابن عباس از نبی اکرم نقل فرموده که ایشان خطاب به علی علیه السلام فرمود: اگر درختان عالم تبدیل به قلم و مداد شوند،
دریاها، تبدیل به مرکب گردند، جن و انس کاتب و نویسندگانی شوند، نمی توانند تمام فضائل و مناقب، تو را، احصا و شمارش
کنند لو ان

ص: ۳۲۴

۱-۱. مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۶۰، روضه المتقین، مجلسی (محمد تقی) ج ۱۳ ص ۲۷۳ _

۲-۲. ارشاد القلوب مرحوم دیلمی ج ۲ ص ۱۰

۳-۳. بحار الانوار ج ۳۹ ص ۸۴

۴-۴. تحف العقول ج ۱ ص ۴۷۹، الاختصاص ص ۹۴، احتجاج ج ۲ ص ۴۹۹، المناقب ابن شهر آشوب ج ۴ ص ۴۰۴، تاویل
الایات الظاهره ج ۱ ص ۴۴۰، بحار الانوار ج ۲۴ ص ۱۷۴ ح ۱، اهل بیت در قرآن و حدیث ص ۴۰۲ ح ۴۱۷ فصل دوم (ویژگی
جامع ایشان) محمدی ری شهری، بحار الانوار ج ۴ ص ۱۵۱ ح ۳ و ج ۱۰ ص ۳۸۹ و ج ۲۴ ص ۱۷۴ و ج ۵۰ ص ۱۶۶

الشجر اقلام و البحور مداد و الانس و الجن كتاب و حساب ما احصوا فضائل اميرالمومنين علي (1)

لو ان البحر مداد و الغياض اقلام و الانس كتاب و الجن حساب ما احصوا فضائلك يا اباالحسن (2) _ عن عمر بن الخطاب، لو ان البحر مداد و الرياض اقلام و الانس كتاب و الجن حساب ما احصوا فضائلك يا اباالحسن، (3) ولو كانت البحار مدادا، و الاشجار اقلاما و السموات صحافا و الانس و الجن كتابا، لنفذ المداد و قلت الصحف و كلت الاقلام، لم يكتبوا عشر معاشر فضائل علي ابن ابي طالب،

نبي اكرم در حديث جالب ديگر فرمود: اگر دريا ها، مركب شوند و درختان مداد گردند و آسمانها كاغذ شوند و جن و انس شمارش نمايند تمام آنها تمام می شود ولی نمی تواند يك دهم، فضائل تو را، ای علی شمارش نمايند (4)

لو ان الغياض اقلام و البحر مداد و الجن حساب و الانس كتاب، ما احصوا فضائل علي ابن ابي طالب (5)

عمر ابن الخطاب می گوید: هيچ کس همانند علي بن ابي طالب فضائل کسب نکرده _ ما اکتسب مکتسب مثل فضل علي، (6) نبي اكرم فرمود: خداوند برای برادرم، علي فضائلی قرار داده که قابل شمارش و اندازه گیری نمی باشد

ان الله جعل لآخي، علي، فضائل لا تحصى (7)

ابن عساکر در تاريخ دمشق ج 42 ص 14 می نویسد: فضائل علي ابن ابي طالب، آنقدر زياد و فراوان است که قابل شمارش و اندازه گیری نیست

و فضائله اکثر من ان تحصى، (8)

ص: 325

-
- 1- تذکره الخواص سبط بن جوزی حنفی ص 13 باب 2، مناقب اخطاب خوارزمی حنفی ص 32
 - 2- 2، ینایع الموده قندوزی حنفی ج 1 ص 364 ح 5 موده القربی، میرسید علی همدانی شافعی موده 5
 - 3- 3. کفایه الطالب، گنجی شافعی ص 251 باب 62،
 - 4- 4. اثنا عشر ج 8 ص 131، غایه المرام ج 5 ص 149
 - 5- 5. کفایه الطالب ح 191 ص 390 باب 62؛ فضال الخمسه ج 1 ص 167؛
 - 6- 6. ریاض النضره، (طبری ج 2 ص 214)
 - 7- 7. میزان الاعتدال ذهبی ج 3 ص 467، لسان المیزان ابن حجر ج 5 ص 62 مناقب خوارزمی ج 1 ص 32 ح 2، ینایع الموده قندوزی ج 1 ص 364، تذکره الخواص باب 2 ص 23
 - 8- 8. تاریخ بغداد ج 1 ص 143

خطیب بغدادی می نویسد: مناقب علی مشهور و معروف می باشد که بخواهیم یادآوری کنیم و فضائلش قابل شمارش و نوشتن از زیادی و کثرت نیست از بس فضیلت زیاد دارد که نمی توان گفت و نوشت _ و مناقبه اشهر من ان تذکر و فضائله اکثر من ان تحصر، عایشه، همسر نبی اسلام می گوید: کثرت و زیادی فضائل علی ابن ابی طالب، قابل شمارش و قابل حساب و اندازه دقیق نیست

ما احدثک و هی اکثر من ان تحصی،^(۱)

آنچه از تفاسیر شیعه و برخی از منابع روایی اهل سنت بر می آید منظور، کلمه و کلمات در قرآن کریم، اسامی و نام ائمه هدی، ولایت و امامت، ایمان بخدا، توحید و کلمه طیبه لا اله الا الله، خمسه طیبه (۵ تن آل عبا) فضائل و علم ائمه هدی، فضائل مولا علی، تقدیرات الهی و عمل صالح می باشد برای اطلاع بیشتر، عزیزان خواننده به کتاب شریف حیاة القلوب مرحوم علامه مجلسی (کتاب سوم، تاریخ ائمه اطهار) فصل ۳۶ ص ۱۶۷۷، مراجعه فرمائید، ممکن است، وهابی ها بگویند نمی شود که چهارده معصوم، کلمه الله باشند، ما می گوئیم، خداوند، انسان کاملی همانند حضرت عیسی علیه السلام را در قرآن، کلمه الله، خوانده، پس اهل بیت (۱۴ معصوم) چون مقامشان بالاتر از عیسی است حتماً کلمه الله هستند آن هم کلمه الهی که خداوند در آیه آخر، سوره کهف، از آنان تمجید و تعریف کرده است

{انما المسيح عیسی بن مریم، رسول الله و کلمته} _ سوره نساء آیه ۱۷۱، سوره آل عمران آیه ۴۵ _ {ان الله یبشرک بکلمه منه اسمه المسيح، }

منظور، کلمات الله در آیه ۱۰۹ سوره کهف، علم خدا نیست چون علم خداوند، محدود نیست، قرآن هم نیست، چون قرآن در چند صفحه جا شده تفاسیر قرآن هم نیست چون در چند صد هزار صفحه جا شده، اگر فرضاً حقائق و مکونات قرآن باشد، باز در سینه و لوح دل، امام معصوم من عندالله می باشد _ {و کل شی احصیناه فی امام مبین} (سوره یس آیه ۱۲) _ (سوره عنکبوت آیه ۴۹، {بل هو ایات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم،} سوره رعد آیه ۴۳، وعنده علم الکتاب، در منابع روایی اهل

ص: ۳۲۶

۱- ۱. زین الفتی ج ۲ ص ۲۷۴، شواهد التنزیل حسانی ج ۱ ص ۳۱، فرائد السمطین، ج ۱ ص ۳۶۴، کنزالفوائد ص ۱۲۹،

سنت و شیعه، اشاره شد، که مولا علی، کلمه الله است، یعنی کلمه ای است (یعنی انسان کامل و امامی معصوم) که متقین ملزم به آن شده اند که مطیع او باشند

و هو الکلمه التي الزمته المتقيمن (۱)

و الزمهم کلمه التقوی قال: هی ولایه امیرالمومنین (۲)

قال علی: ... انالعره الوثقی و کلمه التقوی (۳)، ابوظفیل گفت: بعضی از صحابه پیامبر می گفتند: برای علی ابن ابی طالب، فضائل و سوابقی بود که اگر یکی از آنها را میان مردم تقسیم می کردند از لحاظ خیر، همه آنها را فرا می گرفت

لقد کان لعلی بن ابی طالب من السوابق مالو ان سابقه منها قسمت بین الخلائق لا وسعتهم خیرا،

ابن عباس گفت: برای علی ابن ابی طالب، سابقه هایی بود که اگر یکی از آنها میان خلائق تقسیم می شد همه آنها را فرا می گرفت

لقد سبقت لعلی من السوابق مالو ان واحده منها قسمت بین جمیع الخلائق لا وسعتهم خیرا_ (۴)، لقد سبق لعلی بن ابی طالب من المناقب مالوان واحده منها قسمت بین الخلق وسعتهم خیرا (۵)

جناب وهابی این آیه ۱۰۹ سوره کهف و تفاسیر در ذیلش هیچ جای تعجیبی ندارد چون مولا علی، خودش و زندگی اش را بطور کامل در راه خداوند وقف کرده، خداوند به او، فضال و ثواب سرشار و عظیم عنایت می کند، خداوند در قرآن آیه ۳۷ سوره آل عمران می فرماید: ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب، خداوند به هر کس بخواهد، روزی بی اندازه و بی حساب می دهد و روزی خداوند، محدود به نعمت های مادی تنها نمی شود؛ در آیه ۱۰ سوره زمر می فرماید:

ص: ۳۲۷

۱-۱. المناقب اخطب خوارزمی حنفی، فرائد السمطین ج ۱ ص ۲۴۴، ینایع الموده ج ۱ ص ۲۳۴ و ج ۱ ص ۴۰۱ و ج ۱ ص ۲۳۸ و ج ۲ ص ۴۸۵، حلیه الاولیاء ابونعیم ج ۱ ص ۶۷، تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۲۹۱ و ج ۴۲ ص ۲۷۰، بحار الانوار ج ۴۰ ص ۴۹ و ج ۳۶ ص ۵۶ و ج ۲۴ ص ۱۸۱

۲-۲. بحار ج ۳۶ ص ۵۵

۳-۳. بحار الانوار ج ۳۹ ص ۲۳۵، مناقب ابن مغزلی شافعی ج ۱ ص ۹۶ مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۱۸۵، ارجح المطالب ص ۲۹

۴-۴. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۱۰ و ح ۱۱ ص ۱۵

۵-۵. تاریخ دمشق ج ۳ ص ۸۲ شواهد التنزیل ص ۱۴ ح ۶

، خداوند به اهل صبر، بی اندازه، اجر و ثواب می دهد، و مولا علی در تمام ابعاد زندگی مقدسش، صبر در راه خدا داشته است خداوند در سوره نحل آیه ۱۸ می فرماید: وان تعدوا نعمت الله لاتحصوها، چنانچه بخواهید، نعمت های خدا را شمارش کنید، نمی توانید و نعمت معنوی و حقیقی خداوند، نعمت ولایت و امامت ائمه هدی است که در تفاسیر شیعه و سنی و آیات کریمه قرآن، ذکر شده، امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود: بخدا قسم، نعمت خدا، که بوسیله آن بندگان را مورد لطف خود قرار داده مائیم نحن والله نعمه الله التي انعم بها علی عباده (۱)

مولا علی در خطبه ای فرمود: آن نعمتی که خداوند بر بندگان خود، ارزانی داشته ماییم، _ نحنه النعمه التي انعم الله بها علی عباده _ (۲) امام صادق در ذیل تفسیر آیه ۸ سوره تکاثر فرمود: نعمت ها ما هستیم که فردای قیامت، خداوند از شما درباره آن سوال و مواخذه می کند

عن جعفر بن محمد فی قوله تعالى: لتسألن يومئذ عن النعيم قال: نحن النعيم (۳)

عن ابی حفص الصائغ عمر بن راشد عن جعفر بن محمد فی قوله عزوجل: ثم لتسألن يومئذ عن النعيم، قال: عن ولایه علی ابن ابی طالب (۴)، ما نزل من القرآن فی علی، ابونعیم اصفهانی (۵)

نبی اکرم فرمود: فردای قیامت بنده ای قدم از قدم بر نمی دارد تا اینکه ۴ سوال از ۴ نعمت از او بشود، اول، عمرت را در چه راهی فنا کردی، دوم: جوانی ات را در چه چیزی فرسوده کردی سوم: مالت را از کجا بدست آوردی و در کدام راه خرج کردی و چهارم: از دوستی و محبت ما، اهل بیت از شما سوال می شود

ص: ۳۲۸

۱- ۱. تفسیر صافی ج ۳ ص ۱۴۹

۲- ۲. الکافی ج ۱ ص ۲۱۷،

۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۳۹۹ ح ۱۱۵۰

۴- ۴. ینایع الموده قندوزی ج ۱ ص ۳۳۲ ح ۶ باب ۳۷

۵- ۵. با استفاده از النور المشتعل ص ۲۸۵ ح ۷۹، عیون الاخبار الرضا ج ۲ باب ۳۵، تفسیر البرهان ج ۸ ص ۳۷۵، تفسیر نورالثقلین ج ۸ ص ۳۰۷ _ ولكن النعيم حينا اهل البيت و مولاتنا يسأل الله عباده عنه بعد التوحيد و النبوه، امالی طوسی ص ۲۷۲ مناقب آل

ابی طالب ج ۴ ص ۳۰۸، تاویل الايات الظاهره ج ۲ ص ۵۸۱، حياه القلوب مجلسی ج ۲ ص ۱۶۲۷

إذا كان يوم القيامة لم تزل قدما عبد حتى يسأل عن اربع ... و عن حبنا اهل البيت (۱)

والذی نفسی بیده لایزول قدم عبد عن قدم یوم القیامه حتی یسأل الله، عن عمره فیما افناه ... و عن حبنا اهل البيت (۲)

در حدیث است که بعد از خداوند بزرگتر و بالاتر از قرآن، در عالم موجودی نیست و سوره حمد مطابق با کل قرآن است و این سوره مخصوص اهل بیت رسالت است در آنجا که می فرماید: خدایا ما را به راه مستقیم هدایت کن، صراط مستقیم، صراط محمد و آل محمد است و صراط کسانی که به آنان نعمت داده شد که منظور، نعمت عظیم خداوند است و آن هم نعمت محبت و امامت ائمه هدی است. ج ۱ ص ۱۳۷ احتجاج طبرسی

معاشر الناس: انا صراط الله المستقیم الذی امرکم باتباعه ثم علی من بعدی ثم ولدی من صلبه ائمه یتهدون بالحق ... ثم قرء الحمد لله رب العالمین الی آخر ما و قال: فی نزلت و فیهم نزلت _

خلاصه، جناب وهابی اموی مسلک، تفسیر آیه ۱۰۹ سوره کهف و تفاسیر مربوطه ذیل آن، هیچ جای شگفتی برای تو نباید داشته باشد، چون ائمه هدی، نعمت الله هستند آن هم نعمتی که نمی توان آنرا حساب و اندازه گیری کرد که به آیه ۱۸ سوره نحل در این مورد اشاره شد، در ضمن یک روایتی اهل سنت در مورد مناقب، خلیفه دوم، عمر ابن الخطاب نقل کرده اند که شما جناب وهابی اگر ایراد و اشکال می خواهی بگیری به فضائل مولا علی به این روایت که در باب فضیلت خلیفه دوم، عمر ابن الخطاب هم آمده باید، ایراد وارد کنی؟! اهل سنت از عمار یاسر نقل کرده اند و ایشان از نبی اسلام نقل فرموده که فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت: ای رسول خدا، اگر کسی به اندازه مکث و تبلیغ حضرت نوح در میان قومش، فضائل و مناقب عمر ابن الخطاب را بگوید، باز فضائل عمر ابن الخطاب به اتمام نمی رسد و عمر ابن الخطاب، حسنه ای از حسنات ابوبکر است

ص: ۳۲۹

۱- ۱. معجم الکبیر طبرانی ج ۱۱ ص ۸۳ ح ۱۱۱۷۷، مجمع الزوائد ج ۱۰ ص ۳۴۶ فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۰۱، مناقب ابن مغزلی ح ۱۵۷ مناقب خوارزمی ح ۵۹ _ کفایاً الطالب ص ۳۲۴ باب ۹۱، جواهر العقدين ج ۲ ص ۲۴۶، سنن الترمذی ج ۴ ص ۴۶ ح ۲۵۳۲،

۲- ۲. ینابیع الموده ج ۲ باب ۳۷ ص ۱۹۴ الی ص ۲۱۱،

یا محمد لو حدثتک بفضائل عُمَر منذما لبث نوح فی قومه، الف سنه الاخمسين عاماً ما نفدت فضائل عمر و ان عمر لحسنه من حسنات ابی بکر (۱)

— یکی از فضائل بی نظیر، مولا علی علیه السلام که خواندم برای جناب وهابی و شبهاتی علیه آنرا مطرح کرد، آیه شراء (آیه ۲۰۷) سوره مبارکه بقره است، اما شبهات جناب وهابی درباره این آیه شریفه که در فضیلت بی سابقه و بی نظیر مولا علی نازل شده است، اول: معلوم و ثابت نیست این آیه درباره علی ابن ابی طالب نازل شده باشد، اما جواب: بعضی از علمای منصف و شهیر و موثق اهل سنت، اعتقاد دارند آیه ۲۰۷ سوره بقره درباره مولا علی نازل شده است (۲)

ص: ۳۳۰

۱- ۱. اخرجه ابویعلی و الطبرانی فی الکبیر و الاوسط، مسند ابی یعلی موصلی ح ۱۵۹۲، مسند الرویانی ح ۱۳۴۸، مطالب العالیه ابن حجر ح ۴۰۱۸؛ المقصد العلی فی زوائد ابی یعلی ح ۱۱۶۳، معجم الاوسط طبرانی ح ۱۵۹۹، جزء ابن عرفه ح ۳۳، الفوائد الشهیر، ابی بکر شافعی ح ۱۱۵، احادیث ابی محمد عبدالخالق بن احمد ح ۶، مجلس یوم الجمعہ ح ۱۱، امالی ابن منده ح ۱۸، الشریعه للاجری ح ۱۳۸۷، شرح مذاهب اهل السنه لابن شاهین ح ۱۳۱، مسیر السلف الصالحین، بن محمد الاصبهانی ح ۲۳، تاریخ دمشق ح ۲۹۸۷۶، فضال الصحابه احمد حنبل ح ۵۶۸، فضائل الخلفاء الراشدین ابی نعیم ح ۷۰، و (بنقل از سایت اسلام ویب وهابی ها)

۲- ۲. طبرانی در معجم الاوسط ج ۳ ص ۳۸۹ ح ۲۸۳۶، طبرانی در معجم الکبیر ج ۱۱ ص ۳۲۲، ابن اثیر در اسدالغابه ج ۴ ص ۲۵، ابن صباغ مالکی در فصول المهمه ج ۱ ص ۲۹۳، ثعلبی در الکشف والبیان ج ۲ ص ۱۲۵، نظام الدین نیشابوری در غرائب القرآن ج ۲ ص ۲۹۱، فخر رازی در التفسیر الکبیر ج ۵ ص ۲۰۴، سیوطی در الدر المنثور ج ۳ ص ۳۲۷ مناقب خوارزمی ص ۱۲۷ ح ۱۴۱، حموینی در فرائد السمطین ج ۱، ۳۳۰ گنجی در کفایه باب ۶۲ ص ۲۳۹، مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۳۴۸، تاریخ طبری ج ۲ ص ۱۰۰، سیره ابن هشام ج ۲ ص ۱۲۶، غزالی در احیاء العلوم ج ۳ ص ۳۷۹، ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ج ۱۳ ص ۲۶۲، تذکره الخواص ابن جوزی ص ۴۱ مستدرک حاکم ج ۳ ص ۵ ح ۴۲۶۳، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۱۲۳، فتح الباری ابن حجر ج ۷ ص ۲۳۶، المصنف صنعانی ح ۹۷۴۳، تاریخ بغداد ج ۱ ص ۱۹۱، تفسیر ابن کثیر ج ۲ ص ۲۶۳، البدایه و النهایه ج ۳ ص ۴۲۱ فتح القدر شوکانی ج ۲ ص ۳۰۴، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۶۷، نور الابصار ص ۱۷۵، اخبار البشرا بی الفداء ج ۱ ص ۱۲۶؛ کشف زمخشری ج ۲ ص ۲۰۸، معالم التنزیل بغوی ج ۲ ص ۲۴۴، تفسیر قرطبی ج ۳ ص ۲۱، جواهر المطالب دمشقی ج ۱ ص ۲۱۷، ینابیع الموده ج ۱ ص ۲۷۳، خصائص نسایی ح ۲۳ ص ۶۱، مسند ابی داود طیالسی ص ۳۶۰، بلاذری در ح ۴۱ از ترجمه امیرالمومنین، تفسیر طبری ج ۲ ص ۱۴۱، مواهب قسطلانی ص ۳۷۷، مخفی نماند؛ بعضی از مفسران و محدثان نامی اهل سنت؛ قضیه خوابیدن مولا علی در بستر نبی اکرم در شب هجرت ایشان از مکه به مدینه، در ذیل آیه ۳۰ سوره مبارکه انفال، نیز نقل کرده اند — تفسیر قرطبی ذیل آیه ۳۰ سوره انفال، ابن کثیر در تفسیرش ج ۴ ص ۴۴، تفسیر طبری ج ۱۳ ص ۴۹۷ و ص ۴۹۸ ح ۱۵۹۶۷ و ۱۵۹۶۸ تفسیر بغوی ج ۳ ص ۳۵۰، تفسیر فخر رازی ذیل آیه ۳۰ سوره انفال ص ۱۲۵، فتح القدر شوکانی ذیل آیه ۳۰ سوره انفال ص ۵۳۶، تفسیر آلوسی ج ۹ ص ۱۹۸، تفسیر در المنثور سیوطی ج ۹ ص ۹۵ الی ص ۱۰۲، تفسیر کشف ج ۲ ص ۵۷۶، تفسیر بیضاوی ذیل آیه ۳۰ سوره انفال، تفسیر نسفی ج ۱ ص ۳۰ ح ۶۴۱ و ص ۶۴۲، تفسیر ابن عطیه اندلسی ج ۴

ص ۱۷۲، تفسیر ابی السعود ج ۴ ص ۱۹، تفسیر زادالمسیر، ابوالفرج جوزی ج ۳ ص ۳۴۷، تفسیر قاسمی ص ۲۹۸۲ و ص ۲۹۸۳
به نقل از سایت اسلام ویب (متعلق به وهابیت)

و قد روى المفسرون كلهم ان قول الله تعالى: و من الناس من يشرى نفسه ابتغاء مرضات الله، انزلت في علي عليه السلام ليله المييت على الفراش؛ ... عن ابن عباس قال: بات على ليله خرج رسول الله الى المشركين على فراشه ليعمى على قريش و فيه نزلت هذه الايه و من الناس من يشرى نفسه ابتغاء مرضات الله؛ ... وقيل نزلت في علي عليه السلام حين تركه النبي على فراشه ليله خرج الى الغار...؛ قال ابن عباس: نزلت في علي ابن ابي طالب حين هرب النبي من المشركين الى الغار... و نام علي، على فراش النبي،

اما شبهات ديگر اين وهابي ناصبي درباره آيه ۲۰۷ سوره بقره که در شان مولا علي نازل شده است، اين آيه فضيلت علي را ثابت نمي کند خصوصاً بر پيامبران بغير از رسول اسلام، علي مي دانست چون کشته نمي شود جای پيامبر خوانيد به اين علت که خداوند و پيامبر به او ضمانت قطعي کرده بودند که کشته نمي شود و علي در حقيقت، خود را در بستر پيامبر، به مُردگی زد و نعوذ بالله نمايش بازي کرد، قبل از آنکه به شبهات و مغلظه های واهي اين وهابي کور از حقائق قرآن، پاسخ دهم، توهين وهابيت ناصبي درباره قضيه ي خواييدن مولا علي در بستر پيامبر اکرم، خدمت موافق و مخالف، ارائه بدهم که چگونه مي خواهند عمل و فضيلت بي نظير مولا- علي را، خفيف و بي ارزش، جلوه دهند، با اينکه خداوند متعال در آيه ۲۰۷ بقره از حضرت، با عظمت و شکوه، تجليل و تکریم نموده است، در چاپ جلد ۴ ص ۲۵ کتاب اسدالغابه ابن اثير جزري، چاپ چاپخانه وهيبه مصر، جمله بات علي فراشه، (يعني علي در رختخواب پيامبر خواييد) به بال علي فراشه!!! (يعني علي در بستر پيامبر بول و ادرار کرد، تعبير داده اند نعوذ بالله، دستکاري و توهين قلمي نشان از روح شيطاني و ناصبي وهابيت مزدور و ملعون است خصوصاً در اين مورد که ذکر شد.

اولاً- ترجمه تحت لفظي آيه ۱۰۷ سوره بقره مي فرمايد: بعضي از مردم، جان خود را بخاطر خشنودي و رضاي خداوند مي فروشند، يعني خود لفظ عربي و ترجمه فارسي، اشاره مبرهن و روشن دارد، که مولا علي فقط و فقط بخاطر جلب رضاي

خداوند، جان خودش را به خطر انداخت و در طبق اخلاص برای فروش در راه محبت خدا و رسول قرار داد، از خود وجود مقدس امام علی علیه السلام نقل و روایت شده که به اصحاب اهل شو را در زمان عثمان فرمود: آیا در میان شما صحابه پیامبر اکرم، کسی هست که در رختخواب نبی اکرم، خوابیده باشد و با جانش و خون قلبش او را محافظت کرده باشد به غیر از من، اهل شورا گفتند: بغیر از تو کسی این کار را نکرده _ حین اضطجعت علی فراشه و وقیته بنفسی و بذلت له مهجه دمی؟ قالوا: اللهم لا (۱)

اشعاری در مورد شب خوابیدن مولا علی در بستر نبی اسلام از زبان مبارک خود حضرت علی علیه السلام از منابع اهل سنت سروده شده که تقدیم محبان کوی ولایت حضرتش می شود، مولا علی در اشعارش راجع به قضیه خوابیدنش در شب هجرت پیامبر از مکه به مدینه فرمود: من با جانم از بهترین کسی که بر روی سنگ ریزه ها، گام نهاده، حفاظت کردم و کسی که به دور خانه خدا و حجر الاسود، طواف کرده است، رسول خدا ترسید که حيله ای بر او، وارد کنند، لذا، خدای بخشنده از حيله نجاتش داده، رسول خدا در غار با امن و امان شب را تا به صبح آرמיד و در حفظ خدا و پناه او بود، من شب را تا به صبح بیدار بوده و منتظر بودم که چه وقتی مرا قطعه قطعه می کنند و لذا خودم را برای کشته شدن و اسیری آماده کردم بودم

وقیت بنفسی خیر من و طی الحصا... و بت اراعیهم متی ینشرونی و قد و طنت نفسی علی القتل و الاسر (۲)

امام زین العابدین می فرماید: اولین کسی که جان خود را در برابر خشنودی های خداوند، فروخت، علی ابن ابی طالب بود ان اول من شری نفسه ابتغاء مرضاه الله، علی ابن ابی طالب _ (۳) مولا- علی به ابوبکر فرمود: ای ابوبکر تو را به خدا، قسم و سوگند می دهم، آیا هنگام خروج نبی اکرم از مکه به مدینه، آیا من جان فدای او شدم یا تو؟ ابوبکر گفت: البته شما فانشدك بالله يا ابابكر _ انا وقیت رسول الله بنفسی یوم الغار ام انت؟

ص: ۳۳۲

- ۱- ۱. تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۴۳۵، مناقب خوارزمی ص ۳۱۵،
- ۲- ۲. مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۴ تذکره الخواص ابن جوزی ص ۳۵، شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۵۶ ح ۱۴۱،
- ۳- ۳. شواهد التنزیل حسکانی ص ۵۶ ح ۱۴۰، مستدرک حاکم ج ۳ ص ۵ ح ۴۲۶۳

قال: بل انت (۱)

نشدتکم بالله: هل فيکم احد اضطجع علی فراش رسول الله حین اراد ان یسیر الی المدینہ و وقاه بنفسه من المشرکین اراد و قتله
غیری؟ قالوا: لا _ (۲)

ابوسعید خدری روایت کرده که چون نبی اکرم، شبانه از مکه خارج شد و می خواست بسوی غار ثور، برود، علی ابن ابی طالب در بستر او خوابید، خداوند متعال به جبرئیل و میکائیل وحی کرد، همانا من شما دو نفر، را برادر هم قرار داده ام و عمر یکی از شما را از دیگری طولانی تر کرده ام، پس کدام یک از شما دیگری را به زنده بودن بر می گزیند؟ هر دو تای آنان، زندگی را انتخاب کردند و آنرا برای خود خواستند، پس خداوند به آنان وحی کرد که چرا شما همانند علی ابن ابیطالب نیستید، او را با پیامبر خودم محمد صلی الله علیه و آله، برادر کردم، پس او در بستر، پیامبر اسلام، خوابید تا او را با جان خود، حفظ کند، شما به زمین نازل شوید و او را از دشمنش حفظ کنید، پس جبرئیل نزد، سر او و میکائیل نزد پاهای او قرار گرفتند و جبرئیل ندا می داد: آفرین به کسی مانند تو که خداوند با وجود تو به فرشتگان افتخار می کند.

فاوحی الله الی جبرئیل و میکائیل: انی قد آخیت بینکما و جعلت عمر احدکما اطول من الاخر فایکما یوثر صاحبہ بالحیاه؟ فکلاهما اختارها واحبا الحیاه فاوحی الله الیهما افلا کنتما مثل علی ابن ابی طالب آخیت بینہ و بین نبیی محمد؛ فبات علی فراشه یقیه بنفسه و جبرئیل ینادی: بخ بخ من مثلک یا ابن ابی طالب؛ الله عزوجل یباهی لک الملائکہ.... (۳)

حسان بن ثابت از شعرای معاصر، رسول خدا، فداکاری و جانثاری بی نظیر، مولا- علی در شب هجرت را، بصورت اشعار سروده، می گوید: چه کسی بود که در آن شب تاریخی (لیله المبیت) بر بستر پیامبر خوابید در حالی که پیامبر، اسیر چنگال دشمن، و در محاصره آنان بود و قصد غار ثور، را داشت

من کان بات علی فراش محمد... و محمد اسری یوم الغارا (۴)

ص: ۳۳۳

- ۱- ۱. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۲۶۴
- ۲- ۲. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۲۹۲،
- ۳- ۳. تفسیر ثعلبی _ شواهد التنزیل حسکانی حنفی ح ۱۳۳، اسدالغابه ابن اثیر ج ۴ ص ۲۵، تفسیر کبیر فخر رازی ج ۵ ص ۲۰۴ _ احیاء العلوم، محمد غزالی ج ۳ ص ۳۷۹؛ بحارالانوار ج ۱۹ ص ۸۵
- ۴- ۴. الغدیر علامه امینی ج ۲ ص ۴۷؛ امالی جرجانی ج ص ۱۸۲

پس طبق لفظ آیه و روایات مربوطه و اقرار مولا علی، ثابت و روشن شد، مولا علی جان شریف خودش را به خطر انداخته در راه خدا و جان مقدس خودش را نه به طمع بهشت و نه به ترس از عقاب الهی با خداوند فقط، معامله کرده و فروخته یکی از شبهاتی که وهابی های اموی علیه این آیه و فضیلت مولا علی، ارائه می دهند این است که خدا و رسول به او تضمین سلامتی داده بودند؟! جواب: اگر خداوند و رسول به مولا علی وعده حتمی سلامتی صد در صد در این واقعه داده بودند دیگر تعریف و تمجید از ایثار و فداکاری او و نازل شدن آیه در شان والای او، معنا و مفهومی نداشته و ندارد؛ روایاتی آمده که آنحضرت اطلاع داشت که در این حادثه، صدمه ای به او نمی رسد و طبق این حدیث، پیامبر اکرم، سلامتی ایشان را تضمین فرمودند؛ این روایات مرسله است و سندی ندارد؛ مرحوم علامه امینی این حدیث را بصورت مرسل از تفسیر ثعلبی نقل کرده است و چون سندی ندارد نمی توان به آن اعتماد کرد و بر فرض هم که سند و راوی داشته باشد چون مخالف آیه ۲۰۷ سوره بقره و سایر تفاسیر معتبره و خلاف دلائل عقلی و نقلی است باطل می باشد؛ ابوجعفر اسکافی، استاد ابن ابی الحدید درباره این اشکال می نویسد: این سخن دروغی صریح است و در آنچه از پیامبر نقل شده، چنین مطلبی نیامده است این روایت از مجموعیات شخصی بنام ابوبکر الاصم است (۱)، علوم ائمه هدی نسبت به غیب و آینده، علوم ارادی بوده است، یعنی هر چه را، اراده می کردند می دانستند و آنچه را اراده نمی کردند نمی دانستند و حضرت علی زمانی که می خواسته در بستر نبی اکرم بخواهد از علم غیب خود استفاده نکرده و علم غیب ائمه، استقلالی نسبت افاضه الهی است و اگر حضرت علی، از علم غیب خود استفاده کرده بود و خدا هم اجازه داده بود که از علم غیب خود بهره ببرد، نعوذ بالله عمل او، فاقد ارزش بود و ایثار و جانفشانی محسوب نمی شد، چون می دانست کشته و شهید نمی شود، و اگر بر فرض مثال به قول شما جناب وهابی، حضرت علی، نعوذ بالله خودش را به مُردگی زده بود و در بستر پیامبر، باز هم شهادت و جرات فراوان می خواهد که هیچ گونه ترس و لرزی به او سرایت

ص: ۳۳۴

نکند وقتی حس کند چهل شمشیر زن، سفاک عرب او را در کنار رختخواب محاصره کرده اند.

ابن عباس می گوید: علی ابن ابی طالب علیه السلام، ۱۰ ویژگی و خصلت بی نظیر، دارد که احدی ندارد، اول اینکه نبی اکرم در روز فتح خیبر درباره او فرمود: فردا، پرچم اسلام را به کسی می دهم که خدا و رسول او را دوست دارند و او نیز خدا و رسول را دوست دارد و خداوند هیچ وقت او را خوار و ذلیل نمی سازد و بعد رسول اکرم فرمود: علی کجاست و پرچم اسلام را به او داد با اینکه چشم درد، داشت و با آب دهان مقدس نبی اکرم، شفاء پیدا کرد و تا آخر عمر به چشم درد مبتلا نشد و رفت و قلعه خیبر یهودیان را فتح کرد دوم: نبی اکرم جناب ابوبکر با سوره توبه فرستاد بسوی اهل مکه و سپس علی ابن ابی طالب را در عقب ابوبکر فرستاد و سوره توبه را از او گرفت و گفت: رسول اکرم فرموده این سوره را خودم یا فردی همانند خودم باید ابلاغ کند، سوم اینکه رسول اکرم، درباره علی ابن ابی طالب فرمود: علی در دنیا و آخرت ولی و جانشین من است، چهارم: علی اولین فرد، در میان مردان بود که به پیامبر، ایمان آورد و اظهار ایمان کرد، پنجم: آیه تطهیر بر پیامبر اسلام، نازل شد و ایشان عباى خود را بر علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام اجمعین انداختند و آیه تطهیر را قرائت کردند ششم: پیامبر درباره علی فرمود: منزلت علی نزد من همانند منزلت هارون نزد موسی است، هفتم: علی ابن ابی طالب ولی و سرپرست هر مرد و زن مومنی است، هشتم: نبی اکرم درب منازل تمام صحابه را به سوی مسجد خودش بست غیر باب خانه علی ابن ابی طالب، نهم: نبی اکرم فرمود: هر کس من مولای او هستم، علی مولا و سرپرست اوست و دهم: که محل شاهد بحث و موضوع ماست؛ علی ابن ابی طالب در شب هجرت نبی اکرم در بستر و رختخواب ایشان خوابید تا رسول اکرم از مکه به مدینه هجرت کنند، شبی که مولا علی در بستر نبی اکرم، خوابید مشرکین مکه، سنگ ها بسوی علی پرتاب می کردند و خیال می کردند که پیامبر در بستر خوابیده و مولا علی استقامت می کرد تا اینکه صبح شد؛ مولا علی را احاطه کردند و به مولا علی گفتند: صاحب تو (یعنی رسول اکرم) کجاست؟ و مولا علی فرمود: مگر به من او را سپرده بودید، جناب وهابی این حدیث شریف را، مستدرک علی الصحیحین حاکم

نیشابوری در ج ص ۴۳ ح ۴۶۵۲ نقل کرده و آنرا صحیح دانسته، حتی شمس الدین ذهبی، عالم علم رجالی اهل سنت آنرا تأیید کرده، آیا این ۰ فضیلت بی نظیر در فرشتگان، اجنه، پیامبران غیر از رسول اسلام، وجود داشته یا نه؟! که جواب منفی است، پس طبق این حدیث صحیح السند، علی ابن ابی طالب بر تمام مخلوقات و پیامبران غیر از رسول اسلام، افضلیت و برتری تام دارد و جالب اینکه فضیلت خوابیدن مولا علی در بستر پیامبر در شب هجرت یکی از فضایل ۱۰ گانه اوست طبق نقل قول ابن عباس از مستدرک حاکم، رجل له بضع عشره فضائل لیست لاحده غیره.... قال ابن عباس:

و شری علی علیه السلام نفسه فلبس ثوب النبی ثم نام فی مکانه (۱)

اتفاقی علماء مسلمین است که احدی از بشر به فضیلت خوابیدن، علی علیه السلام در فراش پیامبر نرسیده است

قال علماء المسلمین ان فضیله علی علیه السلام تلک اللیله لانعلم احداً من البشر نال مثلها (۲)

جناب وهابی، هیچ مخلوقی و هیچ پیامبری این افتخار عظیم نصیبش نشد، در جای پیامبر اسلام بخوابد و جان شریف و عظیم اشرف رسل و مخلوقات را حفظ و صیانت کند جزء مولا علی و این فضیلت بی نظیر شامل مولا علی شد و این فضیلت یک دلیل از هزاران فضایل بی نظیر مولا علی و برتری او بر تمام پیامبران، غیر از رسول اسلام است؛ اجماعی علمای عرب است بر اینکه خوابیدن علی علیه السلام در شب هجرت در فراش نبی اکرم، افضل بود از بیرون رفتن او با آن حضرت، زیرا که خود را در جای آنحضرت قرار داد و زندگانی خود را فدای آنحضرت نمود و به این وسیله شجاعت خود را بین اقران ظاهر نمود

علماء العرب اجمعوا علی ان نوم علی علیه السلام علی فراش رسول الله، افضل من خروجه معه و ذلک انه و طن نفسه علی مفاداته لرسول الله و اثر حیاته و اظهر شجاعته بین اقرانه (۳)

ص: ۳۳۶

۱- ۰.۱ ... [التعلیق _ من تلخیص الذهبی] _ ۴۶۵۲ _ صحیح _ المکتبه الشامله

۲- ۲. شرح نهج البلاغه ابن الحدید ج ۳۱ ص ۲۶۰

۳- ۳. کفایه الطالب ص ۲۴۰ باب ۶۲،

در ضمن در روایات آمده، وقتی که صبح شد، مشرکین مکه، بر سر بستر مولا علی آمدند وقتی دیدند که علی در جای پیامبر، خوابیده، متحیر و سرگردان شدند که علی را بکشند یا رها کنند؟ گفتند محمد کجاست، حضرت علی فرمود: مگر او را به من سپرده بودید که سراغش را از من می گیرید؟ ابوجهل لعین گفت: این جوان را رها کنید محمد او را فریب داده و برای حفظ جان خویش، او را در بستر خود، خوابانیده است!! مولا- علی وقتی این توهین ابوجهل را شنید فرمود: ابوجهل آیا سادگی و خامی را به من نسبت می دهی؟ خداوند آنقدر به من عقل و خرد داده که اگر بین تمام احمق های عالم، تقسیم شود، همه آنها صاحب عقل و خرد می شوند و آنقدر خداوند بمن قوت و قدرت عطا کرده که اگر بین تمام ضعیفان عالم تقسیم شود، همگی نیرومند می شوند و آنقدر خداوند به من شجاعت داده که اگر بین ترسوهای جهان تقسیم شود همه از شجاعان خواهند شد (۱) ابوجعفر اسکافی، استاد ابن ابی الحدید می نویسد: حدیث خوابیدن علی در بستر پیامبر بطور تواتر، ثابت شده و قابل انکار نیست بنابراین جزء انسان دیوانه و مجنون یا کسی که با مسلمانان معاشرتی ندارد، هیچ کس چنین روایتی را انکار نمی کند

قد ثبت بالتواتر حدیث الفراش ولا یجحدہ الا مجنون او غیر مخالط لاهل المله....(۲)

برخی می گویند: از آنجا که امام علی از غیب مطلع بوده و می دانسته که از این واقع جان سالم به در می برد، لذا نمی توان آنرا فضیلت و منقبتی برای حضرت دانست!!؟ پاسخ: اولاً- این واقعه قبل از امامت حضرت علی، تحقق یافته، ثانیاً علم غیب پیامبر و امام، تعلیقی است، یعنی هر گاه که بخواهند از علم غیب مطلع شوند می دانند، نه این که همیشه قضایا نزد آنان حاضر باشد؛

ثالثاً: این اعتراض در حقیقت، اجتهاد در مقابض نص آیه ۲۰۷ سوره بقره است، زیرا آیه در مقام مدح است، پس در نتیجه این عمل، قطعاً فضیلت بوده و در خور

ص: ۳۳۷

-
- ۱- ۱. بحار الانوار ج ۱۹ ص ۸۳ آیات ولایت در قرآن آیه الله مکارم شیرازی ص ۲۸۸،
 - ۲- ۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۲۶۱، آیات ولایت در قرآن (آیه الله مکارم شیرازی ص ۲۷۴)

شیخ محمد حسن مظفر می گوید: و اما دلالت آیه بر امامت مولا علی به این جهت است که نزول آیه در مورد با حضرت کاشف از افضلیت او و امتیاز او در معرفت و اخلاص دارد؛ زیرا چه بسیار از مسلمانان که جان خود را در جهاد ها، بذل کردند و رسول خدا را حفظ کرده، نشر دعوت او نمودند ولی به مقامی که مولا علی به آن نایل شد، نرسیدند، که آن شهادت خداوند بر عمل با اخلاص و با نیت پاک او بود.

او تنها کسی بود که در نهایت اخلاص و تنها به جهت جلب رضای الهی، جان خود را در طبق اخلاص قرار داد، تا جایی که خداوند به عمل او بر بزرگان از ملائکه مباحات کرده و عقد اخوت بین او و پیامبر بست و جمله من مثلک که جبرئیل به حضرت علی گفت: دلالت دارد بر این که عمل او هیچ نظیری در بین مردم نداشته و نخواهد داشت و می دانیم که افضل افراد، لیاقت امامت را دارد. (۲)، عبدالکریم خطیب از رجال مصر می نویسد: این کاری که در شب هجرت، پیامبر از طرف علی انجام گرفت، هر گاه با تامل و دقت در آن نظر شود به انسان این مطلب را گوشزد می کند که این تدبیری که در آن شب، اندیشیده شد، امری عارضی و اتفاقی برای علی نبوده است، بلکه از روی حکمتی انجام گرفته و آثار و پیامدهایی نیز داشته است، زیرا، برای ما جای سوال باقی می گذارد که از خود پرسیم آیا این توجه خاص پیامبر به علی که در آن شب هجرت او را بجای خود قرار می دهد، اشاره به این نکته ندارد که بین پیامبر و علی غیر از جنبه خویشاوندی که هست، جهت و جامع دیگری نیز وجود دارد؟ آیا ما از این عملکرد پیامبر استفاده نمی کنیم که هر گاه شخص پیامبر از میان مردم غایب شد و از دنیا رفت تنها علی آن شخصیتی است که قابلیت دارد که به جای ایشان بنشیند و خلیفه ایشان گردد؛ و تنها اوست که نماینگر شخصیت پیامبر و قائم مقام او می باشد؟ من گمان می کنم که هیچ کس قبل از ما به این قضیه و واقعه این گونه که ما نظر کردیم، نگاه نکرده است و هیچ کس، همانند ما این نوع تامل و

ص: ۳۳۸

۱- ۱. امام شناسی علی اصغر رضوانی ج ۱ ص ۴۳۸

۲- ۲. دلائل الصدق ج ۲ ص ۱۲۹ امام شناسی ج ۱ ص ۴۳۴، استاد علی اصغر رضوانی

توقفی که در این واقعه کرده ایم نداشته است، حتی شیعیان علی علی ابن ابی طالب (۱)، چون نبی اکرم به امر، خداوند عزم هجرت را از مکه فرمود: علی ابن ابی طالب را فرا خوانند: عمر آنحضرت ۲۱ سال بود، فرمود: یا علی قریش اتفاق نموده که امشب بسر من آیند و مرا بکشند _ حکم خدا آن است که تو در بستر من بخوابی و برد سبز مرا روی خود پوشانی تا من بیرون روم، مولا علی عرض کرد: اگر من بجای شما بخوابم آیا آسیبی به شما نخواهد رسید؟

قضیه خوابیدن مولا علی در بستر نبی اکرم در شب هجرت ایشان مورد تأیید سایت ها و کتاب های مورد قبول وهابیت و اهل سنت است که برای نمونه و اختصار اشاره می شود- (۱) کتاب صحیح لسیره النبویه للعلی ج ۱ ص ۱۲۰ حدیث ۱۵۵ نوشته ابراهیم العلی چاپ دارالفنائس اردن) سال ۱۴۱۵- (سایت الوقیة) (۲) ارشیف ملتقی الحدیث (۲) ج ۵۷ ص ۲۹۷ و ج ۵۳ ص ۴۳۵ مکتبه شامله: خبر نوم علی ابن ابی طالب فی فراش النبوی من حیث السند: صحیح و هذا مرسل صحیح... و هذا یشد ما رواه ابو بلج فی قصه نوم علی رضی الله عنه فی فراش النبوی و انا لا- اشک ان عکرمه اخذه عن ابن عباس و علی کل حال هو شاهد مرسل قوی ... و روی البیهقی فی دلائل النبوه بسند الصحیح... (۳) سایت اسلام ویب مرکز الفتوی رقم الفتوی ۱۸۹۰۶۹ فی الحججه ۱۴۳۳: الحکمه من نوم علی فی فراش النبوی لیله الهجره: امام علی امر و دستور رسول خدا را اجراء و امتثال کرد و جان ارزشمند خود را فدای نبی اکرم ساخت و ایشان را از غدر و مکر کفار حراست نمود و این کار بر هر مسلمانی واجب است و هیچگونه اشکالی نیست انسان مسلم نفس و جان خود را در راه خدا و جهاد- در هلاکت و مخاطره بیفکند و علی علیه السلام با طیب خاطر و اخلاص تمام نفس خود را فدای نبی اکرم نمود و علی اولین جوانی بود در اسلام که خود را فدایی پیامبر کرد و این جوانمردی و شجاعت او را ثابت می کند: فما قام به علی رضی الله عنه اولاً و قبل کل شیء هو امتثال امر رسول الله و فداوه بالنفس و وقایته من غدر الکفار و مکرهم و هذا واجب کل مسلم و لیست التعرض للمخاوف و القاء النفس فی المهالك فی سبیل الله الا من اخص الجهاد و افضله... فسمع علی لما اشار به رسول الله و اطاع طیبه بذلك نفسه و بذلك کان اول فدائی شاب فی السلام فقد وقی رسول الله بنفسه... بینما هو الفتی الشجاع علی رضی الله عنه- السیره النبویه علی ضوء القرآن و السنه ج ۱ ص ۴۷۵ محمّد ابوشهبه- (مبیت علی علی فراش

ص: ۳۳۹

النبي) - (۴) سایت الجامعه الاسلاميه بالمدينه المنوره - المنهاج الدراسيه - المستوى الثالث - (الهجره الى المدينه المنوره) - ۵: سایت صيد الفوائد - مرويات العنكبوت الغار - الطريق الاولي - تحسين بعض العلماء للقصه - (من دروس الهجره النبويه) - عقيل بی عقل وهابی، حضرت علی اگر با علم غیب خود هم در جای پیامبر در شب هجرت خوابیده باشد هیچ ضرری به فضیلت او در این قضیه وارد نمی سازد چون امتثال امر رسول خدا نموده و شجاعت خود را با دست خالی در حلقه چهل شمشیر به دست سفاک کفار عرب ثابت کرده و عمل او عین ایثار و اخلاص است و اصلاً خودکشی و هلاکت نیست چون شهادت در راه خدا نابودی نیست و همیشه به علم غیب عمل کردن هم فضیلت نیست - خود را برای نبی اکرم به خطر انداختن و اطاعت محض از او کردن هیچگونه هلاکت و نابودی نیست - فخر رازی در ذیل آیه ۲۰۷ سوره بقره می نویسد: این آیه مصداق بذل تمامی دنیا و جان در مقابل دین می داند - تفسیر کبیر ج ۵ ص ۱۷۳ برای اطلاع بیشتر به مقاله: آیا لیله المیت برای امیر المؤمنان فضیلت است؟ در سایت حضرت ولی عصر - مقاله شبهه ای در مورد فضیلت علی علیه السلام در لیله المیت سایت پورتال جامع پژوه (تبلیغ) - مقاله: آیا خوابیدن حضرت علی با علم لدنی در رختخواب پیامبر فضیلت است؟ (سایت پایگاه تخصصی شبهه) - مقاله: آگاهی امام علی از زنده ماندن در لیله المیت - سایت پایگاه امام علی - کلیپ: لیله المیت علم به کشته شدن یا نشدن؟ (آیت الله میلانی) در آپارات - عقیل بی عقل در قضیه لیله المیت مولا علی وظیفه اش انجام دادن امر رسول خدا بوده نه عمل کردن به علم غیب خودش حاکم نیشابوری در المستدرک ج ۳ ص ۵ ح ۴۲۶۳ حدیث خوابیدن مولا علی در رختخواب نبی اکرم را صحیح دانسته - شری علی نفسه و لبس ثوب النبى ثم نام مکانه - هذا حدیث صحیح الاسناد - ذهبی حدیث شناس معروف اهل سنت این حدیث را تأیید و قبول می کند - المستدرک ج ۳ ص ۵ الرقم ۴۲۶۳ مکتبه شامله - هیشمی در مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۲۰ ح ۱۴۶۹۶ - این حدیث را صحیح قلمداد می کند - و رجال احمد رجال الصحیح - مسند احمد بن حنبل ج ۳ ص ۳۸۹ ح ۳۲۵۱ - تحقیق احمد شاکر - قرآن می فرماید: هر کس در راه خدا کشته شود یا بمیرد مورد مغفرت خداست - و لئن قتلتم فی سبیل الله و متم لمغفره من الله - سوره آل عمران آیه ۱۵۷ و قاتلوا و اقتلوا لا کفرن عنهم سیئاتهم - آل عمران ۹۵ - هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود اجر عظیم به او داده می شود - نساء آیه ۷۴ و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجرا عظیما - پس ای عقیل بی عقل - مولا علی با استفاده از علم غیب خود یا

استفاده نکردن از آن علم غیب این آیه ۲۰۷ سوره بقره در فضیلت اوست اگر بدانست کشته می شود شهید راه خدا و رسول بود اگر از علم غیب خود استفاده نمی کرد و کشته می شد باز هم شهید راه خدا رسول بود و به علم غیب او خدشه ای وارد نمی شود چون علم امام علی استقلالی نیست و هر گاه اراده کند از آن علم غیب آگاه می شود- خود ابن تیمیه با صراحت گفته امام علی علم غیب داشته ← منهاج سنه ج ۸ ص ۱۳۵ و ص ۱۳۶ ← و اما الاخبار ببعض الامور الغائبه فمن هودون علی یخبر بمثل ذلك فعلى اجل قدر امن ذلك- مرحوم کلینی در کافی ج ۱ ص ۲۵۸ بابی نوشته و روایاتی از ائمه هدی آورده که ائمه طاهرین اگر اراده کنند می دانند ← باب: ان الائمة اذا شاووا ان یعلموا علموا- جالب است عقیل بی عقل علمای شما نوشته اند خلیفه دوم عمر ابن الخطاب علم غیب داشته- سؤال؟ اگر عمر علم غیب داشت چرا مسجد رفت تا او را بکشند و همیشه از علم غیب خود استفاده نمی کرد؟!

قرطبی نوشته: مسلمه گفته است محدثون طبق قرائت ابن عباس همپای نبوتند زیرا آنان از امور عالی غیبی خبر می دهند و به حکمت باطنی سخن می گویند و گفتارشان با واقع مطابقت دارد و در گفتارشان معصوم از خطاء و دروغ می باشند همانند عمر بن الخطاب در داستان ساریه و براهین عالییه ای که بدان تکلم کرده است ← الغدیر ج ۵ ص ۶۵- الجامع الاحکام القرآن قرطبی ج ۱۲ ص ۷۹ ← قال مسلمه: فوجدنا المحدثین معتصمین بالنبوه علی قراءه ابن عباس لانهم تکلموا بامور عالییه من انباء الغیب خطرات و نطقوا بالحکمه الباطنه فاصابوا فیما تکلموا و عصموا فیما نطقوا کعمر بن الخطاب فی قصه ساریه- ابن اثیر در النهایه ج ۱ ص ۳۵۰ می نویسد: عمر ابن الخطاب از برگزیدگان الهی بود چون محدث بود و از غیب خبر می داد ← و هو نوع یختص به الله عز و جل من یشاء من عبادہ الذین اصطفی مثل عمر- مناوی می نویسد: محدث کسی است که گویا از عالم غیب به او خبر داده می شود و این کرامتی است که خداوند هر کدام از بندگانش را که بخواهد بدان گرامی می دارد ← فیض القدیر ج ۴ ص ۵۰۷ ح ۶۰۹۷ ← و التی فی روعه من عالم الملكوت فیظهر علی نحو ما وقع له - عقیل بی عقل وهابی- صحابه با داشتن علم غیب طبق روایات خودتان سم می خوردند با اختیار خود و می دانستند کشته می شوند؟! حارث بن کلهده به ابوبکر گفت ای خلیفه پیامبر از این غذا دست بردار زیرا در /ان سم یکساله است و من و تو در یک روز خواهیم مرد او هم دست برداشت آن دو همواره علیل بودند تا آن سال به آخر رسید و هر دو در یک روز مردند ← المستدرک حاکم ج ۳ ص ۶۶ ح ۴۴۱۱-

صفه الصفوه ج ۱ ص ۹۹ ← ارفع یا خلیفه رسول الله و الله ان فیها لسم سنه و انا و انت نموت فی یوم واحد... امامان معصوم از وقوع شهادت و مرگ خود به اذن الهی و تعلیم نبی اکرم خیر داشتند ولی به ایشان از سوی خدا اختیار داده شده و خودشان اختیار می کردند مقدرات الهی را و شهادت در راه خدا- به مقاله: آیا امام علی از شهادت خود خیر داشت؟

در سایت مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر- گزیده دانش نامه امیر المؤمنین- محمدی ری شهری ص ۵۸۸ الی ص ۵۹۵ رجوع فرمائید ← ذلک کان و لکنه خیر فی تلک اللیله لتضمی مقادیر الله عزوجل- جلاء العیون ج ۱ ص ۳۰۰- مرحوم علامه مجلسی می فرماید: که اینها (علم به شهادت معصومین) از اسرار قضاء و قدر است و تفکر در اینها موجب لغزش است و تکالیف انبیاء و اوصیاء مانند تکالیف دیگران نیست و باید دانست که آنچه ایشان می کنند موافق شریعت و عین صلاح و حکمتست- عقیل بی عقل وهابی خداوند علام الغیوب است آیا صحیح است که از خداوند ایراد بگیریم تو که علام الغیوبی چرا شیطان رجیم را آفریدی که عده ای را گمراه و جهنمی کند؟! تو که علام الغیوبی می دانستی عده ای بهشتی و جهنمی می شوند باز آنها را در عالم تکلیف و امتحان دنیا آوردی و بسوی آنان انزال کتب و ارسال رسل کردی؟! آن آیه ای که وهابیت در رد فضیلت شهادت ائمه هدی ادله می کنند یعنی آیه ۱۹۵ سوره بقره مربوط به انفاق است ولی شهادت و کشته شدن در راه خدا بدست دشمنان خدا- هلاکت و نابودی نمی باشد- واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات ص ۲۷۴ علی اصغر رضوانی- جالب است ابن کثیر شاگرد ابن تیمیه ملعون در البدایه و النهایه ج ۴ ص ۴۵۰ قضیه خوابیدن مولا علی در رختخواب پیامبر را نقل می کند با سند حسن- البدایه و النهایه ج ۳ ص ۱۸۱ مکتبه فقاها و مکتبه شامله- ابن حجر در فتح الباری ج ۷ ص ۲۳۶ با سند حسن (نیکو) این روایت را ذکر کرده ← فاطم الله نبیه علی ذلک فبات علی علی فراش النبی- (مکتبه شامله)- گفتی که آیه ۲۰۷ سوره بقره مکی نیست مدنی است؟ جواب: اشکالی ندارد این آیه شان نزولش در مکه بوده و ابلاغش در مدینه شده مدنی به حساب آید- به اتفاق مفسرین و متخصصین علوم قرآنی ترتیب قرآن و جمع آن بر اساس ترتیب نزول نبوده و لذا مشاهده می کنیم که اغلب سوره های مکی خالی از آیات مدنی نیست و همچنین بیشتر سوره های مدنی خالی از آیات مکی نیست ← امام شناسی رضوانی ج ۱ ص ۴۳۷

فرمود: بله، جناب وهابی، پیامبر اسلام فرمود ای علی اگر تو در رختخواب من بخوابی از طرف کفار به من آسیبی نمی رسد نه اینکه خداوند و رسول ضمانت

صد در صد ولو یک درصد به مولا علی داده باشند که ای علی به تو هم اصلاً صدمه ای و لطمه ای وارد نخواهد شد!!! اگر مولا علی با اطمینان کامل از عدم صدمه از جانب خدا و رسول در بستر نبی اکرم خوابیده بود، آیه ۲۰۷ سوره بقره در فضیلت جانفشانی و ایثار بی نظیر او نازل نمی شد، مولا علی چون بشارت پیامبر اسلام را شنید گفت: الان مرگ برای من گوارا شده مولا علی در رختخواب پیامبر خوابید، قریش خانه را محاصره کردند در آن شب سنگ زیادی از هر طرف به خوابگاه پیامبر انداختند و مولا- علی اصلاً حرکتی نمود وقت صبح همه به یکباره با شمشیرهای برهنه به خوابگاه وارد شدند نزدیک که رسیدند مولا- علی فریاد و نهیبی بر آنان زد و با شمشیر حمله نموده، تمام قریش هراسان شدند، ابوجهل و خالد بن ولید و روسای قریش چون صلابت علی را دیدند گفتند: یا علی ما را با تو کاری نیست مقصود ما پسر عموی تو محمد است بگو کجا رفته؟ فرمود: هر جا تشریف برده در امان خداست پس ناامید برگشتند.

بعد خداوند جبرئیل و میکائیل را بر مولا علی نازل کرد، جبرئیل بالای سر حضرت و میکائیل پائین پای حضرت ایستادند و در حالیکه جبرئیل می گفت: بشارت باد تو را ای پسر ابوطالب کیست مثل تو و به مقام مرتبه تو، که حق تعالی به تو مباحات نمود بر ملائکه و حاملان عرش و خطاب فرماید: کجاست چنین بنده مطیع، _ (۱)، اهل دل و عرفان می گویند: تسلیم بودن علی در آن شب و رها نمودن نفس نفیس خود را به قتل، درخشان و عالی است و بالا-تر و افضل تر از تسلیم و اطاعت حضرت اسماعیل از برای ذبح در دست پدرش ابراهیم خلیل است زیرا که او امیدوار بود، بشفقته پدری و مرحمتی که پدر را نسبت بفرزند می باشد و رقت قلبی که معصوم را می باشد با جانب و خویشان که از قتل فرزند خود در گذرد یا آنکه خداوند بعین مرحمت و مکرمت در ابراهیم نگرد و او را از ذبح قره العین او منع کند چنانکه واقع شد؛ ولی علی ابن ابی طالب با وجود شدت خذلان و قلت اعوان و انصار و اعراض

ص: ۳۴۳

۱- ۱. اثبات ولایت امیرالمومنین در قرآن و سنت ج ۱ ص ۱۹۲ و ص ۱۹۳ عبدالصمد ساکی، تفسیر امام ثعلبی ج ۲ ص ۱۲۵، امالی طوسی ص ۲۵۳

نزدیکان و اجانب از او تسلیم امر مصطفی نمود و حضرت با اطمینان قلبی به تسلیم در امر خدا، بدون ضمانت حفظ جاننش از جانب خدا و رسول، سبب نجات نبی اکرم و جان شریف ایشان گردید؛ از جمله آیاتی که برتری ائمه هدی بر تمام پیامبران بغیر از رسول اسلام را نشان می دهد آیه ۵۶ سوره احزاب است

{ان الله و ملائکه يصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما،}

همانا خداوند و فرشتگان بر پیامبر اسلام؛ صلوات و درود می فرستند ای کسانی که ایمان آورید بر پیامبر اسلام، صلوات و درود بفرستید، جناب وهابی به این فضیلت بی نظیر و بی همانند ائمه طاهرین که آیه ۵۶ سوره احزاب معروف به آیه صلوات است، شبهاتی و اشکالاتی واهی و عبث مطرح کرد، کجای این آیه گفته به امام علی در کنار، پیامبر صلوات بفرستید؟ این آیه درباره درود و صلوات است و هیچ نشانی از برتری ائمه شیعه بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام را نشان نمی دهد؟! صلوات و درود شامل تمام صحابه و همسران پیامبر اسلام می شود و تنها شامل ائمه ۱۲ گانه شیعه نیست؟! بلطف حق تعالی و انوار بی کران قرآن کریم و روایات شریف نبی اسلام و ائمه هدی و کلام علماء و بزرگان فریقین به این شبهات شیطانی جناب وهابی اموی مسلک جواب مختصر می دهم، از میان علمای اهل سنت امام فخر رازی و ابن حجر مکی، اعتراف کرده اند: آیه صلوات دلیل برتری ائمه هدی بر تمام خلائق و مساوی بودن مقام الهی ائمه هدی با نبی اسلام است بغیر از در مقام نبوت خاصه، امام فخر رازی شافعی می نویسد: دعای صلوات خصوصاً در تشهد نماز، منصب و مقام عظیم و بزرگ برای محمد و آل محمد است و این تعظیم و مقام بزرگ الهی برای هیچ کس در غیر آل محمد نیست

ان الدعاء لآل منصب عظیم ولذلك جعل هذا الدعاء خاتمه التشهد فی الصلاه هو قوله اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارحم محمد و آل محمد و هذا التعظیم لم یوجد فی حق غیر الال (۱)

ص: ۳۴۴

۱- ۱. تفسیر الکبیر فخر رازی ج ۲۷ ص ۱۶۶ ذیل آیه ۲۳ سوره شوری، شبهای پیشاور، آیت الله سید محمد سلطان الواعظین شیرازی ج ۱ ص ۵۳۰ چاپ جدید با تحقیق درایتی

ابن حجر مکی از عالمان متعصب اهل سنت در کتاب صواعق المحرقة ص ۱۴۶ باب ۱۱ فصل یک آیه ۲ می نویسد: خاندان مطهر پیغمبر در این امر قام مقام پیغمبرند، زیرا مقصود از صلوات بر رسول مزید تعظیم اوست و بزرگداشت خاندانش نیز مزید تعظیم او خواهد بود و به همین دلیل است که آن چنانکه گفتیم وقتی ایشان در زیر کساء گرد آمدند، پیغمبر فرمود: بار خدایا اینها از من و من از ایشان هستم پس درود و رحمت و آمرزش و خشنودی خود را بر من و آنان برقرار دار؛ و این دعا، مستجاب شد و خداوند بر آنان همراه با درود بر پیغمبر صلوات فرستاد و در اینجا نیز از مومنین خواست تا همراه با صلوات بر پیغمبر بر خاندان او، نیز درود فرستند

و انه اقامهم فی ذلك مقام نفسه لان القصد من الصلاه عليه مزید تعظیمه و منه تعظیمهم، و من ثم لما ادخل من مرفی الكساء قال: اللهم انهم منی و انا منهم فاجعل صلاتك و رحمتك و مغفرتك و رضوانك علی و عليهم و قضیه استجابہ هذا الدعاء ان الله صلی علیهم معه فحیثند طلب من المومنین صلاتهم علیهم معه

ابن حجر از قول امام فخر رازی نقل کرده است که اهل بیت معصوم پیامبر در ۵ چیز باوی موازی و مساوی و برابر هستند، یکی از آن صفات و اشتراکات الهی اهل بیت نبوت با رسول اسلام که با آن صفت با او برابری، ذکر صلوات بر پیامبر و آل او در تشهد نماز هستند

فی السلام قال: السلام علیک ایها النبی و قال سلام علی آل یاسین و فی الصلاه علیه و علیهم فی التشهد (۱)

امام رضا علیه السلام، آیه مباحله را تلاوت کردند و فرمودند مراد و منظور از لفظ انفسنا در آیه ۶۱ سوره آل عمران علی علیه السلام و این خصوصیتی منحصر به علی، که او نفسش همانند نفس و روح و باطن نبی اکرم است که هیچ بنی بشری به این خصوصیت بی نظیر نرسیده است، از جمله این دلایل آن است که ثابت شده است رسول خدا، نفس مقدس و بزرگ خویش را در آل خود وارد کرد و به همین دلیل کسی که بر آل آن حضرت درود فرستد یا سلام کند، گویی بر خود او، درود و سلام فرستاده چه او از

ص: ۳۴۵

آنان است و آنان از او کسی که بر پیامبر اسلام درود و سلام بفرستند بطور حتم با پیوست آل او، درود و سلام فرستادن بر او را کامل کرده است

فمن هذه الدلائل ثبت انه ادخل نفسه المقدسه المكرمه المباركه في آله فمن صلى او سلم على آله كانه صلى و سلم عليه، لانه منهم و هم منه ... (۱)

امام رضا عليه السلام دليل برتری ائمه هدی بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام در باب صلوات و آیه صلوات چنین بیان می دارد، می فرماید: خداوند فضیلت بزرگی به حضرت محمد صلی الله علیه و آله داده است زیرا بر آل هیچ یک از پیامبران سلام نکرده جز آل محمد که فرموده سلام علی آل یاسین، اگر مقصود، خداوند حضرت الیاس بود بطور حتم می فرمود: سلام علی الیاس _ ان الله اعطى محمداً صلى الله عليه و آله و سلم فضلاً عظيماً و ذلك انه لم يسلم على آل احد من الانبياء الا آل محمد فقال: سلام علی آل یاسین، (۲)

امام رضا فرمود: خداوند، محمد و آل محمد را فضیلتی بخشیده که هیچ کس به حقیقت آن نمی رسد مگر اینکه آنرا درک کرده باشد، چرا، که خداوند بر کسی جزء پیامبران سلام نکرده و فرموده: سلام بر نوح، سلام بر موسی و هارون ولی نگفته سلام بر آل نوح، سلام بر آل ابراهیم، سلام بر آل موسی و هارون

ولی فرمود: سلام بر آل یاسین یعنی بر آل محمد و بر آل هیچ پیامبری جزء آل او سلام نکرد

فان الله اعطى محمداً و آل محمد من ذلك فضلاً لا يبلغ احد كنه وصفه الا من عقله و ذلك ان الله لم يسلم على احد الا على الانبياء فقال الله: (سلام علی نوح فی العالمین) ... و لم يقل سلام علی آل نوح... و قال الله تعالى: سلام علی آل یاسین: یعنی آل محمد و لم يسلم على آل احد من الانبياء سواه (۳)

شاید جناب وهابی بگوید، این دلیل بر برتری ائمه شیعه بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام نمی شود؛ اولاً به اقرار ابن حجر و فخر رازی از عالمان متعصب اهل سنت اشاره شد که گفته اند، درود فرستادن بر آل پیامبر دلیل بر بزرگترین مقام و منصب

ص: ۳۴۶

۱-۱. ینابیع الموده ج ۱ ص ۹۶، عیون الاخبار ج ۲ ص ۲۱۰

۲-۲. ینابیع الموده ج ۱ ص ۸۶

۳-۳. ینابیع الموده ج ۱ ص ۲۹۶

آنان است، آنان در ۵ چیز با او مساوی و برابرند، یکی در صلوات، پیامبر راجع به اهل بیت کساء و عبا فرموده من از آنان هستم و آنان از منند یعنی با پیامبر مساوی و برابرند فقط رسول اکرم در نبوت خاصه از آنان افضلیت دارد؛ در روایت شیعه و سنی آمده هر کس در نماز بر محمد و آل محمد صلوات نفرستد، نمازش باطل می باشد و پیامبر نهی فرمودند از فرستادن صلوات ابتر و ناقص و آن صلواتی است که بر آل محمد، درود و صلوات فرستاده نشود؛ شاید جناب وهابی بگوید، زنان و صحابه پیامبر هم آل او حساب می شوند، برای روشن شدن مطلب خوب و بجا است به تفاسیر و روایات مستند، رجوع کنیم، ببینیم آل محمد بطور خاص و بطور عام چه کسانی هستند؟! رسول اکرم فرمود: اهل بیت من علی و فاطمه و حسن و حسین هستند، وقتی آنان آمدند، رسول اکرم، عبا و کسای خود را بر آنان انداخت و سپس دستهایش را بلند کرد و فرمود: خدایا، اینان آل محمد هستند پس بر محمد و آل محمد درود فرست و بعد آیه تطهیر نازل شد، بعد از نقل این حدیث، حاکم نیشابوری از عالمان بزرگ اهل سنت می نویسد: از روایات زیاد استفاده می شود اهل بیت و آل محمد علی و فاطمه و حسن و حسین هستند

قال: اهل بیتی علیاً و فاطمه و الحسن و الحسين، فجی بهم فالقی علیهم النبی ثم رفع یدیه ثم قال: اللهم هولاء آلی؛ فصل علی محمد و علی آل محمد و انزل الله: انما یرید الله لیزهد... (۱) و انما خرجته لیعلم المستفید ان اهل البیت و الآل جمیعاً هم؛ _ ان رسول الله قال لفاطمه یا بنیه ائینی بزوجهک و ابنیه فجاءت بهم فالقی رسول الله علیهم کساء فدکیاً ثم وضع یده علیهم ثم قال: اللهم ان هولاء آل محمد فاجعل صلواتک علی محمد و آل محمد (۲)؛ اسناد حسن یده علیهم ثم قال: اللهم ان هولاء آل محمد فاجعل صلواتک علی محمد و آل محمد (۳)

امام فخر رازی می نویسد: و من می گویم آل محمد کسانی هستند که امورشان واگذار به پیامبر اکرم است و هر کدام از آنان که پیوندشان با پیامبر شدیدتر و کامل

ص: ۳۴۷

۱- ۱. مستدرک علی الصحیحین باب معرفه الصحابه ص ۱۲۹ مساله ۱۸۵۴ ح ۴۷۶۳ و ۴۷۶۴

۲- ۲. فضایل الصحابه ج ۲ ص ۶۰۲ _ ح ۱۰۲۹

۳- ۳. مسند احمد ج ۶ ص ۳۲۳ معجم الکبیر طبرانی ج ۳ ص ۴۷، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۹۴ شواهد التنزیل ص ۲۶۳ ح ۷۴۷

تر باشد او آل خواهد بود و هیچ شکی نیست که پیوند میان فاطمه و علی و حسن و حسین، با پیامبر از شدیدترین و کامل ترین پیوندها است و این مطلب معلوم و متواتر است پس واجب است که آل محمد اینها باشند

و انا اقول آل محمد هم الذین یوول امرهم الیه فکل من کان امرهم الیه اشد و اکمل کانوا هم الآل و لاشک ان فاطمه و علیاً و الحسن و الحسین کان التعلق بینهم و بین رسول الله اشد التعلقات و هذا کالمعلوم بالنقل المتواتر فوجب ان یکونوا هم آل ال ایضاً(۱)

راوی می گوید: از امام صادق علیه السلام سوال کردم، ما می گوئیم، خدایا بر محمد و آل محمد صلوات و رحمت فرست و گروهی می گویند: آل محمد مائیم، حضرت فرمود: جزء این نیست که آل محمد آن شخصی است که خداوند ازدواج او را بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حرام کرده است

انما آل محمد، من حرم الله عزوجل علی محمد نکاحه(۲)

در روایت دیگر، امام صادق فرمود: آل محمد دودمان و ذریه او هستند _ قلت لابی عبدالله من آل محمد؟ قال: ذریته(۳) امام صادق فرمود: شخصی که بر پیامبر اکرم، صلوات می فرستد مفهومیست و معنایش آن است که من بر سر پیمان خود باقی هستم و به بلی که در عالم ذر به سوال الست بر بکم (آیا من پروردگار شما نیستم _ اعراف آیه ۱۷۲) گفته ام وفا دارم؛

من صلی علی النبی فمعناه انی انا علی الميثاق و الوفاء الذی قبلت حین قوله: الست بر بکم قالوا بلی(۴)

مولا علی در تفسیر آیه ۵۶ سوره احزاب می فرماید: برای این آیه، ظاهری و باطنی هست، ظاهر آن این است که بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله صلوات بفرستید و باطن آن سلموا تسلیم، است یعنی تسلیم وصی و خلیفه او، که جامع فضل و عمل کننده به عهد و پیمان اوست، باشید

ص: ۳۴۸

۱- ۱. تفسیر الکبیر ج ۲۷ ص ۱۶۶

۲- ۲. معانی الاخبار صدوق ج ۱ ص ۲۲۱

۳- ۳. معانی الاخبار ج ۱ ص ۲۲۴، عیون الاخبار الرضاه شیخ صدوق ج ۱ ص ۶۹ و ص ۷۰؛

۴- ۴. معانی الاخبار ج ۱ ص ۲۶۹ باب ۵۰

والباطن قوله: وسلموا تسليما: ای سلموا لمن وصاه واستخلفه عليكم فضله و ما عهد به اليه تسليما (۱) روایاتی از منابع شیعه و سنی در باب فضیلت، صلوات و درود به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد عليهم السلام نقل کرده اند که خدمت موافق و مخالف عرضه می شود، رسول اکرم فرمود: هر گاه یکی از شما به تشهد نماز می پردازد بر او لازم و واجب است که صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد _ (۲)؛ نبی اکرم فرمود: دعای دعا کننده به هدف اجابت نمی رسد مگر اینکه پیش از آن بر محمد و آل محمد، درود و صلوات بفرستد _ (۳) جابر بن عبدالله انصاری می گفته است: هر گاه من نمازی بخوانم که در آن نماز بر محمد و آل محمد صلوات نفرستم، گمان ندارم که آن نماز مقبول درگاه الهی قرار بگیرد _

عن جابر: انه كان يقول لوصلت صلاه لم اصل فيما على محمد و على آل محمد ما رايت انها تقبل (۴)

از ابومسعود روایت کرده که گفته است: هر گاه نماز می گزارم و در آن نماز بر محمد و آل محمد درود نفرستم یقین دارم که نماز کاملی به جا نیاورده ام، رسول خدا فرمود: کسی که نماز بخواند و در آن نماز بر من و اهل بیتم، درود و صلوات نفرستد، نمازش قبول نخواهد بود _ (۵) _ من صلی صلوه و لم یصل فیها علی و علی اهل بیتی لم تقبل منه، ... لا یقبل صلاه الا بطهور و بالصلاه علی الدعاء (۶) محجوب حتی یصلی علی محمد و آله _ و لا صلاه لمن لم یصل علی النبی _ (۷) _ الدعاء موقوف بین السماء و الارض لا یصعد حتی یصلی علی (۸) شافعی در دیوان اشعارش می نویسد: ای اهل بیت پیامبر محبت شما بعنوان یک فریضه واجب در قرآن نازل شده است، در

ص: ۳۴۹

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۵۹۶، تفسیر نور الثقلین ج ۶ ص ۸۱

۲- ۲. مستدرک حاکم نیشابوری ج ۱ ص ۲۶۹

۳- ۳. صواعق المحرقة ابن حجر ص ۱۴۸،

۴- ۴. ذخائر العقبی طبری ص ۱۹، بیهقی در سنن ج ۲ ص ۳۷۹ و ج ۳ ص ۳۴۹

۵- ۵. سنن دارقطنی ج ۱ ص ۱۳۶، صواعق المحرقة ص ۲۳۳

۶- ۶. امتاع الاسماع مقریزی ج ۱۱ ص ۱۱۰، رشفه الصادی ۲۹ مسند احمد ج ۲ ص ۴۴۲، اسدالغابه ج ۳ ص ۱۱ _ مجمع

الزوائد ج ۹ ص ۱۶۹ و ج ۱۰ ص ۱۶ _ مجمع الاوسط ج ۱ ص ۲۲۰ _ رشفه الصادی، سید ابوبکر علوی حضر می ص ۲۹ الی

ص ۳۵ باب ۲، الدعاء

۷- ۷. تفسیر ابن کثیر ج ۶ ص ۴۵۷

۸- ۸. ینایع الموده ج ۲ ص ۴۳۴؛

عظمت مقام شما همین بس است که، هر که بر شما صلوات نفرستد، نمازش باطل است

یا اهل بیت رسول الله جبکم فرض من الله فی القرآن انزله ... کفاکم من عظیم القدر انکم من لم یصل علیم لاصلوه له
(۱)

هیچ دعایی نیست مگر آن که بین آن و خدای تعالی، حجابی است تا آنکه بر محمد و آل محمد صلوات بفرستند که در این هنگام آن حجاب پاره می شود و دعا به هدف اجابت می رسد، و اگر صلوات نفرستند دعا برمی گردد _ (۲) _ امام فخر رازی در تفسیر کبیر خودش ذیل آیه ۲۳ سوره شوری می نویسد: بهترین دعا درود بر پیامبر و آل او است الشفاء ج ۲ ص ۶۴، سبل الهدی و الرشاد ج ۱۱ ص ۱۰؛ ابن اثیر در نهاییه ج ۳ ص ۵۰ می نویسد: مکرر، کلمه صلوه و صلوات در قرآن کریم آمده و آن در شرع مقدس نام عبادتی است مخصوص؛ اصل صلوه در لغت به معنای دعاست و چون نماز، حاوی دعاست، مجموع این عبادت به نام جزئی از آن خوانده شده است، بعضی گفته اند اصل صلوه در لغت به معنای تعظیم است و این عبادت از آن جهت صلوه نامیده شده که تعظیم باری تعالی را در بر دارد؛ پس صلوات خداوند و ملائکه و امر، صلوات به امت اسلام تعظیم و تجلیل و تکریم از مقام حضرت محمد و آل محمد است و این احترام مخصوص خداوند به حضرت محمد و آل محمد است که شامل سایر پیامبران الهی نشده و به همین دلیل محکم، ائمه ۱۲ گانه شیعه و حضرت فاطمه و رسول اسلام بر تمام پیامبران و خلافتی افضلیت دارند _ نبی اکرم فرمود: خداوند فرمود ای محمد هر کس بر تو و آل تو یکبار صلوات بفرستد من در ازای آن، ۱۰ بار بر او صلوات می فرستم و ۱۰ گناه از او پاک می کنم و ۱۰ حسنه برای او می نویسم _ (۳) انبیاء الهی هم از سوی خداوند، مامور و موظف بودند که بر محمد و آل محمد، صلوات و درود بفرستند چون مقام محمد و آل محمد از تمام موجودات و پیامبران، افضل تر و بالاتر است، امام حسن عسکری می فرماید: خداوند، سبحان به چند دلیل،

ص: ۳۵۰

۱-۱. صواعق المحرقة ص ۸۸

۲-۲. کنز العمال هندی ج ۱ ص ۱۷۳

۳-۳. تفسیر مجمع البیان ج ۸ ص ۱۸۰،

حضرت ابراهیم را خلیل و دوست خاص خود گرفت، یکی از آن دلایل معنوی آن بود که ایشان، زیاد بر محمد و آل محمد صلوات و درود می فرستاد

انما اتخذ الله ابراهیم خلیلاً لكثره صلاته علی محمد و اهل بینه (۱)

نبی اکرم فرمود: هر کس بر من و آل من یکبار صلوات بفرستد خداوند ۱۰ بار بر او صلوات می فرستد (۲)، نبی اکرم فرمود: بخیل کسی است که نام من در نزد او ذکر و یاد شود ولی او بر من درود و صلوات نفرستد _ (۳) خداوند متعال در شب معراج احکام اذن و نماز، را به پیامبرش آموخت همچنین در نحوه تشهد خواندن نماز به او فرمود: ای محمد بر خودت و بر اهل بیتت صلوات بفرست و پیامبر اسلام نیز بر خودش و اهل بیتش صلوات فرستاد

ثم اوحی الله الیه یا محمد صل علی نفسک و علی اهل بیتک فقال صلی الله علی و علی اهل بیتی (۴)

در داستان حضرت یوسف آورده که چون روز چهارم شد؛ جبرئیل نزدش آمد و پرسید: ای پسر چه کسی تو را در این چاه انداخت؟ گفت: برادرانم که همه از یک پدرند. پرسید چرا؟ گفت: چون بر من حسد می بردند که چرا نزد پدر محبوبتر از ایشانم گفت: می خواهی از این چاه نجات پیدا کنی؟ گفت: بله جبرئیل این دعا را به او تعلیم داد که ذکر صلوات محمد و آل محمد در اواخر آن است، یعنی یوسف پیامبر با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد از چاه نجات پیدا می کند

یا صانع کل مصنوع و یا جابر کل مکسور و یا حاضر کل ملاء و یا شاهد کل نجوی و یا قریباً غیر بعید و یا مونس کل وحید و یا غالباً غیر مغلوب و یا علام الغیوب و یا حیاً لایموت و یا محیی الموتی لا له الا انت، سبحانک اسالک یا من له الحمد یا بدیع السماوات و الارض یا مالک الملک یا ذالجلال و الاکرام ان تصلی علی محمد و علی آل محمد و ان تجعل لی من امری و من ضیقی فرجاً و مخرجاً و ترزقنی من حیث احتسب و من حیث لا احتسب

یوسف پیامبر این دعا را که ذکر صلوات محمد و آل محمد زینت بخش آن است

ص: ۳۵۱

۱- ۱. بحار الانوار ج ۱۲ ص ۴

۲- ۲. صحیح مسلم ج ۱ ص ۳۰۶ کتاب الصلاه باب الصلاه النبوی، کنز العمال ج ۱ ص ۴۳۶

۳- ۳. مسند احمد ج ۱ ص ۲۰۱، سنن ترمذی کتاب دعا، باب قول رسول،

۴- ۴. اصول کافی ج ۳ ص ۴۸۶؛ ثعلبی در قصص الانبیاء ص ۱۵۷

خواند، از چاه نجات پیدا کرد و عزیز مصر شد با اینکه تصورش را نمی کرد (۱)

رسول اکرم فرمود: نزدیکترین افراد، در روز قیامت به من کسانی هستند که در دنیا زیاد بر من صلوات فرستاده باشند، و بطور یقین انبیا گذشته بخاطر اینکه به خداوند و رسول اسلام، تقرب بجویند، زیاد بر پیامبر اسلام، صلوات فرستاده اند و شرط قبولی و کاملی صلوات بر پیامبر صلوات بر آل پیامبر است که مصداق کامل و برتر آن ائمه هدی هستند و این دلیل کامل و واضح بر برتری حضرات چهارده معصوم بر تمام خلائق و پیامبران است در ذیل آیه ۵۶ سوره احزاب

ان اولی الناس بی یوم القیامه اکثرهم علی الصلاه (۲) _ ان اقربکم منی یوم القیامه فی کل موطن اکثرکم علی صلاه فی الدنیا، نبی اکرم فرمود: بر من صلوات ناقص و بریده نفرستید، صحابه عرض کردند ای پیامبر، صلوات ناقص کدام است؟ فرمود اینکه بگوئید خدایا بر محمد درود بفرست بلکه بگوئید خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست _

لا- تصلوا عل الصلاه البترا؛ فقالوا و ما الصلاه البترا؟ قال، تقولون: اللهم صل علی محمد و تمسکون بل: قالوا: اللهم صل علی محمد و علی آل محمد (۳)

چون آیه ۵۶ سوره احزاب بر نبی اکرم نازل شد، صحابه سوال کردند ای رسول خدا طریقه سلام کردن بر شما را دانستیم چگونه بر شما صلوات و درود بفرستیم؟ نبی اکرم فرمود: بگوئید: خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست (۴)

یا رسول الله قد علمنا کیف نسلم علیک، فکیف نصلی علیک، قال: فقولوا اللهم صل علی محمد و علی آل محمد.. (۵)

ص: ۳۵۲

۱- ۱. علی در کتب اهل تسنن ص ۶۵ _ آیه الله موسوی همدانی

۲- ۲. تفسیر بغوی ج ۶ ص ۳۷۲، تفسیر ابن کثیر ج ۶ ص ۴۶۴، الدر المنثور ج ۱۲ ص ۱۲۹

۳- ۳. صواعق المحرقه ص ۱۴۶ باب ۱۱ فصل ۱، آیه ۲؛ رشفه الصادی علوی حصرمی ص ۶۷، سنن ابی داود ج ۱ ص ۲۵۷ ح ۹۷۶ کتاب الصلاه، السنن الکبری نسایی ج ۶ ص ۱۷ ح ۹۸۷۵، مسند احمد حنبل ج ۴ ص ۱۱۸، فتح الباری ج ۱۱ ص ۱۵۹، تدریب الراوی ص ۳۲۴ سیوطی، المصنف ابن ابی شیبہ ج ۲ ص ۳۹۰، الفردوس دیلمی ج ۳ ص ۲۰۱ ح ۴۵۶۶؛ فیض القدر ج ۴ ص ۶۹۱ ح ۶۱۶۲، سنن الکبری بیهقی ج ۲ ص ۱۴۶؛ المصنف عبدالرزاق ج ۲ ص ۲۱۲ ح ۳۱۰۵، المستدرک حکم ج ۳ ص ۱۶۰ ح ۴۷۱۰

۴- ۴. صحیح بخاری ج ۷ ص ۴۳۴ ح ۱۲۲۶ کتاب الدعوات، باب الصلاه علی النبی

۵- ۵. صحیح مسلم ج ۱ ص ۳۰۵ ح ۶۵، ینابیع الموده ج ۲ ص ۴۳۳ ح ۱۹۳ باب ۵۹، صواعق المحرقه ص ۱۴۶، تفسیر کبیر رازی ج ۲۵ ص ۲۲۷

خداوند در آیه ۱۳۰ سوره صافات می فرماید: سلام بر آل یاسین، اکثر مفسران شیعه و سنی نوشته اند منظور از آل یاسین، آل محمد می باشد، امام رضا علیه السلام فرمود: مراد از یس، حضرت محمد است و ما آل یاسین می باشیم (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: منظور از یس حضرت محمد و ما اهل و آل یس هستیم (۲) مولا علی علیه السلام فرمود: یس محمد است و ما آل یاسین هستیم (۳)

فقد نقل جماعه من المفسرين عن ابن عباس ان المراد بذلك سلام على آل محمد (۴) عن علی فی قوله سلام على آل یاسین: قال یاسین محمد و نحن آل یاسین _ قال بعض المتکلمین فی معانی القرآن: آل یاسین آل محمد (۵)

جناب وهابی اموی مسلک، وقتی که ما وظیفه داریم هنگام ذکر نام مقدس رسول اسلام بر او و بلافاصله بر آل طاهرین او، صلوات بفرستیم و بدون ذکر صلوات بر محمد و آل محمد، نماز تمام مسلمین و مومنین؛ باطل و بی ارزش می شود؛ نمازی که ستون دین اسلام است و از واجبات اولیه دین اسلام می باشد، و به اقرار ابن حجر مکی اهل بیت معصوم پیامبر، قائم مقام و همانند رسول اسلام هستند خصوصاً در سلام و درود صلوات، این خودش به روشنی بیانگر این است که ائمه ۱۲ گانه شیعه و حضرت فاطمه زهرا، در مقامات عالی و الهی با رسول الله، برابر و مساوی و شریک و همتا هستند به جز در مقام نبوت خاصه و خاتم الانبیاء، یکی دیگر از فضائل بی نظیر مولا- علی که برای جناب وهابی خواندم و با پاسخ های واهی و عبث آنرا رد کرد، آیه ۷ و ۸ سوره بینه است، اما شبهات جناب وهابی علیه این آیه و فضیلت مولا علی، (۱) این آیه درباره کفر و ایمان است و ربطی به فضیلت و برتری علی بر پیامبران ندارد؟! (۲) در آیه ۷ سوره بینه لفظ جمع بکار برده کسانی که ایمان آوردند و عمل

ص: ۳۵۳

۱- ۱. امالی صدوق ص ۵۵۸

۲- ۲. معانی الاخبار ص ۱۲۲

۳- ۳. شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۶۵؛ الدر المنثور ج ۵ ص ۳۲۲۵، تفسیر ابن کثیر ج ۷ ص ۳۳، تفسیر روح المعانی ج ۱۲ ص ۱۳۵، رشفه الصادی ص ۵۶، مناقب ابن مردویه ص ۳۱۲، صواعق المحرقة ص ۱۴۶

۴- ۴. ص ۱۴۸، تفسیر کبیر رازی ج ۲۶ ص ۱۶۲، ما نزل من القرآن فی علی، ابونعیم النور المشتعل ص ۲۰۰

۵- ۵. تفسیر قرطبی ج ۱۵ ص ۱۰۷ مکتبه اسلام و ریب _ بحار الانوار مجلسی ج ۲۳ ص ۱۶۷

صالح انجام دادن (یعنی مومنان) و این آیه شامل تمام مومنان است!!!) در هیچ از منابع تفسیری و روایی اهل سنت در ذیل آیه ۷ و ۸ سوره بینه درباره اینکه علی بهترین بشر و شیعیان او، بهترین پیروان هستند، مطلبی نیامده!!! (۴) ما شیعیان علی هستیم (منظور جناب وهابی این است که وهابیت و سلفیت و اموی ها و پیروان سقیفه بنی ساعده و اتباع ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه و یزید شیعه مولا علی هستند؟!!!!)

اما جواب بلطف باری تعالی: لفظ ظاهری آیه این است که کسانی که ایمان بخدا دارند و عمل صالح؛ انجام می دهند آنان بهترین مردم هستند؛ تمام پیامبران فرشتگان و اجنه مومن و ائمه شیعه و اهل ایمان از افراد عادی همه اهل ایمان هستند و ایمان و اهل ایمان درجات و مراتبی دارد و دارند و این آیه شان نزول داشته یعنی به علتی و سببی این آیه بر قلب قدسی پیامبر اسلام نازل شده و این آیه می خواهد بگوید _ علی ابن ابی طالب بعنوان خلیفه جانشین امام بعد از نبی اکرم از حیث ایمان و عمل صالح از تمام اهل ایمان و صالحین که پیامبران بغیر از رسول اسلام، جزء آنان هستند و علی ابن ابی طالب از تمام اهل ایمان و مومنان افضل و برتر است بغیر از بر رسول اسلام، در این آیه ۷ و ۸ سوره بینه علی علیه السلام بعنوان بهترین بشر و مخلوق و آفریده خداوند و شیعیان و پیروان علی ابن ابی طالب بعنوان بهترین پیرو و تابعین هستند؛ اما روایات و تفاسیری که علمای اهل سنت در ذیل آیه ۷ و ۸ سوره بینه در فضیلت مولا علی و شیعیانش نقل کرده اند _ رسول اکرم فرمود: ای علی تو و پیروانت در بهشت بسر خواهید برد _ یا علی انت و شیعتک فی الجنة(۱) پیامبر اکرم در رابطه با تفسیر این آیه شریفه خطاب به امیر مومنان علی علیه السلام کرد و فرمود: یا علی هم انت و شیعتک(۲)

ص: ۳۵۴

-
- ۱- ۱. حلیه الاولیاء ابونعیم ج ۴ ص ۳۲۹، میزان الاعتدال ذهبی ج ۱ ص ۴۲۱ ح ۱۵۵۱
 - ۲- ۲. شواهد التنزیل ج ۲ ص ۳۵۶، مناقب خوارزمی ص ۶۲، فصول المهمه ابن صباغ ص ۱۰۷، نظم در الرسمین زرندی حنفی ص ۹۲، تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج ۲ ص ۴۴۲ ح ۹۵۱، ینابیع الموده قندوزی ص ۶۲، نور الابصار شبلنجی ص ۷۱، صواعق المحرقه ص ۹۶، تفسیر در المنثور سیوطی ج ۶ ص ۳۷۹، تفسیر طبری ج ۳۰ ص ۱۴۶، تذکره الخواص ابن جوزی ص ۱۸ فتح القدیر شوکانی ج ۵ ص ۴۷۷، تفسیر روح المعانی آلوسی ج ۳۰ ص ۲۰۷، فرائد السمطین حموئی ج ۱ ص ۱۵۶

والذی نفسی بیده ان هذه و شیعتہ لهم الفائزون يوم القيامة _ (۱) تاتی يوم القيامة انت و شیعتک راضین مرضیین یاتی عدوک غضاباً مقمحين _ (۲) اما ترضی انک معی فی الجنة و الحسن و الحسین و ذریتنا خلف ظهورنا و ازواجنا خلف ذریتنا و شیعتنا عن ایماننا و شمائلنا _ (۳) یا علی انک ستقدم علی الله انت و شیعتک مرضین، و تقدم اعدواک غضاباً مقمحين (۴)، یا علی ان الله قد غفر لک و لذریتک و ولدک و لاهلک و لشیعتک و لمحبی شیعتک (۵)

حاکم ابوالقاسم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل بیش از ۲۰ روایت در ذیل آیه خیر البریه (آیه ۷ و ۸) سوره مبارکه بینه در فضیلت مولا علی نقل کرده است عادت و روش اصحاب پیامبر اسلام، بعد از نزول آیه ۷ و ۸ سوره بینه این شده بود که هر گاه مولا علی بر آنان وارد و حاضر می شد می گفتند _ بهترین بشر و بهترین مردم آمد _ فکان علی، اذا اقبل اصحاب محمد: قد اتاکم خیر البریه بعد رسول الله (۶)، جاء خیر البریه، از جمله اخباری که اشاره دارد مولا علی طبق آیه ۶۱ سوره آل عمران معروف به آیه مباحله و آیه ۷ و ۸ سوره بینه، بهترین انسان و بهترین فرد عالم هستی بعد از رسول اسلام است؛ روایتی است که نبی اکرم فرمود: خوارج خروج می کنند بر بهترین فرقه مردم، آنگاه ابوسعید گفته است: شهادت می دهم که من حدیث را از رسول خدا شنیدم و شهادت می دهم که علی ابن ابی طالب با آنها جنگ نمود و من هم با آن

ص: ۳۵۵

-
- ۱- ۱. کنوز الحقائق مناوی ص ۸۲
 - ۲- ۲. کنز العمال ج ۱۵ ص ۱۳۷
 - ۳- ۳. صواعق المحرقة ابن حجر ص ۱۵۹
 - ۴- ۴. صواعق المحرقة ص ۱۵۲
 - ۵- ۵. النهایه ابن اثیر ج ۳ ص ۲۷۶، امالی صدوق ص ۲۵۱، بحار ج ۳۸ ص ۵ مناقب اهل البیت، شیروانی ص ۷۸، الغدیر علامه امینی ج ۲ ص ۵۸، اعیان الشیعه سید محسن امین ج ۱ ص ۳۱، فضائل امیرالمومنین ابن عقده کوفی ص ۲۱۹، تفسیر فرات کوفی ص ۵۸۳؛ امالی شیخ طوسی ص ۲۵۱، تفسیر نورالثقلین حویزی ج ۵ ص ۶۴۴، بشاره المصطفی ص ۱۴۹ عماد الدین طبری، مناقب آل ابی طالب ج ۲ ص ۲۶۷؛ گروه رستگاران آیت الله سلطان الواعظین شیرازی ج ۲ ص ۱۵۹۳، جواهر العقیدین سمهودی ج ۲ ص ۱۷۸، عقد دوم ذکر هشتم، تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۲۸۹ الفردوس دیلمی ج ۵ ص ۳۲۹، المعجم الکبیر طبرانی ج ۱ ص ۳۱۹ ح ۹۵، مناقب ابن مغزلی ص ۲۹۳، لسان المیزان ابن حجر ج ۴ ص ۳۵۴، مروج الذهب ج ۳ ص ۷، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۳۱، انساب الاشراف ج ۲ ص ۱۸۲ موده القربی ص ۹۰، الاغانی، ابوالفرج اصفهانی ج ۱۸ ص ۹۰،
 - ۶- ۶. شواهد التنزیل ح ۱۱۳۹

حضرت بودم و منظور از بهترین بشر که با گروه گمراه خوارج، جهاد می کند به امر خدا و رسول علی ابن ابی طالب است _

و یخرجون علی خیر فرقه من الناس (۱)

اما پاسخ به شبهه جناب وهابی که گفت ما شیعه علی هستیم نه شما؟! اما جواب: ابی حاتم رازی در کتاب الزینه ص ۲۵۹ ذکر القاب الفرق فی الاسلام، معنی الشیعه می نویسد: در زمان خود پیغمبر صحابه خاص آنحضرت را شیعه می خوانند؛ اولین نامی که در اسلام در زمان رسول خدا، بوجود آمد نام شیعه بوده است و چهار تن از صحابه دارای این لقب بودند _ (۱) ابوذر غفاری، سلمان فارسی مقداد ابن اسود و عمار بن یاسر،

ان الشیعه لقب لقوم كانوا قد الفوا امیرالمومنین علی ابن ابی طالب فی حیاة رسول الله و عرفوا به، مثل سلمان الفارسی و ابی ذر الغفاری و المقداد بن الاسود و عمار بن یاسر و غیرهم ... کان یقال لهم شیعه علی و اصحاب علی، فیروزآبادی در قاموس المحيط ج ۳ ص ۴۹ لغت شیعی؛ می نویسد: غالب شده است اسم شیعه بر هر کس که دوست بدارد علی علیه السلام و اهل بیت او را، تا آنکه گشته است شیعه مخصوصاً اسم از برای ایشان شهرستانی می گوید: شیعه کسانی هستند که بطور خاص از علی، پیروی کرده و به امامت و خلافت ایشان به نص و وصیت قائل شده اند _ الملل و النحل ج ۱ ص ۱۰۷؛ ابن خلدون می گوید: شیعه در لغت به معنای مصاحبان و پیروان است و در عرف فقها و متکلمین از خلف و سلف، بر پیروان علی و فرزندان او، اطلاق می شود _ مقدمه ابن خلدون ص ۱۳۸؛ میرسید شریف جرجانی می نویسد: شیعه کسانی هستند که از علی پیروی کرده و قائل به امامت او بعد از رسول خدا هستند و معتقدند که امامت از او و اولادش خارج نمی شود _ التعریفات حرف شین ص ۵۷؛ ابن خلدون می نویسد: جماعتی از صحابه، شیعه علی بودند و او را سزاوار خلافت می دانستند (۲) فرید و جدی می گوید: شیعه کسانی هستند که علی را در

ص: ۳۵۶

-
- ۱- ۱. مجمع الزوائد ج ۶ ص ۲۳۹ _ مناقب ابن مغزلی؛ هم شرالخلق و الخلیفه یقتلهم خیر الخلق و الخلیفه ح ۷۹ _ المدونه الکبری، امام مالک ج ۲ ص ۴۹ السنن الکبری؛ نسائی ج ۵ ص ۱۵۹، خصائص امیرالمومنین، نسائی ص ۱۳۸، لسان العرب ج ۱۱ ص ۲۹۸ معجم الاوسط ج ۴ ص ۵۵۵
 - ۲- ۲. تاریخ ابن خلدون ج ۳ ص ۳۶۴،

امامت پیروی کرده و معتقدند که امامت از اولاد او خارج نمی‌گردد و نیز معتقد به عصمت امامان از گناهان کبیره و صغیر اند و قائل به تولی و تبری در قول و فعلند مگر در حال تقيه _ (۱)؛ استاد محمد کردعلی می‌گوید: گروهی از اکابر صحابه، معروف به موالیان علی در عصر رسول خدا بودند از آنجمله سلمان فارسی است که می‌گفت: ما با رسول خدا بیعت کردیم بر خیرخواهی مسلمانان و اقتدا به علی ابن ابی طالب (۲) دکتر صبحی صالح می‌نویسد: در میان صحابه حتی در عصر؛ پیامبر اکرم، برای علی، پیروان و شیعیانی بوده است از آنجمله ابوذر غفاری، مقداد، جابر بن عبدالله، ابی بن کعب، ابوالطفیل بن واثله، ... النظم الاسلامیه ص ۹۶؛ ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ج ۱۸ ص ۳۹ می‌نویسد: سلمان فارسی از شیعیان و پیروان و اصحاب خاص، عل ابن ابی طالب بود _ و کان سلمان من شیعه علی و خاصته، دائره المعارف ج ۱۴ ص ۵۸؛ ابن عبدالبر در الاستیعاب ج ۳ ص ۴۰ می‌نویسد: شیعه پیرو اهل بیت است، شیعیان طبق هدایتها و رهبری های اهل بیت عمل می‌کنند و به آثار و سنت آنان پایبندند

ان الشيعة يتبعون اهل البيت و يهندون بهم و يقتفون آثار هم و يحتجون بالسنه المنقوله اليهم،

شیعیان مولا علی کسانی هستند که در سقیفه بنی ساعده می‌گفتند: ما جزء با علی بیعت نمی‌کنیم لانبايع الاعلیاً (۳)

الفصل السادس الشيعه الذين شايعوا علياً رضی الله عنه علی الخصوص و قالوا بامامته و خلافته نصاً و وصیه، اما جلیا و اما خفیا و اعتقدوا ان الامامه لاتخرج من اولاده....(۴)

الشيعة هم الذين شايعوا علياً رضی الله عنه قالوا: انه الامام بعد رسول الله و اعتقدوا ان الامامه لاتخرج عنه و عن اولاده (۵)

ص: ۳۵۷

۱-۱. دائره المعارف ج ۵ ص ۴۲۴

۲-۲. خطط الشام ج ۵ ص ۲۵۱؛

۳-۳. تاريخ طبري ج ۳ ص ۲۰۲، كامل، ابن اثير ج ۳ ص ۳۲۵،

۴-۴. الملل و النحل شهرستانی ج ۱ ص ۱۶۹

۵-۵. التعريفات جرجانی ج ۱ ص ۱۲۹

ابن حجر مکی در کتاب صواعق المحرقة ج ۲ ص ۴۴۹ طبق سایت مکتبه شامله می نویسد: شیعیان علی همان اهل سنت هستند زیرا، آنها هستند که علی را آنطور که خدا و رسول فرمان داده دوست دارند و اما غیر از اهل سنت همه دشمنان علی می باشند زیرا محبتی که خارج از شرع بوده و از راه هدایت انحراف دارد، در حقیقت بزرگترین دشمنی است

و شیعتہ هم اهل السنہ لانہم الذین احبہم کما امر اللہ و رسولہ و اما غیر ہم فاعداءہ فی الحقیقہ لان المحبہ الخارجہ عن الشرع اولاً این سخن، ابن حجر مکی، شبیه کلام و حرف، جناب وهابی است که به من گفت: ما شیعه و پیرو علی علیه السلام هستیم، اما جواب، حرف ابن حجر و جناب وهابی، بدان کلمه و عبادت شیعه در لغت به معنای، پیرو هست نه به معنای مُحب و دوست، ثانیاً: این معنا با معنای اصطلاحی شیعه نیز، سازگاری ندارد، زیرا شیعه در اصطلاح به گروهی اطلاق می شود که از اهل بیت عصمت و طهارت، پیروی کرده و قائل به امامت و وصایت آنها می باشند، که اقوال بعضی از مورخین اهل سنت درباره لفظ شیعه در طول تاریخ که پیروان مولا علی، معمولاً اطلاق می شود از نظر شما گذشت، ثالثاً: به ابن حجر و جناب وهابی می گوئیم اگر شیعیان علی همان اهل سنت هستند که محب او هستند، آنگونه که در کتاب و سنت آمده؛ پس چرا در مدح دشمنان مولا علی، کتاب تالیف کرده و آنها را می ستایند؟! مگر خود ابن حجر نیست که در رساله مستقلی در دفاع از معاویه بنام، تطہیر الجنان تالیف کرده است؟ آیا دشمنی معاویه نسبت به امام علی برای ابن حجر، معلوم نبوده است؟! شما چگونه اهل بیت عصمت را دوست دارید در حالی که بزرگان آنان امثال محمد اسماعیل بخاری صاحب کتاب صحیح البخاری از نواصب و دشمنان مولا علی، از جمله عمران بن حطان روایت نقل می کند ولی نسبت به اهل بیت یا بی توجهی کرده و یا اصلاً روایتی نقل نمی کند؟! اما پاسخ به شبهه و کذب دیگر جناب وهابی گفتمی چون بیشترین روایت را از مولا علی نقل کردیم ما شیعه علی هستیم نه شما که یک روایت صحیح از اهل بیت نقل نکردید؟! بدان ای جناب وهابی اموی مسلک، بیشترین روایات شما، از ابوهریره حدیث ساز و حدیث جعل کن هست، ابوهریره از جهت نقل حدیث گوی سبقت را از

همه صحابه ربوده است و بعضی از منقولات او را به ۵۳۷۴ _ ۵ هزار و سیصد و هفتاد و چهار، حدیث تحدید نموده اند و بخاری از آنها فقط ۴۴۶ حدیث انتخاب و نقل نموده است؛ اما مجموعه احادیثی که اهل سنت از مولا علی نقل کرده اند ۵۸۶ حدیث است _ (۱) جالب است، ابوهریره بیش از ۳ سال با پیامبر اکرم نبوده، چندین هزار حدیث از نبی اسلام نقل کرده ولی مولا علی از دوران خردسالی تا زمانی که سر مبارک پیامبر در دامنش بوده و رحلت کرده فقط از ایشان ۵۸۶ حدیث نقل کرده اید، آیا این با منطق عقل و تاریخ و قرآن سازگار است؟! _ (۲) _ در تاریخ اهل سنت آمده که ابوهریره شخصی کذاب و افتراء زن به پیامبر اسلام بود و حتی خلیفه دوم عمر ابن الخطاب، با تازیانه او را می زد و می گفت کمتر دروغ نسبت به پیامبر بده، ابوهریره می گفت: سفره و غذای معاویه چرب تر و نماز پشت سر علی خواندن افضل است تا آنکه معروف شد به شیخ المضیره، مضیره، خوراکی است که با شیر، درست می کنند و غذایی بود، مخصوص معاویه _ (۳) از جمله کسانی که از طرف معاویه، حدیث در مذمت و طعن، مولا علی، وارد می ساختند، ابوهریره بوده است (۴)، ابوهریره از جمله کسانی بود که با بسربن ارتطاف در ظلم و کشتن شیعیان، شرکت و همکاری داشته است (۵)

اما منابعی که اشاره کرده اند، جناب خلیفه دوم، عمر ابن الخطاب، ابوهریره را تازیانه زد، جهت کثرت روایات نقلی و جعلی که نسبت به نبی اکرم می داد _ (۶)

ص: ۳۵۹

-
- ۱- ۱. الاصابه ابن حجر ج ۴ ص ۲۰۵
 - ۲- ۲. صحیح بخاری ج ۴ ص ۱۷۵ (در بخش آنچه ابوهریره درباره خود روایت کرده است باب علامات النبوه)
 - ۳- ۳. ربیع الابرار، زمخشری ج ۳ ص ۳۷۰
 - ۴- ۴. شرح نهج البلاغه ج ۴ ص ۶۳ خطبه ۵۶
 - ۵- ۵. تاریخ طبری ج ۴ ص ۱۰۶، الکامل ابن اثیر ج ۳ ص ۳۸۴ تاریخ ابن خلدون ج ۳ ص ۴ و ص ۵ شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۳۴۰ خطبه ۱۵، برای اطلاع از شرح حالات ابوهریره که چه زمانی اسلام آورده و کی وفات کرده و چقدر حدیث جعلی نقل کرده به این منابع مراجعه فرمائید _ طبقات ابن سعد ج ۱ ص ۲۶۵، اصابه ابن حجر ج ۷ ص ۳۵۹، صحیح بخاری ج ۵ ص ۴۲ ح ۱۱۹ کتاب المناقب؛ اصابه ابن حجر ج ۷ ص ۳۶۲ ش ۱۰۶۸۰ مستدرک حاکم ج ۳ ص ۵۸۱ ح ۶۱۵۴ کتاب معرفه الصحابه، استیعاب ابن عبدالبر ج ۴ ص ۱۷۷۲ ش ۳۲۰۸
 - ۶- ۶. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۶ ص ۱۶۵ خطبه ۴۰، طبقات الکبری ابن سعد ج ۴ ص ۲۵۰ ش ۵۲۰؛ الاصابه ابن حجر ج ۷ ص ۳۶۰ ش ۱۰۶۸۰، عقد الفرید ابن عبدالبر ج ۱ ص ۳۴، صحیح مسلم ج ۱ ص ۶۰ ح ۵۲ کتاب الایمان، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۵۰ ص ۱۷۲ ش ۵۸۱۷؛ کنز العمال هندی ج ۱۰ ص ۲۹۱ ح ۲۹۴۷۲؛

یا عدو الله و عدو كتابه اسرقت مال الله؛ _ فقال عدو الله و للاسلام او قال عدو الله و لكتابه سرقت مال الله، ...

مولا علی فرمود: بدانید که دروغگوترین مردم به رسول خدا، ابوهریره دوسی می باشد _ الا ان الکذب الناس او قال اکذب الاحیاء علی رسول الله، ابوهریره الدوسی _ (۱)، مکرر، عایشه همسر نبی اکرم، ابوهریره را طرد می نمود و می گفت: ابوهریره کذاب است و از قول رسول خدا، بسیار جعل حدیث می نماید (۲).

و کانت عائشه اشد هم انکاراً علیه لتناول الايام بهاوبه (۳)

خود ابوهریره حدیث جعل کن راوی منابع حدیثی اهل سنت می گوید: من نیز چون فقیر و گرسنه بودم، برای پُر کردن شکم خود دنبال رسول خدا راه افتاده بودم (۴).

و كنت امرأ مسکینا الزم رسول الله علی ملء بطنی

بدان ای جناب وهابی، روایات اهل سنت به اقرار، ابن خلدون و ابن کثیر پر از احادیث اسرائیلیات برگرفته از تورات از مطالب بی اساس و دروغ بوده است (۵) دارقطنی می گوید: احادیث صحیح میان، احادیث دروغ به اندازه موی سفید در پوست گاو سیاه است _ (۶) ذهبی می گوید: سه چهارم احادیث موجود؛ دروغ است (۷) ذهبی می نویسد: کعب الاحبار، دانشمند آگاه یهودی بود که در دوران حکومت عمر ابن الخطاب مسلمان شد و از اسرائیلیات خود برای صحابه نقل روایت کرد _ (۸)؛ جناب وهابی این هم پاسخ به شبهه شما که فرمودی ما وهابیت و اهل سنت شیعه علی هستیم چون زیاد از ایشان روایت نقل کردیم پس معلوم شد شماها از چه کسی بیشتر روایت نقل

ص: ۳۶۰

۱- ۱. شرح نهج البلاغه ج ۴ ص ۶۸ خطبه ۵۶ و ج ۲۰ ص ۲۴ کلمات قصار ۴۱۳

۲- ۲. تاویل مختلف الحدیث ابن قتیبه ص ۸۹

۳- ۳. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۵۸۲ ح ۶۱۶۰؛ تلخیص المستدرک ذهبی ج ۳ ص ۵۰۹، صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۹۴۰ ح ۱۶۰

۴- ۴. صحیح بخاری ج ۱ ص ۵۵ ح ۱۱۸ کتاب العلم

۵- ۵. مقدمه ابن خلدون ج ۱ ص ۴۳۹، تفسیر القرآن العظیم ج ۴ ص ۱۸ و ج ۳ ص ۳۶۷؛

۶- ۶. حیات محمد از محمد حسین هیکل ص ۴۹،

۷- ۷. سیر اعلام النبلاء ج ۷ ص ۲۲۶،

۸- ۸. سیر اعلام النبلاء ج ۳ ص ۴۸۹

کردید و او چه شخصیتی داشته و وضع روایات شما چگونه است!!! قبل از آنکه پاسخ دهم بلطف حق، به شبهه و شبهات دیگر شما، به این اشکالی که به فضیلت مولا علی در ذیل آیه ۱۰۹ سوره کهف گرفتی، که گفتی این حدیث مسخره هست مثلاً اگر خلیج فارس پر از مرکب شود و درختان ایران تبدیل به قلم شوند نمی توانند مثلاً فضائل صحابه یا مثلاً فضائل صحابه یا علی را بنویسند، قابل قبول برای عقل نیست؟! بدان در روایات شما، مولا علی، در ذیل آیه ۱۹ سوره مبارکه الرحمن، تعبیر به دریا شده است، دریای فضائل، دریای کرامات و ... جای تعجب نباید باشد که وجود مبارک و مقدس مولا علی از دریای ظاهری و دنیوی فراتر است _ عن جویر عن الضحاک فی قوله تعالی (مرج البحرین یلتقیان)

قال: علی و فاطمه (بینهما برزخ لایبغیان) قال: النبی (یخرج منهما اللؤلؤ و المرجان) قال: الحسن و الحسین _ (۱)؛ و اخرج ابن مردویه عن ابن عباس فی قوله: مرج البحرین یلتقیان قال: علی و فاطمه ... (۲) _ عن جعفر الصادق علیه السلام: فی تفسیر هذه الایه قالوا: علی و فاطمه بحران عمیقان لایبغی احدهما علی صاحبه و بینهما برزخ هو رسول الله، یخرج منهما اللؤلؤ و المرجان هما الحسن و الحسین (۳)

یکی دیگر از فضائل بی نظیر مولا- علی که برای جناب وهابی خواندم و با تمسخر تمام آنرا رد کرد قسمتی از آیه ۴۷ سوره حجر و تفسیر ذیل آن است، اما با تحقیق کوچکی که حقیر از کتب معتبر و مهم اهل سنت نمودم بیش از ۱۵ منابع روایی و حدیثی اهل سنت آنرا نقل کرده اند، در بخشی از این ۴۷ آیه سوره حجر، خداوند می فرماید: همانند برادر بر روی سریرها و تخت های زربافت و مجلل بهشتی در مقابل

ص: ۳۶۱

۱- ۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی ج ۲ ص ۲۸۴ ح ۹۱۸، مناقب ابن مغازلی ص ۳۳۹ ح ۳۹۰، مناقب ابن مردویه ص ۳۲۸ ح ۵۴۷؛ تفسیر در المنثور سیوطی ج ۶ ص ۱۹۵ نور الابصار شبلنجی ص ۲۲۶، ینایع الموده قندوزی ج ۱ ص ۳۵۴؛ الکشف و البیان ثعلبی ج ۹ ص ۱۸۲؛ تذکره الخواص ابن جوزی ص ۲۱۲؛ مقتل الحسین خوارزمی ج ۱ ص ۱۶۸؛ تفسیر روح المعانی آلوسی ج ۱۴ ص ۱۰۶؛ فصول المهمه ابن صباغ مالکی ج ۱ ص ۱۵۰ ما نزل من القرآن فی علی ابونعیم با استفاده از النور المشتعل ص ۲۳۶؛ تفسیر روح البیان ج ۹ ص ۲۹۶؛ غایه النهایه ج ۱ ص ۵۴۷ الجزری

۲- ۲. الدر المنثور سیوطی ج ۱۴ ص ۱۱۶ و ص ۱۱۷ مکتبه اسلام ویب (وهابی ها) تفسیر روح المعانی ج ۱۷ ص ۱۰۷، سایت اسلام ویب وهابی ها

۳- ۳. مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۳۱۸، تفسیر فرات الکوفی ص ۴۶۰ ح ۶۰۰ غایه المرام ص ۴۱۳ باب ۱۵۳ ح ۴، توضیح الدلائل ایجی ص ۱۶۶، کشف الغمه ج ۱ ص ۳۲۳، کشف الیقین ص ۳۹۶

یکدیگر، تکیه می زند خود نبی اکرم بعنوان مفسر قرآن کریم می فرماید: ای علی من تو را به عنوان برادر معنوی برگزیدم و منزلت تو پیش من همانند منزلت و رتبه هارون پیش موسی است و تو وارث من می باشی؛ مولا علی از نبی اکرم سوال کرد من چه چیزی از شما به ارث می برم؟ رسول اکرم فرمود: کتاب خدا و سنت من، ای علی تو در بهشت با من هستی در قصر و کاخ من همراه با دخترم فاطمه زهرا، و تو برادر و رفیق من در بهشت هستی و بعد نبی اکرم قسمت مورد نظر آیه ۴۷ سوره حجر را تلاوت فرمود که می فرماید: برادرانه رو به روی هم بر تخت های بهشتی نشسته اند _ والذی بعثنی بالحق ما اخرتک الا لنفسی فانت عندی بمنزله هارون من موسی و وارثی فقال: یا رسول الله ما ارث منک؟ قال: ما اورثت الانبیاء قال: کتاب الله و سنه نبیهم و انت معی فی قصری فی الجنه مع فاطمه بنتی و رفیقی ثم تلا رسول الله الایه: اخوانا علی سرر متقابلین؛ الاخلا- فی الله ینظر بعضهم الی بعض (۱) _ قال علی ابن ابی طالب: یا رسول الله ایما احب الیک انا ام فاطمه؟ قال: فاطمه احب الی منک و انت اعز علی منها و کانی بک و انت علی حوضی تذود عنه الناس و ان علیه لاباریق مثل عدد نجوم السماء و انی و انت والحسن و الحسین و فاطمه و عقیل و جعفر فی الجنه اخوانا علی سرر متقابلین و انت معی و شیعتک فی الجنه ثم قرأ رسول الله: اخوانا علی سرر متقابلین لا ینظر احدهم فی قفاء صحابه (۲)

و انت اخی و رفیقی ثم تلا رسول الله: اخوانا علی سرر متقابلین، (۳)

و این آیه و تفسیرش که نظر شما گذشت فضیلت بی نظیر مولا- علی است و هیچ پیامبری غیر از رسول اسلام با او در این فضیلت شریک نیست، نبی اکرم فرمود: علی برادر من است و هر کس غیر از او این ادعا را بکند دروغگو است و علی در دنیا و

ص: ۳۶۲

۱- ۱. المعجم الکبیر؛ طبرانی ج ۵ ص ۲۲۰ ح ۵۱۴۶ _ (مکتبه شامله و اسلام ویب) المعجم الاوسط، طبرانی ج ۷ ص ۳۴۳ ح ۷۶۷۵

۲- ۲. فضائل الصحابه احمد حنبل ج ۲ ص ۶۳۸ ح ۱۰۸۵ و ج ۲ ص ۶۶۶ ح ۱۱۳۷ الثقات ابن حبان ج ۱ ص ۱۴۲، سیر اعلام النبلاء ذهبی ج ۱ ص ۱۴۲، ریاض النضره طبری ج ۳ ص ۱۸۲

۳- ۳. المناقب المرتضویه، محمد صالح کشفی ترمذی حنفی ص ۸۵، تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۵۳ و ج ۲۱ ص ۴۱۶، مناقب خوارزمی ص ۱۵۲ ح ۱۷۸؛ ینابیع الموده قندوزی ج ۱ ص ۳۹۵ و ص ۱۶۰ و ص ۱۷۸؛ مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۲۷۰؛ تذکره الخواص ابن جوزی ص ۲۳ الکامل فی ضعفاء الرجال، ابن عدی ج ۴ ص ۱۶۳، الاحاد و المثانی، ابن ابی عاصم ج ۵ ص ۱۷۰ مجمع الزوائد هیثمی ج ۹ ص ۱۷۳ ح ۱۵۰۱۶ _ و بقیه رجاله ثقات

ان النبي آخى بين الناس و ترك علياً حتى بقى آخرهم لا-يرى له اخاً فقال: يا رسول الله، آخيت بين الناس و تركتني؟ قال: ولم ترانى تركتك؟ انما تركتك لِنفسى، انت اخى و انا اخوك، فان ذاكرك احد فقل: انا عبدالله و اخو رسوله؛ لا يدعيها بعد الا كذاب (۱)

اولاً بدان ای وهابی ناصبی طبق آیه تطهیر و حدیث ثقلین؛ روایات در باب عصمت اهل بیت و ادله فراوان دیگر از کتب شیعه و سنی؛ آثار و آلودگی ها و نجاسات ظاهری و باطنی عصر جاهلیت به خاندان عصمت و اهل بیت رسالت اصابت نکرده که مفسران نامی شما در ذیل آیه ۴۷ سوره حجر نوشته اند؛ امام علی علیه السلام غل جاهلیت با صحابه داشته است برای اینکه مطلب برای جناب وهابی مبرهن و روشن شود به سخنان گهربار؛ خاندان عصمت و رسالت توجه می کنیم بطور اختصار - به سند معتبر از نبی اسلام روایت شده است که فرمود: حق تعالی من و علی و فاطمه و حسن و حسین را هفت هزار سال پیش از خلقت دنیا آفرید؛ معاذ گفت: ای پیامبر کجا بودید؟ حضرت فرمود: در عرش بودیم و خدا را تسبیح و تمجید می کردیم پرسید به چه صورت بودید؟ فرمود: ابتدا، اشباحی از نور بودیم اما هنگامی که خداوند خواست صورتمان را خلق کند ما را به شکل ستونی از نور در صلب آدم جای داد و آنگاه از صلب های پدران و رحم مادران بیرون آورد و نجاسات شرک و زنا و کفر به ما نرسید - علل الشرایع صدوق ج ۱ ص ۶۷۶ باب ۱۵۶ حدیث ۱۱ - ولا یصننا نجس الشرک و لاسفاح الکفر - امام صادق علیه السلام فرمود: تطهیر ما از آلودگی ها جاهلیت بوده و هیچ وقت به نجاسات جاهلیت آلوده نشده ایم - انما تطهیرا من میلاد الجاهلیه - لم ینجسنی الجاهلیه بانجاسها - بحارالانوار ج ۹۲ ص ۱۱۰ و ج ۱۵ ص ۱۱۸؛ تفسیر تبیان ج ۴ ص ۱۷۵؛ در زیارت وارث می خوانیم ای ابا عبدالله شهادت می دهم تو نوری بود در کمرهای شامخ و ارحام مطهرات که هیچ وقت آلوده به نجاسات عصر جاهلیت نه خودت و نه آبا و امهات نشدند - اشهد انک کنت نوراً فی الاصلاب الشامخه و الارحام المطهره لم تنجسک

ص: ۳۶۳

الجاهلیه بانجاسها - اصلاً ای وهابی کور دل ؛ مردم عصر جاهلیت عرب که خلفای ثلاثه شما هم قبل از اسلام آوردنشان جزء آنان بودند بوسیله پیامبر و اهل بیت پیامبر ؛ رهنمون به نور اسلام و قرآن شدند و به ظاهر از جاهلیت و نجاسات جاهلیت عرب دست کشیدند ؛ مولا علی به گروه مهاجر و انصار فرمود : ای طایفه قریش به سبب چه کسی خداوند فضیلت (مسلمانی) را به شما داده است ؟ گفتند : بوسیله حضرت محمد و اهل بیتش ؛ خداوند ما را هدایت کرد - فرائد السمطين جوينی ج ۲ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰ - ینابیع الموده ج ۲ باب ۳۸ ص ۲۱۲ - فانا أسألکم یا معشر - قریش و الانصار بمن أعطاکم الله هذا الفضل ... قالوا : بل اعطانا الله و من علينا بمحمد و عشیرته - مولا علی می فرماید : خداوند بوسیله عترت پیامبر ؛ پشت خمیده ی دین اسلام را ؛ راست نمود و لرزش و اضطراب آن را از میان برداشت زیرا عترت پیامبر ؛ جایگاه اسرار خداوندی و پناهگاه فرمان الهی و مخزن علم خدا و مرجع احکام اسلامی و نگهبان کتاب های آسمانی و کوه های همیشه استوار دین خدایند - نهج البلاغه خطبه (۲) شماره ۴ و ۶ ص ۴۳ الی ص ۴۵ - بهم اقام انحاء ظهره و اذهب ارتعاد فرائضه - مولا علی فرمود : شما مردم بوسیله ما از تاریکی های جهالت نجات یافته و هدایت شدید و به کمک ما به اوج ترقی رسیدید - نهج البلاغه خطبه ۴ ص ۴۹ شماره ۱ - بنا اهتدیتم فی الظلماء و تسنتم ذروه العلیاء و بنا افجرتم عن السرار - نهج البلاغه خطبه ۸۷ ص ۱۴۹ - و هم از مه الحق و اعلام الدین و السنه الصدق - نهج البلاغه خطبه ۹۴ ص ۱۷۷ ش ۳ - عترته خیر العتر و اسرته خیر الاسر - خطبه ۱۰۹ ش ۸ ص ۲۰۹ - نحن شجره النبوه و محط الرساله و مختلف الملائکه و معادن العلم و ینابیع الحکم - خطبه ۱۴۴ ش ۲ ص ۲۶۵ مولا علی می فرماید : خداوند ما اهل بیت پیامبر را بالا آورد ... ما را در حریم نعمت های خویش داخل کرد ... که مردم راه هدایت را با رهنمودهای ما می پویند و روشنی دل های کور ؛ را از ما می جویند - ان رفعنا الله ... و اعطانا ... و ادخلنا... بنایستعطی الهدی و یستجلی العمی - خطبه ۱۵۲ ص ۲۸۱ ش ۲ - خطبه ۱۵۴ ص ۲۸۵ ش ۱ - نحن الشعار و الاصحاب و الخزنه و الابواب ... فیهم کرائم القرآن و هم کنوز الرحمن ... خطبه ۱۶۱ ص ۳۰۳ ش ۱ ؛ خطبه ۲۳۹ ص ۴۷۵ - هم عیش العلم و موت الجهل

... مولا علی فرمود: اهل بیت پیامبر هیچ وقت با حق مخالفت نکردند و در آن اختلاف ندارند آنان ستون های استوار دین و پناهگاه مردم هستند حق بوسیله آنان به جایگاه خویش بازگشت و باطل از جایگاه خویش رانده شد - لایخالفون الحق - نامه ۱۷ ش ۲ ص ۴۹۶

مولا علی به معاویه لعین فرمود: فضیلت نبوت در اختیار ماست که با آن عزیزان را ذلیل و خوارشدگان را بزرگ کردیم و آن گاه خداوند امت عرب را فوج فوج به دین اسلام در آورد - فضل النبوه التي اذ للنابها العزیز و نعشناها الذلیل - خطبه ۴ ش ۲ ص ۴۹ - ما شککت فی الحق مذاریته - جناب وهابی مفسران سنی و وهابی در ذیل آیه ۴۷ سوره حجر؛ دچار تناقض فراوان و جدی هستند گفته اند که این آیه درباره امام علی و ابوبکر و عمر و عثمان نازل شده که در عصر جاهلیت غل و سیاهی جاهلیت با هم داشته اند طبق متون تاریخی، حدیثی و قرآنی از کتب شیعه و سنی و اهل تفسیر؛ مولا علی؛ مبراء بوده از نجاسات و سنت های آلوده عصر جاهلیت و از دوران کودکی و خردسالی با نبی اکرم رشد و نمو کرده است و زیر نظر و تحت اشراف منور نبی اسلام بوده است؛ مولا علی می فرماید: پیامبر مرا در اتاق خویش می نشانند در حالی که کودک بودم مرا در آغوش خود می گرفت و در بستر مخصوص خود می خوابانید؛ بدنش را به بدن من می چسباند و بوی پاکیزه خود را به من می بویاند و گاهی غذایی را لقمه لقمه در دهانم می گذارد هرگز دروغی در گفتار من و اشتباهی در کردارم نیافت ... و من همواره با پیامبر بودم چون فرزند که همواره با مادر است؛ پیامبر هر روز نشانه تازه ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می فرمود و به من فرمان می داد که به او اقتداء نمایم پیامبر چند ماه از سال را در غار حراء می گذراند؛ تنها من او را مشاهده می کردم و کسی جز من او را نمی دید ... من نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را می بویدم ... پیامبر فرمود: ای علی تو آنچه را من می بینم می بینی و آنچه را من می شنوم می شنوی جزء آنکه تو پیامبر نیستی بلکه و زیر من بوده و به راه خیر می روی - نهج البلاغه خطبه ۱۹۲ ش ۱۷ ص ۳۹۹ و ش ۱۸ ص ۴۰۰ - انک تسمع ما اسمع و تری ما اری الا انک لست بنبی و لکنک لوزیر و انک لعلی خیر - و ش ۱۹ ص ۴۰۱ - در کتب حدیثی و تاریخی و

لغوی اهل سنت آمده ؛ امیر مومنان علی ؛ جدا شده و دور شده و منز و مبراء بوده از شرک و آلودگی های جاهلیت - النهایه ابن اثیر ج ۵ ص ۴۲ الا نزع من الشرک - تذکره الخواص ابن جوزی ج ۱ ص ۱۱۸ و یسمى الا نزع لانه کان انزع من الشرک بحار ج ۳۵ ص ۵۳ ؛ مناقب ابن مغزلی ج ۱ ص ۴۶۷ ح ۴۵۵ - فابشر فانک الا نزع البطین ؛ المنزوع من الشرک ؛ لوامع الانوار البهیة ج ۲ ص ۳۳۵ سفارینی ؛ مطالب السوول فی مناقب آل الرسول ابن طلحه شافعی ج ۱ ص ۶۷ ؛ مطالبی جالب در این زمینه ابن طلحه شافعی دارد که نظر شما را به آن معطوف می کنم ؛ آن حضرت (امام علی) چون تحت تربیت مستقیم نبی اسلام قرار داشت و از راه و روش او پیروی می نمود ؛ شبانه روز گوش به فرمان پیامبر بود و جامه پیروی او را به تن داشت و همه کوشش و توجه خود را در پیروی آن حضرت بکار می برد اگر می خواهی در مورد شخصیت فردی اطلاع پیدا کنی از رفیق و همنشین او سوال کن و از خودش نپرس زیرا که هر همنشینی در اعمال و رفتار به همنشین خود اقتداء می کند ؛ خداوند از انوار نبوت که در آفاق منتشر شده بود ؛ در او تایید و او را جانی پاکیزه بخشید و به خاطر صفایی که نفس پاک او داشت خداوند قابلیت پذیرش همه خوبی های پسندیده و کرامت های اخلاقی را به او عطاء نمود و با داشتن نوری چنین از نزدیک شدن به کدورت کفر و ناخالصی و آلودگی به نفاق پاک ماند ؛ و بدان پاکیزگی از ظلمات شرک و آلودگی های دروغ و افتراء به کلی جدا مانده لذا وقتی که نفس پاکش به واسطه دوری از گناهان و اشتیاق به خوبی ها برتری یافت شایسته ملقب شدن به صفت انزعت شد و بدان لقب معروف گردید - و نزع نفسه عن ارتکاب السيئات ... اغتدی احق بصفه الا نزعیه ... لفظه الا نزع من المدائح ... خصه الله من انوار النبوه المنتشره فی الافاق بنفس زکیه ... فتزعت لطهارتها عن ظلمات الشرک ... - مطالب السوول ج ۱ ص ۶۸ و یکی از صفاتی که خود برادران اهل سنت به مولا علی نسبت می دهند صفت کرم الله وجه هست یعنی خداوند کرامت گذاشته بر وجود و جمال علی علیه السلام یعنی حضرت از تمام آلودگی جاهلیت عرب همانند بت پرستی و توجه به غیر خدا ؛ مبراء و منزه بوده اند - الفتاوی الحدیثیه ابن حجر هیشمی ج ۱ ص ۴۱ - حکمه ذلک ان علیاً کرم الله وجهه و رضی عنه لم یسجد

لصنم قط ... او الکنایه عن الذات ای حفظه عن ان يتوجه لغير الله فی عبادته - حاکم نیشابوری در المستدرک در ج ۳ ص ۶۶۶ ح ۶۴۶۳؛ جریان کفالت نبی اکرم از مولا علی را نقل کرده است که اهل تحقیق به آدرس مذکور؛ رجوع فرمایند - فاخذ رسول الله علیاً فضمه الیه ... فلم یزل علی مع رسول الله حتی بعثه الله نبیاً فاتبعه و صدقه - صواعق المحرقة ص ۱۲۰ باب ۹ فصل ۱ - علی بن ابی طالب لم یعبدا الاوثان قط لصغره ای و من ثم یقال فیہ کرم الله وجهه - نبی اکرم فرمود: سبقت گیرندگان در کل ملت ها ۳ نفر بودند؛ صاحب یاسین و مومن آل فرعون و علی ابن ابی طالب که یک چشم بهم زدن کافر و مشرک نشد و علی افضل از آن دو نفر است - سابق الامم ثلاثه لم یشرکوا بالله طرفه عین: علی ابن ابی طالب ... و علی ابن ابی طالب و هو افضلهم - کفایه الطالب ص ۱۲۳ باب ۲۴؛ تفسیر قرطبی ج ۱۵ ص ۲۰ ذیل آیه ۲۷ یس؛ تفسیر ثعلبی ج ۸ ص ۱۲۶؛ در المنثور ج ۵ ص ۴۹۲ روح المعانی ج ۱۱ ص ۳۹۷؛ تفسیر کشاف ج ۴ ص ۱۰

وهابیت بی انصاف، بخاطر اینکه به عللی این منقبت بی نظیر مولا علی را رد کند می گوید: عبارت قبل از { اخوانا علی سرر متقابلین } در آیه ۴۷ سوره زخرف می گوید؛ ما غل و کینه و عداوت را از دل اهل بهشت پاک می کنیم و بعد همانند برادر روی تخت ها، مقابل یکدیگر، تکیه می زنند، پس عبارت و نزعنا ما فی صدورهم من غل، این حدیث و تفسیر مذکور، در ذیل آیه ۴۷ سوره حجر را باطل می کند؛ اما جناب سلفی مباحثی کوتاه و ناقصی که با او داشتیم اظهار داشت و گفت: چه غل و کینه ی نعوذ بالله بین علی و پیامبر اسلام بوده که این آیه را در فضیلت علی برای ما آوردی؟! اما جواب: اولاً طبق آیه تطهیر و آیه مباهله و عصمت و طهارت روحی و الهی، پیامبر اسلام و مولا علی بین ایشان بفرموده قرآن و عقل و روایات کثیره هیچ کینه و عداوتی نبوده و نخواهد بود چون حضرات چهارده معصوم همگی مبرا از نقصی و آلودگی و خباثت روحی و عملی و قولی هستند و هیچ تنازع و اختلافی بین آنها نبوده و نخواهد بود حتی بین تمام پیامبران هیچ گونه اختلاف و تنازع و کینه ای نبوده تمام فرق اسلام و عقلای اسلام این مطلب را قبول دارند، ثانیاً یک قسمت آیه ۴۷ سوره حجر؛ درباره فضیلت مولا علی و پیامبر اسلام است آنجا که می فرماید:

برادرانه رو به روی یکدیگر در بهشت تکیه می زنند: ثالثاً: امام صادق علیه السلام می فرماید: بخدا قسم در این قسمت آیه ۴۷ سوره حجر آنجا که خداوند می فرماید: ما غل و کینه از دل و فکر اهل بهشت پاک و میرا کردیم؛ منظور، شیعیان و محبان ما اهل بیت است؛ _ والله ما اراد بهذا غیر کم _ (۱)، با کینه و عدوات شیطانی و نفسانی نمی تواند به دار السلام بهشت راه پیدا کرد، منظور آیه این است که مومن بدون کینه از برادر مومن وارد بهشت می شود ولی چون ممکن است بر اثر خطورات نفسانی، ناراحت شود از مقامات عالیه سایر مومنین و کینه آنان به دل بگیرد، خداوند خودش این خطورات و ناراحتی های روحی را از کل مومنین دفع می کند چون بهشت محل آسایش و آرامش روحی و بدنی است، جناب وهابی عقیده دارد ابتدای آیه ۴۷ سوره حجر که می گوید ما غل و کینه را از دل اهل بهشت می زدایم؛ منظور معاویه و مولا علی هستند که در دنیا جنگ قتال، درگیری و دشمنی با هم داشتند، در آخرت و بهشت، این دشمنی تبدیل به دوستی می شود، اولاً شما ثابت کن که حتماً معاویه با این جنایاتی که داشته اهل بهشت است ثانیاً قرآن کریم در سوره زخرف آیه ۶۷ می فرماید: در روز قیامت عده ای از دوستان با هم دشمن می شوند مگر افراد متقی _ الا خلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین

سوماً نباید جناب وهابی مولا علی امام متقین و جانشین الهی پیامبر، را با معاویه مقایسه کنی، مولا علی با هیچ احدی کینه و عدوات شخصی و نفسانی نداشته بلکه عدوات و دشمنی او با بعضی از افراد الهی بود، از دیدگاه منطق قرآن و اسلام ما باید دوستی خدا و اولیای خدا را بپذیریم از سوی دیگر باید دشمنی شیطان و دوستان شیطان را هم بپذیریم، دستگیره ایمان دوستی برای خدا و دشمنی برای خداست، معاویه و امثال او، مثل ، دشمنان خدا و رسول و مولا علی بودند و معنا ندارد فردای قیامت و در بهشت با هم زندگی کنند، روز قیامت، روز فصل و جدایی بین مومنان و کافران است _ سوره یس

{وامتروا الیوم ایها المجرمون} (۲)

ص: ۳۶۸

۱-۱. روضه کافی، کلینی رازی ج ۸ ص ۳۵ ح ۱

۲-۲. آیه ۵۹، سوره حج آیه ۱۷

{ ان الله يفصل بينهم يوم القيامة }، (۱) _ سایت مکتبه شامله، { _ سایت مکتبه شامله، { ان الشيطان لكم عدو فاتخذوه عدوا، { جناب وهابی طبق تفاسیر سنی و سلفی قسمت آیه ۴۷ سوره حجر که می فرماید و نزعنا ما فی صدورهم من غل، ما کینه و دشمنی را از اهل بهشت می زدائیم درباره مولا علی، نعوذ بالله و معاویه علیه الهاویه نیست بلکه مفسران اهل سنت متأسفانه نوشته اند؛ درباره ابوبکر و عمر و علی و عثمان و ابن مسعود و طلحه و زبیر و عبدالرحمان و سعد و سعید و طایفه قریش از بنی هاشم و بنی تیم و بنی عدی می باشد؛ اولاً؛ با این تفسیر غلط، دشمنی خلفای ثلاثه ابوبکر و عمر و عثمان را نسبت به مولا علی ثابت می کنید و حضرت فاطمه زهرا، با آن مقام رفیع عصمت که خداوند از غضب او غضب می کند و از رضایت او، راضی می شود طبق روایات صحیح اهل سنت، از ابوبکر و عمر ناراحت بوده و با آنان حرف نزد و قهر کرد تا از دار دنیا رفت و به مولا علی فرمود، دوست ندارم آن دو نفر (ابوبکر و عمر) در تشیع جنازه من حاضر شوند

و نزعنا ما فی صدورهم من غل ... فی ثلاث بطون من قریش بنی هاشم و بنی تیم بن مره و بنی عدی بن کعب منهم عن الکلبی فی قوله و نزعنا ما فی صدورهم من غل قال: ابوبکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و الزبیر و عبدالرحمان و سعد و سعید و عبدالله ابن مسعود....(۲)

وهابیت و اهل سنت به دروغ و مغلطه از قول مولا علی و امام زین العابدین نقل کرده اند که ما امیدواریم دشمنانمان که در جاهلیت با آنان دشمن بودیم در بهشت در کنار هم جمع شویم، به استعانت خداوند متعال ابتداءً ادله از کتب اهل سنت نقل می شود که دشمنان و مخالفین اهل بیت نمی توانند اصلاً به بهشت راه پیدا کنند که خداوند در بهشت کینه و غل را از آنان دفع کند و ثانیاً نظر مولا علی، درباره ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه و اصحاب جمل نقل می شود تا به مغلطه جناب وهابی، پاسخ کافی و مختصر داده شده باشد _ و قال علی ابن الحسین: نزلت فی ابی بکر و عمر و علی و الصحابه یعنی ما کان بینهم فی الجاهلیه من الغل _

ص: ۳۶۹

۱- ۱. سوره فاطر آیه ۶

۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۱۷۴ ح ۴۳۶ الی ۴۴۴

و قال علی رضی الله عنه: ارجوان اکون انا و طلحه و الزبیر من هولاء (۱)

حال به نظر برخی از ائمه هدی می پردازیم درباره دشمنان حربی مولا علی؛ در روایت دارد مردی از اهل بصره زد، امام زین العابدین آمد و گفت: ای علی ابن الحسین، جد شما، علی ابن ابی طالب، اهل ایمان را به قتل رساند، با این سخن، اشک در چشمان امام سجاد جمع شد و بعد فرمود: نه بخدا قسم اینگونه نیست؛ علی علیه السلام هیچ مومنی را نکشت و خون هیچ مسلمانی را نریخت، آنان اهل اسلام نبودند؛ بلکه در دل کافر و در ظاهر مسلمان بودند و زمانی که بر کفر خود یار و اعوانی یافتند آنرا، آشکار ساختند، حال اینکه اهل خبره و حافظان آل محمد، نیک آگاهند که اصحاب جمل و صفین و نهروان بر زبان رسول خدا، لعن شده اند پس رسوا باد آنکه افترای بر خدا و رسول بست، شیخی از اهل کوفه گفت: ای علی بن الحسین، جد تو علی می گفت: برادرانمان بر ما ستم کردند، امام سجاد فرمود: مگر این آیه را تلاوت نکرده ای: و به قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم (اعراف آیه ۶۵) قوم عاد نیز مانند همان برادرانی است که در کلام امیرمومنان آمده، خداوند هود و یارانش را نجات داد و قوم عاد را به بادی عظیمی هلاک ساخت (۲)

لا- و الله ما قتل علی مومنًا و لا قتل مسلماً و ما اسلم القوم و لکن استسلموا و کتموا الکفر و اظهروا الاسلام، فلما وجدوا علی الکفرا عواناً اظهروه ... (۳)

در روز جنگ جمل، مردی از مولا علی، سوال کرد: ای علی با این مردم (یعنی اصحاب جمل) با مادر گفتن تکبیر و تحلیل و خواندن نماز همراهند، پس روی چه اصلی با آنان جنگ می کنیم؟ مولا علی فرمود: بنابر آیه ای از قرآن گفت: کدام آیه؟ فرمود: آیه ای در سوره بقره (آیه ۲۵۳) پس مراد از اهل ایمان در این آیه مائیم و کافران دشمنان و مخالفین ما را تشکیل می دهند؛ پس آنمرد گفت: به خدای کعبه که این مردم کافر شدند، سپس بر آنان یورش برده تا به شهادت رسید؛ جناب وهابی

ص: ۳۷۰

-
- ۱- ۱. تفسیر قرطبی ج ۱۰ ص ۳۱ مکتبه اسلام ویب؟ تفسیر ابن کثیر ج ۴ ص ۵۳۸؛ تفسیر طبری ج ۱۷ ص ۱۰۸، تفسیر کبیر فخر رازی ذیل آیه ۴۷ سوره حجر، تفسیر آلوسی ج ۱۴ ذیل آیه مذکور، الدر المنثور ج ۸ ص ۶۲۶ الی ص ۶۳۰؛ تفسیر نسفی ج ۲ ص ۴۷ ص ۱۹۲
 - ۲- ۲. احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۱۲۹ و ص ۱۳۰
 - ۳- ۳. بحار الانوار ج ۳۲ ص ۳۴۳

مگر می شود کافر و مومن در بهشت باهم جمع شوند، دل کافر هیچ گاه از کفر و نفاق و کینه پاک نخواهد شد؛ چون خودش اسباب هدایت و حیات معنوی و روحی بر اساس عمل به دستورات خدا و رسول فراهم نکرده است _ (۱)

فنحن الذين آمننا و هم الذين كفروا، فقال الرجل، كفر القوم و رب الكعبه شخصی از مولا علی در هنگام قتال با اصحاب جمل سوال کرد، شما از طرف خدا و رسول مامور هستید با این قوم قتال کنید یا نه؟ مولا علی فرمود: جوابت را می دهم، در زمان حیات پیامبر اسلام، گروهی از مشرکان خدمت پیامبر آمدند و اسلام آوردند؛ سپس ابوبکر بلند شد و از پیامبر اجازه خواست نزد قوم خود برویم و اموال خود را از آنان بگیریم؛ پیامبر اجازه فرمود؛ در اینجا، عمر گفت: ای رسول خدا، نکند این گروه از اسلام به کفر برگردند؛ رسول خدا فرمود: چه می دانی شاید با افراد بیشتری نزد ما بازگشته و آنان نیز مسلمان شوند؛ سپس ایشان در سال بعد نیز توسط ابوبکر از آنحضرت درخواست مرخصی نمودند و پیامبر نیز با آن موافقت فرمود و عمر باز همان حرفها را تکرار کرد سپس پیامبر ناراحت شده و فرمود: بخدا قسم دست از این حرفها بردارید تا اینکه خداوند فردی از قریش را بر شما گسیل دارد که شما را به خداوند بخواند و شما در اختلاف با او همچون گوسفند وحشی که از گله جدا شده پراکنده شوید؛ ابوبکر و عمر گفتند: آیا ما آن فرد هستیم؟ فرمود: نه، عمر گفت، ای رسول خدا پس آن فرد کیست؟ پیامبر اشاره به من فرمود که مشغول دوخت کفش آنحضرت بودم و فرمود: او همان خاصف النعل در میان شما، پسر عمویم و برادرم و دوستم، بری کننده ذمه ام، همو است که دین مرا، اداء و وعده هایم را عملی می سازد او مبلغ رسالت من است و بعد از من معلم مردم است، همو است که پس از من مبین و تاویل کننده آیاتی از قرآن است که هیچ کس از آن باخبر نیست (۲)

والله ما اراکم تنهون حتی یبعث الله علیکم رجلاً من قریش یدعوکم الی الله فتختلفون عنه اختلاف الغنم الشرد و ... هو خاصف النعل عندکما ابن عمی ... و المبلغ عنی رسالاتی و معلم الناس من بعدی و مبینهم من تاویل القرآن مالا یعلمون

ص: ۳۷۱

۱-۱. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۳۶۶ و ص ۳۶۷ ح ۸۴

۲-۲. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۳۶۷ الی ص ۳۶۹ ح ۸۵

— حدیث خاصف النعل را منابع اهل سنت نقل کرده اند (۱)

یا معشر قریش و الله لیبعثن الله علیکم رجلا منکم قد امتحن الله قلبه بالایمان، فلیضربنکم علی الدین او یضرب بعضکم (۲)

نبی اکرم فرمود: ای گروه قریش، سوگند بخدا، که می فرستد خداوند بر شما مردی از خودتان (یعنی از قریش) که به تحقیق امتحان کرده است، خداوند دل او را به ایمان، البته می زند شما را برای دین یا گردن می زند بعضی را، جمعی از شما را، ابوبکر و عمر گفتند: آیا آن مرد ما هستیم؟ فرمودند: نه او کسی است که دارد کفش من را می دوزد و وقتی نگاه کردند دیدند علی ابن ابی طالب است، (۳)

ما انتم بمنتھین حتی ابعث الیکم رجلا یضرب رقابکم علی الدین ... (۴)

نبی اکرم فرمود: از شما می باشد ای اصحاب، کسی که جنگ می کند بر تاویل و باطن قرآن، هم چنان که من جنگ کردم با مشرکین و کفار بر تنزیل و ظاهر قرآن، ابوبکر و عمر گفتند: آیا آن شخص ما هستیم فرمود: نه و لکن آن شخص دوزنده نعلین است وقتی توجه کردند دیدند علی دراد کفش پیامبر را دارد می دوزد _ ان منکم من یقاتل علی تاویل القرآن کما قاتلت علی تنزیله، قال ابوبکر انا هو یا رسول الله؟ قال: لا- قال عمر انا هو؟ قال: لا و لکنه خاصف النعل: و کان اعطی علیا نعله یخضفها (۵)

ص: ۳۷۲

۱- ۱. مسند احمد حنبل ج ۳ ص ۳۳ و ص ۸۳، خصائص نسایی ص ۶ ح ۳۱

۲- ۲. سنن ترمذی ج ۵ ص ۲۹۸ ح ۳۷۹۹؛ مستدرک حاکم ج ۲ ص ۱۳۸ و ج ۴ ص ۲۹۸، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۳۳؛ المصنف ابن ابی شیبہ ج ۷ ص ۴۹۸ ح ۱۸؛ سنن الکبری نسایی ج ۵ ص ۱۲۸ ح ۱۴۵۷ مسند ابی یعلی ج ۲ ص ۳۴ ح ۱۰۸۶؛ المعجم الاوسط ج ۴ ص ۱۵۸؛ البدایه و النهایه ج ۷ ص ۳۳۸، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۴۲، تاریخ بغداد ج ۱ ص ۱۴۴ و ج ۸ ص ۴۳۳، اسدالغابه ج ۳ ص ۲۸۲؛ کنز العمال ج ۷ ص ۳۲۶؛ تذکره الخواص ص ۴۰، صحیح ابن حبان ج ۱۵ ص ۳۸۵؛ ذخائر العقبی ص ۷۶

۳- ۳. مناقب خوارزمی ص ۴۰، الاصابه ابن حجر ج ۴ ص ۲۴۵، مجمع الزوائد ج ۹ ح ۱۴۷۶۳ مکتبه اسلام ویب _ مسند احمد مساله ۱۱۳۶۴، مستدرک حاکم مساله ۴۶۷۹ هذا حدیث صحیح، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر مساله الجزء الثانی ص ۳۸، المعجم الاوسط طبرانی ج ۴ ح ۳۸۷۴ ص ۵۱۴

۴- ۴. سنن ترمذی ج ۵ ح ۳۷۱۵ ص ۵۹۳ _ سایت اسلام ویب وهابی ها _ البدایه و النهایه الجزء الحادی و عشر ص ۱۰۲ اسلام ویب

۵- ۵. الکامل ابن عدی ج ۳ ص ۳۲۷ طرق حدیث من کذب علی (طبرانی) ص ۴۲، سبیل الهدی و الرشاد صالحی شامی ج ۱۰ ص ۱۵۰، حلیه الاولیاء ج ۱ ص ۶۷ شرح نهج البلاغه ج ۲ ص ۲۷۶؛ مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۳۲ ح ۴۶۲۲

پس جناب وهابی، جنگ مولا علی با اصحاب جمل و صفین و نهروان به امر خدا و رسول بوده و آنان کفار و منافقین این امت بوده اند اگر مسلمان واقعی بودند خدا و رسول امر قتال با آنان را بوسیله مولا علی صادر نمی کردند، اصحاب جمل و صفین و نهروان، اگر مولا علی را دوست داشتند به جنگ مولا علی نمی رفتند، رسول اکرم فرمود: علی را دوست نمی دارد مگر فرد مومن و دشمن نمی دارد مگر افراد کافر _ پس جای کافر، فردای قیامت در جهنم است نه در بهشت _ لایحِبَّ عَلِیًّا الْاُمُومَنُ وَ لَا یَبْغُضُهُ الْاَلَا کَافِرٌ (۱) _ لایحِبُّکَ الْاُمُومَنُ وَ لَا یَبْغُضُکَ الْاَلَا، منافق او کافر (۲) _ لایحِبُّنِی الْکَافِرُ وَ لَا یَبْغُضُنِی مُؤْمِنٌ، (۳) _ الْاَلَا وَ مِنْ مَاتَ عَلِیًّا بَغْضَ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ کَافِرًا (۴)

مولا علی فارق و جدا کنند حق از باطل است هر کس پیرو و دنبال رو، دستورات مولا علی بوده و هست، پیرو حق و قرآن و پیامبر اسلام بوده و هر کس پیرو مولا - علی نبوده مثل اصحاب جمل و صفین و نهروان در راه باطل و ظلمت و کفر و نفاق است، نبی اکرم فرمود: بزودی بعد از من فتنه هایی در امت من رخ می دهد پس شما ملازم و همراه علی ابن ابی طالب باشید زیرا علی جدا کننده حق از باطل است _ فانه الفاروق بین الحق و الباطل ... انت الفاروق الذی یفرق بین الحق و الباطل ... و هو الفاروق بین الحق و الباطل ... (۵)

اخذ رسول الله بید علی فقال: ان هذا اول من آمن بی و هو اول من یصافحنی یوم القیامه و هذا الصدیق الاکبر و هذا فاروق هذه الامه یفرق بین الحق و الباطل

ص: ۳۷۳

-
- ۱- ۱. ینابیع الموده ج ۲ ص ۲۷۶، ریاض النضره طبری ج ۳ ص ۱۲۳ ج ۹ ص ۲۸۸؛ تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۲۸۰
 - ۲- ۲. ، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۲۷۰؛ مناقب ابن مغزلی شافعی ص ۱۸۸ ح ۲۳۰
 - ۳- ۳. الکشف و البیان ثعلبی ج ۸ ص ۳۱۴
 - ۴- ۴. الکشاف زمخشری ج ۴ ص ۲۲۵ ح ۹۹۲؛ تفسیر کبیر رازی ج ۲۷ ص ۱۴۳، تفسیر قرطبی ج ۱۶ ص ۲۳، تفسیر الثعالبی ج ۸ ص ۳۰۴
 - ۵- ۵. ینابیع الموده ج ۲ ص ۲۳۴ باب ۵۶، ذخائر العقبی ص ۵۶، کفایه الطالب باب ۴۴ ص ۱۸۸، اسد الغابه ج ۵ ص ۲۸۷ مناقب خوارزمی ص ۱۰۵ ح ۱۰۸، الاصابه ابن حجر ج ۷ ص ۲۹۴؛ کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۲؛ تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۴۵۰ رقم ۴۹۳۳، شرح نهج البلاغه ابی الحدید ج ۱۳ ص ۲۲۸ خطبه ۲۳۸، ریاض النضره ج ۳ ص ۱۰۶، فرائد السمطین ج ۱ ص ۱۴۰ المعجم الکبیر ج ۶ ص ۲۶۹ ح ۶۱۸۴؛ الاربعین المنتقی ح ۲۸ باب ۲۱ ابن اسماعیل طالقانی، مسند شمس الاخبار ج ۱ ص ۹۴ قرشی، نزهه المجالس صفوری ج ۲ ص ۲۰۵، و انت الفاروق الذی تفرق بین الحق و الباطل امالی شجری ج ۱ ص ۱۴۴، مناقب کوفی ج ۱ ص ۲۸۴؛ الاستیعاب ابن عبدالبر ج ۴ ص ۱۷۴۴ میزان الاعتدال ذهبی ج ۱ ص ۱۸۸ مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۰۲ فیض القدر مناوی ج ۴ ص ۳۵۸

نبی اکرم فرمود: هر کس از علی جدا شود از من جدا شده و هر کس از من جدا شود، از خدا جدا شده است، آیا اصحاب جمل و صفین و نهروان با آن همه ظلم و جنایت که در حق مولا علی و یارانش کردند از مولا علی جدا نشدند؟! چون از مولا علی جدا شدند از قرآن و پیامبر و خدا، جدا شدند و هر کس بطور کامل از علی فاصله گرفته از اسلام و مسلمانی و ایمان به حق برای همیشه فاصله گرفته که در این صورت یا کافر است یا مشرک یا منافق و گمراه ابدی، پس با این ادله نمی توان دیگر در بهشت راه پیدا کند

یا علی انه من فارقنی فقد فارق الله و من فارقک فقد فارقنی (۱)

نبی اکرم فرمود: علی با حق و قرآن هست و حق و قرآن با علی هستند، یعنی معیار پیرو خدا و قرآن بودن بعد از نبی اکرم، مولا- علی است و ۱۱ فرزند معصوم ایشان، پس طبق این حدیث صحیح که منابع اهل سنت آنرا، نقل کرده اند مولا علی معصوم و واجب الطاعه است چون قرآن و دستوراتش واجب است و مولا علی و قرآن لازم و ملزوم همدیگر هستند

علی مع القرآن و القرآن مع علی لا یفترقان حتی یردا علی الحوض _ الحق لن یزال مع علی و علی مع الحق _ انی مخلف فیکم کتاب الله و عترتی اهل بیتی ثم اخذ بید علی، فرفعها؛ فقال هذا علی مع القرآن و القرآن مع علی لا یفترقان حتی یردا علی الحوض فاسئلهما ما خلفت فیهما (۲)

ص: ۳۷۴

- ۱- ۱. فضائل الصحابه احمد حنبل ج ۲ ص ۹۶۱ ح ۹۶۲، مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۳۳ ح ۴۶۲۴، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۳۵، البحر الزخار (مستد البزار) ج ۹ ص ۴۵۵ ح ۴۰۶۶ _ صحیح الاسناد
- ۲- ۲. تاریخ بغداد ج ۱۴ ص ۳۲۱ رقم ۷۶۴۳؛ مناقب ابن مردویه ص ۱۱۳ ح ۱۳۲، الفردوس دیلمی ج ۳ ص ۲۳۰ ح ۴۶۷۸ مجمع الزوائد ج ۷ ص ۲۳۵؛ الامامه و السیاسه ج ۱ ص ۷۳؛ المستدرک علی الصحیحین حاکم ج ۳ ص ۱۳۴ و ص ۱۳۵ ح ۶۲۸ معجم الاوسط ج ۵ ص ۴۵۵ ح ۴۸۷۷، مناقب خوارزمی ص ۱۰۴، تفسیر کبیر رازی ج ۱ ص ۲۰۵، جامع الصغیر سیوطی ج ۲ ص ۱۷۲، صواعق المحرقه ص ۱۲۴ باب ۹ فصل ۲ و ص ۱۲۶، ینابیع الموده ج ۱ ص ۲۶۹، تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۱۷۳، فیض القدیر مناوی ج ۴ ص ۴۷۰ ح ۵۵۹۴؛ کفایه الطالب ص ۲۶۵ باب ۶۲، اجمال الاصابه فی اقوال الصحابه ج ۱ ص ۵۵ حافظ علائی، محاضرات الادباء راغب اصفهانی ج ۳ ص ۴۶۴ حد ۲۰ البدایه و النهایه ابن کثیر ج ۷ ص ۳۹۸؛ مسند ابی یعلی ج ۲ ص ۳۱۸؛ کنز العمال ج ۱۱ ص ۲۸۵، کشف الاستار عن الزوائد البزار ج ۴ ص ۹۶ ح ۳۲۸۲، تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۴۴۹، نورالابصار شبلنجی ص ۷۵، ربیع الابرار، زمخشری ج ۱ ص ۱۲۸ الجامع الصحیح ترمذی ج ۵ ص ۵۹۲ ح ۳۷۱، جامع الاصول ابن اثیر ج ۵ ص ۵۹۲ ح ۳۷۱۴، نزل الابرار بدخشانی ص ۵۸ فتح القدیر، شوکانی ج ۴ ص ۳۵۶، فرائد السمطین ج ۱ ص ۱۷۷ ح ۱۴۰؛ نهایه الاقدام شهرستانی ص ۴۹۳، المعیار و الموازنه، اسکافی ص ۱۱۹؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۸ ص ۲۴

اطاعت و فرمانبرداری از مولا علی، طبق دستور الهی و نبی اکرم بر تمام مسلمین واجب بوده و هست و اصحاب جمل و صفین و نهروان باید مطیع تمام اوامر و نواهی مولا علی می شدند و با این گردنگشی و درگیری با مولا علی، معصیت بزرگ، خدا و رسول و قرآن کردند _ نبی اکرم فرمود: هر کس از من اطاعت و پیروی کند از خدا پیروی کرده و هر کس تخلف و عصیان از دستورات من کند؛ تخلف و نافرمانی از دستورات خداوند کرده و هر کس از علی اطاعت کند از من اطاعت کرده و هر کس از علی نافرمانی کند از خداوند نافرمانی کرده است

من اطاعنی فقد اطاع الله و من عصانی فقد عصی الله و من اطاع علیاً فقد اطاعتی و من عصی علیاً فقد عصانی (۱)

طبق مبنای برادران اهل سنت، هر کس بر حاکم و سلطان و امیر زمان مسلمین خروج و قیام کند، عمل عصر جاهلیت انجام داده و اگر با این حال بمیرد به مرگ جاهلی از دنیا رفته یعنی از اسلام و مسلمانی خارج شده است پس سوال می کنیم از جناب وهابی، اصحاب جمل و صفین و نهروان بر مولا- علی، قیام و خروج کرده اند با اینکه حضرت علی، خلیفه چهارم مسلمین در آنوقت بوده، پس طبق این مبنا، مخالفین و دشمنان مولا علی یعنی اصحاب جمل و صفین و نهروان خصوصاً معاویه و یاورانش، جز خارج شدگان از اسلام هستند، پس جناب وهابی، معاویه نمی تواند اصلاً به بهشت راه پیدا کند که بخواهد خداوند، دلش را از کینه و حقد نسبت به مولا علی پاک کند _ مسلم به سندش از رسول اکرم نقل کرده که فرمود: هر کس که از امیرش در چیزی کراهت دارد باید بر آن صبر کند، زیرا هر کس به اندازه وجبی از فرمان سلطانش خارج شود و با آن حال بمیرد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است

من کره شیئاً فلیصبر علیه، فانه لیس احد من الناس خرج من السلطان شبراً فمات علی ذلک الامات میتة جاهلیه (۲)

ص: ۳۷۵

۱- ۱. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۳۱ ح ۴۶۱۷، کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۱۴ ح ۳۲۹۷۳، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۲۷۰، ریاض النضره ج ۳ ص ۱۲۳، سمط النجوم العوالی ج ۳ ص ۳۳، معجم اسامی شیوخ ابی بکر الاسماعیلی ج ۱ ص ۴۸۵، من حدیث خیشمه بن سلیمان ج ۱ ص ۷۲

۲- ۲. صحیح مسلم، کتاب الاماره، باب وجوب ملازمه جماعه المسلمین

نبی اکرم به مولا علی فرمود: ای علی زود است که گروهی ظالم با تو قتال کنند در حالی که تو بر حقی پس هر کس تو را در آن روز یاری نکند از من نیست

یا علی ستقاتلک الفئه الباغیه و انت علی الحق، فمن لم ینصرک یومئذ فلیس منی (۱)

نبی اکرم فرمود: زود است که بعد از من، قومی بیایند که با علی، مقاتله و جنگ می کنند، برخداست جهاد و مقابله با آنها، پس هر کس که قدرت مقابله با آنها را به دستش ندارد باید به زبانش جهاد کند و کسی که قدرت جهاد با زبانش را ندارد با قلبش جهاد کند و غیر از این چیزی نیست

سیکون بعدی قوم یقاتلون علیاً، علی الله جهادهم فمن لک یتطع جهادهم بیده فبلسانه، فمن لم یتطع بلسانه فبقلبه، لیس وراء ذلک شی (۲)

جناب وهابی، آیا، خداوند و رسول، حکم جهاد و مقابله با افراد از مسلمین می دهد یا نه؟ که جواب بطور حتم منفی است، اگر اصحاب جمل و صفین و نهروان، مسلمان واقعی بودند به جنگ مولا علی نمی رفتند و پیامبر نمی فرمود؛ هر کس علی را در جنگ با مخالفینش یاری و نصرت نکند از من نیست (یعنی مسلمان و مومن نیست) پس افرادی چون معاویه لعین اسلامش ثابت نیست چگونه می تواند به بهشت راه پیدا کند که تازه بخواهد نعوذ بالله در بهشت هم درجه با مولا علی شود و بعد خداوند کینه علی از دل معاویه بردارد و روبروی مولا علی در بهشت بگو و بخند داشته باشد، پس معاویه و امثال او، با این بغض و کینه ای که به اهل بیت و مولا علی، داشته اند، اصلاً وارد بهشت نمی شوند بلکه وارد آتش جهنم می شوند، نبی اکرم فرمود: به آن خدایی که جانم درید قدرت اوست هر کس بغض ما اهل بیت را در دل داشته باشد، خداوند او را وارد آتش جهنم می کند

و الذی نفسی بیده لایبغضنا اهل البیت احد الا ادخله الله النار (۳)

لایبغضن اهل البیت رجل الا ادخله الله النار (۴)

ص: ۳۷۶

۱- ۱. تاریخ دمشق ج ۱۲ ص ۳۷۰، کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۱۳ ح ۳۲۹۷۰

۲- ۲. المعجم الکبیر ج ۱ ص ۳۲۱ ح ۹۵۵، مجمع الزوائد ج ۳ ص ۱۳۴

۳- ۳. مستدرک حاکم ح ۴۶۶۱ _ هذا حدیث صحیح، صحیح ابن حبان ح ۷۱۳۶

۴- ۴. اتحاف المهره ح ۵۳۹۲ _ (طبق سایت اسلام ویب)

نبی اکرم فرمود: خداوند، حرام کرده بهشت را بر افراد که به اهل بیت من ظلم کنند و آنها را بکشند و آنها را مورد تاخت و تاز قرار بدهند و به آنها فحش و ناسزا بگویند

ان الله حرم الجنة على من ظلم اهل بيتي اوقاتلهم او غار عليهم او سبهم (۱)

حرمت الجنة على من ظلم اهل بيتي و آذانی فی عترتی (۲)

نبی اکرم فرمود: وای بر ستمگران به اهل بیت من آنان به همراه منافقین در پست ترین درجه جهنم، عذاب می شوند

الويل لظالمی اهل بيتی عذابهم مع المنافقین فی الدرک الاسفل من النار (۳)

نبی اکرم فرمود: پست ترین درجه جهنم محل افرادی است دشمنی ما اهل بیت در دلش باشد و با دست و زبانش بر ضد ما یاری رساند

وفی اسفل درک من النار من ابغضنا بقلبه و اعان علينا بلسانه و یده (۴)

مولا علی فرمود: هر آنکس که در دلش دشمنی و بغض ما را داشته باشد و دستش بر ضد ما و علیه ما باشد او به همراه دشمن ما در آتش جهنم است _ من ابغضنا بقلبه و اعان علينا بلسانه و یده فهو مع عدونا فی النار (۵)

نبی اکرم فرمود: زود است که اهل بیت من بعد از من ملاقات می کنند از امت من کسانی را که آنها را می کشند و پراکنده می کنند و به درستی که بغض و کینه و دشمنی بنی امیه و بنی امغیره و بنی مخزوم، نسبت به ما شدیدتر است.

ان اهل بيتی سيلقون بعدی من امتی قتلاً و تشریداً و ان اشدّ قومنا لنا بغضاً بنو امیه و بنو المغیره و بنو مخزوم (۶)

ص: ۳۷۷

۱- ۱. ذخائر العقبی طبری ص ۵۴، ینابیع الموده ج ۲ ص ۱۱۹ ح ۳۴۴

۲- ۲. تفسیر قرطبی ج ۱۶ ص ۲۲، تفسیر کشاف ج ۳ ص ۴۰۲ تفسیر ثعلبی ج ۸ ص ۳۱۲ ح ۱۷۸؛ سعد السعود ص ۱۴۱،

۳- ۳. مناقب ابن مغازلی ص ۶۶ ح ۹۴، مقتل الحسین خوارزمی ج ۲ ص ۸۳

۴- ۴. بحار الانوار ج ۲۷ ص ۹۳ ح ۵۳

۵- ۵. بحار الانوار ج ۲۷ ص ۸۹

۶- ۶. المستدرک حاکم نیشابوری ج ۴ ص ۵۲۶ ح ۸۴۷۷ کتاب الفتن و ص ۵۳۴ ح ۸۵۰۰ _ کان ابغض الاحیا الی رسول الله

بنو امیه _ مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۲۸ ح ۸۴۸۲ کتاب الفتن؛ الصواعق المحرقة ابن حجر ملی ص ۸۱ باب ۱۱ فصل ۱ مقصد

۵، فیض القدیر مناوی ج ۲ ص ۷۶ ح ۳۲۶ حیاه الحيوان دمیری ج ۲ ص ۴۲۲ کلمه الوزغه، کنز العمال هندی ج ۱۱ ص ۱۶۹ ح

۳۱۰۷۴، ینابیع الموده قندوزی ج ۲ ص ۴۶۹ ح ۳۰۵ باب ۵۹؛ ابن تیمیه

ابن تیمیه - رهبر فکری وهابیت با صراحت و روشنی در کتاب منهاج السنه النبویه ج ۷ ص ۱۳۷ می نویسد: اکثر صحابه پیامبر و تابعین، علی ابن ابی طالب علیه السلام را دشمن می داشتند و او سبّ می کردند (یعنی فحش می دادند) و با او مقاتله و جنگ کردند - فان كثيراً من الصحابه و التابعین كانوا، بیغضونه و یسبونوه و یقاتلونوه،

جناب وهابی اموی مسلک، اصحاب جمل و صفین و نهروان، خصوصاً معاویه، هم با او مولا علی جنگیدند، هم سالهای متمادی بر منبر و خطبه های جمعه به ایشان سب کرد و فحش داد و هم بغض و دشمنی او به دل داشت، پس معاویه چون بغض مولا علی داشته، بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید بهشت را به بهاء می دهند نه به بهانه، نبی اکرم فرمود: هر کس خیال کند من را دوست دارد ولی با علی ابن ابی طالب، دشمنی کند، دروغ گفته است، کذب من زعم انه لیحبنى و یبغض هذا (۱)

من زعم انه یحبنى و ابغض علیاً فقد کذب (۲)

نبی اکرم فرمود: غضب و سخط و خشم الهی شدت پیدا می کند در مورد کسانی که اهل بیت و عترت مرا، اذیت و آزار دهند - اشتد غضب الله علی من آذانی فی عترتی - (۳) - ابن تیمیه در منهاج السنه ج ۳ ص ۱۵ می نویسد: و اما حدیث سعد، چون معاویه او را به دشنام و فحش دادن دستور داد و گفت: چه چیز تو را مانع شده که علی ابن ابی طالب را فحش دهی؟!!

و اما حدیث سعد لما امره معاویه بالسب فابی فقال ما منعک ان تسبّ علی ابن ابی طالب؟

پس جناب وهابی، معاویه نمی تواند محب و دوست مولا علی باشد، چون حضرت علی را فحش و سب می کرده با او وارد قتال و جنگ و خونریزی شده، شیعیان و مجبان حضرت را به شهادت رسانده، حتی در قتل و شهادت سید و سرور جوانان اهل بهشت امام حسن مجتبی فرزند مولا علی شریک بوده، کسی که قاتل فرزند؛ تقسیم کننده، بهشت و جهنم مولا علی است و امام حسن سرور، جوانان اهل بهشت، چگونه

ص: ۳۷۸

-
- ۱-۱. لسان المیزان ج ۴ ص ۳۹۹ - مناقب ابن مغزلی ح ۷۵
 - ۲-۲. میزان الاعتدال ج ۱ ص ۲۵۱ - ابن حجر - ج ۱ ص ۲۵۱ -
 - ۳-۳. الجامع الصغیر ج ۱ ص ۱۵۸ ذخائر العقبی ج ۱ ص ۳۹

قاتل او راهی به بهشت می تواند داشته باشد؟! معاویه علیه الهاویه مخفیانه پیام به همسر امام حسن، (جُعه ملعونه) داد که اگر شوهرت امام حسن را مسموم کنی، ۱۰۰ هزار درهم جایزه به تو می دهم (۱).

انما دس اليها معاويه فقال سمى الحسن و از وجک يزيد واعطيك مائه الف درهم؛ معاویه بوسیله شربت زهر آلودی که برای همسر امام حسن فرستاد، حضرت را به شهادت رساند (۲) و کان عند معاويه كما قيل دهاء فدى الى جعه، قرطبي حنفی در التعريف بالانساب ج ۱ ص ۳ می نویسد: امام حسن علیه السلام، مسموم از دنیا رفت، همسرش با حيله معاويه او را مسموم کرد

و مات الحسن مسموماً سمته زوجته ... دسه اليها معاويه؛ (۳)

جعل معاويه لجعه ... امراه الحسن مائه الف حتى سمته ... (۴) احمد نكري حنفی در دستور العلماء ج ۴ ص ۵۰ می نویسد: معاویه ملعون با حيله بوسیله دستمال زهر آلود که برای همسر امام حسن فرستاد و به او وعده و وعید داده بود، امام حسن را مسموم و شهید کرد - قد ارسله معاويه و معه منديل ملطخ بالسم (۵)

ان الحسن مات سموما و ان معاويه وعد زوجته الحسن .. (۶)

در روایت و کتب تاریخی اهل سنت آمده وقتی که معاویه ملعون با خبر شد، امام حسن مجتبی، به شهادت رسیده از خوشحالی سجده کرد

فلما بلغ معاويه موته سمع تكبيره من الخضراء ... فقال: و الله ما كبرت شماته

ص: ۳۷۹

۱- ۱. تذکره الخواص ابن جوزی حنفی ص ۱۹۱

۲- ۲. عيون الانبا في طبقات الاطباء ج ۱ ص ۱۷۴ السعدی الخزرجی

۳- ۳. نهاییه الارب ج ۲۰ ص ۲۰۱ النویری، ربیع الابرار؛ زمخشری ج ۱ ص ۴۳۸

۴- ۴. انساب الاشراف بلاذری ج ۱ ص ۳۸۹

۵- ۵. نهاییه الارب النویری ج ۵ ص ۱۹۳

۶- ۶. مقاتل الطالبین ابوالفرج اصفهانی ج ۱ ص ۱۳ و ص ۲۰؛ الفتوح بن اعثم کوفی ج ۴ ص ۳۱۹، الجوهره فی نسب النبی،

انصاری تلمسانی ج ۱ ص ۲۸۲؛ الاستیعاب ابن عبدالبر ج ۱ ص ۳۸۹ مروج الذهب ج ۱ ص ۳۴۶ مسعودی شافعی شرح نهج

البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۶ ص ۷، البدء و التاريخ، المقدسی ج ۶ ص ۵ اخبار البشر، ابوالفداء ج ۱ ص ۱۲۷، سیر اعلام النبلاء

ذهبی ج ۳ ص ۲۷۴، تاریخ ابن الوردی ج ۱ ص ۱۵۸، اسد الغابه ابن اثیر ج ۲ ص ۱۵، تهذیب الکمال مزی ج ۶ ص ۲۵۲، الفصول

المهمه ابن صباغ مالکی ص ۲۴۳، عيون الانبا في طبقات الاطباء ابن ابی اصیبعه ینابیع الموده ج ۲ ص ۴۲۷، الوافی بالوفیات

صفدی ج ۱۲ ص ۶۸

بموت و لکن استراح قلبی (۱)

و لما بلغ معاویه موت الحسن بن علی، خرساجداً لله. (۲)

اظهر فرحا و سرورا؛ حتی سجد و سجد من کان معه، جناب وهابی اموی مسلک، آیا معاویه با چنین جنایاتی در حق سید و سرور جوانان اهل بهشت می تواند بسوی بهشت پاک با این دل شیطانی و پر از کینه و شهوات راه پیدا کند؟! انس از نبی اکرم نقل کرده که فرمود: بزرگترین کبائر و گناهان شرک به خدا و عقوق والدین و قتل نفس و گفتار دروغ است (۳) نبی اکرم فرمود: به آن خدایی که جانم درید قدرت اوست، کشتن مومن نزد خدا، بزرگتر است از نابود کردن تمام دنیا است

والذی نفسی بیده لقتل مومن اعظم عندالله من زوال الدنيا (۴)

والذی نفسی بیده لقتل مومن اعظم عندالله من زوال الدنيا (۵)

نبی اکرم فرمود: هر گناهی را امید است که خدا، بیامرزد مگر مردی که کافر از دنیا برود یا مردی که مومنی را از روی عمد و تعمد بکشد

کل ذنب عسی الله ان یغفره الا الرجل یموت کافرا او الرجل یقتل مومنا متعمداً (۶)

نبی اکرم فرمود: بخدا قسم اگر اهل آسمان و اهل زمین جمع بشوند بر کشتن مومنی و راضی به آن باشند، خداوند همه آنها را، داخل جهنم می کند

والذی نفسی بیده لو اجتمع علی قتل مومن اهل السما و الارض و رضوا به لادخلهم الله جمیعاً جهنم (۷)

جناب وهابی، معاویه دوست، معاویه ملعون، امام حسن، سید و سرور جوانان اهل

ص: ۳۸۰

۱- ۱. امالی ابن سمعون ج ۱ ص ۱۶۵، ربیع الابرار زمخشری ج ۱ ص ۴۳۸ و ۴۳۱، و فیات الاعیان ابن خلکان ج ۲ ص ۶۶؛

الامامه و السیاسه ابن قتیبه ج ۱ ص ۱۴۲، جمهره الخطب العرب ج ۲ ص ۹۹، العقد الفرید ابن عبد ربه ج ۲ ص ۱۲۵

۲- ۲. محاضرات الادباء راغب اصفهانی ج ۲ ص ۲۲۴، حیاة الحیوان دمیری ج ۱ ص ۵۱

۳- ۳. سنن نسایی ج ۷ ص ۸۹؛

۴- ۴. فتح الباری ابن حجر ج ۱۲ کردن تمام دنیا- ص ۱۶۶

۵- ۵. فتح الباری ابن حجر ج ۱۲ ص ۱۶۶، المستدرک حاکم ج ۴ ص ۳۵۱، عمدہ القاری عینی ج ۱۸ ص ۱۸۳، تفسیر ابن کثیر

ج ۱ ص ۵۲۱،

۶- ۶. مسند احمد ج ۴ ص ۹۹

۷- ۷. کنز العمال ج ۱۵ ص ۳۴، المستدرک حاکم ج ۴ ص ۳۵۲ - ح ۸۱۰۷

بهشت را تعمداً با دسیسه به شهادت می رساند و از شهادت امام حسن، اظهار فرح و خوشحالی می کند، پس جای معاویه برای همیشه در آتش جهنم است و راهی بسوی بهشت به هیچ وجه ندارد

لا یبغضنا اهل البيت احد الا اکبه الله عزوجل علی وجهه فی النار (۱)

راه نجات از آتش جهنم و قبولی طاعات و عبادات محبت به اهل بیت عصمت و رسالت، خصوصاً مولا علی علیه السلام است، نبی اکرم فرمود: دوستی علی، حسنه ای است که با بودن آن هیچ معصیتی به آن ضرر نمی رساند و بغض و دشمنی به علی، گناه و سیئه ای است که با بودن آن هیچ حسنه ای به آن سود نمی رساند

حبّ علی حسنه لایضر معها سیئه و بغض علی سیئه لاتنفع معها حسنه (۲)

حب علی بن ابی طالب یا کل الذنوب کما تاکل النار الحطب؛ دوستی علی می خورد گناهان را همچنان که آتش هیزم را می خورد؛ (۳)

نبی اکرم فرمود: تنها راه دوری از آتش جهنم، دوستی علی است _ برائه من النار حبّ علی (۴) از پیامبر اکرم سوال شد، جواز عبور از پل صراط چیست؟ فرمود: دوستی علی ابن ابی طالب _ یا رسول الله للنار جواز؟ قال: حب علی ابن ابی طالب (۵)

نبی اکرم به مولا علی فرمود: ای علی، خوشا بحال کسی که تو را دوست بدارد و وای بحال کسی که تو را دشمن بدارد

یا علی طوبی لمن احبک و صدق فیک و ویل لمن ابغضک (۶)

عایشه می گوید از رسول خدا شنیدم که به علی می فرمود: همین تو را بس که

ص: ۳۸۱

۱- ۱. الطیوریات ح ۲۷۲، لو ان اهل السماء و اهل الارض اشرکوا فی دم مومن لا کبهم الله فی النار _ جامع ترمذی ح ۱۳۱۴، سنن الکبری بیهقی ح ۱۴۵۸۵، مسند الربیع بن حبیب ح ۸۴۲، کشف الاستار ح ۳۱۳۴ المعجم الکبیر طبرانی ح ۵۶۶، تاریخ بغداد ح ۳۸۹۰، حلیه الاولیاء ح ۶۴۸۱، شعب الایمان ح ۴۹۵۰

۲- ۲. مناقب خوارزمی ص ۷۶ ح ۵۶، ینابیع الموده ج ۱ ص ۲۷۰ ح ۴ باب ۲۰، کنوز الحقائق مناوی ج ۱ ص ۲۵۵ ح ۳۲۴۵؛ ذخائر العقبی طبری ص ۹۱، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۱۳ ص ۵۲ رقم ۱۳۱۷، الفردوس دیلمی ج ۲ ص ۱۴۲ ح ۲۷۲۲، کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۲۱ ح ۳۳۰۲۱؛ ریاض النضره ج ۳ ص ۱۹۰ باب ۴

۳- ۳. تاریخ بغداد ج ۴ ص ۱۹۴ و ج ۳ ص ۱۶۱

۴- ۴. مستدرک حاکم ج ۲ ص ۲۴۱

۵- ۵. تاریخ بغداد ج ۳ ص ۱۶۱

٦-٦. مستدرک حاکم ج ٣ ص ١٣٥، تاریخ بغداد ج ٩ ص ٧٢، ریاض النضره ج ٢ ص ٢١٥، ذخائر العقبی ص ٩٢

محبّ و دوستدارت در دم مرگ، از مُردن حسرتی و در قبرش وحشتی و در قیامت فزعی ندارد

حسبك ما لمحبك حسره عند موته و لا وحشه في قبره و لافزع يوم القيامة (۱)

نبی اکرم فرمود: هر کس علی را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس علی را دشمن بدارد مرا دشمن داشته و هر کس مرا دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است (۲)

وال من والاه و عاد من عاداه نبی اکرم فرمود: اگر مردی بین صفا و مروه، همیشه در حال نماز و روزه باشد و با آن حال خدا را ملاقات کند ولی دشمن اهل بیت محمد باشد وارد آتش جهنم می شود (۳)

رجلا صفن بين الركن و المقام فصلی و صام ثم لقی الله و هو مبغض لاهل بیت محمد دخل النار _ هذا حدیث حسن صحیح (۴)

من احب علیاً فقد احبني و من احبني فقد احب الله و من ابغض علیاً فقد ابغضني فقد ابغض الله _ حدیث ۴۵۸۵، _ هذا حدیث صحیح، (۵) نبی اکرم فرمود: سعید و خوشبخت در دنیا و آخرت کسی است که در دنیا و آخرت علی را دوست بدارد (یعنی با محبت علی از دنیا برود) و شقی و بدبخت کسی است که در دنیا دشمنی علی داشته باشد و با دشمنی علی از دنیا برود

ان السعید حق السعید من احب علیاً فی حیاته و بعد موته و ان الشقی کل الشقی من ابغض علیاً فی حیاته و بعد موته (۶)

جناب وهابی اموی مسلک، معاویه با دشمنی مولا علی زندگی کرد و با دشمنی مولا

ص: ۳۸۲

-
- ۱-۱. تاریخ بغداد ج ۴ ص ۱۰۲
 - ۲-۲. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۲۷، تاریخ بغداد ج ۴ ص ۴۰، ریاض النضره ج ۲ ص ۲۶۶، کنز العمال ج ۶ ص ۱۵۷، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۲۹، خصائص نسائی ص ۲۸
 - ۳-۳. مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۷۶۶
 - ۴-۴. المعجم الکبیر طبرانی ج ۱۱ ح ۱۱۴۱۲، مجمع الزوائد هیشمی ج ۹ ص ۱۷۲ ح ۱۵۰۰۶ _ (سایت اسلام ویب)
 - ۵-۵. اتحاف المهره ح ۵۷۲۴، معجم الکبیر ح ۹۴۰ و ح ۱۹۳۷۷؛ الفوائد المجموعه شوکانی ح ۹۷۳، تاریخ دمشق ابن عساکر ح ۴۴۳۲۸، تاریخ بغداد ح ۴۳۴۱ الشریعه للاجری ح ۱۴۸۹، امالی الخمیسیه للشجری ح ۴۸۴، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۳۲ ح ۱۴۷۵۷ و اسناد حسن
 - ۶-۶. مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۳۲ ح ۱۴۷۵۸

علی مُرد و او با این بغض و کینه اش دشمن خدا و رسول خدا بود، چگونه او راهی بسوی بهشت می تواند داشته باشد، بهشت بر دشمنان خدا و رسول، حرام است، نبی اکرم فرمود: اگر کسی هزار سال و هزار سال بین رکن و مقام، خدا را عبادت کند تا حدی که همانند مشک پوسیده شود ولی با بغض آل محمد، خدا را ملاقات کند؛ خداوند او را با صورت وارد آتش جهنم می کند

و لو ان عابدا، عبدالله بين الركن و المقام الف عام و الف عام حتى يكون كالشن البالي لقي الله مبغضاً لال محمد اكبه الله على منخره في نار جهنم (۱)

نبی اکرم فرمود: ای علی، اگر بنده ای به اندازه عمر، حضرت نوح خدا را عبادت کند و هم وزن کوه احد در راه خدا، انفاق کند و هزار سال هر ساله پیاده به مکه رفته و حج گذارد و نهایتاً بین صفا و مروه، مظلومانه، کشته شود اما تو را دوست نداشته باشد، هرگز بوی خوش بهشت به مشامش نخواهد رسید و وارد بهشت نخواهد گردید

لو ان عبدا، عبدالله مثل ما قام نوح في قومه و كان له مثل احد ذهبا فانفقه في سبيل الله و مدفي عمره حتى يج الف عام عل قدميه ثم قتل بين الصفاء و المروه مظلوما و لم يوالكك يا على لم يشم رائحه الجنة و لم يدخلها (۲)

نبی اکرم فرمود: اگر تمام مردم بر دوستی علی جمع بشوند، خداوند، آتش جهنم را خلق نمی کرد

لو اجتمع الناس على حب علي ابن ابي طالب لما خلق الله النار (۳)

نبی اکرم فرمود: ای مردم، هر کس بغض و کینه و دشمنی ما اهل بیت را داشته باشد، روز قیامت یهودی و نصرانی محشور می شود، ولو اینکه نماز خوانده باشد و روزه گرفته باشد و خیال کند مسلمان است

ايها الناس من ابغضنا اهل البيت حشره الله يوم القيامة يهودياً فقلت: يا رسول الله و ان صام و صلى؟ قال: و ان صام و صلى و زعم انه مسلم (۴)

ص: ۳۸۳

-
- ۱-۱. تاریخ بغداد ج ۱۳ ص ۱۲۴
 - ۲-۲. الفردوس دیلمی ج ۳ ص ۳۶۴ ح ۵۱۰۳ _ سمط النجوم العوالی ج ۳ ص ۶۷ ح ۵۲، مناقب اخطاب خوارزمی ح ۴۰ ج ۱ ص ۶۷، مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۷۳، ینابیع الموده قندوزی ج ۲ ص ۲۹۳؛
 - ۳-۳. مناقب خوارزمی ج ۱ ص ۶۷ ح ۳۹، فردوس الاخبار ج ۳ ص ۴۰۹
 - ۴-۴. مجمع الزوائد هیشمی ج ۹ ص ۱۷۲ ح ۱۵۰۰۹، المعجم الاوسط طبرانی ج ۵ ح ۴۰۱۴

نبی اکرم فرمود: ای علی هر کس با بغض و دشمنی تو بمیرد، یهودی و نصرانی مُرده است یعنی از اسلام خارج است و یهودی ها و نصرانی ها راه به بهشت ندارند پس معاویه یهود این امت است، جناب وهابی چگونه می گویی او اهل بهشت است؟!

یا علی لایالی من مات و هو یبغضک مات یهودیاً او نصرانیاً (۱)

یا ایها الناس من آذی علیا بعث یوم القیامه یهودیا او نصرانیا (۲)

نبی اکرم فرمود: احدی ما را دشمن نمی دارد مگر آنکه در قیامت با تازیانه های آتشی از رحمت خدا، رانده و دور می شود (۳) _ لایبغضنا و لایحسدنا احد الا ذید عن الحوض یوم القیامه بسیاط من نار (۴)

نبی اکرم فرمود: هر کس با علی دشمنی کند با خداوند، دشمنی کرده است

عادی الله من عادی علیاً (۵)

جناب وهابی، معاویه و امثال او، با مولا علی، دشمنی کردند پس دشمن خدا هستند و جای دشمن خدا بهشت نیست جهنم می باشد.

معاویه ملعون و امثال او، اگر می خواستند اهل بهشت و نجات از عذاب الهی باشند باید محبت و مودت و دوستی مولا علی و خاندان علی و دوستان علی، را در قلب و دل خود جا می دادند؛ قرآن کریم در سوره نمل آیه ۸۹ و ۹۰ می فرماید: هر کس کار نیکی بکند برای او بهتر از آن داده می شود و آنان از ناراحتی روز قیامت در امان خواهد بود و هر کس کار بدی کند به رو در آتش سرنگون شوند، مولا علی در دنیا ذیل تفسیر آیه مذکور فرمود: منظور از حسنه در این آیه دوستی ما اهل بیت و سیئه (گناه)، بغض و دشمنی به ما اهل بیت است

ص: ۳۸۴

-
- ۱- ۱. مناقب ابن مغزلی ح ۷۴ میزان الاعتدال ذهبی ص ۲۳۶، لسان المیزان ابن حجر ج ۴ ص ۲۵۱؛ ینابیع الموده ص ۲۵۱،
 - ۲- ۲. مناقب ابن مغزلی ح ۷۶، بحر المناقب ابن حسویه ص ۴۶،
 - ۳- ۳. مجمع الزوائد ج ۴ ص ۲۷۸ و ج ۹ ص ۱۷۲
 - ۴- ۴. تفسیر درالمنثور سیوطی ج ۱۳ ص ۱۴۵ ذیل آیه مودت، المعجم الاوسط ج ۳ ح ۲۴۲۶، نبی بسیاط من نار _ تفسیر در المنثور سیوطی ج ۱۳ ص ۱۴۵ ذیل آیه مودت؛ المعجم الاوسط ج ۳ ح ۲۴۲۶
 - ۵- ۵. صحیح الجامع الصغیر ص ۷۳۵ ح ۳۹۶۶، آلبانی این حدیث را صحیح اعلام کرده است، کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۰۱ ح ۳۲۸۹۹، الاصابه ج ۱ ص ۱۹۱، فیض القدیر ج ۴ ص ۲۹۸ بمعرفه الصحابه ابی نعیم ج ۲ ص ۱۰۴۳، اسدالغابه ج ۲ ص ۲۳۸، جامع الاحادیث سیوطی ج ۱۴ ص ۱۶۵

رسول خدا فرمود: یا علی اگر امت من آنقدر، روزه بگیرند که مانند میخ، لاغر شوند و آنقدر نماز بخوانند که مانند گیاه شوند، آنگاه تو را دشمن بدانند، خداوند آنان را بر روی دماغ در آتش سرنگون می کند؛

یا علی لو ان امتی صاموا حتی صاروا کالواتاد و صلوا حتی صاروا کالحنایا، ثم ابغضوک لا کبهم الله علی مناخرهم فی النار (۲)

نبی اکرم فرمود: من به شما سفارش می کنم که هر چه بیشتر و بهتر با اهل بیتم به نکوئی رفتار کنید که اگر فردای قیامت من به جانبداری از آنها به دشمنی با شما خواهم برخاست و کسی که من به دشمنی او برخیزم از او دادخواهی خواهم نمود؛ و کسی که من از او دادخواهی نمایم؛ جایگاهش جهنم است

استوصوا باهل بیتی خیراً، فانی اخاصکمکم عنهم غداً و من اکن خصمه اخصمه و من اخصمه دخل النار (۳)

جناب وهابی معاویه، فرعون امت بوده و جای فرعون و فرعونها، آتش جهنم است، نبی اکرم فرمود: برای هر امتی یک فرعون بوده و فرعون امت من، معاویه بن ابوسفیان است

لکل امه فرعون و فرعون هذه الامه معاویه بن ابی سفیان (۴)

معاویه بن حدیج می گوید که معاویه بن ابوسفیان، مرا نزد امام حسن مجتبی علیه السلام، فرستاد تا دخترش و یا خواهرش را جهت یزید خواستگاری کنم، من نزد آنحضرت آمدم و قصه را گفتم، امام حسن فرمود: ما خاندانی هستیم که زنان خود را شوهر نمی دهیم مگر بعد از آنکه از خودشان اجازه بگیریم؛ من شخصاً نزد دختر رفتم و از یزید تعریف کردم، دختر گفت: بخدا قسم چنین چیزی ممکن نیست مگر آنکه رفیقت (معاویه) در میان ما آن رفتاری را بکند که فرعون در بنی اسرائیل کرد،

ص: ۳۸۵

۱-۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۵۸۱

۲-۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۵۸۳ ص ۴۲۷، ینابیع الموده قندوزی ج ۱ ص ۲۷۰

۳-۳. ذخائر العقبی ص ۱۸ صواعق المحرقه ص ۵۰ باب ۱۱ فصل ۱ آیه ۴، نورالابصار ص ۱۰۵ و ص ۱۲۶، ینابیع الموده ص

۳۲۷؛ اسعاف الراغبین ص ۱۲۰؛ احقاق الحق ج ۹ ص ۴۳۲ و ج ۱۸ ص ۴۹۰

۴-۴. العلل المتناهیة ابن جوزی ح ۴۴۲،

پسرانشان را کشت و دختران شان را زنده گذاشت، من نزد امام حسن آمده و گفتم مرا نزد آتش پاره یی فرستاده ای که معاویه را فرعون نامید... (۱)

و الله لا یكون ذاک حتی یرسیر فینا صاحبک كما سار فرعون فی بنی اسرائیل، یدبح ابناهم و یرسحی نساءهم، (۲)

مولا علی فرمود: دشمنان ما، بر روش و رویه و سنت فرعون و یارانش هستند

و ان عدونا یوم خلق السماوات و الارض علی سنه فرعون و اشیاعه (۳)

نبی اکرم فرمود: فرعون این امت، معاویه است فرعون هذه الامه و هو معاویه (۴)

حتی در کتاب شریف نهج البلاغه ج ۲ ص ۳۶ خطبه ۱۵۱، مولا علی، غاصبان خلافت را، بر سنت و روش فرعونیان می دانسته

اذا قبض الله رسوله رجع قوم علی الاعقاب... و ذهلوا فی السکره علی سنه من آل فرعون ...

یکی از شرایط رفتن به بهشت جاودان، اطاعت از خدا و رسول اسلام است که بوسیله اطاعت از فرامین خدا و پیامبر، دارای حیات و زندگی طیبه و پاکی روحی و معنوی شود و بتواند از حیات طیبه بهشتی استفاده کند، قرآن کریم در سوره انفال آیه ۲۴ به این مطلب اشاره فرموده می فرماید: ای کسانی که ایمان آوردید زمانی که خدا و رسول شما را فرا می خوانند، اجابت کنید تا شما راه زنده کنید؛ امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: یعنی زمانی که شما را به ولایت و امامت علی علیه السلام می خواند چون معاویه علیه الهاویه، دارای حیات طیبه معنوی و الهی نبوده بر اثر عدم اجابت خدا و رسول و مولا علی، شرایط رفتن به بهشت ندارد

یا ایها الذین امنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاهما لما یحیکم _ عن ابی جعفر الباقر قال: الی ولایه علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه (۵)

ص: ۳۸۶

-
- ۱- ۱. معجم الکبیر طبرانی ح ۲۷۲۶
 - ۲- ۲. مجمع الزوائد ج ۴ ص ۲۷۸ ح ۷۴۶۶ (مکتبه شامله)
 - ۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ص ۲۳۰ ح ۵۹۱،
 - ۴- ۴. خصال صدوق ص ۸۷۶ باب ۷۰
 - ۵- ۵. مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۲۴۵، کشف الغمه ج ۱ ص ۳۲۱، تاویل الایات الظاهره ج ۱ ص ۱۹۱ کشف الیقین ص ۳۸۶؛ مناقب مرتضوی محمد صالح کشفی ترمذی حنفی ص ۵۶؛

نبی اکرم فرمود: هر کس حرمت و احترام ۳ چیز را رعایت کند، خداوند دین و دنیای او را حفظ و پاسداری می کند و هر کس این ۳ چیز را بی احترامی و ضایع کند، خداوند دین و دنیای او را حفظ نمی کند؛ اول: حرمت اسلام دوم: حرمت من، سوم: حرمت رحم و خاندان من، جناب وهابی، معاویه با حفظ نکردن این ۳ حرمت، دین و آخرتی برایش باقی نماند که بخواهد وارد بهشت شود

ثلاث من حفظهن حفظه الله له دینه و دیناه و من ضيعهن لم يحفظ الله له شيئاً حرمة الاسلام و حرمتی و حرمة رحمی (۱)

دوباره برگردیم به نظر شریف مولا- علی درباره اصحاب جمل، مولا علی بعد از فراغت از جنگ جمل پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: ای اهل بصره، ای گروه منحرف و منقلب، ای درمندان بی درمان، ای پیروان چهار پای، ای لشکر زن، شما به صدای چهارپایی جمع شدید و چون کشته شد پراکنده شدید، آب آشامیدنی شما تلخ و ناگوار و آئین شما نفاق است

یا اهل الموتفکه یا اهل الداء العضال، اتباع البهیمه، یا جند المرءه فاجبتم و عفر فهربتم ما و کم زعاق و دینکم نفاق

در ادامه همین روایت آمده وقتی سخنرانی مولا علی درباره اصحاب جمل به پایان رسید با اصحابش راه افتادند تا رسیدند به حسن بصری که در حال وضو گرفتن بود و به او گفتند: ای حسن خوب وضو می گیری او گفت: ای علی دیروز افراد کشتی که همگی مسلمان بودند و ۵ وقت نماز می خوانند و با تمام آداب وضو می گرفتند؛ مولا علی فرمود: اگر اینگونه بوده و تو شاهد آن بودی پس برای چه به یاری دشمنان ما نشتافتی؟ حسن بصری گفت: بخدا راست فرمودی ماجرا از این قرار بود که در روز اول جنگ بود که از خانه بیرون آمده غسل کردم و شمشیر را با خود برداشتم و من هیچ شک نداشتم که تخلف از ام المومنین عائشه کفر است.

ولی وقتی به خریبه (نام محلی است در بصره) رسیدم آوازی مرا ندا ساخت ای حسن کجا می روی؟ برگرد که قاتل و مقتول هر دو در این جنگ جهنمی هستند؛

ص: ۳۸۷

۱- ۱. احياء الميت سيوطي ح ۵۹ صواعق المحرقة ص ۳۲۵، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۶۸ ح ۱۴۹۸۳؛ المعجم الكبير طبراني ح ۲۸۸۱، المعجم الاوسط ج ۱ ص ۱۶۳ مساله ۲۰۵،

پس با حالتی ترسان برگشتم و در خانه ام نشستم پس چون روز دوم رسید هیچ شک نکردم که تخلف از ام المومنین عائشه کفر است، پس همچون روز گذشته، غسل کردم و سلاح به کمر بسته و آماده رفتن به میدان جنگ شدم تا به همان محل مذکور، رسیدم دوباره همانند روز گذشته، صدایی از پشت سرم شنیدم که گفت: ای حسن دوباره کجا می روی که قاتل و مقتول هر دو اهل آتش جهنم هستند؛ مولا علی فرمود: راست گفتی آیا میدانی که آن صدا کننده که بود؟ گفت: نه فرمود: او برادرت ابلیس (شیطان) بود و راست گفت که قاتل و مقتول از آنان هر دو اهل جهنم هستند، حسن بصری گفت: ای علی اکنون دریافتم که این قوم در هلاکت و گمراهی هستند، (۱)

و صدقك ان القاتل و المقتول منهم في النار

عجیب همین سخنی که حسن بصری از زبان شیطان شنیده که قاتل و مقتول هر دو آتش جهنم هستند، اسماعیل بخاری در کتاب صحیح بخاری باب کتاب الایمان ج ۱ ص ۱۸ و ص ۳۵ ح ۳۱ نقل کرده که نبی اکرم فرمود: قاتل و مقتول هر دو در آتش جهنم هستند، راوی سوال کرد، دلیل جهنمی بودن قاتل معلوم است ولی مقتول چرا به جهنم خواهد رفت؟ فرمود: بدلیل اینکه او نیز آرزوی کشتن برادرش را دارد _ اذا التقى المسلمان سيفيهما فالقاتل و المقتول في النار؛ فقلت يا رسول الله: هذا القاتل فما بال المقتول قال: انه كان حريصاً على قتل صاحبه (۲)

پس اهل سنت و وهابیت که این حدیث را از زبان پیامبر اسلام نقل کرده اند پس باید بگویند صحابه که با هم وارد قتال و جنگ شده اند و تصمیم کشتن یکدیگر داشته اند و عده زیادی از آنان به دست هم کشته شده اند از هر دو گروه اصحاب جمل و صفین و نهروان و مولا علی و یارانش اهل جهنم هستند یا باید بگویند این حدیث دروغ و جعلی است یا اینکه سخن مولا علی را قبول کنند که در ذیل سخن

ص: ۳۸۸

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۳۶۹ ح ۸۶
۲- ۲. عون المعبود ح ۴۲۶۸ عظیم آبادی؛ سنن الکبری بیهقی ص ۱۹۰ ج ۸ ح ۱۶۲۸۳؛ المعجم الاوسط ماله ۸۵۶۹؛ سنن ابی داود ح ۴۲۶۸؛ صحیح مسلم ج ۴ ح ۲۸۸۸ ص ۲۲۱۴، مسند البزار ج ۹ ح ۳۶۳۷ مسند احمد حنبل مساله ۱۹۹۲۶؛ سنن نسایی مساله ۴۱۲۳، مصنف عبدالرزاق ماله ۲۰۷۲۸،

حسن بصری به نقل از کتاب احتجاج شیخ طبرسی فرمود: قاتل و مقتول اصحاب جمل و صفین و نهروان اهل آتش هستند، چون مولا- علی خود محور حق و میزان حق و باطل است که روایاتش از منابع اهل سنت در صفحات گذشته از دید شما گذشت پس بنابراین قول مولا علی دشمنان و اهل قتال با ایشان اهل جهنم هستند و راهی به اندازه سوزن به بهشت و رحمت الهی ندارند، مولا- علی با صدای بلند در جنگ جمل؛ زبیر را خواند و فرمود: ای ابا عبدالله نزد من بیرون آی و زبیر همراه طلحه نزد آن حضرت آمدند، پس روی به آنان نموده و فرمود: بخدا سوگند شما دو نفر و صاحبان علم از آل محمد و نیز عائشه همه و همه خوب می دانید که تمامی اصحاب جمل در لسان پیامبر لعن شده اند و هر که نسبت افتراء به پیامبر بندد از رحمت حق محروم بماند؛ آندو گفتند: چگونه چون مائی که از اصحاب بدر و اهل بهشتیم ملعون هستیم؟ حضرت فرمود: اگر من قبول داشتم که شما (طلحه و زبیر) اهل بهشتید هرگز، تن به جنگ با شما نمی دادم. زبیر گفت: مگر حدیث سعید بن عمر و بن نفیل را نشنیده ای که از رسول خدا نقل نموده که فرمود: ده نفر از افراد قریش اهل بهشتید؟

حضرت فرمود: این حدیث را از عثمان شنیدم که در ایام خلافت خود نقل می کرد، زبیر به او گفت: آیا گمان می کنی بر پیامبر، دروغ بسته است؟ حضرت فرمود: من هیچ نمی گویم تا تک تک آن افراد بهشتی را نام ببری، زبیر گفت: ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر، عبدالرحمن بن عوف، سعد ابن ابی وقاص، ابوعبیده جراح، و سعید بن عمرو بن نفیل حضرت فرمود: ۹ نفر را نام بردی، دهمی کیست؟ زبیر گفت: دهمی شما هستید، حضرت علی فرمود: تو خودت با این حدیث اعتراف نمودی که من اهل بهشتیم، ولی من آنچه نسبت به خود و یارانت قائلی منکرم و با بهشتی بودن شما مخالفم، زبیر گفت: آیا فکر می کنی که سعید بر پیامبر، دروغ بسته؟ حضرت فرمود: من تنها فکر نمی کنم بلکه بخدا سوگند به این مطلب یقین دارم، و افزود: بخدا قسم، که برخی از این ده نفر، را که نام بردی جایگاه هشان به روز قیامت در تابوتی قرار گرفته و آن در گوشه ای از چاهی عمیق در پست ترین درجات جهنم می باشد ... من این حدیث را از خود پیامبر شنیدم و اگر دروغ گویم، خداوند مرا بر

شما غالب و مظفر نگردانند و خون مرا به دست شما بریزد و اگر راست می گویم؛ خداوند مرا ظفر و نصرت داده، و هر چه زودتر ارواح شما و اصحاب و یارانان را به آتش نزدیک کند (۱).

ان كل اصحاب الجمل ملعونون على لسان محمد صلى الله عليه و آله و سلم ... فقال لهما على عليه السلام : لو علمت انكم من اهل الجنة لما استحللت قتالكم... و عجل ارواحكم الى النار ...

نقل است که چون مولا- علی بر جنازه طلحه در میان کشتگان جنگ جمل، عبور کرد فرمود: او را بلند کرده و بنشانید پس خطاب به او فرمود: هر چند که تو دارای سابقه بودی ولی متأسفانه شیطان در دماغ تو داخل شده و تو را روانه آتش ساخت _
لكن الشيطان دخل في منخريك فاوردك النار (۲).

و نیز نقل شده است که آنحضرت بر طلحه عبور کرده و فرمود: این همان کسی است که بیعت مرا شکست و فتنه و فساد را میان ملت برانگیخت و علیه من امت را شورانید و مردم را به کشتن من و اهل بیت من خواند، سپس فرمود: تا او را نشانده و گفت: ای طلحه بن عبیدالله، من آنچه را که خداوند وعده ام فرموده بود دریافتم، آیا تو نیز وعده های خدایت را درست و راست یافتی؟ سپس دستور داد تا او را بخوابانند و از او دور شد، یکی از یاران آنحضرت عرض کرد، چگونه با جسد طلحه، حرف زدی؟ فرمود: بخدا قسم که سخن من را شنید همانطور که کشتگان کافر اهل بدر، چون بچاه ریخته شدند، سخن رسول خدا، را در آنروز شنیدند و آنحضرت همین عمل را با کعب بن سور، قاضی که در میان کشتگان بود، تکرار کرده و فرمود: این همان کسی است که قرآن را از گردن خود آویخته بر ما شورش نمود و به خیال خود از ما در مومنان (عایشه) حمایت و طرفداری نموده و مردم را به قرآن فرا می خواند حال اینکه خود به حقایق آن جاهل و غافل بوده، این آدم از خدا مسالت نموده که مرا بکشد و خدا او را کشت (۳).

ص: ۳۹۰

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۳۴۴ ح ۷۰

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۳۴۹ ح ۷۳،

۳- ۳. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۳۵۰ ح ۷۴

اما و الله سمع كلامى كما سمع اهل القلب كلام رسول الله يوم بدر... اما انه دعا الله ان يقتلنى فقتله الله

مولا- على در اين حديث كه از نظ شما گذشت، اهل و اصحاب جمل و كشته هاى از سپاه عايشه و خود طلحه و زبير را، همانند سپاه كفر در روز جنگ بدر با پيامبر، برابر و مساوى دانسته يعنى اصحاب جمل با كفار و منافقين برابرنند و راهى به بهشت ندارند.

اما نظر شريف مولا- على درباره معاويه عليه الهاويه (بطور اختصار) _ مولا على فرمود: معاويه، امامت مرا، انكار نموده و خيال مى كند در خلافت از من برتر است او در اين عملش، به خداوند و رسول خدا، جرات و جسارت نموده (۱).

و يجحدنى الامامه و يزعم انه احق بها منى؛ جراه منه على الله و على رسوله

جناب وهابى كسى كه در مقابل خدا و رسول، عرض اندام مى كند آيا وارد بهشت خواهد شد؟ مولا على، معاويه را نه از اصحاب مهاجر و نه از اصحاب انصار قبول نداشته و ندارد، مى فرمايد: اسيران آزاده شده كفار جاهليت و فرزندانشان را با امتيازات بين مهاجران نخستين و ترتيب درجات و تعريف طبقاتشان چه نسبت؟ هيئات خود را در صفى قرار مى دهى كه از آن بيگانه اى _ (۲)، مولا على درباره معاويه مى گويد: تو همان كسى هستى كه هميشه در بيابان گمراهى سرگردانى و از راه راست و حد اعتدال منحرفى، جناب وهابى كسى كه مثل معاويه از صراط مستقيم منحرف است آيا راهى به سوى رضوان الهى و بهشت برين دارد؟!

فانك لذهاب فى التنيه، رواغ عن القصد (۳)

مولا على، معاويه را يكي از كسانى مى داند كه در كشته شدن خليفه سوم (عثمان) اثر داشته مى داند مى فرمايد: تو كسى هستى كه عثمان از تو يارى خواست و تاخير كردى تا مرگ بر سرش هجوم آورد و زندگى اش به سر آمد _ (۴)؛ مولا على درباره معاويه مى فرمايد: ما ايمان آورديم و شما به كفر و بى ايمانى خود باقى مانديد،

ص: ۳۹۱

۱- ۱. احتجاج طبرسى ج ۱ ص ۳۷۴

۲- ۲. احتجاج طبرسى ج ۱ ص ۳۸۷ ح ۹۰

۳- ۳. احتجاج طبرسى ج ۱ ص ۳۳۸،

۴- ۴. احتجاج طبرسى ج ۱ ص ۳۹۱ و ص ۳۹۰

امروز، هم ما به راه راست می رویم و شما پیرامون فتنه هستید، آنها که از گروه شما، اسلام را پذیرا شدند، از روی میل و علاقه نبود بلکه در حالی بود که همه بزرگان عرب در برابر، رسول خدا، تسلیم شدند و در حزب او درآمدند؛ نوشته بودی که من، طلحه و زبیر را کشته و عایشه را تبعید کرده ام و در کوفه و بصره اقامت گزیده ام، این مربوط به تو نیست و لزومی ندارد عذر آنرا، از تو بخوهم و یادآور شده بودی که با گروهی از مهاجران و انصار به مقابله با من خواهی شتافت (کدام مهاجر و انصار؟) هجرت از آن روزی که برادرت (یزید بن ابوسفیان) روز فتح مکه، اسیر شده پایان یافت... بخدا سوگند می دانم تو مردی بی عقل و پوشیده دل هستی، سزاوار است درباره تو گفته شود؛ به نردبانی بالا- رفته ای که تو را به پرتگاه خطرناکی کشاند که به زیان توست نه به سود تو؛ ... چقدر به عموها و دایی های بت پرست خود، شباهت داری؟ همانها که شقاوت و تمنای باطل، و ادارشان ساخت که پیامبر اسلام را انکار کنند (۱)

انا آمننا و کفرتم و الیوم انا استقمنا و فتنتم و ما اسلم مسلمکم الا کرهاً و بعد ان کان انفس الاسلام کله لرسول الله حزبا... و الله ما عملت؛ الاغلف القلب المقارب العقل... و قریب ما اشبهت من اعمام و احوال، حملتهم الشقاوه و تمنی الباطل (۲)

مولا علی به معاویه می گوید: تو مدام داری بسوی زیانکاری و جایگاه کفرورزی، حرکت می کنی، خواسته های دل تو را به بدی ها کشانده و در پرتگاه گمراهی قرار داده است و تو را در هلاکت انداخته و راه های نجات را بر روی تو بسته است
فقد اجریت الی غایه خسر و محله کفر (۳)

شما خاندان ابوسفیان، یا برای دنیا و یا از روی ترس در دین اسلام وارد شدید _ کنتم ممن دخل فی الدین اما رغبه و اما رهبه (۴)

مولا- علی می فرماید: ای معاویه، شیطان تو را نمی گذارد تا به نیکوترین کارت پردازد، جناب وهابی وقتی شیطان نمی گذاشته، معاویه بسوی راه خدا و معنویت

ص: ۳۹۲

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۳۹۳ و ص ۳۹۲

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۳۹۳

۳- ۳. نهج البلاغه ص ۵۱۸ و ص ۵۱۹ نامه ۳۰؛

۴- ۴. نهج البلاغه ص ۴۹۶ نامه ۱۷ ش ۲

برود؛ چگونه راهی به سعادت بهشت دارد (۱)

و اعلم ان الشيطان قد ثبطك عن ان تراجع حسن امورك: بنی امیه که معاویه جزء آنان است چون می شنیدند، نوزادی نام علی دارد او را می کشتند.

__ کانت بنو امیه اذا سمعوا بمولود اسمه علی قتلوه (۲)

وقتی معاویه و معاویه ها از نام مقدس مولا علی، تنفر داشتند و با مولا علی اینقدر کینه و عدوات داشتند که حاضر نبودند نام علی را بشنوند چگونه راهی به بهشت و رضایت الهی خواهند داشت؟! حتی معاویه ملعون از نام مقدس نبی اکرم، خوشش نمی آمد و دوست داشت نام او را از مازن ها و از صفحه روزگار حذف کند (۳)

و ان ابن ابی کبشه لیصاح به کل یوم خمس مرات اشهدان محمداً رسول الله فای عمل بقی؟ و ای ذکر یدوم بعد هذا لا ابالك؟ لا والله الا دفناً دفناً (۴)

حکم نهایی قیام کنندگان (ناکثین و قاسطین، اصحاب صفین و جمل) در مقابل خلیفه پیامبر و خلیفه چهارم مسلمین در آنوقت __ اهل سنت از قول رسول اکرم نقل کرده اند که فرمود: هر فردی از افراد جامعه از جماعت مسلمین یک وجب جدا شود، داخل آتش جهنم می شود __ من فارق الجماعه شبراً دخل النار (۵)

نبی اکرم فرمود: اگر کسی به مقدار بند کمانی از جماعت مسلمین جدا شود، نماز و روزه او قبول نیست و بدن او هیزم جهنم خواهد بود

فمن فارق الجماعه قید قوس لم تقبل منه صلاه و لاصیام و اولئك هم وقود النار (۶)

چون اصحاب جمل و صفین، زیر بار دستورات مولا علی نرفتند و جماعت و وحدت مسلمین را به تفرقه و درگیری و خونریزی مبدل کردند، طبق قاعده حدیثی

ص: ۳۹۳

-
- ۱- ۱. نهج البلاغه نامه ۷۳ ص ۶۱۶ و ص ۶۱۷
 - ۲- ۲. تاریخ دمشق ج ۴۱ ص ۴۸۱، تهذیب الکمال مزی ج ۲۰ ص ۴۲۹، سیر اعلام النبلاء ذهبی ج ۷ ص ۴۱۳ تهذیب التهذیب ج ۷ ص ۲۸۰ ابن حجر
 - ۳- ۳. الاخبار الموفقیات ص ۴۶۲ ح ۳۷۵ تالیف الزبیر بن بکار
 - ۴- ۴. شرح نهج البلاغه ج ۵ ص ۱۳۰
 - ۵- ۵. مستدرک حاکم ج ۱ ص ۱۱۸، المعجم الکبیر ج ۶ ص ۵۳،
 - ۶- ۶. مجمع الزوائد ج ۵ ص ۲۱۷ و معجم الکبیر ج ۳ ص ۳۰۲،

اهل سنت که ذکر شد، هیزم آتش جهنم هستند و راهی به سوی بهشت ندارند

من فارق الجماعه شبرا فقد خلع ربقه الاسلام من عنقه (۱) منهال بن عمرو گوید: نزد امام زین العابدین علیه السلام رفته و عرضه داشتم، چگونه صبح کردید؟ فرمود: گمان نمی کردم بزرگی از بزرگان شهر نداند حال ما چگونه است، حال که نمی دانی تو را آگاه می سازم، مادر بین قوم خویش، همچون بنی اسرائیل در بین فرعونیان شده ایم که فرزندانمان را می کشتند و زنانمان را زنده می گذاردند و به خاطر نزدیکی به دشمنان ما، بر منبرها از بزرگ و سرور ما (علی بن ابی طالب) بدگویی کرده به ایشان جسارت می کنند (۲)

اصبححافی قومنا بمنزله بنی اسرائیل فی آل فرعون اذ کانوا یذبون ابناءهم و یستحیون نسا هم و اصبح شیخنا و سیدنا یتقرب الی عدونا بشته او سبه علی المنابر

برخورد و رفتار معاویه و معاویه ها، با خاندان مولا علی و با مولا علی، همانند رفتار فرعون با قوم بنی اسرائیل بوده که جوانان آنان را ذبح می کرد و زنانشان را، نگه می داشت، پس معاویه همانند فرعون است و باید طبق عدل الهی با فرعون در جهنم محشور شود.

ورموا بالنبال جنازته حتی سل منها سبعون نبلا _ حال بررسی می کنیم حالات خلیفه اول و دوم _ جناب ابوبکر و عمر، که آیا خودشان قبول داشتند که جزء عشره مبشره و افراد صد در صد بهشتی هستند یا نه؟ در منابع روایی اهل سنت آمده که ابوبکر می گفت: بخدا قسم دوست داشتم درختی در کنار راهی بودم و شتر رهگذری مرا می خورد سپس مرا بصورت مدفوع خارج می کردم و من هرگز بشر نبودم

والله لو ددت انی کنت شجره فی جانب الطريق مر علی جمل و فاخذنی فادخلنی فاه فلا کنتی ثم اذردنی ثم اخرجنی بعراً و لم اکن بشرا (۳)

در ابتدای این روایت آمده که ابوبکر پرنده ای را بر روی درختی دید و گفت:

ص: ۳۹۴

۱- ۱. مسند احمد ج ۵ ص ۱۸۰؛ سنن ابی داود ج ۲ ص ۴۲۶، سنن ترمذی ج ۴ ص ۲۲۶؛ المستدرک حاکم ج ۱ ص ۱۱۷ فتح الباری مساله ۶۶۴۵، التلخیص الحبیر، کنانی ج ۴ مساله ۱۹۸۴، صحیح ابن خزیمه ج ۲ ص ۹۱۵، مصنف عبدالرزاق ج ۳ مساله ۵۱۴۱

۲- ۲. طبقات الکبری ابن سعد ج ۵ ص ۲۱۹

۳- ۳. مصنف ابن ابی شیبه ج ۷ ص ۹۱ ح ۳۴۴۳ تاریخ مدینه دمشق ج ۳۰ ص ۳۳۰، تاریخ الخلفا سیوطی ج ۱ ص ۱۴۲،

خوشا بحالت ای پرنده، بخدا قسم، من نیز دوست داشتم مثل تو پرنده بودم، زیرا، آزادانه پرواز می کنی و بر روی درختان می نشینی و از میوه های آنها می خوری و در روز قیامت نیز هیچ حساب و کتاب و عذابی نداری _ رای ابوبکر طیاراً واقعاً علی شجره فقال: طوبی لک یا طیر والله لوددت انی كنت مثلک، تقع علی الشجره و تاکل من الثمر ثم طیر و لیس علیک حساب ولا عذاب (۱)

در روایت دیگر از ابوبکر آمده که گفته ای کاش قوچی بودم و آنقدر مرا پرورش می دادند که چاق ترین قوچ می شدم و بعد مرا ذبح می کردند و مقداری از گوشتم را کباب می نمودند و سپس می خوردند و آنگاه بصورت مدفوع خارج می کردند ولی ای کاش بصورت آدم و بشر خلق نشده بودم _ و الله لوددت انی کبش یسمنی اهلی ... و انی لم اکن خلقت بشرا

در روایت دیگر آمده که ابوبکر می گفت: ای کاش من موئی بودم در پهلوی بنده مومنی _ و ددت انی شعره فی جنب عبد مومن (۲)

سوال می کنیم از جناب وهابی و وهابی ها، اگر ابوبکر خلیفه اول، اطمینان کامل داشت جزء عشره مبشره هست و صددرصد بهشتی است، چرا آرزو می کرده که اصلاً ای کاش انسان به دنیا نیامده بود و پرنده ای آزاد بود و آرزو می کرده ای کاش موی بدن فرد مومنی بود، اگر ابوبکر، اطمینان کامل داشت قطعاً بهشتی است به رحمت واسعه خداوند و بشارت پیامبر و بشارت قرآن کریم به ادعای اهل سنت و وهابیت که ظاهر آیه می گوید مهاجرین و انصار بهشت برایشان آمده است، جای نگرانی نباید داشته باشد؟! سوره توبه آیه ۱۰۰ واعدلهم جنات، حال بررسی می کنیم علت اینکه خلیفه اول، جناب ابوبکر آرزو می کرده که ای کاش پرنده ای آزاد بودم و حساب و کتاب نداشتم، ای کاش قوچی بودم و مرا می خوردند و بصورت مدفوع خارج می کنند ولی بشر آفریده نشده بودم چه بوده؟

عبدالرحمن بن عوف می گوید، در بیماری ابوبکر برای عیادتش به خانه او رفتم،

ص: ۳۹۵

-
- ۱- ۱. کنز العمال ج ۱۲ ص ۵۲۸، ریاض النضره طبری ج ۱ ص ۱۳۴، منهاج السنه ابن تیمیه ج ۳ ص ۱۲۰
 - ۲- ۲. المنتظم ابن جوزی ج ۴ ص ۶۳ الزهد ابن حنبل ص ۱۰۸، ریاض النضره طبری ج ۲ ص ۱۳۷، جامع الاحادیث سیوطی ج ۱۳ ص ۵۰، تاریخ الخلفاء ج ۱ ص ۱۰۴، کنز العمال ج ۱۲ ص ۵۲۸،

پس از گفتگوی زیاد گفت: ای کاش (۳) چیز را که انجام داده ام انجام نمی دادم، ای کاش (۳) چیز را که انجام نداده ام انجام می دادم، ... یکی از آن ۳ چیزی که انجام داده ام و آرزو می کنم ای کاش انجام نمی دادم این است که ای کاش پرده حرمت خانه حضرت فاطمه^۱ پاره نکرده بودم و آنرا بحال خود وا می گذاشتم، هر چند برای جنگ بسته شده بود

و ددت انی لم اکشف بیت فاطمه و ترکتہ و ان اغلق علی الحرب (۱)

علمای اهل سنت حدیث پشیمانی ابوبکر بخاطر حمله به خانه حضرت فاطمه زهرا، با سند صحیح تائید و نقل کرده اند _ (۲)، حمله ابوبکر و اصحابش به خانه دختر گرامی پیامبر اسلام که سیده و سرور زنان اهل بهشت است خلاف عمل افراد باایمان است که قرآن کریم در آیه ۲۷ سوره نور می فرماید: ای اهل ایمان بدون اجازه وارد خانه هیچ کسی نشوید؛

لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستانسوا

یکی دیگر از ادله ای که بهشتی بودن ابوبکر و عمر را زیر سوال میبرد، طبق منابع موثق اهل سنت، قهر کردن حضرت فاطمه از ابوبکر و عمر می باشد، حضرت فاطمه بر ابوبکر غضب نمود و با او قطع رابطه کرد تا اینکه وفات کرد و به مولا علی وصیت کرد که ابوبکر و عمر در تشیع و تدفین او حاضر نشوند و مولا علی، مخفیانه بدون اذن ابوبکر، شبانه حضرت زهرا، را دفن کرد

فوجدت فاطمه علی ابن بکر فی ذلک فهجرتہ فلم تکلمه حتی توفیت ... فلما توفیت دفنها زوجها علی، لیلا و لم یوذن بها ابابکر و صلی علیها (۳)

ص: ۳۹۶

۱- ۱. کتالعمال ج ۵ ص ۲۵۲ ح ۱۴۱۱۳ الاموال، بن سلام ج ۱ ص ۱۷۴ ح ۳۵۳؛ الامامه و السیاسه ج ۱ ص ۲۱، ابن قتیبه، تاریخ طبری ج ۲ ص ۳۵۳ العقد الفرید ج ۴ ص ۲۵۴، مروج الذهب ج ۱ ص ۲۹۰، تاریخ دمشق ج ۳۰ ص ۴۱۸، تاریخ الاسلام ج ۳ ص ۱۱۸ اذهبی مجمع الزوائد ج ۵ ص ۲۰۲، سمط النجوم العوالی ج ۲ ص ۴۶۵: معجم الکبیر طبرانی ج ۱ ص ۶۲ ح ۳۴؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲ ص ۴۶؛ جمهره النسب ج ۲ ص ۹۴، جامع المسانید و السنن ابن کثیر ج ۱۷ ص ۶۵، مسند فاطمه الزهرا، سیوطی ص ۳۴، الضعفاء الکبیر ج ۷ ص ۱۱۷ عقیلی، لسان المیزان ابن حجر ج ۲ ص ۱۸۵ و ج ۴ ص ۱۸۹، السقیفه و فدک ص ۴۳ و ص ۷۳

۲- ۲. الاحادیث المختاره مقدسی ج ۱ ص ۹۰ _ قلت و هذا حدیث حسن عن ابی بکر، انساب الاشراف ج ۳ ص ۴۰۶، جامع الاحادیث سیوطی ج ۱۳ ص ۱۰۱ و ج ۱۷ ص ۴۸ _ انه حدیث حسن

۳- ۳. صحیح بخاری ج ۵ ص ۸۲ عمده القاری ج ۷ ص ۲۵۸، صحیح ابن حبان ج ۱۱ ص ۱۵۳ و ج ۱۴ ص ۵۷۳، صحیح مسلم ج ۵ ص ۱۵۳، سیر اعلام النبلاء ذهبی ج ۲ ص ۱۲۱، تاریخ المدینه نمیری ج ۱ ص ۱۹۶، طبقات الکبری ابن سعد ج ۲ ص ۳۱۵، السقیفه و فدک جوهری ص ۱۰۷، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۶ ص ۲۱۸، صحیح بخاری ج ۳ ص ۱۱۲۶ ح ۲۹۲۶

فغضبت فاطمه بنت رسول الله فهجرت ابا بكر فلم تزل مهاجرة حتى توفيت (۱)

هنگامی که ابوبکر و عمر در زمانی که بی بی دو عالم، در بستر بیماری قرار گرفته بودند بعد از حادثه هجوم به منزلش آمدند برای عیادت و طلب پوزش، حضرت فاطمه روی از آنها برگردانید و جواب سلام آنان را نداد و از آنان اقرار گرفت که شما را بخدا قسم می دهم آیا شما دو نفر از پیامبر نشنیدید که فرمود: خشنودی فاطمه، خشنودی من و ناراحتی او ناراحتی من است هر کس دخترم فاطمه را دوست بدارد و احترام کند مرا دوست داشته و احترام کرده است و هر کس فاطمه را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است، ابوبکر و عمر گفتند آری ما از رسول خدا، اینگونه شنیده ایم، سپس صدیقه شهیده طاهره فرمود: پس من خدا و فرشتگان را شاهد می گیرم که شما دو نفر مرا اذیت و ناراحت کردید و در ملاقات با پدرم (پیامبر) از شما دو نفر شکایت خواهم کرد، بخدا قسم پس از هر نماز بر شما نفرین خواهم کرد

فانی اشهد الله و ملائکة انکما اسخطتمانی و ما ارضیتمانی و لئن لقیته النبی لاشکونکما الیه و الله لادعون الله علیک فی کل صلاه اصلیها (۲)

حال از منابع معتبر اهل سنت ملاحظه کنیم، ابوبکر و عمر، که حضرت زهرا، را آزرده خاطر و ناراحت کردند، دچار گناه بزرگ و خطرناکی شدند و چه سرنوشتی طبق آیات قرآن دارند، نبی اکرم فرمود: فاطمه پاره تن من است کسی که فاطمه را به غضب و ناراحتی در بیاورد مرا ناراحت کرده، دشمنی با فاطمه دشمنی با من و اذیت می کند مرا کسی که فاطمه را اذیت کند

فاطمه بضعه منی فمن اغضبها اغضبنی (۳) _ انما فاطمه بضعه منی یوذینی من آذاها _ (۴) نبی اکرم فرمود: ای فاطمه خداوند با خشم تو خشمگین و با خشنودی تو،

ص: ۳۹۷

۱- ۱. صحیح بخاری ج ۴ ص ۱۵۴۹ ح ۳۹۹۸ و ج ۶ ص ۲۴۴۷ ح ۶۳۴۶

۲- ۲. الامامه و السیاسه، دینوری ج ۱ ص ۱۷؛ اعلام النساء ج ۳ ص ۱۲۱۴

۳- ۳. صحیح بخاری ج ۴ ص ۲۱۰

۴- ۴. صحیح مسلم ج ۷ ص ۱۴۱ سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۶۰؛ المستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۵۹ _ انما بضعه منی یریبنی ما رابها و یوذینی ما آذاها _ سنن الکبری بیهقی ج ۷ ص ۳۰۷ _ سنن الکبری نسایی ج ۵ ص ۱۴۷؛ تفسیر ثعالبی ج ۵ ص ۳۱۶، عمده القاری ج ۱۷ ص ۲۵۸ صحیح ابن حبان ج ۱۱ ص ۱۵۳ _ البحر الزخار ج ۲ ص ۱۵۹، غریب الحدیث ج ۳ ص ۱۱۸۶ حلیه الاولیاء ابونعیم ج ۲ ص ۴۱ فوائد ابی بکر النصیبی ص ۵۳، المصنف ابن ابی شیبہ ج ۶ ص ۳۸۸؛ مسند البزار ج ۶ ص ۱۵۰؛ الحاوی الکبیر؛ ماوردی ج ۱۷ ص ۱۶۴؛

خشنود می شود _ یافاطمه ان الله يغضب لغضبك و يرضى لرضاك (۱)

پس نتیجه این شد که ابوبکر و عمر مورد غضب و خشم و ناراحتی، سیده زنان عالم حضرت فاطمه زهرا بودند و حضرت از آنان راضی نشد تا از دار دنیا رفت، و خشم و غضب بی بی دو عالم برابر با خشم و غضب خدا و رسول است و قرآن کریم می فرماید: هر کس مورد غضب و خشم و غضب و خشم خدا و رسول قرار گرفت، در دنیا و آخرت مورد لعنت و عذاب الهی قرار می گیرد و راهی بسوی بهشت و رضوان الهی ندارد

{ان الذين يوذون الله و رسوله لعنهم الله في الدنيا و الاخره واعدلهم عذابا مهينا} (۲)

_ آیه المنافق ثلاث: اذا حدث كذب و اذا وعد اخلف و اذا اوتمن خائن _ خود خلیفه دوم عمر ابن الخطاب می گوید: اگر منادی از آسمان ندا دهد ای مردم همه وارد بهشت شوید الا یک نفر، من می ترسم که آن یک نفر من باشم و اگر منادی بگوید همه وارد جهنم شوید الا یک نفر، امیدوارم آن یک نفر من باشم

عن عُمر: لونادی مناد من السماء: يا ايها الناس انكم داخلون الجنة كلکم اجمعون الا رجلاً واحدا؛ لخفت ان اکون انا هو و لو نادی مناد: ايها الناس انکم داخلون النار الا رجلاً واحدا لرجوت ان اکون انا هو (۳)

سوال از جناب وهابی و وهابی ها، اگر خلیفه دوم، اطمینان کامل داشته جزء

ص: ۳۹۸

۱- ۱. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۵۴ و ص ۱۶۷، معجم الکبیر طبرانی ج ۱ ص ۱۰۸، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۲۰۳ _ هذا حدیث صحیح الاسناد ... رواه الطبرانی و اسناده حسن، تاریخ مدینه دمشق ج ۱ ص ۴۳۴ الاصابه ابن حجر ج ۴ ص ۳۷۸؛ صواعق المحرقة ج ۲ ص ۵۰۷، الاحاد و المثانی ابن ابی عاصم ج ۵ ص ۳۶۳ ح ۲۹۵۹، تاریخ دمشق ج ۳ ص ۱۵۶؛ الاصابه ابن حجر ج ۸ ص ۲۶۶، میزان الاعتدال ذهبی ج ۱ ص ۵۳۵ و ج ۲ ص ۴۹۲، اسد الغابه ج ۷ ص ۲۱۶ جزری، تاریخ بغداد ج ۱۷ ص ۱۴۰

۲- ۲. سوره احزاب آیه ۵۷

۳- ۳. حلیه الاولیاء ج ۱ ص ۵۳، محاضرات الادباء ج ۲ ص ۲۲ سبل و الهدی و الرشاد ج ۱۱ ص ۲۷۱؛ جامع الاحادیث سیوطی ج ۱۳ ص ۳۱۸ ح ۱۲۴۰، احیا العلوم غزالی ج ۲ ص ۳۷۷، التخفیف من النار، ابن رجب حنبلی ج ۱ ص ۲۳

عشره مبشره و افراد صددرصد بهشتی است چرا امید به بهشت رفتن نداشته و اگر ادامه روایت می گوید امید داشته آن یک نفر بهشتی فقط او می باشد که این حرفش خلاف قرآن و عدالت الهی است، یعنی بهشت این بزرگی فقط برای او آفریده شده و او از همه خلائق فقط برتر است و کسی لایق بهشت نیست فقط او، و اگر واقعاً یقین دارد که صددرصد بهشتی است جای هیچ خوف و ترسی از عدم به بهشت رفتن نباید داشته باشد، در روایت دیگر از منابع اهل سنت آمده که خلیفه دوم عمر ابن الخطاب، گیاهی و سبزی از زمین گرفت و گفت ای کاش من این علف و گیاه بودم، ای کاش من چیزی و موجودی نبودم، ای کاش مادرم مرا متولد نمی کرد، ای کاش برای همیشه فراموش می شدم

رایت عمر بن الخطاب اخذ تبتة من الارض فقال ياليتني كنت هذه التبتة ليتني لم اك شيئاً ليت امي لم تلدني، ليت كنت نسيامنسيا (۱)

اگر خلیفه دوم عمر ابن الخطاب، واقعاً صددرصد بهشتی بوده و هست و امید به رحمت و اسعه الهی داشته، چرا واحسرتا و وایلا- داشته که ای کاش تکه علف پوسیده ای بودم، ای کاش موجودی و چیزی نبودم، ای کاش مادرم مرا، انسان و آدم به دنیا نیاورده بود، تاریخ عمر بن الخطاب ابن جوزی ص ۱۴۸، سلیمان بن یسار می گوید: هنگامی که عمر در بستر مرگ افتاده بود، مغیره به او گفت: گوارایت باد بهشت ای حاکم مسلمین، عمر گفت: ای پسر مادر، مغیره تو چه می دانی اکنون من در چه وضعیتی هستم، قسم به آنکه جانم در دست اوست اگر بین مشرق و مغرب عالم از آن من بود آنرا می بخشیدم تا از وحشت قیامت در امان باشم (۲)

قال له المغیره بن شعبه: هنيئاً لك يا اميرالمومنين الجنة قال: يا ابن ام المغیره و ما يدريك؟ والذی نفسی بیده لو كان لی ما بین المشرق و المغرب لافتدیت به من هول المطلاع؛ عمر ابن الخطاب گفت: اگر برای من زمین پر از طلا- شود، پیش از دیدن عذاب الهی آنرا برای نجات خویش فدیة می دادم (۳)

ص: ۳۹۹

- ۱- ۱. کنز العمال ج ۱۲ ص ۶۱۹ و ص ۶۲۰ ح ۳۵۹۱۶ طبقات الکبری ج ۳ ص ۳۶۰، مصنف ابن ابی شیبه ج ۷ ص ۹۸، تاریخ الخلفاء سیوطی ج ۱ ص ۱۲۹، شعب الایمان ج ۱ ص ۴۸۶
- ۲- ۲. تاریخ المدینه المنوره ج ۳ ص ۹۱۶
- ۳- ۳. صحیح بخاری ج ۳ ص ۱۷ ح ۳۶۹۲ -

والله لو ان لي طلاع الارض ذهباً لافتديت به من عذاب الله قبل ان اراه _ فرزند عُمَر می گوید: سر پدرم (عُمَر) در وقت بیماری اش که در همان بیماری از دنیا رفت روی زانویم بود، گفت: سرم را روی زمین بگذار، سپس گفت: وای بر من و بر مادرم اگر خدا بر من رحم نکند _ فقال: ویلی و ویل امی ان لم یرحمنی ربی (۱)

الویل لأمی ان لم یغفر الله لی، فلم یزل یقولها حتی خرجت نفسه

عمر ابن الخطاب در آخرین نفس ها و لحظات عُمرش گفت: اگر به اندازه همه کوههای زمین طلا داشتم، آنها را می دادم تا از وحشت روز قیامت در امان باشم (۲)، عمر ابن الخطاب پیش از مردنش گفت: بخدا قسم اگر همه آنچه که خورشید بر آن می تابد، از آن من بود، آنرا می دادم تا از وحشت روز قیامت رهایی یابم (۳)

والله لو كان لی ما طلعت علیه الشمس لافتديت به من هول المطلاع،

عمر ابن الخطاب گفت: ای کاش قوچ خاندانم بودم تا در حد توانشان چاقم می کردند و بعضی از بدنم را کباب و بعضی را خشک می کردند و می خوردند سپس بصورت مدفوع خارج می کردند و انسان آفریده نمی شدم

یالیتی کنت کبش اهلی سمونی ما بدالهم حتی اذا کنت کاسمن مایکون زارهم بعض من یحبون فذبحونی لهم فجعلوا بعضی شواء و بعضه قدیدا ثم اکلونی و لم اکن بشراً (۴)

حال بررسی کنیم علت خوف و ترس خلیفه دوم در هنگام مرگش چه بوده؟! و این واویلای او از دیدگاه قرآن کریم علت و سبب چیست؟ و نشانه و خصالت اخلاقی چه افرادی می باشد؟! ابن حجر می نویسد: علت ترس شدید، عُمر در هنگام مرگ، بخاطر کوتاهی ها در برآوردن حقوق مردم بوده است

ص: ۴۰۰

۱- ۱. حلیه الاولیاء ج ۱ ص ۵۲، شرح السنه بغوی ج ۱۴ ص ۳۷۳، ربیع الابرار، زمخشری ج ۱ ص ۱۱۶، طبقات الکبری ابن سعد ج ۳ ص ۳۶۰، تاریخ عمر ابن الخطاب ابن جوزی ص ۲۰۳، تاریخ مدینه منوره ابن شبه ج ۳ ص ۹۱۹،

۲- ۲. تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۱۳۴

۳- ۳. کنز العمال ج ۱۲ ص ۶۷۷ شماره _ ۳۷ _ ۳۶

۴- ۴. شعب الایمان ج ۱ ص ۴۸۵، جامع الاحادیث سیوطی ج ۱۳ ص ۳۱۷، حلیه الاولیاء ج ۱ ص ۵۲، الزهد، امام هنادبن السری الکوفی باب ۴۸ ص ۲۵۸، تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۱۴۲ کنز العمال ج ۱۲ ص ۶۱۹، تاریخ عمر ابن الخطاب، ابن جوزی ص ۱۴۸،

در روایت دیگر عمر ابن الخطاب علت ترس و حسرتش هنگام مرگش را بیان می دارد می گوید: ای کاش ۳۰ سال قبل مرده بودم زیرا من دنیا را آباد کردم برای معایه و دین و ایمانم را تباه نمودم دنیا را گرفتم و آخرتم را از دست دادم

یا لیتنی مت قبل هذا الیوم بثلاثین سنه اصلحت لمعاویه دنیا و افسدت دینی آثرت دنیای و ترکت آخرتی (۲)

یکی دیگر از علل ترس و وحشت فراوان، خلیفه دوم هنگام مرگش این بوده که حق مولا علی را غضب کرده بوده است، عمر ابن الخطاب قبل از جان دادنش، پسرش را به دنبال مولا علی فرستاد که نزدش بیاید؛ وقتی مولا علی بر بالین عمر آمد؛ عمر گفت: ای علی من اولین کسی هستم که برای تو، شر بپا کردم، دوست دارم مرا حلال کنی حضرت فرمود: به این شرط می پذیرم تا دو نفر شاهد باشند که تو چنین درخواستی داشتی و از من حلالیت نمودی، عمر سرش را به طرف دیوار برگرداند و بعد از مدتی طولانی باز گفت: ای ابالحسن چه شد چه می گویی؟ حضرت فرمود: مطلب همان است که گفتم، عمر گفت: ای علی پس آتش جهنم را بر ننگ و عار، ترجیح می دهم، پس از رفتن مولا- علی، پسر عمر، از عمر پرسید، چرا قبول نکردی؟ عمر گفت: علی می خواهد کاری کند که دیگر کسی حاضر نشود بگوید خدا عمر را بیامرزد (۳)

یا ابالحسن انی کنت ممن شغب علیک ... فاحب ان تجعلنی فی حل ... فقال: نعم، علی ان تدخل علیک رجلین فتشهدما علی ذلک... قال: فحول وجهه الی الحائط، فمکث طویلا ثم قال: یا ابالحسن ما تقول؟ قال: هو ما اقول لک ... فمکث طویلا ثم قام فخرج قال قلت: یا ابت قد انصفک قال: یا بنی انما اراد ان لا یتغفرلی رجلان من بعدی... حال بررسی می کنیم حالات خلیفه سوم مسلمین، جناب عثمان بن عفان که آیا خودش را اهل بهشت می دانسته و با اعمال و افعالی که علیه صحابه و مسلمین داشته آیا راهی بسوی بهشت دارد یا نه.

ص: ۴۰۱

۱-۱. فتح الباری ج ۷ ص ۴۳

۲-۲. تاریخ یعقوبی (ایام عمر) ج ۲ ص ۱۶۱

۳-۳. بحار الانوار ج ۳۰ ص ۱۴۲، مدینه المعجز ج ۲ ص ۹۵

فانی سمعت رسول الله يقول يلحد رجل من قریش بمکه یكون علیه نصف عذاب العالم فلن اکون انا اياه.... (۱)

اگر عثمان جز عشره مبشره بود، چرا صحابه پیامبر جمع شدند و او را به قتل رساندند؟ طبری در تاریخش می نویسد: تمام صحابه پیامبر اکرم که در مدینه بودند، نامه نوشتند به صحابه ای که در خارج از مدینه بودند، که شما رفته اید به کشورهای دور دست برای جهاد کردن و احیاء دین پیامبر، در حالیکه خلیفه شما عثمان، دین پیامبر اکرم را به فساد کشانده است پس جمع شوید و بیاید تا دین پیامبر را بیا دارید، صحابه از تمام گوشه و کنار عالم آمدند و عثمان را کشتند

کتب من بالمدینه من اصحاب النبی الی ما بالافاق منهم ... انکم خرجتم ان تجاهد وافی سبیل الله تطلبون دین محمد، فان دین محمد قد افسد من خلفکم و ترک .. (۲)

حقیر قصد توهین و هتاک به مقدسات برادران عزیز اهل سنت و جماعت ندارم هر مطلبی از زبان خلفاء نقل کردم در باب عدم دخول به بهشت از زبان خودشان و از منابع معتبر اهل سنت بوده است اگر نوشتن و گفتن این حقائق کفر و هتک حرمت است پس از کتب خودتان آنان را حذف کنید و اگر توهین و هتک حرمت به خلفای ثلاثه و صحابه نیست چرا بعنوان باب خوف و زهد خلفا نقل کردید؟! زیر در حق عثمان می گوید: او را بکشید که دین شما را تغییر داد

اقتلوه فقد بدل دینکم (۳)

عبدالله ابن مسعود گفت: خون عثمان حلال است

ان دم عثمان حلال (۴) عمار می گوید: عثمان می خواست دین ما را تغییر بدهد و ما هم او را کشتیم _ اراد ان یغیر دیننا فقتلناه (۵)

ص: ۴۰۲

-
- ۱- ۱. رواه احمد و رجاله ثقات فضائل الصحابه ج ۱ ص ۴۸۵، مسند احمد ج ۱ ص ۶۷، تاریخ دمشق ج ۳۹ ص ۳۸۱، المقتل عثمان، ابی بکر اندلسی ج ۱ ص ۱۶۹
 - ۲- ۲. تاریخ طبری ج ۳ ص ۴۰۱ تاریخ دمشق ج ۳۹ ص ۴۰۹، کامل ابن اثیر ج ۳ ص ۱۷۹؛ البدایه و النهایه ج ۳ ص ۲۰۷؛ طبقات ابن سعد ج ۳ ص ۷۴،
 - ۳- ۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۹ ص ۳۶،
 - ۴- ۴. تاریخ طبری ج ۳ ص ۳۴۱،
 - ۵- ۵. وقعه صفین ابن مزاحم ص ۳۳۹، شرح نهج البلاغه ج ۸ ص ۲۲،

عایشه همسر پیامبر اکرم می گفت: پیر احمق (عثمان) را بکشید

اقتلوا نعثلاً قتل الله نعثلاً(۱)

معنای نعثل

النعثل الشيخ الاحمق و منه حديث عائشه: اقتلوا نعثلاً...: تعنی عثمان ...

منافقان به نام خدا قسم می خورند که چیز بدی نگفتند، آنان سخنان کفرآمیز بر زبان آوردند و بعد از اسلام آوردن کافر شدند و تصمیماتی اتخاذ کردند که موفق به انجام آن نشدند

{يحلِفون بالله ما قالوا ولقد كلمه الكفر و كفروا بعد اسلامهم و هموا بما لم ينالوا}(۲)

بسیاری از مفسران اهل سنت در تفسیر و هموا بمالم ينالوا، گفته اند که مراد کسانی هستند که قصد داشتند در بازگشت از جنگ تبوک، رسول خدا، را ترور نمایند هنگامی که رسول خدا با مسلمین از تبوک مراجعت می کرد و در راه مدینه به مسیر خود ادامه می داد، گروهی از اصحاب او اجتماع کردند و تصمیم گرفتند که آن جناب را در یکی از گردنهای بین راه بطور مخفیانه بکشند، آنها صورتهای خود را پوشاندند که شناخته نشوند و جلو راه را گرفتند، رسول اکرم به عمار فرمود: مهار شتر را بگیرد و حذیفه را هم سوق دهد، در این هنگام که راه می رفتند؛ صدای دویدن آن جماعت را شنیدند که از پشت سر، حرکت می کنند و آنان رسول خدا، را در میان گرفتند و قصد داشتند نبی اکرم را بکشند ولی حذیفه به آنان حمله کرد و از ترس شناخته شدن فرار کردند، پیامبر از حذیفه سوال کرد آیا آنان را شناختی؟ گفت: فلانی و فلانی را شناختم، رسول اکرم فرمود: آنان قصد داشتند من را بکشند، حذیفه گفت پس ای رسول خدا امر کنید تا مردم گردن آنان را بزنند، رسول خدا فرمود: من دوست ندارم مردم بگویند که محمد، اصحاب خود را متهم می کند و آنها را می کشد؛

ص: ۴۰۳

۱- ۱. المحصول فی علم اصول الفقه، امام فخر رازی ج ۴ ص ۳۴۳؛ الفتوح ابن اعثم ج ۲ ص ۴۲۱؛ روح المعانی آلوسی ج ۲۲

ص ۱۱ الامامه و السياسه ج ۱ ص ۵۱، لسان العرب ابن منظور ج ۱۲ ص ۶۶۹ و ص ۶۷۰

۲- ۲. سوره توبه آیه ۷۴،

سپس رسول خدا، آنها را معرفی کرد و فرمود شما آنرا مخفی بدارید _ (۱)

آیه ۷۲ در سوره فرقان درباره کسانی که دعا می کنند ما را برای متقین امام قرار بده، کسانی هستند که توبه می کنند و عمل صالح انجام می دهند؛ پیامبران که معصوم هستند نیازی به توبه ندارند؟! و کسانی که شهادت دروغین نمی دهند مگر، پیامبران، شهادت دروغین می دادند؟! شما که می گوئید آیات آخر سوره فرقان (آیات ۶۳ الی ۷۶) مخصوص آل محمد است این تضاد با قرآن کریم دارد؟! باید قرآن بفرمود و من اهل بیت محمد لایشهدون الزور

تا من نگویم منظور این آیه من و فرزندان من هستند، شما هستید، بینندگان ما هستند خاطر جمع می شد منظور این آیات ائمه آل محمد هستند؟! دیگه هر کاری دوست داشتیم انجام می دادیم، بخاطر اینکه آیه شامل ما نمی شود، قبل از آنکه به شبهات وهابیت در ذیل آیات آخر سوره فرقان که در رد امامت ائمه هدی بیان می کنند بلطف حق پاسخ دهم، شاید وهابی ها در رابطه با ترس و وحشت و اوایلای خلفای ثلاثه؛ خصوصاً ابوبکر و عمر که از منابع اهل سنت ذکر و نقل شد بگویند و شبهه کنند بگویند که ترس و اوایلای خلفاء خصوصاً ابوبکر و عمر از باب ترس خدا و قیامت بوده و این صفات عالی افراد مومنان به خدا و قیامت است، حال بررسی می کنیم از خود آیات قرآن کریم که هر کس حرف آخر عمرش و اوایلا باشد بدمسیری در پیش دارد_ سوره فرقان آیه ۲۷ و ۲۸ {يقول يا ليتني اتخذت مع الرسول سبيلا؛ يوليتي ليتني لم اتخذ فلانا خليلا}، فرقان آیه ۱۳ و ۱۴ {وادعوا ثورا كثيرا _ دعوا هنالك ثورا، لاتدعوا اليوم ثورا واحدا} جهنمیان می گویند وای بر ما، ای کاش از رسول خدا، پیروی کرده بودیم، به جهنمیان می گویند یکبار و اوایلا نگوئید زیاد و اوایلا و ای کاش بگوئید _ سوره نبا آیه ۴۰، اهل عذاب و جهنم می گویند: ای کاش ما خاک بودیم { و يقول الكافر يا ليتني كنت ترابا } _ قرآن در سوره زمر آیه ۴۷ {ولو

ص: ۴۰۴

۱- ۱. دلائل النبوه بیهقی ج ۵ ص ۲۵۶ الدر المنثور ج ۴ ص ۲۴۳، مسند احمد حنبل ج ۵ ص ۴۵۳، شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۲۹۱، البدایه و النهایه ج ۵ ص ۲۶ تفسیر ابن کثیر ج ۲ ص ۳۲۲، سنن الکبری بیهقی ج ۹ ص ۳۳؛ تفسیر کبیر رازی ج ۱۶ ص ۱۳۶ تفسیر بحر المحيط ج ۵ ص ۷۳؛ تفسیر ابی السعود ج ۴ ص ۸۴؛ السیره النبویه ابن کثیر ج ۴ ص ۳۵۴ سبل الهدی و الرشاد ج ۱۰ ص ۲۶۲، ابن حزم اندلسی در کتاب المحلی ج ۱۱ ص ۴۲۲

ان للذین ظلموا ما فی الارض جمیعا و مثله معه لافتدوا به من سوء العذاب یوم القیامه { قرآن کریم اشاره دارد افراد با ایمان، هیچ خوف و غصه ای در دنیا و آخرت ندارند و بشارت الهی در دنیا و آخرت شامل آنان می شود

{ الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون ... لهم البشری فی الحیوه الدنیا و فی الاخره } _ سوره یونس آیات ۶۲ و ۶۳ و ۶۴، سوره فجر آیه ۲۷ الی آیه ۳۰ _ برای نمونه بررسی کنیم مولا- علی، امیرمؤمنان، نمونه انسان کامل و خود ایمان و مومن تمام عیار، هنگام شهادت و مرگ چه فرموده، مولا علی به دخترش ام کلثوم فرمود: ای دخترم اگر آنچه من می بینم تو هم می دیدی برای من گریه نمی کردی، راوی می گوید، از حضرت علی سوال شد شما چه می بینید؟ فرمود: اینجا، گروهی از فرشتگان و پیامبران، جمع شده اند و این هم رسول خداست که می فرماید، ای علی بشارت باد، آنچه در انتظار توست بهتر از چیزی است که هم اکنون داری(۱)

قال: هذه الملائكة و فود و النبیون و هذا محمد یقول یا علی ابشر فما تصیر الیه خیر ما انت فیه

در روایت دیگر مولا علی هنگام شهادت و در بستر مرگ فرمود: رسول خدا و حمزه و برادرم بر من وارد شده اند و دربهای آسمان باز و فرشتگان نازل می شوند و به من سلام می کنند و به من بشارت می دهند و جایگاه من در بهشت است

و ابواب السماء مفتحة و الملائكة ینزلون یسلمون علی و یبشرون ... و هذه منازلی فی الجنة (۲)

مولا علی پس از ضربت خوردن بدست اشقل اشقیاء ابن ملجم مرادی، فرمود: بخدای کعبه به فیض و فلاح و رستگاری ابدی رسیدم _ فزت و رب الكعبه (۳) حال بلطف خداوند، پاسخ دهم به شبهات جناب وهابی در ذیل آیات ۶۳ الی ۷۶ سوره فرقان خصوصاً آیه ۷۴ سوره فرقان که جناب وهابی می گوید همه مومنان می توانند از خداوند بخواهند آنان را امام و پیشوای متقیان قرار دهد پس چون امر خواستی و

ص: ۴۰۵

-
- ۱- ۱. اسدالغابه ابن اثیر ج ۴ ص ۱۳۱
 - ۲- ۲. ربیع الابرار، زمحشری ج ۱ ص ۴۳۸،
 - ۳- ۳. الاستیعاب عبدالبر ج ۳ ص ۱۱۲۵، اسدالغابه ابن اثیر ج ۴ ص ۱۳۱، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۵۶۱، انساب الاشراف ج ۱ ص ۳۷۶،

شدنی است درخواستش نتیجه می توان گرفت امامتی که شیعه قائل است از قرآن و روایات بدست خدا و پیامبر نمی باشد پس امامت امر الهی نیست امر شورایی و انتخابی و درخواست کردنی است بدست بشر؟! اولاً بدان ای وهابی اموی مسلک، هر آیه شان نزول دارد یعنی به سببی و علتی آن آیه بر قلب مبارک و مقدس نبی اکرم نازل شده است اولاً شان نزول این آیه را از منابع شیعه و سنی بررسی می کنیم، حاکم ابوالقاسم حسکانی نیشابوری حنفی در کتاب شواهد التنزیل لقواعد التفضیل ص ۲۲۲ ح ۵۷۵ و ح ۵۷۶ ذیل آیه ۷۴ سوره فرقان، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: منظور این آیه ما اهل بیت هستیم

سالت جعفر بن محمد عن قول الله تعالى الذين يقولون ربنا هب لنا... واجعلنا للمتقين اماماً قال: نحن هم اهل البيت

پیامبر اکرم بعنوان مفسر حقیقی قرآن و شخصیتی که آیات قرآن خصوصاً این آیه بر او نازل گشته از جبرئیل امین واسطه وحی سوال کرد، ای جبرئیل منظور از همسران ما کیست؟ گفت: خدیجه کبری و منظور از فرزندان ما؟ گفت: فاطمه زهرا، و منظور از نور چشم ما؟ گفت: حسن و حسین، گفت:

واجعلنا للمتقين اماماً علی ابن ابی طالب است _ قال النبی قلت: یا جبرئیل من ازواجنا؟ قال: خدیجه قال و من ذریاتنا؟ قال: فاطمه و قره اعین؟ قال: الحسن و الحسین قال: واجعلنا للمتقين اماماً قال: علی علیه السلام (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: آیه ۷۴ سوره فرقان درباره اهل بیت نازل شده و ما پیشوای کل متقین هستیم

ثم قرات: واجعلنا للمتقين اماماً، فقال: هذه فينا (۲)

امام باقر علیه السلام تمام آیات ۷۴ سوره فرقان را تلاوت نمود و بعد فرمود: یعنی ما را از هدایت کنندگان قرار ده که مردم به ما هدایت بیابند این آیه مخصوص آل محمد است _ اماماً ای هدا یهتدی بنا و هذه لال محمد خاصه _ (۳)، ابن عباس می گوید: این

ص: ۴۰۶

۱- ۱. شواهد التنزیل حاکم حسکانی ح ۵۷۶، تفسیر قمی ج ۲ ص ۹۳، تفسیر البرهان ج ۵ ص ۴۸۰ ح ۲؛ تاویل الایات ج ۱ ص ۳۸۴ ح ۲۴

۲- ۲. المحاسن خالد البرقی ج ۱ ص ۱۷۰ تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۱۷

۳- ۳. تاویل الایات الظاهره سید شرف الدین ص ۱۸۰ ج ۱

آیه (۷۴ سوره فرقان) در شان والای علی ابن ابی طالب نازل شد _ عن ابن عباس و الذین یقولون ربنا هب لنا ... نزلت فی علی (۱) _ واجعلنا للمتقین اماماً قال لقد سالت ربک عظیماً انما هی واجعل لنا من المتقین اماماً و ایانا عنی بذلک (۲)

فتح الله کاشانی سعید بن جبیر در تفسیر آیه ۷۴ سوره فرقان می گوید: بخدا قسم این آیه در شان و منزلت مولا علی است و بس، بیشتر دعای آن حضرت این بود که می گفت: خدایا به من ازواجی مرحمت که فرزندان من مایه چشم روشنی من باشند منظور ازواجنا یعنی فاطمه زهرا و ذریاتنا یعنی امام حسن و امام حسین، مولا علی می فرماید: بخدا قسم از خداوند نخواستم که فرزند خوش رو و یا فرزند نیکو قامت به من بدهد، بلکه خواستم که فرزندان من عطا کند که مطیع خدا باشند و از خداوند بترسند پس چون فرزندان خود را مطیع خدا یافتیم، دیده ام به آنها روشن شد و شاد شدم و بعد از آن گفت: واجعلنا للمتقین اماماً، یعنی ما از پرهیزکارانی پیروی می کنیم که پیش از ما بوده اند (یعنی سنت الهی و رویه نبی اکرم) پس پرهیزکارانی که بعد از ما می آیند از ما پیروی کنند عن سعید بن جبیر فی قوله تعالی: والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا، الایه قال نزلت هذه الایه و الله خاصه فی امیرالمومنین علیه السلام قال کان اکثر دعاه یقول ربنا هب لنا من ازواجنا یعنی فاطمه و ذریاتنا یعنی الحسن و الحسین قره اعین قال امیرالمومنین: والله ما سألت ربی ولدا نضیرا الوجه و لاسالت ولدا حسن القامه و لکن سالت ربی ولداً مطیعین لله خائفین و جلین منه حتی اذا نظرت الیه و هو مطیع لله قرت به عینی قال: واجعلنا للمتقین اماماً قال: نقتدی بمن قبلنا من المتقین فیقتدی المتقون بنا من بعدنا (۳)

امام صادق و امام باقر علیه السلام بعنوان مفسیر حقیقی قرآن آیات ۶۳ الی ۷۵ سوره فرقان را تفسیر و روشن کرده اند خداوند می فرماید: و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هوناً بندگان خداوند رحمان کسانی اند که به آهستگی و همواری و سیکنه و وقار، روی زمین راه می روند نه از روی تکبر و غرور . امام باقر علیه السلام فرمود: این

ص: ۴۰۷

۱- ۱. تاویل الایات ج ۱ ص ۱۸۰

۲- ۲. زبده التفاسیر ذیل آیه ۷۴ فرقان

۳- ۳. مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۱۵۳، بحار الانوار ج ۲۴ ص ۱۳۵، کنزالفوائد ص ۲۱۴، بحار الانوار ج ۲۴ ص ۱۳۴ و ص ۱۳۳ و ص ۱۳۲، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۷۹ و ج ۶۹ ص ۲۶۳

آیه و آیات بعد از این تا آخر سوره فرقان در شان امامان و اوصیاء نازل شده است که از بابت تقیه و احتیاط از دشمنان خود به آهستگی روی زمین راه می روند _ (۱)، و هر گاه جاهلان و نادانان ایشان را خطاب کنند در جواب آنان سلام می گویند در حدیث است که این نیز در شان ائمه هدی است که با دشمنان مدارا می کنند (۲)

و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما _ آنان که برای خدای خود، شب را به روز می آورند گاه در حال سجده هستند و گاهی در حالت قیام، در حدیث وارد شده که این صفت عالی در شان ائمه هدی است (۳)

{والذین یبیتون لربهم سجداً و قیاماً}

از سلیمان بن خالد روایت شده است که در محفل سوره فرقان را می خواندم و به این آیه رسیدم

{والذین لا یدعون مع الله الها آخر و لا یقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق و لا یزنون} ...

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیات در شان ما نازل شده است، بخدا سوگند، ما را پند داده و نصیحت و موعظه کرده است حال آنکه او می دانست که ما هرگز زنا نمی کنیم پس تا این آیه را خواندم:

{الا من تاب و آمن و عمل عملاً الحافولئک یبدل الله سیئاتهم حسنات} حضرت صادق فرمود: همین جا بایست این آیه در شأن شما شیعیان نازل شده است _ به درستی که روز قیامت مومن گناهکاری را می آورند و او را نزد خداوند عالمیان باز می دارند و خداوند خود به حساب او رسیدگی می کند و یک یک گناهانش را بر او می شمارد و او اعتراف می کند که انجام داده ام تا آنکه خداوند می فرماید: این گناهان را در دنیا بر تو پوشانیدم و تو را رسوا نکردم؛ امروز همه را می آمرزم پس به ملائکه امر می کند، گناهان او را محو کنید و به جای آنها، حسنات بنویسید و این معنای آیه است؛ امالی طوسی ص ۷۳، محاسن برقی ج ۱ ص ۱۷۰، رسول اکرم فرمود: خداوند در مورد پیروان علی علیه السلام یک خصلت را به من وعده داده است و آن این است که هر که

ص: ۴۰۸

۱- ۱. تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۴۸ تفسیر فرات کوفی ص ۲۲۹، اختصاص مفید ص ۳۰۲

۲- ۲. اصول کافی ج ۱ ص ۴۲۷، تاویل الایات ج ۱ ص ۳۸۱؛

۳- ۳. تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۱۶

به او ایمان بیاورد و از ولایت دشمنان او، پرهیزد، خداوند گناهان صغیره و کبیره ی ایشان را می آمرزد و به حسنات تبدیل می کند _ بصائر الدرجات ص ۸۳، سلیمان بن خالد می گوید پس من تتمه ی آیات را خواندم تا به این جا رسیدم (والذین لایشهدون الزور و اذا مروا باللغو مروا کراما؛

امام صادق فرمود: این آیه ها در شان ما و بیان صفت ماست؛ پس خواندم،

{والذین اذا ذکروا بایات ربهم لم یخروا علیها صما و عمیانا }

امام صادق فرمود: این آیه در شان شما شیعیان است، که هر گاه آیات فضیلت ما را بر شما می خوانند، باور می کنید و شک نمی کنید و در آنها تفکر می کنید _ حیاة القلوب علامه مجلسی ج ۲ ص ۱۶۶۰ کتاب سوم؛ تاریخ ائمه ی اطهار، فصل ۳۰ به دلایلی از ظاهر آیات ۶۳ الی ۷۵ فرقان ثابت می شود این آیات مخصوص آل محمد و ائمه طاهری (امامان ۱۲ گانه شیعه) است، و عباد الرحمن که ابتدای لفظ آیه ۶۳ سوره فرقان آمده منظور بندگان خاص خدای الرحمن هستند چرا بندگان خاص و ویژه، خداوند هستند به سبب اتصال عباد به الرحمن امام صادق علیه السلام فرمود: رحمان نام ویژه خداوند است و در خداوند برای صفت خاص یعنی رحمتی که ویژه اهل ایمانست گفته می شود؛ صفت غالبه است لذا، جایز نیست بر غیر خدا گفته شود بعین مانند الله است، الرحمن مختص بذات اقدس احدیت است اگر بکسی گفته شود باید قبل از آن کلمه عبد اضافه کنند بگویند عبد الرحمن _ الرحمن اسم خاص نصفه عامه و الرحیم اسم عام لصفه خاصه _ بهشت جاودان اثر شهید محراب آیت الله دستغیب شیرازی ص ۲۰، دوماً: صفت عالی تقوا است که آنها امام متقیان هستند یعنی در تقوا و پاکی باطن و ظاهر جزء در ائمه طاهرین و امامان ۱۲ گانه شیعه بعد از نبی اکرم، یافت نمی شود؛ ثالثاً: این امامان تقوا و رهبر پاکان، بطور یقین اهل بهشت هستند و صفت صبر و بردباری و تحمل مشقات در راه خدا، در وجود و افعال آنان هویدا و بطور عالی و اعلا می باشد؛ خیلی از اهل تقوا، به سبب علللی به عاقبت شر شدند و جای هیچ تضمینی نیست که تقوای ثابتی داشته باشند و تقوا و صبر آنها در راه خدا مورد قبول خدا، واقع شود و آنان را بهشتی کند؛ _

{ اولئک یجزون الغرفه بما صبروا و یلقون فیها تحیه و سلاماً }

از ابن مسعود روایت شده که نبی اکرم فرمود: ای پسر مسعود، بالا-ترین غرفه ها در بهشت مخصوص علی ابن ابی طالب و شیعیان او می باشد که از دشمنان دین بیزاری جسته و در مقابل آزار و اذیت دشمنان دین و بدخواهان علی، بردباری و شکیبایی، بخرج داده اند، سعید بن جبیر روایت نموده که،

{اولئك يجزون الغرفة بما صبروا، یعنی علی بن ابی طالب و الحسن و الحسين و فاطمه و ملائکه} با ایشان ملاقات می کنند به تحیت و سلام (۱)

جناب وهابی، مولا علی علیه السلام از جانب خداوند و رسول اسلام بعنوان امام المتقین، انتخاب و برگزیده شده که منابع موثق اهل سنت حتی وهابیت، روایتش را نقل کرده اند به الفاظ و عبارات متفاوت که به شما عرضه می شود؛ رسول اکرم فرمود: خداوند متعال به من وحی کرد و پیام داد که علی ابن ابی طالب علیه السلام، سید و سرور تمام مسلمین و امام متقین و پاکان و رهبر پیشانی سفیدان می باشد

قال رسول الله اوحى الى في علي ثلاث: انه سيدالمسلمين و امام المتقين و قائد الغرالمحجلين (۲)

نبی اکرم فرمود: زمانی که بسوی آسمان و معراج رفتم رسیدم به قصری از مرجان و لوء که همانند طلا درخشش داشت به من وحی رسید و امر شد که در علی ابن ابی طالب، سه خصلت است او سید و سرور مسلمین و امام کل اهل تقواست

لما عرج بي الى السماء انتهى بي الى قصر من لولوء فراشه من ذهب يتلالا- فاوحى الله الى في علي ثلاث خصال، انه سيد المسلمين و امام المتقين _ اتحاف المهره (ابن حجر) ح ۲۲۰ و ح ۲۲۱ _ ان الله عزوجل اوحى الى في علي ثلاثة اشياء ليله اسرى بي انه سيدالمومنين و امام المتقين _ (۳)

لما انتهى بي الى السماء انتهى بي الى قصر من لولوه فراشه ذهب فاوحى الى ربي اوقال امرني في علي رضى الله عنه بثلاث خصال بانه سيد المسلمين و امام المتقين _ (۴)

ليه اسرى بي اذا بقصر يتلالا؛ فراشه نور، فاوحى الى او امرت في علي

ص: ۴۱۰

۱- ۱. اثنا عشر ج ۹ ص ۳۸۲، مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۴۳۱، حياه القلوب مجلسی ص ۱۶۶۲

۲- ۲. المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری _ هذا حدیث صحیح الاسناد

۳- ۳. المعجم الكبير طبرانی ح ۱۰۰۹

۴- ۴. معجم الصحابه لابن قانع ح ۹۹ و ح ۸۸۹

بثلاث: انه سيد المسلمين و امام المتقين (۱) _ انتهت ليله اسرى بي الى سدره المنتهى؛ فاوحى الى في علي بثلاث؛ انه امام المتقين و سيد المسلمين و قائدالغر المحجلين الى جنات النعيم (۲)

جناب وهابی، طبق این روایت صحیح مولا علی امام و پیشوای تمام متقین بغیر از بر پیامبر اسلام است، و این حدیث در تائید آیه ۷۴ سوره فرقان است که منظور امام المتقین مصداق حقیقی و اصلی او، علی ابن ابی طالب است و این حدیث دلیل بر برتری مولا علی بر تمام پیامبران بغیر از بر رسول اسلام است چون پیامبران هم از متقین و پاکان هستند و مولا علی امام بر تمام متقین است بغیر از بر رسول اسلام شاید جناب وهابی بگوید، بیشتر منابعی که شما از اهل سنت نقل کردید در باب این حدیث که مولا علی امام متقین است، علمای اهل سنت این حدیث را از جهت راویان ضعیف دانسته اند؛ اولاً حاکم نیشابوری در المستدرک می نویسد این حدیث سندش صحیح است .

طبق بررسی علمای رجال، ابونعیم اصفهانی در معرفه الصحابه ج ۳ ص ۱۵۸۷ با سند صحیح این روایت را نقل کرده ابونعیم اصفهانی از ۸ راوی این حدیث را از نبی اکرم نقل کرده بطور اختصار به بررسی سند و راویان این حدیث می پردازیم، راوی اول این حدیث محمد بن محمد بن احمد است خطیب بغدادی در تاریخش ج ۳ ص ۲۲۱ او را ثقه دانسته (به شماره ۱۵۴۸) و کان ثقه، راوی دوم این حدیث محمد بن عبدالله حضرمی است ذهبی در تذکره الحفاظ ج ۲ ص ۱۰ اورا ثقه و مورد اعتماد دانسته (به شماره ۶۸۲) ثقه مطلقاً _ راوی سوم این حدیث این ابی شیبه است که از

ص: ۴۱۱

۱- ۱. الطیوریات طیوری ح ۴۲۴

۲- ۲. امالی ابی عبدالله المحاملی ح ۲۶، اوهام الجمع و التفریق؛ خطیب بغدادی ج ۱ ص ۱۸۶ و ص ۱۸۵ و ص ۱۸۴ و ص ۱۸۳ و ص ۱۸۲ اخبار اصبهان، ابونعیم ح ۲۱۲۷؛ معرفه الصحابه ابونعیم ح ۸۷۳ و ح ۳۶۴۲ تاریخ دمشق ابن عساکر ح ۴۴۴۲۴ و ۴۴۴۲۵ و ۴۴۴۲۶ و ۴۴۴۲۷؛ اسدالغابه ج ۱ ص ۶۹ ح ۴۲ _ (طبق سایت مکتبه الاسلامیه اسلام ویب وهابیت) _ مناقب ابن مغازلی ح ۱۴۶ ح ۱۴۷ ص ۱۳۱، مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۵۸، مناقب خوارزمی ج ۱ ص ۳۲۸ ح ۳۴۰؛ الرياض النضره طبری ج ۳ ص ۱۳۸، ذخائر العقبی طبری ج ۱ ص ۷۰؛ کنز العمال هندی ج ۱۱ ص ۶۱۹ ح ۳۳۰۱۰ _ جواهر المطالب با عونى دمشقى ج ۱ ص ۱۰۵؛ كشف الخفاء عجلونى ج ۲ ص ۳۴۲ ح ۲۹۳۴، میزان الاعتدال ذهبی ج ۴ ص ۳۹۸؛ مجمع الزوائد هیشمی ج ۹ ص ۱۲۱ ح ۱۴۷۰۰ فرائد السمطين ح ۱۰۷، الاصابه ابن حجر ج ۴ ص ۴۵۴۶، ینایع الموده ج ۲ ص ۱۶۲؛ کفایه الطالب گنجی باب ۴۵ ح ۱۱۹

اساتید بخاری بوده، ذهبی در تذکره الحفاظ ج ۲ ص ۸ (به شماره ۴۳۹) او را حافظ وثقه دانسته، راوی چهارم این حدیث احمد بن المفضل القرشی است، ذهبی او مورد اعتماد دانسته _ تاریخ الاسلام ج ۱۶ ص ۵۴، راوی پنجم این حدیث جعفر بن زیاد الاحمر است؛ ابن حجر و ذهبی و العجلی و المزی او را مورد وثوق دانسته اند _ (۱)، ذکر اسماء من تکلم فیه و هو موثق ج ۱ ص ۵۹، راوی ششم حدیث هلال بن ایوب الصیرفی است، ابن حبان در ثقات ج ۷ ص ۵۷۲ بخاری در التاریخ الکبیر ج ۸ ص ۲۰۷ از او حدیث نقل کرده اند، راوی هفتم این حدیث، افلح بن ابی ایوب ابو کثیر الانصاری _ است ابن حجر در تقریب التهذیب ج ۱ ص ۱۱۴ او را توثیق کرده، راوی هشتم این حدیث هم که عبدالله بن اسعد بن زراره که صحابی پیامبر اکرم است؛ خوب است نظر محققان و مفسران اهل سنت و شیعه را درباره آیه ۷۴ سوره فرقان بدانیم و توجهی داشته باشیم، جناب وهابی بدان این آیه یکی از آیاتی است که دلیل بر جعل و نصب الهی امامت می باشد، این آیه به دنبال آیاتی واقع شده که مهم ترین اوصاف بندگان خالص خدا (عباد الرحمن) را بیان می کند و آخرین صفت آنها با توجه همت بلندشان این است که مقام امامت را از خداوند، درخواست می کنند، مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان ج ۷ ص ۳۱۶ می نویسد: منظور آیه ۷۴ سوره فرقان این است که آنها دعا می کنند و می گویند بار خدایا، ما را از کسانی قرار بده که اهل تقوا به آنها تاسی می جویند آنها با این دعا، عزت را با تقوا نه با دنیا از خداوند درخواست کردند، ابن عباس گفته ما را پیشوایی پرهیزگاران قرار ده یعنی: پیشوایانی که به ما اقتدا کنند _ واجعلنا للمتقین اماما یقول ائمه یقتدی بنا _ تفسیر طبری ج ۱۹ ص ۵۳، طبری از مجاهد نقل کرده که معنای آیه ۷۴ واجعلنا للمتقین اماما یعنی این است که پرهیزگاران را پیشوایان ما قرار ده تا به پیشینیان ما اقتدا کنیم و ما پیشوایان بعد از خود باشیم

قال: ائمه نقتدی بمن قبلنا و نکون ائمه لمن بعدنا _ طبرسی می گوید: و گفته شده معنای جمله این است، اهل تقوا را پیشوای ما قرار ده که به آنها اقتدا کنیم و ما

ص: ۴۱۲

قال: ائمه نقتدی بمن قبلنا و نکون ائمه بعدنا _ طبرسی می گوید: و گفته شده معنای جمله این است، اهل تقوا، را پیشوای ما قرار ده که به آنها اقتدا کنیم تا دیگران بعد از ما به ما اقتدا کنند

اجعلنا ناتم بمن قبلنا حتی یاتم ای: یقتدی بنا من بعدنا _ (۱)

طبری می گوید: خدایا ما را از برای پرهیزکارانی که از معاصی تو پروا می کنند و از عقاب تو می ترسند امام قرار بده تا در امر خیر به ما اقتدا کنند (۲)

{الذین یتقون معاصیک و یخافون عقابک اماما یاتمون بنا فی الخیرات؛}

در این آیه کلمه واجعلنا بکار رفته و توسط آن امامت بر متقیان از خداوند درخواست شده است از اینجا روشن می شود که مقام امامت یک مقام الهی است و جعل و نصب شخص نیز به این مقام بدست خدا، است زیرا اگر به دست انسان بود این درخواست از خدا معنی نداشت ابوالقاسم قشیری نیشابوری از مفسران اهل سنت صراحتاً اذعان نموده آن گروهی که مقام امامت بر متقیان را از خداوند خواسته اند؛ اختیار خودشان را در جعل و نصب به این مقام نفی کرده اند

ولم یدعوا فیها اختیارهم؛ فالامامه بالدعا لا بالدعوی (۳)

منظور از این که ما را برای متقین امام قرار بده، یعنی به ما توفیق بده تا در راه انجام خیرات و به دست آوردن رحمت از یکدیگر سبقت بگیریم در نتیجه دیگران که دوست دار تقوا هستند از ما بیاموزند و از ما پیروی کنند، گویا مراد از دعای مورد بحث این است که بندگان رحمان همه در یک صف مقدم بر صف سایر متقین باشند و به همین جهت کلمه امام را مفرد آورد و نفرمود واجعلنا للمتقین ائمه البته بعضی گفته اند این کلام قلب شده یعنی مقصد این است که متقیان را امام و پیشوای ما، گردان، گفتنی است، مقام امامت دارای مراتب است اگر چه ما نمی توانیم مقام امامان معصوم را بخواهیم اما در خواست آنکه راهنمای دینی افرادی هر چند اندک

ص: ۴۱۳

۱- ۱. مجمع البیان ج ۷ ص ۳۱۶

۲- ۲. تفسیر طبری ج ۱۹ ص ۵۳

۳- ۳. لطائف الاشارات ج ۲ ص ۱۵۲،

شویم مشکلی ندارد، (۱) هر کسی یک وسعی دارد؛ اگر وسع دارد به ما گفتند سارعوا، یا سابقوا، این هم وسع ماست؛ یعنی اول معرفت بعد هجرت بعد سرعت بعد سبقت و بعد امامت، اینکه گفته می شود ﴿واجعلنا للمتقين اماما﴾ این هم بهره برای همه ماست، اختصاصی به معدودی از انسانها ندارد؛ ممکن است کسی از اعضای خانواده که اهل تقواست، امام متقین باشد در محدود خانواده اگر یک مقداری وسیع تر بود، امام متقین باشد در محدوده محل و اهل مسجد و اگر وسیع تر بود در مرحله برتر، اینچنین نیست که همیشه ما مامور باشیم که دنباله رو باشیم به ما گفتند تا می توانید جلو بروید، نه دنباله رو، امام باشید نه ماموم، ماموم شدن که هنر نیست امام شدن هنر است، بخواهید و می شوید ما یک امام اصل دارم که امام همه است و آن وجود مبارک ولی عصر است در هر زمانی یکی از این ۱۲ امام، امام بودند آنها حسابشان جداست آن بر اساس الله اعلم حیث يجعل رسالته، نبوته ولایته، امامته به نص است و از حوزه ما خارج است؛ (۲)

در روایات متعددی می خوانیم که این آیه (۷۴ فرقان) درباره علی علیه السلام و ائمه اهل بیت وارد شده و یا در روایت دیگری از امام صادق می خوانیم که منظور از این آیه مائیم، بدون تردید ائمه اهل بیت از روشن ترین مصداقهای آیه می باشند اما این مانع از گسترش مفهوم آیه نخواهد بود که مومنان دیگر نیز هر کدام در شعاعهای مختلف، امام و پیشوای دیگران باشند، بعضی از مفسران از این آیه چنین استفاده کرده اند که تقاضای ریاست معنوی و روحانی والهی نه تنها مذموم نیست بلکه مطلوب و مرغوب نیز می باشد (۳)

جناب وهابی، خداوند در سوره بقره آیه ۱۲۴، جواب آیه ۷۴ سوره فرقان را به شما و امثال شما، داده است، اولاً حضرت ابراهیم با اینکه مقام نبوت آن هم نبوت اولعزمی داشت بعد از امتحانات سخت و مقام خلعت (دوستی با خدا) به مقام والای

ص: ۴۱۴

۱-۱. تفسیر المیزان ج ۱۵ ص ۲۴۵؛ تفسیر ابوالفتح رازی ج ۱۴ ص ۲۹۱؛
۲-۲. به نقل سایت روزنامه کیهان تاریخ انتشار ۱۴ تیر ۱۳۹۴، بیانات آیت الله جوادی آملی در جمع طلاب حوزه علمیه قم
۳/۳/۱۳۹۰

۳-۳. تفسیر نمونه مکارم شیرازی ج ۱۵ ص ۱۶۹

امامت رسید، ثانیاً: از خداوند درخواست و دعا کرد که به تمام فرزندان ذریه من منصب امامت همانند امامت من عنایت کن، خداوند فرمود: نمی شود، امامت، عهد و پیمان الهی است به فرزندان ظالم (و غیر معصوم) داده نمی شود، پس جناب وهابی، ما نمی توانیم دعا کنیم صاحب منصب امامت الهی همانند ابراهیم و آل ابراهیم که آل محمد و ائمه ۱۲ گانه شیعه هستند بشویم .

جناب وهابی در مباحثه ناقصی که با او داشتم به همین مطلب اقرار کرد و خودش جواب آیه ۷۱ سوره فرقان داده است که کلیپش بوسیله رسانه خودش در اینترنت وجود دارد و نمی تواند انکار کند _ حضرت ابراهیم از میان پیامبران الهی به ابتلائات عجیب و غریب از جانب الله سبحانه و تعالی که آزمایش هایی بود که شاید در میان انبیاء کس دیگری به این اندازه آزمایش نشده؛ اول اینکه در سن پیری الله سبحانه و تعالی به ایشان فرزندی عطا کرد بعد این فرزند که جوان شد به سن رشد رسید، الله سبحانه و تعالی امر کرد که این فرزندت را ببر به قربانگاه سرش را ببر، قربانی بکن، قبل از قضیه قربانی، الله سبحانه و تعالی، ترک هاجر و اسماعیل را در مکه مکرمه در منطقه ای که اصلاً در آنجا کشت و زراعت و کشاورزی و آبی وجود نداشت، در آنجا ترک کردند، که این آزمایش و ابتلاء بزرگی بود، که خیلی کم از بندگان می توانند از این آزمایشات و ابتلائات سربلند بیرون بیایند، بعد قضیه افکندن در بین آتش، قضیه شکستن بت ها، و خیلی از امتحاناتی که در مورد بقیه پیامبران کمتر اتفاق افتاده این مسائل بعد از اینکه حضرت ابراهیم از بین این همه ابتلائات سربلند بیرون آمد، الله سبحانه و تعالی ایشان را، پیشوا امام، یعنی پیشوای متقین قرار داد (عین عبارات و سخنان جناب وهابی) پس خود جناب وهابی اقرار کرده، که خداوند بعد از امتحانات سخت او را امام متقین قرار داده است پس امام متقین یعنی ابراهیم و آل ابراهیم که محمد و آل محمد هستند که منابع تفسیری اهل سنت و حتی صاحب کتاب صحیح بخاری نقل کرده اند در ذیل آیه ۳۳ و ۳۴ سوره آل عمران، بعد دوباره جناب وهابی، مغلطه می کند و از حقیقت فرار می کند _ پس دعای ابراهیم برای امامت و پیشوایی این نبود امامتی باشد به آن معنایی که شما در مورد علی رضی الله عنه ادعا می کنید؛ در سخنان دیگرش جناب وهابی می گوید: و این پیشوایی برای متقین همین است که

یوسف یعقوب موسی، عیسی، محمد مصطفی، پیامبرانی که در بین بنی اسرائیل همه اینها از نسل کی هستند؟ نسل ابراهیم هستند چون از ذریه ابراهیم، بیشترین تعداد پیامبران بودند چه از بنی اسرائیل و چه بقیه اقوام؟

در اینجا جناب وهابی دچار تحیر می شود، نبوت سایر پیامبران از نسل حضرت ابراهیم را، امام می داند، با اینکه خودش اقرار کرد، حضرت ابراهیم با اینکه پیامبر بود در سن پیری بعد از امتحانات دشوار، از جانب خدا، امام شد، پس مقام امامت بالاتر از نبوت است، و همه پیامبران امام نبودند همانند حضرت ابراهیم و رسول اسلام و... جناب وهابی گفتی که امامت ابراهیم علیه السلام، همانند امامتی که شیعه برای علی ابن ابی طالب علیه السلام قائل است و اعتقاد دارد، نیست، بدان ای کوتاه فکر، امامت عهد و پیمان الهی است و امامت علی علیه السلام هم امامت الهی و آسمانی است، ابراهیم علیه السلام معصوم از تمام ظلم ها و گناهان می باشد مولا علی هم معصوم از تمام معاصی است، فرق اساسی امامت مولا علی با ابراهیم خلیل الرحمن در این است که مولا- علی امامتش بر او بالا-تر است چون مولا- علی و نبی اسلام، امام امامان هستند، اما گفتی که آیه ۷۰ و ۷۱ سوره فرقان می گوید، عبادالرحمان از گناهانشان توبه می کنند اگر این آیه مخصوص پیامبران و اوصیاء پیامبران و ائمه هدی بود نمی گفت که از گناهان توبه می کنند، مگر پیامبران مقام عصمت و پاکی ذاتی ندارند؟! وقتی معصوم هستند لازم نیست که توبه کنند، توبه برای کسانی است که دچار عصیان و معصیت می شوند، اما جواب: بدان ای جناب وهابی اموی مسلک طبق روایات صحیح کتب اهل سنت، نبی اکرم روزی ۱۰۰ بار و یا بیش از هفتاد بار، استغفار می کرده و از خداوند طلب آمرزش می خواسته، نبی اکرم می فرماید: من در قلبم (لیغان) حس می کنم و روزی ۱۰۰ مرتبه استغفار می کنم؛ یغان را معنا کرده اند یعنی، توقف از یاد خدا _ انه لیغات علی قلبی و انی لاستغفر الله فی الیوم مائه مره (۱)

و الله انی لاستغفر الله و اتوب الیه فی الیوم اکثر من سبعین مره... فقال فانی

ص: ۴۱۶

۱- ۱. مستدرک حاکم ج ۲ ص ۱۹۱ ح ۷۴۱ کتاب الدعاء صحیح مسلم ح ۲۷۰۲، سنن الکبری بیهقی مساله ۱۲۹۷۱، فتح الباری

ح ۵۹۴۸

توب اليه في اليوم مائه مره... (۱) فانی اتوب فی کل یوم سبعین مره (۲)

توبه، توبه کاران سه قسم است، توبه عامه مردم عادی که از گناهان کبیره و صغیره است، توبه خواص که از مکروهات می باشد و توبه خاص الخاص که مخصوص پیامبران و ائمه هدی است و آن توبه از امورات مباح می باشد، از قول خود معصوم برای فهم این مطلب استفاده نمایم لابلای مناجات علی علیه السلام، حقائق خوب روشن می شود

لیت شعری فی غفلاتی و کثره منامی کیف حالی انت معرض عنی ام ناظره الی»

ایشان نسبت بمقام شامخ علم و یقین، التفات بحضور خدا همیشه باید دائم الحضور باشند؛ چطور یقین دارد که خدا، مستحق عبودیت است چون دائم الربوبیه است عبد باید دائم العبودیه باشد، چطور پروردگارت، لحظه به لحظه بتو، مدد می رساند و ربوبیتش پاینده است اگر یک لحظه او را رها کند، نیست می شود تو هم باید همیشه بنده باشی؛ مراعات حضور او را بکنی اما بشر است ناچار است بخوابد، ناچار است اشتغالات متعدد داشته باشد، خواب مباح است اما آنچه امام علی می بیند و می داند، همین خواب را کمی و نقص برای عبادت و ذکرش می داند بخاطر اینکه استغراق تام ندارد، امام علی می فهمد حق خدا این است که استغراق تام در جمیع حالات داشته باشد آن استغراقی که در حال نماز دارد در حالات دیگر ندارد، غفلت مولا علی، نه غفلت من و تو است، نسبت به مقام شامخ خودش هست، پس گناه اولیاء قصور است نه تقصیر و انجام کبائر و صغائر و مکروهات و شبهات (۳)

ابن حجر عسقلانی در کتب فتح الباری فی شرح صحیح البخاری مساله ۵۹۴۸ باب استغفار النبی می نویسد: منظر از استغفار پیامبر از گناه خود این است که از دوام ذکر خدا در بعضی از امور مباح و حلال مثلا خوابیدن باز می ماند و پیامبران معصوم

ص: ۴۱۷

۱- ۱. مسند بزار ج ۶ ح ۲۲۵۰ مسند احمد مساله ۱۷۳۹۱

۲- ۲. فی شرح منظومه الادب ج ۲ ص ۳۷۸، شرح ریاض الصالحین ج ۶ ص ۷۱۳؛ مجموعه الفتاوی ابن تیمیه مساله الجزء الخامس عشر ص ۲۸۰

۳- ۳. کتاب توبه نوشته شهید محراب آیت الله دستغیب شیرازی ص ۴۸ و ص ۴۹

از گناهان کبیره و صغیره هستند، پیامبران شدت عمل در اجتهاد و عبادت و اطاعت خداوند دارند و این استغفار و آمرزش طلبی آنان از باب تقصیر در شکر حقیقی و کامل خداوند هست و احتمال دارد از باب اشتغال به امور مباح و حلال از باب خوردن، آشامیدن، جماع کردن، خوابیدن، استراحت کردن، صحبت کردن با مردم باشد و این امور باعث می شود مقداری از آن ذکر و تضرع بسوی خدا، کوتاه و مختصر شود و این اعمال مباح و حلال را برای خود قصور و کوتاهی می بینند و از این باب استغفار می کنند.

و الانبياء و ان عصموا من الكبائر ... و يحتمل ان يكون لاشتغاله بالامور المباحه من اكل و شرب او جماع او نوم او راحه او لمخاطبه الناس... فیری ذلك ذنبا بالنسبه الى المقام العلی ...

در این مورد روایاتی از ائمه طاهرین رسیده به جا و مناسب است ادله حضرت رضا علیه السلام در مورد توبه و استغفار پیامبران همانند حضرت آدم و حضرت موسی حضرت رسول اسلام علیهم السلام اجمعین خدمت شما خوانندگان تقدیم شود، عبدالله مامون لعنت الله علیه از امام رضا علیه السلام سوال کرد، معنا و مفهوم استغفار حضرت موسی هنگامی که یک نفر از فرعونیان را به قتل رساند چیست؟ امام رضا فرمود: منظورش این است که من با وارد شدن به این شهر خود را در شرائطی قرار دادم که نمی بایست در آن قرار می دادم پس مرا مورد غفران خود قرار بده یعنی مرا از دشمنانت مخفی فرما، تا نکند بر من چیره شده و مرا بقتل رساند، پس خداوند او را مورد غفران خود قرار داد، یعنی او را از دشمن مخفی داشت

قال المامون: فما معنی قول موسی رب انی ظلمت نفسی فاغفرلی، قال: یقول انی وضعت نفسی غیر موضعها بدخولی هذه المدینه فاغفرلی ای استرنی من اعدائك لثلا یظفروا بی فیقتلونی فغفرله ای ستره من عدوه

مامون علیه العنت و العذاب دوباره از امام رضا علیه السلام سوال کرد، منظور این آیه چیست که اگر برهان الهی نبود حضرت یوسف به ذلیخا میل کرده بود و آهنگ وی نموده بود؟! امام رضا فرمود: حضرت یوسف معصوم بود و فرد معصوم هرگز قصد خلاف و گناه نمی کند و آنرا انجام نمی دهد، ذلیخا قصد زنا دادن به یوسف کرده، ولی یوسف تصمیم گرفت که آنکار را انجام ندهد، مامون سوال کرد ای ابوالحسن (امام رضا) نظر

شما درباره آیه ۲ سوره فتح چیست؟ تا خداوند گناه گذشته و آینده تو را بیامرزد، امام رضا علیه السلام فرمود: از نظر مشرکین مکه کسی گناهکار تر از رسول خدا نبود، پس هنگامی که خداوند شهر مکه را برای پیامبرش محمد فتح کرد بدو فرمود: ما برای تو گشایش و پیروزی نمایانی را بگشودیم تا خدا، گناه قبلی و بعدی تو را ببوشاند همان چیزی را که از نظر اهل مکه، بخاطر دعوت به توحید در گذشته و بعد از آن گناه محسوب می شد زیرا برخی از مشرکین مکه، مسلمان شدند و بعضی از مکه خارج گردیدند و آنان که ماندند، نتوانستند آن زمان که پیامبر مردم را به توحید دعوت می کرد در مورد یکتاپرستی نسبت به حضرتش ایراد بگیرند چه اینکه با غلبه حضرت برایشان هر آنچه از دید ایشان ذنب و گناه به حساب می آمد، پوشیده گشته و مورد غفران الهی واقع شد،

امام رضا علیه السلام راجع به گناه حضرت آدم فرمود: این قضیه قبل از نبوت حضرت آدم اتفاق افتاده و این گناه هم گناه کبیره نبود که آدم مستحق عذاب جهنم شود و این یک گناه صغیره بخشوده شده بود (یعنی ترک مستحب و انجام فعل مکروه) ولی وقتی خداوند او را برگزید و پیغمبر نمود، معصوم شد و هیچ گناهی چه صغیره و چه کبیره مرتکب نشد (۱)، مراد از ذنب (گناه) در آیه ۲ سوره فتح تبعات بد و آثار خطرناکی است که دعوت آن جناب (پیامبر اسلام) از ناحیه کفار و مشرکین به بار می آورد این آثار از نظر لغت ذنب است، ذنبی است که در نظر کفار، وی را در برابر آن مستحق عقوبت می ساخت، در تفسیر قمی روایت شده در ذیل این آیه، امام صادق علیه السلام فرمود: رسول اکرم، گناهی نداشتند حتی تصمیم بر گناهی هم نگرفتند ولیکن خدای تعالی گناهان شیعه اش را بر او حمل کرد و آنگاه آمرزید _ (۲) طبق سایت کتابخانه مدرسه فقاهت قرآن کریم در آیات متعدد راجع به توبه و استغفار پیامبران الهی اشاره و تاکید فرموده است برای نمونه در سوره بقره آیه ۳۷ _ {فتلقى آدم من ربه كلمات فتاب عليه}؛ سوره طه آیه ۱۲۲ _ {ثم اجتبه ربه فتاب عليه و

ص: ۴۱۹

۱- ۱. احتجاج شیخ طبرسی ج ۲ ص ۴۵۳ ح ۳۰۸

۲- ۲. تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبائی ج ۱۸ ص ۴۰۴ و ج ۱ ص ۴۹۴ و ج ۶ ص ۵۲۸ ج ۱۸ ص ۳۸۰ و ص

{هدی،} سوره صاد آیه ۲۴ {و ظن داود انما فتنه فاستغفر ربه و خرراً کعاً و اناب}؛ سوره قصص آیه ۱۶؛ {رب انی ظلمت نفسی فاغفر لی فغفرله،} سوره انبیاء آیه ۸۷ و ۸۸ _ {ان لا اله الا الله انت سبحانک انی کنت من الظالمین} سوره صاد آیه ۳۵ _ رب اغفر لی و هب لی ملکاً _ سوره محمد صلی الله علیه و آله آیه ۱۹ _ {و استغفر لذنبک} سوره نوح آیه ۲۸ _ {رب اغفر لی و لولدی}، سوره ابراهیم آیه ۴۱ _ {ربنا اغفر لی و لولدی و للمومنین} سوره مومن آیه ۵۵ _ {و استغفر لذنبک} قرآن کریم، اهل استغفار و انا به را مدح فرموده برای نمونه در سوره ذاریات آیه ۱۸ _ و بالاسحارهم یستغفرون سوره آل عمران آیه ۱۷ _ {و المستغفرین بالاسحار} سوره ق (قاف) آیه ۸ و آیه ۳۳ _ و جاء بقلب منیب؛ و ذکری لکل عبد منیب، سوره هود آیه ۷۵ {ان ابراهیم لحلیم اوه منیب،} سوره لقمان آیه ۱۵ _ {و اتبع سبیل من اناب الی}

اما پاسخ به شبهه جناب وهابی که گفت: قرآن در سوره فرقان آیه ۷۲ در صفات عباد الرحمن می گوید، شهادت به زور و دروغ نمی دهند مگر ائمه هدی شهادت دروغین می دادند و امکان داشته بدهند؟! جناب وهابی نادان؛ اولاً لفظ آیه می گوید: شهادت دروغین نمی دهند چرا آیه را درست نمی خوانی نمی فهمی؟! این آیه دلیل بر عصمت و تقوای عالی آنان است که سوی گناه کشیده نمی شوند، سوال می کنم از شما جناب وهابی کوردل، قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۶۱ می فرماید: پیامبر خائن نیست، آیا این دلیل می شود که ما بگوئیم امکان داشته پیامبر نعوذ بالله خیانت کند و این صفت خیانت صفت کفار و مشرکان و منافقان است، چرا خداوند این صفات را به پیامبر اسلام داد و بعد از او تبراء و منتفی نموده است _ و ما کان لنبی ان یغل یا در سوره حاقه آیه ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ می فرماید: اگر ای پیامبر به ما قول نادرستی می بستی، رگ و تین، قلب تو را پاره می کردیم، مگر نعوذ بالله پیامبر اسلام می خواسته دروغ و افترا به خداوند ببندد؟! یا امکان داشته و درصدد بوده این افتراء را ببندد؟!!

ولو تقول علينا بعض الاقوال؛ لاخذناه منه بالیمین ثم لقطعناه منه بالوتین

یا در سوره زمر آیه ۶۵ می فرماید: ای پیامبر اگر مشرک شوی عملت باطل می شود و از گروه خاسران خواهی بود؛ سوال؟ مگر نبی اکرم می خواسته مشرک شود

یا نعوذ بالله امکان شرک در او بوده است؟! این آیاتی که ذکر شده همه در اثبات عصمت نبی اکرم و اخطار به امت و افرادی است که این صفات را دارند، به توضیحی مختصر درباره آیات فوق و ذکر شده می پردازیم کلمه غل که مصدر یغل است به معنای خیانت می باشد، معنای این سیاق تنزیه ساحت مقدس رسول خدا، از بدیها، اعمال زشت و طهارت دامن آن جناب از هر آلودگی است، حاشا بر رسول خدا، که به خدا و یا به مردم خیانت کند، تفسیر المیزان ج ۴ ص ۸۸ در کتاب مجالس از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: در جنگ بدر، این تهمت را به رسول خدا زدند که یک قطیفه سرخ رنگی را به خود اختصاص داد تا آنکه خدای تعالی آن جناب را به محل آن قطیفه که گم شده بود راهنمایی کرد و پیامبر خود را از تهمت خیانت مبرا ساخت. _ تفسیر المیزان ج ۴ ص ۱۰۹ سیوطی در تفسیر الدر المنثور ذیل ۱۶۱ سوره آل عمران می نویسد: مردم، منافقین و صحابه به رسول اکرم تهمت دزدی زدند و خداوند از رسول صادق و امین اسلام در این آیه دفاع کرد

نزلت هذه الایه و ما کان لنبی ان یغل فی قطیفه حمراء افتقدت یوم بدر فقال بعض الناس: لعل رسول الله اخذها؛ فانزل الله و ماکان لنبی ان یغل... عن ابن عباس قال: انهم المنافقین رسول الله بشیء فقد....

واخرج البزار و ابن ابی حاتم و الطبرانی عن ابی عباس و ما کان لنبی ان یغل قال: ما کان للنبی ان یتهمه اصحابه (۱)

اما منظور آیه ۴۴ سوره حاقه؛ اگر این پیامبر اکرم که ما رسالت خود را به دوش او نهادیم و با قرآن بسوی شما فرستادیم، پاره ای اقوال را از پیش خود بتراشد و به ما نسبتش دهد، ما او را مانند، مجرمین دست بسته می کنیم و یا با دست خود که همان قدرت ما است او را گرفته انتقام از او می ستانیم، سپس او را به جرم اینکه دروغ به ما بسته می کشیم این آیات تهدیدی است به پیامبر بر فرضی که آن جناب سخنی را که از خدا نیست به خدا نسبت دهد، و چگونه ممکن است این فرض تحقق یابد با اینکه او فرستاده ای است از ناحیه خدا و خداوند او را به مقام نبوت و رسالت گرامی داشته است، تهدید در آیه مورد بحث متوجه شخص رسول صادق است چنین

ص: ۴۲۱

رسولی که ادعای رسالتش صادق است؛ اگر چیزی به دروغ به خدا نسبت دهد _ خدا با او چنین معامله ای می کند، نه تهدید به مطلق مدعیان نبوت و مفتریان بر خدا در ادعای نبوت _ (۱) اما منظور آیه ۶۵ سوره زمر، امام رضا علیه السلام در این باره به مامون ملعون فرمود: این آیه و امثال آن از قبیل به در می گویم دیوار گوش دهد می باشد با این آیه خداوند پیامبرش را مخاطب ساخته ولی قصد اراده اصلی او امت می باشد

فقال الرضا عليه السلام هذا مما نزل بياك اعني واسمعي يا جاره خاطب الله عزوجل بذلك نبيه و اراد به امته و كذلك قوله تعالى: لئن اشرکت لیحبطن عملک ... و قوله عزوجل و لولا ان ثبتناک لقد کدت ترکن الیهم شیئا.... (۲)

حال توجه، جناب وهابی را به آیاتی که در قرآن کریم، دال بر این است که امامت و خلافت به نصب و اختیار مستقیم خداوند متعال می باشد معطوف می کنم؛ _ سوره بقره آیه ۱۲۴ {انی جاعلک للناس اماما، قال و من ذریتی قال لاینال عهدی الظالمین... لایکون اماما ظالما} (۳)، سوره صاد(ص) آیه ۲۶ _ {انا جعلناک خلیفه فی الارض،} امام قرطبی مفسیر نامی اهل سنت از آیه استفاده و نتیجه گیری می کند و می نویسد؛ امامت و خلافت رکنی از ارکان دین است _ رکن من ارکان الدین _ (۴)، اسماعیل بروسی یکی دیگر از مفسران اهل سنت می نویسد: خلافت حقیقی اکتسابی نیست بلکه یک مقام اعطائی از جانب خداست، و به هر کسی بخواهد عنایت می کند.

چنانچه خداوند فرموده است من تو را خلیفه قرار دادم، یعنی به تو خلافت دادم _ ان الخلافه الحقیقه لیست بمکتسبه للانسان و انما هی عطاء و فضل من الله یوتیه من یشاء کما قال تعالی: انا جعلناک خلیفه ای اعطیناک الخلافه _ (۵) و جعلناهم ائمه یتهدون بامرنا _ این آیه درباره حضرت ابراهیم و فرزندش اسحاق و نوه اش یعقوب است، حضرت ابراهیم طبق آیه ۱۰۰ سوره صافات از خداوند، درخواست کرد،

ص: ۴۲۲

۱- ۱. تفسیر المیزان ج ۱۹ ص ۶۷۶ ص ۶۷۵،

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۴۶۸

۳- ۳. تفسیر ابن جریر طبری ج ۱ ص ۷۳۸

۴- ۴. الجامع لاحکام القرآن ج ۱ ص ۲۶۵

۵- ۵. تفسیر روح البیان حقی بروسی ج ۸ ص ۲۱، آیه ۷۲ و ۷۳ سوره انبیاء

پروردگارا، فرزندی صالح به من مرحمت کن، سرانجام وعده خداوند مستجاب شد، نخست اسماعیل و سپس اسحاق را به او مرحمت نمود که هر کدام پیامبر بزرگ خدا در جهت هدایت بندگان شدند، و در ضمن مقام امامت آنان را با جمله { وجعلناهم ائمه } اعلام می کند؛ آلوسی یکی از مفسران نامی اهل سنت در ذیل آیه مذکور می نویسد: مقام امامت از بخشش های الهی است و سزاوار این است که امام به امر خدا، نه از روی هوا و هوس خود، هدایت گر باشد

{ و قوله وجعلناهم ائمه يهدون بامرنا يشيرالى ان الامامه ايضامن المواهب و انه ينبغى ان الامام يكون هادياً بامرالله لا بالطبع و الهوى } (۱)

{ وجعلنا منهم ائمه يهدون بامرنا } _ امام صادق عليه السلام فرمود: امام در قرآن دو گونه است در یک جا، خداوند می فرماید: آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به امر خدا هدایت می کنند نه به امر مردم و امر خدا را بر امر خودشان مقدم می شمارند و حکم او را بر تر از حکم خودشان قرار می دهند، ولی در جای دیگر می فرماید: ما آنها را پیشوایانی قرار دادیم که دعوت به جهنم می کنند فرمان خود را بر فرمان خدا مقدم می شمارند و حکم خویش را بر حکم خدا مقدم می دارند و مطابق هوا و هوس خود و بر ضد کتاب خدا عمل می کنند (۲)

الائمه في كتاب الله امامان قال الله وجعلنا منهم ائمه يهدون بامرنا، لا بامر الناس يقدمون امر الله قبل امرهم و حكم الله قبل حكمهم...

محمد ابن عباس از امام باقر روایت کرده آیه مذکور (آیه ۲۴ سوره سجده) در حق فرزندان حضرت فاطمه زهرا، بطور خاص نازل شده که خداوند آنان را امام و پیشوا قرار داد که با امر او هدایت می کنند _ وجعلنا منهم ائمه يهدون بامرنا، قال: نزلت في ولد فاطمه _ نزلت في ولد فاطمه خاصه جعل الله منهم ائمه يهدون بامرهم (۳)

امام باقر عليه السلام فرمود: مراد و منظور از ائمه در آیه ۷۲ و ۷۳ سوره انبیاء امامانی

ص: ۴۲۳

۱- ۱. تفسیر روح المعانی ج ۵ ص ۵۰۲ آیه ۲۴ سوره سجده

۲- ۲. اصول کافی ج ۱ ص ۲۱۶

۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۶۲۴ و ۶۲۵، تاویل الایات ج ۲ ص ۴۴۳، اصول کافی ج ۲ ص ۸۸

هستند از ذریه حضرت زهرا که بوسیله فرشته روح برایشان نازل می شود (۱)

فصبر فی جمیع احواله ثم بشر فی عترته بالائمه و وصفوا بالصبر... (۲)

ان رسول الله قال لی یوما یا جابر اذا، ادرکت ولدی الباقر فاقره منی السلام، فانه سمیی اشبه الناس بی؛ علمه علمی و حکمه حکمی و سبعه من ولده امناء معصومون ائمه ابرار السابع مهدیهم ثم تلاء رسول الله و جعلنا هم ائمه یهدون بامرنا ...

آیه ۵ سوره مبارکه قصص { و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین }؛ این آیه منحصر به بنی اسرائیل نیست زیرا در آیه کلمه، نرید، بصورت فعل مضارع آمده که معنای استقرار، را می رساند، مفضل بن عمر گفت از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: نبی اکرم به مولاعلی و امام حسن و امام حسین نگاه نمود و گریه کرد و فرمود: شما مستضعفان پس از من هستید، مفضل می گوید به او گفتم ای پسر پیامبر معنای این سخن چیست؟ گفت: معنایش این است که شما امامان پس از من هستید و این آیه تا روز قیامت درباره ما، جریان دارد.

ان رسول الله نظر الی علی و الحسن و الحسین فبکی و قال: انتم المستضعفون بعدی قال المفضل فقلت له ما معنی ذلک یا ابن رسول الله قال معناه انکم الائمہ بعدی ...

فهذه الایه فینا جاریه الی یوم القیامه (۳)

{واجعل لی وزیراً من اهلی}، یکی از دلایل نصب و جعل الهی بودن مقام امامت آیه مذکور است که حضرت موسی وزارت و معاونت در برنامه هایش را برای برادرش هارون از خداوند، درخواست می کند، در منابع تفسیری و روایی اهل سنت آمده که رسول اسلام، همین آیه را تلاوت فرمودند و امامت و وزارت علی ابن ابی طالب را از خداوند برای بعد از خودشان درباره علی، خواستار شدند، که علی ابن ابی طالب، وزیر، خلیفه و جانشین ایشان از طرف خدا، باشند _ ابن عباس می گوید: رسول اسلام، دست علی ابن ابی طالب را گرفت و چهار رکعت نماز خواند سپس دستانش بسوی

ص: ۴۲۴

۱- ۱. تفسیر نمونه ج ۱۳ ص ۴۵۴، تفسیر جامع ج ۴ ص ۳۴۶، تاویل الایات ص ۳۲۲

۲- ۲. بحارالانوار ج ۷۱ ص ۶۱، بحارالانوار ج ۳۶ ص ۳۶۰ ح ۲۳۰

۳- ۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ج ۱ ص ۵۵۵، آیه ۲۹ الی ۳۲ سوره طه

آسمان بلند کرد و گفت: خدایا همانطور که حضرت موسی از تو، درخواست کرد، که هارون برادرش وزیر و وصی او باشد برای من نیز وزیری قرار بده از اهل من که علی باشد و بوسیله او کمر مرا محکم کن و در امر من او را شریک کن (۱).

اللهم سألک موسی بن عمران و ان محمداً سالک ان تشرح لی صدری و تیسرلی امری و تحلل عقده من لسانی... واجعل لی وزیراً من اهلی؛ علیاً اشدد به ازری و اشركه فی امری (۲)۔ اخرج ابن مردویه و الخطیب و ابن عساکر عن اسماء بنت عمیس... واجعل لی وزیراً من اهلی علیاً اخی (۳).

ابوذر غفاری می گوید؛ بخدا قسم وقتی دعای پیامبر اسلام مبنی بر اینکه علی وزیر و جانشین او از طرف خدا شود آیه ولایت (آیه ۵۵ سوره مائده) نازل شد

قال ابوذر: فوالله ما اتم رسول الله هذه الكلمه حتى نزل جبرئیل فقال یا محمد اقرء انما ولیکم الله و رسوله (۴).

از جمله آیاتی که صراحت دارد، مقام امامت یک مقام انتصابی است و نصب و جعل آن فقط بدست خداست آیه مبارکه ۶۸ سوره قصص است،

{و ربک یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیره،}

و پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند و بر می گزیند و آنان اختیاری ندارند، امام صادق علیه السلام در ذیل تفسیر این آیه شریفه فرمود: یعنی خداوند، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش را برگزید _ عن الصادق علیه السلام فی قوله:

یخلق ما یشأ و یختار قال: اختار محمداً و اهل بیته (۵).

ص: ۴۲۵

۱- ۱. مناقب ابن مغزالی ص ۳۲۸ ح ۳۷۵، الدر المنثور سیوطی ج ۴ ص ۵۲۸، الکشف و البیان ثعلبی ج ۴ ص ۸۱، تذکره الخواص ابن جوزی ص ۲۴ باب ۲، زرنندی حنفی در نظم درر السمطین ص ۸۷، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۲۳۰، تفسیر کبیر امام فخر رازی ج ۱۲ ص ۲۶؛

۲- ۲. الریاض النضره ج ۳ ص ۱۱۸ مکتبه شامله _ ج ۲ ص ۱۶۳ و ص ۲۱۵، سمط النجوم ج ۳ ص ۳۰ مکتبه شامله _ ج ۲ ص ۴۷۸، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۵۲ ذخائر العقبی ج ۱ ص ۶۳، مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۲۷۷ _ مطالب السوول ص ۱۷۰، فصول المهمه ج ۱ ص ۱۱۸؛ الدر المنثور سیوطی ج ۱۰ ص ۱۸۳ و ص ۱۸۴

۳- ۳. سایت مکتبه اسلام ویب _ ینابیع الموده ج ۱ ص ۲۵۸ تفسیر کبیر فخر رازی ذیل آیه ۵۵ سوره مائده ص ۲۳ مکتبه الاسلامیه؛ تفسیر غرائب و رغائب القرآن، نظام الدین نیشابوری ج ۲ ص ۶۰۵، در ادامه تفسیر آیه ۵۵ ولایت و ذیل آیه ۳۲ سوره طه

۴- ۴. المعیار و الموازنه ابوجعفر اسکافی ص ۷۱؛

۵- ۵. بحار الانوار علامه مجلسی ج ۲۳ ص ۷۴ ح ۲۲

رسول اکرم فرمود: خداوند، حضرت آدم را به هر کیفیت که خواست خلق نمود و همانا خداوند من و اهل بیتم را از جمیع خلائق اختیار کرد و برگزید ان الله اختارنی و اهل بیتی علی جمیع الخلق

، سپس خداوند مرا، رسول و علی را وصی قرار داد و خداوند هر کس را بخواهد، اختیار می کند من و اهل بیتم از برگزیدگان الهی از میان خلق هستیم

فانتجبنا فجعلنی الرسول و جعل علی ابن ابی طالب الوصی؛ ثم قال: ما كان لهم الخیره، یعنی ماجعلت للعباد ان یختاروا، ولكنی اختار؛ من اشأ فانا و اهل بیتی صفوه الله و خیرته من خلقه (۱)

از جمله آیات دیگر، قرآن که دال بر جعل و نصب امام از سوی خداست آیه ۳۳ و ۳۴ سوره آل عمران است که در ابتدای کتاب، حقیر از منابع اهل سنت نقل کردم که آل محمد هم جزء این آیه شریفه هستند، حال بررسی می کنیم در روایات اهل سنت و اهل شیعه که آیا، امامت امر الهی است یا غیر الهی؛ ابن عباس نقل می کند؛ مسیلمه کذاب در زمان رسول اکرم می گفت: اگر محمد، امارت و خلافت بعد از خودش را برای من قرار دهد از او پیری می کنم، رسول خدا به او فرمود: هرگز؛ امر الله را در خود نخواهی دید، یعنی خلافت بعد از من به امر خدا و اختیار خداست _ ولن تعدوا امر الله فیک (۲)

ان الملک لله یجعله حیث یشاء _ (۳) فاجعل الی بعض الامر... فقال: لو سألتنی سیابه من الارض ما فعلت باد و بادما فی یده _ الوفاء باحوال المصطفی (۴)

اما روایات شیعه درباره جعل و نصب امام از طرف خدا، امام صادق علیه السلام فرمود: بخدا قسم، تعیین امام در اختیار ما نیست این کار تنها بدست خداست

ص: ۴۲۶

۱- ۱. بحار الانوار ج ۲۳ ص ۷۴ و ص ۶۶ بحار الانوار ج ۳۶ ص ۱۶۷، مناقب آل ابی طالب (ابن شهر آشوب) ج ۱ ص ۲۲۰
۲- ۲. صحیح بخاری ج ۳ ص ۱۳۲۵ ح ۳۴۲۴، صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۷۸۰ _ الامر لله یضعه حیث یشأ _ السیره النبویه ابن کثیر ج ۲ ص ۱۵۸، البدایه و النهایه ابن کثیر ج ۳ ص ۱۷۱، الاصابه ابن حجر ج ۱ ص ۵۲ السیره حلبی ج ۲ ص ۱۵۴، مناقب الاسد الغالب ابن جزری ج ۱ ص ۱۶۱؛ تاریخ الاسلام ذهبی ج ۱ ص ۲۸۶ _ لیس ذلک الی انما ذلک الی الله عزوجل یجعله حیث یشاء _ تفسیر بغوی ج ۳ ص ۹، تفسیر قرطبی ج ۹ ص ۲۹۷، اسباب النزول واحدی ص ۱۸۴، تفسیر نیشابوری ج ۴ ص ۱۴۸، تفسیر ثعالبی ج ۵ ص ۲۷۶

۳- ۳. البدایه و النهایه ج ۳ ص ۱۴۰، السیره النبویه ابن کثیر ج ۲ ص ۱۵۹

۴- ۴. ابن جوزی ج ۱ ص ۷۵۴

ماذاک الینا و ما هو الا الی الله عزوجل (۱)

در ذیل آیه ۵۸ سوره نساء مرحوم کلینی در اصول کافی ح ۱ ص ۲۷۶ نقل کرده، که امام رضا فرمود: اختیار، انتصاب امام به دست امام قبل نیست بلکه امام قبل موظف می باشد امر امامت را که یک امانت الهی است به امام تعیین شده از جانب خداوند و امین خدا و اهل آن واگذار نماید نه به شخص غیر منتخب

یودی الامام الامانه الی من بعده و لا یخص بها غیره و لا یزویها عنه

امام صادق علیه السلام فرمود: امر امامت، عهد و فرمانی از جانب خدا و رسولش برای مردی پس از مردی؟ تا به صاحبش برسد، می باشد

ولکن عهد من الله و رسوله لرجل فرجل حتی ینتهی الامر الی صاحبه (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: امامت، عهد و پیمانی از جانب خدای عزوجل است که برای مردانی نامبرده، واگذار شده است، امام حق ندارد آنرا، از امام بعد از خود؛ دور دارد و بگرداند _

ان الامامه عهد من الله عزوجل معهود لرجال مسمین لیس للامام ان یزویها عن الذی یکون من بعده _ (۳) _ ولکنه عهد من رسول الله الی رجل فرجل _ (۴)

امام رضا علیه السلام فرمود: آیا امت، شان امامت و محل امامت را نسبت به امت می شناسند؟ تا انتخاب امام برایشان جایز باشد؟ همانا امامت یک مقام بلند و عظیم الشان است که مردم با این فکر و عقل ناقص خود نمی توانند به آن برسند و به آراء ناتمام خود و به اختیار خود امامی را نصب کنند _

هل یعرفون قدر الامامه و محلها من الامه فیجوز فیها اختیار هم، ان الامامه اجل قدراً و اعظم شاناً و اعلى مکاناً و امنع جانباً و ابعده غوراً من ان یبلغها الناس بعقولهم او، ینالوها بآرائهم او یقیموا؛ اماماً باخیارهم (۵)

امام صادق علیه السلام فرمود: امامت؛ خلافت و جانشینی خداوند است و خداوند، خود،

ص: ۴۲۷

۱-۱. اصول کافی ج ۱ ص ۲۷۹

۲-۲. اصول کافی ج ۱ ص ۲۷۸

۳-۳. اصول کافی ج ۱ ص ۲۷۹ ح ۳

۴-۴. اصول کافی ج ۱ ص ۲۷۹

۵-۵. عیون الاخبار الرضا _ (شیخ صدوق) ج ۲ ص ۱۹۶

جانشین خود را، معرفی می کند و کارهای خداوند بر اساس حکمت و دلیل است و هیچ کس حق اعتراض به خدا، را ندارد که بگوید؛ چرا امامت را در صلب امام حسین قرار داد و در صلب امام حسن قرار نداد

و ان الامامه خلافه الله عزوجل فی ارضه و لیس لاحد ان یقول لم جعله الله فی صلب الحسین دون صلب الحسن (۱)

سعد بن عبدالله قمی گفت از حضرت صاحب الزمان که آنوقت در دامن پدرش نشسته بود سوال کردم چرا مردم نمی توانند امام را برای خودشان انتخاب کنند؟ حضرت مهدی فرمود: امام خوب یا بد؟ گفتم: امام خوب، حضرت مهدی علیه السلام فرمود: حضرت موسی با کمال عقل و دانشی که داشت و به او وحی می شد از میان قوم خود برای میقات خدا هفتاد نفر، را انتخاب کرد با اینکه یقین داشت مومن و مخلص هستند این انتخاب بر خلاف تصور او بر منافقین قرار گرفت، وقتی انتخاب پیامبری که خدا او را برگزیده بر شخص فاسدی قرار گیرد با اینکه او خیال می کرد صالح است می فهمیم اجازه انتخاب امام بدست خداست، زیرا او صالح را از مفسد، علم کامل دارد (۲)

علمنا ان لا اختیار لمن لا یعلم ما تخفی الصدور

حال ببینیم آن امامی که مورد نظر قرآن و رسول خدا و ائمه هدی است چه شخصیتی است و چه خصوصیتی دارد، امام رضا علیه السلام فرمود: به راستی امامت زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مومنین است، به راستی که امامت ریشه (اساس) نمو کننده اسلام و شاخه برافراشته آن است، با امام است که نماز، زکات، روزه، حج و جهاد به پایان می رسند و فی و صدقه ها، بسیار می گردند و حدود و احکام جاری می شوند و مرزها و نواحی در ایمنی می مانند؛ امام، حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می کند و حدود الهی را به پای می دارد و از دین خدا، دفاع می نماید و با حکمت و موعظه حسنه و حجت بالغه، مردم را به راه الهی فرا می خواند، امام همانند، خورشید بر آمده برای دنیا است در حالی که در افق قرار دارد به گونه ای که دست ها و دیدگان به آن دست یابی ندارند، امام همانند ماه درخشان چراغ تابان و ستاره هدایتگر در تاریکی های شب و سرزمین های خشک و خالی و لجه های دریاست، امام، آب گوارا برای تشنگی راهنمایی برای هدایت و نجات دهنده از نابودی است، امام آتش بر روی تپه ها و بلندی هاست، گرما برای آنان که به آن خود را گرم می کنند و راهنمای راه هاست، که هر که از آن جدا گردد، نابود گردد، امام، ابر باران زاء، باران سیل آسا، خورشید فروزان، زمین پهناور، چشمه پر آب و برکه و باغ است، امام امین مهربان، پدر دلسوز، برادر شفیق، پناه بندگان در مصیبت هاست، امام امین خدا در زمین، حجت الهی بر بندگان، جانشین خداوند در بلاد فرا خواننده بسوی خدا

ص: ۴۲۸

۱- ۱. کمال الدین صدوق ج ۱ ص ۳۵۹ ح ۷۵؛ معانی الاخبار، صدوق ج ۱ ص ۱۲۷ الخصال ج ۱ ص ۳۰۵،

۲- ۲. کمال الدین صدوق ج ۲ ص ۴۶۲، بحار الانوار ج ۲۳ ص ۶

و دفاع کننده از حرم الهی است؛ امام پاکیزه شده از گناهان، برای از عیوب مخصوص به علم، موسوم به بردباری، نظام دین عزت مسلمین خشم منافقین و نابوی کافرین است، امام یگانه و بی مانند روزگار خویش است که نه احدی به او نزدیک باشد و نه دانشمندی هم سنگ او و نه همانندی و نظیری با او برای او وجود دارد، او مخصوص به تمامی فضیلت هاست، بدون آنکه منزلت آنرا، طلب کند یا به دست آورد، بلکه آن اختصاصی است از جانب خداوند بنابراین چه کسی می تواند به شناختن امام برسد یا بتواند امام را انتخاب کند.... آنان گمان می کنند که امام در غیر آل پیامبر یافت می شود، بخدا قسم خودشان را تکذیب کرده اند، زیرا با آگاهی، امام را واگذارده اند و شیطان اعمال آنان را بر ایشان زینت ساخته، آنان از انتخاب خدا و انتخاب پیامبر خدا به انتخاب خویش رغبت کرده اند

پس آنان چگونه می توانند امام را انتخاب نمایند؛ در حالی که امام دانای بدون جهل است، راعی (چوپان) بدون ترس است، معدن قدس و طهارت و عبادت و زهد و ذاتش عبادت است و مخصوص دعوت پیامبر است، امام از نسل مطهره بتول است که نه کسی می تواند در نسبش طعنی وارد کند و نه هیچ صاحب حسبی به او نزدیک توان گشت، در خاندان از قریش در ذریه از هاشم در عترت از پیامبر و مورد رضایت خداوند است، شرف شریفان، شاخه ای از عبدمناف، افزونگر دانش، بردبار کامل، دارای توان رهبری؛ آگاه از سیاست، اطاعتش واجب قائم به امر خدا، ناصح بندگان خدا، و حافظ دین خداست، به راستی که پیامبران و امامان، توفیق الهی می یابند و خداوند از دانش و حلم پنهان خویش چنان بهره ای به آنان می دهد که به دیگران ارزانی نمی کند، بنابراین دانش و علم آنان از علم همه مردمان روزگار خویش بالاتر است، و خداوند در سوره یونس آیه ۳۵ می فرماید: آیا کسی که به حق هدایت می کند؛ سزاوار تر است که از او پیروی گردد یا کسی که هدایت نمی کند مگر این که هدایتش نمایند؟! و در سوره بقره آیه ۲۶۹ می فرماید: و هر که حکمت به او ارزانی گردد به تحقیق که خیر کثیری بدست آورده است، و همچنین در آیه ۲۴۷ سوره بقره در مورد طالوت می گوید:

به راستی که خداوند او را بر شما برگزید و به او گشایش در دانش و توانایی

جسمانی داد، و همچنین در خصوص امامان از اهل بیت و عترت و ذریه پیامبر فرمود: آیا به مردم بخاطر آنچه که خداوند از فضل خود به آنان بخشیده است حسد می ورزند؟ به تحقیق که به آل ابراهیم کتاب و حکمت و ملک عظیم ارزانی داشتیم - (سوره نساء آیه ۵۴) امام معصوم و موید و موفق و مسدد است، از خطاها و لرزش ها و لغزش ها در امان است خداوند این خصوصیات را به او بخشیده است تا حجت الهی بر بندگانش و شاهد خداوند بر خلائق او باشد... بنابراین آیا آنان بر چنین شخصی توانایی دارند که انتخابش نمایند یا فرد انتخاب شده آنان، چنین صفاتی را دارد که او را مقدم دارند؟(۱)

امام رضا علیه السلام فرمود: امام علانم و نشانه هایی دارد: امام در علم و حکمت و تقوا و صبر و شجاعت و سخاوت و عبادت از همه برتر است؛ امام مختون متولد می شود؛ پاک و مطهر است، همانگونه که از مقابل می بیند از پشت سر، نیز مشاهده می کند، سایه ندارد، از بطن مادر، با دو کف دست بر زمین می افتد و با صدای بلند شهادتین می گوید، امام محتلم نمی شود؛ چشمش به خواب می رود ولی قلبش بیدار است، محدث است، زره پیامبر کاملاً اندازه اوست، بول و غائط او دیده نمی شود، زیرا، خداوند زمین را مامور کرده هر چه از او خارج می شود را ببلعد، شمشیر امام از مشک خوشتر به مردم از خودشان سزاوارتر و بر آنان دلسوزتر از پدر و مادرشان است، از تمام مردم در برابر خداوند، متواضع تر و از همه بدانچه امر می کند بیشتر عمل می کند و از همه بیشتر در آنچه نهی می کند دوری می نماید، امام دعایش مستجاب است بطوری که اگر دعا کند، صخره ای دو نیم شود، همان خواهد شد، اسلحه پیامبر و شمشیر آنحضرت، ذوالفقار در نزد اوست؛ نزد امام صحیفه ای است که در آن نام تمام شیعیان او تا روز قیامت مکتوب است و نیز نوشته دیگری که اسامی تمام دشمنانش تا روز قیامت مکتوب می باشد و کتاب جامعه و جفر اکبر و اصغر و مصحف فاطمه و جمیع علوم نزد او است (۲)؛ امام موید به روح القدس است و بین او، و خدا، ستونی از نور جود دارد که اعمال مردم و هر چه را احتیاج دارند در آن می بیند گاهی آن نور برای گسترده می شود و می داند و گاهی آن نور از او گرفته می شود و نمی داند (۳)

للامام علامات یکون اعلم الناس و احکم الناس و اتقی الناس و احلم الناس و اشجع الناس و اسخی الناس و اعبد الناس و... (۴) _ لامام عشر علامات ... امام کاظم علیه السلام فرمود: امام معصوم، برگزیده شده از جانب خدا را به چند خصلت می توان شناخت اول: آنکه امام پیش از او، نص و بیان بر امامت او کند، چنانچه، پیامبر بر امامت علی کرده دوم: هر چه از امام پرسند جواب دقیق دهد و اگر از او پرسند خود ابتدا کند سوم: مردم را به آینده خبر می دهد، چهارم: تمام لغت ها و زبانها را می داند و هر کس را به زبان خودش جواب می دهد، پنجم: آنکه کلام و زبان هیچ مرغ و حیوانی و موجودی بر او نامفهوم نیست. (۵)

ان الامام لا یخفی علیه کلام احد من الناس و لاطیر و لابهیمه و لاشی فیه روح بهذا یعرف الامام فان لم یکن فیه هذه الخصال فلیس هو بامام... و یسال فیجیب و یسکت عنه فیتدی و یخبر الناس بما فی غدویکم الناس بکل لسان.... اما اولهن

ص: ۴۳۰

۲-۲. احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۴۸۶ ح ۳۱۱

۳-۳. عیون الاخبار الرضا ج ۱ ص ۱۸۹ باب ۱۹ فی علامات الامام، من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۴۱۸ ح ۵۹۱۴

۴-۴. اصول کافی ج ۱ ص ۳۸۸ ح ۸

۵-۵. حق الیقین علامه مجلسی ص ۴۸ الی ص ۵۴، پرتوی از امامت در قرآن و سنت ص ۱۱۶ نوشته عبدالرضا یوسفی پور

(ابن مالک مداح)، بحار الانوار مجلسی ج ۴۸ الی ص ۵۴، پرتوی از امامت در قرآن و سنت ص ۱۱۶ نوشته عبدالرضا یوسفی

پیور (ابن مالک مداح)؛ بحار الانوار مجلسی ج ۴۸ ص ۴۷ و ج ۲۵ ص ۱۱۳ و ص ۱۴۱

فشی تقدم من ابيه فيه و عرفه الناس و نصبه لهم علما حتى يكون حجه عليهم لان رسول الله نصب عليا و عرفه الناس...

مولا علی علیه السلام می فرماید: امامان و ائمه همگی از قریش که درخت وجودشان در سرزمین وجود از هاشم (جد اعلای پیامبر) بوجود آمده است، مقام امامت به هیچ وجه در خور صلاحیت دیگران نیست و کسانی غیر از (بنی هاشم) شایستگی مقام امامت را ندارند (۱).

ان الائمة من قریش غرسوا فی هذا البطن من هاشم لاتصلح علی سواهم و لاتصلح الولاه من غیرهم

مولا علی در حدیث دیگر در توصیف صفات امامان معصوم از آل محمد می فرماید: امام معصوم برتر و بالا تر از همه انسانهاست و در نسب او، پیوند خویشاوندیش با رسول خدا، جای هیچ ابهام و ایراد نیست، او والاترین قریش، گرامی ترین بنی هاشم، بازمانده ابراهیم خلیل، اوج قله شرف عرب، از برترین چشمه زلال پاکی و نجابت از جان و روان رسول خدا و از شاخه های بلند از دودمان عبدمناف است که شریفی از اشراف خاندان نبوت است؛ امام بشری فرشته صفت و جسدی آسمانی و امر خدایی و روح قدسی و مقامی بلند و نوری تابان و راز پنهان خداوند است که ذاتش ملکوتی و صفاتش الهی و حسناتش فراوان و آگاه به امور پنهان است که از طرف خدا، تعیین شده و امامتش بوسیله رسول خدا به مردم ابلاغ گردیده است؛ همه این ویژگی ها مخصوص آل محمد است و هرگز کسی در این امتیازات با آنها شریک نیست زیرا آنها معدن تنزیل و معنای تاویل و برگزیده خداوند می باشند که خانه شان محل نزول جبرئیل امین است،

خداوند آنها را از نور عظمت خود آفریده و سرپرستی امور مملکت خود را به آنها تفویض فرموده است (به اذن الله) آنها سر مخزون خدا و اولیا مقرب خدا و امر خداوند هستند که بسوی خدا، دعوت می کنند و از طرف خدا سخن می گویند و به فرمان خدا، عمل می کنند، علم پیامبران در برابر دانش و علم آنان و عزت اولیاء در برابر عزت آنها مانند قطره ای در دریا و همچون ذره ای در دل صحرا است... آنها سرّ

ص: ۴۳۱

خدای یگانه اند که احدی را نمی توان با آنان مقایسه کرد امامان، ستارگان درخشان بلند مرتبه ای هستند که از نور وجود علوی و تابش خورشید عصمت فاطمی در آسمان عظمت محمدی جلوه گر شده و شاخه های درخت تنومند نبوتند که در باغستان سرسبز احمدی روئیده اسرار مکنون الهی هستند که در هیاکل بشری به ودیعت گذارده شده و ذریه پاک و عترت هاشمی و راهنمایان هدایتگر و هدایت شده ای هستند که از بهترین آفریدگان خدای می باشند،

آنان ائمه طاهرین و عترت معصومین و ذریه اکرمین و خلفاء راشدین و بزرگان صدیقین و اوصیا برگزیده و راهنمایان هدایت شده و سفینه های پرخیر و برکت از آل طه و یس از اهل بیت رسول خدا و حجت های خدا بر اولین و آخرین هستند که نام هایشان بر تمامی سنگها و صخره ها، و برگهای درختان و پرهای پرندگان درهای بهشت و جهنم و عرش و افلاک و بالهای فرشتگان و بر حجاب جلال و سراپرده های عز و جمال نوشته شده است (۱)؛ مولا- علی علیه السلام درباره امامت الهی ائمه طاهرین (یعنی امامت خودش و فرزندان معصومش می فرماید: پس بخدایی سوگند که ما اهل بیت را به نبوت و خلافت گرامی داشته و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را از میان ما به نبوت قرار داد و پس از او ما را به امامت اهل ایمان اکرام فرمود که جز ما هیچکس نمی تواند از آنحضرت تبلیغ کند و مقام امامت و خلافت، تنها در میان ما به اصلاح رسد و خداوند هیچ کسی را در امر ولایت با ما شریک و ذی نصیب نگردانیده... و خداوند ما را پس از رسول خدا، خلفای زمین و گواهان بر خلق خود قرار داده است و اطاعت ما را در کتاب خود، واجب ساخته و در چندین آیه ما را قرین خود و پیامبرش فرموده... (۲)

و الامام یا طارق، بشر ملکی و جسد سماوی و امر الهی و روح قدسی و مقام علی، و نور جلی و سرخفی فهو ملک الذات، الهی الصفات، زائد الحسنات، عالم بالمغیبات خصماً من رب العالمین و نصامن الصادق الامین (۳)

و هذا كله لال محمد، لا یشاركهم فیه مشارك لانهم معدن التنزیل و معنی التاویل

ص: ۴۳۲

۱- ۱. بحار الانوار ج ۲۵ ص ۱۶۹ الی ص ۱۷۴، الزام الناصب ج ۱ ص ۲۶ الی ص ۳۰ مشارق الانوار الیقین ص ۱۱۴ الی ص

۱۱۸

۲- ۲. احتجاج شیخ طبرسی ج ۱ ص ۳۱۸ ح ۵۶

۳- ۳. بحار الانوار ج ۲۵ ص ۱۷۲

و خاصه الرب الجليل و مهبط الامين جبرئيل ..(۱)

يا طارق الامام كلمه الله و حجه الله و وجه الله و نور الله و حجاب الله و آيه الله يختاره الله . (۲)

خلقهم الله من نور عظمته و ولاهم امر مملكته فهم سر الله المخزون و اولياؤه المقربون _ (۳) الى الله يدعون و عنه يقولون و بامرهم يفعلون علم الانبياء في علمهم و سر الاوصياء في سرهم و عز الاولياء في عزهم كالقطره في البحر... فلا- يقاس بهم من الخلق احد _ (۴) فوالله الذي اكرمنا اهل البيت بالنبوه و الخلافه جعل منا محمد او اكرمنا بعده بان جعلنا ائمه للمؤمنين لا يبلغ عنه غيرنا و لاتصلح الامامه و الخلافه الا فينا و لم يجعل لاحد من الناس فيها معنا اهل البيت نصيباً و لاحقاً... و جعلنا من بعد محمد خلفاء في ارضه و شهدا على خلقه و فرض طاعتنا في كتابه.. (۵)

و الانوار العلويه المشرقه من شمس العصمه الفاطميه في سماء العظمه المحمديه و الاغصان النبويه النابتة في دوحه الاحمديه و الاسرار الالهيه المودعه في الهياكل البشريه و الذريه الزكيه و العتره الهاشميه الهاديه المهديه اولئك هم خير البريه فهم الائمة الطاهرون و العتره المعصومون و الذريه الا-كرمون و الخلفاء الراشدون و الكبراء الصديقون و الاوصياء المنتجبون و الاسباط المرضيون و الهداه المهديون و الغرالميامين من آل طه و ياسين و حجج الله على الاولين والآخرين (۶)

شبروای شافعی از علمای اهل سنت درباره خصائص امامان آل محمد می نویسد: به راستی که اهل بیت همه فضایل را از علم و حلم و فصاحت و ذکاوت و سخاوت و شجاعت دارا بودند و علومشان درسی و تحصیلی نیست بلکه خداوند علم به آنان داده است و ... نور این سلسله هاشمی و خاندان پاک نبوی و جماعت علوی جهانی را روشن ساخته است و آنها دوازده امام اند؛ که فضایل و مناقبشان والا، صفاتشان عالی و ارجمند و خودشان شریف و بلند مرتبه و اصل و نسبشان بزرگوار و محمدی است و آنها عبارتند از محمد بن الحسن و حسن عسکری و علی هادی و تقی جواد و علی

ص: ۴۳۳

- ۱- ۱. بحار الانوار ج ۲۵ ص ۱۷۳
- ۲- ۲. بحار الانوار ج ۲۵ ص ۱۶۹
- ۳- ۳. بحار ج ۲۵ ص ۱۷۳
- ۴- ۴. بحار الانوار ج ۲۵ ص ۱۷۳ و ص ۱۷۴
- ۵- ۵. بحار الانوار ج ۳۱ ص ۴۲۰
- ۶- ۶. بحار الانوار مجلسی ج ۲۵ ص ۱۷۴

رضا و موسی کاظم و جعفر صادق و محمد باقر و زین العابدین و امام حسین و امام حسن و علی بن ابی طالب

ان آل البيت حازوا الفضائل كلها علماً و حلماً و فصاحه و ذكاء و بديهة جوداً و شجاعه ... (۱)

و قد اشرف نور هذه السلسله الهاشميه و البيضه الطاهره النبويه و العصابه العلويه و هم اثنا عشر اماماً مناقبهم عليه و صفاتهم سنیه و نفوسهم شریفه ایبه و ارومتهم کریمه محمدیه و هم محمدالحجه ابن الحسن الخالص بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین ابن الامام الحسين اخي الامام الحسن ولدی اللیث الغالب علی ابن ابی طالب رضی الله تعالی عنهم اجمعین (۲)

حال به روایاتی می پردازیم بطور اختصار، که به امامت الهی ائمه طاهرین (۱۲ امام معصوم شعیه) از منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت و شیعه اشاره روشنی شده است، نبی اکرم فرمود: امامان معصوم از فرزندان من هستند هر کس از آنان اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده و هر کس از آنان تخلف بکند، معصیت خداوند کرده زیرا آنان ریسمان محکم الهی و وسیله بسوی خدا هستند

الائمه من ولدی فمن اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصی الله هم العروه الوثقی و الوسيله الی الله (۳)

نبی اکرم در قالب حدیث دیگر، امامان معصوم را از فرزندان مولا علی بر می شمارد و می فرماید: ای علی مثال تو و امامان از فرزندان تو همانند کشتی نوح است هر کس بر آن سوار شد نجات پیدا کرد و هر کس تخلف کرد نابود شد

مثلک و مثل الائمة من ولدک بعدی مثل سفینه نوح (۴)

و علی الائمة من ولدک عاملون ما امر الله ... و بما یامرهم اولوالامر من الائمة من ولدک بالقرآن و سنتی (۵)

ص: ۴۳۴

۱-۱. الاتحاف بحب الاسراف ص ۵۸ چاپ مصر

۲-۲. الاتحاف بحب الاشراف ص ۳۸۱ الشبروی آخر باب ۵

۳-۳. الموده القربی، شهاب الدین همدانی شافعی موده ۲؛ ینابیع الموده قندوزی حنفی ج ۳ ص ۲۹۲

۴-۴. ینابیع الموده ج ۱ ص ۹۵، فرائد السمطین حموی شافعی ج ۲ ص ۴۲۳ ح ۵۱۷؛ ینابیع الموده ج ۲ ص ۳۱۸

۵-۵. ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۹۸ فرائد السمطین امام جوینی ج ۱ ص ۳۰۹

يا على انا و انت و الائمة من ولدك سادات في الدنيا و ملوك في الاخره (١)

فليوال علياً بعدى ... و لياتم بالائمة من لده فانهم خلفائى و اوصيائى حجج الله على خلقه بعدى (٢)

يعتصم بحبل الله المتين فليوال علياً لياتم بالهداه من ولده (٣)

فليتول علياً و ذريته الطاهرين ائمه الهدى و مصاييح الدجى من بعده (٤)

بالعقيق الاحمر فانه جبل امر الله بالوحدانيه... و لك بالوصيه ولولدك بالامامه (٥)

الائمة من ولدها امناء ربى (٦)

يا على ... انت الامام ابوالائمة الاحدى عشر الذين هم المطهرون المعصومون (٧)

قال على: انا ابوالائمة البرره (٨)

والائمة الطاهرون من ولده آيات ربى (٩)

نبى اکرم در قالب حديث شريف ديگر، امامان معصوم بغير از امام على عليه السلام از نسل مبارک و از فرزندان بى بى دو عالم حضرت فاطمه زهرا، معرفى مى کنند، مى فرمايد: اى خديجه جبرئيل به من خبر داد فرزندی که در شکم داری دختر می باشد و او دارای نسل مبارک و پربرکت می باشد و خداوند از نسل او، امامان را قرار داده که خلفای خدا هستند بعد از قطع شدن وحى بعنوان وحى نبوت و سيجعل من نسلها ائمه و يجعلهم خلفاء فى ارضه بعد انقضا وحیه (١٠)

ابشرى يا خديجه هذه بنت جعلها الله ام احد عشر من خلفائى يخرجون بعدى و بعد ايهم (١١)

در مصحف حضرت فاطمه زهرا: درباره اسامى ائمه طاهرين چنین آمده است _ اى جابر اين لوح را خداوند به رسولش هديه فرموده است و در آن اسامى پدر و

ص: ٤٣٥

١-١. ینابیع الموده ج ١ ص ٣٧٠

٢-٢. فرائد السمطين ج ٢ ص ٢٤٣، ینابیع الموده ج ٢ ص ٣١٦، فرائد السمطين ج ٣ ص ٣١٣ ح ٥٦٤

٣-٣. شواهد التنزيل کم حسانى حنفى ص ٧١ و ص ٧٢ ذیل آیه ١٠٣ سوره آل عمران

٤-٤. مناقب اخطب خوارزمى حنفى ص ٧٩ ح ٥٥

٥-٥. مناقب خوارزمى حنفى ص ٤٦٧ ح ٣٣٥؛ مناقب ابن مغازلى شافعى ص ٢٢٨

٦-٦. ینابیع الموده ج ١ ص ٢٤٣، فرائد السمطين ج ١ ص ١٧٩، مقتل الحسين خوارزمى ج ١ ص ٥٩ اربعين ابن فوارس ص ١٤،

بحر المناقب ابن حسنويه ص ١٠٦، مناقب زمخشرى ص ٢١٣

٧-٧. ينابيع الموده ج ٣ ص ٢٨٤ ينابيع الموده ج ١ ص ٢٥٣

٨-٨. ينابيع الموده ج ٣ ص ٢٠٧

٩-٩. موده القربى همدانى شافعى موده ١٠ ص ٩٧، المناقب المرتضويه كشفى ص ١٣٠ ينابيع الموده ج ٢ ص ٨٣، [٩]

١٠-١٠. بحار الانوار ج ٤٣ ص ٢ ح ١، امالى صدوق ص ٤٧٥ ح ١، عوالم ج ١١ ص ١٧ و ص ١١١،

١١-١١. عباات الانوار ج ٣ ص ٢٣٩ و ص ٢٤٠ ملحقات احقاق ج ١٠ ص ١٢

شوهر و نیز دو پسر و اسم اوصیای از فرزندانم نوشته شده است

فیه اسم ابی و اسم بعلی و اسم ابنی و سماء الاوصیاء من ولدی (۱)

ذکر تعیین ائمه، در روایت دیگر از حضرت باقر علیه السلام رسیده که فرمود: امامان از فرزندان حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه هستند که امامت آنان تا روز قیامت است الائمه من ولد علی و فاطمه الی ان تقوم الساعه (۲)

در روایت دیگر مولا علی علیه السلام در ذیل آیه ۲۸ سوره زخرف فرمود: خداوند تا روز قیامت، امامت را در نسل حسین علیه السلام قرار داده است (۳)

وجعلها کلمه باقیه فی عقبه ای جعل الامامه فی عقب الحسين الی یوم القیامه _ در حدیث مشهور ۱۲ خلیفه که منابع اهل سنت با الفاظ و عبارات مختلفه از نبی اکرم نقل کرده اند در بعضی از منابع آمده که تمامی آن ۱۲ خلیفه از بنی هاشم هستند و ائمه معصوم ۱۲ گانه شیعه همگی از بنی هاشم بودند و هستند _ بعدی اثنا عشر خلیفه...

قال کلهم من بنی هاشم (۴)

در کتاب ینابیع الموده فرائد السمطین مقتل الحسین خوارزمی، تاریخ اهل بیت من آل رسول الله (نصر بن جهضمی)، تاریخ موالد و وفات اهل بیت و این دفنوا مقتل الحسین خوارزمی، تاریخ اهل بیت من آل رسول الله (نصر بن جهضمی)، تاریخ موالد و وفات اهل بیت و این دفنوا (ابن خشاب) تذکره الخواص ابن جوزی؛ فصول المهمه ابن صباغ مالکی، مطالب السؤل ابن طلحه و... که از علماء و از منابع اهل سنت هستند اشاره روشن به اسامی امامان معصوم ۱۲ گانه شیعه، کرده اند برای نمونه به یک روایت اکتفاء می شود، رسول خدا فرمود: ای جابر، اوصیاء و امامان مسلمین بعد از من، اول علی ابن ابی طالب سپس حسن و حسین بعد از آنان علی بن الحسین، سپس محمد بن علی که نامش باقر است سپس جعفر بن محمد موسی بن جعفر علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و محمد بن الحسن که از دیدگان پنهان می شود _ (۵)، خواجه قندوزی حنفی، اعتراف می کند که منظور نبی اکرم در حدیث ۱۲ خلیفه درباره ۱۲ امام معصوم شیعه می باشد و با آن مطابقت دارد قندوزی چنین می نویسد: برخی از پژوهشگران گفته اند: احادیثی که دلالت دارد بر اینکه خلفای پیامبر ۱۲ نفرند از طرق بسیاری شهرت یافته است، اشتها این احادیث به حدی است که آدمی به

ص: ۴۳۶

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج ۱ ح ۳۳

۲- ۲. عیون الاخبار الرضا ج ۱ ص ۱۳۹

۳- ۳. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج ۱ ص ۳۵۳، اصول کافی ج ۱ ص ۴۳۲

۴- ۴. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج ۲ ص ۳۱۵

۵- ۵. ینابیع الموده ج ۳ ص ۱۷۰ باب ۹۴ ینابیع الموده ج ۳ ص ۱۰۱ باب ۷۶

روشنی درمی یابد که مراد رسول خدا از حدیث اثناعشر خلیفه امامان دوازده گانه از اهل بیت و عترت خود آنحضرت می باشد، زیرا ممکن نیست که این حدیث بر خلفای بعد از رسول خدا، از صحابه آن حضرت تطبیق نمود، چه آنکه خلفای بعد از پیغمبر کمتر از ۱۲ نفر بودند همچنین ممکن نیست که این حدیث بر سلاطین بنی امیه تطبیق نمود؛ زیرا که آنها بیش از دوازده نفر بودند و به علاوه ستمکار بودند به استثنای عمر ابن عبدالعزیز و آنها از بنی هاشم هم نبودند

زیرا نبی اکرم فرمود: که صدای خود را پائین آورده و آهسته فرموده است: همگی آنها از بنی هاشم اند، این حدیث را تایید می نماید، زیرا که آنها (یعنی قریش) خلافت بنی هاشم را خوش نداشتند. و نیز ممکن نیست این حدیث را بر ملوک بنی عباس، تطبیق نمود، چرا که شماره ملوک بنی عباس، بیشتر از ۱۲ نفر است، و آنها در دوران زمامداری خود توصیه خدا را درباره آیه مودت و حدیث کساء رعایت نکردند بنابراین چاره ای نیست جز اینکه این حدیث را بر امامان ۱۲ گانه از اهل بیت و عترت خود آنحضرت تطبیق نمود، برای آنکه آنان دانایتر، با شخصیت تر باتقواتر از همه مردم زمان خود بودند و از نظر حسب و نسب بالاتر از همه مردمان در نزد خدا، بودند علوم و دانششان نیز از طریق پدرانشان و از وجود مقدس نبی اسلام به سبب وراثت و علم لدنی سرچشمه می گرفت و اینگونه اهل علم و تحقیق امامان ۱۲ گانه را معرفی کرده اند و حدیث ثقلین و احادیث فراوان دیگر بر این مطلب گواهی می دهد که مقصود رسول خدا، از خلفاء اثناعشر، امامان ۱۲ گانه از اهل بیت خود آنحضرت می باشند (۱)۔

یا جابر ان اوصیائی و ائمه المسلمین من بعدی اولهم علی ثم الحسن ثم الحسین ثم علی ابن الحسین ثم محمد بن علی... ثم جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر؛ ثم علی بن موسی ثم محمد بن علی ثم علی بن محمد ثم الحسن بن علی ثم القائم... محمد بن الحسن بن علی ذاک الذی یغیب عن اولیائه _ ان خلفائی و اوصیائی و حجج الله علی الخلق بعدی اثنا عشر اولهم علی و آخرهم ولدی المهدی ... (۲)

لانهم كانوا اعلم اهل زمانهم و اجلهم و اورعهم و اتقاهم و اعلاهم نسبا و افضلهم حسبا و اکرمهم عندالله و كان علومهم من ابائهم متصلاً بجدهم و بالوراثه و اللدنيه كذا عرفهم اهل العلم و التحقيق و التوفيق

شاید جناب وهابی بگوید خواجه قندوزی صاحب کتاب ینابیع الموده از علمای اهل سنت نبوده، پس اعتراف او راجع به اثبات امامت ائمه ۱۲ گانه شیعه، هیچ اعتباری ندارد، خیر الدین زرکلی در کتاب قاموس تراجم و الاعلام ج ۳ ص ۱۲۶ که

ص: ۴۳۷

۱- ۱. ینابیع الموده ج ۳ ص ۱۰۵ و ص ۵۳۵ باب ۷۷؛

۲- ۲. فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۱۲ ح ۵۶۲؛ ینابیع الموده ج ۲ ص ۳۱۶ ح ۹۱۱

از علمای سرشناس اهل سنت می باشد؛ خواجه قندوزی را از علماء مشاهیر اهل سنت معرفی می کند _ سلیمان بن خواجه ابراهیم قبلان الحسینی الحنفی النقشبندی القندوزی فاضل من اهل بلخ مات فی القسطنطنیه له ینایع الموده _ (به نقل از سایت مکتبه وقفیه)، جالب است ای جناب وهابی، بعضی از علمای معروف اهل سنت، امامت را از اصول دین بعنوان نیابت و خلافت از رسول خدا می دانند؛ ما شیعیان هم طبق ادله قرآنی و روایات ائمه هدی که بطور اختصار از دید شما گذشت، امامت و خلافت بعد از رسول اسلام را و قبل از رسول اسلام را، الهی و از جانب خدا، می دانیم، پس جناب وهابی، هر کس نمی تواند امام از جانب خدا شود؛ چون امامت بدست خدا و رسول خدا می باشد؛ بطور عام می توانیم دعا کنیم خدایا ما را پیشوا و امام پاکان قرار بده با شرایط و خصلت های خوبی که در خودمان بوجود می آوریم ولی نمی توانیم امامت خاصه الهی را کسب کنیم چون امرش بدست خداست و خدا ائمه الهی بعد از رسول خدا را، قبل از خلقت مخلوقات انتخاب کرده و برگزیده، ملا علی قوشچی از علمای اهل سنت می نویسد: امامت ریاست عمومی است در امور دین و دنیا به طریق خلافت از پیغمبر (۱)؛ بیضاوی در منهاج الاصول کتاب الثانی باب اول فصل دوم، الابهاج فی شرح المنهاج سبکی ج ۲ ص ۲۹۵ می نویسد: امامت از بزرگترین اصول دین است _ و هی ریاسه عامه فی امور الدین و الدنیا خلافه عن النبی؛ (۲)،

علمای شیعه همین معنای مذکور، را برای تعریف امامت الهی بیان کرده اند (۳) الامامه هی الرئاسه العامه الالهیه خلافه عن رسول الله فی امور الدین والدنیا

ابن حزم از علمای اهل سنت می نویسد: تمام و مرجئه و شیعه و خوارج بر واجب بودن امامت اتفاق نموده اند... قرآن و سنت تصریح به وجوب امامت دارند (۴) فخر رازی از علمای متعصب اهل سنت می نویسد: همانا نصب امام متضمن دفع ضرر از نفس

ص: ۴۳۸

۱- ۱. شرح تجرید ص ۳۶۵ مقصد ۵

۲- ۲. احقاق الحق ج ۲ ص ۳۰۴

۳- ۳. اللوامع الالهیه ص ۲۵۴ فاضل مقداد؛ کفایه الموحدین ج ۲ ص

۴- ۴. الفصل فی الملل و النحل ج ۴ ص ۸۷، مقالات الاسلامیین ج ۲ ص ۱۳۳؛ الفرق بین الفرق ص ۳۲۳ الی ص ۳۴۱

است و دفع ضرر واجب است لذا، نصب امام واجب می باشد (۱)

قاضی ایجی از علمای اهل سنت می نویسد: امامت ریاست عمومی است در امور دین و دنیا برای شخصی از اشخاص به نیابت و جانشینی از پیامبر اسلام (۲)

تفتازانی و ملا علی قاری و خواجه نصیرالدین طوسی طبق حدیث معرفت به امام زمان که رسول خدا فرمود: هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مُرده است، امر امامت را واجب شرعی و عقلی می داند (۳)

الامامه موضوعه لخلافه النبوه فی حراسه الدین و سیاسه الدنیا (۴)

اتفق جميع اهل السنه و جميع المرجئه و جميع الشيعه و جميع الخوارج علی وجوب الامامه و ان الامام واجب علیها (۵) _ ان الامامه فرض واجب علی الامه لاجل اقامه الامام (۶)

یجب ان يعرف ان ولايه امر الناس من اعظم واجبات الدین بل لاقیام اللدین الابهّا (ابن تیمیه حرانی) جناب وهابی، رهبر فکری تو، ابن تیمیه در کتاب السیاسه الشرعیه خودش می نویسد: واجب است که مردم بشاسند امر امامت را که از بزرگترین واجبات دینی است؛ ابن حزم اندلسی از قول نبی اسلام نقل می کند که فرمود: امامت واجب است و جایز نیست که یک شب انسان، بدون امام بماند و حتماً امام باید

ص: ۴۳۹

- ۱- ۱. تلخیص المحصل ص ۴۰۷
- ۲- ۲. شرح مقاصد ج ۵ ص ۲۳۴،
- ۳- ۳. شرح فقه الاکبر ص ۱۷۹، شرح مقاصد ج ۵ ص ۲۳۹، تلخیص المحصل ص ۴۰۷، رساله المسائل الخمسون فخررازی ص ۳۸۴، یواقت الجواهر ج ۲ ص ۲۳۴ مرقاه المفاتیح ملا علی قاری _ ج ۴ ص ۱۲۳ و ج ۲ ص ۵۰۹
- ۴- ۴. الاحکام السلطانیه و الولايات الدینیّه ج ۱ ص ۵ ماوردی، الملل و النحل شهرستانی ج ۱ ص ۲۲۸ _ برقیه محمودیه ص ۲۷۶ ابن سعید خادمی حنفی، المسائل الخمسون فی اصول الدین مسئله ۴۷ فی نصب الامام _ الملل و النحل شهرستانی ج ۱ ص ۲۲۸ _ برقیه محمودیه ص ۲۷۶ ابن سعید خادمی حنفی _ مرقاه المفاتیح ملا علی قاری ج ۶ ص ۲۳۹۸ ح ۳۶۷۴ کتاب الاماره شرح عقائد النسفیّه ص ۳۲۸، شرح المقاصد فی علم الکلام ص ۲۳۹ فصل ۴؛ النجاه فی القیامه فی تحقیق امر الامامه ص ۴۱ ابن میثم؛ المسلك فی اصول الدین، محقق حلّی ص ۳۰۶؛ النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر ص ۹۳ علامه حلّی؛ الهدایه فی الاصول و الفروع ص ۲۷ صدوق
- ۵- ۵. الفصل فی الملل ابن حزم ص ۷۲ الکلام فی الامامه؛ الغدیر، علامه امینی ج ۱۰ ص ۵۱۲ و ص ۵۱۳، ازاله الخلفاء شاه ولی الله دهلوی ج ۱ ص ۳

۶- ۶. الفرق بین الفرق؛ عبدالقاهر بن طاهر بن محمد البغدادی ص ۳۰۰؛ مقالات الاسلامیین ص ۱۴۹ ش ۱۷۹ _ لابد من امام (شیخ اهل السنه و الجماعه امام ابی الحسن علی بن اسماعیل الاشعری) ادب الدنیا والدین ج ۱ ص ۱۶۴ _ وجب اقامه امام،

قریشی باشد و یک نفر هم باشد

ان رسول الله نص علی وجوب الامامه و انه لایحل بقاء ليله دون بيعه و افترض علينا بنص قوله الطاعه للقرشی اماما واحد (۱)

نصب الامام عندنا واجب علینا (۲)

قرار دادن امام معصوم از طرف خدا، لطف و عنایت است و این لطف بر خدای لطیف و رحیم واجب است؛ (۳)

قال الرضا علیه السلام: ان الامامه زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عزالمومنین (۴)

پس ثابت شد تمام علمای اسلام از شیعه و سنی و حتی وهابیت قائل به وجوب امامت هستند، وقتی امت اسلام و مسلمین ضروری بودن امامت را درک می کنند آیا خدای حکیم و لطیف و نبی رحمت؛ نباید بعد از وفات رسول اسلام، امام عادل مطلق و معصوم و مبراء از تمام نواقص به امت اسلام معرفی می کردند که امت دچار گمراهی و هلاکت نشوند؟!

که طبق اعتقاد شیعه اثنی عشری، خداوند در قرآن و نبی اکرم در قالب تفاسیر آیات و روایات، وجوب امامت ائمه ۱۲ گانه شیعه را، برای امت اسلام، روشن کرده اند ولی ظلمت تعصب بی جا و شیطانی نمی گذارد این حقائق از روز با روشن تر، در بحث امامت ائمه طاهرین؛ اکثریت امت بغیر از شیعه امامیه، ملاحظه کنند؛ روایات از شیعه و سنی، رسیده که امامت الهی، مولا علی از واجبات مهم دینی و اسلامی است و بدون آن هیچ عملی مقبول نیست؛ مولا علی می فرماید: همانا ولایت و امامت من بر آسمانیان واجب است چنانچه بر زمینیان لازم می باشد

و ان ولایتی لتلزم اهل السماء کما تلزم اهل الارض (۵)

امام صادق علیه السلام فرمود: اینکه دارای ولایت امیر مومنانم نزد من، محبوبتر از آن است

ص: ۴۴۰

۱-۱. الفصل فی الملل ج ۴ ص ۸۴

۲-۲. المواقف ایجی ج ۳ ص ۵۷۴

۳-۳. الغیبه طوسی ص ۴؛ قواعد المرام ص ۱۷۵؛ الذخیره ص ۴۰۹؛ حق یقن مجلسی ص ۴۸ باب ۵

۴-۴. امالی صدوق ص ۱۱۵۲ مجلس ۹۷

۵-۵. مائه منقبه ابن شاذان قمی ح ۳۲ ص ۷۰؛

که فرزند جسمانی (نسبی) او هستیم، به جهت این که، ولایت و پیرویم از علی علیه السلام واجب است و مولود جسمانی بودنم از علی علیه السلام یک امتیاز و فضلی است _ (۱)، _ ولایتی لعلی بن ابی طالب احب الی من ولادتی منه؛ لان ولایتی لعلی بن ابی طالب فرض و ولادتی منه فضل (۲).

انی قد افترضت حب علی ابن ابی طالب و مودته علی اهل السماوات و اهل الارض، (۳) _ و قد فرض الله عزوجل ولایتنا فی کتاب (۴)

امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند بر بندگان ۵ واجب را فرض کرده و قرار داده است، نماز، روزه، حج، زکات و ولایت فان الله فرض علی العباد خمس فرائض، الصلاه، و الزکاه و الصیام و الحج و الولایه (۵) نبی اکرم فرمود: ای مردم بدانید ولایت و امامت علی ابن ابی طالب بر شما واجب و فرض است (۶)

معاشر الناس اعلموا ان ولایه امیرالمومنین فرض علیکم

مولا علی فرمود: شیعیان من کسانی هستند که می شناسند فضل مرا و واجب بودن امامت من در کتاب خدا و سنت پیامبر

او قلیل من شیعتی الذین عرفوا فضلی و فرض امامتی من کتاب الله و سنه رسول الله (۷)

امام باقر علیه السلام فرمود: آخرین فریضه و واجب الهی که بر پیامبر اسلام؛ نازل شد، ولایت و امامت مولا علی بود، در غدیر خم و کانت الولایه آخر الفرائض (۸)

در منابع برادران عزیز اهل سنت و جماعت هم آمده که ولایت و امامت علی علیه السلام از فرائض مهم و واجب دین اسلام هست؛ ابوسعید خدری می گوید: مردم به ۵ چیز

ص: ۴۴۱

۱- ۱. بحار الانوار ج ۳۹ ص ۲۹۹

۲- ۲. بحار الانوار ج ۴۰ ص ۵۴

۳- ۳. بحار الانوار ج ۸۳ ص ۱۰، بحار ج ۵۷ ص ۳۴۱

۴- ۴. بحار ج ۳۶ ص ۱۳۹، بحار ج ۳۰ ص ۱۶۲؛

۵- ۵. بحار ج ۸۱ ص ۳۴۴؛ عیون الاخبار الرضا ج ۲ ح ۲۰ باب ۳۲

۶- ۶. بحار الانوار ج ۳۹ ص ۲۳۲

۷- ۷. اصول کافی ج ۸ ص ۵۹ ح ۲۱؛ بحار الانوار ج ۳۴ ص ۱۷۳

۸- ۸. اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۹

مامور شده اند که چهار تا را عمل کرده و یکی را رها کردند، مردی گفت: ای ابوسعید آن چهار امر چه چیزی است؟ گفت: نماز، زکات، حج و روزه، باز سوال کننده پرسید و آن یکی که مردم رهایش کردند چه بود؟ گفت: ولایت علی ابن ابی طالب؛ آن مرد با تعجب پرسید: یعنی ولایت و امامت علی نیز در کنار، حج و روزه و نماز و زکات واجب است؟ گفت: آری؛ آن سوال کننده گفت: پس اینگونه که مردم کافر شده اند. ابوسعید گفت: گناه من چیست

امر الناس بخمس فعملوا با ربع و ترکوا واحده؛ قال له رجل یا اباسعید ماهذه الاربع التي عملوا بها؛ قال: الصلاه والزكاة والحج والصوم قال: فما الواحدة التي ترکوها؟ قال ولایه علی ابن ابی طالب قال: و انها مفترضه معهن؟ قال: نعم قال: فقد كفر الناس قال: فما ذنبی (۱)

جناب اموی وهابی؛ جواب شبهه شما، درباره آیه ۷۴ سوره فرقان

واجعلنا للمتقين اماماً؛ در سوره مبارکه فتح آیه ۲۶ آمده است و الزمهم کلمه التقوی و كانوا احق بها و اهلها

و خداوند مومنان را به حقیقت تقوا ملزم ساخت و آنان از هر کس شایسته تر و اهل آن بودند؛ در تفاسیر شیعه و سنی آمده که مولا علی کلمه و حقیقت تقوا است که متقین ملزم شده اند و بر آنان واجب شده که از او (علی) تبعیت کنند؛ یعنی این آیه واجب بودن امامت مولا علی و معنای امام المتقین در سوره فرقان آیه ۷۴ را، روشن می کند.

مولا- علی علیه السلام خطاب به گروه مهاجر و انصار فرمود: آیا در میان شما کسی هست که پیامبر اکرم درباره او فرموده باشد: ای علی تو امام کسی هستی که مرا فرمان برد و روشنی دوستان منی و همان کلمه ای هستی که متقیان به آن پیوسته همراه اند نشدتکم بالله هل فیکم احد قال له رسول الله: انت امام من اطاعنی و نور اولیائی و الکلمه التي الزمتها المتقین غیری؟ (۲)

ص: ۴۴۲

-
- ۱- ۱. مناقب علی ابن ابی طالب، اثر، ابوبکر احمد بن موسی (ابن مردویه) ص ۷۲ و ص ۷۳ ج ۱، خطط الشام ج ۶ ص ۲۴۵ باب الشیعه، محمد بن عبدالرزاق بن محمد کردعلی _ (سایت مکتبه شامله) ذهبی از ابن مردویه در تذکره الحفاظ ج ۳ ص ۱۶۹ ش ۹۶۵؛ بعنوان حافظ، علامه، صاحب تفسیر و تاریخ یاد کرده است. ابن مردویه الحفاظ الثبت العلامه
 - ۲- ۲. (العلل متناهیة ج ۱ ص ۲۳۹ _ اللالی المصنوعه ج ۱ ص ۳۳۲) خصال صدوق ص ۸۳۰ ال ص ۸۴۶ ج ۲؛ المناقب خوارزمی حنفی ح ۲۹۹؛ مناقب ابن مغزلی شافعی ح ۶۹ ص ۹۳ و ص ۹۴؛ مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۱۸۵؛ تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۲۹۱ و ص ۲۷۰؛ ینابیع الموده قندوزی حنفی ج ۱ ص ۲۳۴ و ص ۴۰۱ و ص ۲۳۸ و ج ۲ ص ۴۸۵؛ حلیه الاولیاء ابونعیم ج ۱ ص ۶۷؛ فرائد السمطین حموئی شافعی ج ۱ ص ۲۴۴

جناب وهابی، اتفاقاً آیه ۸۴ الی ۸۶ سوره مبارکه انعام در مدح و دلیل برتری ائمه هدی شیعه بر تمام، پیامبران غیر از رسول اسلام است؛ در مناظره ای که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام با هارون الرشید ملعون داشت امام هفتم علیه السلام فرمود: ای هارون، پدر حضرت عیسی کیست؟ گفت: عیسی پدر ندارد؛ گفتم: پس ما او را از طریق مریم علیه السلام به سایر فرزندان پیامبران ملحق کردیم و به همین ترتیب ما نیز از طریق مادرمان فاطمه به نسل رسول خدا، ملحق می شویم، بعد امام هفتم، آیه مباهله را برای او دلیل آوردند، که امام حسن و امام حسین، فرزندان و پسران رسول خدا هستند و علی ابن ابی طالب نفس پیامبر است

لیس لعیسی اب فقلت انما الحقناه بذراری الانبیاء من طریق مریم و كذلك الحقناه بذراری النبی من قبل اُمنّا فاطمه علیها السلام ... ولم يدع احد انه ادخله النبی تحت الکساء عند المباهله للنصاری الا علی ابن ابی طالب و فاطمه و الحسن و الحسین فكان تاویل قوله تعالی ابناء نا الحسن و الحسین و نساء نا فاطمه و انفسنا علی ابن ابی طالب (۱).

چون ائمه طاهرین غیر از مولا- علی که نفس پیامبر و داماد اوست بقیه ائمه ذریه طاهر و خاص پیامبر اسلام هستند، بر تمام خلائق و انبیاء غیر از رسول اسلام افضل و برتر می باشند - امام باقر فرمود: ما بر مردم برتری داریم چون ما ذریه پیامبر اسلام هستیم و اهل بیت آن حضرتیم و در این مسئله هیچ کس با ما شریک نمی باشد

فلنا فضل علی الناس لا ناذریه محمد و اهل بیته خاصه و عترته لایشرکنا فی ذلک غیرنا - (۲)؛ قال الصادق: فنحن ذریه رسول الله - بشاره المصطفی؟ (۳)

چون ائمه هدی غیر از مولا علی که داماد پیامبر اسلام است جدشان چون نبی اکرم بوده و خلیفه و جانشین او بودند و آنان هم جزء آیه تطهیر هستند و از گوشت و خون پیامبر اسلام از جهت معنوی هستند، بر تمام پیامبران غیر از رسول خدا، افضل

ص: ۴۴۳

۱- ۱. عیون الاخبار الرضا ج ۱ ص ۷۰ و ص ۷۱

۲- ۲. بشاره المصطفی ص ۲۴۹

۳- ۳. الدین طبری ص ۳۵۹.

هستند، روزی رسول خدا، امام حسن را بر دوش راست خود و امام حسین را بر دوش چپ خود نهاد و سپس فرمود: ای مردم آیا شما را از کسی که بهترین جد و جده، را دارد آگاه نسازم؟ آیا شما را از کسی که بهترین عمو و عمّه را دارد آگاه نسازم؟ آیا شما را از کسی که بهترین دایی و خاله را دارد آگاه نسازم؟ آیا شما را از کسی که بهترین پدر و مادر را دارد آگاه نسازم؟ آن دو، حسن و حسین هستند، جدشان پیامبر خدا، جده شان، خدیجه کبری، مادرشان فاطمه دختر پیامبر خدا، پدرشان علی ابن ابی طالب، عمویشان، جعفر طیار، عمه شان ام هانی، دایی شان قاسم پسر پیامبر و خاله هایشان زینب و رقیه و ام کلثوم، دختران پیامبر خدا هستند که همگی در بهشت می باشند (۱).

ایها الناس الاخبرکم بخیر الناس جداً و جده؟ ... هما الحسن و الحسین جدھما رسول اللہ ... فلیتول علی ابن ابی طالب... ولیسلم للاوصیاء من بعده فانھم عترتی من لحمی و دمی اعطاهم اللہ فھمی و علمی _ (۲) _ اللھم هولاء اھل بیتی و لحمی ... انما انزلت فی وفی اخی و فی ابنتی فاطمہ و فی ابنی و فی تسعہ من ولدالحسین خاصہ... (۳)

جناب وهابی؛ آیا پیامبران الهی، غیر از رسول اسلام، جدی همانند نبی اسلام داشتند؟

ولی اهل بیت مطهر پیامبر، جدی همانند رسول اسلام داشتند که از گوشت و خون او هستند و وارث و خلیفه او می باشند؛ پس پیامبران مکرم الهی غیر از رسول اسلام؛ نمی توانند از ائمه طاهرین؛ افضل باشند در مناظره ای که سיעدبن جبیر با حجاج بن یوسف ثقفی ملعون در این باره داشت به او گفت: در صورتی که حضرت عیسی علیه السلام با اینکه پدر، ندارد بلکه پسر دختر ابراهیم است با فاصله دوری که از حضرت ابراهیم دارد؛ ذریه او محسوب می شود؛ پس امام حسن و امام حسین با فاصله نزدیکی که با رسول خدا، دارند سزاوارترند به رسول خدا، منسوب گردند (۴) _ ان کان عیسی من

ص: ۴۴۴

۱- ۱. المعجم الکبیر طبرانی ج ۳ ص ۶۶ ح ۲۶۸۲

۲- ۲. بحار الانوار ج ۴۴ ص ۲۵۹ ح ۱۰

۳- ۳. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۳۰۹

۴- ۴. مقتل الحسین خوارزمی حنفی ج ۱ ص ۸۹

ذریه ابراهیم ولم یکن له اب بل کان ابن بنت فنسب الیه علی بعده فالحسن و الحسین اولی ان ینسبا الی رسول الله لقریبهما منه

امام فخر رازی صاحب تفسیر الکبیر می نویسد: آیه ۸۴ سوره انعام دلالت دارد بر اینکه حسن و حسین از ذریه پیامبر می باشند زیرا، خداوند عیسی را از ذریه ابراهیم شمرده است؛ با اینکه حضرت عیسی تنها از طرف مادر به او ملحق می شود (۱)۔ المسالہ الخامسه: الایه تدل علی ان الحسن و الحسین من ذریه رسول الله (سایت اسلام ویب وهابی ها) روایات زیادی در منابع روائی اهل سنت آمده که رسول خدا، امام حسن و امام حسین؛ را، سید؛ سرور، گل خوش بوی خودش در دنیا و آخرت، فرزند و پسر خودش سرور جوانان اهل بهشت نامیده است و به شدت به آنان علاقه داشته و حتی نماز واجب جماعت خودش را برای اینکه آنان در سن طفولیت از دوش او بالا می رفتند طولانی می کرده است.

جناب وهابی اموی، آیا پیامبران الهی غیر از رسول اسلام، جدی همانند پیامبر اسلام داشتند؟ آیا علاقه و محبت رسول اسلام به امام حسن و امام حسین بیشتر بوده یا به تمام پیامبران؟! رسول خدا فرمود: پسر من حسن و سید و سالار و سرور است ان ابنی هذا سید (۲)

رسول اکرم فرمود: فرزندان حضرت فاطمه، فرزندان من هستند و من پدر و عصبه آنان هستم

ص: ۴۴۵

۱- ۱. تفسیر الکبیر رازی ج ۱۳ ص ۶۶

۲- ۲. صحیح بخاری ج ۲ ح ۲۵۵۷ _ ان ابنی هذا سید یعنی: الحسن بن علی _ سنن الکبری بیهقی ج ۷ مساله ۱۳۰۲۰ ص ۶۳
ج ۶ ح ۱۱۵۹۳ ص ۱۶۶ و مساله ۱۶۱۹۹؛ المستدرک حاکم نیشابوری ج ۴ ص ۱۶۹ ش ۴۸۶۲ و ۴۸۶۳ معجم الاوسط طبرانی ج ۲ ص ۳۲۰ ح ۱۵۵۴ و ج ۲ ص ۴۸۲ ح ۱۸۳۱ و مساله ۳۰۷۴؛ معجم الصغیر طبرانی ج ۱ ص ۲۷۱ ح ۷۳۴؛ المعجم الکبیر طبرانی مساله ۲۵۸۸ و مساله ۲۵۹۰ _ انه ریحاتی من الدنیا، ان ابنی هذا سید، المعجم الکبیر ص ۳۴ ج ۳ ش ۲۵۹۱ و مساله ۲۵۹۲ و ۲۵۹۳؛ التلخیص الحبیر ج ۳ ح ۱۵۷۴ ص ۲۹۸ الکنانی؛ سنن ابی داود ح ۴۶۶۲ سنن نسائی مساله ۱۴۱۰؛ فتح الباری ابن حجر ح ۲۵۵۷؛ مجمع الزوائد هیثمی مساله ۱۵۰۳۱، مسند احمد حنبل ج ۵ ح ۱۹۸۷۹؛ البحر الزاخر (مسند البزار) ج ۹ ح ۳۶۵۶
المصنف ابن ابی شیبہ ج ۷ مساله ۴۷۲۹ ص ۵۱۲؛ مصنف عبدالرزاق صنعانی مساله ۲۰۹۸۱؛ الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنه و ابوهما خیر منهما _ مجمع الزوائد ح ۱۵۰۸۸ _ سنن ترمذی ص ۹۸۹ ح ۳۷۷۹؛ اسدالغابه ج ۲ ص ۱۹؛ اصباغه ج ۲ ص ۶۸؛ کنز العمال ج ۱۲ ص ۱۱۳ ح ۳۴۲۵۲؛ تاریخ دمشق ج ۱۳ ص ۲۰۲

ما خلاء بنی فاطمه فانی انا ابوهم و انا عصبتهم (۱)

لکل بنی انشی عصبه یتمون الیه الاولاد فاطمه؛ فانا ولیهم و انا عصبتهم ابن کثیر در تفسیر القرآن ج ۳ ص ۲۹۸ ذیل آیه سوره انعام می نویسد: امام حسن و امام حسین داخل در فرزندان و پسران رسول خدا هستند؛ (۲)

فسماه ابنا فدل علی دخوله فی الابناء؛ (۳)

هنگامی که مولا علی در یکی از روزهای جنگ صفین مشاهده کرد که فرزندش امام حسن، شتابان بسوی جنگ در حرکت است خطاب به اصحاب و یاران خود فرمود: این جوان را به شدت بگیرید و نگاهش دارید تا مرگ او، مرا درهم نکوبد، برآستی که من نسبت به این دو، یعنی امام حسن و حسین در مورد مرگ بخل ورزم تا نسل رسول خدا، منقطع و بریده نشود (۴)

فانی انفس بهذین یعنی الحسن و الحسین علی الموت؛ لثلا ینقطع بهما نسل رسول الله،

امام رضا علیه السلام به مامون لعین فرمود: ما بر همه پیغمبران و اهل زمانه خود برتری یافتیم هر پیغمبری در روزگار خود بهتر از امت خود می باشد؛ زیرا که حکیم تقدیم مفضول نکند بر فاضل چونکه این در حکمت زشت می باشد و اگر در یک روزگار، دو پیغمبر باشند ایشان هم بر یکدیگر برتر می باشند؛ چنانچه ابراهیم و لوط در یک روزگار بودند و ابراهیم فاضلتر بود از لوط، پس مراد آن است که ما هر یکی از ایشان تفضیل نهادیم بر امت ایشان (۵)

جناب وهابی، آیه ۸۶ سوره انعام می فرماید: ما این پیامبران را بر عالمیان و

ص: ۴۴۶

-
- ۱- ۱. صواعق المحرقة ابن حجر ص ۱۵۶ باب ۱۱ فصل اول آیه ۹ الاتحاف بحب الاشراف ص ۱۹ احیاء المیت سیوطی ص ۳۰، مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۷۹، معجم الکبیر ج ۳ ص ۴۴، کنز العمال ج ۱۲ ص ۱۱۴ فیض القدیر ج ۵ ص ۲۲؛ تفسیر کبیر ج ۱۳ ص ۶۶؛ تاریخ دمشق ج ۳۶ ص ۳۱۳، رشفه الصادی ص ۷۷ - مجمع الزوائد مساله ۷۱۴۱
 - ۲- ۲. تفسیر ابن کثیر ج ۲ ص ۱۳۵
 - ۳- ۳. تفسیر روح البیان بروسوی (اسماعیل حقی) ج ۳ ص ۶۱ و ج ۵ ص ۱۸۷؛
 - ۴- ۴. نهج البلاغه کلام ۱۹۸ ص ۶۶۰ و صبحی صالحی کلام ۲۹۷ ص ۳۲۳
 - ۵- ۵. بحار الانوار ج ۲۵ ص ۲۳۲ با اندک اختلاف، اثبات ولایت امیرالمومنین از قرآن و سنت (نوشته عبدالصمد ساکی چاپ طوبای محبت قم) ص ۴۹۷،

جهانیان برتری دادیم نگفته که ما این پیامبران را بر آل محمد و اهل بیت مطهر پیامبر برتری دادیم؟! قرآن کریم در سوره تحریم آیه ۱۱ درباره همسر فرعون؛ آسیه که به حضرت موسی ایمان آورد؛ مثال زده برای اهل ایمان سوال؟ جناب وهابی چون خداوند برای کل اهل ایمان، ایمان حضرت آسیه همسر فرعون را مثال زده، دلیل می شود که آسیه بر تمام اهل ایمان برتری دارد؟! چون خداوند از باب ایمان او به موسی و استقامت او در راه خدا برای کل اهل ایمان مثال زده و از کل مومنین و مومنات برای نمونه و الگو برداری نام او را ذکر کرده؟! چون پیامبران نمونه بارز اهل ایمان هستند، پس این آیه ۱۱ سوره تحریم دلیل نمی شود که آسیه که پیامبر نیست بر پیامبران فاضل و برتر باشد {ضرب الله مثلاً للذین امنوا امرات فرعون {پیامبران الهی بطور کل بر مردم عادی زمان خود و زمان ما و کل اعصار و قرون برتر هستند یعنی انبیاء بر مردم عادی و اجنه و فرشتگان و آن پیامبرانی که بر آنان برتر نیستند برتری دارند چون همه پیامبران دارای یک رتبه و درجه و مقام نیستند، ولی پیامبران غیر از رسول اسلام در هیچ زمانی بر ائمه ۱۲ گانه شیعه و حضرت فاطمه زهراء، برتر نمی باشند، چون حضرت فاطمه زهراء، جزء آیه تطهیر می باشد و انبیاء چون حضرت آدم به او متوسل شده و ایشان مادر ۱۱ امام معصوم می باشد و از نور مقدس الهی آفریده شده قبل از خلقت مخلوقات همراه با نبی اکرم و ائمه هدی که روایاتش در صفحات قبل از دیدگان شما گذشت؛ امام باقر علیه السلام فرمود: اطاعت و پیروی از حضرت زهرا بر همه مخلوقات از جن ها و انسان ها، پرندگان، حیوانات، انبیاء و فرشتگان واجب است

ولقد كانت طاعتها مفروضة على جميع من خلق الله من الجن والانس والطير والبهائم والانبیاء والملائكة (۱)

از جمله دلایل افضلیت حضرت فاطمه زهرا بر پیامبران بغیر از بر رسول اسلام این است که اگر خداوند مولا علی را خلق نمی کرد، هم کفو از تمام خلایق برای ازدواج با او پیدا نمی شد یعنی ایشان هم شان مولا علی هست فقط در امر امامت

ص: ۴۴۷

الهی از ایشان برتر نمی باشد

لولا ان خلق الله اميرالمومنين لفاطمه لم يكن لها كفو من آدم فمن دونه _ (۱)؛ ولولا على ما كان لفاطمه كفوا بدأ (۲)، يا احمد لولاك لما خلقت الافلاك ولولا على لما خلقتك ولولا فاطمه لما خلقتكما (۳)

ممکن است برای خواننده این سوال مطرح شود آیا ائمه ۱۲ گانه شیعه همه دارای یک مرتبه و مقام و درجه هستند یا نه؟! همین سوال از امام صادق علیه السلام شده ایشان فرمود: فضیلت اولین ما، امامان به فضیلت آخرین ما، پیونده خورده و فضیلت آخرین ما، بافضیلت اولین ما، پیوستگی دارد هر یک از ما، دارای فضلی است، امام صادق فرمود: ما از شجره ای هستیم که خدا ما را از یک طینت آفریده، فضیلت و برتری ما از جانب خداست؛ علم و دانش ما، نیز از نزد اوست؛ ما امنای خداوند بر خلقش هستیم و دعوت کنندگان به دین او و حاجب و واسطه میان او و خلق اوئیم. خلقت ما یکسان، دانش ما یکسان و فضیلت ما نیز یکسان است و همگی نزد خدای عزوجل یکی هستیم

ان فضل اولنا يلحق فضل آخرنا و فضل آخرنا يلحق فضل اولنا فكل له فضل... خلقنا واحد و علمنا واحد و فضلنا واحد و كلنا واحد عندالله الغيبه، (۴)

مولا علی فرمود: ما افضل و برتر از تمام مخلوقین و آفریده های خداوند هستیم، انبیاء هم جزء مخلوقین هستند، ۱۴ معصوم از تمام آنان برتر و افضل هستند (۵)... فنحن افضل المخلوقین

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ج ۷ ص ۳۳۹ ذیل آیه ۸۶ سوره انعام،

ص: ۴۴۸

۱- ۱. مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۲۹، بحارالانوار ج ۴۳ ص ۹۲ ح ۳ و ص ۱۰۷ ح ۲۲ جنه العاصمه آیت الله میرجهانی اصفهانی ص ۳۶۳

۲- ۲. بشاره المصطفی ص ۲۲۰ بحار ج ۴۳ ص ۵۷

۳- ۳. به نقل از کتاب کشف اللالی، جنه العاصمه میرجهانی ص ۳۶۴؛

۴- ۴. کاتب نعمانی باب ۴ ص ۱۱۶ الی ص ۱۱۸ ح ۳۷ ش ۱۶

۵- ۵. بحارالانوار ج ۵۷ ص ۲۱۴؛ اثبات الوصیه مسعودی شافعی ص ۱۰ تاج الدین سبکی، نام مسعودی را در زمره علمای شافعی آورده و او را مورخ و صاحب فتوا و علامه می داند _ طبقات الشافعیه الکبری ج ۳ ص ۴۵۶، شذرات الذهب ج ۲ ص ۳۷۱؛ الانس الجلیل بتاریخ القدس و الخلیل ج ۱ ص ۱۱ _ علی بن الحسین بن علی المسعودی صاحب التواریخ کتاب مروج الذهب

مطالب جالبی دارد می نویسد: و اما اینکه فرمود: {و کلا فضلنا علی العالمین} معنای عالم، جماعتی از مردم است، مثلاً گفته می شود عالم عرب و عالم عجم و عالم روم و معنای برتری دادن و بر عالمین، مقدم داشتن به حسب مقام و منزلت است، ... ممکن هم هست برتری دادن آنان از این باب بوده که این طائفه یعنی طائفه انبیاء در میان سلسله بنی نوع بشر چه گذشتگان و چه آیندگان این امتیاز را داشته اند که هدایتشان برخلاف سایر افراد بشر، فطری بوده و به راهنمایی کسی هدایت نشده اند...

پس نامبردگان در آیه و همچنین انبیای گذشته و آینده بعد از ایشان روی هم مجتمعی هستند که بر سایر مجتمعات بشری فضیلت خدایی دارند... اگر غیر از سلسله انبیاء کسان دیگری هم از قبیل ملائکه و یا ائمه معصومین یافت شوند که هدایتشان فطری و غیراکتسابی باشد قهراً آن افراد نیز بر سایر افراد بشر همان فضیلت را خواهند داشت؛ در اینجا باید دانست که در ذکر اسمای هفده نفر از انبیاء در این سه آیه رعایت ترتیب نشده نه از جهت زمان و نه از جهت مقام و منزلت، برای اینکه می بینیم انبیای بعد از اسماعیل را قبل از وی ذکر نموده و همچنین عده ای از انبیاء را بر نوح موسی و عیسی که به نص؟ قرآن افضل از آنهاست مقدم داشته است؛ جناب وهابی بخاطر اینکه خود را از بن بست بی جوابی نجات دهد می گوید: خداوند رب العالمین است آیا آیه الحمد لله رب العالمین مخصوص همان عالمیان زمان نزول آیه بوده یا بطور مطلق و ابدی است!!؟

جناب وهابی این آیه چه ربطی به آیه ۸۶ سوره انعام دارد؟ حمد و ستایش مخصوص ذات اقدس خداوند عالمیان است؛ خداوند رب و پرورش دهنده کل موجودات و کل عالم هستی است، ثانیاً چرا ذات اقدس بی مانند و بی مثال احدیت را با مخلوقاتش مقایسه می کنی؟! انبیاء اگر فضلی داشته و دارند از فضل و کرم الهی بوده،

ثالثاً نام هفده پیامبر الهی در آیه ۸۴ الی ۸۶ سوره انعام ذکر شده آیا فقط و فقط این ۱۷ پیامبر عظیم الشان بر کل خلایق و انبیاء دیگر، افضل هستند و بقیه هیچ فضل و کراماتی ندارند؟! رابعاً: پس شما جناب وهابی، با این دو آیه (۸۴ و ۸۶ سوره

انعام) برتری خاتم الانبیاء و رحمت للعالمین حضرت محمد صلی الله علیه و آله را، برای همیشه نفی می کنی و زیر سوال می بری چون ابداً در این دو آیه ذکری از حضرت رسول اسلام نشده؟! جناب وهابی، کجای آیه ۸۶ سوره انعام آمده که علی الطلاق (بطور مطلق و ابدی) جماعت پیامبران بر تمام خلائق خصوصاً بر آل محمد افضل هستند؟! اگر باز بر حرف پوچ خودت لجاجت بورزی من باز از تو سوال می کنم پس بُت پرستان و گوساله پرستان قوم بنی اسرائیل که در سوره اعراف آیه ۱۴۰ می فرماید آنان را بر عالمیان برتری دادیم بطور مطلق بقول تفسیر به رای خودت برای همیشه از تمام جهانیان افضل هستند و با این حساب نعوذ بالله با پیامبران هم درجه می باشند

قال اغیر الله ابغیکم الها و هو فضلکم علی العالمین

با این تفسیر جاهلانه جناب وهابی امت اسلام و امت پیامبر اسلام و رسول اسلام، برای همیشه از قوم یهود و بنی اسرائیل تنزل پیدا می کنند، پس همه باید برویم گوساله پرست بشویم، چون آیه ۱۴۰ سوره اعراف می گوید: ما این گوساله پرستان را بر عالمیان برتری دادیم، این مطلب را هم تذکر دهم، همانطور که رسول اسلام فقط در مقام نبوت خاتم الانبیایی از مولا علی بالاتر می باشد و در سایر فضائل طبق آیه مباحله با هم یکسان می باشند مولا- علی در میان ۱۲ امام معصوم در مقام امیرالمومنین از ۱۱ امام معصوم دیگر افضل می باشد، امام باقر علیه السلام فرمود: علی علیه السلام اولین امام از ما خاندان عصمت می باشد و افضل و برتر از ماست بعد از نبی اکرم

و علی اولنا و افضلنا و خیرنا بعد النبی _ الحسن و الحسین خیر اهل الارض بعدی و بعد ابیهما (۱)

رسول خدا فرمود: پس از من و علی، دو فرزندم حسن و حسین بهترین افراد اهل زمین هستند؛ الحسن الحسین سیداشباب اهل الجنة و ابوهما خیر منهما (۲)

ابن عمر از رسول خدا روایات می کند که فرمود: حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند و پدر آنان علی از آنان بهتر است؛ (۳)

ص: ۴۵۰

-
- ۱- ۱. بحار الانوار ج ۳۹ ص ۹۱ بحار ج ۳۵ ص ۴۳۳، عیون الاخبار الرضاء ج ۱ ص ۶۷ طبق سایت مکتبه فقاهاست _ عیون الاخبار ج ۲ ص ۴۶ باب ۳۱ ح ۲۵۲
 - ۲- ۲. سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۴ ح ۱۱۸
 - ۳- ۳. (طبق سایت مکتبه شامله) _ حکم آلبانی _ صحیح مستدرک حاکم ج ۴ ح ۴۸۳۱ مساله ۱۸۸۲

فبشرنی ان الحسن و الحسین سیداشباب اهل الجنه و ابوہما افضل منہما (۱)

دشمنان اهل بیت در خلال این روایت صحیح و شریف تحریفاتی انجام داده اند نوشته اند حسن و حسین سرور جوانان اهل بہشت هستند مگر دو فرزند خالہ، یحیی و عیسی الابنی الخالہ یحیی و عیسی (۲)

این روایت دچار اشکال سندی می باشد؛ در سند این حدیث، اسباط بن نصر وجود دارد کہ مورد قدح و سرزنش بسیاری از رجالین عامہ است؛ ابو حاتم می گوید: از ابونعیم شنیدم کہ او را تضعیف می کرد، نسایی می گوید: او قوی نیست، ابن معین او را چیزی بہ حساب نیارده، ابن حجر او را کثیر الخطاء معرفی کرده، احمد بن حنبل گفت: من از حدیث او دربارہ هیچ کس چیزی ننوشتم، ذہبی او را در جملہ ضعفا آورده است، راوی دیگر این حدیث حکم بن عبدالرحمان وجود دارد کہ برخی از علمای رجال اهل سنت او را تضعیف کرده اند، ابن معین او را تضعیف کرده و ابن حجر او را بد حافظہ معرفی نموده است. (۳)

حاکم نیشابوری در المستدرک ح ۴۸۳۲، این روایت را بدون تحریف و زیادی حدیث الابنی الخالہ نقل کرده و آنرا صحیح دانستہ، ثانیاً اگر حدیث تحریف شدہ امویان را بخواہیم بپذیریم کہ گفته اند حسن و حسین سید جوانان اهل بہشتند مگر بر دو نفر عیسی و یحیی، مقام نبی اکرم باز زیر سوال می رود چون تمام پیامبران و اولیاء و مومنان جوان وارد بہشت می شوند و اگر عیسی و یحیی سید جوانان اهل بہشت باشند؛ پیامبر زیر سوال می رود مقام و منزلتش چون ایشان ہم جوان وارد بہشت می شوند و آنوقت نعوذ باللہ عیسی و یحیی بر او سرور می شوند، حال ممکن است جناب و ہابی بگوید، پس حسن و حسین با وجود پیامبر اسلام، سرور جوانان

ص: ۴۵۱

۱- ۱. مجمع الزوائد ابوبکر ہیشمی مسالہ ۱۵۰۸۷، کتاب المناقب باب فیما اشتراک فیہ الحسن و الحسین رضی اللہ عنہما من الفضل و مسالہ ۱۵۰۸۸ و مسالہ ۱۵۰۸۹؛ المعجم الاوسط طبرانی ج ۷ ح ۶۵۳۶ ص ۲۷۷، معجم الکبیر طبرانی ج ۳ ح ۲۶۷۵ ص ۵۸ تاریخ بغداد ج ۱ ص ۱۴۰

۲- ۲. المعجم الکبیر ج ۳ ص ۳۵، مستدرک حاکم ج ۴ ح ۴۸۳۱

۳- ۳. تہذیب التہذیب ج ۱ ص ۲۱۲، تقریب التہذیب ص ۵۳؛ العلل و معرفہ الرجال ص ۲۴۸، المغنی فی الضعفاء ج ۱ ص ۶۶، دیوان الضعفاء و المتروکین ص ۱۶؛ الجرح و التعذیل ابن ابی حاتم ج ۱ ص ۱۲۳، تہذیب التہذیب ج ۲ ص ۴۳۱؛ تقریب التہذیب ج ۱ ص ۱۹۱

اهل بهشتند؟! امام حسن و امام حسين بعد از نبي اکرم و مولا علي سرور جوانان اهل بهشت مي باشند، چون در ادامه روايت آمده، پدر آنان علي ابن ابي طالب بهتر از آنان است و طبق آيه مباحله مقام علي و رسول خدا با هم برابر هست، نبي اکرم فرمود: من سرور و سيد اولين و آخرين هستم و تو اي علي سيد خلائق بعد از من هستي (نخستين ما چهارده معصوم از نظر مقام همانند آخرين ما و آخرين ما، همچون نخستين ماست

انا سيد الاولين و الاخرين و انت يا علي سيد الخلائق بعدى اولنا كاخرنا و آخرنا كاولنا(۱)

نبي اکرم فرمود: علي ابن ابي طالب، بالاترين و افضل ترين خلق خداست جزء بر من و حسن و حسين سرور جوانان اهل بهشت مي باشند و پدرشان علي از آن دو بهتر است

ان علي ابن ابي طالب افضل خلق الله غيري ... (۲)

رسول خدا، نگاهی به مولا علي کرد و فرمود: علي بهترين اولين و آخرين از اهل آسمانها و اهل زمين است

نظر النبي الي علي ابن ابي طالب فقال: هذا خير الاولين و خير الاخرين من اهل السماوات و اهل الارضين (۳)

حضرت آدم به خداوند عرضه داشت آیا بهتر از من کسی را آفریدی؟ خداوند فرمود به ساق عرش نگاه کن وقتی نگاه کرد، نام ۵ تن آل عبا را مشاهده کرد آدم گفت: خدایا اینان از ذریه من هستند؟ خداوند فرمود از فرزندان تو هستند و از تو و از جميع خلائق برترند و اگر آنها نبودند دنیا را نمی آفریدم _

من ذريتک و هم خير منک من جميع خلقی (۴)

قال رسول الله: فضلني علي جميع النبيين و المرسلين و الفضل بعدى لك يا علي و للائمة من بعدك _ نبي اکرم فرمود: من از تمام پیامبران برترم و بعد از من،

ص: ۴۵۲

۱- ۱. مائه منقبه ابن شاذان ح ۱

۲- ۲. مائه منقبه ح ۲

۳- ۳. مائه منقبه ح ۵۵

۴- ۴. بحار الانوار ج ۱۶ ص ۱۶۲

برتری و افضلیت از تو و امامان از نسل تو (۱) زمانی که خداوند در شب معراج اسامی ائمه ۱۲ گانه را برای نبی اکرم معرفی نمود، فرمود: ای محمد، ایشان جانشینان تو و بهترین مخلوقات من بعد از تو هستند (۲).

و هم اوصیائک و خلفاوک و خیر خلقی بعدک (۳)

و لکن امرنی بالمباهله مع هولاء و هم افضل الخلق؛ وقتی حضرت آدم اشباح نورانی اهل بیت را دید، از خداوند سوال کرد، این اشباح چیست؟ خداوند فرمود: این اشباح بهترین خلق و آفریدگانم _ اشباح افضل خلایقی و بریاتی (۴)

و هولاء خیار خلقی و کرایم بریتی (۵)

نبی اکرم فرمود: ای علی من و تو و امامان از فرزندان تو سادات و سروران در دنیا و پادشاه در آخرت هستیم

انا و انت و الائمه من ولدک سادات فی الدنیا و ملوک فی الاخره (۶)

نبی اکرم فرمود: علی ابن ابی طالب در میان مردم از پیامبران اولی تر و افضل تر می باشد _ و اولی الناس بالنیین (۷)

نبی اکرم فرمود: حضرت آدم در روز قیامت به فرزندش شیث افتخار و مباهات می کند و من به علی ابن ابی طالب افتخار می کنم

یفتخر یوم القیامه آدم با بنه شیث و افتخر انا بعلی بن ابی طالب (۸)

اما پاسخ دهم به شبهات، اشکالات و مغلطه های جناب وهابی اموی مسلک درباره غدیر خم و آیاتی که در باب امامت مولا علی در غدیر خم نازل شده و دلیل برخلافت و امامت الهی او می باشد، اشکال اول جناب وهابی: بر اساس دلیل و منهج و

ص: ۴۵۳

۱- ۱. علل الشرایع شیخ صدوق ج ۱ ص ۴۲ و ص ۴۳ باب ۷ ح اول

۲- ۲. علل الشرایع ج ۱ ص ۴۶ ح ۱

۳- ۳. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج ۳ ص ۳۷۷ و ج ۲ ص ۲۶۶ _

۴- ۴. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج ۲ ص ۱۱۴

۵- ۵. ینابیع الموده ج ۲ ص ۱۱۵،

۶- ۶. ینابیع الموده ج ۲ ص ۲۶۸

۷- ۷. بحار الانوار ج ۳۷ ص ۲۵۷

۸- ۸. بحار الانوار ج ۳۹ ص ۴۹

روش تفسیری خود شیعه ثابت کن که آیه ابلاغ (آیه ۶۷ سوره مائده و آیه اکمال، آیه ۳ سوره مائده) و بحث غدیر خم درباره امامت و خلافت الهی، علی ابن ابی طالب علیه السلام می باشد؟!!!

اما جواب: تمامی علمای مکتب امامیه و شیعه بر این امر اتفاق قول و نظر دارند که آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده در غدیر خم درباره امامت علی ابن ابی طالب نازل شده است، به برخی از روایات صحیح السند شیعه بطور مختصر اشاره می شود؛ امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند به پیامبر خود، دستور داد به ولایت و امامت علی ابن ابی طالب و آیه ۵۵ سوره مائده را به او نازل کرد و خداوند ولایت صاحبان امر، را واجب کرد و مردم ندانستن اولوالامر کیست و ولایت چیست؟ خداوند به حضرت محمد دستور داد برای آنها تفسیر کند ولایت را همانطور که نماز، روزه، زکاه و حج را تفسیر کرده بود، چون این فرمان از طرف خدا برایش آمده دلش طپیده و ترسید که مردم از دین برگردند و او را تکذیب کنند و دل تنگ شد و به خدا رجوع کرد، خدا به پیامبر اسلام وحی کرد، ای رسول من تبلیغ کن آنچه را به تو نازل شده از پروردگارت اگر نکنی تبلیغ رسالت او نکردی، خداوند تو را از مردم حفظ می کند و پیامبر خدا امر خدای تعالی را اعلام کرد و در روز غدیر خم، قیام کرد برای انجام ولایت علی (۱)

فاوحی الله عزوجل الیه: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس فصدع بامر الله تعالی ذکره فقام بولایه علی یوم غدیر (۲)

قول الله تعالی: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک... قال: هی الولایه (۳)

فنزلت یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک ... فاخذ رسول الله بید علی علیه السلام یا معشر المسلمین هذا ولیکم من بعدی فلیبلغ الشاهد منکم الغائب (۴)

نزل علیه جبرئیل فقال: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک ... فنادی الناس فاجتمعوا ... ثم قال: یا ایها الناس من ولیکم و اولی بکم من انفسکم فقالوا الله و رسوله فقال من کنت مولاه فعلی مولاه

ص: ۴۵۴

۱-۱. اصول کافی، کلینی ج ۱ ص ۲۸۹ ح ۴

۲-۲. بصائر الدرجات ص ۵۱۶ و ص ۵۱۷

۳-۳. اصول کافی ج ۱ ص ۲۹۰ و ص ۲۹۱

۴-۴. اصول کافی ج ۱ ص ۲۹۳ الی ص ۲۹۶

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا، زمانی که از حج الوداع بازگشت آیه ۶۷ سوره مائده بر او نازل شد، پس ندا داد، مردم جمع شوند و امر نمودند زیر درختان خار، را جاروب کردند و خارهای آن را بر گرفتند، سپس فرمود: ای مردم سرپرست شما و سزاوار تر از خود شما به شما کیست؟ گفتند: خدا و پیامبرش فرمود: هر که من سرپرست او هستم پس علی مولا و سرپرست اوست، (۱) خداوند به نبی اکرم وحی نمود که من هیچ پیامبری مبعوث نکردم مگر اینکه برای او وزیر و جانشینی قرار دادم به راستی که تو فرستاده من هستی و علی وزیر توست. پیامبر خدا در شب معراج از آسمان به زمین فرود آمد اما دلش نمی خواست که مردم را آگاه سازد از آن جهت که ناخوش داشت او را متهم به دروغگویی کنند زیرا مردم تازه از دوران جاهلیت رها شده بودند تا اینکه ۶ سال گذشت پس خداوند آیه ۱۲ سوره هود را نازل کرد، پس شاید برخی از آنچه که بر تو وحی شده را ترک نمایی اما دلتنگ شده باشی تا اینکه آیه ۶۷ سوره مائده بر نبی اسلام نازل شد در این هنگام پیامبر خدا فرمود: این تهدید بعد از وعید است امر خدا را اجرا خواهم کرد؛ پس اگر مرا متهم نمودند و دروغگو خواندند برایم راحت تر است که خداوند مرا در دنیا و آخرت عقوبت کند، سپس پیامبر خدا به تک تک اصحابش دستور داد که بر امیری مومنان به علی سلام کنند سپس فرمود: ای بلال در میان مردم ندا داده که فردا هیچ کس باقی نماند جزء افراد ناتوان مگر آنکه به غدیر خم بیاید، (۲)، نبی اکرم فرمود: ای علی به راستی که خداوند آیه ۶۷ سوره مائده را بر من نازل کرد یعنی آنچه که در خصوص ولایت و امامت تو نازل شد و اگر آن امری که در خصوص ولایت تو بر من صورت گرفت را ابلاغ نکرده باشم، اعمالم بی اثر می گردد و هر کس خداوند را بدون ولایت تو، ملاقات کند به تحقیق که عملش بی اثر می گردد. (۳)

و لقد انزل الله عزو جل الی یا ایها الرسول بلغ ما نزل الیک من ربک یعنی فی ولایتک یا علی ... ولو لم ابلغ ما امرت به من ولایتک لحبط عملی و من لقی الله

ص: ۴۵۵

-
- ۱- ۱. اصول کافی ج ۲ باب الاشارة و النص علی امیرالمومنین حدیث سوم؛ امالی صدوق ص ۳۵۴ الی ص ۳۵۶ ح ۱۰، امالی صدوق ص ۴۹۴ و ص ۴۹۵ ح ۱۳
- ۲- ۲. امالی صدوق مجلس ۵۶ ح ۱۰ ص ۶۱۹
- ۳- ۳. امالی شیخ صدوق مجلس ۷۴ ح ۱۳ ص ۸۶۰

عزوجل بغير ولايتك فقد حبط عمله... (۱)

و كان رسول الله نازلاً- بغدير فقال له يا محمد قال الله: يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك ... و اخرج معه علياً و قام قائماً و خطب خطبه بليغه... الا من كنت مولاه فهذا علي (۲)

و لقد انزل الله عزوجل الي: يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك: يعني في ولايتك يا علي (۳)

يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك... نزلت في علي عليه السلام امر الله النبي ان يبلغ فيه فاخذ النبي بيد علي فقال: من كنت مولاه فعلى مولاه (۴)

فلما نزلت هذه الايه يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك... قال يوم غدیر خم من كنت مولاه فعلى مولاه، (۵)

يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك ... الايه فقام بذلك يوم غدیر خم، (۶)

فاوحى الله اليه يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك ... فقام رسول الله بولايته يوم غدیر خم _ لما نزل جبرئيل على رسول الله في حجه الوداع باعلان امر علي ابن ابي طالب: يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك... مرحوم شيخ مفيد در ج ۱ ص ۱۷۵ كتاب ارشاد مي نويسد: سبب نزول آيه ۶۷ سوره مائده در باره نصب علي عليه السلام براي خلافت بر امت اسلامي بعد از نبي اکرم بوده و اين آيه نص و دليل قاطع بر امامت علي ابن ابي طالب است

و كان سبب نزوله في هذا المكان نزول القرآن عليه بنصبه امير المؤمنين خليفه في الامه من بعده ... يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك يعني في استخلاف علي ابن ابي طالب و النص بالامامه عليه شيخ طبرسي در مجمع البيان ج ۳ ص ۳۴۴ مي نويسد: روايات زيادي از امام باقر و امام صادق رسیده که آيه تبليغ راجع به استخلاف و امامت علي، نازل شده است، (۷) _ امر رسول الله ان يبلغ ولايه

ص: ۴۵۶

-
- ۱- ۱. جامع الاخبار للشعيري ص ۱۰ و ص ۱۱
 - ۲- ۲. بشاره المصطفى طبري ج ۲ ص ۱۲۹ ج ۲ ص ۱۷۸ و ص ۱۹۶
 - ۳- ۳. بشاره المصطفى عماد الدين طبري ج ۱ ص ۳۷۵؛
 - ۴- ۴. بشاره المصطفى ج ۲ ص ۱۹۶
 - ۵- ۵. تفسير عياشي ج ۱ ص ۳۲۸
 - ۶- ۶. تفسير عياشي ج ۱ ص ۳۳۱ و ص ۳۳۲
 - ۷- ۷. لوامع صاحبقراني ج ۱ ص ۳۳ تفسير اثنا عشرى ج ۳ ص ۱۳۵، تفسير الصافي ج ۲ ص ۵۲، تفسير جامع ج ۲ ص ۲۳۷، تفسير قمي ج ۱ ص ۱۷۲ تفسير نورالثقلين ج ۱ ص ۶۵۲، كشف الغمه في معرفه الاثمه ج ۱ ص ۲۳۸، نهج الحق و كشف الصدق ص ۱۷۳، تفسير فرات كوفي ج ۱ ص ۱۲۹، تفسير البرهان ج ۲ ص ۳۳۴، اقبال الاعمال سيد ابن طاوس ج ۱ ص ۴۵۵

علی فانزل الله یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک .. (۱)

جناب وهابی بدان موضوع و حادثه جریان غدیر خم درباره امامت مولا علی در نزد علمای شیعه و سنی و حتی سلفی ها و وهابی ها بطور تواتر ذکر و یاد شده و انکار آن کفر است طبری از علمای بزرگ اهل سنت دو جلد کتاب فقط در جمع طرق حدیث غدیر نوشته، ابن کثیر می نویسد: کتابی از طبری دیدم که در آن احادیث غدیر خمرا در دو جلد جمع کرده بود ج ۱۴ ص ۸۴۹ البدایه و النهایه

قد رایت له کتابا جمع فيه احادیث غدیر خم فی مجلدین ضخمین، شمس الدین ذهبی از استوانه های بزرگ علمی اهل سنت می نویسد: یک جلد کتاب از طبری دیدم که در آن طرق حدیث غدیر را آورده بود و از کثرت طرق بسیار تعجب کردم (۲)

رایت مجلداً من طرق الحدیث لابن جریر فانهشت له و لکثره تلک الطرق؛ آلبانی وهابی می نویسد: حدیث غدیر خم متواتر است و عبارت من کنت مولاة فعلی مولاة و اللهم وال من والاه صحیح است (۳)

بل الاول منه متواتر عنه كما يظهر لمن تتبع اسانیده و طرفه؛ ابن کثیر در البدایه و النهایه ج ۷ ص ۶۸۱ از قول ذهبی نقل می کند که حدیث غدیر، متواتر است و عبارت اللهم وال من والاه از نظر سندی قوی می باشد

و صدر الحدیث متواتر اتقین ان رسول الله قاله و اما: اللهم وال من والاه فزیاده قویه الاسناد:

مناوی از علمای بزرگ اهل سنت در فیض القدیر ج ۶ ص ۲۱۷ می نویسد: حدیث غدیر خم متواتر است _ و قال المصنف: حدیث متواتر؛ امیر صنعانی از علمای بزرگ سنی ها می نویسد: و از جمله احادیث متواتر حدیث

من کنت مولاة فعلی مولاة می باشد که ۱۵۰ طریق دارد و علامه مقبلی بعد از

ص: ۴۵۷

-
- ۱- ۱. اقبال الاعمال ج ۱ ص ۴۷۴ و ص ۴۵۶، تفسیر نورالثقلین ج ۱ ص ۵۸۸ و ص ۶۴۶ و ص ۶۵۴ و ص ۶۵۳ و ج ۴ ص ۳۳۴؛ تفسیر المیزان علامه طباطبائی ج ۶ ص ۷۷
 - ۲- ۲. تذکره الحفاظ ج ۲ ص ۷۱۳
 - ۳- ۳. سلسله الاحادیث الصحیحه ج ۴ ص ۳۴۳

بیان بعضی از طرق حدیث گفته است که اگر این حدیث قطعی و آشکار نباشد هیچ چیز در دنیا، قطعی و آشکار نخواهد بود و این حدیث را متواتر دانسته است (۱).

و من ذلك حدیث من كنت مولاه فعلى مولاه فان له مائه خمسين طريقاً قال العلامة المقبلي: بعد سرد بعض طرق هذا الحديث ما لفظه فان لم يكن هذا معلوماً فما في الدنيا معلوم و جعل هذا الحديث في الفصول من المتواتر لفظاً صنعاني از آخوندهای معروف سنی می نویسد: ائمه ی اهل سنت، حدیث غدیر خم را متواتر دانسته اند (۲).

و قد عدده ائمه من المتواتر ابوالفداء عجلوني از علمای سنی می نویسد: حدیث من كنت مولاه فعلى مولاه، حدیثی متواتر و مشهور هست و بیش از ۳۰ نفر صحابه آنرا نقل کرده اند (۳).

امام جلال الدین سیوطی از علماء و مفسران نامی اهل سنت می نویسد: حدیث غدیر را ۲۰ نفر از صحابه پیامبر نقل کرده اند و ابن حمزه الحسینی در البیان و التعریف فی اسباب ورود الحدیث الشریف از قول سیوطی می نویسد که حدیث غدیر متواتر است (۴).

و قال السيوطي: حدیث متواتر، کتانی از علمای اهل سنت می نویسد: حدیث غدیر، متواتر است و بیش از ۲۰ صحابی آنرا نقل کرده اند (۵) و ممن صرح بتواتره ... و اکثر اسانیدها صحیح او حسن، ملا علی قاری از علمای معروف و بزرگ اهل سنت می نویسد: حدیث من كنت مولاه فعلى مولاه حدیثی است صحیح و شکی در آن نیست بلکه بعضی از حفاظ آنرا متواتر دانسته اند و این حدیث را ۳۰ صحابی از پیامبر شنیده اند و برای علی ابن ابی طالب هنگامی که در ایام خلافتش نزاع رخ داده ص: ۴۵۸

-
- ۱- ۱. اجابه السائل شرح بغية الامل ص ۹۸
 - ۲- ۲. توضیح الافکار لمعانی تنقیح الانظار ج ۱ ص ۲۴۳
 - ۳- ۳. کشف الخفاء ج ۲ ص ۳۶۱ ح ۲۵۹۱
 - ۴- ۴. قطف الازهار المتناثره فی الاخبار المتواتر ص ۲۷۷ ش ۱۰۲ البیان و التعریف فی اسباب ورود الحدیث ج ۲ ص ۲۳۰ ابن حمزه الحسینی حنفی دمشقی
 - ۵- ۵. نظم المتناثر من الحدیث المتواتر ص ۱۹۴ ح ۲۳۲

به آن شهادت داده اند(۱)

والحاصل ان هذا حديث صحيح لا مريه فيه بل بعض الحفاظ عده متواتراً _

ملا علی قاری می نویسد: قول برخی که حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه را موضوع و جعلی می دانند نادرست است و این عبارت از طرق مختلفی وارد شده که ذهبی بسیاری از آنها را تصحیح کرده است (۲) صنعانی در التنبیر شرح الجامع الصغیر ج ۱۰ ص ۳۸۷ ح ۸۹۸۱ می نویسد: حدیث غدیر بطرق زیاد و کثیر نقل شده و این حدیث متواتر است _ قال الحافظ ابن حجر: حدیث کثیر الطرق جدا... عبدالعزیز الراجحی از علمای وهابی معاصر می نویسد: متن حدیث غدیر صحیح است (۳)

لکن متن الحدیث صحیح فالولایه ثابتة لعلی رضی الله عنه سفیری شافعی می نویسد: حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه حدیثی صحیح است همانطور که نووی در فتاوایش گفته است (۴)

من کنت مولاه فعلی مولاه حدیث صحیح کما قال النووی فی فتاویه

ابوالعلاء مبارکفوری از آخوندهای سنی است می نویسد: حدیث من کنت مولاه طرق جیده ای دارد که آنها را تنظیم نموده ام (۵)

و اما حدیث من کنت مولاه فله طرق جیده، ابن حجر عسقلانی از علمای معروف اهل سنت می نویسد: حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه، را ترمذی و نسائی آنرا نقل کرده اند و طرق زیادی دارد و ابن عقده آنرا در کتابی جداگانه آورده و بسیاری از سندهای آن صحیح و حسن است (۶) ابن شاهین عالم سنی مذهب می نویسد: حدیث غدیر خم، حدیثی صحیح و غریب است که حدود ۱۰۰ نفر از نبی اکرم نقل کرده اند و در بین آنان عشره ی مبشره نیز وجود دارد و حدیثی ثابتی است و مشکلی در آن نمی بینم و علی ابن ابی طالب به این فضیلت تفرد کرده است و احدی در آن با او

ص: ۴۵۹

۱- ۱. مرقاه المفاتیح ج ۱۰ ص ۴۶۴

۲- ۲. مرقاه المفاتیح ج ۱۰ ص ۴۷۶

۳- ۳. شرح سنن ابن ماجه ج ۷ ص ۱۱ مکتبه شامله

۴- ۴. شرح البخاری للسفیری ج ۲ ص ۱۶۷

۵- ۵. تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی ج ۱۰ ص ۳۲۵

۶- ۶. فتح الباری ج ۸ ص ۴۲۵؛

شريك نيست (۱)

و هذا حديث غريب صحيح و قد روى حديث غدیر خم عن رسول الله نحو مائه نفس و فيهم العشره و هو حديث ثابت لا يعرف له عله؛ تفرد على بهذه الفضيله لم يشركه فيها احد ترمذی در كتاب سنن خود می نویسد: حديث من كنت مولاه فعلى مولاه، حديثى حسن و صحيح هست (۲)

قال من كنت مولاه قال ابو عيسى: هذا حديث حسن صحيح (۳)

اخرجه الترمذی و قال حديث حسن صحيح قلت: و اسناده صحيح على شرط الشيخين، (۴)

رواه البزار و رجاله ثقات (۵)

قال شيخنا ابو عبد الله الذهبى و هذا حديث صحيح _ امام ابو حامد غزالى مى نویسد: به اتفاق تمام مسلمين پيامبر در خطبه غدیر خم فرمود: هر كس من مولای او هستم على مولای اوست _ و اجمع الجماهير على متن الحديث من خطبه فى يوم عيد غدیر خم باتفاق الجميع و هو يقول من كنت مولاه فعلى مولاه (۶)

سبط من جوزى مى نویسد: علمای تاریخ اسلام اتفاق دارند قصه غدیر پس از بازگشت پيامبر از سفر حجه الوداع در ۱۸ ذى الحجه روى داده است (۷)

اتفق علماء السير على ان قصه الغدير كانت بعد رجوع النبى من حجه الوداع فى الثامن عشر من ذى الحجه، (۸)

قلت: جمع طرق حديث غدیر خم فى اربعة اجزاء رایت شطره فبهرنى سعه رواياته و جزمتم بوقوع ذلك

ص: ۴۶۰

-
- ۱- ۱. شرح مذاهب اهل السنه ص ۱۰۳
 - ۲- ۲. سنن الترمذی ج ۵ ص ۶۳۳ ح ۳۷۱۳
 - ۳- ۳. سلسله الاحاديث الصحيحه ج ۴ ص ۲۴۹ ح ۱۷۵۰؛ محمد ناصر آلبنانى
 - ۴- ۴. سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۳ ح ۱۱۶ و سلسله الاحاديث الصحيحه آلبنانى ج ۴ ص ۲۴۹ _ اخرج ابن ماجه قلت و اسناده صحيح؛ السنه ابن ابى عاصم ج ۲ ص ۶۰۵ ح ۱۳۶۱ با تحقيق آلبنانى _ حسن _ البحر الزخارج ج ۴ ص ۴۱ ح ۱۲۰۳، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۰۷
 - ۵- ۵. البدايه و النهايه ابن كثير ج ۵ ص ۲۰۹
 - ۶- ۶. سر العالمين ج ۱ ص ۱۸
 - ۷- ۷. تذکره الخواص ص ۳۷
 - ۸- ۸. سير اعلام النبلاء ذهبى ج ۱۴ ص ۲۷۷ رقم ۵

ذهبی می نویسد وقتی دیدم طبری اسناد حدیث غدیر خم را در ۴ جلد کتاب جمع آوری کرده از آن تعجب کردم و یقین کردم که این اتفاق روی داده است، این کثیر به نقل از ذهبی می نویسد: بخش نخست حدیث غدیر به حدی از تواتر رسیده که من یقین نمودم از پیامبر صادر شده است (۱)

و صدر الحدیث متواتر اتیقن ان رسول الله قاله: (۲)

هذا اسناد صحیح و حدیث غدیر خم قد اخرج النسائی من روايه ابی الطفیل عن زید ابن ارقم و ..

ابن حجر از علمای متعصب اهل سنت در صواعق المحرقة ج ۱ ص ۱۰۶ می نویسد: در صحت حدیث غدیر خم، شکی نیست چرا که گروهی همچون ترمذی، نسایی و احمد حنبل آنرا با سندهای فراوان نقل کرده اند این روایت را ۱۶ نفر از اصحاب روایت کرده اند و در نقلی که احمد حنبل دارد؛ ۳۰ نفر از اصحاب در زمان خلافت علی به شنیدن این روایت از پیامبر شهادت دادند؛ بیشتر سندهای این حدیث صحیح و حسن است و سخنی کسی که به سند این حدیث ایراد بگیرد ارزش ندارد

انه حدیث صحیح لامریه فیه و قد اخرج جماعه کالترمذی و النسائی و احمد و طرقة کثیره جدا... و کثیر من اسانیدها صحاح و حسان و لا التفات لمن قدح فی صحته، (۳)

آلبانی و هابی می نویسد: برای حدیث غدیر، سندهای فراوان ذکر شده که افراد زیادی مانند هیشمی در کتابش المجمع اسناد آنرا جمع آوری کرده اند با این وجود من اندکی از اسناد غدیر را که برایم امکان پذیر بود جمع آوری نمودم به شکلی که هر شخص آگاه و آشنا به اسناد روایات غدیر به صحت این حدیث یقین می کند _ (۴) شمس الدین جزری شافعی، حدیث غدیر را به ۸۰ طریق روایت کرده و رساله اسنی المطالب را در این باره نوشته و گفته است این حدیث به صورت متواتر از پیامبر و

ص: ۴۶۱

۱- ۱. السیره النبویه ج ۴ ص ۴۲۶

۲- ۲. البدایه و النهایه ج ۵ ص ۲۱۴؛ المطالب العالیه ابن حجر ج ۱۶ ص ۱۴۲ ح ۳۹۴۳

۳- ۳. التیسیر بشرح الجامع الصغیر؛ مناوی ج ۲ ص ۴۴۲، تفسیر روح المعانی آلوسی ج ۶ ص ۱۹۵

۴- ۴. سلسله الصحیحه ج ۴ ص ۲۴۹

حافظ طحاوی در مشکل الآثار ج ۲ ص ۳۰۸ پس از نقل حدیث غدیر گفته است: این حدیث از نظر سند صحیح است و بر هیچ یک از راویان آن اشکالی وارد نیست

هذا الحدیث صحیح الاسناد و لاطعن لاحد فی رواه؛ علاء الدین سمنانی متوفای ۷۳۶ در العروه لاهل الخلوه ص ۴۲۲ گفته است: این حدیث غدیر حدیثی است که صحتش مورد اتفاق است هذا حدیث متفق علی صحته زرقانی مالکی در شرح المواهب ج ۷ ص ۱۳ گفته است: طبرانی و دیگران حدیث غدیر را با سند صحیح روایت کرده اند؛ ابن ابی الحدید معتزلی گفته است: حدیث غدیر یکی از روایات شایع در فضایل علی ابن ابی طالب است _ (۲) حافظ شهاب الدین ابو لفیض احمد ابن محمد بن صدیق غماری مغربی می گوید: حدیث من کنت مولاة فعلی مولاة به تواتر از پیامبر از طریق ۶۰ نفر نقل شده است _ (۳)؛ حلبی بعد از نقل حدیث غدیر می گوید: این حدیثی است صحیح با سندهای صحیح و حسن و هرگز به کسی که در صحت آن تشکیک کرده التفات نمی شود _ السیره الحلبیه ج ۳ ص ۲۷۴؛ قرطبی درباره حدیث غدیر خم و مواخاه و اعطاء رایه می نویسد: تمام این روایات آثاری ثابت اند _ (۴) آلوسی در تفسیرش می نویسد: نزد ما ثابت شده که پیامبر در حق امیر در غدیر خم فرمود:

من کنت مولاة فعلی مولاة (۵)

ابن مغازلی شافعی پس از اینکه حدیث غدیر را با ۱۵ نقل و سند متفاوت ذکر می کند از قول استادش می نویسد: حدیث غدیر، حدیثی است که بطور صحیح از پیامبر خدا، نقل شده و راویان صحیح آن را نزدیک ۱۰۰ تن از اصحاب پیامبر

ص: ۴۶۲

۱- ۱. اسنی المطالب ص ۴۸

۲- ۲. شرح نهج البلاغه ج ۹ ص ۱۶۶ شرح خطبه ۱۵۴؛

۳- ۳. تشنیف الاذان ص ۷۷

۴- ۴. الاستیعاب ج ۲ ص ۳۷۳ المواهب اللدنیه قسطلانی ج ۳ ص ۳۶۵؛ وسیله المال فی مناقب الال ص ۱۱۷ و ص ۱۱۸ با کثیر مکی؛ نزل؟ الابرار ص ۵۴ به نقل از میرزا محمد بدخشی، اسعاف الراغبین در حاشیه نورلابصار ص ۱۵۳ صبان شافعی؛ کفایه الطالب گنجی ص ۶۱،

۵- ۵. روح المعانی ج ۶ ص ۶۱

تشکیل داده اند که از جمله آنها عشره مبشره هستند این حدیث ثابت و متقن بوده و من در آن عیب و ایرادی نمی بینم و اعتراف می کنم که این فضیلت از فضائل اختصاصی حضرت علی علیه السلام بوده و دیگران را در آن نصیبی نیست (۱)؛ اما پاسخ به شبهه و دروغ دیگر جناب وهابی؛ گفتی که منابع تفسیری و تاریخی و روایی اهل سنت نقل نکرده اند که آیه ۶۷ سوره مائده معروف به آیه ابلاغ در روز غدیر خم درباره مولا علی نازل شده است؟! اما جواب، بدان منابع و مصادر، زیادی از کتب معتبره اهل سنت ذکر کرده اند که آیه ۶۷ سوره مائده (آیه ابلاغ) در روز غدیر خم درباره امامت علی علیه السلام نازل شده است؛ (۱) در المنتور جلال الدین سیوطی ج ۲ ص ۵۲۸ ذیل آیه ۶۸ مائده _ اخرج ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر عن ابی سعید خدری قال نزلت هذه الايه: يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك على رسول الله يوم غدیر خم فی علی ابن ابی طالب، (۲) (۲)

عن ابی الجارود عن ابی حمزه قال: يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك نزلت فی شان الولايه و ص ۲۴۰؛ (۳) تفسیر القرآن العظیم، ابن ابی حاتم رازی ج ۴ ص ۱۱۷۲ ح ۶۶۰۹ _ نزلت هذه الايه يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك فی علی ابن ابی طالب، سند این روایت صحیح بوده و ابن ابی حاتم خود را ملزم به بیان روایات صحیح السند با متن صحیح نموده لذا در مقدمه تفسیرش می گوید: صحیح ترین اخبار؛ را از جهت سند و متن انتخاب کردم

فتحریت اخراج ذلك باصح الاخبار اسناداً و اشبهها متناً؛ ابن تیمیه حرانی، رهبر فکری وهابیت می نویسد: تفسیر ابن ابی حاتم از تفاسیر معتبری هست که از اقوال صحابه و تابعین با اسناد معتبر آمده، ابن ابی حاتم از دانشمندان بزرگی است که زبان راستگوی اسلام بود و محتوای تفسیرش مورد اعتماد است (۳)

و غیرهم من العلماء الاکابر الذین لهم فی الاسلام لسان صدق و تفاسیر هم

ص: ۴۶۳

۱- ۱. مناقب ابن مغزلی ص ۲۶ _ ص ۷۸ ح ۳۹

۲- ۲. مناقب ابن مردویه ص ۲۳۹ ح ۳۴۵

۳- ۳. کتب و رسائل و فتاوی شیخ ابن تیمیه ملعون ج ۵ ص ۴۱۳؛ منهاج السنه ابن تیمیه ج ۷ ص ۱۷۹، کتب و رسائل و فتاوی

ابن تیمیه ج ۱۷ ص ۴۳ _ ابن ابی حاتم

متضمنه للمنقولات التي يعتمد عليها في التفسير؛ (٤) (١) _ نزلت الايه في فضل علي ابن ابي طالب و لما نزلت هذه الايه اخذ بيده و قال: من كنت مولاه فعلي مولاه (٦) (٢)

عن ابن عباس في قوله يا ايها الرسول بلغ قال: نزلت في علي رضي الله عنه امر النبي ان يبلغ فيه فاخذ بيد علي و قال: من كنت مولاه فعلي مولاه.... و قال ابو جعفر محمد بن علي: معناه: بلغ ما انزل اليك في فضل علي ابن ابي طالب فلما نزلت الايه اخذ بيد علي فقال: من كنت مولاه فعلي مولاه (٧) (٣)

ص: ٤٦٤

١- ١. شواهد التنزيل حاكم حسكاني ج ١ ص ٢٥٦ با الفاظ و روايات متعدد؛ نقل کرده است؛ (٥) تفسير الكبير امام فخر رازی ج ١٢ ص ٤٩

٢- ٢. الكشف و البيان امام ثعلبي ج ٤ ص ٩٢

٣- ٣. فتح القدير الجامع بين فني الروايه و الدراريه؛ امام شوکانی سلفی ج ٢ ص ٦٠ (٨) ما نزل من القرآن في علي ابونعيم اصفهانی با استفاده از النور المشتعل ص ٨٦ ح ١٦ (٩) فرائد السمطين جوينی ج ١ ص ١٥٨ ح ١٢٠ سمط ١ (١٠) مطالب السوول ابن طلحه ص ٧٩ باب ١ فصل ٥ (١١) تفسير غرائب القرآن؛ نظام الدين نيشابوري ج ٦ ص ١٢٩ و ج ٢ ص ٦١٦ مكتبه شامله؛ (١٢) تفسير روح المعاني؛ محمود آلوسی ج ٣ ص ٣٥٩ مكتبه شامله _ عن ابي عباس نزلت هذه الايه في علي كرم الله وجهه، ... فاوحى الله تعالى اليه هذه الايه فقام بولايته يوم غدیر خم... (١٣) اسباب النزول واحدى ج ١ ص ٢٠٢ (١٤) ينابيع الموده قندوزی حنفی ج ١ ص ٣٥٩ و ج ٢ ص ٢٤٩ (١٥) تفسير المنار ج ٦ ص ١١٦ رشيد رضا _ فلما نزلت الايه عليه في غدیر خم اخذ بيد علي من كنت مولاه فعل مولاه؛ (١٦) تاريخ مدينة دمشق ابن عساکر ج ٤٢ ص ٢٣٧ (١٧) تفسير حبري ص ٦٢ (١٨) فتح البيان في مقاصد القرآن ج ٤ ص ١٩ صديق حسن خان القنوجی (١٩) عمدہ القاری شرح صحيح بخاری ج ١٨ ص ٢٠٦ بدرالدين عینی؛ (٢٠) الولاية في طرق حديث الغدير؛ طبري (به نقل از الغدير اميني ج ١ ص ٣٨٢ (٢١) حافظ ابو عبد الله محاملي در امالي؛ (٢٢) حافظ ابوبکر فارسی شیرازی در ما نزل من القرآن في امير المومنين (٢٣) حافظ ابوسعید سجستانی در الولاية، (٢٤) ابوالفتح نظری در الخصايص العلويه (٢٥) حافظ عزالدين رسعنی _ شرح المواهب ج ٧ ص ١٤ (٢٦) سيد علي همدانی شافعی در موده القربى (٢٧) كمال الدين ميدي در شرح ديوان اميرالمومنين ص ٤١٥؛ (٢٨) سيد عبدالوهاب بخاری م ٨٦٩ اخبار الاخيار ص ٢٠٦ (٢٩) سيد جمال الدين شیرازی در اربعين خود (٣٠) محمد محبوب العالم در تفسير شاهي (٣١) ميرزا محمد بدخشانی در مفتاح النجاه (٣٢) ارجح المطالب عبیدالله الحنفی ص ٦٦ و ص ٦٧ و ص ٦٨ (٣٣) مناقب مرتضوی محمد صالح کشفی ترمذی حنفی ص ٣٨؛ حديث غدیر را، صدوده تن از صحابه و ٨٤ تن از تابعين و بیش از ٣٦٠ تن از دانشمندان اهل سنت نقل کرده اند _ [انساب الاشراف ج ١ ص ١٥٦؛ بلاغات النساء ص ٧٢ _ تفسير طبري ج ٣ ص ٤٢٨] حليه الاولياء ج ٥ ص ٣٦٤ رقم ٣٢٤؛ تاريخ الكبير اسماعيل بخاری ج ١ ص ٣٧٥ رقم ١١٩١؛ صحيح مسلم ج ٤ ص ١٨٧٣ ح ٣٦؛ الجامع الصحيح ترمذی ص ٩٧٨ ح ٣٧٢٢ الولاية ابن عقده ص ٢٠٦؛ [التمهيد باقلانی ص ١٧١ _ الجمع بين الصحاح ص ٤٥٨؛ حياه الصحابه ج ٢ ص ٧٦٩] البدايه و النهايه ابن كثير ج ٥ ص ٢٣٠ كتاب حجه الوداع؛ مسند احمد حنبل ج ٤ ص ٢٨١ [روضات الجنات زمحبي ص ١٥٨؛ الشرف الموبد نبهانی ص ٥٨ _ طبقات ابن سعد ج ٣ ص ٣٣٥؛ عمدہ الاخبار ص ١٩١] مسند براء بن

عازب؛ سر العالمین غزالی ص ۲۱ مقاله ۴؛ استیعاب ابن عبدالبر ج ۳ ص ۱۰۹۹ مطالب السوول ابن طلحه ص ۷۸؛ [المروج الذهب ج ۲ ص ۱۱؛ مسند طرابلسی ص ۱۱۱ - معجم البلدان ج ۲ ص ۳۸۹] مناقب ابن مغزلی ص ۲۲ ح ۳۱ فصول المهمه ابن صباغ ج ۱ ص ۲۳۸؛ مصابیح السنه، بغوی ج ۲ ص ۱۹۹ مناقب خوارزمی ص ۱۳۴ ح ۱۵۰؛ جامع الاصول ابن اثیر ج ۹ ص ۴۶۸؛ خصائص نسائی ص ۹۴؛ سنن الکبری نسایی ج ۵ ص ۴۵ ح ۸۱۴۵؛ ینابیع الموده ج ۱ ص ۹۸ ح ۱۱ باب ۴؛ صواعق المحرقه ابن حجر ص ۴۲ باب ۱ فصل ۵؛ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۵ ح ۱۲۱؛ المستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۱۹ ح ۴۵۷۸؛ معجم الاوسط ج ۳ ص ۶۹ ح ۲۱۳۱؛ اسد الغابه ج ۱ ص ۳۶۷؛ تذکره الخواص ص ۳۶ عقد الفرید ج ۵ ص ۵۸؛ جواهر العقدين ج ۲ ص ۸۸؛ منهج السنه ابن تیمیه ج ۷ ص ۳۱۹؛ فتح الباری ج ۷ ص ۷۴؛ تهذیب التهذیب ج ۷ ص ۲۸۶ رقم ۴۹۲۵؛ ربیع الابرار زمخشری ج ۱ ص ۸۵؛ اربعین فخر رازی ص ۴۷۳؛ تاریخ الخلفاء سیوطی ص ۱۶۹؛ موده القریب همدانی موده ۵؛ فیض القدر مناوی ج ۱ ص ۶۹ ح ۱۰؛ شرح المقاصد ج ۲ ص ۲۱۹، المورد فی شرح سنن ابی داود ج ۱ ص ۲۱۴ اشفاء ج ۲ ص ۴۱ کفایه الطالب گنجی ص ۵۵؛ تهذیب الاسماء و اللغات النووی ج ۱ ص ۱۲۷ رقم ۴۲۹؛ فرائد السمطين ج ۱ ص ۶۳ ح ۲۹؛ الملل و النحل شهرستانی ج ۱ ص ۱۴۵ باب ۶؛ تاریخ بغداد ج ۷ ص ۳۷۷ رقم ۳۹۰۵؛ تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۲۳۰ رقم ۴۹۳۳، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۳ ص ۲۰۸ خطبه ۴۸؛ تاریخ ابن خلدون ج ۱ ص ۱۹۷ فصل ۲۷؛ کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۳۳ ح ۳۶۴۲۰؛ اسنی المطالب جزری ص ۴۹؛ شرح المواقف ج ۸ ص ۳۶۰ مرصد ۴ مقصد ۳؛ کشف الخفاء عجلونی ج ۲ ص ۲۷۴؛ البشاره و الاتحاف؛ السقاف ص ۲۸؛ مجمع الزوائد ج ۹ ح ۱۴۶۱۰؛ المعجم الصغیر طبرانی ج ۱ ص ۶۵؛ البحر الزخارج ج ۲ ص ۱۳۴ ح ۴۹۲ المصنف ابن شیبیه ح ۵۵ ج ۷ کتاب الفضائل علی ابن ابی طالب؛ نظم در السمطين ص ۷۷؛ الجامع الصغیر سیوطی ج ۲ ص ۱۷۷ امالی المحالی ص ۸۵؛ صحیح ابن حبان ج ۱۵ ص ۳۷۶؛ مسند ابی یعلی ج ۱ ص ۴۲۹؛ تفسیر قرطبی ج ۱ ص ۲۵۴ الغیاثی غیاث الامم؛ ابوالمعالی جوینی ج ۱ ح ۴۴ ص ۳۸؛ تفسیر فتح القدر ج ۱ تفسیر سوره احزاب ص ۱۱۵۶ و ص ۱۱۵۸؛ المطالب العالیه ابن حجر ج ۱۶ ص ۱۴۲ ح ۳۹۴۳؛ تفسیر روح المعانی ص ۱۹۵ ج ۶؛ مرقاه المفاتیح ج ۱۱ ص ۲۴۷ و ص ۲۴۸ توضیح الافکار؛ صنعانی ج ۱ ص ۲۴۳؛ تاریخ الاسلام ذهبی ج ۳ ص ۶۳۲ المعجم الکبیر ج ۵ ص ۱۶۶؛ شرح مشکل الاثار طحاوی ج ۵ ص ۱۸؛ الشریعه الاجری ج ۴ ص ۲۰۴۹ امالی جرجانی ج ۱ ص ۱۹۲؛ الاحادیث المختاره مقدسی ج ۲ ص ۱۰۶؛ تهذیب الکمال ج ۱۱ ص ۹۰؛ تفسیر ثعالبی ج ۴ ص ۹۲؛ السیره النبویه ابن کثیر ج ۴ ص ۴۱۶؛ فضائل الصحابه احمد ج ۲ ص ۶۱۰ و ص ۶۸۲ مرآه الجنان یافعی ج ۱ ص ۱۰۹؛ تخریج الاحادیث و الاثار ج ۲ ص ۲۳۴؛ موارد الظمان الی زوائد ابن حبان ج ۱ ص ۵۴۴؛ جامع الاحادیث سیوطی ج ۵ ص ۴۰۰؛ الدر المنثور ج ۳ ص ۱۰۵ و ص ۱۹؛ سیره الحلیه ج ۳ ص ۳۳۶؛ سمط النجوم العوالی ج ۳ ص ۳۶؛ السلسله الصحیحہ آلبانی ص ۲۴۹ ح ۱۷۵۰ ج ۴؛ السنه ابن ابی عاصم ج ۲ ص ۶۰۵ ح ۱۳۶۱؛ میزان الاعتدال ذهبی ج ۴ ص ۲۳۵؛ جواهر المطالب ابن دمشقی باعونی ج ۱ ص ۸۴ و ص ۸۳ و ص ۲۱۲ و ص ۷۶؛ الرياض النضره (طبری) ج ۳ ص ۱۲۶ و ص ۱۲۷ و ص ۱۲۸ مکتبه شامله؛ ذخائر العقبی طبری ج ۱ ص ۶۷؛ زید ابن ارقم؛ براء بن عازب؛ ابوهریره؛ ابوسعید خدری، جابر عبدالله انصاری؛ ام سلمه؛ حبشی بن جناده؛ حذیفه بن اسید الغفاری، عمر ابن الخطاب؛ ابن عباس؛ ابن مسعود؛ انس بن مالک؛ و زیادی از صحابه رسول اکرم - واقعه و حادثه غدیر خم را درباره مولا - بودن مولا - علی نقل کرده اند با الفاظ و عبارات مختلف

— عن البراء بن عازب قال: كنا مع رسول الله في سفر فنزلنا بغدير خم فنودي فينا الصلاة جامعه و كسح لرسول الله تحت شجرتين فصلى الظهر و اخذ بيد علي فقال الستم تعلمون اني اولى بالمومنين من انفسهم؟ قالوا: بلى ... قال فاخذ علي فقال: من كنت مولاه فعلى مولاه _ (متن مسند احمد حنبل) قام رسول الله يوما فينا خطيباً بما يدعى خمأ بين مكه و المدينه _ (عبارت صحيح مسلم) قال زيد بن ارقم و

ص: ٤٦٥

انا اسمع نزلنا مع رسول الله منزلاً يقال له وادی خم ... فمن كنت مولاه فان علياً مولاه _ (متن البدايه و النهايه)

براه بن عازب وزيد ابن ارقم گفتند: ما با پيامبر اسلام در منطقه غدیر خم که بين مکه و مدینه هست فرود آمدیم، ایشان در میان مردم ندا کرد، نماز جماعت و میان دو، درخت را پاک کردند حضرت نماز ظهر را خواند سپس خطبه ای خواند دست های علی ابن ابی طالب را گرفت و گفت: هر کس من مولای او هستم علی نیز مولای اوست؛ ابن حجر می نویسد: جریان واقعه غدیر خم بعد از مراجعت نبی اکرم باصحابه از حجه الوداع بوده است و سه بار از صحابه اعتراف و اقرار گرفت که آیا من بر نفوس شما از خود شما اولی به تصرف هستم یا نه؟ تمام صحابه گفتند آری سپس دستان علی را بلند کرد تا حدی که سفیدی زیر بغل هر دو آشکار شد و فرمود: هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست(۱)

قوله يوم غدیر خم مرجعه من حجه الوداع بعد ان جمع الصحابه و کرر علیهم الست اولی بکم من انفسکم ثلاثاً و هم یجیبون بالتصديق والاعتراف ثم رفع ید علی و قال: من کنت مولاه فعلی مولاه _ (۲) _ اخذ رسول الله ید علی بغدیر خم فرفعها حتی راینایا بیاض ابطه فقال من کنت مولاه فعلی مولاه؛ (۳)

ثم دعا الناس الی علی فاخذ بضعه فرفعها حتی نظر الناس الی بیاض ابطه، تعداد و میزان نفراتی که از جمع صحابه با نبی اکرم به سفر حجه الوداع غدیر خم، عزیمت کرده بودند مورخان و محدثان اهل سنت بالغ بر ۱۲۰ هزار نفر نوشته اند (۴)

جمع الصحابه و کانوا ماه و عشرين الفاً (۵) _ و مع ذلك كان معه جموع لا یعلمها الا الله قیل کانوا اربعین الفاً و قیل کانوا سبعین الفاً و قیل کانوا تسعین الفاً و قیل کانوا مائه الف و اربعه عشر الفاً و قیل عشرين الفاً و قیل کانوا اکثر من ذلك... هنگام حرکت نبی اکرم از مدینه بسوی مکه برای انجام اعمال حج الوداع، بیماری

ص: ۴۶۶

-
- ۱-۱. صواعق المحرقة ص ۴۲ باب ۱ فصل ۵
 - ۲-۲. جواهر العقدين سمهودی ج ۲ ص ۸۸ باب ۴
 - ۳-۳. مناقب خوارزمی ج ۱ ص ۱۳۵ ح ۱۵۲، ینابیع الموده ج ۱ ص ۱۲۴ و ص ۴۲۲ و ص ۱۰۹؛ مناقب ابن مردويه ج ۱ ص ۲۳۲ ح ۳۳۲
 - ۴-۴. تذکره الخواص ص ۳۷ باب ۲
 - ۵-۵. السيره الحلبیه ج ۳ ص ۲۵۷ باب حجه الوداع

حصبه (وبا) مدینه را فرا گرفته بود و بسیاری از خانواده ها مشغول مداوای بیماران خود بودند؛ عده زیادی از مسلمانان نتوانستند؛ نبی اکرم را همراهی کنند؛ (۱)

و عند خروجه اصاب الناس بالمدینه جدري....

او حصبه منعت کثیراً من الناس من الحج معه (۲)؛ امام باقر علیه السلام فرمود: اصحابی که پیامبر به غدیر خم رفتند ۷۰ هزار نفر از اهل مدینه و اطراف آن بودند همان تعداد نفری که حضرت موسی از آنان برای هارون بیعت گرفت _ و بلغ من حج مع لرسول الله من اهل المدینه و اهل الاطراف و الاعراب؛ سبعین الف انسان (۳)

محدثان اهل سنت نقل کرده اند؛ زمانی که رسول خدا؛ با اصحاب وارد، صحرای غدیر خم شدند، هوا به شدت گرم و داغ بوده، تفتازانی می نویسد: روزی صاف و آفتابی بود به حدی که انسان باید از شدت گرما بخشی از لباس خود را به زیر پا و بخشی از آنرا به سر کشد _ (۴)، زیدابن ارقم می گوید: روز غدیر به حدی گرم بود که ما تا آن هنگام روزی به آن گرمی تجربه نکرده بودیم (۵) _ و كان یوما صائفاً حتی ان الرجل لیضع رداءه تحت قدمیه من شده الحرّ؛ ... فی یوم ما اتی علینا یوم کان اشدّ حرّاً منه (۶) _ فخرجنا الی رسول الله فی یوم شدید الحروان منا لمن یضع رداءه علی راسه و بعضه علی قدمیه من شده الرضا

جناب وهابی، آیا معقول است نبی اکرم در شدت هوای گرم، غدیر خم، ۱۲۰ هزار صحابه را معطل کند و خطبه ای طولانی بخواند فقط بگوید؛ علی را دوست بدارید؟! نبی اکرم بعنوان مفسر حقیقی قرآن کریم، آیه ابلاغ (۶۷ سوره مائده) را تفسیر کرده درباره خلافت و امامت علی علیه السلام _ فقال: یا محمد ان الله یقرؤک السلام و یقول لک: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک: فی علی

جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد خداوند به تو سلام می رساند و می گوید:

ص: ۴۶۷

- ۱- ۱. سبل الهدی و الرشاد ج ۸ ص ۴۵۰ السیره الحلبیه ج ۳ ص ۳۰۸
- ۲- ۲. ؛ ارشاد الساری ج ۶ ص ۳۲۹
- ۳- ۳. احتجاج طبرسی ح ۱ ص ۱۱۹ ح ۳۲
- ۴- ۴. شرح المقاصد ج ۲ ص ۲۹۰
- ۵- ۵. مستدرک حاکم ج ۳ ص ۶۱۳ ح ۶۲۷۲؛ المعجم الکبیر ج ۵ ص ۱۷۱ ح ۴۹۸۶
- ۶- ۶. مناقب ابن مغزلی شافعی ح ۲۳ ص ۶۷

ای رسول ما ابلاغ کن آنچه از سوی خدا تو نازل شده درباره علی (۱)

فاوحی الی: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فی علی: یعنی فی الخلافه لعلی بن ابی طالب (۲)

رسول اکرم فرمود: سبب و علت نزول آیه ۶۷ سوره مائده برای شما مسلمین بیان می کنم؛ همانا جبرئیل سه مرتبه بر من فرود آمده و از طرف خداوند به من دستور داده است که در این محل (غدیر خم) و در حضور همه پیا خیزم و هر سفید و سیاهی را آگاه کنم که علی ابن ابی طالب، برادر، وصی، جانشین و امام بعد از من است (۳)

و انا مبین لکم سبب نزول هذه الایه ان جبرئیل هبط الی مراراً ثلاثاً یا مرنی عن السلام ... ان اقوم فی هذا المشهد فاعلم کل ایض و اسودان علی ابن طالب اخی و وصیی و خلیفتی و الامام من بعدی امام باقر علیه السلام فرمود: او را چه شده است؛ خدا، نمازش را قبول نکند (منظور امام، حسن بصری که منکر بوده که آیه ابلاغ درباره مولا علی نازل شده و گفته راجع به امامت علی ابن ابی طالب نیست) جبرئیل بر پیامبر نازل شد و عرض کرد: خداوند به شما امر می کند امت را، راهنمایی کن که ولیشان کیست پیامبر هم پیا خاست و دست علی را گرفت و فرمود: هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست _ (۴) ابن مردویه از ابن مسعود نقل کرده که ما در زمان حیات رسول خدا آیه ابلاغ را می خواندیم و بعد می گفتیم همانا علی مولای مومنان است _ اخرج ابن مردویه عن ابی مسعود قال: (۵) رسول اکرم با تدبیر الهی در صحرای غدیر خم، توقف دادند مردم را برای اعلام امامت و خلافت علی علیه السلام، امام شعیب نسائی از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب خصائص امیرالمومنین ج ۱ ص ۱۰۶ نقل می کند: که سعد گفت ما با رسول خدا، در راه مکه بودیم پس هنگامی که به غدیر خم رسیدیم؛ پیامبر؛ دستور داد تا مردم متوقف شوند و امر فرمود تا کسانی که رفته

ص: ۴۶۸

۱-۱. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۲۲

۲-۲. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۲۶

۳-۳. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۲۶

۴-۴. بحار الانوار ج ۳۷ ص ۱۴۰ ح ۳۴؛

۵-۵. کنا نقرأ علی عهد رسول الله: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک . ان علیاً مولی المومنین و ان لم تفعل فما بلغت رسالته _ تفسیر الدر المنثور ج ۲ ص ۵۲۸؛ فتح القدر شوکانی ج ۲ ص ۶۹، روح المعانی آلوسی ج ۳ ص ۳۵۹، فتح البیان ج ۴ ص ۱۹ مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۲۳۹،

بودند را، بازگردانند و صبر کرد تا عقب مانده ها به او رسیدند

كنا مع رسول الله بطريق مكة الى المدينة و هو متوجه اليها؛ فلما بلغ غدیر خم وقف الناس ثم رد من مضى ولحقه من تخلف، فلما اجتمع الناس اليه (۱) _ ان رسول الله نزل بخرم ففتحى الناس عنه و نزل معه على ابن ابى طالب فشق على النبى تاخر الناس فامر علياً فجمعهم فلما اجتمعوا قام فيهم ..

رسول خدا، افرادی که زودتر از آنان جلو افتاده بودند را دستور داد برگردانند و عقب ماندگان را همه جمع نمودند همه را در منزل غدیر خم دور هم گرد آوردند... در آن مکان درختهایی بود که بدستور؛ نبی اکرم زیر آنها، جاروب شده و از سنگها به شکل منبر استفاده گردید تا آنحضرت بر روی آن رفته و بر همه مشرف باشد و تمام مسلمین از پیش و روی راه در آن مکان اجتماع کرده (۲)

و یرد من تقدم منهم و یحبس من تاخر؛ اما پاسخ به شبهه دیگر، جناب وهابی اموی مسلک؛ کجای آیه ۶۷ سوره مائده راجع به امامت الهی علی ابن ابی طالب است؟ کجا در این آیه ۶۷ سوره مائده امامت آسمانی و الهی، علی ابن ابی طالب و ۱۱ اولادش که شیعه مدعی است امام هستند از سوی خدا، ثابت و روشن می شود؟! اما جواب نقدی به این شبهه و اشکالی واهی آقای وهابی؛ امام صادق فرمود: آیا نمی دانی رسول خدا در روز غدیر خم دست علی را گرفت و بلند نمود تا جایی که سفیدی زیر بغل هر دو را مردم دیدند و در همان روز، امیرالمومنین را مولای مسلمین و امام ایشان قرار داد _ اما علمت ان رسول الله رفع ید علی علیه السلام، بغدیر خم حتی نظر الناس الی بیاض ابیطیها فجعله مولی المسلمین و امامهم (۳)

از امام سجاد علیه السلام سوال شد معنای من کنت مولاه چیست؟ فرمود: پیامبر خبر داد که علی علیه السلام امام بعد از خودش می باشد _ ما معنی قول النبى من کنت مولاه فعلى مولاه؟ قال: اخبرهم انه الامام بعده (۴)

امام باقر علیه السلام فرمود: معنای مولا در غدیر خم آن است که خداوند بوسیله آن همانطور

ص: ۴۶۹

-
- ۱-۱. مناقب ابن مغازلی شافعی ح ۳۷
 - ۲-۲. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۲۲ و ص ۱۲۳
 - ۳-۳. علل الشرایع شیخ صدوق ج ۱ ص ۵۶۸ باب ۱۳۹ و ص ۵۷۲؛ معانی الاخبار؛ شیخ صدوق ج ۱ ص ۱۳۵ باب معنی حمل النبى و عجز علی عن حمله؛ تاویل الایات ج ۲ ص ۵۹۲ ح ۲
 - ۴-۴. بحارالانوار ج ۳۷ ص ۲۲۳، معانی الاخبار ص ۱۵۱ باب ۲۹، امالی صدوق ص ۱۸۵ ح ۱۹۱

که اطاعت از پیامبر؛ را واجب کرده بود، اطاعت علی را نیز واجب کرد _ ان الله عزوجل له به علی الامه ما جعله لرسول الله علیها من السمع و الطاعه (۱)

امام کاظم علیه السلام فرمود: معنای من کنت مولاه یعنی ولایت دینی _ و نحن ندعی ذلك لقول النبی یوم غدیر خم من کنت مولاه یعنی بذلک و لاء الدین (۲)

امام رضا علیه السلام فرمود: پیامبر در غدیر خم، علی علیه السلام را بعنوان نشانه و امام قرار داد.

و اقام لهم علیا علما و اماماً _ عیون الاخبار الرضا؛ (۳) امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: معنای من کنت مولاه به این اراده بود که حزب خدا، بوسیله، علی در هنگام اختلاف شناخته شود _ اراد بذلک ان يجعله علماً يعرف به حزب الله عند الفرقه (۴)

امام باقر علیه السلام فرمود: معنای من کنت مولاه در غدیر خم، یعنی علی علیه السلام قائم مقام و نماینده و جانشین نبی اکرم است _ اعلمهم انه یقول فیهم مقامه (۵)

در روایت دیگر فرمود: یعنی با وجود مقدس علی علیه السلام امارتی و حکومتی و امر و نهی برای کسی نیست _ و علی ولی من کنت ولیه و لا اماره معه (۶)

مولا علی علیه السلام در قالب اشعاری اشاره دارد که در روز غدیر خم، نصب به امامت الهی از سوی خدا و رسول شده می فرماید: در قرآن ولایت من و اطاعت از من، فرض و واجب است همانند اطاعت از حضرت هارون برادر، حضرت موسی علیه السلام زیرا من برادر نبی اکرم هستم و رسول خدا، مرا از سوی خدا، امام بعد از خودش قرار داد و این امامت را، در روز غدیر خم به مردم خبر داد

و فی القرآن الزمهم و لائی و اوجب طاعتی فرضاً بعزم کما هارون من موسی اخوه، كذلك انا اخوه و ذاک اسمی، لذاک اقامنی لهم اماماً و اخبرهم به بغدیر خم (۷)

مولا- علی علیه السلام فرمود: این امر، خلافت عجیب است که حکومت و ولایت احدی را مثل ولایت من مبعوض نداشتند، دلیل من بر ولایت این است که صاحب اختیار

ص: ۴۷۰

۱-۱. شرح الاخبار ج ۲ ص ۲۶۳ ح ۵۶۶

۲-۲. بحار الانوار ج ۴۸ ص ۱۴۷ ح ۲۱

۳-۳. شیخ صدوق ج ۱ ص ۲۱۲؛ الکافی ج ۱ ص ۱۹۸ ح ۱،

۴-۴. بحار الانوار ج ۳۷ ص ۲۲۳

۵-۵. معانی الاخبار، شیخ صدوق ج ۱ باب ۲۹ ص ۱۵۱،

۶-۶. معانی الاخبار ص ۱۵۲ ج ۱ باب ۲۹،

۷-۷. دیوان امیرالمومنین علیه السلام، میبدی، ینایع الموده قندوزی حنفی ج ۱ ص ۲۱۲، بحار الانوار ج ۳۴ ص ۴۴۱

مردم فقط من هستم نه قریش، چرا که پیامبر ولایت این امت را داشت و من بعد از او اختیارات او را دارم به دلیل گفته و فرموده نبی اکرم که در روز غدیر خم فرمود: هر کس من مولای او هستم؛ علی مولای اوست(۱)

فكان النبي ولاء هذه الامه و كان لي بعده ما كان له... بقول النبي يوم غدیر خم من كنت مولاه فهذه علی مولاه،

مولا- علی علیه السلام به سلمان فارسی فرمود: اولین کسی که با ابوبکر در مسجد بیعت کرد شیطان بود زیرا شیطان و فرزندانش در غدیر خم حضور داشتند و شاهد بودند که نبی اکرم به امر خدا مرا برای مردم نصب کرد و به آنان خبر داد که من، اولی از نفوس آنان هستم، و شیاطین جن، اظهار داشتند مسلمین امام و پناهگاه بعد از پیامبرشان را شناختند و ما باید آنان را اغواء و گمراه کنیم تا امر خدا و طاعت الهی و رسول خدا، را ترک کنند.

ولا لنا علیهم سبیل قداعلموا؛ امامهم و مفرعهم بعد نبیهم ... حتی ترکوا؛ امر الله و طاعته و ما امرهم به رسول الله(۲)

مولا علی علیه السلام در روایت دیگر که درباره بیعت ابوبکر و عمر، در غدیر خم، بیاناتی دارد، تاکید می کند معرفی من در غدیر خم و معنای من کنت مولاه فعلی مولاه، در مورد خلافت و اطاعت ایشان است.

مولا- علی علیه السلام فرمود: عُمر، بود که در روز غدیر خم وقتی پیامبر مرا برای ولایت نصب کرد به رفیقش گفت: در اینکه کار، پسر عمویش را بالا ببرد، هیچ کوتاهی نمی کند؛ و دیگری گفت: در اینکه بازوی پسر عمویش را بلند کند هیچ کوتاهی نمی کند، همچنین در حالی که منصوب شده بودم به رفیقش گفت: این واقعاً کرامت بزرگی است، رفیقش با تندی به او نگاه کرد و گفت: نه بخدا قسم ابداً سخن او، را گوش نمی دهم و از او اطاعت نمی کنم، سپس به او، تکیه داد و با تکبیر به راه افتادند و رفتند، خداوند هم در مذمت آنان آیات ۳۱ الی ۳۵ سوره قیامت را نازل کرد _ (۳) جناب وهابی، تعدادی از علمای اهل سنت و جماعت، اقرار کرده اند که نبی اکرم؛

ص: ۴۷۱

۱- ۱. بحار الانوار ج ۳۰ ص ۱۴

۲- ۲. اصول کافی ج ۸ ص ۳۴۳ ح ۵۴۱

۳- ۳. کتاب سلیم ح ۲۴۰

مولا علی، را در روز غدیر خم به امامت و خلافت از سوی خدا و خودش، نصب کرد و برای امت معرفی نمود؛

(۱) امام ابو حامد غزالی از علمای بزرگ اهل سنت می نویسد: به اتفاق همه مسلمانان پیامبر اسلام در خطبه غدیر خم فرمود: هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست؛ عمر ابن الخطاب پس از شنیدن این سخن به علی این گونه تبریک گفت: افتخار، افتخار، ای ابالحسن، زین پس تو مولا- و رهبر من و هر مولای دیگر هستی، این سخن عمر حکایت از رضایت او به انتخاب علی علیه السلام به رهبری امت دارد، اما پس از گذشت آن روزها، عمر تحت تاثیر هوای نفس و حب ریاست قرار گرفت و استوانه خلافت را از مکان اصلی آن تغییر داد(۱)

و اجمع الجماهیر علی متن الحدیث من خطبه فی یوم عید یزحم باتفاق الجمیع و هو یقول: من کنت مولاه فعلی مولاه، فقال عمر: بخ بخ یا ابالحسن لقد اصبحت مولای و مولی کل مولی؛ فهذا تسلیم و رضی و تحکیم ثم بعد هذا غلب الهوی تحب الریاسه و حمل عمود الخلافه،

شمس الدین ذهبی از استوانه های علمی و رجالی اهل سنت درباره امام غزالی می نویسد: غزالی شیخ امام دریای علم نشانه اسلام، اعجوبه زمان، صاحب کتابها و انسانی باهوش فراوان و زیرک بود (۲)

(۲) محمد بن طلحه شافعی از علمای بزرگ اهل سنت در قرن هفتم هجری می نویسد: معنای حدیث غدیر آن است که هر که من نسبت به خود او، سزاوارتر در تصرف یار، یاور، وارث و یا پشتیبان و دوست صمیمی او هستم علی هم برای او چنین است و این کلام در تخصیص علی به این فضیلت بزرگ صریح بوده و جایگاه او را نسبت به دیگران همچون جایگاه خود قرار داده و چنین خصوصیتی برای هیچ کس دیگر وارد نشده، این حدیث از اسرار سخن خدای تعالی است.

... و مضمون آن در آیه مباحله آمده، همانا علی از همه بر مومنان اولی و سزاوارتر

ص: ۴۷۲

-
- ۱- ۱. مجموعه رسائل امام غزالی ص ۴۸۳ _ مکتبه التوفیقه مصر ... سرالعالمین و کشف ما فی الدارین ج ۱ ص ۱۸ امام غزالی
 - ۲- ۲. سیر اعلام النبلاء ذهبی ج ۱۹ ص ۳۲۲ _ الغزالی الشیخ الامام البحر؛ حجه الاسلام اعجوبه الزمان زین الدین... سیر اعلام النبلاء ج ۱۴ ص ۲۲، میزان الاعتدال ذهبی ج ۲ ص ۲۴۸ رقم ۱۸۷۵؛ قال ابو حامد غزالی فی کتاب سرالعالمین لسان المیزان ابن حجر ج ۲ ص ۹۴۵ رقم ۹۵، سیر اعلام النبلاء ج ۱۹ ص ۳۲۸

است و یار، یاور و آقای مومنان است، هر معنایی که امکان استفاده از لفظ مولی برای پیامبر باشد همان برای علی می باشد و پیامبر این مرتبه بلند، منزلت دست نیافتنی، درجه عالی و جایگاه بالا- را فقط به علی علیه السلام اختصاص داده و نه به هیچ کس دیگر، از این روست که روز غدیر، روز عید و موسم سرور برای دوست داران علی است (۱) - فیکون معنی الحدیث: من کنت اولی به او ناصره او وارثه او عصیته او حمیمه او صدیقه فان علینا منه كذلك و هذا صریح فی تخصیصه لعلی بهذه المنقبه العلیه و جعله لغيره کنفسه ... بما لم يجعله لغيره و لیعلم ان هذا الحدیث هو من اسرار قوله تعالی فانه اولی بالمومنین و ناصر المومنین و سید المومنین و کل معنی امکان اثباته مما دل علیه لفظ المولی لرسول الله فقد جعله لعلی علیه السلام و هی مرتبه سامیه و منزله شاهقه و درجه علیه و مکان رفیعه خصه بها دون غیره

(۳) سبط بن جوزی حنفی می نویسد: دهمین معنای واژه مولی در حدیث: من کنت مولاه اولی و برتر است... و چون ثابت شد که مولی به معنای اولی است، فهمیده می شود که معنای کلمه مولی در نهایت بازگشت به وجه دهم آن دارد که جمله آیا من بر جان مومنان برتر از خودشان نیستم؟ تصریح آشکاری است بر اثبات امامت و پذیرفتن طاعت و پیشوایی -

فاما قوله من کنت مولاه ... و العاشر بمعنی الاولی ... فتعین الوجه العاشر و هو الاولی و معنا من کنت اولی به من نفسه فعلی اولی به ... فعلم ان جمیع المعانی راجعه الی الوجه العاشر و دل علیه ایضا قوله، الست اولی بالمومنین من انفسهم و هذا نص صریح فی اثبات امامته و قبول طاعته (۲)

(۴) گنجی شافعی می نویسد: اگر چه از ظاهر این حدیث بر می آید که رسول خدا، جانشین تعیین نکرده ولی حدیث غدیر خم، دلیل بر تعیین سرپرست است که به معنای جانشین رسول خدا است

و هذا الحدیث و ان دل علی عدم الاستخلاف لکن حدیث غدیر خم دلیل علی التولیه و هی الاستخلاف (۳)

علامه للزرکلی در کتاب الاعلام درباره گنجی شافعی می نویسد: محمد بن یوسف بن محمد ابو عبدالله بن الفخر الکنجی، محدث از شافعی مذهب ها و اهل کنجه بین

ص: ۴۷۳

۱- ۱. مطالب السوول فی مناقب آل الرسول ص ۴۵ - ص ۴۴ کمال الدین محمد بن طلحه الشافعی

۲- ۲. تذکره الخواص ص ۳۷؛

۳- ۳. کفایه الطالب ص ۱۶۶ باب ۳۶،

اصفهان و خوزستان بود، به دمشق رفت (۱).

شوکانی سلفی در کتاب الفتح الربانی _ اقوال گنجی استناد کرده و او را شافعی می دان (۲).

حاجی خلیفه از علمای اهل سنت، محمد بن یوسف گنجی، را از علمای شافعی معرفی می کند (۳).

عمر رضا کحاله از علمای معاصر اهل سنت در معجم المؤلفین ج ۳ ص ۷۸۷، گنجی را از علمای شافعی می داند، عبدالعزیز بن فیصل الراجح از علمای وهابی عربستان سعودی، محمد بن یوسف گنجی، را از علمای شافعی می داند (۴).

ذهبی در تذکره الحفاظ ج ۴ ص ۱۵۶، گنجی را از علمای شافعی مذهب معرفی می کند _ والمحدث المفید فخر الدین محمد بن یوسف الکنجی قتل بجامع دمشق لدبره و فضوله... در کتاب الرساله للشافعی ص ۶۱ و ص ۶۸ نام گنجی در ردیف گروه علمای شافعی ذکر شده است؛

(۵) ابراهیم بن سیار، مشهور به نظام معتزلی می گوید: امامت محقق نمی شود مگر با نص و سخن روشن از طرف خدا و یا پیامبر، این در حالی است که رسول خدا، در موارد گوناگون آن هم به صورتی آشکار و واضح که امر بر مردم متشبه نشود بر امامت علی علیه السلام، تصریح کرد، ولی عمر ابن الخطاب آنرا در روز سقیفه که روز بیعت گرفتن بر خلافت ابوبکر بود انکار کرد (۵).

وقد نص النبی علی علی رضی الله عنه فی مواضع و اظهر اظهاراً لم یشتهه علی الجماعه الا ان عمر کتم ذلك و هو الذی تولى بیعه ابی بکر یوم السقیفه

(۶) تقی الدین مقریزی می نویسد: در روز ۱۸ ذی الحجه سال ۳۶۲ هجری قمری که روز عید غدیر است گروهی از اهالی مصر و مغرب زمین و به اتفاق آنها عده ای دیگر برای دعا دور هم گرد آمدند؛ زیرا آن روز عید بود و رسول خدا در آن روز

ص: ۴۷۴

۱- ۱. الاعلام زرکلی ج ۷ ص ۱۵۰؛

۲- ۲. الفتح الربانی من فتاوی الامام شوکانی ج ۱ ص ۹۷۳،

۳- ۳. کشف الظنون ج ۲ ص ۴۹۷

۴- ۴. قمع الدجاجله الطاعنین فی معتقد ائمه الاسلام الحنابله ص ۱۲۲

۵- ۵. الملل و النحل ج ۱ ص ۵۷ عبدالکریم شهرستانی

امیرالمومنین علی ابن ابی طالب را برگزید و او را خلیفه و جانشین خود قرار داد _ (۱) _ و فی یوم ثمانیه عشر من ذی الحجه سنه ۳۶۲ و هو یوم الغدیر ... لانه یوم عید لان رسول الله عهد الی امیرالمومنین علی ابن ابی طالب فیه و استخلفه

(۷) سعد الدین تفتازانی یکی از دیگر علمای اهل سنت می نویسد منظور نبی اسلام از عبارت من کنت مولاه فعلی مولاه، امامت علی ابن ابی طالب، بعد از خودشان است به قسمتی از سخنان او توجه می کنیم او می نویسد: مولی در این حدیث به معنی اولی و سرپرست است... و سزاوار است که در حدیث غدیر از کلمه مولا همین معنا (یعنی اولی به تصرف) اراده شود تا با صدر حدیث مطابقت پیدا کند زیرا معنا ندارد که پیامبر مردم را در آن گرمای طاقت فرسا و چنان مکانی برای این معنا جمع کرده باشد که فقط علی را دوست بدارید!!! و مخفی نماند که ولایت بر مردم سرپرستی و مالکیت تدبیر امور مردم و تصرف در شئون زندگی آنان همانند منزلت پیامبر با معنای امامت سازگاری دارد

ولاخفاء فی ان الولایه بالناس التولی و المالکیه لتدبیر امرهم و التصرف فیهم بمنزله النبی هو معنی الامامه (۲)

(۸) سید امیر محمد یمینی در کتاب الروضه الندیة در شرح التحفه العلویه پس از ذکر طرق حدیث غدیر از فقیه حمید نقل نموده که لفظ مولی که در جمله من کنت مولاه فهذا علی مولاه به کار رفته است در صورتی که بدون قید و مطلق استعمال شود دارای قرینه نباشد به معنی مالک در تصرف در امور مردم خواهد بود

من کنت مولاه فهذا علی مولاه و المولی اذا اطلق من غیر قرینه فهم منه انه المالک و المتصرف

(۹) شیخ احمد عجیلی شافعی در کتاب ذخیره المال شرح جواهر الال فی فضایل المال پس از نقل حدیث غدیر می نویسد: و این از محکم ترین دلایل ها می باشد بر اینکه علی علیه السلام، سزاوارتر به امامت و خلافت و صداقت و یاری و تبعیت از جهت احوال و اوقات و خصوص و عموم است

و هو من اقوی الادله علی ان علیاً رضی الله عنه اولی بالامامه و الخلافه و الصداقه و النصره و الاتباع ...

ص: ۴۷۵

۱- ۱. المواعظ و الاعتبار یذكر الخطط و الاثار ج ۲ ص ۲۲۲

۲- ۲. شرح المقاصد المقصد السادس فی الامامه ج ۳ ص ۵۰۴ شرح المقاصد ج ۲ ص ۲۹۰.

(۱۰) ابن حجر مکی در صواعق المحرقة ص ۹۰ بعد از ذکر حدیث ثقلین و حدیث امان و عدم جدایی اهل بیت از قرآن، می نویسد: و اینکه شایسته ترین فرد، امام و پیشوای آنان، حضرت علی ابن ابی طالب است اینکه ما از علمش و نکته سنجیهای ظریفانه اش سخن گفتیم، سپس ابوبکر گفت: علی علیه السلام از عترت رسول خداست و علی کسی است که تاکید شده از او پیروی کنیم و اوست که در روز غدیر خم مشخص شد جهت پیروی که علی ابن ابی طالب باشد

ثم احق من يتمسك به منهم امامهم و عالمهم علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه لما قدمناه من مزید علم و دقائق مستنبطاته و من ثم قال ابوبکر: علی عتره رسول الله، ای الذین حث علی التمسک بهم فخصه لما قلنا و لذلك خصه بمامر یوم غدیر خم

۱۱_ ابوالمجد مجدود بن آدم معروف به حکیم نسائی، او در مدح حضرت امیر می گوید: نائب مصطفی به روز غدیر... کرده بر شرع خود مرا او را میر _ حدیقه الحقیقه

۱۲_ عطار نیشابوری در اشعارش می نویسد: چون خدا، گفته است در خم غدیر.. با رسول الله ز آیات منیر.... مرتضی والی در این ملک من است.... هر که این سر را نداند او زنت...

۱۳_ سعید الدین فرغانی او در شرح یک بیت از ابن فارض که می گوید: و اضح بالتاویل ما کان مشکلاً.... علی یعلم ناله بالوصیه: می نویسد: در این شعر به این مطلب اشاره شد که علی کسی است که مشکلات کتاب و سنت را بیان کرد به توسط علمی که به او رسیده است و اضح خواهد کرد زیرا پیامبر او را وصی و قائم مقام خود قرار داد آن هنگام که فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه _ شرح ثانیه ابن فارض، فرغانی _ جعله النبی وصیه و قائما مقام نفسه بقوله من کنت مولاه فعلی مولاه و ذلك کان یوم غدیر خم

۱۴_ شهاب الدین دولت آبادی می نویسد: حدیث غدیر بر خلافت و نیابت علی از سوی پیامبر و نیز بر وجوب اطاعت و تبعیت از او دلالت دارد _ ان حدیث الغدیر یدل علی خلافه امیر المومنین و نیابته عن رسول الله و انه یدل علی وجوب اطاعته علی و لزوم اتباعه(۱)

ص: ۴۷۶

۱۵ _ مولوی محمد اسماعیل دهلوی برادر زاده دهلوی معروف می نویسد: از جمله این امور در معنای حدیث غدیر، ثبوت ریاست است، یعنی همان گونه که پیامبران الهی نوعی از ریاست را نسبت به امت خویش داشته و می توانستند در امور دنیایی امت های خود دخالت کنند برای رسول خدا، چنین اختیاری وجود دارد؛ همانگونه که در سخن خداوند آمده النبی اولی بالمومنین من انفسهم، همین طور، برای امام نیز همین اختیارات وجود دارد، یعنی همان ریاست بر امت در امور دنیا و آخرت وجود دارد؛ لذا، پیامبر در روز غدیر فرمود: آیا من بر مومنان از نفوس آنان اولی و سزاوارتر نیستم گفتند: بله سپس فرمود: هر کس من مولای او هستم پس از من علی مولای اوست.

و منها: ثبوت الرئاسة... كذلك الامام فانه يكون له مثل تلك الرئاسة على تلك الامه في الدنيا و الاخره؛ فان النبي قال: الستم تعلمون اني اولی بالمومنین من انفسهم؟ قالوا: بلی فقال: اللهم من كنت مولاه فعلى مولاه (۱)

حسان بن ثابت «شاعر معروف زمان رسول اکرم» در واقعه غدیر خم؛ حضور داشت با اجازه و اذن نبی اکرم، اشعاری در مدح مولا علی در غدیر خم، سرود که اشاره صریح به امامت و خلافت مولا علی علیه السلام دارد، ترجمه بعضی از اشاره او این است می گوید: پیامبر مسلمانان روز غدیر در وادی خم به آنان ندا داد، پس به ندای رسول خدا، گوش دهید فرمود: چه کسی مولا و نبی شماست؟ ایشان نیز حق او را انکار نکرده و به صراحت پاسخ دادند، مولای ما همان خدای توست، و تو هم (پیامبر)، مولای ما هستی و تا بحال عصیانی از ما ندیده ای پس پیامبر به علی فرمود: برخیز ای علی زیرا من از اینکه تو امام و هادی باشی راضی هستم

فقال له قم یا علی فانی رضیتک من بعدی اماماً و هادياً (۲)

عمر عاص لعنت الله علیه، از جمله کسانی است که در قالب اشعاری که معروف است به قصیده ی جلجلیه به واقعه غدیر خم اشاره کرده و تاکید صریح نموده که مولا

ص: ۴۷۷

-
- ۱- ۱. نزهه الخواطر ج ۷ ص ۶ _ ص ۵۶
 - ۲- ۲. المناقب اخطب خوارزمی حنفی ح ۱۵۲ ص ۱۳۵ مناقب ابن مردویه ص ۲۳۲ ح ۳۳۴؛ نظم در رالسمطین زرنندی حنفی ص ۱۱۲، فرائد السمطین حموی شافعی ج ۱ ص ۷۳، مقتل الحسین خوارزمی ص ۸۱ تذکره الخواص ص ۳۹؛ النور المشتعل ما نزل من القرآن فی علی ابونعیم ص ۵۷، کفایه الطالب گنجی شافعی ص ۶۴، الازهار سیوطی ص ۱۹، الغدیر علامه امینی ج ۲ ص ۵۰

علی در روز غدیر خم به امامت اهل ایمان نصب شدند به امر خدا و رسول خدا (۱)

و کم قدسمعنا من المصطفى وصايا مخصصة في علي، و في يوم خم رقى منبرا يبلغ و الركب لم يرحل؛ ... انت بكم منكم في النفوس با ولي؟ فقالوا: بلى فافعل فانحله امرالمومنين من الله مستخلف المنحل: شهى كز پيمبر بامر اله، شد او بر همه سرور و دادخواه، چه بسيار در هر مقام كه تصريح فرمود او را بنام، بروز غدیر آن شه انبياء به منبر آمد چون بدر سماء كه آيا نيم من سزاوارتر زجان شما بر شما سر بسر؟ بگفتند: آری تو اولی زما بما هستی ای سرور و رهنما درآندم نمود آن شه ملك دين، علی را امير همه مومنين، (۲)، نبی اکرم در خطبه شریفه غدیر خم با صراحت و روشنی به امامت مولا- علی و ۱۱ فرزند معصومش اشاره کرده برای نمونه

معاشر الناس... ان علی بن ابی طالب اخی ... و خلیفتی و الامام من بعدی. (۳)

فاعلموا معاشر الناس: ان الله قد نصبه لكم وليا و اماماً مفترضاً طاعته علی المهاجرين و الانصار و علی التابعين لهم باحسان و علی البادی و الحاضر و علی الاعجمی و العربی و الحر و المملوك و الصغیر و الکبیر و علی الابيض و الاسود و علی کل موحد...، ثم من بعدی علی وليکم و امامکم بامر الله ربکم ثم الامامه فی ذریتی من ولده الی يوم تلقون الله و رسوله، و ما من علم الا علمته علیاً و هو الامام المبین...، معاشر الناس: انه امام من الله ... ؛ معاشر الناس: هذا علی اخی و وصی... و امام الهادی...، اللهم انک انزلت علی ان الامامه بعدی لعلی وليک، معاشر الناس: انما اکمل الله عزوجل دینکم بامامته، معاشر الناس: انی ادعها امامه و وارثه فی عقبی الی يوم القیامه، معاشر الناس: ... و هذا علی امامکم و وليکم، وانهما سید اشباب اهل الجنة و انهما الامامان بعد ابیها علی،

نبی اکرم فرمود: ای مردم بدانید که خداوند متعال علی ابن ابی طالب را بر شما ولی و امام قرار داده و اطاعت او را به نیکویی بر تمام گروههای مهاجر و انصار و تابعین آنان و بر حاضر و غائب و عرب و عجم کوچک و بزرگ و عبد و آزاد و بر هر

ص: ۴۷۸

-
- ۱- ۱. الغدير علامه امینی ج ۲ ص ۱۷۰
 - ۲- ۲. لطائف الاخبار الدول، اسحاقی ص ۴۱، مغنی اللیب ازهری ج ۱ ص ۸۲؛ المناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۱۰۱؛ الانوار النعمانية ص ۴۳؛ خلاصه عبات الانوار ج ۴ ص ۲۰۳ النصح الكافية، محمد بن عقيل ص ۱۱۴، كشف الغمة اربلی ج ۱ ص ۵؛ اللثالی المنتظمه ص ۶۳، گروه رستگاران [فرقه ناجیه] آیت الله سلطان الواعظین شرازی ج ۲ ص ۱۶۰۲ دو نسخه از این قصیده در دو مجموعه کتابخانه خدیوی مصر و در ج ۴ ص ۳۱۴ فهرست کتابخانه چاپی مزبور ضبط شده است، ابن ابی الحدید قطعه ای از آنرا در ج ۲ ص ۵۲۲ شرح نهج البلاغه روایت نموده، الغدير امینی ج ۲ ص ۱۷۰
 - ۳- ۳. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۲۶

خداپرست واجب فرموده است (۱)، احتجاج النبى يوم الغدير على الخلق كلهم و فى غيره من الايام بولايه على ابن ابى طالب و من بعده من ولده من الائمة المعصومين، جناب وهابى، يکى ديگر از دلائل قرآنى و تاريخى و حديثى که ثابت مى کند واقعه غدیر خم، درباره امامت و خلافت مولا على عليه السلام است، قضيه حارث بن نعمان فهري است، امام صادق عليه السلام از مولا على نقل مى کند که رسول خدا در روز غدیر خم، على را به امامت نصب کرد و گفت: هر کس که من مولاى او هستم على مولاى اوست، اين جريان در شهرها، شایع شد، نعمان بن حارث نزد نبى اکرم آمد و گفت: به ما فرمان دادى که گواهى بدهيم معبودى جز خدا نيست و تو پيامبر خدا هستى و ما را به جهاد و حج و نماز و زکات و روزه فرمان دادى و ما آنها را از تو پذيرفتيم آنگاه راضى نشدى تا اينکه اين جوان را به امامت نصب کردى و گفتى هر کس که من مولاى او هستم على مولاى اوست، آیا اين کار از جانب خودت بود يا امرى از خدا بود؟ پيامبر گفت: امرى از جانب خدا بود، نعمان برگشت و در حالى که مى گفت: خدايا اگر اين حق و از جانب توست، براى ما سنگى از آسمان بياران و يا عذابى دردناک به ما بفرست، پس خدا سنگى بر سر او فرود آورد و او را کشت و خداوند اين آيه را نازل کرد سأل بعداب واقع [سوره معارج آيه ۱ و ۲] (۲) جناب وهابى اگر منظور من کنت مولاہ فعلی مولاہ در غدیر خم فقط به معنای دوستی و محبت به مولاہ على بود، چرا، حارث بن نعمان ناراحت شد و به پيامبر اعتراض کرد و تقاضای عذاب از خداوند

ص: ۴۷۹

۱-۱. الاحتجاج على اهل اللجاج، احمد بن على طبرسى ج ۱ ص ۱۱۸
 ۲-۲. منابع رواى و تفسيرى اهل سنت در ذيل آيه ۱ و ۲ سوره معارج اين قضيه را نقل کرده اند _ الكشف و البيان ثعلبى ج ۱۰ ص ۳۵، الجامع الاحکام القرآن ج ۱۹ ص ۲۷۸، روح المعانى آلوسى ج ۱۵ ص ۶۲، السمعانى در عنوان الشعرانى از كتاب الانساب ج ۸ ص ۱۰۷؛ مراح ليلى لكشف معنى القرآن المجيد ج ۲ ص ۵۶۱، نظم در السمطين ص ۹۳، فرائد السمطين ج ۱ ص ۸۲، نورالابصار ص ۸۷ فيض القدير ج ۶ ص ۲۱۸، تذکره الخواص ص ۳۰، فصول المهمه ص ۴۱، جواهر العقدين ص ۱۷۹؛ ارشاد العقل السليم ابوسعود عمادى ج ۹ ص ۲۹، السراج المنير، شمس الدين شافعى ج ۴ ص ۳۸۰، الاربعين فى مناقب امير المومنين ص ۴۰ سيد جمال الدين شيرازى، السيره الحلبيه ج ۳ ص ۲۷۴، وسيله المال ص ۱۱۹ احمد بن با كثير مكى شافعى، نزهه المجالس صفورى ج ۲ ص ۲۰۹، شرح جامع الصغير ج ۲ ص ۳۷۸ شمس الدين حنفى شافعى، شرح المواهب اللدنيه ج ۷ ص ۱۳ زرقانى مالکى، ينايع الموده ص ۲۷۴، تفسير المنار ج ۶ ص ۴۶، تفسير شفاء الصدور ذيل آيه، تفسير غريب القرآن ذيل آيه، مرحوم علامه امينى در كتاب شريف الغدير ج ۱ ص ۴۱۷، اسامى ۲۹ نفر از علمای اهل سنت را ذکر مى کند که اين قضيه حارث بن نعمان را نقل کرده اند

فقدم على رسول الله النعمان بن الحرث الفهري فقال: امرتنا عن الله ان نشهد ان لا اله الا الله و انك رسول الله و امرتنا بالجهاد و الحج و الصلاه و الزكاه و الصوم فقبلنا ها منك ثم لم ترض حتى نصب هذا الغلام فقلت: من كنت مولاه فهذا مولاه، فهذا شيء منك او امر من عند الله؟ قال: امر من عند الله... فولى النعمان و هو يقول: اللهم ان كان هذا هو الحق من عندك فامطر علينا حجاره من السماء او اد اثنا بعذاب اليم، فرماها الله بحجر على راسه فقتله فانزل الله تعالى [سأل سائل] (١)

امام ثعلبي از مفسران نامی و معتبر اهل سنت در ذیل آیه ١ و ٢ سوره معارج این قضیه فرود آمدن سنگ عذاب آسمانی بر منکر امامت مولا علی یعنی حارث بن نعمان را ذکر و نقل می کند و منکر نمی شود وقتی منکر این قضیه تاریخی و تفسیری نمی شود؛ دلیل بر قبول کردن اوست؛ یا قوت حمویی درباره ثعلبی می نویسد: بهترین دانشمند، دریای علم، ستاره درخشان آسمانها مایه زینت ائمه ٤ گانه، مایه افتخار، بلکه برتر از این اوصاف می باشد، تفسیر الکشف و البیان برای اوست _ (٢) ابن خلکان درباره ثعلبی می نویسد: و مفسری مشهور و بی همتا در زمان خود که کتاب تفسیرش سرآمد همه تفاسیرها گشت (٣)

_ و هذا السائل هو النضر بن الحارث ... و قيل هو الحارث بن نعمان الفهري ...، مويد این آیه و تفسیر در قرآن، آیه ٣٢ سوره مبارکه انفال می باشد: و اذا قالوا اللهم ان كان هذا هو الحق من عندك فامطر علينا حجاره من السماء او اثنا بعذاب اليم:

به خاطر بیاور؛ هنگامی را که گفتند: خدایا اگر این سخن همان حق از سوی تو است، پس بر ما از آسمان، سنگ هایی بباران یا عذابی دردناک بر سر ما فرو فرست، در تفسیر لاهیجی ج ٢ ص ١٨٦، تفسیر اثنا عشر ج ٤ ص ٣٣٣ تفسیر نمونه ج ٧ ص ١٥٢، اطیب البیان ج ٦ ص ١١١، جوامع الجامع ج ٢ ص ١٧، تفسیر صافی ج ٢ ص

ص: ٤٨٠

١-١. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ١٠٣٠ ص ٣٥٠

٢-٢. معجم الادباء او ارشاد الاریب الی معرفه الادیب ج ٣ ص ٥٦١،

٣-٣. و فیات الاعیان و انباء انباء الزمان ج ١ ص ٧٩ _ احمد بن محمد بن ابراهیم ابواسحاق النیسابوری الثعلبی صاحب تفسیر المشهور و العرائس فی قصص الانبیاء کان او حد فی زمانه فی علم القرآن بارعا فی العربیه حافظ موثقا _ طبقات المفسرین _ سیوطی ج ١ ص ٢٨، سیر اعلام النبلاء ذهبی ج ١٧ ص ٤٣٥ شماره ٢٩١ _ الامام، الحافظ العلامه شیخ التفسیر ... تفسیر قرطبی ج ١٨ ص ٢٥٦ مکتبه اسلامیة فتح القدیر شوکانی سلفی ج ٥ ص ٣٤٤ مکتبه شامله

۲۹۹ تفسیر نورالثقلین ج ۲ ص ۱۵۱ و مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار ج ۳۷ ص ۱۷۳ ح ۶۰، قضیه عمر بن الحارث فهری را نقل می کنند در ذیل آیه ۳۲ سوره انفال و آیه ۱ و ۲ سوره معارج

فقام الاعرابی مسرعاً الى بعيره و هو يقول: اللهم ان كان هذا هو الحق من عندك فامطر علينا حجاره من السماء ابن مردويه از علمای بزرگ اهل سنت در المناقب خود ج ۱ ص ۲۴۸ این قول و لفظ آیه ۳۲ سوره انفال را، از حارث فهری بعد از قضیه انتخاب شدن مولا علی در غدیر خم به امر نبی اکرم جهت خلافت نقل کرده (۱).

یکی دیگر از دلائل و قرائنی که نشان می دهد، معنای من کنت مولاة فعلی مولاة در غدیر خم، مسئله دوستی علی علیه السلام نبوده بلکه مسئله و موضوع امامت و خلافت و جانشینی او بوده تبریک جناب، عمر ابن الخطاب در واقعه غدیر خم به مولا علی بوده است پس از آنکه با مولا علی در غدیر خم، بیعت کرد گفت، به به ای پسر ابوطالب شاد شدیم که تو مولای من و مولای هر زن و مرد مسلمانی تا روز قیامت شدی قال فلقیه عمر بعد ذلك فقال له هنياء يا بن ابي طالب اصبحت وامسيت مولی کل مومن و مومنه (۲).

ملا علی قاری درباره این سخن عمر می گوید: این روایت را احمد در مسند خود نقل کرده است کمترین درجه این حدیث این است که حسن باشد پس سخن کسانی که به این روایت ایراد گرفته اند ارزش ندارد (۳).

فقال عمر: بخ بخ لك يا اباالحسن لقد اصبحت مولای و مولی کل مومن و مومنه، قال عمر لعلي عليه السلام بخ بخ يا علي اصبحت مولی کل مومن و مومنه الي يوم

ص: ۴۸۱

-
- ۱- ۱. مناقب ابن مردويه ج ۱ ص ۳۴۰، ینابيع الموده ج ۲ ص ۳۷۰
 - ۲- ۲. مسند احمد حنبل ج ۴ ص ۲۸۱ ح ۱۸۵۰۲، فضائل الصحابه احمد حنبل ج ۲ ص ۵۹۶ ح ۱۰۱۶ و ج ۲ ص ۶۱۰ ح ۱۰۴۲، مصنف ابن ابی شیبہ ج ۶ ص ۳۷۲ ح ۳۲۱۱۸، الشریعه ج ۴ ص ۲۰۵۱ ابی بکر اجری، الامالی الخمیسیه جرجانی ج ۱ ص ۱۹۰، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۲۲۱، ذخائر العقبی طبری ج ۱ ص ۶۷، تاریخ الاسلام ذهبی ج ۳ ص ۶۳۲، البدایه و النهایه ابن کثیر ج ۷ ص ۳۵۰؛ الحاوی للفتاوی سیوطی ج ۷ ص ۷۸
 - ۳- ۳. مرقاه المفاتیح ج ۱۱ ص ۷۸ تاریخ بغداد ج ۸ ص ۲۸۹ سر العالمین غزالی ص ۲۱ اربعین فخر رازی ص ۴۷۳، تفسیر کبیر رازی ج ۱۲ ص ۴۹ کفایه الطالب گنجی ص ۵۵ باب ۱ تاریخ ابن خلدون ج ۱ ص ۱۹۷، مناقب خوارزمی ص ۱۵۵ ح ۱۸۳، ینابيع الموده ج ۲ ص ۲۸۴، غرائب القرآن نیشابوری ج ۶ ص ۱۲۹

از جمله دلالتی که نشان می دهد منظور نبی اکرم از عبارت من کنت مولاة فعلی مولاة، دوستی و محبت علی علیه السلام نبوده بلکه منظور امامت و خلافت مولا علی بوده، خود سخن شریف نبی اکرم در قالب خطبه غدیر خم است که منابع اهل سنت نقل کرده اند، نبی اکرم فرمود: ای مسلمین آیا من نسبت به مومنین از جانهای آنها اولی و سزاوار و برتر نیستم؟ مردم گفتند: آری ای رسول خدا، سپس رسول اکرم فرمود: آگاه باشید هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست

و اخذ بیدعلی و قال: الست اولی بالمومنین من انفسهم؟ قالوا: بلی یا رسول الله فقال الا من کنت مولاة فعلی مولاة (۲)

قال ان اولی الناس بالمومنین اهل بیتی قال ذلك ثلاث مرات (۳) _ انهم سمعوا رسول الله يقول لعلی یوم غدیر خم الیس الله اولی بالمومنین؟ قالوا: بلی (۴) _ ایها الناس ان الله مولای و انا مولی المومنین و انا اولی بهم من انفسهم فمن کنت مولاة فهذا مولاة یعنی علیاً (۵)

الستم تعلمون انی اولی بکل مومن من نفسه... فانی من کنت مولاة فهذا مولاة

ص: ۴۸۲

۱- ۱. علامه امینی در الغدیر ج ۱ ص ۴۶۶ از ۶۰ منابع اهل سنت، قضیه تبریک، خلیفه دوم، عمر ابن الخطاب را به مولا علی ذکر نموده است؛

۲- ۲. اسدالغابه ابن اثیر جزری ج ۱ ص ۳۶۷ صواعق المحرقة ابن حجر مکی ص ۴۲ باب ۱ فصل ۵، ینایع الموده قندوزی ج ۱ ص ۹۸ ح ۱۱ باب ۴؛ مناقب خوارزمی ص ۱۳۴ ح ۱۵۰؛ مسند احمد حنبل ج ۴ ص ۲۸۱ مسند براء بن عازب ص ۳۷۰؛ فصول المهمه ابن صباغ ج ۱ ص ۲۳۸ فصل ۱

۳- ۳. ... البدایه والنهایه ابن کثیر ج ۵ ص ۲۳۰ ص ۲۳۱ کتاب الحجه الوداع؛ المستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۱۹ ح ۴۵۷۸ کتاب معرفه الصحابه؛ کنز العمال متقی هندی ج ۱۳ ص ۱۳۳ ح ۳۶۴۲۰؛ اسنی المطالب جزری ص ۴۹ شرح مواقف جرجانی ج ۸ ص ۳۶۰ مرصد ۴ مقصد ۳

۴- ۴. تذکره الخواص ابن جوزی ص ۳۸ باب ۲؛ مطالب السئول ابن طلحه ص ۷۹ و ص ۸۰ باب ۱ فصل ۵؛ کفایه الطالب گنجی ص ۶۳ باب ۱، سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۴۳ ح ۱۱۶؛ فتح القدر شوکانی ج ۴ ص ۲۶۳ ذیل آیه ۶ سوره احزاب، در المنثور سیوطی ج ۵ ص ۳۵۱ ذیل آیه ۶ سوره احزاب حلیه الاولیاء ابونعیم ج ۹ ص ۶۴ ح ۴۱۵ سنن الکبری نسائی ج ۵ ص ۱۳۱ ح ۸۴۶۹ باب ۲۷ البحر الزخار المعروف بمسند البزار ج ۴ ص ۴۲ ح ۱۲۰۳؛ المصنف ابن ابی شیبه ج ۷ فضائل علی ابن ابی طالب ح ۵۵؛ مناقب ابن مغزلی ح ۳۴ و ۲۴ و ۳۶؛ مرقاه المفاتیح شرح مشکاه المصابیح؛ ملا علی قاری ج ۹ ص ۳۹۴۳ ح ۶۱۰۳ مکتبه شامله؛ المعجم الکبیر طبرانی ج ۳ ص ۱۸۰ مکتبه شامله

۵- ۵. مجمع الزوائد هیثمی ج ۹ ص ۱۶۴ _ من کنت اولی به من نفسه فعلی ولیه ح ۱۴۹۵۹ _ مکتبه شامله و ح ۱۴۹۶۶؛ جواهر العقدین سمهودی ج ۲ ص ۷۹؛ خصائص امیرالمومنین النسائی ج ۱ ص ۹۲

یکی از دلایل که نشان می دهد، منظور نبی اکرم از عبارت من کنت مولاة فعلی مولاة، دوستی و موالات علی ابن ابی طالب به تنهایی نبوده بلکه مسئله مهم امامت الهی علی ابن ابی طالب بوده و هست، دستور نبی اکرم به مسلمین در وادی غدیر خم به اینکه به علی بعنوان امیر مومنان سلام کنید _ وسلموا علی علی بامرہ المومنین (۲)

نبی اکرم در غدیر خم فرمود: ای مردم، همان که به شما گفتم بگوئید و به علی با کلمه امیرالمومنین سلام کنید
 معاشر الناس: قولوا الذی قلت لکم و سلموا علی علی بامرہ المومنین؛

در غدیر خم مسئله نصب و قرار داده شدن مولا علی جهت خلافت و رهبری امت بعد از نبی اکرم بوده است، خلیفه دوم عمر ابن الخطاب می گوید: رسول خدا، علی ابن ابی طالب را علنی و آشکارا، نصب کرد، در روز غدیر خم
 قال عمر: نصب رسول الله علیاً علماً (۳)

خداوند متعال نبی اکرم را امر کرد، که علی را نصب کند برای مردم _ امر الله محمداً ان ینصب علیاً للناس (۴)

مولا علی فرمود: خداوند و رسول خدا من را در روز غدیر خم برای مردم نصب کردند _ قال علی: بنصبی للناس بغدیر خم _
 (۵) فنصبی للناس بغدیر خم (۶)

ص: ۴۸۳

- ۱- ۱. مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۱۲۲، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی، ابی البرکات الدمشقی ج ۱ ص ۸۴ تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۲۲۸ و ص ۲۱۸ و ص ۱۸۷ و ص ۲۰۹ و ص ۲۱۶ و ص ۲۱۷ و ص ۲۱۹
- ۲- ۲. مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۵۵ و ص ۵۱، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۲۰۳ المختصر تاریخ دمشق ابن منظور ج ۵ ص ۴۰۰ و ج ۱۷ ص ۳۷۶، شرح المقاصد ج ۵ ص ۲۵۹، احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۴۴
- ۳- ۳. الغدیر علامه امینی ج ۱ ص ۶۲۳،
- ۴- ۴. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ج ۲۴۹ ص ۱۰۸
- ۵- ۵. فرائد السمطین حموئی شافعی ج ۱ ص ۳۱۲ ح ۲۵؛
- ۶- ۶. اکمال الدین صدوق ج ۱ ص ۵۳۳ باب ۲۴ ح ۲۵، بحار الانوار ج ۳۱ ص ۴۱۰؛ کتاب سلیم ص ۱۹۳، التحصین ابن طاوس ص ۶۳۳، غایه المرام ج ۱ ص ۱۳۸، ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۴۶، کتاب الاربعین ماحوزی ص ۴۴۱، جامع الاحادیث بروجردی ج ۱ ص ۲۷، فنصبی رسول الله بغدیر خم _ الغیبه نعمانی ص ۹۰ ح ۲۹ ش ۸، روضه کافی ج ۸ ص ۳۴۴، بصائر الدرجات ص ۴۵۵، نصب رسول الله ایای للناس بغدیر خم بامر الله عزوجل بحار الانوار ج ۳۳ ص ۱۴۷، ینابیع الموده قندوزی حنفی ج ۱ ص ۳۴۳، لاین الله و رسوله نصب الامام علماً لخلقہ _ بصائر الدرجات ج ۱ ص ۴۳۳، اصول کافی ج ۸ ص ۳۴۳، معانی الاخبار صدوق ج ۱ ص ۱۰۲

لأن رسول الله نصب علياً و عرفه الناس باسمه و عینه ... رسول اسلام در وادی غدیر خم، به صحابه و مسلمین حاضر در آن وادی و بیابان، دستور داد و امر کرد با علی علیه السلام و به نیت سایر ائمه هدی از فرزندان علی بیعت زبانی و قلبی و دستی کنند، جناب وهابی اگر واقعه غدیر خم، درباره دوستی علی علیه السلام، فقط و فقط بوده، معنا و مفهوم نداشت، نبی اکرم از مسلمین برای خلافت و امامت علی و اولاد معصوم علی بیعت و پیمان و تعهد دینی بگیرد؟ نبی اکرم فرمود: بدانید پس از پایان خطبه ام، شما را دعوت می کنم با من بیعت نموده با من دست دهید؛ سپس همه با علی دست داده و بیعت نمایند پس هر که پیمان بشکند، بی شک به زیان خود، قدم برداشته

الایوانی عند انقضاء خطبتی ادعواکم الی مصافقتی علی بیعتہ و الاقرار به ثم مصافقتہ بعدی الاوانی قد بایعت الله و علی قد بایعنی و انا اخذکم بالبیعه له عن الله (۱)

نبی اکرم فرمود: ای مردم، تعداد شما، بیش از آن است که با من دست بیعت دهید و خداوند مرا مامور کرده تا از شما، درباره امارت علی ابن ابی طالب، و امامان پس از او که همه از صلب من و اویند اقرار زبانی بگیرم پس همگی بگویند: گفته هایت را شنیدیم و به نصب علی و فرزندان صلبی او به امارت مسلمین راضی و فرمانبرداریم و با تو در اینباره با قلبها و جان و زبان و دستهایمان بیعت می کنیم بر این عهد زندگی می کنیم و می میریم و برانگیخته خواهیم شد و نه تغییر و تبدیلی در آن دهیم و نه هیچ شک و تردیدی در آن کنیم و از عهد خود بازنگردیم و زیر پیمان خود نزنیم و تا آخر مطیع خداوند بوده و گوش بفرمان شما و علی امیرمومنان و امامان از نسل تو و صلب علی پس از حسن و حسین خواهیم بود... و نیز بگوئید در تمام مواردی که گفتی، خدا، را اطاعت می کنیم و گوش بفرمان تو و علی و حسن و حسین و ائمه هستیم، این عهد و پیمانی است که برای امارت مسلمین با قلب و جان و زبان نمودیم و با دست بیعت کردیم

معاشر الناس: انکم اکثر من ان تصافقونی بکف واحده و قد امرنی الله عزوجل ان اخذ من السنتکم الاقرار بما عقدت لعلی من امره المومنین و من جاء بعده من الائمة منی و منه علی ما اعلمتکم ان ذریتی من صلبه فقولوا باجمعکم: انا

ص: ۴۸۴

سامعون مطيعون راضون منقادون لما بلغت عن ربنا و ربك في امر على و امر ولده من صلبه من الائمة؛ نبايعك على ذلك بقلوبنا و انفسنا و سنتنا و ايدينا... (۱) و قولوا: اطعنا الله بذلك و اياك و عليا و الحسن و الحسين و الائمة الذين ذكرت عهداً و ميثاقاً ماخوذ لامير المؤمنين من قلوبنا و انفسنا و سنتنا و مصافقه ايدينا (۲)

نبی اکرم فرمود: ای مردم از خدا بترسید و با علی امیرالمؤمنان و حسن و حسین و امامان که مانند سخن پاکیزه و پایدارند بیعت کنید و بدانید خداوند پیمان شکنان را هلاک می کند و وفاداران را مشمول رحمتش قرار می دهد، ای مردم، پیشی گیرندگان به بیعت و دوستی او [علی و ائمه] و سلام کنندگان به او به کلمه امیرالمؤمنین آنان رستگارانند در بهشت پرنعمت ... پس ندا از جماعت برخاست: با قلب و زبان و دستهایمان _ فرمان خدا و رسول او را شنیدیم و اطاعت نمودیم، سپس بسوی پیامبر و علی هجوم آورده و با زدن دست به دست پیامبر با او بیعت نمودند و نخست اولی و دومی و سومی و چهارمی و پنجمی و پس از آنان دیگران بنابر مقام و منزلتشان بیعت کردند و این کار تا اقامه نماز مغرب و عشاء که با هم خوانده شد تا سه بار، ادامه یافت و رسول خدا در اثناى هر بیعت می فرمود: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که ما را بر همه مردم برتری داد، و از همینجا، زدن دست هنگام بیعت سنت و رسم شد

معاشر الناس: فاتقوا الله و بايعوا علياً اميرالمؤمنين و الحسن و الحسين و الائمة كلمه طيبه باقيه، يهلك الله من غدر و یرحم الله من وفى ... معاشر الناس: السابقون الى مبايعه و موالاته و تسليم عليه بامر المؤمنین؛ اولئك هم الفائزون فى جنات النعيم ... فناداه القوم: سمعنا و اطعنا على امر الله و امر رسوله بقلوبنا و سنتنا ايدينا و تداكوا على رسول الله و على علي؛ فصافقوا بايديهم ... الى ان صليت المغرب و العتمه فى وقت واحد و واصلوا البيعه و المصافقه ثلاثا و رسول الله يقول كلما بايع قوم: الحمد لله الذى فضلنا على جميع العالمين و صارت المصافقه سنه و رسماً ... (۳)

مورخ شهیر، ابن خاوندشاه می نویسد: پس رسول خدا فرود آمد و در خیمه

ص: ۴۸۵

۱-۱. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۴۲ _

۲-۲. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۴۳،

۳-۳. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۴۴ و ص ۱۴۵؛ الغدير علامه امینی ج ۱ ص ۴۶۴ و ص ۴۶۵

مخصوص بنشست و فرمود: که امیرالمومنین علی در خیمه دیگر بنشیند بعد از آن طبقات خلایق را امر کرد به خیمه علی رفتند و زبان به تهنیت آن حضرت گشودند و چون مردم از این امر فارغ شدند، همسران پیامبر به فرموده رسول خدا، نزد علی رفته او را تهنیت گفتند (۱).

و جلس فی خیمته و امر علیا ان یجلس فی خیمه له بازائه ثم امر المسلمین ان یدخلوا علیه فوجا فوجا فیهنثوه بالمقام و یسلموا علیه بامرہ المومنین ففعل الناس ذلک کلهم ثم امر ازواجه و جمیع نساء المومنین معہ ان یدخلن علیه و یسلمن علیه بامرہ المومنین ففعلن _ (۲) مولا علی علیه السلام فرمود: روز غدیر خم، نبی اکرم، عمامه خودش را بر سر من گذاشت، یعنی روز غدیر خم روز تاجگذاری و نصب پادشاهی دینی، مولا علی است _ عممنی رسول الله یوم غدیر خم بعمامه سد لها خلفی (۳).

پیغمبر اسلام، عمامه ای داشت سیاه رنگ بنام سحاب که آن را در روزهای مخصوصی چون فتح مکه به سر می بست و همان عمامه را در روز غدیر خم بر سر علی بست _ (۴)؛ مولا علی فرمود: وقتی رسول خدا، عمامه خود را بر سر من بست فرمود رو به سوی من کن و علی رو به سوی او کرد و رسول خدا، متوجه اصحاب خود گردید و فرمود: تاجی را که فرشتگان بر سر خود دارند این چنین است (۵)؛ ابن عباس گفت: هنگامی که پیامبر خدا، عمامه سحاب را بر سر علی بست به او فرمود: عمامه به منزله تاج عرب است _ (۶)؛ مطابق برخی از روایات، پیامبر اسلام، بعد از واقعه غدیر و تمام شدن خطبه اش به مردم امر کرد تا به او تهنیت و تبریک بگویند؛ رسول خدا فرمود: هنتونی هنتونی، ان الله خصنی بالنبوه و خص اهل بیتی بالامامه:

مرا، تبریک بگوئید مرا تبریک بگوئید، زیرا خداوند متعال مرا به نبوت و اهل بیت مرا به امامت اختصاص داد (۷).

ص: ۴۸۶

-
- ۱- ۱. روضه الصفاء ج ۲ ص ۵۴۱، کشف الظنون ج ۱ ص ۴۱۹
 - ۲- ۲. ارشاد، مفید ج ۱ باب دوم ص ۱۸۲،
 - ۳- ۳. سنن الکبری ج ۱۰ ص ۲۴ ح ۱۹۷۳۶ مسند طیالسی ص ۲۳ ح ۱۵۴؛ فرائد السمطین ج ۱ ص ۷۶؛ فصول المهمه ص ۴۱، کنز العمال ج ۱۵ ص ۴۸۲
 - ۴- ۴. طبقات ابن سعد ج ۱ ص ۴۵۵، ریاض النضره ج ۲ ص ۲۸۹ و ج ۳ ص ۱۶۷ ح ۱۵۶۲
 - ۵- ۵. کنز العمال ج ۱۵ ص ۴۸۳ ح ۴۱۹۱۲
 - ۶- ۶. کنز العمال ج ۱۵ ص ۴۸۳، زاد المعاد ج ۱ ص ۱۲۱ ابن قیم
 - ۷- ۷. بحار الانوار ج ۳۷ ص ۱۵۹ به نقل از کتاب شرف المصطفی، حافظ ابوسعید نیشابوری خرگوشی

یا علی، العمائم تیجان العرب ... گروهی از صحابه پیامبر حدیث

من کنت مولاه فعلی مولاه را به معنای امامت مولا علی قلمداد می کردند و می دانستند، گروهی از عرب در رجه کوفه بر مولا علی وارد شدند و بر او سلام کردند، مولا علی فرمود: شما چه کسانی هستید؟ گفتند: ما موالیان تو هستیم مولا علی فرمود: چگونه شما موالیان من هستید در حالی که شما گروهی از عربید [نه از عجم که در آن زمان رسم بود که افراد غیر عرب تحت ولایت و حمایت فرد یا قومی از عرب قرار می گرفتند: آنان پاسخ دادند: ما روز غدیر خم شنیدیم که پیامبر؛ در حالی که دست تو را گرفته بود می گفت: ای مردم، آیا من نسبت به شما از خودتان سزاوارتر نیستم؟ آنان گفتند: چرا ای رسول خدا، پیامبر فرمود: خدا مولای من و من مولای مومنانم و علی مولای کسی است که من مولای او هستم، ریاح بن ثابت که راوی حدیث است می گوید: آنان گروهی از انصار بودند ابویوب انصاری نیز در میان آنان بود(۱)

جاء رهط الی علی بالرحبه فقالوا: السلام علیک یا مولا نا؛ قال: کیف اکون مولاکم و انتم قوم عرب؟ قالوا: سمعنا رسول الله یوم غدیر خم یقول: من کنت مولاه فان هذا مولاه(۲)

سوال ای جناب وهابی؟ آیا منظور این صحابه پیامبر اکرم؛ از عبارت مولانا نسبت به مولا علی؛ دوستی او بوده؟ مگر مولا علی قبلاً دشمن صحابه بوده اگر مولا را به معنای مودت و دوستی مطلق بگیریم؟ حتی حضرت علی علیه السلام از آنان سوال می کند چگونه من مولای شما هستم؟ آنان در جواب، سوال حضرت گفتند: خودمان در روز غدیر خم از پیامبر شنیدیم که فرمود: هر کس من مولای او هستم، علی مولای

ص: ۴۸۷

۱- ۱. بحار الانوار ج ۳۷ ص ۱۷۷؛ مسند احمد حنبل ج ۶ ص ۵۸۳ و ۲۳۵۱ و ۲۳۵۲؛ جامع المسانید و السنن ابن کثیر ج ۱۳ ص ۲۵۷ ح ۱۰۵۲۷؛ مسند احمد ح ۲۳۵۶۳؛ اسناد صحیح ج ۳۸ ص ۵۴۱ فضائل الصحابه احمد حنبل ص ۷۳
۲- ۲.؛ مسند احمد ج ۵ ص ۴۱۹ رقم ۲۳۶۰۹؛ فضائل الصحابه ج ۲ ص ۵۷۲ رقم ۹۶۷؛ المعجم الکبیر ج ۴ ص ۱۷۳ رقم ۴۰۵۳، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۰۳؛ المصنف ابن ابی شیبه ج ۶ ص ۳۶۶ رقم ۳۲۰۷۳؛ تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۲۱۵؛ اسد الغابه ابن اثیر ج ۱ ص ۵۳۹؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۳ ص ۱۲۰؛ السلسله الصحیحه آلبنانی ج ۴ ص ۲۴۹؛ مسند احمد حنبل رقم الحدیث ۲۲۹۴۲ حدیث مرفوع؛ اتحاف المهره ابن حجر رقم ۴۲۲۴ المعجم الکبیر طبرانی رقم الحدیث ۳۹۴۵؛ الشریعه للاجرى رقم ۱۵۰۸؛ مصنف ابن ابی شیبه رقم ۳۱۳۹۰ الاصابه ج ۱ ص ۳۰۴؛ الرياض النضرة ج ۳ ص ۱۰۹؛ البدایه و النهایه ج ۵ ص ۲۳۱ و ج ۷ ص ۳۸۴؛ تذکره الخواص ج ۱ ص ۲۶۱؛ جواهر المطالب ابن دمشقی ج ۱ ص ۸۳؛ مسند البزار ج ۳ ص ۳۵

اوست؛ این روایت صحیح بخوبی نشان می دهد که منظور، پیامبر از عبارت من کنت مولاه فعلی مولاه، در روز غدیر خم مسئله و موضوع امامت الهی علی ابن ابی طالب بوده است؛ اگر منظور از من کنت مولاه فعلی مولاه، دوستی و محبت علی علیه السلام است چرا حضرت علی صحابه پیامبر اسلام، را قسم داد هر کس در روز غدیر خم، حاضر بوده شهادت دهد و هر کس گواهی نداد به نفرین مولا علی دچار شد و به بلاهای مختلف گرفتار شدند؛ جابر بن عبدالله انصاری می گوید: مولا علی بر ایمن خطبه خواند، ایشان حمد و ثنای الهی را به جا آورده سپس فرمود: ای مردم در مقابل این منبر چهار نفر از بزرگان صحابه رسول اکرم، حضور دارند که انس بن مالک، براء بن عازب، اشعث بن قیس و خالد بن یزید باشند، سپس به انس بن مالک رو نموده فرمود: ای انس اگر تو از پیامبر، شنیدی که می فرمود: هر کس من مولای او هستم پس علی مولای اوست، سپس امروز شهادت به ولایت من ندهی، خداوند تو را نمیراند؛ تا اینکه تو را مبتلا به پیسی گرداند که عمامه هم نتواند ترا بپوشاند و اما تو ای اشعث اگر تو از پیامبر خدا، شنیدی که می فرمود: هر کس من مولای اویم از این پس این علی مولای اوست.

سپس امروز اگر به ولایت من شهادت ندهی، خداوند تو را نمیراند تا آنکه چشمانت را از بین ببرد؛ و اما تو ای خالد اگر امروز به ولایت من گواهی ندهی، خداوند تو را به مرگ جاهلیت بمیراند و اما تو ای براء بن عازب اگر امروز به ولایت من شهادت ندهی، خداوند تو را نمیراند مگر در همان جایی که از آن هجرت کرده ای؛ جابر بن عبدالله می گوید: بخدا قسم، انس بن مالک را دیدم که مبتلا به پیسی شده بود و با عمامه آنرا می پوشاند؛ اما عمامه نمی توانست پیسی او را پنهان سازد و اشعث بن قیس را دیدم؛ که چشمانش کور شده بود و می گفت: سپاس خدایی را که نفرین امیرمومنان علی ابن ابی طالب بر من که مرا کور کرد و مرا نفرین نمود که در آخرت عذاب شوم، که در آن صورت در آخرت عذاب می شدم، اما خالد بن یزید، او مُرد و خانواده اش می خواستند او را دفن کنند برایش قبری در منزل خود حفر نموده و او را دفن کردند این خبر به قبیله کنده رسیده، آنان نیز با اسب و شتر آمدند و جلوی درب خانه خالد، آنها را پی کردند پس او به مرگ جاهلیت از دنیا رفت؛ و اما براء بن عازب، معاویه ولایت یمن را به او سپرد، براء در یمن که از همان منطقه

هجرت کرده بود، از دنیا رفت (۱).

و کتیم فما فنوا من الدنيا الاعموا و برصوا _ نشد علی علیه السلام الناس انشدالله رجلاً سمع النبی یقول: من کنت مولاه فعلی مولاه.... فقام اثنا عشر بدر یا فشهدوا بذلك قال زید: و کنت انا فیمن کتم فذهب بصری فقال: ما منعک ان تقوم؟ قال یا امیر المومنین کبرت و نسیت فقال: اللهم ان کان کاذباً فاضربه ببلاء حسن قال: فماتت حتی رایننا بین عینه نکتة بیضاء لاتواریهما العمامه ... فقام نفر شهدوا انهم سمعوا ذلك من رسول الله و کتم قوم فماخرجوا من الدنيا حتی عموا و اصابتهم آفة _ و کتم قوم فما فنوا من الدنيا حتی عموا و برصوا

اگر منظور سخن پیامبر اسلام در غدیر خم از عبارت من کنت مولاه فعلی مولاه، دوستی و محبت علی علیه السلام بوده هست و بس، پس چرا نبی اکرم در خطبه غدیر خم فرمودند: ای مردم من امامت را در ذریه خودم تا روز قیامت باقی گذاشتم و من هر چه آنچه گفتمی بود گفتم و ماموریتم را کاملاً به انجام رساندم تا آنجا که برای هیچکس چه حاضر و چه غایب، چه آنان که متولد شده اند و چه آیندگان جای عذر و بهانه ای باقی نماند، پس سفارشات مرا به دیگران ابلاغ کنید حاضر به غایب و پدر به فرزند خود تا روز قیامت برسانند

فلیبلغ الحاضر الغائب و الوالد الولد الی یوم القیامه (۲).

جناب وهابی، اگر منظور نبی اکرم در واقعه غدیر خم فقط به اعلام دوستی و محبت علی علیه السلام بوده لازم نبود پیامبر اسلام در خطبه غدیر خم تاکید بفرماید حاضران به غائبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت، پیام غدیر خم را برسانند، یکی دیگر از ادله های حدیثی که ثابت می کند، روز غدیر خم روز معرفی مولا- علی جهت رهبری و امامت امت اسلام بوده، احادیثی است که در باب بزرگداشت عید غدیر خم در منابع شیعه ذکر شده است، امام صادق علیه السلام فرمود: عید روز غدیر خم روزی است که پیامبر اسلام، مولا- علی را بلند کرد و او را راهنما و رهبر مردم قرار داد، راوی از امام صادق علیه السلام ص: ۴۸۹

۱- ۱. امالی شیخ صدوق مجلس ۲۶ ص ۲۱۴ حدیث اول؛ احقاق الحق نورالله شوشتری ج ۶ ص ۳۳۱؛ گروه رستگاران آیت الله سلطان الواعظین شیرازی ج ۱ ص ۵۱۱ _ ان کنت کاذباً فاضربک الله بها بیضاء لامعه لاتواریهما العمامه _ تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۲۰۸؛ کنز العمال ج ۱۳ ص ۱۳۱ ح ۳۶۴۱۷؛ حلیه الاولیاء ابونعیم ج ۵ ص ۲۶ محاضرات الادباء ج ۲ ص ۴۱۵؛ المعارف ابن قتیبه ص ۵۸۰؛ اسدالغابه ج ۳ ص ۴۸۷ رقم ۳۳۸۸ انساب الاشراف ج ۲ ص ۳۸۶؛ المعجم الکبیر ج ۵ ص ۱۷۵ ح ۴۹۹۶؛ سیره الحلیه ج ۳ ص ۲۷۴ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۴ ص ۷۴

۲- ۲. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۳۵

سوال کرد، وظیفه ما، در آن روز چیست؟ حضرت فرمود: روزه ی آن روز به سبب قدردانی از خدا، چنانکه همه پیامبران به خلفاء و جانشینان خود، دستور دادند روز معارفه ی جانشین شدن را روزه بگیرند و آنروز را عید بدارند

فقال لی اعظمها و اشرفها یوم الثامن عشر من ذی الحجه و هو الیوم الذی اقام فیہ رسول الله امیرالمومنین و نصبه للناس علما... و كذلك امرت الانبیاء اوصیاءها.

ان یصوموا الیوم الذی یقام فیہ الوصی یتخذونه عیدا (۱)

یوم اقیم امیرالمومنین فَعَقَدَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ الْوَلَايَةَ فِي اعْتِاقِ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ بِغَدِيرِ خَمٍّ (۲) نَبِیْ اَكْرَمٍ فَرَمُودٍ: رُوزِ عَیْدِ غَدِیرِ خَمٍّ، بَرْتَرِینِ عَیْدِ اَمْتِ مِنْ اَسْتٍ؛ وَ اَنْ رُوزِی اَسْتِ كِه خَدَاوَنْدِ بِه مِنْ فَرْمَانِ نَمُودِ تَا بَرَادَرَمِ، عَلِی ابْنِ اَبِی طَالِبِ رَا بَعْنَوَانِ پَرچَمِی بَرَایِ اَمْتِ خُودِ بَرَا فَرَا زَمِ تَا پَسِ اَز مِنْ بُو سِیْلِه اَوْ، هِدَايْتِ گَرْدَنْدِ

قال رسول الله: یوم غدیر خم افضل اعیاد امتی و هو الیوم الذی امرنی الله تعالی ذکره فیہ بنصب اخی علی ابن ابی طالب علماً لامتی یهتدون به من بعدی (۳)

از جمله دلائلی که نشان می دهد، منظور نبی اکرم از عبارت من کنت مولاه فعلی مولاه در سرزمین غدیر خم، امامت و خلافت علی ابن ابی طالب بوده است قسمتی از آیه ۳ سوره مبارکه مائده معروف به آیه اکمال است، بعضی از مفسران و محدثان نامی اهل سنت نوشته اند از قول ابی سعید خدری و ابوهریره، زمانی که نبی اکرم در بیابان غدیر خم به امر خداوند، علی ابن ابی طالب، را جهت رهبری امت اسلام، نصب و معرفی کرد، این آیه نازل شد، امروز دین شما کامل شد و نعمت خودم را بر شما تمام کردم و از اسلام شما راضی شدم سپس نبی اکرم فرمود: خداوند بزرگ است که دین اسلام را به کمال رسانید و نعمت را به اتمام و راضی شد خداوند به رسالت من و امامت و ولایت علی ابن ابی طالب

عن ابی سعید خدری ان النبی یوم دعا الناس الی غدیر خم، امر بما کان تحت الشجره من الشوک فقم و ذلک یوم الخمیس ثم دعا الناس الی علی، فاخذ بضعه فرفعهما حتی نظر الناس الی بیاض ابطه ثم لکک یتفرقا حتی نزلت؟ الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا: فقال رسول الله الله اکبر

ص: ۴۹۰

۱- ۱. خصال صدوق ج ص ۶۶ باب الاربعه

۲- ۲. ثواب الاعمال صدوق ص ۱۶۰ ثواب صوم یوم غدیر خم، بشاره المصطفی عمادالدین طبری ص ۶۷۵ ح ۴۷۹

۳- ۳. امالی صدوق ص ۲۲۰ مجلس ۲۶ ح هشتم

على اكمال الدين و اتمام النعمه و رضى الرب برسالتى و الولايه لعلى (١)

شرح حال حبشون بن موسى الخلال _ عن ابى هريره قال من صام يوم ثمان عشره من ذى الحجه كتب له صيام ستين شهراً و هو يوم غدیر خم لما اخذ النبى بيد على ابن ابى طالب فقال: الست ولى المومنين قالوا: بلى يا رسول الله قال: من كنت مولاه فعلى مولاه فقال عمر بن الخطاب: بخ بخ لك يا بن ابى طالب؛ اصبحت مولاي و مولى كل مسلم فانزل الله: اليوم اكملت لكم دينكم (٢) _ رفعه ابى هريره و قال فى آخر لما قال النبى: من كنت مولاه فعلى مولاه نزل قوله: اليوم اكملت لكم دينكم (٣)

عن ابى سعيد خدرى: ان رسول الله لما نزلت عليه هذه الايه: الله اكبر على اكمال الدين و اتمام النعمه و رضا الرب برسالتى و ولايه على بن ابى طالب من بعدى ثم قال: من كنت مولاه فعلى مولاه...

نبى اکرم به مولا على فرمود: گوارا باد بر تو، ای ابوالحسن، همانا خداوند برای من آیه محکم و غیرمتشابهی نازل کرده که من و تو در آن بطور مساوی ذکر شده ایم، که خداوند فرمود: بوسیله پیامبر دینم را بر شما کامل کردم و بوسیله على نعمتم را بر شما تمام کردم (٤)

طوبای یا على، انزلت على فى وقتى هذا آیه ذکرى و اياک فيها سواء: اليوم اكملت لكم دينكم.... قال: اكملت لكم دينكم بالنبى و اتممت عليكم نعمتى بعلی ... فقال: هنيئاً لك يا ابالحسن ان الله قد انزل على آیه محكمه غير متشابهه ذکرى و اياک فيها سواء: اليوم اكملت لكم دينكم (٥) _ لما نصب رسول الله؛ علیاً يوم غدیر خم فنادی له بالولايه هبط جبرئيل عليه بهذه الايه اليوم اكملت لكم دينكم لما كان يوم غدیر خم و هو يوم ثمانى عشر من ذى الحجه قال النبى: من كنت مولاه فعلى

ص: ٤٩١

١- ١. مناقب خوارزمى حنفى ص ١٣٥ ح ١٥٢ فصل ١٤ مقتل الحسين خوارزمى ج ١ ص ٨١ فصل ٤ _ تاريخ بغداد ج ٨ ص

٢٩٠ رقم ٤٣٩٢

٢- ٢. ... تذکره الخواص ابن جوزى حنفى ص ٣٦ باب ٢

٣- ٣. ... فرائد السمطين امام جوینى شافعى ج ١ ص ٧٣ سمط اول باب ١٢، تفسير القرآن العظيم ابن كثير ج ٢ ص ١٥؛ الاتقان سيوطى ج ١ ص ٧٥ نوع ٢، در المنثور سيوطى ج ٢ ص ٤٥٧ و ص ٤٥٨، ما نزل من القرآن فى على، ابونعيم اصفهانى، با استفاده از النور المشتعل ص ٥٦ ح ٤؛ مناقب ابن مغازلى شافعى ح ٢٤ ص ٦٩؛ تاريخ مدينة دمشق ابن عساکر ج ٤٢ ص ٢٣٤؛ توضيح الدلائل ايجى [كتاب خطى]؛ الخصائص العلويه نطنزى [كتاب خطى] شواهد التنزيل حاکم حسانى حنفى ح ٢١١ ص ٨٩ _

٤- ٤. شواهد التنزيل حاکم حنفى ح ٢١٤ و ح ٢١٥ ص ٩٠

٥- ٥. ... فصول المهمه ابن صباغ مالکى ج ١ ص ٢٤٥ محاسن التاويل ج ٤ ص ٣٣ _ تفسير روح المعانى آلوسى ج ٣ ص ٢٣٤؛ المولى و الولايه من جهات مشابهه على للنبى از کتاب زين الفتى ص ٦٢٧ نقل از العاصمى؛ مناقب ابن مردويه ج ١ ص ٢٣٣ و

ص ٢٣١

مولاه: فانزل الله اليوم اكملت لكم دينكم... اليوم اكملت لكم دينكم.... عن ابى سعيد خدرى: انها نزلت على رسول الله يوم غدیر خم حين قال: لعلى من كنت مولاه فعلى مولاه (۱)

عن زید بن ارقم قال رسول الله: الا ادلكم على ما ان سالمتم عليه لم تهلكوا؟ ان وليکم و امامکم على ابن ابى طالب ... حديث الغدير سياتي ما يدل عليه فى نزول قوله تعالى: اليوم اكملت لكم دينكم (۲)

نزلت على رسول الله فى مسيره الى حجه الوداع ... انها نزلت على رسول الله يوم غدیر خم حين قال لعلى: من كنت مولاه فعلى مولاه ثم رواه عن ابى هريره و فيه انه اليوم الثامن عشر من ذى الحجه يعنى مرجعه صلى الله عليه و آله و سلم من حجه الوداع (۳)

شاید جناب وهابى به سند این روایت اشکال و ایراد بگیرد؛ چون سیوطی و ابن کثیر و آلوسی در سند این روایت که از ابوهریره و ابوسعید خدری نقل شده، خدشه وارد کرده اند، اما این روایت ۴ سند صحیح دارد که مورد بررسی قرار می دهیم؛ روایتی که احمد بن علی ابوبکر [خطیب بغدادی] در تاریخ بغداد ج ۸ ص ۲۸۹ ح ۴۳۹۲ از ابوهریره نقل کرده بطور کامل سندش صحیح و بدون هر گونه ایراد می باشد؛ راوی اول: ابن بشر ان متوفی ۴۱۵؛ ذهبی او را صدوق و ثقه دانسته _ سیر اعلام النبلاء ج ۱۷ ص ۳۱۱؛ تاریخ الاسلام ج ۲۹ ص ۲۶۴ خطیب بغدادی در ج ۱۰ ص ۱۴ رقم ۵۱۳۰ گفته: شنیده های او صحیح هست، راوی دوم: علی بن حافظ [دارقطنی] است؛ ذهبی در سیر اعلام النبلاء ج ۱۶ ص ۴۵۲ و خطیب در تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۳۴ او را تمجید کردند؛ راوی سوم: ابونصر حبشون ذهبی او را صدوق دانسته و خطیب بغدادی نیز او را توثیق کرده _ سیر اعلام النبلاء ج ۱۵ ص ۳۱۷ راوی چهارم: علی بن سعید رملی؛ ذهبی تصریح به وثاقت او کرده _ میزان الاعتدال ج ۴ ص ۱۲۵ و میزان الاعتدال ج ۵ ص ۱۵۳؛ راوی پنجم: صمره بن ربیع، او از رجال بخاری در کتاب المفرد و چهار کتاب صحیح دیگر از صحاح اهل سنت است؛ نسایی و ابوحاتم و محمد بن سعد او را ثقه دانسته اند _ تهذیب الکمال ج ۱۳ ص ۳۱۹؛ ذهبی ص: ۴۹۲

۱- ۱. مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۱۲۰

۲- ۲. ینابیع الموده قندوزی ج ۱ ص ۳۴۷ و ج ۱ ص ۳۴۳ تفسیر القرآن؛ محمد جمال الدین قاسمی ج ۶ ص ۱۸۳۴

۳- ۳. [محاسن التاویل] _ ج ۴ ص ۳۳ طبق سایت مکتبه شامله؛ البدایه و النهایه ابن کثیر ج ۴ ص ۳۸۶ و ج ۵ ص ۲۳۳؛ مفتاح النجاء بدخشی ص ۳۴ فصل ۱۱ باب ۳؛ مناقب المرتضویه؛ محمد صالح کشفی ترمذی حنفی ص ۴۰ باب اول

نیز او را مدح کرده است _ سیر اعلام النبلاء ج ۹ ص ۱۰۶ راوی ششم: عبدالله بن شوذب؛ او از رجال ابی داود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه است ذهبی می گوید: جماعتی او را توثیق کرده اند ابن حجر او را صدوق عابد معرفی نموده است _ الکاشف ج ۱ ص ۳۵۶؛ تقریب التهذیب ج ۱ ص ۴۲۳؛ تهذیب التهذیب ج ۵ ص ۲۵۵؛ ذهبی در سیر اعلام النبلاء ج ۷ ص ۹۲ او را ستایش کرده است؛ راوی هفتم: مطروراق: او از رجال بخاری و رجال مسلم و چهار نفر دیگر از صاحبان صحاح است _ تهذیب الکمال ج ۲۸ ص ۵۵۱؛ تقریب التهذیب ج ۲ ص ۲۵۲؛ ذهبی درباره او می گوید: او پیشوای زاهد و راستگوست _ سیر اعلام النبلاء ج ۵ ص ۴۵۲ راوی هشتم: شهر بن حوشب: فوثقه _ شهر حسن الحدیث و قوی امره _ شهر بن حوشب شامی تابعی ثقه _ او از رجال بخاری در کتاب ادب المفرد و مسلم و چهار نفر دیگر از صاحبان صحاح به حساب می آید _ تاریخ الاسلام ذهبی ج ۶ ص ۳۸۷: سنن ترمذی ج ۴ ص ۴۳۴ _ معرفه الثقات عجلی ج ۱ ص ۴۶۱ رقم ۷۴۱ _ تهذیب الکمال ج ۱۲ ص ۵۷۸، تقریب التهذیب ج ۱ ص ۳۵۵، رسول اسلام و مولا علی و ائمه طاهرین، آیه اکمال [آیه ۳ سوره مائده] را به امامت و خلافت، تفسیر کرده اند، که جهت نمونه بطور اختصار ذکر می شود، نبی اسلام در خطبه غدیر خم فرمود: پس امروز دین شما را به کمال رساندم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را، بواسطه ولایت ولی خود و سرپرست مردان و زنان مومن، علی بنده ام و وصی پیامبرم و خلیفه پس از او، و حجت بالغه بر خلقم؛ برای شما راضی شدم و پسندیدم

فالیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا بولایه ولیی و مولی کل مومن و مومنه علیّ عبدی و وصی نبی و الخلیفه من بعده و حجتی البالغه علی خلقی (۱)

نبی اکرم فرمود: ای مردم، بی شک، خداوند دین خود را، با امامت او به کمال رساند _ معاشر الناس: انما اکمل الله عزوجل دینکم بامامته (۲)

مولا علی فرمود: من کسی هستم که دین خداوند، بوسیله من در روز غدیر خم کامل شد

ص: ۴۹۳

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۲۱

۲- ۲. احتجاج شیخ طبرسی ج ۱ ص ۱۳۲

انا الذى اكمل الله تعالى بى الدين يوم غدیر خم (۱)

مولا على فرمود: به ولايت و امامت من، دين اين امت كامل شد و نعمت بر آنان به اتمام رسيد و خداوند از اسلام آنان راضى شد _ وان بولايتى اكمل الله لهذه الامه دينهم و اتم عليهم النعم و رضى لهم اسلامهم اذ يقول يوم الولاية لمحمد؛ يا محمد اخبرهم انى اكملت لهم اليوم دينهم (۲)

مولا على به اهل شورا، خطاب كرد و فرمود: شما را بخدا قسم مى دهم وقتى آيه ۳ سوره مائده بر پيامبر نازل شد، رسول خدا، تكبير گفت و فرمود: خداوند بزرگ است كه كامل شدن دين خدا به اتمام نبوت من و ولايت على بعد از من است، ابوبكر و عمر، بلند شدند گفتند: اى رسول خدا آيا اين آيات مخصوص على است؟

فرمود: بله، مخصوص او و اوصياء اوست تا روز قيامت... اهل شورا گفتند: اى على تو راست فرمودى.

فانزل الله تعالى ذكره: اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتى و رضيت لكم الاسلام دينا، فكبر النبى قال: الله اكبر تمام نبوتى و تمام دين الله و لا-يه على بعدى فقام ابوبكر و عمر فقالا: يا رسول الله هولاء الايات خاصه فى على؟ قال: بل فيه و فى اوصيائى الى يوم القيامه (۳)

مولا- على فرمود: گروهى اظهار داشتند كه وارثان و جانشينان پيامبر ما هستيم، پس از اظهارات آنان پيامبر، براى آخرين مناسك حج، بيرون رفت تا در برگشتن به محل غدیر خم رسيد؛ دستور داد چيزى شبیه منبر براى آن حضرت ترتيب دادند آنگاه بالای آن قرار گرفت و بازوى مرا بلند نمود تا حدى كه سفيدى زير بغلش ديده شد، سپس با صدای بلند و رسا در آن محفل فرمود: هر كه من سرپرست او هستم پس على سرپرست اوست... پس ولايت من، ولايت خداست سپس خداوند، آيه ۳ سوره مائده در آن روز نازل فرمود: پس ولايت من كمال دين و مورد رضای پروردگار قرار گرفت و خداوند اين آيه اختصاصاً درباره من نازل كرد و مرا تكريم كرد

و انزل الله عزوجل فى ذلك اليوم: اليوم اكملت لكم دينكم... فكانت ولايتى كمال الدين و رضا الرب جل ذكره و انزل الله تبارك و تعالى اختصاصاً لى و تكريماً

ص: ۴۹۴

۱- ۱. الموسوعه الكلمات الرسول ج ۴ ص ۳۷۰

۲- ۲. امالى شيخ طوسى ح ۳۵۱ مجلس ۸

۳- ۳. ينابيع الموده قندوزى حنفى ج ۲ ص ۲۱۸؛ فرائد السمطين جوينى شافعى ج ۱ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰؛

امام باقر علیه السلام فرمود: کمال الدین به ولایت و امامت علی ابن ابی طالب است

و کان کمال الدین بولایه علی بن ابی طالب (۲)

ممکن است جناب وهابی بگوید؛ چرا، امام علی به آیه ابلاغ درباره امامت خود، احتجاج نکرده است؟ اولاً رسول خدا در خطبه غدیر خم و امام باقر، که از نظر شما گذشت آیه ۶۷ سوره مائده، را درباره خلافت و امامت مولا علی، تفسیر کرده اند و بعضی از علمای اهل سنت، مثل ثعلبی، سیوطی ابن مردویه، ابن ابی حاتم و ... که در صفحات قبل اشاره شد اقرار کرده اند آیه ۶۷ سوره مائده در غدیر خم درباره مولا علی نازل شده است، جناب وهابی، بدان که سخنان و نظرات تمام چهارده معصوم علیهم السلام؛ همانند هم می باشد وقتی امام باقر می فرماید؛ آیه ۶۷ سوره مائده درباره ولایت و امامت علی در غدیر خم نازل شده است نظر امام علی همین است؛ امام صادق علیه السلام فرمود: حدیث من حدیث پدرم و حدیث جدم و حدیث حسین و حدیث حسین حدیث حسن، و حدیث حسین؛ حدیث امیرالمومنین و حدیث امیرالمومنین، حدیث پیامبر و حدیث پیامبر حدیث خداوند است

حدیثی حدیث ابی و حدیث ابی حدیث جدی و حدیث جدی حدیث الحسین و حدیث الحسین حدیث الحسن و حدیث الحسن حدیث امیرالمومنین و حدیث امیرالمومنین حدیث رسول الله و حدیث رسول الله قول الله (۳) طبق روایت صحیح السندی که خطیب بغدادی ج ۸ ص ۲۸۹ ح ۴۳۹۲ از ابوهریره نقل کرده آیه اکمل [آیه ۳ سوره مائده] در روز ۱۸ ذی الحجه که روز پنج شنبه بوده، روایت صحیح مسلم و سنن نسایی را زیر سوال می برد که از خلیفه دوم عمر ابن الخطاب نقل کرده اند آیه اکمال در شب جمعه در صحرای عرفات نازل شده (۴) _ البته مخفی نماند اهل سنت در شان نزول آیه اکمال اختلاف دارند، طبرانی در معجم الکبیر ج ۱۲ ص ۲۳۷ ح ۱۲۹۸۴ نوشته آیه اکمال در روز دوشنبه بر پیامبر نازل شده، خطیب

ص: ۴۹۵

۱-۱. روضه من الکافی ص ۹۶ _ خطبه وسیله _ اصول کافی ج ۸ ص ۲۷

۲-۲. اصول کافی ج ۱ ص ۲۹۰

۳-۳. الکافی ج ۱ ص ۵۳ ح ۱۴؛ منیه المرید ص ۳۷۳؛ الارشاد ج ۲ ص ۱۸۶؛ بحار الانوار ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۲۸؛ روضه الواعظین ص ۲۳۳؛ الخرائج و الجرائح ج ۲ ص ۸۹۵

۴-۴. صحیح مسلم ج ۴ ص ۲۳۱۳ ح ۳۰۱۷ کتاب ۵۴ کتاب التفسیر

خوارزمی از ابوسعید خدری روایت کرده، که در روز پنجشنبه آیه اکمال نازل شده

یوم دعا الناس الی غدیر خم امر بما کان تحت الشجره من الشوک فقم و ذلک یوم الخمیس (۱) عن ابی هریره قال: من صام ثمانیه عشر من ذی الحجه کتب له صیام ستین شهراً و هو یوم غدیر خم لما اخذ النبی بیدعلی...

سلمان فارسی و مقداد و ابوذر و عمار گفتند: بخدا قسم هنوز از مکان غدیر خم نرفته بودیم که آیه ۳ سوره مائده نازل شد _ فقال سلمان و المقداد و ابوذر و عمار بن یاسر و الله ما بر حنا العرصه حتی نزلت هذه الایه: الیوم اکملت لکم دینکم ... (۲)

رسول اسلام، سه مرتبه این آیه را تکرار نمود سپس فرمود: به راستی که کمال دین و تمامی نعمت و رضایت پروردگار؛ در گرو فرستادن من به سوی شماست که اعلام کنم ولایت پس از من از آن علی بن ابی طالب است

فکر رسول الله ذلک ثلاثاً ثم قال ان کمال الدین و تمام النعمه و رضی الرب بارسالی الیکم بالولایه لعلی بن ابی طالب _ (۳)

_ قال رسول الله: یوم غدیر خم افضل اعیاد امتی و هو الیوم الذی امرنی الله تعالی ذکره فیه بنصب اخی علی ابن ابی طالب علماً لامتی یهدون به من بعدی و هو الیوم الذی اکمل الله فیه الدین و اتم علی امتی فیه النعمه و رضی لهم الاسلام دیناً (۴) شبهه ای در مورد آیه اکمال، علمای سلفی و، وهابی، القاء می کنند، می گویند قبل از عبارت الیوم اکملت لکم دینکم، درباره حرمت، گوشت مُردار و خون و گوشت خوگ و گوشت حیواناتی که به غیر نام خدا، ذبح شوند و گوشت حیوانات خفه شده و به زجر کشته شده و قربانی برای بُت ها و ... قرآن صحبت کرده، پس آیه اکملت لکم دینکم ربطی به غدیر خم ندارد؟ اولاً شان نزول این آیه از منابع شیعه و سنی در مورد مولا علی در غدیر خم ذکر شده که از دیدگان شما گذشت، ثانیاً: آیات قرآن و همچنین سوره های آن بر طبق تاریخ نزول جمع آوری نشده است؛ بلکه بسیاری از سوره هایی که در مدینه نازل شده مشتمل بر آیاتی است که در مکه نازل گردیده و بعکس آیات مدنی است که در لابلای سوره های مکی مشاهده می کنیم؛ البته طرز قرار گرفتن آیات هر سوره تنها به فرمان پیامبر اکرم بوده است؛ آری اگر آیات بر

ص: ۴۹۶

۱-۱. مناقب خوارزمی حنفی ص ۱۳۵ ح ۱۵۲؛ _ تاریخ بغداد ج ۸ ص ۲۸۹ ح ۴۳۹۲ _

۲-۲. امالی صدوق ص ۶۲۲ مجلس ۵۶ ح ۱۰

۳-۳. صدوق ص ۶۲۴ مجلس ۵۶ ح ۱۰.

۴-۴. امالی شیخ صدوق مجلس ۲۶ ح ۸ ص ۲۲۰

طبق تاریخ نزول جمع آوری شده بود، جای این ایراد بود؛ ثالثاً: ممکن است قرار دادن آیه اکمال در لابلای احکام مربوط به غذاهای حلال و حرام برای محافظت از تحریف و حذف و تغییر بوده باشد زیرا بسیار می شود که برای محفوظ ماندن یک شیء نفیس آن را با مطلب ساده ای می آمیزند تا کمتر جلب توجه کند، حکم خوردن خوراک های حلال و حرام در آیه ۱۴۵ سوره انعام که یک سوره مکی است و در آیه ۱۱۵ سوره نحل که قسمتی از آن در مکه و قسمتی از آن در مدینه نازل شده و همچنین در آیه ۱۷۳ سوره بقره که در اوائل هجرت در مدینه بر پیامبر نازل شد؛ حکم اضطرار آمده است؛ آیات قرآن مجید بصورت یک کتاب کلاسیک تنظیم نشده، بلکه به همان شکلی که نازل می گشت به دستور پیامبر ثبت می شد، بنابراین ممکن است صدر آیه مورد بحث بخاطر، سوالاتی که از پیامبر در مورد گوشت های حرام شده، قبل از واقعه غدیر نازل شده باشد و بعد از مدتی واقعه غدیر پیش آمده و آیه مورد بحث نازل گشته و کتاب و نویسندگان وحی آنرا به دنبال حکم گوشت های حرام ثبت کرده باشند _ آیات ولایت در قرآن ص ۶۱ آیت الله مکارم شیرازی؛ سوال از آقایان وهابی؟ آیا روزی که موجب ناامیدی کفار و مشرکین گردید

{الیوم یئس الذین کفروا من دینکم}

، مسلمانان در آن دیگر از کفار نترسند و فقط از خداوند بترسند

فلا تخشوه و اخشون، روزی که دین اسلام در آن کامل گردید

{الیوم اکملت لکم دینکم}؛ روزی که در آن نعمت الهی تمام گردیده _ و اتممت علیکم نعمتی، خداوند در آن روز به دین اسلام راضی می گردد

_ {و رضیت لکم الاسلام دینا} _ آیا در بیان احکامی چون حرمت خون، خوک، گوشت های حلال و حرام، ویژگی های بالا وجود دارد؟ (۱)؛ اگر مقصود از اکمال دین، اکمال تشریحی بود باید بعد از نزول آیه اکمال، حکمی بر پیامبر نازل نمی گشت با اینکه مطابق روایات بسیار آیه کلاله و آیه ربا و برخی دیگر از احکام بعد از آن روز بر پیامبر نازل شد طبری از براء بن عازب؛ نقل می کند که آخرین آیه ای که بر پیامبر نازل شد آیه ۱۷۶ سوره نساء است

ص: ۴۹۷

{ يستفتونك قل الله يفتيكم في الكلاله } (۱)

طبق روایات شیعه و سنی، ابلاغ از ولایت و امامت مولا علی در غدیر خم؛ توسط نبی اکرم، آخرین فریضه واجب الهی بوده که به سبب این واجب مهم الهی، دین اسلام کامل و به اتمام نعمت؛ امت اسلام رسیدند ولی مخالفان و منکران غدیر؛ قدر این واجب مهم الهی را ندانستند، امام باقر علیه السلام فرمود: آخرین فریضه و واجب الهی که بر پیامبر اسلام، نازل شد، ولایت علی علیه السلام بود، در غدیر خم (۲)

و كانت الفريضة تنزل بعد الفريضة الاولى كانت الولاية آخر الفرائض؛ فانزل الله: اليوم اكملت لكم دينكم؛

مولا- علی فرمود: رسول اسلام، نماز و زکات و حج، را برای امت تفسیر کردند، و آیه ۵۵ سوره مائده در غدیر خم، تفسیر کردند که مردم، والیان و صاحبان امر، را بشناسند و رسول خدا، با انتصاب من برای مردم در غدیر خم، تفسیر نمود

فامر الله عز وجل ان يعلمهم و لاه امرهم و ان يفسر لهم من الولاية ما فسر لهم من صلاتهم و زكاتهم و حجهم، بنصبي للناس بغدير خم... (۳)؛ يا ايها الناس ان الله امركم في كتابه بالصلاة فقد بينتها لكم و بالزكاة و الصوم و الحج بينتها لكم و فسرتها و امركم بالولاية و اني اشهدكم انها لهذا خاصة و وضع يده علي، علي ابن ابي طالب ثم لابنيه بعده ثم للاوصياء من بعدهم... ايها الناس قد بينت لكم مفزعكم بعدى و امامكم و دليلكم و هاديكم و هو اخي علي ابن ابي طالب و هو فيكم بمنزلة فيكم فقلدوه دينكم و اطيعوه في جميع اموركم

نبی اکرم فرمود: ای مردم، خداوند در کتابش شما را به نماز دستور داده است و من آنرا، برایتان بیان کردم، نیز به زکات و روزه و حج که آنها را نیز برای شما بیان و تفسیر کردم و شما را به ولایت دستور داده است و من شما را، گواه می گیرم که ولایت ویژه این است، دستش را بر روی شانه علی نهاد و سپس برای دو فرزندش پس از او، آنگاه برای اوصیای پس از آنان از فرزند ایشان ... ای مردم، پناهگاه شما، امام شما، راهنمای شما و رهبر شما پس از خودم را، برایتان بیان کردم، او برادرم علی ابن ابي طالب است، او در میان شما، همانند من هست، بنابراین در دین خود از

ص: ۴۹۸

۱-۱. امام شناسی، علی اصغر رضوانی ج ۱ ص ۲۷۷؛

۲-۲. اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۹، مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۷۲ و ص ۷۳؛ خطط الشام ج ۶ ص ۲۴۵ محمد کرد علی

۳-۳. فرائد السمطين امام جوینی شافعی ج ۱ ص ۳۱۲ ح ۲۵

او تقلید کنید و در تمامی امورتان از او فرمان ببرید (۱)؛ امام باقر فرمود: پیامبر در حالیکه تمام شرایع و قوانین را بجز حج و ولایت ابلاغ فرموده بودند، عازم حج الوداع شد، جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت: خداوند می فرماید: من هیچ پیامبری از پیامبران گذشته را قبض روح نکردم مگر پس از کمال دین و اتمام حجت و برای تو، تنها دو موضوع باقی مانده که باید آندو را به مردم ابلاغ نمایی، یکی حکم حج و دیگری موضوع ولایت و خلافت بعد از خودت (۲).

و قد بلغ جميع الشرائع قومه غير الحج والولاية... و قد بقي عليك من ذاك فریضتان مما تحتاج ان تبلغهما قومك: فریضه الحج و فریضه الولاية و الخلافه من بعدك... جبرئیل به پیامبر اسلام نازل شد و گفت: همانا خداوند تو را امر می کند به نماز و ادا کردن، پس به آن وارد کرد، سپس نازل شد و گفت: خداوند تو را فرمان می دهد که امت خود را به زکات و ادا کردنی پس به آن و ادا کردن، سپس نازل شد و گفت: خداوند تو را فرمان می دهد که امت خود را به روزه و حج و ادا کردنی؛ پس به آن و ادا کردن، سپس نازل شد و گفت: خداوند تو را فرمان می دهد که امت خود را به ولی آنان راهنمایی کنی، همانگونه که به نماز، زکات، روزه و حج و ادا کردن کردی تا در همه اینها حجت بر آنان تمام شود (۳).

ان الله يامرک ان تدل امتک علی صلاتهم فدلهم علیها... ان الله يامرک ان تدل امتک علی صیامهم فدلهم... ان الله يامرک ان تدل امتک علی حجهم ففعل ثم هبط فقال: ان الله يامرک ان تدل امتک علی ولیهم علی مثل ما دللتهم علیه من صلاتهم و زکاتهم و صیامهم و حجهم لیلزمهم الحج فی جميع ذلك

امام رضا علیه السلام فرمود: وقتی در حجه الوداع آیه سوم سوره مائده نازل، خداوند امر به امامت مولا علی کرد، چون امامت تمام دین است

وانزل فی حجه الوداع و هی آخر عمره صلی الله علیه و آله و سلم: الیوم اکملت لکم دینکم... فامر الامامه من تمام الدین _ کمال الدین صدوق ج ۱ ص ۶۷۶ احمد بن ابی یعقوب معروف به یعقوبی صاحب تاریخ معروف یعقوبی در فصلی بعنوان ما نزل من القرآن بالمدينة می گوید: گفته شده که آخرین آیه ای که بر پیامبر نازل شد آیه اکمال [آیه ۳ سوره مائده] است؛ روایت صحیح و ثابت و صریح نیز این مطلب را

ص: ۴۹۹

۱-۱. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج ۲ ص ۲۱۸، فرائد السمطین امام حموئی شافعی ج ۱ ص ۳۱۲ ح ۲۵۰

۲-۲. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۱۸ _

۳-۳. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ج ۲۴۸ ص ۱۰۷

تایید می کند، نزول آیه در روز نص بر امیرمومنان علی ابن ابی طالب در غدیر خم است (۱)۔

عن البراء قال: آخر آیه نزلت من القرآن: يستفتونك قل الله يفتيكم في الكلاله (۲)

اما پاسخ به شبهه مغلطه دیگر جناب وهابی، گفتی که پیامبر اسلام طبق آیه ابلاغ، از مردم در غدیر خم برای تبلیغ امامت مولا علی، نگرانی و ترس نداشته، پیامبر اسلام شجاع و دلیر بوده فقط از خدا می ترسیده؟

پیامبر در قضیه وصیت نامه نوشتن [قرطاس] از عمر ابن الخطاب و هیچ کس دیگر، ترس نداشته که وصیت خود را برای نگرانی از عمر و اطرافیانش ننویسد؟ اما جواب مختصر، ترس و نگرانی یک غریزه و حالت طبیعی درونی در همه انسانهاست و در جود پیامبران هم بوده، ترس و نگرانی دو گونه است، ترس ممدوح و عقلائی و پسندیده و ترس زشت و غیرعقلانی و ناپسند، ترس و نگرانی پیامبر اسلام در تبلیغ از ولایت و امامت مولا علی، پسندیده بوده و علل هایی داشته ولی وقتی خداوند، ضمانت کرد در آیه ۶۷ سوره مائده که نبی اکرم را از شر مردم و منافق حفظ می کند که بتواند با خیال آسوده در ودای غدیر خم خطبه بخواند و علی را برای امامت و خلافت معرفی کند، پیامبر اسلام ابلاغ کرده،

ثانیاً: جناب وهابی در کتب حدیثی شما به سند صحیح آمده، نبی اکرم از عمر می ترسیده نعوذ بالله که ما این روایات را طبق قائده قرآنی و عقلی و حدیثی قبول نداریم؛ ثالثاً: مفسران سنی در ذیل آیه ابلاغ نوشته اند، نعوذ بالله، پیامبر اکرم بشدت از مردم مکه و مدینه می ترسیده _ که ما شیعیان این تفاسیر نادرست را نمی پذیریم؛ اما جواب عقلائی ما از تفاسیر صحیح، حاکم حسکانی حنفی در شواهد التنزیل ص ۱۰۷ و ص ۱۰۸ ح ۲۴۸ می نویسد: ابن عباس و جابر گفتند: خداوند، رسول اسلام را امر کرد که علی را برای مردم نصب کند تا ولایت او را به آنان خبر دهد، پیامبر اسلام از این ترسید که مردم بگویند از پسر عموی خودش طرفداری کرد و در این موضوع طعنه بزنند تا اینکه خداوند آیه ۶۷ سوره مائده را نازل کرد

فتخوف رسول الله ان يقولوا حابا ابن عمه و ان يطعنوا فی ذلک علیه،

ص: ۵۰۰

۱-۱. تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۳۵ چاپ مکتبه حیدریه سال ۱۳۸۳ هجری

۲-۲. تفسیر ابن کثیر ج ۲ ص ۴۸۳ تفسیر سوره نساء مکتبه اسلامیة، تفسیر طبری ص ۴۳۴ ح ۱۰۸۷۲ ج ۹

وقتی جبرئیل امین از سوی خدا، به نبی اسلام، دستور داد، ولایت علی را اعلام کن، نبی اکرم فرمود: خدایا، قوم من به جاهلیت نزدیکترند و بین آنها تنافس و فخر فروشی است و مردی در میان آنان نیست مگر اینکه از علی، کینه به دل دارد و من می ترسم؛ زمانی که آیه ابلاغ نازل شد، پیامبر ابلاغ کرد

فقال رسول الله: يا رب ان قومی قریبوا عهد الجاهلیه و فیهم تنافس و فخر و ما منه رجل الا و قد وتره ولیهم و انی اخاف (۱)

نبی اکرم فرود آمد و دوست نداشت از این موضع به مردم سخن بگوید چون آنان به عصر جاهلیت نزدیک بودند تا ۶ روز گذشت و خداوند این آیه را نازل کرد، فلعلک تارک بعض مایوحی، پس پیامبر تعجیل کرد تا اینکه روز ۱۸ ذی الحجه شد و آیه ابلاغ نازل گردید؛ و بعد پیامبر برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: ای مردم خداوند مرا، با پیامی بسوی شما فرستاده و من در آن درنگ می کردم از ترس آنکه مرا متهم و تکذیب کنید تا اینکه خداوند مرا وعید داد

یا ایها الناس ان الله ارسلنی الیکم برساله و انی ضقت بهاذرعاً مخالفه ان تتهمونی و تکذبونی حتی عاتبنی ربی فیها بوعد انزله علی بعد وعید (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر نسبت به قوم خود و منافقین ترسان بود، که مبادا پر کنده شده و به جاهلیت و کفر دیگری باز گردند و همچنین از دشمنی آنان نسبت به علی آگاه بود

فخشی رسول الله قومه و اهل النفاق و الشقاق ان یتفرقوا و یرجعوا الی جاهلیه، لما عرف من عداوتهم و لما تنطوی علیه انفسهم لعلی من العداوه و البغضاء (۳)

پیامبر اسلام به جبرئیل گفت: می ترسم که مردم مرا، تکذیب نموده سخنم را درباره علی گوش نکنند

فقال یا جبرئیل انی اخشی قومی ان یکذبونی و لایقبلوا قولی علی (۴)

نبی اکرم در خطبه غدیر خم فرمود: ای مردم بدانید که من در ابتدای امر از

ص: ۵۰۱

۱-۱. شواهد التنزیل ح ۲۴۸ ص ۱۰۷

۲-۲. شواهد التنزیل ح ۲۵۰

۳-۳. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۲۱،

۴-۴. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۲۲

جبرئیل خواستم مرا، از ابلاغ ولایت علی به شما معذور دارد، زیرا به این نکته واقف بودم که تعداد اهل نفاق و دغل بر پاکان امت غالبند و مسخره کنندگان اسلام را می شناسم و اگر بخواهم می توانم با نام آنها را بشمارم ولی این کار، شایسته من نیست و مورد پسند خدا نمی باشد

و سالت جبرئیل ان يستعفی لی عن تبلیغ ذلک الیکم ایها الناس لعلمی بقله المتقین و کثره المنافقین و ادغال الاثمین و ختل المستهزئین بالاسلام (۱)

ایها الناس ان الله ارسلنی برساله ضاق بها صدیری و ظننت ان الناس مکذبنی فاعدنی لابلغها او لیعدبنی (۲)

پس جناب وهابی، ترس نبی اکرم برای از بین رفتن جان مقدسش نبوده،

۱- ترس داشته مردم در تبلیغ ولایت علی او را تکذیب کنند و کافر شوند و زحمات رسالت هدر شود.

۲- به او طعنه بزنند که فامیل باز و فامیل پرست می باشد و می خواهد پسرعمو و دامادش علی را بر گردن عرب سوار کند.

۳- ترس داشته امتش متفرق و پراکنده شوند، خصوصاً در وادی غدیر

۴- ترس داشته، امتش یکباره مرتد و کافر شوند بر اثر نپذیرفتن ولایت علی چون تازه مسلمان بودند.

۵- از کینه و دشمنی ای که اکثریت تازه مسلمان از مولا علی داشته، نبی اکرم آگاه بود و می ترسید مولا علی را نپذیرند و او در وادی غدیر خم باشد و نگذارند پیامبر اسلام تبلیغش را انجام دهد.

قرآن کریم در موارد متعدد، نسبت ترس و خوف، به پیامبران الهی داده است _ سوره احزاب آیه ۳۷ و تخفی فی نفسک ماالله مبدیه و تخشی الناس _ سوره احزاب آیه ۳۷ و تخفی فی نفسک ما الله مبدیه و تخشی الناس: و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر به ترس است؛ آلوسی مفسر معروف اهل سنت در ذیل این آیه می نویسد: پیامبر از ترس طعن دشمنان اقدام به ازدواج با زینب همسر، پسر خوانده اش نمی نمود

ص: ۵۰۲

۱- ۱. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۲۷

۲- ۲. فرائد السمطین امام جوینی شافعی ج ۱ ص ۳۱۲ ح ۲۵؛ تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۳۳۱

خداوند در قرآن، نسبت ترس به حضرت موسی هم داده است

{قال رب انی اخاف یکذبون}

موسی گفت خدایا می ترسم که مرا تکذیب کنند _ سوره شعراء آیه ۱۰ الی ۱۲، سوره قصص آیه ۳۳ و ۳۴ _ انی اخاف ان یکذبونی؛ سوره طه آیه ۴۲ الی ۴۶ _ {اننا نخاف ان یفرط علینا او ان یطعنی ... قال لاتخافا _ فاخاف ان یقتلونی؛ فاخاف ان یقتلون} _ سوره قصص آیه ۳۱ و ۳۴ و ۳۳ _ سوره شعراء آیه ۱۴، سوره طه آیه ۲۱ _ قال خذها و لاتخف، سوره طه آیه ۶۷ و ۶۸ _ خیفه موسی ... قلنا لاتخف؛ قصص آیه ۳۱ _ اقبل و لاتخف، سوره قصص آیه ۲۱ _ فخرج منها خائف

در آیات قرآن آمده وقتی وحی رسید به موسی که سوی فرعون جهت انذار برو، گفت می ترسم مرا بکشند؛ وقتی عصای او به امر خدا، ازدهای عظیمی شد فرار کرد و ترسید؛ وقتی مومن آل فرعون خبر برای موسی آورد که فرعونیان می خواهند تو را بکشند، با ترس از مصر خارج شد، قرطبی مفسر نامی قرآن، اهل سنت می نویسد: خوف همراه، پیامبران بود، بخاطر معرفتی که به خدا داشته اند که فاعلی در عالم جز او نیست؛ زیرا، که گاهی خداوند هر که را بخواهد بر هر که مسلط می کند _ تفسیر قرطبی ج ۱۳ ص ۹۲ و دل علی ان الخوف قد یصحب الانبیا و الفضلاء و الاولیاء مولا علی می فرماید: اگر کسی منکر، ترس موسی که در قرآن کریم آمده شود کافر است چون سخن خداوند را منکر شده

ففررت منکم لما خفتکم فان قال قائل: انه قال هذا لغير خوف فقد کفر (۲)

نسبت خوف به حضرت هارون، سوره طه آیه ۹۲ الی ۹۴ _ انی خشیت نسبت خوف به حضرت ابراهیم _ سوره هود آیه ۷۰، سوره ذاریات آیه ۲۴ الی ۲۸؛ _ و اوجس منهم خیفه قالوا لاتخف _ ... نسبت خوف به زکریا، سوره مریم آیه ۵ _ و انی خفت الموالی من ورائی _ مقاتل در تفسیرش می نویسد: شان نزول آیه ابلاغ [آیه ۶۷ سوره مائده] این بود که پیامبر همیشه می ترسید که یهود، توطئه نموده و او را به

ص: ۵۰۳

۱-۱. روح المعانی ج ۱۶ ص ۱۲۸

۲-۲. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۴۱۲

قتل برسانند _ ذلک انه کان یخشی ان تقاتله الیهود فتقتله (۱)

ابن عطیه می نویسد: پیامبر اسلام گاهی از اوقات قبل نزول این آیه از قوم یهود و کفار می ترسید _ و ربما خافهم احیانا قبل نزول هذه الایه _ (۲)، کلبی می نویسد: خداوند، آیه ابلاغ را، نازل فرمود، چون پیامبر اسلام از دشمنانش می ترسید _ و کان رسول الله یخاف اعدا و یحترس منهم فی غزواته و غیرها (۳)

خوف پیامبران الهی از تکذیب اصحاب (۴)

خافوا ان یکون من معهم یکذبونهم، عایشه گفت: همیشه سختی ها و دشواری ها، همراه پیامبران بود، آنان می ترسیدند که از ناحیه مورد تکذیب فرار گیرند (۵)

و لولا ان قومک حدیث عهدهم بالجاهلیه فاخاف ان تنکر قلوبهم ...،

در روایات اهل سنت آمده، پیامبر اسلام، وقتی که از قومی می ترسید؛ به خدا پناه می برد _ کان اذا خاف قوما (۶)

طبق روایات سنی ها؛ قبل از آنکه آیه ابلاغ بر نبی اسلام نازل شود از او حراست و نگهبانی می شد ابن عباس گفت: همیشه از نبی اکرم، حراست می شد و وقتی که این آیه یا ایها الرسول بلغ نازل شد، نگهبانی را ترک کرد کان النبی یحرس فلما نزلت هذه الایه یا ایها الرسول بلغ... ترک الحرس (۷)

علاوه بر جریان نگهبان دایمی بر نبی اکرم، حتی در منابع اهل سنت این گونه نقل شده که اولین شبی که پیامبر وارد مدینه شده بود، خوابش نمی برد و در روایت دیگر آمده که عایشه گفت: بعد از آنکه سعد، محافظت از نبی اکرم، را به عهده گرفت، پیامبر خوابید و صدای خُرخر، پیامبر به گوش رسید _ لیت رجلاً من اصحابی صالحاً

ص: ۵۰۴

-
- ۱-۱. تفسیر مقاتل ج ۱ ص ۳۱۱
 - ۲-۲. المحرر الوجیز، ج ۲ ص ۲۱۸
 - ۳-۳. التسهیل لعلوم التنزیل ج ۱ ص ۱۸۳
 - ۴-۴. صحیح بخاری ج ۴ ص ۱۶۴۴
 - ۵-۵. صحیح بخاری ج ۲ ص ۵۷۳
 - ۶-۶. سنن ابی داود ج ۲ ص ۸۹؛ المستدرک حاکم ج ۲ ص ۱۵۴؛ البحر الزخار ج ۸ ص ۱۲۹؛ السنن الکبری نسایی ج ۵ ص ۱۸۸
 - تفسیر ابن کثیر ج ۴ ص ۷۸ و ..
 - ۷-۷. معجم ابی یعلی ج ۱ ص ۱۳۸؛ المستدرک حاکم ج ۲ ص ۳۴۲، فتح الباری ج ۶ ص ۸۲؛ منهاج السنه ابن تیمیه ج ۷ ص ۳۱۵؛ تفسیر ابن کثیر ج ۳ ص ۳۵۳؛

فسمعت غطط رسول الله في نومه (٢)

جناب وهابی، آیا این توهین به مقام نبوت نیست؛ که رسول اکرم اشرف و افضل مخلوقات را فرد ترسو و نادلیر، در قالب بعضی از روایات و تفاسیر اهل سنت و وهابیت، معرفی کرده اند و می کنید؟ به نمونه ای از شجاعت و دلاوری نبی اسلام در قالب روایات بطور مختصر می پردازیم _ به مولا علی می فرماید: وقتی که جنگ و نبرد، شدت می گرفت و نبرد تن به تن آغاز می شد به رسول خدا، پناه می بردیم و او را سپر خویش قرار می دادیم و در این هنگام هیچ کدام از ما از او نزدیکتر به دشمن نبود _ (٣)؛ عمر ابن حصین می گوید: پیامبر اسلام در برابر لشکری قرار نگرفت مگر اینکه او، اول کسی بود که ضربه میزد (٤)؛ انس بن مالک می گوید: پیامبر اسلام، زیبا روتر و بخشنده ترین و شجاعتترین مردم بود _ (٥)؛ از ابن عباس نقل شده، به خدا قسم از مادر نزایید، شجاعتتر... از رسول اسلام _ (٦)؛ در غزوه حنین، هنگامی که ترس در دل مسلمانان افتاده بود و عده زیادی از آنها فرار کرده و بسیاری کشته و زخمی شده بودند، پیامبر اسلام، در جای خود، محکم ایستاد و از چپ و راست با شمشیرش به دشمن حمله می کرد (٧) _

كان رسول الله اشجع الناس و احسن الناس و اجود الناس... (٨)

عن علي رضي الله عنه: لما كان يوم بدر؛ اتقينا المشركين برسول الله و كان اشد الناس باسا (٩)

وروي ابو الشيخ عن عمر ان بن حصين: مالقي رسول الله كتيبه الا- كان اول من يضرب... وروي الدارمي عن ابن عمر: قال: مارايت احدا، انجد ولا اجود ولا اشجع

ص: ٥٠٥

١-١. صحيح بخارى ج ٣ ص ١٠٥٧ و ج ٦ ص ٢٦٤٢

٢-٢. مسند احمد ج ٦ ص ١٤٠

٣-٣. دلائل النبوه بيهقي ج ٣ ص ٦٩

٤-٤. سبل الهدى و الرشاد، صالحى ج ٧ ص ٤٧

٥-٥. دلائل النبوه ج ٢ ص ٣٢٥

٦-٦. شرف النبى، حافظ خرگوشى ص ١٢٠

٧-٧. تاريخ طبرى ج ٣ ص ٧٦

٨-٨. بحار الانوار مجلسى ج ١٦ ص ٢٣٢

٩-٩. دلائل النبوه ج ٣ ص ٧٠ مکتبه شامله

من رسول الله: (۱)

ما ولدت النساء فصح ولا اشجع ولا اسمح من رسول الله (۲)

نبی اکرم به زبیر فرمود: خداوند، شجاعت را دوست دارد ولو به کشتن مار و عقرب باشد

ويحب الشجاعه ولو بقتل الحيه و العقرب (۳)

روایات زیادی در منابع اهل سنت و شیعه درباره ترس و نگرانی ممدوح نبی اکرم از امت اسلام آمده که بطور اختصار اشاره می شود.

۱_ نبی اکرم فرمود: بخدا قسم نمی ترسم که بعد از من مشرک شوید ولی می ترسم تنافس داشته باشید والله ماخاف علیکم ان تشرکوا بعدی و لکن اخاف علیکم ان تنافسوا: (۴)

۲_ نبی اکرم فرمود: نمی ترسم که بعد از من مشرک شوید ولیکن می ترسم دنیا پرست شوید و انی لست اخشی علیکم ان تشرکوا و لکن اخشی علیکم الدنیا (۵)

۳_ نبی اکرم فرمود: می ترسم برای امتم از امامان گمراهی

اخوف ما اخاف علی امتی الائمه المضلون

۴_ نبی اکرم فرمود: من از شرک کوچک برای امتم می ترسم

ان اخوف ما اخاف علیکم الشرك الاصغر

۵_ نبی اکرم فرمود: من می ترسم برای امتم از منافق قوی زبان

ان اخوف ما اخاف علی امتی کل منافق علیم اللسان

۶_ نبی اکرم فرمود: من برای امتم از عمل قوم لوط می ترسم

ان اخوف ما اخاف علی امتی عمل قوم لوط

۷_ ان اخوف ما اخاف علیکم ان یرج الله لکم من زهره الدنیا،

۸_ الا اخبرکم بما هو اخوف علیکم عندی من المسیح الدجال؟ قلنا: بلی قال الشرك الخفی

۹_ فوالله لا الفقراخشی علیکم و لکن اخشی علیکم ان تبسط علیکم الدنیا: نبی

-
- ١-١. سبيل الهدى صالحى شامى ج٧ ص ٤٧ مكتبه شامله
 - ٢-٢. شرف المصطفى ج٤ ص ٣٥٢ و ج٦ ص ٢٧٦
 - ٣-٣. شرف المصطفى ج٤ ص ٤٩٨
 - ٤-٤. آداب الشرعيه ص ٢٩٨ مقدسى
 - ٥-٥. فتح البارى ش ٣٨١٦

اکرم فرمود بخدا قسم از فقر بر شما نمی ترسم و لیکن می ترسم دنیا بر شما گشوده شود.

۱۰- نبی اکرم فرمود: بر شما می ترسم از ریاکاری و شهوات مخفی

ان اخوف ما اخاف علیکم الریاء و الشهوه الخفیه _ (۱)

۱۱- نبی اکرم فرمود: من برای امتم که در آخر الزمان هستند از ستاره پرستی و تکذیب قدر الهی و ظلم پادشاهان می ترسم و نگرانم _ ان اخوف ما اخاف علی امتی فی آخر زمانها؛ النجوم و تکذیب القدر و حیف السلطان؛ (۲)

۱۲- نبی اکرم فرمود: من از شهوات شکم و شرمگاه و فتنه هایی که به گمراهی می کشد برای امتم می ترسم

ان مما اخشی علیکم شهوات الغی فی بطونکم و فروجکم و مضلات الفتن (۳)؛

۱۳- نبی اکرم فرمود: از هیچ چیزی همانند فتنه زنان بر شما نمی ترسم _ ما شی اخوف عندی من النساء (۴)

۱۴- ان اخوف ما اخاف علی امتی الکتاب و اللین، نبی اکرم فرمود: من بر امتم از کسانی که قرآن را فرا می گیرند و تلاوت می کنند به آن شیوه ای که خدا نازل نکرده و ترک جماعات می کنند و قرآن را یاد می گیرند برای مجادله با اهل ایمان و تبعیت می کنند از شهوات و ضایع می کنند نماز، را (۵)

۱۵- ان اخوف ما اخاف علیکم رجل قرأ القرآن حتی اذا رثیت بهجته علیه و کان ردء الاسلام؛ انسلخ منه: _ (۶)

۱۶- ان اخوف ما اخاف علیکم، اتباع الهوی و طول الامل

_ نبی اکرم فرمود: بر شما از هواپرستی و آرزوی طولانی می ترسم (۷)

ص: ۵۰۷

۱- ۱. تحفه الاحوذی ح ۲۴۶۲؛ العلل ابن ابی حاتم ح ۱۸۱۷؛ الجواب الصحیح لمن بدل دین المسیح، ابن تیمیه ص ۳۲۷

۲- ۲. مجمع الزوائد ج ۵ ص ۲۳۷؛ مرقاه المفاتیح ح ۳۷۱۲؛ کنز العمال ج ۱ ص ۱۲۶

۳- ۳. مسند احمد ح ۱۹۳۲۹؛ البحر الزخار ح ۳۳۰۱ المعجم الصغیر ح ۵۱۲؛ السنه ابن ابی عاصم ح ۱۳

۴- ۴. طبقات الکبری ابن سعد ح ۵۸۴۵؛ حلیه الاولیاء ص ۱۶۶

۵- ۵. مجمع الزوائد ح ۳۱۸۲؛ مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۲۷ ح ۳۴۶۹

۶- ۶. مطالب العالیه ابن حجر ح ۴۵۱۴

۷- ۷. احیا العلوم غزالی ج ۶ ص ۲۴۸۰، قصر الامل لابن ابی الدنیا ح ۴۹ فتح الباری کتاب الرقاق ح ۹۶۰۵ باب فی الامل،

صحیح مسلم ج ۵ ص ۲۷۱؛ مسند احمد ح ۲۳۹۸۲؛ صحیح بخاری ح ۳۱۵۸

۱۷- اخاف عليكم ستاً، اماره السفهاء و سفك الدم و بيع الحكم و قطيعه الرحم و نشو يتخذون القرآن مزامير و كثره الشرط(۱)

۱۸- ان اخوف ما اخاف عليكم الاجوفان(۲)

نبی اکرم فرمود: من از شهوت شکم و فرج بر شما می ترسم

۱۹- ان اخوف ما اتخوف على امتي من بعدى هذه المكاسب المحرمه و الشهوه الخفيه و الرباء

نبی اکرم فرمود: من از کسب و کارهای حرام و ربا برای امتم نگرانم و می ترسم _ (۳)؛ اما گفתי پیامبر اسلام از هیچ کس خصوصاً از عمر ابن الخطاب نمی ترسیده، جناب وهابی، طبق روایات صحیح شما، نبی اسلام از خلیفه دوم، حساب می برده و می ترسیده که ما شیعیان این احادیث نامعقول را، ابداً قبول نداریم، عایشه می گوید: همواره از عمر ابن الخطاب می ترسیدم بعد از آنکه ترس پیامبر را از او دیدم؛ حریره درست کردم و نزد من سوده نشسته بود به او گفتم از آن بخور، او گفت: اشتها ندارم، به او گفتم از این غذا بخور یا آنرا بصورتت می مالم، پس غذا را به صورت او مالیدم، پیامبر اکرم در حالی که میان من و او نشسته بود خندید و از این غذا گرفتم و بصورت خودم هم مالیدم و رسول خدا، همچنان می خندید در این هنگام صدایی شنیدم که می گفت: ای عبدالله بن عمر، رسول خدا فرمود: پا شوید، صورتهایتان را پاک کنید چرا که عمر وارد می شود (۴)

قالت عائشه: لازل هائبه لعمر بعد ما رایت من رسول الله...

عایشه می گوید: از روزی که دیدم که رسول خدا، از قیافه و هیبت عمر ترسید، همیشه از عمر می ترسیدم

فمازلت اهاب عمر لهيبه رسول الله (۵)

ص: ۵۰۸

۱- ۱. المعجم الكبير ح ۱۴۵۵۰

۲- ۲. بحار الانوار ج ۷۱ ص ۲۶۹

۳- ۳. بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۵۸

۴- ۴. فضائل الصحابه احمد حنبلی ج ۱ ص ۳۴۹؛ مسند ابی یعلی ج ۷ ص ۴۴۹

۵- ۵. حدیث هشام بن عمار ج ۱ ص ۲۴۶؛ مجمع الزوائد ج ۴ ص ۳۱۶ و حدیث حسن رواه ابویعلی و رجاله رجال الصحیح، سبل

الهدی و الرشاد ج ۷ ص ۱۱۴ و ج ۹ ص ۷۰، تاریخ دمشق ج ۴۴ ص ۹۰؛ کنز العمال ج ۱۲ ص ۲۶۵؛ جامع الاحادیث سیوطی ج ۱۳

ص ۳۰۲، سنن الکبری نسایی ح ۸۵۹۵؛ المقصد العلی فی زوائد ابی یعلی کتاب النکاح؛ ح ۷۰۸؛ اتحاف الخیره المهره بزوائد

المسانید العشره ح ۲۳۹۴؛ صفوه التصوف ح ۴۰۴؛ مداراه الناس، لابن ابی الدنیا ح ۱۵۹۰- العیال ح ۵۶۱

ممکن است جناب وهابی بگوید خداوند در سره احزاب آیه ۳۹ می فرماید: پیامبران از احدی جز خداوند ترس و هراس نداشتند شما چه جوابی دارید؟ حقیر می گویم اعتقاد ما، اعتقاد قرآنی است، مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ذیل همین آیه مطالبی دارد خواندنی، می نویسد: اینکه خوف [ترس] به انبیاء نسبت داده می شود ولی خشیت از غیر خدا، از آنان نفی شده و کلمه خشیه به معنای تاثیر مخصوصی در قلب است که از برخورد ناملازمات دست می دهد و ای بسا به آن چیزی هم که سبب تاثیر قلب می شود خشیت بگویند مثلاً بگویند: خشیت ان یفعل بی فلان کذا: می ترسیم فلانی با من فلان کار را بکند، و انبیاء از خدا می ترسند نه از غیر خدا، برای اینکه در نظر آنان هیچ موثری در عالم نیست مگر خدا، و این کلمه غیر از کلمه خوف است، زیرا، کلمه خوف به معنای توقع و احتمال دادن پیش آمد، مکروهی است ولی کلمه خشیت همانطور که گفتیم به معنای تاثیر قلب از چنین احتمالی است و خلاصه کلمه خشیت به معنای حالت و امری است قلبی و کلمه خوف به معنای امری است عملی و به همین جهت خوف [ترس] را به انبیاء هم می توان نسبت داد، ولی خشیت از غیر خدا، را نمی توان به ایشان نسبت داد (۱)

از جمله آیاتی که در قرآن، نگرانی نبی اکرم از تبلیغ برای ولایت مولا علی برای امت، در ذیل تفسیر آن نشان می دهد، آیه ۱۲ سوره هود می باشد؛ زید ابن ارقم گفت: شامگاه عرفه، روح الامین با ولایت علی بر نبی اکرم نازل شد، پیامبر از ترس اهل تهمت و نفاق، دلتنگ شد و گروهی از جمله مرا، دعوت کرد و با آنان در اینباره مشورت نمود، تا در موسم آنرا، ابلاغ کند، ما نمی دانستیم به او چه بگوییم پس پیامبر گریه کرد؛ جبرئیل به او گفت: یا محمد آیا از کار خدا ناراحت هستی؟ گفت: ای جبرئیل هرگز، ولی خدای من می داند که از قریش چه کشیدم؛ هنگامی که به پیامبری من اقرار نکردند، تا اینکه خدا، مرا به جهاد با آنان فرمان داد، پس چگونه پس از من به علی، اقرار، خواهند کرد، جبرئیل پیش پیامبر رفت و آیه ۱۲ سوره هود، را نازل کرد _ (۲)، امام صادق فرمود: سبب نزول این آیه این بود که نبی اکرم

ص: ۵۰۹

۱- ۱. تفسیر المیزان ج ۱۶ ص ۴۸۶

۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۳۶۸ ص ۱۵۴، مناقب ابن مردویه ج ۱ ص ۲۶۰

خطاب به مولا علی فرمود: از خداوند خواستم تو، را وزیر خلیفه و وصی بعد از من برای امتم قرار دهد و خداوند قبول کرد تا اینکه مرد منافقی از اصحاب گفت: بخدا قسم اگر پیامبر اسلام، مشک کهنه ای می خواست که یک صاع خرما در آن بود، برای او بهتر از آن چیزی بود که طلب کرده است، این مطلب به گوش پیامبر رسید بر او گران آمد تا اینکه آیه ۱۲ سوره هود بر او نازل شد _ شاید که تو برخی از آنچه را که بر تو وحی شده رها کنی و سینه ات به آن تنگ باشد از اینکه بگویند چرا به او گنجی نازل نمی شود یا همراه او فرشته ای نمی آید

سبب نزول هذه الایه ان رسول الله خرج ذات یوم فقال لعلی یا علی: انی سالت الله اللیله بان يجعلک وزیر فی فعل و سالت ان يجعلک وصی فی فعل و سالت ان يجعلک خلیفتی فی امتی ففعل، فقال رجل من اصحابه المنافقین: والله لصاع من تمر فی شن بال احب الی مما سأل محمد ربه... قوله تعالی: فلعلک تارک بعض ما یوحی الیک وضائق به صدرک ... _ ان جبرئیل الروح الامین نزول علی رسول الله بولایه علی ابن ابی طالب عشیه عرفه فضاق بذلک رسول الله مخافه تکذیب اهل الافک و النفاق ...

اما جناب وهابی گفتی که صحابه جلوی وصیت نامه پیامبر اسلام را در روز پنج شنبه نگرفتند؟ گفتی که آیا پیامبر اسلام از عمر ابن الخطاب و صحابه ترسیده که وصیت نامه جهت امامت علی برای امت نوشته؟ اما جواب طبق صحیح ترین کتب اهل سنت، یعنی صحیح بخاری و صحیح مسلم به نقل از ابن عباس وقتی جریان جلوگیری صحابه از وصیت نامه نوشتن رسول خدا، را شرح می دهد می گوید: مصیبت و خسارت سنگین آن زمانی شروع شد که نگذاشتند رسول خدا، وصیت نامه را مکتوب کند

ان الرزیه کل الرزیه ما حال بین رسول الله و بین ان یکتب لهم ذلک من اختلافهم و لغطهم (۱)

اما گفتی که پیامبر اسلام، چه می خواسته در وصیت نامه بنویسد؟ اما جواب از کلام علمای اهل سنت، نوی شارح صحیح مسلم می نویسد: پیامبر می خواست صراحتاً بنویسد که خلیفه بعد از من کیست تا هیچ نزاعی و فتنه ای بعد از پیامبر

ص: ۵۱۰

۱- ۱. صحیح بخاری، کتاب المرضی باب ۱۷ ح ۱، صحیح مسلم، کتاب العلم باب ۳۹ ح ۴؛ کتاب المغازی باب ۸۴ ح ۵؛ کتاب ۸ الوصیه باب ۶ ح

اراد ان ینص علی الخلافه فی انسان معین لثلا- یقع نزاع و فتن، ابن حجر می نویسد: بلکه می خواست اراده کند بر تصریح اسامی جانشینان بعد از خود تا بین امت خویش اختلاف نیفتد

بل اراد ان ینص علی اسامی الخلفاء بعده حتی لایقع بینهم الاختلاف (۲)

امام غزالی می نویسد: نبی اکرم می خواست ذکر کند که چه کسی بعد از او استحقاق خلافت دارد

و اذکر لکم من المستحق لها بعدی (۳)

لاکتب لکم کتابا لا تختلفون فیہ بعدی (۴)

بدرالدین عینی می نویسد: نبی اکرم می خواست تصریح بر امامت بعد از خودش کند _ انه اراد ان ینص علی الامامه بعده _

(۵)؛ قسطلانی می نویسد: می خواست اسامی امامان بعد از خودش را بنویسد اکتب لکم کتابا فیہ النص علی الائمه بعدی (۶)

انه اراد ان یکتب اسم الخلیفه بعده لثلا یختلف الناس و لایتنازعوا (۷)

احمد امین مصری در یوم الاسلام ص ۴۱ می نویسد:

وقد اراد الرسول فی مرضه الذی مات فیہ ان یعین من یلی الامر من بعده،

اما گفتمی که آیا پیامبر اسلام به امامت علی علیه السلام در وصیت نامه تصریح و مکتوب کرد یا نه؟ اما جواب از دیدگاه اهل سنت نام مولا علی و اسامی ائمه هدی در وصیت نامه پیامبر اسلام مکتوب نشد ولی از منظر شریف اهل تشیع مکتوب شد و رسول خدا، تعدادی از کبار صحابه را برای این موضوع شاهد گرفت که عرضه می شود، عمر ابن الخطاب می گوید: پیامبر می خواست نام علی را جهت خلافت بنویسد من

ص: ۵۱۱

۱-۱. شرح صحیح مسلم، نووی ج ۱۱ ص ۹۰

۲-۲. فتح الباری ج ۱ ص ۲۰۹

۳-۳. سرالعالمین ص ۲۱، المصنف ج ۵ ص ۴۳۸ ح ۹۷۵۷ سنن الکبری ج ۳ ص ۴۳۳ ح ۵۸۵۲، البدایه و النهایه ج ۵ ص ۲۷۱؛

طبقات الکبری ج ۲ ص ۱۸۷ جامع الاصول ج ۱۱ ص ۳۸۷ ح ۸۴۹۷، سیره الحلبیه ج ۳ ص ۳۴۴

۴-۴. مسند احمد ج ۱ ص ۲۹۳ _ عمدہ القاری ج ۲ ص ۱۷۱.

۵-۵. عمدہ القاری ج ۲ ص ۱۷۱

۶-۶. ارشاد الساری ج ۱ ص ۲۰۷

٧-٧. الكوكب الدرّى فى شر صحيح بخارى، محمد بن يوسف كرمانى شمس الاثمه

نگذاشتم برای دلسوزی دین اسلام و حفظ آن بخدا قسم می دانم که قریش بر امامت علی جمع نمی شوند

و لقد اراد فی مرضه ان یصرح باسمه فمنعت من ذلك اشفاقاً و حیطة علی الاسلام لا ورب هذه البنية لاتجتمع علیه قریش ابداً
(۱)

ابن عباس پس از آرام شدن نزاع به پیامبر اکرم عرضه داشت؛ آیا من قلم و کاغذی بیاورم تا وصیت خود را بنویسید؟ حضرت فرمود: آیا پس از این نسبتی که به من دادند؟

فقیل له الا ناتیك بما طلبت قال او بعد ماذا قال؟(۲)

مولا- علی فرمود: ای طلحه، مگر تو یادت نیست که پیامبر اکرم در زمان مریضی خود، تقاضای دوات و کاغذ و شانه نمود تا مبادا بعد از او امت به گمراهی افتند و رفیقت [عمر] و قیحانه گفت: رسول خدا هذیان می گوید و با این کلام، پیامبر به خشم آمده و دست از آن کار کشید، گفت: آری من حاضر بودم، فرمود: وقتی شما خارج شدید، پیامبر مرا از مضمون آنچه می خواست بنویسد و جماعت عامه را بر آن گواه بگیرد باخبر ساخت که جبرئیل از جانب خداوند به او گفته است که قضای خداوند بر امت تو به اختلاف و تفرقه رقم خورده، سپس کاغذی طلبیده و آنچه قصد نوشتن آن را در استخوان شانه داشت بر من املاء فرمود و سه نفر را بر این کار به شهادت گرفت؛ سلمان، ابوذر، مقداد، و نام تمام امامان هدایت واجب الطاعه را تا روز قیامت نام برد؛ اول نام مرا، سپس دو فرزندم حسن و حسین و با دست به حسن و حسین اشاره فرمود؛ سپس نه نفر از اولاد فرزندم حسین را نام برد

فانکم لما خرجتم اخبرنی رسول الله بالذی اراد ان یکتب و یشهد علیه العامه فاخبره جبرئیل ان الله تعالی قد قضی علی امتک الاختلاف و الفرقه ثم دعا بصحیفه فاملی علی ما اراد ان یکتب فی الکتف و اشهد علی ذلك ثلاثه رهط: سلمان و ابذر و المقداد و سمی من یكون من ائمه الهدی الذین امر الله بطاعتهم الی یوم القیامه؛ ثم ابنی هذین و اشاره بیده الی الحسن و الحسین ثم تسعه من ولد ابنی الحسین (۳)

ص: ۵۱۲

۱- ۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی ج ۱۲ ص ۲۰ خطبه ۲۲۳

۲- ۲. طبقات الکبری ابن سعد ج ۲ ص ۲۴۲،

۳- ۳. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۳۲۴

جناب وهابی فرمودی که در آیه ۶۷ سوره احزاب، خداوند فرموده ای پیامبر، رسالت خود، را برسان و ابلاغ کن، بحث امامت در این مطرح نیست؟ رسالت پیامبر هدایت و راهنمایی مردم بوده نه امامت علی علیه السلام؟ اما جواب: بدان ای آقای سلفی اموی مسلک همانطور که بعضی از مشاهیر تفسیری اهل سنت و اهل شیعه، گفته اند، آیه ۶۷ سوره مائده در مورد مولا علی در غدیر خم نازل شده، پس این آیه به سند صحیح تفسیر بعضی از مورخان و بعضی از مفسران اهل سنت و شیعه، در مورد تبلیغ و ابلاغ نبی اکرم از امامت و خلافت علی علیه السلام است که از دید شما گذشت، ثانیاً: نبی اکرم و تمام پیامبران یک رسالت و یک تبلیغ در مسائل دینی و الهی به تنهایی نداشته اند، بلکه رسالات داشته اند، یعنی تبلیغ ها و پیام های متفاوت، قرآن کریم در سوره احزاب آیه ۳۹ می فرماید: کسانی که ابلاغ می کنند رسالت ها و پیام ها و دستور های خداوند را، یکی از مهم ترین رسالت های پیامبر اسلام و تمام پیامبران گذشته ابلاغ ولایت و امامت مولا علی بوده که بعضی از مفسران اهل سنت در ذیل آیه ۴۵ سوره زخرف نقل کرده اند که از دیدگان شما گذشت؛ در آیات قرآن کریم، نبی اسلام بیشتر بعنوان، نذیر [هشدار دهنده] بشیر [مژده دهنده] شاهد [گواه]، دعوت کننده، خبر دهنده، فرستاده شده از سوی خدا، یاد و ذکر شده

{انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله} (۱)

جناب وهابی، رسالت نبی اکرم و امامت علی وصل به هم می باشد و طبق آیه ۶۷ سوره مائده و تفاسیر ذیل آن، اتمام و کمال رسالت و نبوت نبی اکرم به ابلاغ از امامت و ولایت علی ابن ابی طالب بوده است که روایاتش در ذیل تفسیر آیه ۶۷ سوره مائده از منابع سنی و شیعه از دیدگان شما گذشت، گفتی که غیر از امام علی کسی دیگر به امامت نرسیده پس امامت کامل نشده؟ جناب وهابی، امامت از دیدگاه قرآن و احادیث شیعه و حتی روایت صحیح اهل سنت که از دیدگان کور، شما گذشت، الهی و به نص و نصب خداوند متعال است، امام معصوم چه حکومت ظاهری دنیوی بکند چه نکند، به حقیقت امام می باشد و مخالفت مخالفین از او هیچ ضرر و آسیبی به امامت خاصه ی الهی او، وارد نمی سازد؛ قرآن کریم در آیه تطهیر، آیه

ص: ۵۱۳

ولایت، آیه اطاعت [آیه ۵۹ سوره نساء] آیه ۷ سوره رعد و آیه اکمال و آیه مباحله [آیه ۶۱ سوره آل عمران] و ... نبوت نبی اکرم و امامت مولا علی را، متصل و مکمل و لازم و ملزوم همدیگر، بیان فرموده که به جهت اختصار به تفسیر بعضی از آیات کریمه قرآن در این زمینه اشاره می شود مولا علی فرمود: از رسول خدا شنیدم که فرمود: اسلام بر ۵ خصلت بنا شده است بر شهادتین و قرینتین به حضرت عرض کردند، معنای شهادتین را می دانیم اما معنای قرینتین چیست؟ حضرت فرمود: نماز و زکات که هیچ کدام از این دو، جزء با دیگری پذیرفته نمی شود و روزه و حج خانه خدا، برای همه کسانی که توانایی داشته باشند و خدا، اینها را با ولایت ختم کرده است و خداوند آیه اکمال را نازل فرمود (۱) و در صفحات گذشته از منابع تفسیری و روایی اهل سنت، اشاره شد وقتی آیه اکمال نازل شد، رسول اکرم تکبیر گفت و فرمود الله اکبر از تمام و کامل شدن دین و اتمام نعمت و رضایت خدا، از رسالت من و ولایت علی بعد از من بناء الاسلام علی خمس خصال: علی الشهادتین و القرینتین قیل له: اما الشهادتان فقد عرفنا فما القرینتان؟ قال: الصلاه و الزکاه فانه لاتقبل احدهما الا بالاخری و الصیام و حج البیت من استطاع الیه سیلا و ختم ذلك بالولایه فانزل الله عزوجل الیوم اکملت لکم دینکم... (۲)

فقال رسول الله: الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمه و رضی الرب برسالتی و الولایه لعلی _ (۳) و ... طوبای یا علی انزلت علی فی وقتی هذا، آیه ذکری و ایاک فیہ سواء: الیوم اکملت لکم دینکم... قال: اکملت لکم دینکم بالنبی و اتممت علیکم نعمتی بعلی (۴)

عن ابن عباس فی قول الله تعالی: انما ولیکم الله و رسوله یعنی ناصرکم الله و رسوله یعنی محمدا ثم قال: والذین آمنوا: فخص من بین المومنین علی ابن ابی طالب (۵)

مولا علی می فرماید: پیامبر گفت: شریکان من کسانی که خداوند آنان را به خویشتن و به من نزدیک کرده و فرموده:

ص: ۵۱۴

۱-۱. المیزان ج ۵ ص ۳۶۱

۲-۲. سیمای امیرمؤمنان درقرآن _ سید جواد رضوی ص ۱۱۷، آیات الولایه مکارم شیرازی ص ۹۶ ح ۵

۳-۳. مناقب خوارزمی حنفی ح ۱۵۲

۴-۴. شواهد التنزیل حسکانی ح ۲۱۴ ص ۹۰

۵-۵. شواهد التنزیل ح ۲۲۱ ص ۹۱

{یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول،}

اگر در کاری نزاع داشتید آنر به خدا و رسول و صاحبان امر، برگردانید، گفتم: آنان چه کسانی هستند ای پیامبر خدا؟ فرمود: اولین آنان تو هستی شرکائی الذین قرنهم الله بنفسه و بی و انزل فیهم: یا ایها الذین آمنوا؛ اطیعوا الله و اطیعوا الرسول؛ الایه: قلت: یا نبی الله من هم؟ قال: انت اولهم (۱)

نبی اکرم خطاب به مولا علی فرمود: ای علی هر کس تو را بکشد مرا کشته و هر کس دشمنی تو داشته باشد من را دشمن داشته، هر کس به تو فحش دهد به من فحش داده تو همانند نفس من هستی، روح تو روح من است و طینت تو، طینت من است، خداوند من و تو را با هم خلق کرد و برگزید من را و مقام نبوت داد و تو را مقام امامت داد، هر کس منکر امامت تو شود همانا منکر نبوت من شده است

فمن انکر امامتک فقد انکر نبوتی (۲) و من انکر امامته فقد انکر نبوتی (۳)

پس طبق این حدیث شریف نبوت رسول اسلام با امامت مولا علی بهم گره خورده است گفتی که اکثریت مردم چون ولایت و امامت علی را نپذیرفته اند رسالت پیامبر کامل نشده؟ جواب: وظیفه نبی اکرم ابلاغ رسالت به روشنی بوده که ایشان با تمام وجود و روشنی ولایت و امامت مولا علی را به امت در زمانها و مکانهای مختلف، ابلاغ فرموده اند خصوصاً در واقعه غدیر خم، ثانیاً ملاک حق، پذیرفتن اکثریت یارای اکثریت نیست؛ قرآن کریم؛ اکثریت مردم را ناسپاس می شمارد و اکثر مردم عقل ندارند و تابع هوا و هوس خودشان هستند که آیاتش بطور اختصار، ارائه می شود؛

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی رسول خدا، خطبه خود را در غدیر خم، به پایان رسانید در میان جماعت، مردی خوش سیما و معطر ظاهر شده و گفت بخدا سوگند هیچ وقت محمد را مانند امروز ندیده بودم تا این اندازه در معرفی پسرعمویش علی ابن ابی طالب و برای تثبیت امامت او اصرار و پافشاری نماید، و برآستی جز کافر به خدا و پیامبرش، هیچکس قادر به مخالفت با آن قرار داد نیست (۴)

ص: ۵۱۵

-
- ۱-۱. شواهد التنزیل ح ۲۰۲ ص ۸۲؛ اکمال الدین شیخ صدوق ج ۱ ص ۵۳۳ باب ۲۴ ح ۲۵
 - ۲-۲. امالی صدوق ج ۱ ص ۱۵۵
 - ۳-۳. امالی صدوق ج ۱ ص ۱۹۴؛ ینایع الموده قندوزی حنفی ج ۱ ص ۱۶۷، بحارالانوار ج ۳۶ ص ۲۲۸ و ج ۹۶ ص ۳۵۸ و ج ۴۲ ص ۱۹۱
 - ۴-۴. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۴۵

فقال: تالله ما رايت محمد كاليوم قط و ما يوكد لابن عمه؛ قرآن كريم در آيات متعدد مى فرمايد: پيامبران با ابلاغ رسالت را به روشنى و آشكار انجام مى دادند _ سوره نحل آيه ۳۵

{فهل على الرسل الا البلاغ المبين} سوره نور آيه ۵۴؛ سوره عنكبوت آيه ۱۸ سوره يس آيه ۱۷، سوره شورى آيه ۴۸ _ ان عليك الا البلاغ

جناب وهابى گفتى كه چون اكثريت مردم، امامت على، را نپذيرفته اند پس گمراه شده اند، پس پيامبر اكرم در ابلاغ و رسالتش موفق نبوده؟ جواب: پيامبر اسلام و همه پيامبران وظيفه اشان فقط ابلاغ و رساندن پيام خداست و هدايت بطور مطلق بدست خداست، قرآن در سوره قصص آيه ۵۶ مى فرمايد {انك لاتهدى من احببت و لكن الله يهدى من يشاء}: اى پيامبر تو [بطور استقلالى] نمى توانى هر كس را دوست دارى هدايت كنى و لكن خداوند هر كس را بخواهد هدايت مى كند، ولى قرآن در آيه ۵۲ سوره شورى مى فرمايد: و قطعاً تو نيز مردم را، به راه مستقيم هدايت مى كنى، يعنى هر كس طالب هدايت هست با لطف الهى و ارشاد پيامبر اكرم هدايت و رهنمون مى شود ولى اگر خودش نخواهد راه هدايت را طى كند مشخص است كه به راه مستقيم هدايت نمى شود، حضرت نوح پيامبر؛ ۹۵۰ سال تبليغ رسالت كرد چند نفر هدايت شدند: ۸۰ نفر؛ آيا نعوذبالله، تقصير در تبليغات نوح نبى، بوده ابدأ اشكال در نپذيرفت قوم كافر براى رسيدن به هدايت بوده است قرآن كريم مى فرمايد: اكثر مردم اهل ايمان نيستند و اكثر مردم فاسقند و بى عقل و جاهل و ناشكر و نادان _ سوره بقره آيه ۱۰۰ _ {بل اكثر هم لا-يؤمنون}؛ سوره آل عمران آيه ۱۱۰ _ {و اكثر هم فاسقون}؛ سوره مائده آيه ۱۰۳ _ {و اكثرهم لايعقلون}؛ سوره انعام آيه ۳۷ {ولكن اكثرهم لايعلمون} انعام آيه ۱۱۱ _ {اكترهم يجهلون}، اعراف آيه ۱۷ _ و لا تجد اكثرهم شاكرين، اعراف آيه ۱۰۲ و ۱۳۱؛ انعام آيه ۳۴، توبه آيه ۸، انعام آيه ۱۱۶ _ چون اكثر صحابه نبى اكرم ولايت و امامت آسمانى و الهى على را قبول نكردند از ايمان مرتد شدند فقط يك اسلام ظاهرى و پوشالى براى آنان باقى ماند امام صادق عليه السلام فرمود: همه مردم بعد از رسول خدا، مرتد شدند مگر ۳ نفر يا ۷ نفر _

ارتد الناس بعد النبي الاثلاثة او سبعة (۱)

عایشه می گوید: پیامبر که از دنیا رفت همه عرب مرتد شدند و نفاق در میان آنها اوج گرفت

عن عائشه: قالت لما قبض رسول الله ارتد العرب قاطبه و اشرابت النفاق (۲)

مزی در تهذیب الکمال نقل می کند: زمانی که رسول خدا، از دنیا رفت غیر از ۵ نفر همه مردم کافر شدند

لما مات النبي كفر الناس الاخمسه (۳)

انك لا تدرى ما احد ثو بعدك: هو الارتداد عن الاسلام

در حدیث حوض به نقل از کتاب صحیح بخاری آمده فردای قیامت تعداد بسیار زیادی از صحابه پیامبر را بسوی جهنم می برند، رسول خدا می گوید: مگر آنها چکار کرده اند؛ خطاب می آید: اینان بعد از تو مرتد شدند و به دوران جاهلیت باز گشتند (۴) - انهم ارتد و ابعذك علی ادبارهم الققهري...

فلا اراه يخلص منهم الا مثل همل النعم (۵) - انهم لم يزالو مرتدين على اعقابهم منذ فارقتهم

ابوهریره می گوید: پیامبر که از دار دنیا رفت و ابوبکر به جای او نشست تعداد زیادی از عرب کافر شدند

لما توفي النبي و استخلف ابوبكر و كفر من كفر من العرب (۶)

فاقول: اصحابي اصحابي فيقال: انهم لم يزالو مرتدين على اعقابهم منذ فارقتهم

جناب وهابی بدان طبق آیات کریمه قرآن خصوصاً آیه ۷ سوره رعد، مولا- علی، هادی امت و بشریت بعد از نبی اکرم می باشد و هر کس طالب هدایت باشد بوسیله

ص: ۵۱۷

۱- ۱. اختصاص شيخ سفيد ص ۶، مفتاح السعاده ج ۷ ص ۹۶

۲- ۲. البدايه و النهايه ابن كثير ج ۶ ص ۳۶۶، نيل الاوطار شوکانی ج ۱ ص ۳۵۸؛ تفسير قرطبي ح ۸ ص ۱۴۷؛ طبقات الكبرى ج ۴ ص ۱۸۱؛ المستدرک حاکم ج ۱ ص ۵۴۴، تاريخ دمشق ج ۳۰ ص ۳۱۴، لسان العرب ج ۱ ص ۶۸۱؛

۳- ۳. تهذيب الكمال ج ۲۱ ص ۵۵۷ البدايه النهايه ج ۸ ص ۵۷۹؛ تهذيب التهذيب ابن حجر ج ۸ ص ۱۰؛ تاريخ الاسلام ذهبي ج ۴ ص ۷۰۰؛ النهايه في غريب الحديث ج ۲ ص ۲۱۴ تفه الاحوذی ج ۹ ص ۷

۴- ۴. صحيح بخاری ج ۸ ص ۱۲۱

۵- ۵. ... صحيح بخاری ج ۴ ص ۱۶۸

۶-۶. صحیح بخاری ج ۲ ص ۱۰۵ و ج ۹ ص ۱۵، صحیح بخاری ج ۸ ص ۱۲۱ ح ۶۵۸۵ و ح ۳۳۴۹

او، هدایت می شود به دین خدا و صراط مستقیم، در تفسیر آیه ۷ سوره مبارکه رعد آمده که نبی اکرم دست بر سینه خودش گذاشت فرمود من انذار دهنده هستم و با دست اشاره به دوش علی کرد و فرمود: ای علی تو هادی و هدایتگر هستی، مهتدون بوسیله تو هدایت می شوند

واخرج ابن جریر و ابن مردیه و ابونعیم فی المعرفه و الدیلمی و ابن عساکر و ابن النجار عن ابن عباس قال: لما نزلت: انما انت منذر و لكل قوم هاد: وضع رسول الله یده علی صدره فقال انا المنذر و او ما بیده الی منکب علی فقال: انت الهادی یا علی بک یهتدی المهتدون من بعدی (۱)

نبی اکرم می فرماید: شبی که مرا به معراج بردند، ندا دهنده ای از پشت سر من نداد، داد ای محمد، همانا تو بیم دهنده هستی و برای هر قومی هدایت کننده ای است، گفتم من بیم دهنده ام، هدایت کننده کیست؟ گفت: علی، هدایت کننده و هدایت شده است و با رحمت من، رهبر امت پیشانی سفید و دست و پا سفید بسوی بهشت من است (۲)

قلت: انا المنذر فمن الهادی؟ قال: علی الهادی المهتدی؛ القائد امتک الی جنتی غراء محجلین برحمتی (۳)

نبی اکرم به عمار یاسر فرمود: اگر تمام مردم به راهی می روند و علی علیه السلام به راه دیگر، پس راهی را برو که علی می رود و بی نیاز شود از مردم، ای عمار، علی تو را از هدایت برنگرداند و دلالت بر هلاکت ننماید ای عمار، اطاعت علی اطاعت من است و اطاعت من اطاعت خداست.

سیکون فی امتی من بعدی هنات حتی یختلف السیف فیما بینهم و حتی یقتل بعضهم و حتی یرا بعضهم من بعض فاذاء رایت ذلک فعلیک بهذا، الاصلع عن یمینی علی ابن ابی طالب و ان سلک الناس کلهم وادیا و سلک علی وادیا فاسلک

ص: ۵۱۸

۱- ۱. تفسیر الدر المنثور سیوطی ص ۳۷۵ ج ۸؛ تفسیر ابن کثیر ج ۴ ص ۴۳۵؛ تفسیر طبری ج ۱۶ ص ۳۵۳ ح ۲۰۱۶۱ - تفسیر بحر المحيط ج ۵ ذیل آیه؛ تفسیر کبیر فخررازی ذیل آیه، تفسیر ابن عطیه اندلسی ج ۵ ص ۱۷۹ تفسیر ابن ابی حاتم ج ۷ ح ۱۲۱۵۲؛ قال علی: رسول الله المنذر و انا الهادی - المستدرک حاکم مساله ۴۷۰۲ کتاب معرفه الصحابه هذا حدیث صحیح الاسناد؛ تفسیر حبری ص ۲۸۱؛ المعجم الصغیر ج ۱ ص ۲۶۱؛ تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۳۷۲؛ مجمع الزوائد ج ۷ ص ۴۱؛ فتح القدر ج ۳ ص ۶۶؛ تاریخ دمشق ج ۲ ص ۴۱۵؛ تاریخ بغداد ج ۱ ص ۱۲۶

۲- ۲. شواهد التنزیل حاکم حسکانی حنفی ح ۴۰۳ ص ۱۶۴

۳- ۳. الکشف و البیان ثعلبی ج ۵ ص ۲۷۲، کفایه الطالب گنجی ص ۲۳۳، تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۵۹؛ نظم درر السمطین ص

وادی علی و خل عن الناس، ان علیاً لایردک عن هدی و لایدلک علی ردی؛ یا عمار؛ طاعه علی طاعتی و طاعتی طاعه الله (۱)

اذا رایت علیاً سلک وادياً و سلک الناس وادياً غیره؛ فاسلک مع علی ودع الناس (۲) در روایات اهل سنت و شیعه در باب مخالفت مردم با ۱۲ ائمه هدی از لسان مقدس رسول اکرم و مولا علی آمده است که مخالفت، جدایی و دوری عامه مردم از آنان هیچ گونه ضرر و آسیبی به امامت الهی آنان وارد نمی سازد، بلکه این ضرر شامل حال مردم می شود؛ نبی اکرم فرمود: این امت ۱۲ و قیم سرپرست دارد که هر کس آنان را واگذارد؛ به آنان ضرر نمی رسد و تمام آنان از طایفه قریش هستند یکون لهذه الامه اثنی عشر قیماً لایضرهم من خذلهم کلهم من قریش (۳)

مولا علی فرمود: برای امت اسلام بعد از نبی اکرم، ۱۲ امام می باشد که مخالفت مخالفین ضرر و زیان به امامت و خلافت آنان وارد نمی سازد و از آن ۱۲ امام، اولین آنها من هستم و آخرین نفر آنها مهدی موعود است لهذه الامه بعد نبيها اثنا عشر اماماً لایضرهم خلاف من خالفهم... هولاء الاثنا عشر اولهم انا و آخرنا القائم المهدي (۴)؛ قال علی: فان لهذه الامه اثنا عشر اماماً هادين مهديين لایضرهم خذلان من خذلهم (۵)؛ قال النبی لایعز نک جهل الجاهلین

نبی اکرم به جنبد یهودی فرمود: جهل جاهلان نسبت به امامت ائمه ۱۲ گانه تو را به شگفتی نیاورد (۶)

بدان ای وهابی از قرآن و روایات و تاریخ اسلام بی خبر؛ طبق کتب حدیثی و تاریخی و فتوایی علمای شما؛ خلافت ابوبکر؛ خلیفه اول در لوح محفوظ الهی و در آسمان ها؛ نزد خداوند مکتوب و معلوم بوده و خلافت ابوبکر آسمانی بوده قبل از آنکه زمینی و دنیوی باشد؟! - ابن تیمیه حرانی ملعون ناصبی رهبر فکری وهابیت از

ص: ۵۱۹

-
- ۱-۱. المناقب اخطب خوارزمی حنفی ح ۲۳۲ فصل ۱۶ ص ۲۵۱ باب جهاد حضرت با اهل صفین و ۱۱۰ فصل ۸
 - ۲-۲. فراد السمطین امام جوینی شافعی ۱ ص ۱۷۸ ح ۱۴۱ سمط ۱، باب ۳۶، ینابیع الموده قندوزی نفی ۱ ص ۳۸۴ باب ۱۱ ص ۴۳ الفردوس دیلمی ج ۵ ص ۳۸۴ ۸۵۰۱ حرف الیاء، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۴۲ ص ۴۷۲ رقم ۴۹۳۳ تاریخ بغداد ج ۱۳ ص ۱۸۷ رقم ۷۱۶۵ شرح حال معلی بن عبدالرحمن الواسطی
 - ۳-۳. معجم الکبیر طبرانی ج ۲ ص ۱۹۶
 - ۴-۴. ینابیع الموده قندوزی حنفی ج ۳ ص ۲۸۵
 - ۵-۵. کمال الدین صدوق ج ۱ ص ۲۹۷
 - ۶-۶. ینابیع الموده ج ۳ ص ۲۸۵

قول امام ادریس شافعی ؛ رهبر دینی فرقه شافعی نقل می کند که شافعی گفت ؛ خلافت و رهبری ابوبکر صدیق !!! حق و قضای الهی در آسمان ها بوده - مجموعه الفتاوی ابن تیمیه ج ۵ ص ۵۳ ؛ شرح الفتوی الحمویه ج ۱۵ ص ۶ ؛ اثبات علو الله ج ۱ ص ۶۷ التوجیری ؛ العقیده الحمویه الکبری ابن تیمیه ص ۳ ؛ مجله البحوث الاسلامیه ج ۱۲ ص ۱۶۳ - و قال الشافعی : خلافت ابی بکر الصدیق حق قضاه الله فی السماء سؤال جناب وهابی !؟ چگونه ابوبکر در آسمان ها به امر و قضای خداوند ؛ خلافت می کرده جواب بده ؟ مرجوم علامه امینی در کتاب گران مایه الغدیر ج ۷ ص ۳۴۶ و ص ۳۴۷ از منابع روایی اهل سنت نقل کرده که نام ابوبکر بعنوان وزیر و جانشین نبی اکرم بر چهره کره خورشید حک شده بوده !!؟ - عمده التحقيق فی بشارت آل الصدیق ؛ عبیدی مالکی ؛ حاشیه روض الراحین ص ۱۸۴ یافعی ؛ نزهه المجالس صفوری ج ۲ ص ۱۵۳ ؛ تحفه الصدیق ج ۱ ص ۱۰۵ ؛ در روایت جعلی دیگر آمده که خداوند در لوح محفوظ برای ابوبکر و عمر و عثمان پیمان گرفته که هیچ کس جزء مومن متقی شما را دوست ندارد - الغدیر ج ۷ ص ۴۲۹ ؛ در یک روایت جعلی دیگر که در توسل آدم به اشباح نورانی !! ابوبکر و عمر و عثمان آمده ؛ خداوند به آدم می فرماید : اینان از همه آفریدگانم نزد من گرامی هستند - ریاض النضره ج ۱ ص ۳۰ - الغدیر ج ۷ ص ۴۳۱ ؛ در روایات اهل سنت آمده زمانی که خداوند ؛ ارواح را آفرید در میان ارواح ؛ روح ابوبکر را برگزید - ان الله لما اختار الارواح اختار روح ابی بکر - کشف الخفاء عجلونی ج ۲ ص ۴۱۹ ؛ سفر السعاده ص ۱۴۱ میزان الاعتدال ج ۲ ص ۲۵۹ و ص ۲۶۰ شماره ۱۹۰۷ - شب های پیشاور ج ۱ ص ۵۱۲ و ص ۵۱۳ و ص ۵۱۴ جلسه ۵ ؛ نبی اکرم بقول احادیث جعلی اهل سنت فرموده : من از نور خدا خلق شدم و ابوبکر از نور من خلق شده است - خلقنی الله من نوره و خلق ابابکر من نوری - الفوائد المجموعه ج ۱ ص ۳۳۱ - شرف المصطفی ج ۵ ص ۴۵۹ ح ۲۴۳۵ ؛ میزان الاعتدال ج ۱ ص ۱۶۶ ؛ ریاض النضره ج ۱ ص ۵۱ - و قال هولاء اکرم عندی من جمیع خلقی ... رب بحرمة اولئک الاشباح الخسمة الذین فضلتمهم - رسائل و مقالات ؛ سبحانی ج ۳ ص ۵۳۰ - و نقش علی وجه الشمس اسم وزیره ؛ اعنی ابابکر صدیق المصطفی - ليله عرج بی الی السماء فما مررت بسماء الا وجدت اسمی مكتوباً محمد رسول الله و ابوبکر الصدیق من خلفی ؛

خیر امتها من بعدی ابوبکر و عمر زینهما الله بزینة الملائكة و جعل اسماءها مع انبيائه و رسله فی دیوان السماء - اما جناب وهابی گفتی که اهل بیت رسالت ائمه طاهرین چگونه قبل از آمدن به عالم دنیای خاکی ؛ حکومت می کردند ؛ خوب است جواب شبهه و سواالت را از آلوسی مفسر نامی اهل سنت دریافت کنی - بسیاری از صوفیه (قدس الله اسرارهم) با استدلال به آیه ۵۵ مائده به خلافت بلافضل امام علی بعد از نبی اکرم استدلال می کنند اما مراد آن ها از خلافت و حکومت ؛ خلافت باطنی و معنوی است ؛ یعنی همان خلافت ارشاد و تربیت و یاری و تصرف روحانی نه خلافت ظاهری که اقامه حدود ظاهری ؛ تجهیز سپاه و غیره است ؛ زیرا خلافت ظاهری در نگاه آن ها همان نظر اهل سنت است و فرق بین خلافت ظاهری و باطنی مثل فرق بین پوست و مغز است ؛ پس خلافت باطنی مغز و اصل خلافت ظاهری است و با آن از حقیقت اسلام دفاع می شود در حالی که با خلافت ظاهری از صورت اسلام محافظت می گردد ؛ خلافت باطنی همان مرتبه قطب در هر زمان است و گاهی با خلافت ظاهری جمع می شود مثل زمانی که علی علیه السلام خلافت ظاهری هم داشته و همچنان که در مهدی جمع می شود ؛ خلافت باطنی و نبوت ؛ برادران رضاعی اند و سخن نبی اکرم که می فرماید : من و علی از نور واحد خلق شده ایم اشاره به همین دارد و این خلافت باطنی در علی کرم الله وجهه به نحو اتم وجود دارد - الخلافه الباطنه التي هي خلافة الارشاد و التریبه و الامداد و التصرف الروحاني ... و الفرق عندهم بين الخلافتين كالفرق بين القشر و اللب فالخلافه الباطنه لب الخلافه الظاهره و بها يذب عن حقيقه الاسلام ... و هي مرتبه القطب فی كل عصر و قد تجتمع مع الخلافه الظاهره كما اجتمعت فی علی کرم الله تعالی وجهه ایام امارته ... و هي و النبوه رضیعا ثدی و الی ذلك الاشارة بما یروونه عنه علیه الصلاه و السلام من قوله : خلقت انا و علی من نور واحد و كانت هذه الخلافه فيه کرم الله تعالی وجهه علی الوجه الاتم - روح المعانی ج ۳ ص ۳۵۲ ؛ شیخ عارف ابن معتوق مصری درباره مقامات اهل بیت اشعاری دارد من جمله می نویسد ؛ شما امامانی هستید که خداوند پیش از آفرینش خلق از خلق برایشان پیمان گرفت - ائمه اخذ الله العهود لهم ... علی جمیع الوری من قبل خلقهم - ینایع الموده ج ۶ ص ۲۳۰ باب ۸۷- ینایع الموده ج ۲ ص ۱۱۴ باب ۲۴- یا آدم هذه الاشباح ؛ اشباح افضل

ینابیع الموده ج ۲ ص ۱۱۶ باب ۲۴ - فقلت له : یا ابن رسول الله فما یعنی بقوله : فاتمهن ؟ قال : یعنی اتمهن الی القائم المهدی اثنی عشر اماماً تسعه من ولد الحسین - همانطور که اشاره شد از آلوسی سنی در روح المعانی که چون نور وجود نبی اکرم و علی از یک نور واحد خلق شده اند قبل از خلافت و آن دلیل ولایت و امامت باطنی علی علیه السلام است خود مولا علی هم به این نکته امامت و ولایت باطنی و قبل از خلقت مخلوقات که امامت داشته اشاره فرموده اند ؛ مولا علی فرمود : ای سلمان و ای جنذب من و محمد یک نور بودیم که قبل از همه تسبیح می گفتیم قبل از مخلوقات اشراق داشتیم و خداوند ؛ آن نور ؛ را به دو قسمت کرد یک نصف آن پیامبر برگزیده و نصف دیگر وصی مورد رضایت - مشارق الانوار الیقین ص ۵۱۳ - کنت و محمداً نوراً نسبح قبل المسبحات و نشرق قبل المخلوقات فقسم الله ذلك النور نصفین نبی مصطفی و وصی مرتضی ؛ امام ششم فرمود : آیا نمی دانی که محمد و علی ؛ نوری نزد ؛ پروردگار ؛ دو هزار سال قبل از آفرینش خلق بودند و همانا فرشتگان زمانی که نور ؛ را دیدند برای آن اصل و ریشه ای دیدند که از شعاعی درخشان منشعب شده بود ؛ پس عرض کردند : معبود و سرور ما این نور چیست ؟ خداوند به آنان وحی فرمود : این نوری از نور من است اصلش نبوت و شاخه و فرعش امامت است اما نبوت و پیامبری برای محمد ؛ بنده و رسولم است و اما امامت پس برای علی ؛ حجت و ولیم است و اگر این دو نفر نبودند آفریدگانم را نمی آفریدم - الجوهر السنیة فی الاحادیث القدسیة باب ۱۲ ص ۴۱۱ و ص ۴۱۲ ان محمد و علیاً كانا نوراً بین یدی الله قبل خلق الخلق بالفی عام و ان الملائكة لمارات ذلك النور ؛ رات له اصلاً قد انشعب منه شعاع لا مع فقال : الهنا و سیدنا ما هذا النور ؟ فاوحی الله الیهم : هذا من نوری اصله نبوه و فرعه امامه ؛ اما النبوه فلمحمد عبدي و رسولی و الامامه فلعلی حجتی و ولیی و لولا - هما ما خلقت خلقی - الجوهر السنیة ح ۵۸ باب ۱۲ ص ۴۱۲ - و اخرج من ذلك النور ائمه یقومون بامری و یهدون الی حقی و اجعلهم خلفائی فی ارضی بعد انقضاء وحیی - الجوهر السنیة ح ۷۰ ص ۴۲۲ باب ۱۲ - قال لنبی آدم : اقروا لله بالربوبیه و لهولاء النفر بالطاعة و الولایه - الجوهر السنیة ح ۸۰ ص ۴۳۲ باب ۱۲ - فرغ راسه آدم فنظر الی ساق العرش فاذا علیه

مکتوب: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ابن ابی طالب امیرالمؤمنین - الجوهر السنیه ح ۸۳ ص ۴۳۴ باب ۱۲ - الجوهر السنیه ص ۵۰۰ ح ۱ باب ۱۳؛ الجوهر السنیه ص ۵۱۲ باب ۱۳ ح ۱۱ - لاقامت السموات و الارض الابان کتب فیها: لا اله الا الله محمد رسول الله علی امیرالمؤمنین - الجوهر السنیه ص ۵۲۰ ح ۱۷ باب ۱۳ - اخذت ولایته علی الذر قبل خلق السموات و الارض بالفی عام - فرائد السمطین جوینی شافعی ج ۱ ص ۳۶ و ص ۳۷ - یا آدم هولاء صفوتی من خلقی ... حضرت آدم بر ساق عرش نگاه کرد؛ دید بر عرش نوشته شده است؛ لا اله الا الله؛ محمد رسول الله؛ علی مقیم الجنه من عرف حق علی زکی و طاب و من انکر حقه؛ لعن و خاب - مناقب خوارزمی حنفی مکی ح ۳۲۰؛ تفسیر آیه ۴۵ سوره زخرف که از منابع موثق اهل سنت در صفحات فصل اول کتاب ذکر شد؛ تمام انبیاء الهی بر اساس امامت مولا علی مبعوث شده اند؛ پس ایشان ذاتاً از سوی خداوند؛ امام و پیشوا بوده اند که رسولان حق؛ بر مبنای تبلیغ از امامت الهی ایشان مبعوث به رسالت و نبوت شده اند - اتانی ملک فقال یا محمد سل: من ارسلنا من قبلک من رسلنا: علی ما بعثوا؟ قال: علی ما بعثوا؟ قال: علی ولایتک و ولایه علی بن ابی طالب - مسعودی شافعی و سبط بن جوزی حنفی؛ خطبه ای از مولا علی نقل کرده اند که اشاره دارد به امامت الهی اهل بیت قبل از خلقت موجودات - تذکره الخواص ص ۱۲۱ و ص ۱۲۲ باب ۶ - مروج الذهب ج ۱ ص ۲۶؛ نزهه المجالس ج ۲ ص ۹۶ - مشارق الانوار الیقین ص ۱۰۵ و ص ۱۰۶ و ص ۱۰۷؛ و عندک مستودع الانوار ... و انصب اهل بیتک علماً للهدایه و اودع اسرارهم ... و اجعلهم حجتی علی بریتی ... ثم اخذا الحق سبحانه علیهم الشهاده بالربوبیه ... و ان الامامه فیهم و النور معهم ... فنحن انوار السموات و الارض ... و بمهدینا تقطع الحجج فهو خاتم الائمه ... و منتهی النور ... اثبات الوصیه مسعودی ج ۱ ص ۹؛ بحار الانوار ج ۷ ص ۳۰۰ مرحوم علامه امینی در کتاب شریف الغدیر ج ۷ ص ۳۶۶ و ص ۳۶۷ اشعاری از علمای اهل سنت درباره خلقت مولا علی قبل از خلقت دنیوی که سروده اند نقل فرموده اند که حضرت معلم جبرئیل بوده است بسا هنگام که تو راهبر فرشتگان بودی و برای پاسداری از آبرو و آیین ایشان به راهنمایی پرداختی؛ روزی که پروردگار آسمان؛ جبرائیل را آواز داد و گفت: من کیستم؟ او اندکی فکر کرد و اگر

تو نبودی پاسخی به آن نیکویی را نتوانست یافت - دیوان شیخ صالح تمیمی ص ۴؛ دیوان عبدالباقی افندی ص ۱۲۶؛ دیوان عمری؛ - یوم نادى رب السماء جبرئیلا

* قائلاً: من انا فروى قليل و هو لولاك فاته الاهتداء - تحفه المجالس ص ۸۰- انوار النعمانيه ج ۱ ص ۱۵ (سایت شبکه الفكر للكتب الـكترونيه) - و روى صاحب بستان الكرامه ان النبى كان جالساً و عنده جبرائيل فدخل على؛ فقام له جبرائيل؛ فقال النبى: اتقوم لهذا الفتى؟ فقال له: نعم ان له على حق التعليم فقال النبى كيف ذلك التعليم يا جبرائيل؛ فقال: لما خلقنى الله تعالى سألتنى من انت و ما اسمك و من انا و ما اسمى فتحيرت فى الجواب و بقيت ساكناً ثم حضر هذا الشاب فى عالم الانوار و علمنى الجواب فقال: قل انت ربي الجليل و اسمك الجليل و انا العبد الذليل و اسمى جبرائيل - انوار النعمانيه ج ۱ ص ۲۷ نور نبوى - مشارق الانوار ج ۱ ص ۱۱۲؛ غايه المرام ج ۳ ص ۱۹؛ كتاب ديوان عبدالباقي افندی (سایت بوابه الشعراء - (قصيده يا عليا به تباهى العلاء)

در این رابطه که اهل بیت رسالت و ائمه طاهرين معلم فرشتگان بوده اند با سند در کتب شیعه نقل شده است؛ نبی اکرم فرمود: چگونه ما از فرشتگان برتر نباشیم در حالی که پیش از ایشان به پروردگارمان؛ معرفت پیدا کرده و به تسبیح و تهلیل و تقدیسش پرداخته ایم زیرا؛ اول موجودی که پروردگار عالمیان آفرید ارواح ما بود؛ پس از آفریدن آنرا به توحید و تحمیدش گویا ساخت؛ سپس فرشتگان را آفرید؛ ایشان وقتی مشاهده کردند که ارواح ما یک نور است امر ما را بزرگ شمردند و ما برای اینکه فرشتگان بدانند؛ مخلوق حضرت جلال هستیم و او از صفات ما مخلوقات مبراء است؛ حضرتش را تسبیح و تنزیه نمودیم؛ فرشتگان که چنین دیدند آن ها نیز با تسبیح ما به تسبیح حق پرداخته و نیز چون شان ما را با عظمت دیدند؛ رای این که بدانند معبودی غیر از حق نیست و ما بندگان او بوده و آفریدگار نیستیم به تهلیل آن حضرت پرداخته و هر معبودی غیر از او را نفی نمودیم و وقتی فرشتگان چنین دیدند آنان نیز به گفتن لااله الا الله مبادرت ورزیدند... پس فرشتگان به واسطه ما به یکتاپرستی و تسبیح و تهلیل و تحمید و تمجید نمودن باری تعالی ارشاد و راهنمایی شدند - علل الشرايع ج ۱ باب ۷ حدیث اول ص ۴۴ و ص ۴۵ - فقالت الملائكة: الحمد لله فبنا اهتدوا الى معرفه توحيد الله و تسبيحه و تهليله و

تحمیده و تمجیده ... فکیف لانکون افضل من الملائکه و قد سبقناهم الی معرفه ربنا و تسبیحه و تهلیلہ و تقدیسه ؛ لان اول ما خلق الله عزوجل خلق ارواحنا فانطقنا بتوحیده و تحمیده ... در روایات و ادعیه ما شیعیان آمده از لسان شریف ائمه هدی که امامت ایشان قبل از خلق مخلوقات و موجودات و عالم هستی از جانب حق تعالی بوده است - المزار الکبیر المشهدی) ج ۱ ص ۵۴۱ - اسلام علیک یا من بدالله فی شانه - ای اراد الله امامته او بدابها قبل خلقه - ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاخبار ؛ علامه مجلسی ج ۹ ص ۲۱۲ ؛ بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۹ ؛ روایت جالبی اهل سنت نقل کرده اند نوشته اند خداوند دو لباس همزمان با خلقت آسمان ها و زمین آفریده و در روز قیامت بر بدن عثمان می پوشاند ؛ وقتی به قول شما وهابی ها از روز اول ؛ خداوند لباس کرامت برای عثمان ذخیره و تقدیر کرده برای روز قیامتش چگونه امامت و خلافت الهی ائمه طاهرین ما را که از کتب شیعه و سنی و آیات قرآن اشاره شد ؛ از قبل خلقت موجودات و خلایق ؛ تقدیر نکرده باشد و برای شما وهابی ناصبی ؛ مایه تعجب و شگفتی باشد؟! - مختصر تاریخ دمشق ج ۱۸ ص ۳۰۵ ؛ نزهه المجالس ج ۲ ص ۱۶۵ ؛ الریاض النضره ج ۱ ص ۵۴ ؛ تاریخ دمشق ج ۴۴ ص ۱۹۱ - و یکسی عثمان حلتین فیقال له البسهما فانی خلقتهما و ادخرتهما حین انشات خلق السماوات و الارض - روایات جعلی دیگر متأسفانه در کتب برادران محترم اهل سنت موجود است که اشاره به خلافت و امامت خلفای ثلاثه قبل از آفرینش عالم خاکی دنیا دارد که مختصراً ؛ اشاره می شود ؛ نبی اکرم فرمود : هیچ درختی در بهشت نیست جزء آنکه بر هر ورقه ی آن نوشته شده : لا اله الا الله ؛ محمد رسول الله ؛ ابوبکر الصدیق ؛ عمر الفاروق ؛ عثمان ذورالنورین؟! - المعجم الکبیر ج ۱۱ ص ۶۳ ؛ رسول اکرم فرمود : همانا خداوند برای ابوبکر در اعلاء علیین گنبدی از یاقوت سفید قرار داده ... برای آن چهار هزار درب است ؛ هرگاه ابوبکر مشتاق لقای خدا شد دری از آن باز می شود و به خدا ؛ نظاره می کند؟! - تاریخ بغداد ج ۵ ص ۴۴۱ ؛ ابوهیره نقل کرده : هنگامی که جبرئیل با رسول خدا بود ناگهان ابوبکر گذر کرد ؛ حضرت فرمود : این ابوبکر است ای جبرئیل آیا او را می شناسی ؟ گفت : همانا او در آسمان مشهورتر است تا در زمین ؛ ملائکه او را حلیم قریش می نامند - المجروحین ج ۱ ص ۱۳۰ ؛ نبی اکرم فرمود : خداوند و مومنان اباء دارند جزء ابوبکر را - و یابی

الله و المومنون الا- ابابكر - صحيح بخارى ج ٤ ص ١٨١٤ باب ١٦- صحيح مسلم ج ٤ ص ١٨٥٧ ابن حجر و شارح عقیده طحاویه و ابو نعیم به این حدیث نیز برخلاف ابوبکر استدلال نموده اند - صواعق المحرقه ج ١ ص ٥٨ ؛ شرح العقیده الطحاویه ص ٤٧٢ ؛ کتاب الامامه ص ٢٥٢ جناب وهابی گفتی چون امام علی و سایر ائمه شیعه ؛ بطور کامل حکومت و خلافت دنیوی نداشته اند بخاطر عدم پیروی مردم و غضب خلافت ظالمین ؛ پس نعوذ بالله امامتشان (از جهت معنوی) به درد خودشان می خورد؟! خوب است جواب این هرزه گویی وهابی مزدور نو کیسه را از زبان علمای اهل سنت ارائه بدهم ؛ هنگامی که علی علیه السلام به کوفه درآمد ؛ حکیمی عرب بر او ؛ وارد شد و عرض کرد : ای علی بخدا قسم تو خلافت را آراستی نه خلافت تو را و تو خلافت را والایی بخشیدی نه اینکه خلافت تو را والایی بخشد و او به تو محتاج تر بود ؛ بیش از تو به آن - ینابیع الموده ج ٤ ص ٣٨٢ باب ٥٩ ؛ صواعق المحرقه فصل ٣ ص ١٢٦ و ص ١٢٧ من الباب الثامن فی فضائل الامام علی - لقد زینت الخلافه و ما زینتک الخلافه و رفعتها و ما رفعتک الخلافه و هی کانت احوج الیک منک الیها - احقاق الحق ج ٣١ ص ٥٥٨ ؛ فیض القدیر ج ٤ ص ٣٥٦ - صواعق المحرقه ج ٢ ص ٣٧٤- اذمر ابوبکر فقال جبریل هذا ابوبکر فقال اتعرفه یا جبریل قال نعم انه لفی السماء اشهر منه فی الارض و ان الملائکه لتسمیه حلیم القریش - اللالی المصنوعه ج ١ ص ٢٧٠ - ان الله تعالی ادخر لابی بکر الصدیق فی اعلی علین قبه من یاقوته بیضاء - تاریخ بغداد ج ١١ ص ١٠٨ ح ٥٠٢٦- فی الجنه شجره او ما فی الجنه شجره : ما علیها ورقه الا مکتوب علیها لا اله الا الله محمد رسول الله ابوبکر الصدیق ... - المعجم الکبیر ج ١١ ص ٧٦ ح ١١٠٩٣- الا- بانہ الکبری ج ٩ ص ٥٧٦ ح ١٤٧- سمط النجوم ج ٢ ص ٤٣٢- کنز العمال ج ١١ ص ٥٥٠ ح ٣٢٥٨٦- ان الله جعل ابابکر خلیفتی - لما خلق الله العرش کتب علیه بقلم من نور ... لا اله الا الله محمد رسول الله ... و افضلها ابوبکر الصدیق - کنز العمال ج ١١ ص ٥٥٠ و ج ١١ ص ٥٥٦ ح ٣٢٦١٥-

جناب وهابی گفتی که چون اکثریت مردم، امامت علی علیه السلام را قبول نکردند، و همه ائمه ۱۲ گانه شیعه به حکومت ظاهری دنیوی نکرده اند، پس طبق عقیده شما شیعیان، رسالت پیامبر و دین خدا، کامل نشده و به سرانجام نرسیده؟ اما جواب: اولاً: طبق روایات شیعه و بعضی از منابع اهل سنت که ذکر شده، آیه ۳ سوره مائده در وادی غدیر خم بر، پیامبر نازل شد بعد از معرفی علی علیه السلام ولی جناب وهابی، طبق قول خلیفه دوم شما، جناب عمر ابن الخطاب، دین اسلام بعد از کامل شدن رو به نقصان است و ناقص می شود، بعضی از مفسران اهل سنت در ذیل آیه اکمال از قول عمر ابن الخطاب نوشته اند هیچ چیز کامل نمی شود مگر اینکه بطور یقین ناقص می شود

قال عمر: لم يكمل شيء قط الا ناقص (۲)

ما شیعیان امامیه طبق قول خداوند در قرآن ذیل آیه اکمال، قبول داریم، دین اسلام با معرفی مولا علی در غدیر خم بدست نبی اکرم، به کمال رسید و دین ناقص نمی شود، نقص از ما مسلمین است، نقصی و اشکالی در دین خدا نیست؛ پس جناب وهابی طبق اقرار، خلیفه دوم عمر ابن الخطاب، دین شما ناقص است، نه اسلام ما که با معرفی امام علی در غدیر خم بدست پیامبر به کمال رسید، جناب وهابی گفتی که رسول اسلام در یوم الدار؛ طبق اعتقاد و منابع شیعه، امامت علی، را بیان کرد، دیگر لازم نبود رسول اکرم در صحرای غدیر خم، دوباره امامت علی علیه السلام را بیان و تکرار کند، اما جواب جناب وهابی، بدان منابع شیعه قضیه یوم الدار و یوم النذار، را نقل نکرده اند، بلکه منابع مهم تفسیری حدیثی و تاریخی اهل سنت نقل کرده اند(۳)

عن البرا قال لما نزلت و انذر عشیرتک الاقربین جمع رسول الله بنی عبدالمطلب و هم یومئذ اربعون رجلاً....(۴)

ص: ۵۲۷

۱-۱. فتح الباری ج ۱۶ ص ۳۳۸

۲-۲. تفسیر در المثنور ذیل آیه، تفسیر طبری، مصنف ابن ابی شیبہ ج ۸ ص ۸؟ ح ۱۰۷ کتاب الزهد

۳-۳. مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۱۱۱ مسند علی بن ابی طالب و ج ۱ ص ۱۵۹؛ الکشف و البیان ثعلبی ج ۷ ص ۱۸۲ ذیل آیه ۲۱۴ سوره شعراء

۴-۴. مناقب خوارزمی ص ۱۳ ص ۲۱۱ خطبه ۲۳۸؛ الکامل ابن اثیر ۲ ص ۶۳؛ دلائل النبوه بیهقی ج ۲ ص ۱۷۹؛ المختصر فی اخبار البشر؛ ابی الفداء ج ۱ ص ۱۱۶ فصل ۵؛ السیره الحلبيه ج ۱ ص ۲۸۵، خصائص نسائی ص ۸۶، المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۴۳ ح ۴۶۵۲؛ ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۱۲ باب ۳۱؛ کفایه الطالب گنجی ص ۲۰۵ باب ۵۱؛ تفسیر بغوی ج ۳ ص ۴۰۰؛ تاریخ دمشق ۶۷ ص ۱۶۳؛ کنز العمال ج ۱۳ ص ۵۸؛ تفسیر خازن ج ۵ ص ۱۲۷؛ تاریخ ابن الوردی ج ۱ ص ۹۹؛ الوفاء باحوال المصطفی ابن جوزی ج ۱ ص ۱۸۳ اللباب فی علوم الکتاب ج ۱۵ ص ۹۳ ابن عادل دمشقی و

— فایکم یوازرنی علی هذا الامر علی ان یکون اخی و وصی و خلیفتی فیکم... انا یا نبی الله اکون وزیرک علیه فاخذ برقبتی ثم قال: ان هذا اخی و وصی و خلیفتی فیکم.... انا یا نبی الله اکون وزیرک علیه فاخذ برقبتی ثم قال: ان هذا اخی و وصی و خلیفتی فیکم فاسمعوا له و اطیعوا

ثانیاً: جناب وهابی شان نزول آیه درباره انذار و دعوت رسول اکرم جهت انذار و ارشاد اقوام نزدیک خودش از جناب خداوند بوده و این دعوت بصورت خاص بوده نه عام، قضیه تبلیغ نبی اکرم درباره امامت مولا علی در غدیر خم برای نصب و معرفی عمومی مولا علی، برای تمام مسلمین بوده، ولی معرفی مولا علی در یوم الدار، جهت خلافت بعد از خودش در ضمن و خلال دعوت خاص نبی اکرم جهت ارشاد و انذار قوم نزدیکش به گواهی توحید و نبوت خودش بوده است؛ انذار در دعوت به توحید و نبوت خلاصه نمی شود؛ بلکه همه معارف و احکام اسلامی را شامل می شود و امامت یکی از معارف و احکام مهم اسلامی است، نبی اکرم به فرزندان عبدالمطلب فرمود: من بسوی شما بطور خاص و بسوی مردم بطور عام، فرستاده شدم

فقال: یا بنی عبدالمطلب انی بعثت الیکم خاصه و الی الناس عامه ان الله قد بعثنی الی الخلق کافه و بعثنی الیکم خاصه... و انذر عشیرتک الاقربین و انا ادعوکم الی کلمتین خفیفین علی اللسان ثقیلین فی المیزان: شهاده ان لا اله الا الله و انی رسول الله ... فلم یجبه احد منهم فقام علی فقام: انا یا رسول الله فقال: اجلس فانت اخی و وزیری و وصی و وارثی و خلیفتی من بعدی:

نبی اکرم در مکانها و زمانها و مناسبت های مختلف و متفاوت، ولایت و امامت مولا علی، را بیان و تشریح نموده من جمله در قضیه یوم الدار، با اینکه رسول اکرم در ازمنه و امکانه مختلف، امامت علی علیه السلام را به امت، تذکر داد ولی باز اکثر امت اسلام، زیر بار امامت حقه الهی حضرت نرفتند و از صراط مستقیم منحرف شدند، جناب وهابی گفتی که امامت علی علیه السلام، قبل از خلقت مخلوقات از سوی خداوند، تقدیر نشده و این مسخره است که علی علیه السلام قبل از آفرینش موجودات، خلیفه خدا، باشد؛ آیا علی علیه السلام در آن زمان خلافت می کرده و امام بوده؟ اما جواب؛ جناب وهابی مسئله خلافت و امامت الهی تنها به خلافت ظاهری و دنیوی نیست، خلافت ظاهری یکی از شئون امام

معصوم از جانب خداست، در این رابطه که مولا- علی قبل از خلقت مخلوقات، خلیفه خدا و رسول اکرم بوده از منابع اهل سنت، خدمت شما جناب وهابی، احادیثی بطور اختصار، ارائه می شود؛ نبی اکرم بوده از منابع اهل سنت، خدمت شما جناب وهابی، احادیثی بطور اختصار، ارائه می شود؛ نبی اکرم فرمود: همانا براستی خداوند متعال نازل کرد، قطعه ای از نور و آنرا ساکن کرد در صلب کمر، حضرت آدم، بعد آن نور، را دو قسم کرد، قسمی در صلب عبدالله و قسمی را در صلب ابی طالب قرارداد سپس خارج کرد مرا پیامبر و خارج کرد علی را بعنوان وصی من

ان الله عزوجل انزل قطعه من نور فاسکنها فی صلب آدم فساقها حتی قسمها جزء ین جزء أ فی صلب عبدالله و جزءاً فی صلب ابی طالب، فاخرجنی نبیاً و اخرج علیاً وصیاً (۱)

نبی اکرم فرمود: من و علی نوری بودیم در پیشگاه خداوند و تسبیح و تقدیس می کردیم خداوند را، قبل از خلقت آدم به هزار سال، سپس خداوند، آدم را آفرید و آن نور، را در صلب او قرار داد و آن نور دو قسمت شد در صلب عبدالمطلب، یک قسمت نور نبوت من شد و یک قسمت نور خلافت در علی شد

كنت انا و علی نورا بین یدی الله عزوجل یسبح الله ذلک النور و یقدسه قبل ان یخلق الله آدم بالف عام؛ فلما خلق الله آدم ركب ذلک النور فی صلبه فلم یزل فی شیء واحد حتی افترقنا فی صلب عبدالمطلب، ففی النبوه و فی علی الخلافه (۲)

نبی اکرم فرمود: همانا زمانی که خداوند، آسمانها و زمین را آفرید، آنها را فراخواند و ایشان جواب دادند، پس نبوت من و ولایت علی ابن ابی طالب را بر آنها عرضه فرمود و آنها نیز پذیرفتند سپس خلق را آفرید ان الله لما خلق السموات و الارض دعاهن فاجبته فعرض علیهن نبوتی و ولایه علی ابن ابی طالب فقبلتا هما ثم خلق الخلق (۳)

نبی اکرم فرمود خداوند به من فرمود: ای محمد همانا من تو را و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از صلب حسین را، از نوری از نور خودم آفریدم و ولایت آنان را بر اهل آسمان و زمین عرضه کردم هر کس پذیرفت نزد من از مومنان است و هر

ص: ۵۲۹

۱-۱. مناقب ابن مغازلی شافعی ۱۳۲ ص ۱۲۱

۲-۲. مناقب ابن مغازلی شافعی ۱۳۰ ص ۱۲۰

۳-۳. مناقب خوارزمی ج ۱۵۱، کنز العمال ج ۱۵ ص ۱۲۷

کس قبول نکرد از کافرین است یا محمد انی خلقتک و خلقت علیاً و فاطمه و الحسن و الحسين من ولده من نوری و عرضت و لایتکلم علی اهل السماوات و الارض (۱)

نبی اکرم فرمود: اگر مردم می دانستند چه زمانی علی را به امیری مومنان انتخاب کردند، برتری او را انکار نمی کردند، او زمانی امیر مومنان شد که آدم بین روح و جسد بود و هنوز روح در بدن او وارد نشده بود، خداوند می فرماید: و هنگامی که پروردگارت از فرزندان آدم از پشت های ایشان، نسل ایشان را بیرون آورد و ایشان را شاهد بر خویش گرفت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا، پس فرمود: من پروردگار شمایم؛ محمد پیامبر شما و علی امیر شما (۲)

لوعلم الناس متی سَمی علی امیرالمومنین ما انکر و افضله؛ سَمی امیرالمومنین و آدم بین الروح و الجسد . قالت الملائکه بلی فقال: انا ربکم، محمد نیبکم علی امیر کم (۳)

و انهما کانا نوراً واحداً قبل خلق الخلق... (۴)

انی و اهل بیتی کنا نوراً نسعی بین یدی الله قبل ان یخلق الله آدم.... (۵)

خلقت من نور الله و خلق اهل بیتی من نوری _ (۶)

خلقت من نور الله و خلق اهل بیتی من نوری _ (۷)

ان قریشاً انت نوراً بین یدی الله قبل ان یخلق آدم بالفی عام ... (۸)

اما پاسخ به شبهه و توهین رکیک جناب وهابی، گفتمی که طبق آیه ۳۶ سوره توبه که در تفاسیر شیعه آمده راجع به ۱۲ امام معصوم شیعه است آن چهار تا امام حرامی شما کیستند؟ اما جواب: در تفسیر البرهان ج ۲ ص ۱۲۳ منظور از ۱۲ ماه، ۱۲ امام معصوم شیعه است، امام صادق علیه السلام فرمود: مراد و منظور از ۱۲ ماه در مکتوب خدا این

ص: ۵۳۰

۱- ۱. مقتل الحسین خوارزمی نفی ص ۹۵

۲- ۲. الفردوس الاخبار، دیلمی ج ۳ ص ۳۹۹ ح ۵۱۰۴

۳- ۳. المناقب المرتضویه محمد صالح کشفی ترمذی حنفی ص ۱۰۲، ینابیع الموده ج ۳ ص ۳۸۰ و ج ۱ ص ۴۲۲

۴- ۴. فرائد السمطین امام جوینی شافعی ج ۲ ص ۲۳۳

۵- ۵. ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۴۵

۶- ۶. ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۴۵

۷- ۷. ینابیع الموده ج ۱ ص ۱۰۰ باب اول

۸- ۸. الشفاء قاضی عیاض ج ۱ ص ۸۳؛ ینابیع الموده ج ۱ ص ۱۲۸

هاست: امیرمؤمنان علی، حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت بن الحسن جابر عبدالله انصاری از تعداد امامان از نبی اکرم سوال کرد، حضرت فرمود: از تمامی اسلام از من سوال کردی، تعداد امامان بعد از من به تعداد ماه های سال است چنانکه در قرآن آمده، تعداد امامان به تعداد چشمه هایی است که برای حضرت موسی جاری شد، تعداد امامان به تعداد نقیبان قوم بنی اسرائیل است، اول آنان علی ابن ابی طالب است و آخر آنان حضرت مهدی است (۱)۔ طبق روایتی که علامه مجلسی در بحار الانوار ج ۲۴ ص ۲۴۰ از الغیبه شیخ طوسی ص ۱۰۴ نقل کرده، منظور از ۴ ماه حرام که حرمت و احترام دارند مانند سایر ائمه هدی، مولا علی و علی زین العابدین و علی رضا و علی الهادی علیهم السلام اجمعین هستند، فیروز آبادی لغت دان بزرگ عرب بطور قطع شهور، را جمع کلمه ی شهر به معنای عالم می داند در لسان العرب نیز چنین آمده:

الشهور: العلماء

به علاوه در چندجای قرآن خداوند متعال کلمه ی اشهر را در جمع به معنای ماه آورده است نه کلمه شهور را، بنابراین منظور از ۱۲ شهور در واقع دوازده عالم است؛ (۲)، حضرت ابوطالب اشعاری دارد که عبارت الشهور، در آن آمده و به معنای عالمان است، من روز مواجه با صدای نفس اسب ها هستم که در پی آگاهان و عالمان را در بردارد

فانی و الضر و ابیح کل یوم و ماتتلو السفاء سره الشهور (۳)

و فی شهر ابی طالب یمدح سیدنا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فانی و الضوابع کل یوم و ما تتلوا السفاسره الشهور

شهور جمع شهر است ولی نه به معنای ماه، بلکه به معنای عالم و دانشمند، شهری که به معنای ماه است جمعش اشهر است در قرآن کریم، شش اشهر آمده که در تمام موارد به معنای ماه ها است ولی فقط یکبار، شهور آمده در قرآن کریم هر جا می خواهد شهر را به معنای ماه بیاورد اشهر می گوید مانند:

ص: ۵۳۱

۱- ۱. مائه منقبه ابن شاذان قُمی منقبت ۴۱

۲- ۲. الانصاب فی النص علی الائمة ص ۷۳

۳- ۳. القاموس المحيط ج ۲ ص ۶۵، لسان العرب ج ۴ ص ۴۳۳

فاذا انسلخ الاشهر الحرام يا، الحج اشهر معلومات (۱)

والاربعة الحرم الذين هم الدين القيم، اربعة منهم يخرجون باسم واحد، على اميرالمومنين و ابى على بن الحسين، و على بن موسى و على بن محمد فالقرار بهؤلاء هو الدين القيم

تاويل الايات ج ۱ ص ۹۸ ح ۹۰، مرحوم نعمانی در كتاب الغيبه باب ۴ ص ۱۲۰ ح ۳۸ شماره ۱۷ می نویسد: پس تنها شناخت ماهها که محرم، صفر، ربیع و بعد از آن و ماه های حرام، رجب، ذوالعقده و ذی الحجه و محرم، است نمی تواند آئین پابرجای الهی باشد چون یهودیان و مسیحیان و مجوس و سایر ملل و ادیان همه مردم از موافق و مخالف اسلام این ماهها را می شناسند و آنها را با نامشان می شمارند، بلکه مقصود حضرات ائمه هدی هستند که بر پا دارندگان دین خدا هستند و منظور از آن ۴ ماه مورد احترام، مولا علی و علی زین العابدین و علی رضا و علی الهادی هستند که نامشان از نام خدا، مشتق شده است و در حقیقت با عبارت اربعة حرم، خداوند، خواسته اشاره به ۴ نام علی که در ائمه طاهرین هست اشاره کند،

فقام جابر بن عبدالله الانصاری فقال: يا رسول الله و ماعده الائمہ؟ فقال: يا جابر سالتني عن الاسلام با جمعه عدتهم عده الشهور و هي عندالله اثنا عشر شهرا في كتاب الله دشمنان خدا و اهل بيت عصمت، خصوصاً با مولا علی و نام علی بشدت متنفرد و مخالف بودند، مورخین نوشته اند: بنی امیه چون می شنیدند، نوزادی نام علی دارد او را می کشتند(۲)

كانت بنو اميه اذا سمعوا بمولود اسمه علي قتلوه

اما در پایان ما سوالاتی بکنیم از جناب وهابی، شما که شیعه امامیه را تکفیر می کنید به علل مختلف که یکی از آن علل ها این است که شیعه، ائمه طاهرین را برتر از پیامبران غیر از رسول اسلام می داند، در کتب دسته اول حدیثی شما آمده که رسول اسلام که سید و سرور پیامبران و خلائق است حضرت موسی و یونس را از او برتر و بالاتر می دانید؟ آیا این احادیث شما، مخالف قرآن و روایات صحیح و قائده عقلی و دینی نمی باشد؟ با کمال تاسف می بینیم در کتاب صحیح بخاری ج ۲ ص ۸۴۹ ح ۲۲۸۰ کتاب ۴۹ روایتی نقل شده که نبی اکرم فرمود: من را بر موسی

ص: ۵۳۲

۱- ۱. سوره بقره آیه ۱۹۷ بقره آیه ۲۲۶؛ بقره ۲۳۴؛ توبه آیه ۲ و ... الغيبه طوسی ج ۱ ص ۱۴۹

۲- ۲. تاریخ دمشق ج ۴۱ ص ۴۸۱ تهذیب الکمال مزی ج ۲۰ ص ۴۲۹، سیر اعلام النبلاء ذهبی ج ۷ ص ۴۱۳

برتری ندهید _ چرا که چون قیامت برپا می شود؛ مردم که همه مرده اند من اولین کسی هستم که برخواهم خواست در این هنگام موسی در کنار عرش ایستاده خواهد بود و من نمی دانم آیا او از کسانی است که مرده و زودتر از من برخواسته و یا اصلاً نمرده _ لاتخیرونی علی موسی؛ ابن حجر یکی از شارحان صحیح بخاری بر این مطلب اعتراف می کند که این روایت می تواند بر افضلیت و برتری حضرت موسی بر پیامبر خاتم دلالت داشته باشد _ فهی فضیله ظاهره و ان کان ممن استثنی الله فلم یصعق فهی فضیله ایضاً (۱)؛ اسماعیل بخاری در بیش از هفت جا از کتاب خود مورد دیگری را درباره پیامبر اکرم نقل می کند: شایسته نیست من را بر حضرت یونس برتر بدانید _ لاینبغی لعبد ان یقول اننا خیر من یونس بن متی (۲)

و این روایات با قرآن کریم و روایات صحیح شیعیه و سنی مخالف و در تضاد شدید است قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۵۳ و سوره اسراء آیه ۵۵ می فرماید: بعضی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری دادیم؛ نبی اکرم فرمود: من سرور و سید و بزرگ فرزندان آدم هستم [یعنی از تمام پیامبران افضل هستم] _ انا سید ولد آدم (۳) نبی اکرم فرمود: من سرور و پیش رو تمام پیامبران هستم _ انا قائد المرسلین (۴)؛ انا سید الناس (۵) _ رسول اکرم فرمود: من سید و سرور پیامبران هستم _ انا سید النبیین (۶) _ انا سید الاولین و الاخرین (۷) جمله دلائلی که در قرآن اشاره دارد، رسول اسلام بر تمام پیامبران، برتری دارد، ۱_ سوره اسراء آیه اول _ ۲_ رسیدن به مقام قاب قوسین ادنی ثم دنا فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی [سوره نجم ۸ و ۹] _ ۳_ شاهد بودن بر انبیای دیگر امته در پیشگاه خداوند _ {فکیف اذا جنا من کل امه بشهید و جئنا بک علی هولاء شهیداً} _ سوره نساء آیه ۴۱

۴_ رحمه للعالمین بودن {و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین} [سوره انبیاء آیه

ص: ۵۳۳

-
- ۱- ۱. فتح الباری ج ۶ ص ۴۴۵
 - ۲- ۲. صحیح بخاری ج ۳ ص ۱۲۴۴ ح ۳۲۱۵ کتاب ۶۴
 - ۳- ۳. صحیح مسلم ح ۴۲۳۰؛ الجامع ترمذی ح ۳۰۹۲، سنن ابی داود ح ۴۰۵۵، سنن ابن ماجه ح ۴۳۰۶
 - ۴- ۴. سنن دارمی ح ۴۹، مسند احمد ح ۱۰۷۵۶، صحیح ابن حبان ح ۶۶۱۶؛ المستدرک حاکم ح ۴۱۲۰
 - ۵- ۵. مستخرج ابی عوانه ح ۳۲۵
 - ۶- ۶. بحار الانوار مجلسی ج ۳۸ ص ۱۷ و ج ۳۶ ص ۲۴۳
 - ۷- ۷. بحار الانوار ج ۲۶ ص ۳۱۶

۱۰۷] ۵_ عبودیت خاص و مطلق سوره کهف آیه ۱، سوره فرقان آیه ۱_ { الحمد لله الذی انزل علی عبده الكتاب } ۶_ بهره مندی از خلق عظیم {و انک لعلی خلق عظیم} [سوره قلم آیه ۴] ۶_ نخستین مسلمان { و انا اول المسلمین } سوره انعام آیه ۱۶۲_ ۷_ سوره احزاب آیه ۷_ {واذا اخذنا من النبیین میثاقهم و منک}، و ... یکی از روایاتی که در منابع روایی اهل سنت در مناقب عمر ابن الخطاب آمده و آن منقبت دلیل بر، برتری عُمر بر تمام پیامبران است که خلاف قرآن و عقل می باشد، این است که شیطان از سایه عُمر فرار می کرده جناب وهابی چه جوابی برای این روایات داری که بطور یقین تا روز قیامت و روز قیامت جوابی نخواهی داشت؟

نبی اکرم به عمر ابن الخطاب فرمود: به آن خدایی که جانم در ید قدرت اوست هرگز شیطان تو را در راهی نمی بیند مگر آنکه راه دیگری می روی (۱)

والذی نفسی بیده ما لقیک الشیطان قط سالکافجالا سلک فجایر فجک،

نبی اکرم فرمود: هر آینه، شیطان از تو می ترسد

ان الشیطان لیخاف منک یا عمر (۲)

رسول اکرم فرمود: من می بینم که شیاطین جن و انس از عُمر فرار کردند (۳)

انی لانظر الی شیاطین الجن و الانس قد فروا من عمر

نبی اکرم فرمود: ای عُمر همانا شیطان از تو جدا می شود و دور می گردد

. ان الشیطان لیفرق منک یا عمر (۴)

رسول اکرم فرمود: شیطان از صدا و سایه عُمر فرار می کند

ان الشیطان لیفر من حس عُمر (۵)

این حدیث با آیات قرآن و قانده عقلی و نقلی، مخالف است، جناب وهابی در صورتی که به گفته شما، همان شیطان در قضیه ی غرانیق به زبان پیامبر انداخت که بگوید: انهن الغرانیق العلی آیا شیطان از عمر می ترسید ولی به زبان پیامبر، کفر جاری ساخت؟ شیطان از هیچ پیامبری و بنی بشری فرار نکرده و نخواهد کرد، حتی

ص: ۵۳۴

۱- ۱. صحیح بخاری ج ۴ ص ۱۵۳ و ج ۵ ص ۱۳ و ج ۸ ص ۲۸؛ صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۸۶۳

۲- ۲. سنن الترمذی ج ۵ ص ۶۲۰،

- ٣-٣. السنن الكبریٰ نسایی ج ٨ ص ١٨٢
- ٤-٤. مسند احمد حنبل ج ٥ ص ٣٥٣ و ج ٦ ص ٤٨٥؛ سنن ترمذی ج ٢ ص ٢٩٣
- ٥-٥. الرياض النضره طبری ج ٢ ص ٣٠١

شیطان باعث اخراج آدم و حوا؛ از بهشت [دنیوی] شد، و ناله حضرت ایوب، را، بلند کرد که خدایا شیطان به من زیاد سختی رسانده به من رحم کن، قرآن کریم به پیامبر اسلام، دستور می دهد، هر وقت می خواهی قرآن بخوانی از شر شیطان به من پناه ببر که در مجلس تو حاضر نشود _ سوره اعراف آیه ۲۷ _ {لا یفتنکم الشیطان کما اخرج ابوبکم من الجنه}؛ سوره صاد آیه ۴۱ _ {واذکر عبدنا ایوب اذ نادى ربه انى مسنى الشیطن بنصب و عذاب}؛ سوره صاد آیه ۴۱ _ {واذکر عبدنا ایوب اذ نادى ربه انى مسنى الشیطن بنصب و عذاب،} سوره فصلت آیه ۳۶ و سوره نحل آیه ۹۸ _ {فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم،} سوره مومنون آیه ۹۷ و ۹۸ {و قل رب اعوذبک من همزات الشیاطین و اعوذبک رب ان یحضرون} ... سوره الناس آیه ۱ الی ۴؛ از جمله مناقبی که برای خلیفه دوم در کتب اهل سنت ذکر شده و مخالف قرآن و عقل و سنت نبوی است این روایت است که نبی اکرم نگاهی به عمر ابن الخطاب انداخت و فرمود: خداوند به عبادت بندگان بطور عموم و به عمر بطور خصوص فخر و مباهات می کند _ ان الله باهى بعباده عامه و بعمر خاصه (۱)

ان الله عزوجل باهى ملائکته بعباده عامه باهى بعمر بن الخطاب خاصه (۲) _ ان الله باهى ملائکته ليله عرفه باهل عرفه عامه و باهى بک خاصه (۳)؛

یعنی طبق این روایت مقام عمر ابن الخطاب از تمام پیامبران و خلائق افضل تر می باشد چرا؟ چون این روایت اشاره دارد که رحمت خاص و ویژه خداوند فقط و فقط شامل عمر شود؛ با اینکه رسول اسلام رحمت للعالمین است بعکس روایاتی در منابع اهل سنت آمده که نبی اکرم فرمود: خداوند در شامگاه عرفه به همه شما مباهات نموده و همه را آمرزید و به علی به شکل خاص و ویژه مباهات نمود _ ان الله باهى بکم و غفرلکم عامه و لعلی خاصه (۴) _ در روایت دیگر نبی اکرم فرمود: خداوند به من و عمویم عباس و برادرم علی ابن طالب بر ساکنان آسمان و حاملان عرش و ارواح

ص: ۵۳۵

۱- ۱. المعجم الاوسط طبرانی ح ۱۲۷۳

۲- ۲. المعجم الکبیر طبرانی ح ۱۱۲۷۴

۳- ۳. امالی جرجانی ح ۲۲۵؛ السنه ابن ابی عاصم ح ۱۰۶۵؛ معرفه الصحابه ابی نعیم ح ۵۶۸۲؛ تاریخ دمشق ابن عساکر رقم حدیث ۴۶۵۷۵؛ اسد الغابه ح ۱۲۲۳

۴- ۴. المعجم الکبیر طبرانی ج ۲۲ ص ۴۱۵ ح ۱۰۲۶، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۹ ص ۱۶۹

پیامبران و ملائکه آسمانها مباحث نمود (۱)

ان الله باهى بي و بعمى العباس و باخى على ابن ابى طالب سكان الهواء و حملة العرش و ارواح النبيين و ملائكة سموات (۲)

از جمله فضایلی که برای خلیفه دوم عمر ابن الخطاب، منابع اهل سنت نقل کرده اند و دلیل بر برتری او بر تمام پیامبران است و خلاف قرآن و عقل می باشد این است که از قول نبی اکرم نقل کرده اند که نبی اسلام در روز بدر به عمر ابن الخطاب فرمود: اگر عذاب الهی فرود می آمد هیچ کس از ما جزء عمر، نجات نمی یافت

لونزل العذاب ما نجى الا عمر بن الخطاب (۳)

لو نزل من السماء الى الارض عذاب ما نجا منه الا عمر (۴)

لو عذبنا في هذا الامر يا عمر ما نجا غيرك (۵)

لو نزل من السماء نار لما نجا منها الا عمر (۶)

این حدیث جعلی و نامعقول و با آیه ۳۳ سوره انفال در تضاد است،

ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم

ای پیامبر تا تو در میان امت باشی، خداوند آنها را عذاب نخواهد نمود، از جمله روایات جعلی که در منابع اهل سنت آمده این است که از زبان پیامبر اکرم به دروغ نقل کرده اند که پیامبر فرمود: اگر من مبعوث به رسالت نمی شدم عمر، پیامبری می شد

لولم ابعث فيكم لبعث عمر (۷)؛ لو كان من بعدى نبى لكان عمر ابن الخطاب (۸)

ص: ۵۳۶

۱- ۱. کنز العمال متقی هندی ج ۱۱ ص ۴۵۴ ح ۳۲۱۳۳ -

۲- ۲. تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج ۲۶ ص ۳۲۳؛ جواهر المطالب ابن دمشقی ج ۱ ص ۱۰۱؛ فضائل الصحابه احمد ح ۲۴۳ ص ۱۷۲؛ مناقب ابن مغزلی ح ۱۵۶؛ فضائل الصحابه احمد ج ۲ ص ۶۵۸ ح ۱۱۲۱ مکتبه شامله

۳- ۳. ارشیف ملتقی اهل الحدیث ج ۵۵ ص ۳۱۸ ذیل آیه ۶۷ سوره انفال

۴- ۴. تفسیر طبری ذیل آیه ۶۷ سوره انفال ح ۱۶۳۱۹

۵- ۵. ریاض النضره طبری ج ۲ ص ۲۴۹ ح ۶۰۹

۶- ۶. تفسیر کشف ج ۲ ص ۶۰۰؛ جامع المسائل الحدیثیه کتاب القرآن ابی معاذ طارق بن عوض الله بن محمد ص ۳۲۵ معالم التنزیل ج ۳ ص ۳۷۷ [تفسیر بغوی] الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی ج ۱۶ ص ۴۸؛ الشفاء بتعریف حقوق المصطفی

ص ٨١٩، تاويل المختلف الحديث ابن قتيبه ص ٣٢٦؛ حاشيه محى الدين شيخ زاده، القوجوى الحنفى ص ٤١٩؛

٧-٧. الموضوعات الكبرى ابن جوزى ح ٥٠٦.

٨-٨. مسند احمد _ مسند الشاميين ح ١٦٩٥٢ سنن ترمذى ح ٣٦٨٦ كتاب المناقب _ لوكان بعدى نبى لكان عمر، قال هذا

حديث حسن غريب المستدرک حاكم نيشابورى ح ٤٥٥١ _ هذا حديث صحيح الاسناد، كنز العمال ج ١١ ص ٥٧٩ و ج ١٢ ص

٥٩٤ المعجم الكبير طبرانى ج ١٧ ص ٢٩٨

به نقل از سایت موقع الاسلام الدعوی و الارشادی، اشراف معالی الشیخ: صالح بن عبدالعزیز بن محمد بن ابراهیم آل شیخ، و این روایت خلاف کلام خداوند در قرآن است چرا؟ زیرا خداوند در سوره نساء آیه ۱۶۳ می فرماید: ما بسوی تو وحی نمودیم، همانطور که به نوح و سایر پیامبران پس از وحی فرستادیم

{انا اوحینا الیک كما اوحینا الی نوح و النبین من بعده،}

و نیز خداوند در سوره احزاب آیه ۷ می فرماید: و ما از تو و پیامبرانی چون نوح و ابراهیم و موسی و عیسی، پیمان و میثاق محکم گرفتیم {و اذا اخذنا من النبین میثاقهم و منک و من نوح}..

آیا ممکن است کسی که از او پیمانی نگرفته اند مبعوث شود و آنکه از او پیمان گرفته شد برانگیخته نگردد؟ از جمله، روایات جعلی دیگر در باب منقبت عمر ابن الخطاب در منابع سنی ها این روایت است که می گویند، نبی اکرم فرمود: عمر ابن الخطاب چراغ اهل بهشت است

عمر سراج اهل الجنة(۱)

معنی این حدیث این است که نور پرتو وجود، عمر ابن الخطاب بالاتر از انوار پیامبران است، علاوه بر آن اگر نور عُمر، بهشت را برای همه اهل بهشت روشن سازد، در حالی که پهنای بهشت به گستردگی آسمان و زمین است و روشنی او، روشنی تمام جهان خواهد بود و طبیعتاً تمام پیامبران نیازمند به نور او هستند و این حرف کمتر از آن نیست که بگویند او بالاتر از همه پیامبران است، عُمر چگونه چراغ اهل بهشت می شود در حال که انبیاء و در آن میان پیامبر خدا در بهشت می باشند؟ اصلاً مگر بهشت نیاز به چراغ دارد، این حدیث خلاف عقل و قرآن است، قرآن در سوره انسان آیه ۱۳ می فرماید: اهل بهشت دیگر نور خورشید را مشاهده نمی کنند، چه برسد اینکه عُمر، چراغ اهل بهشت باشد، لایرون فیها شمساً، از جمله روایات عجیب

ص: ۵۳۷

۱- ۱. صواعق المحرقة ابن حجر ص ۹۷؛ کشف الاستار هیشمی ح ۲۳۵۸، حلیه الاولیاء ابونعیم ح ۹۰۷۷، فضائل الصحابه احمد ح ۵۶۷، فضائل الخلفاء الراشدین ابی نعیم ح ۵۶، معرفه الصحابه ابی نعیم ح ۱۸۹؛ تاریخ بغداد ح ۳۹۹۸، الشریعه للاجری ح ۱۳۸۶، تاریخ دمشق ح ۴۶۷۰۱ شرح مذاهب اهل السنه ابن شاهین ح ۱۲۳؛ التدوین فی اخبار قزوین، رافعی ح ۱۴۰۳.

و غریب که اهل سنت نقل کرده اند، حاکم در المستدرکش (۱) در باب مناقب عمر ابن الخطاب می نویسد: اولین کسی که خداوند با او معانقه می کند در روز قیامت عمر است، اولین کسی که خداود با او مصافحه می کند روز قیامت عمر است، اولین کسی که خداوند، دستش را می گیرد و بسوی بهشت می برد عمر است

اول من یعانقه الحق يوم القيامة عمر، و اول من يصافحه الحق يوم القيامة عمر و اول من يوخذ بيده فينطلق به الى الجنة عمر ابن الخطاب (۲)

این حدیث دارد اشاره می کند که خداوند جسم و هیكل است و با عمر، روبوسی و سلام و علیک می کند و با عمر دست می دهد، و خداوند از این توصیفات مبراء و منزه است، و این حدیث جعلی و نامعقول می خواهد بگوید رحمت ویژه خداوند در قیامت فقط شامل عمر می شود و عمر ابن الخطاب زودتر از تمام پیامبران به رحمت خاص و ویژه می رسد و نائل می گردد، نبی اکرم فرمود: هر گاه جبرئیل در نزول وحی، تاخیر می کرد من خیال می کردم که وحی را بر عمر نازل کرده است (۳)

ما ابطاعتی جبرئیل الاظننت انه بعث الی عمر

یعنی با مفهوم این حدیث اهل سنت ثابت می شود، نبی اکرم طبق قول راویان اهل سنت در نبوت و پیامبری خود، شک و تردید، داشته و عمر را لایق تر از برای نبوت، نعوذبالله می دانسته، ابن تیمیه، رهبر فکری و اعتقادی، وهابیت و تکفیری ها خود را بالاتر از پیامبران و در حد انبیاء می داند؟ ابن تیمیه (۴) می نویسد: بینا کردن کور؛ شفا دادن بیماری برص، زنده کردن مُردگان و مانند این امور، را از خودمان بعید نمی دانیم و نحن لانحس من انفسنا عجزا عن ابراء الای-کمه و الایبرص و احیاء الموتی و نحو هذه الامور

ابن قیم جوزیه، شاگرد ابن تیمیه صراحتاً در رابطه با استادش ابن تیمیه می گوید: من بارها دیده ام که استادم ابن تیمیه از غیب خبر می داد؛ ایشان یکبار گفت که: وقتی مغول به طرف شام حمله می کند، یقین بدانید که اینها شکست می خورد، بعضی اعتراض کردند که جناب ابن تیمیه، آینده را جزء خدا نمی داند شما ۷۰ بار

ص: ۵۳۸

۱- ۱. حدیث ۴۴۲۷.

۲- ۲. سنن ابن ماجه ح ۱۰۱_ واول من یسلم علیه و اول من یأخذ بیده فیدخله الجنة، فضائل الصحابه احمد ح ۵۲۴؛ المعجم الاوسط ح ۴۴۴۲؛ السنه ابن ابی عاصم ح ۱۰۴۲، تاریخ دمشق ابن عساکر ح ۴۶۶۸۰.

۳- ۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۲ ص ۱۷۸

۴- ۴. در کتاب النبوات ج ۱ ص ۳۲

قسم می خورید؟ لا اقل بگو، ان شاء الله گفت نمی گویم گفتند: از کجا می دانی؟ گفت: در لوح محفوظ نگاه کردم و دیدم که نوشته شده، قوم تاتار، شکست می خورد(۱) ابن قیم می گوید: ابن تیمیه بارها به من می فرمودند: مردم که پیش من می آیند من باطن آنها را می بینم بعضی ها، چنین اند و بعضی ها چنان، ولی دهانم بسته شده و نمی توانم آنها را، بازگو کنم(۲)

یدخل علی اصحابی و غیرهم فاری فی وجوههم و اعینهم اموراً لا اذکرها لهم فیقال له قل ان شاء الله فیقول: ان شاء الله تحقیقاً لا تعلیقاً _ قلت: لانکتروا؛ کتب الله تعالی فی اللوح المحفوظ انهم مهزمون فی هذه الکرة و ان النصر لجیوش الاسلام

ابن قیم جوزیه شاگرد، ابن تیمیه می گوید: چندین بار، ابن تیمیه از امور باطنی که من قصد داشتم تا آنها را انجام دهم، خبر داد، اما زمان وقوع آنها، مشخص نساخت و من برخی از آنها را، با چشمان خود، دیدم و منتظر بقیه آن بودم و آنچه بزرگان از یاران او مشاهده کرده اند به مراتب بیش از آن است که من بیان کردم(۳) و اخبرنی غیر مره بامور، باطنه تختص بی مما عزمت علیه و لم ینطق به لسانی و اخبرنی ببعض حوادث کبار تجری فی المستقبل و لم یعین اوقاتها و قد رایت بعضها....

در منابع اهل سنت آمده، پسر احمد حنبل می گوید بعد از مرگ پدرم احمد حنبل، ایشان در خوابم آمد، گفتم بابا، از آن دنیا چه خبر آیا نکیر و منکر سراغت آمدند گفت بله آمدند و گفتند خدای تو کیست؟ گفتم سبحان الله، آیا شما دو نفر خجالت نمکشید که درباره خدا، از من سوال می کنید نکیر و منکر گفتند: از تو عذر می خواهیم خدا بما چنین دستوری داده بود از این قضیه چنین قلمداد می شود که خدا و نکیر و منکر نباید از او سوال کنند و احمد حنبل خود را از خدا و نکیر و منکر افضل می داند که هیچ کس حتی خدا و ماموران خدا، نباید از او بازخواست کنند،(۴) قلت: جاءک منکر و نکیر؟ قال: نعم قالالی من ربک؟ قلت: سبحان الله اما تستحیان منی؟ فقالالی یا ابا عبدالله اعذرنا بهذا امرنا

قرآن کریم در سوره اعراف آیه ۶ می فرماید: به یقین هم از کسانی که پیامبران

ص: ۵۳۹

۱-۱. مدارج السالکین ج ۲ ص ۴۸۹

۲-۲. مدارج السالکین ج ۲ ص ۴۹۰

۳-۳. مدارج السالکین، محمد بن ابی بکر ایوب الزرعی ج ۲ ص ۴۹۰

۴-۴. مناقب ابن جوزی در مناقب احمد ص ۶۰۶ باب ۹۲

بسوی آنها فرستاده شدند سوال خواهیم کرد و هم از پیامبران سوال می کنیم فلنستلن الذین ارسل الیهم و لنستلن المرسلین (۱) لایستل عما یفعل و هم یستلون،

با این دلایل فراوان که حقیر از قرآن و روایات شیعه و سنی و حتی سایت های وهابیت آوردم، که اکثر آن روایت صحیح متواتر و مستفیظ بود.

در باب برتری ائمه ۱۲ گانه شیعه بر تمام پیامبران غیر از رسول اسلام، ولی باز رهبران عقیده ای وهابیت شیعه امامیه، را در این باب، غالی و مشرک می دانند _ ابن تیمیه (۲) می نویسد: رافضه [شیعیان] نسبت به پیامبران و ائمه شان، غلو کردند و آنها را بعنوان خدا، گرفتند و مساجد را تعطیل کرده به سر قبور ائمه شان می روند (۳)

باز می نویسد: شیعیان در مورد علی علیه السلام ادعای الوهیت می کنند و اینها از یهود بدترند، شیخ محمد بن عبدالوهاب می گوید: شیعیان ائمه شان را بالاتر از انبیاء و پیامبران می دانند و حتی ائمه، را در حد رسول اسلام یا برتر از او قرار داده اند (۴) و كذلك الرافضه موصوفون بالغلو عند الامه فان فیهم من ادعی الالهیه فی علی علیه السلام ، و هولاء شر من النصاری و فیهم من ادعی النبوه فیه و من اتبت نبیاً بعد محمد فهو شیهه باتباع مسیلمه الکذاب و امثاله من المتنبین الا ان علیاً رضی الله عنه بری من هذه الدعوه بخلاف من ادعی النبوه لنفسه کمسیلمه و امثاله (۵) و كذلك الرافضه علوا فی الرسل بل فی الائمته حتی اتخذوهم ارباباً من دون الله فترکوا عبادہ الله وحده لا شریک له التي امرهم بها الرسل.... و یعظمون المشاهد المبنیه علی القبور فیعکفون علیها مشابہه للمشرکین و یحجون الیها کما یحج الحاج الی البیت العتیق ... (۶)

کذلك غلاه الرافضه اطروا، اهل البیت حتی ساووهم بالانبياء _ الرساله فی الرد علی الرافضه، شیخ محمد بن عبدالوهاب، به همین مقدار جواب در، رد، شبهات رسانه های تکفیری وهابی، بسنده می کنم، از خداوند و اهل بیت می خواهم این کتاب

ص: ۵۴۰

-
- ۱- ۱. سوره انبیاء آیه ۲۳
 - ۲- ۲. در منهاج السنه ج ۱ ص ۴۷۴
 - ۳- ۳. در منهاج السنه ج ۶ ص ۱۸۷
 - ۴- ۴. مجموعه المؤلفات ج ۶ ص ۶۷، کتاب فتاوی اللجنة الدائمہ للبحوث و الافتاء ج ۱ ص ۱۰۷ فتاوی شماره ۷۹۷۲
 - ۵- ۵. منهاج السنه ابن تیمیه ج ۶ ص ۱۸۷ مکتبه شامله
 - ۶- ۶. منهاج السنه ج ۱ ص ۴۷۴ مکتبه شامله

را چراغی فروزان برای مسلمین خصوصاً نسل جوان شیعه در تاریکی های شبهات شیاطین جن و انس و رهنمان صراط مستقیم
قرار دهد، امین یا رب العالمین بحق محمد و اله الطیبین و الطاهرین

۲۹/۱۰/۱۳۹۴ «مداح ابن مالک»

ص: ۵۴۱

قبل از آنکه از کلیه عزیزانی که در تدوین و آماده سازی این کتاب حقیر را همیاری داده اند تشکر کنم اشاره کنم برادران محترم اهل سنت طبق روایت صحیحی که منابع مختلف حدیثی و تاریخی شما نقل کرده اند مولا علی از تمام پیامبران غیر از رسول اسلام افضل است توجهی عمیق به این روایت داشته باشید تا حق که روشن تر از آفتاب است بر شما طلوع بیشتری داشته باشد و پرده های ضخیم تعصب را از دیدگان شما کنار بزند - نبی اسلام فرمود: هر پیامبری وصی و جانشین دارد وصی و جانشین من علی ابن ابی طالب است همانا خداوند زمانی که از پیامبران که در صلب و کمر آدم بودند میثاق و عهد و پیمان گرفت من را سید و سرور پیامبران قرار داد و وصی من علی را سید الاوصیاء تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۹۲ لکل نبی وصی و ان علیا وصی و وارثی - لما اخذ میثاق النبیین اخذ میثاقک فی صلب آدم فجعلک سید الانبیاء و جعل وصیک سید الاوصیاء علی ابن ابی طالب) العسل المصفی من تهذیب زین الفتی فی شرح سوره هل اتی (العاصمی) ج ۱ ص ۱۳۲ - معجم الکبیر ج ۳ ص ۵۷ - مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۶۵ - مرحوم شیخ ابی الفتح الکرآجکی در الرساله العلویه فی فضل امیر المومنین علی سائر البریه ج ۱ ص ۷۹ می نویسد: وصی حضرت آدم - شیث بود و شیث پیامبر بود وصی ابراهیم؛ اسماعیل بود و اسماعیل پیامبر بود وصی موسی - یوشع بود و یوشع پیامبر بود و در ضمن مولا علی وصی و جانشین و وارث نبی اکرم بوده و نبی اکرم افضل از تمام انبیاء است و وصی و جانشین او نیز افضل از پیامبران غیر از رسول اسلام است - اما بررسی سندی روایت ابن عساکر درباره وصی بودن امام علی

(۱) ابوالقاسم اسماعیل بن احمد سمرقندی م ۵۱۶ تذکره الحفاظ ج ۴ ص ۱۲۶۳ حافظ وثقه است - سیر اعلام النبلاء ج ۲۰ ص ۲۸ کان مکثرا ثقه طبقات الشافعیه ج ۷ ص ۴۶ ش ۷۳۵ المخلصیات ج ۳ ص ۱۳۳ (۲) احمد بن عبدالله بن نقور

سیراعلام النبلاء ج ۱۸ ص ۳۷۲- ج ۱۳ ص ۴۷۰ ش ۴۲۷۲ الشیخ الجلیل الصدوق (۳) علی بن جراح وزیر سیراعلام النبلاء ج ۱۶ ص ۵۴۹- تاریخ بغداد ج ۱۱ ص ۱۷۹ ش ۵۸۹۱ وکان ثبت السماع صحیح الکتاب (۴) عبدالله بن محمد بغوی لسان المیزان ج ۳ ص ۴۱۶ ش ۴۷۵۷- تذکره الحفاظ ج ۲ ص ۷۳۷- سیراعلام النبلاء ج ۱۴ ص ۴۴۱ الحافظ الامام الحجه (۵) محمد بن حمید رازی تهذیب التهذیب ج ۹ ص ۱۱۱ ش ۱۸۱ بن حمید ثقه کتب عنه یحیی و روی عنه من یقول فیه هوا کبر منهم (۶) علی بن مجاهد کابلی تهذیب التهذیب ج ۷ ص ۳۳۰- الثقات ش ۴۵۹۸ علی بن مجاهد و هو عندی ثقه تهذیب التهذیب ش ۶۱۲ ج ۷ ص ۳۷۷- (۷) محمد بن اسحق بن یسار تاریخ الثقات ص ۴۰۰ ش ۱۴۳۳ الثقات ابن حبان ش ۱۰۵۳۴- (۸) شریک بن عبدالله ابو عبدالله نخعی تقریب التهذیب ج ۴ ص ۲۹۴ الی ۲۹۶- و هو ثقه ثقه الثقات ج ۶ ص ۴۴۴ ش ۸۵۰۷- (۹) ابوریعه ایادی عمر بن ربیع تقریب التهذیب ج ۲- ص ۴۲۱ موسوعه رجال الکتب التسعه ج ۴ ص ۳۹۵ ش ۱۱۳۱۷ الجرح و التعدیل رازی ج ۴- ص ۳۶۷ شریک ثقه- الجرح و التعدیل ج ۶ ص ۱۰۹ ش ۵۷۵ کوفی ثقه (عمر بن ربیع)

(۱۰) عبدالله بن بریده بن حصیب اسلمی الجرح و التعدیل ج ۵ ص ۱۳ ش ۶۱ عن یحیی بن معین: قال عبدالله بن بریده ثقه

(۱۱) بریده بن حصیب اسلمی (صحابی) الاصابه ج ۱ ص ۱۴۶ ش ۶۳۲- (ج ۱ ص ۴۱۸) مکتبه شامله- در پایان و خاتمه کتاب- از جناب شیخ ایرج متقی زاده ریاست محترم نشر میراث ماندگار- جناب دکتر فهیمی که کار تایپ- حروفچینی- ویرایش و صفحه آرایی را به احسن وجه انجام دادند- از جناب شیخ وحید خورشیدی کارشناس پاسخ به شبهات شبکه ولایت که در بعضی از مطالب عربی و حدیثی کتاب بنده را مساعدت فرمودند از جناب خانم حق شناس- آزاده خاورانی و زهرا آبادی که تایپ های اولیه کتاب را با حوصله انجام دادند از همه این بزرگواران تقدیر و تشکر ویژه به عمل می آید.

مداح ابن مالک

(۲) محرم الحرام ۱۴۳۹- مهرماه ۱۳۹۶

ص: ۵۴۳

۱_ سایت اسلام ويب [مرکز فتاوی _ تفسیر و حدیث و هابیت]

۲_ سایت مکتبه شامله [اهل سنت]

۳_ سایت مکتبه وقفیه اسلامیة _ [اهل سنت]

۴_ سایت مکتبه فقاہت [شیعہ]

۵_ سایت حضرت ولی عصر علیہ السلام [شیعہ]

۶_ سایت تالار ندای شیعہ

۷_ سایت موقع الاسلام الدعوی و الارشادی آل شیخ [وهابیت]

۸_ کتاب شبهای پیشاور [۳ جلدی با تحقیق عبدالرضا درایتی]

۹_ کتاب گروه رستگاران _ سلطان الواعظین شیرازی

۱۰_ امالی شیخ صدوق

۱۱_ علل الشرایع صدوق

۱۲_ توحید _ شیخ صدوق

۱۳_ عیون الاخبار الرضا _ صدوق

۱۴_ سوالات ما _ حسین تهرانی

۱۵_ تفسیر المیزان _ علامه طباطبائی

۱۶_ تفسیر نمونه _ آیه الله مکارم شیرازی

۱۷_ طرائف _ سید ابن طاوس

۱۸_ حق الیقین _ علامه مجلسی

۱۹_ حیاہ القلوب _ مجلسی

۲۰_ الغدير _ علامه امینی

۲۱_ علی در کتب اهل تسنن _ آیه الله موسوی همدانی

۲۲_ كشف اليقين علامه حلی

۲۳_ احتجاج _ شیخ طبرسی

۲۴_ ارشاد _ مفید

۲۵_ شبهات غدیر _ سید مجتبیٰ عصیری

۲۶_ خدای وهابیت _ عصیری

ص: ۵۴۴

۲۷_ شبهات فاطمیه _ عصیری

۲۸_ مناقب اخطب خوارزمی حنفی

۲۹_ ینایع الموده قندوزی حنفی

۳۰_ شواهد التنزیل _ حاکم حنفی

۳۱_ حدیقه الشیعه _ مقدس اردبیلی

۳۲_ امام شناسی _ رضوانی

۳۳_ براهین و نصوص امامت _ ربانی گلپایگانی

۳۴_ النصوص _ آقاداتی

۳۵_ بشاره المصطفی _ طبری

۳۶_ اهل بیت در قرآن و حدیث _ ری شهری

۳۷_ دانش نامه امیرالمومنین _ ری شهری

۳۸_ مائه منقبه ابن شاذان

۳۹_ المراجعات _ سید شرف الدین

۴۰_ امامت و خلافت _ سید اسدالله هاشمی

۴۱_ آیات ولایت در قرآن _ آیه الله مکارم

۴۲_ اهل بیت از دیدگان قرآن و سنت [ابن مالک] از همین نویسنده

۴۳_ پرتوی از امامت در قرآن و سنت [ابن مالک] از همین نویسنده

۴۴_ جنه العاصمه _ آیه الله میرجهانی

۴۵_ جلاء العیون مجلسی

۴۶_ سایت مکتبه قائمیه اصفهان

۴۷_ معانی الاخبار _ صدوق

۴۸_ اصول کافی _ کلینی

۴۹_ روضه کافی _ کلینی

۵۰_ امام علی مظلوم تاریخ _ رضوانی

۵۱_ نهج البلاغه _ دشتی

۵۲_ قرآن کریم

۵۳_ سیمای امیرالمومنین در قرآن _ سید جواد رضوی

۵۴_ اثبات ولایت امیرالمومنین در قرآن و سنت [عبدالصمد ساکی]

۵۵_ سایت سنت [شیعه] و

ص: ۵۴۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

